



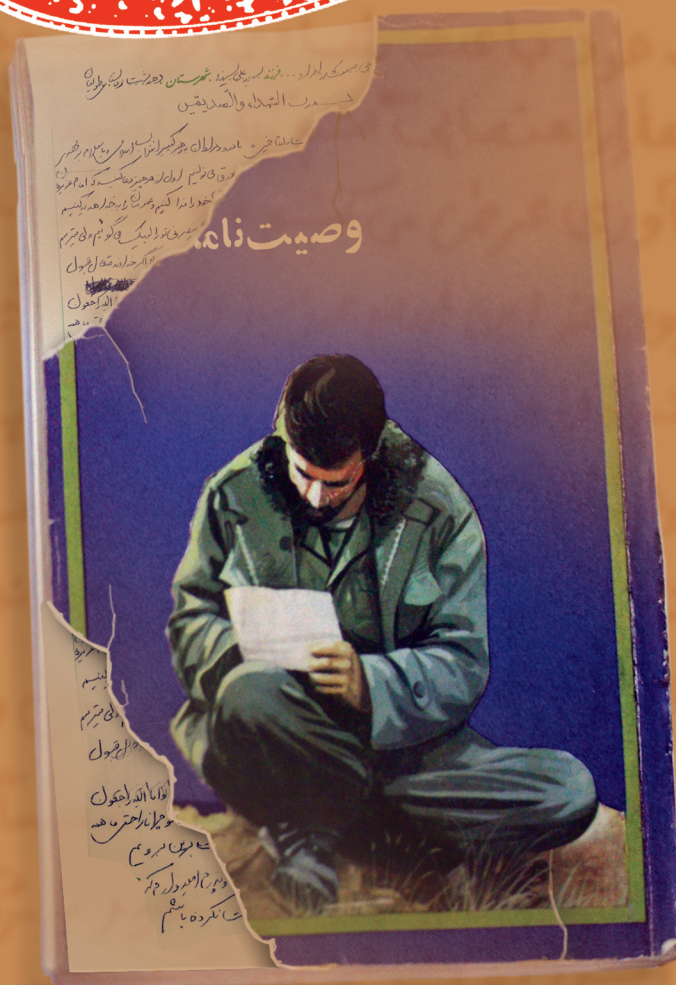
نهاد شاهد

آثار و اسناد شهدا و ایثارگران (۲۰)

وصیت نامه کامل شهدا

استان ایلام

دفتر سوم



امام خمینی: این وصیت نامه هایی که این عزیزان می نویسند، مطالعه کنید  
پنجاه سال عبادت کردید و خدا قبول کند، یک روز هم یکی از این وصیت  
نامه ها را بگیرد و مطالعه کنید و تفکر کنید.

صحیفه نور، جلد ۱۵ ص ۳۲

مقام معظم رهبری: منشور رسمی و قانونی انقلاب و کشور عبارت است  
از قانون اساسی ما... منشور معنوی انقلاب هم وصیت نامه ای امام و وصیت  
نامه های شهداست....

نماز جمعه تهران آذر ماه ۸۱

به کوشش: دکتر منوچهر اکبری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



آثار و اسناد شهدا و ایثارگران (۲۰)

وصیت نامه کامل شهدا

استان ایلام



دقتر سوم

صح - مر

صحرائی، حمیدرضا - مرادی طولابی، میرزا

به کوشش:

دکتر منوچهر اکبری



سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران

اداره کل اسناد و انتشارات

پاییز ۱۳۹۴

سرشناسه: اکبری، منوچهر ۱۳۳۵-گردآورنده

عنوان و نام پدیدآور: وصیت‌نامه کامل شهدا/ استان ایلام/ دفتر سوم صح- مر(صحرائی- مرادی طولابی) / اداره کل اسناد و انتشارات  
مشخصات نشر: تهران، بنیاد شهید و امور ایثارگران، معاونت فرهنگی و امور اجتماعی، اداره کل اسناد و انتشارات، نشر شاهد، ۱۳۹۴  
مشخصات ظاهری: ۶۸۷ صفحه، مصور، نقشه  
فروست: آثار و اسناد شهدا و ایثارگران: ۲۱، ۲۰، ۱۹، ۱۸  
شابک: ۲- ۵۱۵-۳۹۴-۹۶۴-۹۷۸  
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

مندرجات: ج. ۳. دفتر سوم صح- مرا (صحرائی، حمیدرضا- مرادی طولابی، حمیدرضا)  
موضوع: شهیدان-- ایران-- ایلام (استان)-- وصیت نامه ها  
موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷. شهیدان-- وصیت نامه ها  
شناسه افزوده: سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران- نشر شاهد  
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۳ و ۵۴ و ۶۸۲۴ الف / ۱۶۲۵ DSR  
رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲۲  
شماره کتابشناسی ملی: ۳۵۴۴۸۹۲



اداره کل اسناد و انتشارات

آثار و اسناد شهدا و ایثارگران (۲۰)

وصیت‌نامه کامل شهدای استان ایلام ♦ دفتر سوم صح- مر (صحرائی- مرادی طولابی)

به کوشش: دکتر منوچهر اکبری (استاد دانشگاه تهران)

نوبت چاپ: چاپ اول پاییز ۱۳۹۴ ♦ تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

مدیر تولید: محبوب شهبازی ♦ ناظر فنی: رضا حاجی آبادی

مستند سازی اسناد: یوسف قدیانی ♦ هماهنگی تولید: زهرا شیرکوند

ناظر چاپ: شاپور محمد حسن زاده ♦ صفحه آرایی: نسترن حاجی‌زاده سابق

نمونه‌خوانی: لیزا افشار تاجری ♦ حروف‌چینی: مینا صفری

امور لیتوگرافی، چاپ و صحافی: مجتمع چاپ کوثر

قیمت: ۳۰۰/۰۰۰ ریال ♦ شابک: ۲-۵۱۵-۳۹۴-۹۶۴-۹۷۸

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به بنیاد شهید و امور ایثارگران است.

نشانی: تهران- خیابان آیت‌الله طالقانی- خیابان ملک‌الشعراي بهار شمالی- شماره ۵ معاونت فرهنگی و امور اجتماعی بنیاد شهید و امور ایثارگران- نشر شاهد تلفن: ۸۸۳۰۸۰۸۹-۸۸۳۰۹۲۴۹ ♦ توزیع: مؤسسه فرهنگی هنری شاهد ♦ مرکز پخش: تهران ۶۶۴۹۱۸۵۱؛ فروشگاه‌های نشر شاهد و سایر فروشگاه‌های معتبر

www.navideshahed.com

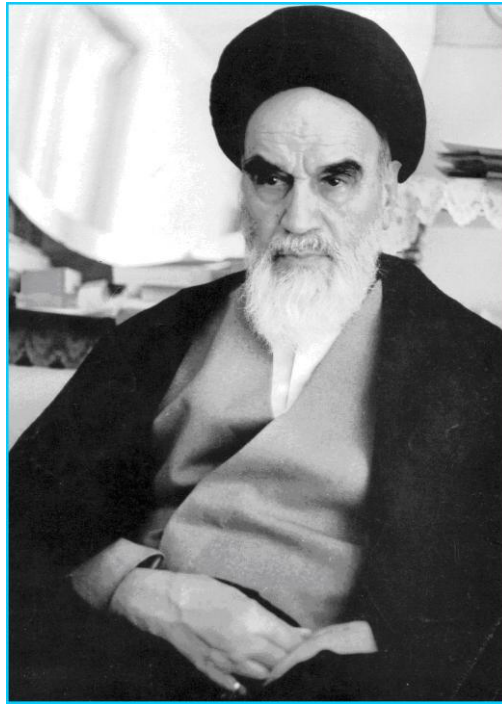
## فهرست

۱۵۲	عبدی، جهانبخش	۱۱	سخن ناشر
۱۵۶	عبدی، سعید	۱۵	صحرائی، حمیدرضا
۱۵۹	عبدی، نورالدین	۳۴	صحرائی، علی محمد
۱۶۲	عبدیان، علی نظر	۳۸	صحرائی، هدایت
۱۶۵	عزت پناهی، مصطفی	۴۴	صحرائی، یارمحمد
۱۷۰	عزیززاده، نجف	۵۰	صفری، علی
۱۷۳	عزیزی، رشید	۶۰	صفری، علی محمد
۱۷۶	عزیزی، کرم الله	۶۷	صفری، محسن
۱۸۱	عزیزی، ماشاالله	۷۳	صفری، مراد
۱۸۷	عزیزی، نجات	۷۶	صیدبیگیان، علی نظر
۱۸۹	عسگری، کریم	۸۴	صیدکریمی، صادق
۱۹۱	عسگری نیا، مجتبی	۱۰۲	صیدمرادی، عباس
۱۹۶	عصمت، علی	۱۰۸	صیدی، احمد
۲۰۰	علوانی، عبدالنبی	۱۱۱	طاهری نسب، ایرج
۲۰۳	علوی فیلی، ناصر	۱۱۵	طوقانی، فریدون
۲۱۴	علی حسینی، شریف	۱۱۹	طهماسبی، حیات
۲۱۹	علی رحمی، کرم	۱۲۴	عباسی، اسد
۲۲۲	علیزاده، پیرولی	۱۲۸	عباسی، محمدتقی
۲۲۵	علیزاده، علی	۱۳۳	عباسی، محمود
۲۳۳	علیزاده، نامخاص	۱۳۹	عباسی، ولی الله
۲۳۹	علی کریمی، فرزاد	۱۴۵	عبداللهی، سرحد
۲۴۲	علی محمدی، علی احمد	۱۴۹	عبدالی، ستار

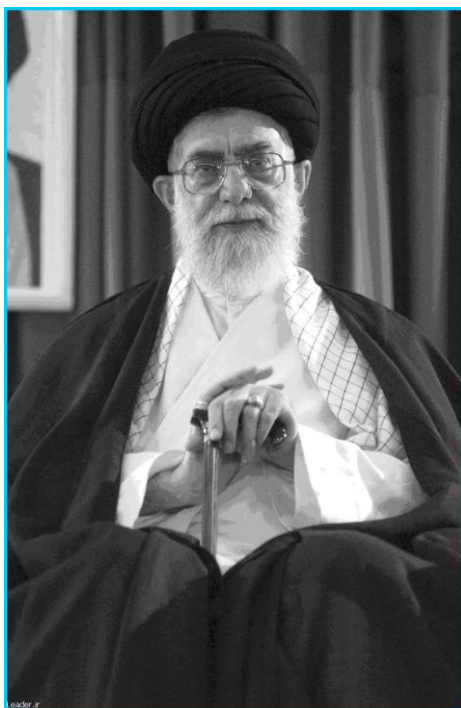
۳۴۳	قربانی، نورمحمد	۲۴۷	علیمرادی، غلامرضا
۳۶۲	قطیان، کرم	۲۵۳	عوضی، غضبان
۳۶۶	قیصریگی، سعدالله	۲۵۶	عیدصید، عبدالرحمان
۳۷۲	قیطاسی، محسن	۲۶۱	غفارنیا، علی عباس
۳۷۴	کاظمی، ابراهیم	۲۶۶	غلام حسینی، علی
۳۷۷	کاظمی، محمدرضا	۲۶۹	فتاحی، آصف
۳۹۴	کایدخوره، غلام	۲۷۴	فتاحی، عبدالله
۳۹۷	کباری، جبار	۲۷۷	فتاحی، گودرز
۴۰۲	کرمشاهی، هادی	۲۸۱	فتاحی پور، قدرت اله
۴۰۶	کرمی، برزو	۲۸۷	فتحی زاده، علیرضا
۴۱۰	کرمی، جعفر	۲۹۱	فرجی، ملا
۴۱۵	کرمی، علی اکبر	۲۹۴	فرجی، مهدی
۴۲۰	کرمی، محمد	۲۹۹	فردیس، روح الله
۴۲۵	کلمی، کریم	۳۰۳	فرهادی، جلال
۴۳۰	کاظمی، نورمحمد	۳۰۶	قاسم زاده، محمد
۴۳۳	کاکلی، حیدر	۳۱۰	قاسمی، خلیل
۴۳۶	کریمیگی، حسن	۳۱۳	قاسمی، عمران
۴۴۲	کریمی، علی مردان	۳۱۶	قاسمی، محسن
۴۵۰	کشکولی، مجید	۳۲۱	قاسمی، مستعلی
۴۵۷	کمالوند، ستار	۳۲۵	قبادیان، عبدل
۴۶۷	کمرخانی، بهرام	۳۳۱	قبادیان، محمد
۴۷۲	کمری، حبیب الله	۳۳۴	قربانی، محمدرضا

۵۷۱	محمدزاده، شوکت	۴۷۵	کمری، موسی
۵۷۴	محمدزاده، کاظم	۴۸۰	کندوله، محمدعلی
۵۷۷	محمدی، علی اصغر	۴۸۴	کولیوند، جواد
۵۸۰	محمدی، غلامحسین	۴۹۲	کولیوند، کر معلی
۵۸۳	محمدی، محمد	۴۹۶	کوهی، محمد
۵۸۹	محمدی، محمدصادق	۴۹۸	گل گلی، جبار
۵۹۴	محمدی، مهدی	۵۰۲	گل گلی، محمدعلی
۵۹۷	محمدی، یارحسین	۵۰۶	گوهری، حجت الله
۶۰۱	محمدی، یدالله	۵۱۱	لاچین، علی اکبر
۶۰۵	مرادحاصلی، لطفعلی	۵۱۸	لطفی، عزیزالله
۶۰۹	مرادخانی، رمضان	۵۲۳	لطفی، علی اصغر
۶۱۴	مرادخانی، علی رضا	۵۲۹	لطفی، محمدرضا
۶۱۷	مرادی طولابی، میرزا	۵۳۲	لطفی، مهدی
۶۲۶	تعلیقات	۵۳۴	مامی، عباس
		۵۳۷	ماهی گیر، عظیم
		۵۴۰	مهرابزاده، علی مراد
		۵۴۳	محسنزاده، بندر
		۵۵۰	محسنی، اللهیار
		۵۵۴	محسنی، عبدالله
		۵۵۸	محسنی، نجات
		۵۶۴	محمدحسینی، آشور
		۵۶۸	محمدحسینی، حسین





«این وصیت‌نامه‌هایی که این عزیزان می‌نویسند، مطالعه کنید، پنجاه سال عبادت کردید و خدا قبول کند، یک روز هم یکی از این وصیت‌نامه‌ها را بگیرید و مطالعه کنید و تفکر کنید»  
امام خمینی(ره) - صحیفه نور - جلد ۱۵ ص ۳۲



منشور رسمی و قانونی انقلاب و کشور عبارت است از قانون اساسی ما... همه چیزهایی که برای اداره امور ملت لازم است، به شکل متین و مستحکمی در این منشور وجود دارد. منشور معنوی انقلاب هم وصیت‌نامه امام و وصیت‌نامه‌های شهداست. این وصیت‌نامه‌ها را بخوانید و ببینید شهدا که در میدان جنگ جان خود را فدا کردند، برای چه فدا کردند و دنبال چه بودند. مگر می‌شود از مجموعه فداکارها و آرمانهای یک ملت، کسی به این آسانی دست بشوید! اینها راه ماست؛ اینها مایه‌های سعادت ماست که باید دنبال کنیم.

بیانات مقام معظم رهبری - نماز جمعه تهران - آذرماه ۱۳۸۱



## سخن ناشر

تاریخ و فرهنگ یکی از مهمترین مؤلفه‌هایی است که کشورهای مختلف جهان هنگام تعیین جایگاه خود در جامعه جهانی، به آن استناد کرده و به تناسب تأثیرگذاری در تمدن بشری به آن مباحث می‌کنند. شکی نیست که کشور ایران به علت برخورداری از تاریخ کهن و فرهنگ غنی ایرانی-اسلامی در صف مدعیان این عرصه قرار داشته و آداب، رسوم و فرهنگ این مرز و بوم که سینه به سینه و نسل به نسل در قرون مختلف، به نسل‌های بعدی منتقل شده است، نشانه هویت و مایه مباحث این ملت می‌باشد.

امروزه نقش اسناد و مدارک در بازشناسی و تنویر اندیشه بخش‌های مختلف اجتماع، به ویژه کسانی که توفیق لمس و درک فرهنگ و شرایط ویژه دوران تأثیرگذار آن اجتماع را نداشته‌اند، اهمیت فراوانی دارد. این موضوع از چنان اهمیت روزافزونی برخوردار است که بخش عمده‌ای از تلاش و همت مراکز اسنادی و آرشیوی صرف گردآوری، محافظت، نگهداری و مراقبت از این گنجینه‌های گرانقدر فرهنگی می‌شود.

اهمیت این رویکرد در خصوص اسنادی که از بار فرهنگی و هویتی منحصر به فرد و ویژه‌ای برخوردارند، دو چندان می‌نماید. بدون شک این گونه اسناد می‌توانند ضمن ایفای نقش اطلاع‌رسانی که خصیصه اصلی این ارزش‌های مکتوب می‌باشد، خود موجب و موجد یک هویت مستقل فکری و فرهنگی و مبلغ یک جریان انسان‌ساز معنوی باشند. گردآوری، حفظ و دسترس‌پذیری اسناد شهدا و ایثارگران به مثابه‌ی حافظه تاریخی و میراث معنوی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس یک رسالت تاریخی است. حفظ و نگهداری

این اسناد سبب خواهد شد تا آیندگان با بهره‌گیری از این گنج عظیم به بازشناسی و درک صحیح از تاریخ دست یابند.

پس از فرایند گردآوری و مستند سازی اسناد و وصایای شهدا و ایثارگران، انتشار اسناد دست اول شهدا جزو اولویت های نشر شاهد بشمار می رود. به باور اندیشمندان و صاحب‌نظران فرهنگی و اسنادی، فراهم کردن زمینه برای انتشار اسناد فرهنگی، نیاز ضروری مجامع علمی و پژوهشی بوده و اتخاذ شیوه‌های علمی برای پردازش و نشر آثار ایثارگران به افزایش و توسعه کمی و کیفی انتشار کتاب در سایر زمینه‌ها مدد می‌رساند. توصیه‌های مکرر و مؤکد حضرت امام (علیه‌السلام) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) برای پرداختن به اسناد و آثار، به‌ویژه وصایای شهدا نشان‌دهنده جایگاه ویژه این اسناد بوده و ضرورت انتشار آن را بر ما آشکارتر می‌سازد.

این کتاب حاوی ۱۲۳ وصیت‌نامه از وصیت‌نامه‌های شهدای استان ایلام (دفتر سوم) است که حاصل بررسی‌ها و بازنگری‌های کارشناسانه همکاران محترم بنیاد شهید و امور ایثارگران استان ایلام و اداره کل اسناد و انتشارات است. در اینجا شایسته است که از آقای دکتر منوچهر اکبری استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران، رئیس بنیاد دانشنامه‌نگاری ایران و پژوهشگر ادبیات و تاریخ دفاع مقدس و همکارانشان که زحمت تدوین این مجموعه را بر عهده گرفته و تلاش بی‌وقفه داشته‌اند، تشکر و قدردانی شود.

همچنین جا دارد که از رهنمودها و مساعدت‌های کارشناسان و صاحب‌نظران گرانقدر آقایان: دکتر محسن میرانصاری، حجج الاسلام احمد مازنی و سید حسن موذنی، دکتر اکبر اشرفی، امیر رزاق‌زاده، دکتر کیانوش کیانی هفت لنگ و تمامی کسانی که در به ثمر رساندن این مجموعه ما را یاری رساندند صمیمانه تقدیر و تشکر نماییم.

در پایان دست صاحب‌نظران و اندیشمندان عرصه تاریخ و فرهنگ جامعه را برای همکاری، نقد و بررسی صمیمانه می‌فشاریم، امید است این تلاش فرهنگی در شناخت ابعاد ناپیدای شهدای بزرگوار و دوران با عظمت انقلاب اسلامی و دفاع مقدس مددکار

پژوهشگران و حقیقت‌جویان و آیندگان قرار گرفته و موجبات خشنودی شهدای والامقام و امام شهدا و رهبر معظم انقلاب اسلامی و خانواده معظم شهدا و ایثارگران را فراهم سازد.

محبوب شهبازی

مدیر مسئول نشر شاهد

پاییز ۱۳۹۴



نام: حمیدرضا  
نام خانوادگی: صحرایی  
نام پدر: علی قدم  
نام مادر: سمن گل  
تاریخ تولد: دهم اردیبهشت 1343  
محل تولد: روستای بیشه‌زار از توابع  
شهرستان دهلران  
تحصیلات: دانشجوی دوره کاردانی  
ارگان اعزام‌کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: بیست‌وششم فروردین 1366  
محل شهادت: سردشت  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: روستای سیدصلاح‌الدین از توابع  
شهرستان آبدانان



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ مرا با سالار و سرور شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین (7) محشور کن.
- ۱ من که عاشق شهید شدن در راهت بودم قبولم کردی و جواب رد به سینه‌ام نزدی.
- ۱ شما در برابر خون شهیدان مسئول هستید.
- ۱ آیا شهیدان وصیت‌ها و سفارش‌هایی که به شما کردند عمل کردید یا نه؟
- ۱ تا آخرین لحظه و آخرین نفس و آخرین نفر بجنگید.
- ۱ یار و مددکار امام بزرگوارمان باشید.
- ۱ گوش به فرمان امام عزیز و مسئولین مملکتی فرا دهید.
- ۱ از دادن جان و مال در راه اسلام و انقلاب دریغ نوزید.
- ۱ همین نماز جماعت‌ها بود که انقلاب را به پیروزی رسانید.
- ۱ مسئله اصلی که باعث پیروزی انقلاب اسلامی و تداوم بخشیدن به آن است همین اتحاد، وحدت، یکپارچگی و همبستگی است.
- ۱ خداوند را در تمام حالات و احوالات ناظر و شاهد بر احوال خود بدانید.
- ۱ یک لحظه از خداوند غافل نباشید.



## حمیدرضا صحرایی

### بسم الله الرحمن الرحيم

این وصیت‌نامه‌ها انسان را می‌لرزاند و بیدار می‌کند.<sup>1</sup>

### «بسم رب الشهداء و الصديقين»

ای خدای بزرگ و یکتای بی‌همتا، از تو خیلی جای سپاس و تشکر و قدردانی است که لیاقت و سعادت شهادت را در راهت نصیبم کردی و مرا در صف و زمره شهیدان قرار دادی. مرا با سالار و سرور شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین (7) محشور کن و مرا به‌سوی خودت به پرواز درآور و در ملکوت اعلیٰ جایم ده و من که عاشق شهید شدن در راهت بودم قبولم کردی و جواب رد به سینه‌ام نزدی بلکه تو نسبت به عاشقت جواب مثبت دادی و مرا پذیرفتی و در بهترین و پرارزش‌ترین و خوب‌ترین و مفیدترین راه، به درجه رفیع شهادت نائل کردی و مرا در زمره شهیدان قرار دادی.

البته بنده وصیتی و سفارشی که دارم می‌نویسم و شما در برابر خون شهیدان مسئول هستید و باید در آن دنیا پاسخگو باشید که آیا شهیدان وصیت‌ها و سفارش‌هایی که به شما کردند عمل کردید یا نه؟ بنده تنها وصیت و سفارشی که برای ملت قهرمان ایران دارم که تا آخرین لحظه و آخرین نفس و آخرین نفر بجنگید و یار و مددکار امام بزرگوارمان باشید و گوش به فرمان امام عزیز و مسئولین مملکتی فرا دهید و هرچه آنها می‌فرمایند اطاعت کنید و یک لحظه امام و قائم مقام رهبری را تنها نگذارید و از دادن جان و مال در راه اسلام و انقلاب دریغ نورزید و همیشه در صحنه حاضر باشید، که با بودنتان در صحنه باعث یاس و ناامیدی دشمنان و مایه شادی و خوشحالی دوستان می‌گردد و در نماز جماعت‌ها و نماز جمعه‌ها و مراسم دعای کمیل و توسل و مراسم شهدا و تشییع جنازه شهدا و راهپیمایی‌ها شرکت کنید که همین نماز جماعت‌ها بود که انقلاب را به پیروزی رسانید و نیز خداوند در

1- سخنی از حضرت امام خمینی است. (صحیفه امام، ج 16، ص 13).

آیاتی از قرآن می‌فرماید: «يَدَاللّٰهُ مَعَ الْجَمَاعَةِ»<sup>1</sup> یعنی دست خداوند با جماعت است و یک مسئله اصلی که باعث پیروزی انقلاب اسلامی و تداوم بخشیدن به آن است همین اتحاد، وحدت، یکپارچگی و همبستگی است که باید این وحدت و اتحاد در بین تمام اقشار ملت حفظ شود که همانا خداوند در قرآن می‌فرماید:

«وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»<sup>2</sup>

«و همگی به ريسمان دين خدا چنگ زنيد و به راه‌های متفرق نرويد و در تمام کارها صبر را پيشه کنيد که خداوند با صابران است»<sup>3</sup> و همیشه در کلیه امور زندگی ایمان، تقوا، زهد، پرهیزگاری، شکیبایی را پيشه خود سازيد و همیشه خداوند را در تمام حالات و احوالات ناظر و شاهد بر احوال خود بدانيد و یک لحظه از خداوند غافل نباشيد بلکه در تمام زندگی و حالات، با راز و نیاز و عبادت و بندگی و اطاعت به خدای خویش به سر برید و همیشه رضایت و خشنودی و خواست خداوند را بر رضایت و خشنودی و خواسته خود ترجیح و برتری دهید و تا آخرین نفر دنباله‌رو خون شهیدان باشید و خلاصه هر چه امام بزرگوارمان و قائم مقام رهبری امر می‌کنند و می‌فرمایند گوش فرادهيد و اطاعت کنید و نیز خداوند در این رابطه می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»<sup>4</sup>

«ای اهل ایمان فرمان خدا و رسول و فرمانداران از طرف خدا و رسول را اطاعت کنید.»  
اما تنها وصیت و سفارشی که به پدر و مادرم دارم این است که هرگز در شهادت من ناراحت و غمگین نشوید و کمترین غصه و نگرانی به دلتان راه ندهید و وقتی که خبر شهادت فرزندان را شنیدید، چنان شاد و مسرور شوید مثل اینکه پسری برای شما به دنیا آمده است. کسی که فرزندش را در راه خدا بدهد ناراحتی و نگرانی ندارد. این هدیه ناقابل را که در راه خدا داده‌اید امانتی پیش شما بود که خداوند آن را به امانت پیش شما نهاده

1- از سخنان حضرت علی (7)، «الزمو السواد الاعظم فان يدالله مع الجماعة»، (نهج البلاغه، خطبه 127).

2- بخشی از آیه 103 سورة آل عمران.

3- ترجمه بخشی از آیه 153 سورة بقره. «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ».

4- بخشی از آیه 59، سورة نساء.

بود و شما خیلی خوب از آن محافظت کردید و از تمام خطرات او را محفوظ و مصون نگه‌داشتید و در راه بزرگ کردن فرزندان چقدر زحمات، مشکلات، سختی‌ها، رنج‌ها کشیدید و چقدر ناراحتی‌ها و نگرانی‌ها را تحمل کردید و درود خدا و پیامبر اکرم (6) بر شما باد که امانت را به‌نحو احسن و بدون کوچک‌ترین عیب و نقصی و کم و کاستی به صاحب اصلی‌اش برگردانید و تقدیم او نمودید. شما امانتداری بسیار خوب بودید که در پیش خداوند، پیامبر اکرم (6) و امامان (:) روسفید و سربلند و سرافراز خواهید بود. مادر جان، شما در پیش حضرت فاطمه زهرا (3)، دختر پیامبر اکرم (6)، روسفید و سرافراز و سربلند هستی. شما باید از خداوند تشکر و قدردانی کنید و خداوند را سپاس گوید که شما را در صف و زمره خانواده‌های شهدا قرار داد و شما نیز به آنان پیوستید. امام بزرگوارمان در راه اسلام فرزند برومند و شجاعش را داد. قائم مقام رهبری در راه اسلام فرزند مؤمنش را داد و خانواده‌هایی هستند که در راه اسلام و انقلاب پنج‌الی شش و یا بیشتر فرزندان‌شان را داده‌اند و شما در راه اسلام و انقلاب یک هدیه ناقابل را تقدیم نموده‌اید که خداوند این هدیه ناقابل را به درگاهش قبول کند و بپذیرد، پس شما باید افتخار کنید که فرزندان در راه خدا به شهادت رسیده است. پس شما بدانید که خانواده من جسم من است ولی امام عزیز روح من است، جسم، بدون روح نمی‌تواند زنده بماند و اگر روح از جسم گرفته شود دیگر از بین می‌رود و متلاشی می‌شود، ولی با از بین رفتن جسم و با متلاشی شدن جسم، روح متلاشی نمی‌شود و از بین نمی‌رود بلکه زنده می‌ماند و به جهان ابدی و جهان ملکوت اعلاء به پرواز درمی‌آید و در آنجا به زندگی ابدی خودش ادامه می‌دهد، پس بدانید که در وقت شنیدن شهادت من شیرینی پخش کنید مثل اینکه فرزندان عروسی کرده است و یک پارچه سرخی بر روی بام خانه‌مان<sup>1</sup> به اهتزاز درآورد و از گذاشتن پارچه سیاه روی بام خانه خودداری کنید و انشاءالله بدانید که پیروز می‌شویم. پارچه سرخ را از روی بام خانه برداشته و پارچه یا علم سبزی به جای آن نصب کنید. در شهادت من هیچ‌کس از خانواده خودمان از قبیل پدر و مادر و برادران و خواهران

---

1- در اصل وصیت «خانمان».

و اقوام و خویشان لباس سیاه بر تن نکنید<sup>1</sup> و برای من سیاه نپوشید که بنده با این رسم مخالف هستم و به خصوص لباس سیاه پوشیدن و اصلاً گریه و زاری نکنید و اگر خواستید برای من گریه کنید برای ابا عبدالله الحسین (7) گریه کنید که گریه و زاری شما در دنیا روح مرا در آن دنیا رنج می دهد و ناراحت می کند و از دادن هرگونه کمکی در راه خدا و در راه اسلام دریغ نورزید و تا لحظه مرگ پشتیبان انقلاب باشید و امام را تنها نگذارید و به گفته های او عمل کنید و اطاعت کنید و از اینکه برای بزرگ کردن من خیلی زحمت ها و رنج ها و سختی ها و ناراحتی ها کشیدید و تحمل نمودید و شب ها و روزها چقدر تلاش و کوشش کردید که من را بزرگ کردید و بنده نتوانستم همه زحمات شما که برای بزرگ کردن من کشیدید جبران نمایم چنان جبران نکردم مرا ببخشید و از شما حلالی می طلبم و من را حلال کنید. از کلیه اعضای خانواده ام، پدر و مادر برادر و خواهرانم، خواهشمند هستم که در وهله اول هرگونه بدی، ناراحتی، رنج، نگرانی از بنده حقیر به شما رسیده است مرا عفو کنید و به همه این وصیت هایم عمل کنید. اولاً مرا حلال کنید و ثانیاً چیزی از من باقی نمانده است و چیزی نداشته ام که باقی بماند و اگر از من چیزی باقی مانده است، در راه خدا بدهید و در راه خدا انفاق کنید. به دولت و حکومت اسلامی ایران کمک کنید و از هر کمکی دریغ نورزید، از جان گرفته تا مال در راه خدا انفاق کنید و خدای نخواستہ در جاهایی اظها[ر] نکنید که ما خانواده شهید هستیم و دولت به ما رسیدگی نمی کند و به ما کمک نمی کند بلکه شما باید کاری کنید و اعمالی از خودتان نشان دهید که کسی نداند صاحب شهید هستید و کسی نداند شما یک فرزندان را در راه خدا داده اید. و وقتی که می خواهید جنازه ام را در قبر دفن کنید، در همان موقع دعای فرج را بخوانید و چند تا یا صاحب الزمان (عج) بگویید و بعد مرا دفن کنید و پنج شنبه ها و جمعه ها بر روی قبرم بیایید ولی گریه و زاری و شیون نکنید و چند ساعتی بر روی قبرم قرآن کریم را تلاوت کنید و از خداوند برای من درخواست عفو و بخشش کنید که خداوند گناهان مرا ببخشد و عفو نماید و قلم عفو بر روی جرائم و اعمالم بکشد پس به جای گریه و زاری و شیون کردن بر روی قبرم آیاتی از قرآن مجید را تلاوت کنید و از خلوص نیت از خداوند

برایم طلب مغفرت و بخشش کنید و از خلوص نیت از خداوند برای من طلب آمرزیدن تمام گناهانم بکنید که انشاءالله خداوند کریم و رحیم قلم عفو بر روی گناهانم بکشد و همه گناهانم را ببخشد که خداوند رحمان و رحیم و کریم است.

و تنها وصیتی که برای برادران و خواهرانم دارم این است که در شهادت من اصلا غمگین و ناراحت و نگران نشوند و کوچک‌ترین و کمترین نگرانی و ناراحتی و کدورت به دلشان راه ندهند و با یک دست اسلحه بر زمین افتاده مرا به دست بگیرند و با دست دیگر قرآن را گرفته و از دین اسلام و انقلاب اسلامی ایران دفاع کنید و از هرگونه تلاش و کوشش در این راه دریغ نوزند و راه مرا دنبال کنید و نگذارید که خون شهیدان پایمال شود و این راهی است که امامان ما انتخاب کرده‌اند و برگزیدند. این راه محمد (6) و علی (7) است و شما باید همان راه را انتخاب کنید و برگزینید که درست‌ترین و صحیح‌ترین راه است. در برابر تمام مسائل همانند کوهی محکم و استوار بایستید و مانند حضرت زین‌العابدین (7) و حضرت زینب کبری (3) صبور باشید که بعد از شهادت حضرت حسین (7) چه حماسه‌ای به پا کردند و به وجود آوردند و چه غوغایی در میان مردم به پا کردند و چگونه پیام حضرت حسین (7) را به گوش تمام جهانیان رسانیدند و همه جهانیان را بیدار کردند و حکومت ستمگر یزید را رسوا نمودند و نگذاشتند که خون حسین (7) پایمال بشود و در رگ‌های اجتماع جریان پیدا نکند بلکه خون مقدس حسین (7) را در کلیه رگ‌های اجتماع به جریان گذاشتند و به جریان درآوردند و راهش را ادامه دادند و دنبال کردند و راهش را زنده نمودند تا ابد، و مردم را نسبت به مسائل آگاه و بیدار کردند و تمام جریانات را برای همه مردم روشن کردند. و اگر این‌ها چنین نمی‌کردند خون حسین (7) پایمال می‌شد و راهش چنین در میان اجتماع و جهان جریان پیدا نمی‌کرد و به حیطة فراموشی سپرده می‌شد و ما نیز همان راه را دنبال کرده‌ایم و ادامه می‌دهیم. شما هم باید مانند حضرت زین‌العابدین (7) و حضرت زینب (3) صبور و شکیبا باشید و آنها برای شما نمونه و الگو و اسوه باشند و باید از آن دو حضرت سرمشق بگیرید و راه و روش آن دو حضرت را در زندگی خود پیاده کنید و پیام مرا و پیام تمام شهیدان را زنده نگه‌دارید و در راه به ثمر رسانیدن اهداف و آرمان‌های اصیل اسلامی از هرگونه تلاش و کوشش و همتی دریغ نوزید و با جان و مالتان در راه اسلام و تداوم

بخشیدن به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران ایثار کنید و یار و پشتیبان ولایت فقیه باشید تا آسیبی به این مملکت نرسد<sup>1</sup> و در راه اسلام تمام رنج‌ها و مشقت‌ها و سختی‌ها را تحمل کنید و هر چه امام بزرگوارمان می‌فرمایند، اطاعت کنید و خون شهیدان [را] در رگ‌های اجتماع و جامعه به جریان درآورید و تا آخرین لحظه پشتیبان انقلاب باشید و از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران نگهبانی و پاسداری کنید که تا انشاءالله انقلاب را به دست صاحب اصلی‌اش که حضرت مهدی (عج) [می‌باشد] واگذار کنید و بدانید که این انقلاب مقدمه انقلاب و حکومت جهانی حضرت امام زمان (عج) می‌باشد و یک لحظه خداوند را فراموش نکنید و از او غافل نگردید و او را همیشه ناظر و شاهد بر احوال خود بدانید و در همه مراحل زندگی ایمان، تقوا، زهد، پرهیزگاری، صبر، شکیبایی را پیشه خود سازید و آخرت را به خاطر دنیای فانی و زودگذر رها نکنید و فراموش نکنید و تمام اعمال و افکار و عبادتتان را فقط به خاطر جلب و رضایت و خشنودی خداوند عظیم، کریم، رحیم انجام دهید و همیشه بنده حقیر را در نمازهایتان دعا کنید و از خداوند برایم طلب مغفرت و آمرزش کنید.

و تنها وصیتی که برای کلیه دوستان و آشنایان دارم این است که هرگونه بدی، ناراحتی و آزار و اذیتی از بنده حقیر به آنها رسیده است به بزرگواری خودتان مرا عفو کنید و حلال کنید و تا آخرین قطره خون مقلد و پیرو امام عزیز باشید و هرچه امام بزرگوارمان و قائم مقام رهبری می‌فرمایند بدون چون و چرا اطاعت کنید و اطاعت همراه با عمل به اثبات برسانید و همیشه در صحنه حاضر باشید و از هرگونه کمک، تلاش، کوشش، و جان‌فشانی در راه به ثمر رسانیدن اهداف و آرمان‌های اصیل اسلامی در جامعه دریغ نورزید و نسبت به انقلاب اسلامی و مسائل اجتماع بی تفاوت نباشید و انقلاب شکوهمند اسلامی ایران که به سوی مقاصد و اهداف و آرمان‌های اصیل اسلامی از پیش تعیین شده‌اش در حرکت می‌باشد و راه اصلی‌اش را ادامه می‌دهد و طی می‌کند و در این راه تمام سختی‌ها، مشکلات، کمبودها، ناراحتی‌ها را با جان و دل خود می‌خرند و تحمل می‌کنند یاری، کمک،

1- این عبارت تحت تأثیر این سخن از حضرت امام خمینی است: «اطمینان می‌دهم که امر دولت اسلامی اگر با نظارت فقیه و ولایت فقیه باشد، آسیبی بر این مملکت نخواهد وارد شد.» (صحیفه امام، ج 10، ص 58)

پاسداری و پشتیبانی کنید که تا انشاءالله این انقلاب به زودی زود به اهداف و مقاصد مورد نظرش دست یابد و به امید و کمک و عنایات خداوند انقلاب به اهدافش دست می‌یابد و خواهد یافت. شک و تردیدی در آن نیست و نخواهد بود و یک لحظه امام و انقلاب اسلامی ایران را تنها نگذارید و دوست و دوستار و نگهبان و پشتیبان واقعی و حقیقی انقلاب اسلامی ایران باشید و دشمن سرسخت دشمنان و مخالفان انقلاب اسلامی ایران و کسانی که می‌خواهند به هر طریقی که شده است حکومت اسلامی را ریشه‌کن کنند و از بین ببرند و با دشمنان و مخالفان انقلاب اسلامی مبارزه و قیام کنید و تا نابود کردن و ریشه‌کن نمودن کامل دشمنان و مخالفان بجهنگید (دشمنان داخلی و خارجی).

و در کلیه حالات خداوند عظیم را ناظر و شاهد بر احوالات خود بدانید و تمام اعمال و عبادات را فقط و فقط به‌خاطر جلب رضایت و خشنودی خداوند انجام دهید و تمام نیازمندی‌ها و حاجات خودتان را فقط از خداوند کریم و رحیم طلب نمایید و یک لحظه از خداوند رحمان غافل نشوید و او را فراموش نکنید و شما را به ایمان و تقوا و زهد و پرهیزگاری و صبر الهی دعوت می‌کنم و اینها را در زندگی پیشه خود سازید و از همه شما التماس دعا دارم و از خداوند برایم طلب مغفرت و آمرزش کنید و خداوند سبحان همه شما را در کلیه امور زندگی موفق و مؤید و پیروز و سربلند و سرافراز کند.

خداوندا، آینه دل به نور روشنی بخش و زنگار شرک و بدبینی را از لوح دل پاک گردان و شاهره سعادت و نجات را به این بیچارگان بیابان حیرت و ضلالت بنما و همه را به اخلاق کریمانه متخلق فرما و از نفحات و جلوه‌های خاص خود که مختص اولیاء درگاه است همه را نصیبی ده و لشکر شیطان و جهل را از مملکت قلوب همه خارج فرما و جنود علم و حکمت و رحمان را به جای آنها جایگزین کن و همه را با حب خود و خاصان درگاهت از این سرای درگذران و در وقت مرگ و بعد از آن با همه با رحمت خود رفتار فرما و عاقبت کار همه را با سعادت قرین کن. «بحق محمد و آل الطاهرين<sup>1</sup> صلوات‌الله علیهم اجمعین».

---

1- در اصل وصیت «و آل طاهرين».

فرزند و عیال و خانمان را چه کند  
دیوانه کنی تو هر دو جهان را چه کند<sup>1</sup>

آینه زمان است این پیر در جماران<sup>2</sup>

پیام از سربازان امام دارم  
میدان جانبازی و شهادت است

آن کس که تو را شناخت جان را چه کند  
دیوانه کنی هر دو جهانش بخشی

بی باوران عالم با چشم دل بینید

مادر از جبهه برات پیام دارم  
اینجا استقامت و رشادت است

«اللهم ارزقنا توفيق الشهادة في سيلك»

«والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته»

حمیدرضا صحرائی

---

1- شعر از خواجه عبدالله انصاری است.

2- شعر از نصرالله مردانی است.



این وصیت نامه ایست از جانب فرزندی که از زانند و بسازد میکند  
 بسوی خدا و اهل بیت  
 ای خدای بزرگ و بیکسای بی همسر که ای جایی ساسین تو شکو و قدر دانی  
 است کوی است و بعد از آن که است بجز اینم که می در از دست و زهر و شهادت  
 ظهور دادی نو ما با سالار و سرور بدان شهرت ای خدا... ای که این را می کشد کی در آن سستی  
 عورتش پیدا زده آورد و عفت اعلا نام ده در آن که او سستی شمسید شادان در راه است بودم و علم  
 کردی جواب رده سینه ام بودی که تو سست با شفت هر این است دادی و طرا  
 درستی و در همه چیز و در آن زمان و در حسین زین را زاده و در شرف و فرج شهادت نامش  
 گزیدی و سواد زهره شهادت قسار دادی .

استندند و منی رسا می ده دارم من زینم و شاد بر این چون شهیدان منم و قبول هستی و با پدر در  
 آن دنیا هیچ گویا شهیدان و صفتها و صفات شما که شما کرده من کردید یا نه؟  
 سینه صفا و صفا شوی که برای من و شهیدان ایران دارم که تا حسین حفظ  
 بودا آخرین نفس بودا حسین نفس بگفتند و بار و مدد کار نام بودا و ایمان با شهید و گوش به  
 لشکران ایم شهید و شهیدان کلان فراد امید و شکر آنها می شه را نیز اطاعت کنید  
 و کبی کلمه امام و امام مقام شهیدی را آنها که در راه دارن جان مال در راه اسلام و اسلام  
 در این روز و شب و در همه جا حاضر باشید که ما بودنتان در جنت با عت نامش زنا امیدی -

اینک روایت شادای و خوشحالی دوستان می کرده در نمازها و نمازها و نمازها در این

بسم الله الرحمن الرحيم  
بسم الله الرحمن الرحيم  
بسم الله الرحمن الرحيم  
بسم الله الرحمن الرحيم

الجماعة، دست خدا در اجتماع است و یک مسند است این بافت پیوسته از انقلاب  
اسلامی و علوم عقیدتی به آن است همین اتحاد و وحدت کلیه عقلی و عملی است که با این  
وحدت و اتحاد در بین تمام اقوام حفظ شود همانا خداوند در قرآن می فرماید:

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا سَعَادًا لِلَّذِينَ اسْتَمْسَقُوا بِهِ سَعَادٌ ۚ

و عتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا سعادا للذین استمسقوا به سعاد ۛ

و عتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا سعادا للذین استمسقوا به سعاد ۛ

و عتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا سعادا للذین استمسقوا به سعاد ۛ

و عتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا سعادا للذین استمسقوا به سعاد ۛ

و عتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا سعادا للذین استمسقوا به سعاد ۛ

و عتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا سعادا للذین استمسقوا به سعاد ۛ

و عتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا سعادا للذین استمسقوا به سعاد ۛ

و عتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا سعادا للذین استمسقوا به سعاد ۛ

و عتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا سعادا للذین استمسقوا به سعاد ۛ

و عتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا سعادا للذین استمسقوا به سعاد ۛ

و عتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا سعادا للذین استمسقوا به سعاد ۛ

و عتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا سعادا للذین استمسقوا به سعاد ۛ

و عتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا سعادا للذین استمسقوا به سعاد ۛ

و عتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا سعادا للذین استمسقوا به سعاد ۛ

و عتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا سعادا للذین استمسقوا به سعاد ۛ

و عتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا سعادا للذین استمسقوا به سعاد ۛ

وصیت رضای که بیدار و مادم بدم ای است که همسوز در محاسن نام  
 گلشن ز شوم که ستون عرصه گمراهی و در تعلق راه خود و رفتی که خسته محاربت فرزندان  
 را شنیدید چنان شاد و سرور ز روی من انگه ببری برای شما بدینا آمد است که کمی که نوزند من را  
 در راه خدا بدیدم را صحت و کارائی ندارد و اینجای هر چه تا قابل بر آید در راه خدا دان او جان من  
 پیش نما بود که خدا در این انوار انوار پیش شما نهاد و در شما خدای غریب قرآن محاسن است  
 کردید و تمام خطرات او را محفوظ و بجز آن نگذارید و در راه بزرگ کردن فرزند  
 نفعان خدای رحمت و شکوهت و عظمت و بجا کشیدید و در راه خدا و بجز آنرا محسوس  
 نمودید و در راه خدا و پیامبر اکرم من بر شما بود که انشا را بخواند و در راه بزرگ کردن  
 عیب و نقصی دکم و کاستی به مهاجم همیشه بر خود انبید و تقدیر او شود و شما انقدر ای بسید  
 هر چه بدید که در پیش خداوند پیامبر اکرم من و انا هل کان و رسیدید و بر شما را خواهد  
 بود و در جهان نما در پیش حضرت مظهر و جلال و کرامت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله  
 و بر افترا ز حسی شما بدید خداوند عزت کرده قدر دانی کنید و خداوند را سپاس گوید که شما را  
 در صف ذرّه خانوادگی خدای تعالی قرار داد و شما نیز به آنان پیوستید اما بزرگواران  
 در راه اسلام فرزند بودند و شما را در راه اسلام مقام بزرگی در راه اسلام فرزند شوم  
 داد و در خانوادگی هستی که در راه اسلام و انفس و اب فی الی شوم را بر دست فرزند شما  
 داد و اند و شما در راه اسلام و انفس و اب فی الی شوم را بر دست فرزند شما  
 داد و اند و شما در راه اسلام و انفس و اب فی الی شوم را بر دست فرزند شما









انقلابی که باعث گشایش و عدل گشاید و تا آن خسرین است که در آن حق را بر باطل برساند  
 باشدید و هر چه در آن برتر و توانا و قلم معیار همسبزی می فرمایند بدین چون در حقیقت  
 گشاید و اطاعت همراه با علم به اثبات برسانید و حکمت در آن است که با همسوزی بشود و نه همسوزی  
 گنگ، تلاش با کوشش و جهان منشائی در راه، جسور و ساینده انصاف و آگاهیهای  
 اعیان اسلام در جامه در این نور بر و حفظ به انقلاب اسلام رسالتی است که با انصاف  
 باشدید و انقلاب گنگ گشاید و صلوات بر او باد که در سبزی و قضا صد راه و آفرینانهای  
 اعیان اسلام از پیش ازین شده است و در گنگ می باشد و راه اهدایش را در سبزی دهد  
 ملی گشاید در این راه تمام مشکلات گشاید و گنگی را با احتیاط با جان و دل  
 خودی بشود و محسن می گشاید و گنگ، با سبزی و گشاید که تا اناش و انان  
 این انقلاب بنزدی زود به اهدا می شود و قضا صد مورد نظر من دست با بر و  
 امید و گنگ و انانیات خدا و بر انقلاب به اهدا انش دست می یابد و جز اهدا است  
 و گنگ و زودی در آن است و نخواهد بود و گنگ گنگ و انان و انان سبب اسلام ایران را  
 تنها نگذارید و دست و گنگ به ان و سبب انان و انی و حقیقی انقلاب  
 اسلام ایران باشد و در گنگ و سبب دشمنان و مخالفان انقلاب اسلام ایران  
 و گشاید که می فرمایند و هر طریقی که شده است حکومت اسلام را در گشاید گشاید  
 در آن برتر و با دشمنان و گنگ انقلاب اسلام مبارزه و قیام گشاید و تا نابود  
 در گشاید که می فرودان کامل دشمنان و مخالفان گشاید (دشمنان را خود در گشاید)









نام: علی محمد  
نام خانوادگی: صحرائی  
نام پدر: صیدهواس  
نام مادر: شهربانو  
تاریخ تولد: چهارم فروردین 1340  
محل تولد: روستای بیشه‌دراز از توابع شهرستان دهلران  
تحصیلات: در حد خواندن و نوشتن  
ارگان اعزام‌کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: هشتم مهر 1365  
محل شهادت: چنگوله مهران  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: اثری از پیکرش به دست نیامد

## عبارت‌های کلیدی

- ا پیام به ملت شریف ایران این است که هرگز امام را تنها نگذارند.
- ا در نما[ز] جماعات و جمع‌ها شرکت کنید.
- ا امت قهرمان، با ریخته شدن خون فرزندانان درخت با ثمر انقلاب را آبیاری کنید.
- ا با خون فرزندان شماس که انقلاب روی پای خود ایستاده است.
- ا ملت قهرمان، ما نباید از جنگ خسته شویم.
- ا کار برای خدا خستگی ندارد.
- ا ما باید اینقدر خون بدهیم که درخت سرو انقلاب شاخه‌هایش به بالای کاخ واشینگتن برسد.
- ا اگر من این راه را انتخاب کرده‌ام و در این راه کشته شدم، برای من ناراحت نباش.
- ا این راه راه امام است و راه امام راه حق و اسلام است.
- ا موقعی که اسلام احتیاج داشت ما هم باید خون بدهیم.
- ا با ریخته شدن خون من راه حسین (7) زنده می‌شود، راه زینب (3) زنده می‌شود.

## علی محمد صحرائی<sup>1</sup>

بسم الله الرحمن الرحيم

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَتَلُوا [أ] فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرَزَقُونَ»<sup>2</sup>

با درود و سلام بیکران به رهبر کبیر انقلاب اسلامی، امام بزرگوار وصیتم را بیان می‌کنم: پیامم به ملت شریف ایران این است که هرگز امام را تنها نگذارند و با حضور در صحنه مشیت محکمی بر دهان امپریالیزم شرق<sup>3</sup> و غرب<sup>4</sup> بکوبند و در نماز [جماعت و جمع‌ها شرکت کنید که این نماز جماعت است که منافقین<sup>5</sup> را به دام علفی انداخته است. امت قهرمان، با ریخته شدن خون فرزندان درخت با ثمر انقلاب را آبیاری کنید و با خون فرزندان شماس که انقلاب روی پای خود ایستاده است. ملت قهرمان، ما نباید از جنگ خسته شویم چون کار برای خدا خستگی ندارد و ما باید اینقدر خون بدهیم که درخت سرو انقلاب شاخه‌هایش به بالای کاخ واشینگتن<sup>6</sup> برسد و تا عدل و داد [را] در تمام جهان صادر نکنیم از پای ننشینیم انشاءالله.

وصیتم به مادرم: سلام بر تو ای مادری که سال‌های سال با<sup>7</sup> رنج و مشقت مرا بزرگ کردید و مرا [با] دو دستی تقدیم به این انقلاب نمودی، انشاءالله که آقا امام زمان از تو خشنود شود. ای مادری که شب‌های زیادی پای گهواره من نشستید و خواب نداشتید، دوست داشتم برای آخرین بار صورت نورانی تو را ببینم و بر آن بوسه بزنم. ای مادری که تمام فکرت و چشمت [را] به دنبال من انداختید خداحافظ و برای آخرین بار شیرت را

1- در بالای وصیت آمده است: «در تاریخ 62/11/23».

2- آل‌عمران/ 169. «آنان که در راه خدا کشته شده‌اند را مرده نپندارید، بلکه آنان زنده‌اند و نزد پروردگارشان را متنعم خواهند بود». در اصل وصیت به جای «سبیل»، «سبیل» و بجای «قتلوا» آمده است.

3- ر.ک. تعلیقات.

4- ر.ک. تعلیقات.

5- ر.ک. تعلیقات.

6- در اصل وصیت «واشینگتن».

7- در اصل وصیت «پای».

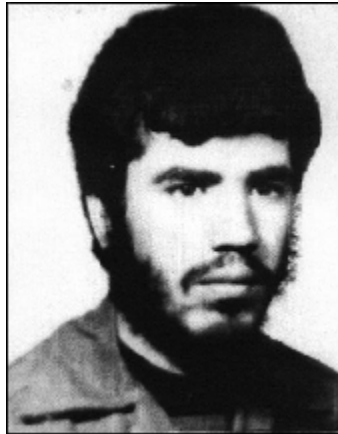
حلالم کن و مرا ببخش و در ریخته شدن خون من ناراحت نباش. پیامم به پدر: و تو ای پدر پیر و زحمت‌کشی که سال‌های سال با کار مستضعفانه و با دست‌های پینه‌بسته‌ات با کشاورزی که کرده‌اید مرا بزرگ کردید و انتظار داشتید که در زیر سایه من بنشینید، در هر صورت مرا ببخش و حلالم کن و برای من ناراحت نباش. پیام به همسر گرامی خود:

ای همسر عزیز و دلسوز من، ای کسی که چشم‌انتظار بودید کی من می‌آیم، اگر من این راه را انتخاب کرده‌ام و در این راه کشته شدم. برای من ناراحت نباش چرا، چون که این راه راه امام است و راه امام راه حق و اسلام است. پس موقعی که اسلام احتیاج داشت ما هم باید خون بدهیم تا این نهال‌های انقلاب بتوانند این چرخه بزرگ انقلاب را بچرخانند. پس با ریخته شدن خون من راه حسین (7) زنده می‌شود، راه زینب (3) زنده می‌شود. پس اگر من شهید شدم، برای من ناراحت نباشید. خداحافظ همه شما و جای مرا خالی نگذارید.

علی محمد صحرایی



نام: هدایت  
نام خانوادگی: صحرائی  
نام پدر: علی محمد  
نام مادر: مهری جان  
تاریخ تولد: یکم تیر 1342  
محل تولد: روستای بیشه‌دراز از توابع شهرستان دهلران  
تحصیلات: دوم متوسطه  
ارگان اعزام‌کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: یازدهم مرداد 1362  
محل شهادت: قلاویزان  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای امامزاده سیدابراهیم شهرستان زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ من اینجا آمده‌ام تا امامم بقیه‌الله را ببینم.
- ۱ آتشی در قلب من جاری است که هیچ‌کس نمی‌تواند این آتش را خاموش کند مگر جهاد در راه خدا.
- ۱ جنگ جنگ است چون شرف و عزت و ناموس ما در گرو همین جنگ‌هاست.
- ۱ هیچ‌کس نمی‌میرد مگر به اذن خداوند.
- ۱ انسان می‌میرد پس چه بهتر [با] جهاد کردن در راه خدا و شهادت در راه او.
- ۱ ولایت فقیه نوری است که خفاش‌ها طاقت دیدن آن را ندارند.
- ۱ به خواهرانم و دیگر رهروانم آخرین تذکر را می‌دهم که امام و یارانش را تا پای جان یاری کنید.
- ۱ نماز و روزه را به‌پا دارید.
- ۱ پشتیبان انقلاب اسلامی باشید.
- ۱ من همان موقع که لباس پاسداری برتن کردم می‌دانستم که سرم از تن جدا می‌شود.

## هدایت صحرائی<sup>1</sup>

### بسم الله الرحمن الرحيم

«اللهم برحمتك في الصالحين فادخلنا [و] في عليين فارفعنا [و] قتلاً في سبيلك [مع وليك] فوق لنا»<sup>2</sup>

اماما، جوانی برای من مطرح نیست، جوانی برای من مطرح است که در آن اسلام حکم باشد.

با سلام [و] با درود بیکران به رهبرم، این خشم توفنده میلیون‌ها مسلمان. سلام مادرم، با اینکه تو را ندیدم و حال در جبهه حق باطل هستم، نمی‌توانم بار دیگر شما را ببینم معذرت می‌خواهم. من اینجا آمده‌ام تا امامم بقیة‌الله را ببینم چون عاشقی [که] هستم دنبال معشوقه‌ام می‌گردم. آتشی در قلب من جاری است که هیچ‌کس نمی‌تواند این آتش را خاموش کند مگر جهاد در راه خدا. مادر و خواهرانم، در مرگ من ناراحت [و] گریان نشوید و سیاه نپوشید [ن]<sup>3</sup> چون جنگ جنگ است چون شرف و عزت و ناموس ما در گرو همین جنگ‌هاست<sup>4</sup> هم‌چنان که امام علی (7) می‌فرماید: به خدا قسم اگر شما امروز از مقابل شمشیرها و حمله دشمن بگریزید، از کیفر شمشیر آخرت در امان نخواهید ماند.<sup>5</sup> مادرم، هیچ‌کس نمی‌میرد مگر به اذن خداوند. انسان می‌میرد پس چه بهتر [با] جهاد کردن در راه خدا و شهادت در راه او. دوستان و هم‌مکتبانم بدانند من مانند روزه‌داری بودم که

- 
- 1- در بالای وصیت آمده است: «وصیت‌نامه هدایت صحرائی، فرزند علی محمد، شماره شناسنامه 13412».
  - 2- فرازی از دعای افتتاح. «خدایا به رحمت خود، ما را در صفوف صالحان داخل کن و به علیین بالا ببر و کشته شدن در راه خود را توفیق فرما.» در اصل وصیت «مع ولیک» اضافه است.
  - 3- رک. تعلیقات. «ن» اضافه است.
  - 4- این عبارت متأثر و مشابه این سخن امام خمینی است «جنگ جنگ است و غیرت و شرف میهن و دین ما در گرو همین مبارزات است.» (صحیفه امام، ج 13، ص 243)
  - 5- تعبیر شهید برگرفته از این سخن حضرت علی (7) است: «فمن ترکه رغبه عنه البسه الله ثوب الذل و شمله البلاء» هر که جهاد را واگذارد و ناخوشایند داند، خدا جامه خواری برتن او پوشاند و غرق بلا نماید.» (خطبه جهاد، ص 27، ترجمه سید جعفر شهیدی)



روزه‌دار هنگام غروب افطار می‌کرد و نیرو می‌گرفت و شاد می‌شد، من مانند اویم در راه خدا. مادرم، ولایت فقیه نوری است که خفاش‌ها طاقت دیدن آن را ندارند. دایمی‌ام وصی من است و آنچه دارم تعلق به او می‌گیرد و مهین آزاد است و می‌تواند در سرنوشت خودش تصمیم بگیرد و به او بگوید اگر با او صحبت نمی‌کردم به‌خاطر این بود که دستورات خدا و ائمه را اجرا می‌کردم و بجای من از او معذرت بخواهید و بعد از من [...]»<sup>1</sup>

### [وصیت‌نامه‌ای دیگر]<sup>2</sup>

#### بسم الله الرحمن الرحيم

سلام علیکم، سلامی که الان در قلب من است و از نزدیک انبیاء و اولیاء را مشاهده می‌کنم، سلامی که از خشم توفنده مجاهدان راه خدا و از میان دود و آتش خمپاره‌های دشمن برمی‌خیزد بر شما باد.

مادرم! با اینکه من تنها فرزندت بودم، عاطفه پسری و مادری به‌جا، ولی امام این نایب برحق مهدی (عج) امامی که میلیون‌ها انسان مستضعف قلبشان برای او در طپش است. بر خود دیدم لباس پاسداری که همان لباس شهیدان تاریخ از هابیل تا انبیا و از انبیا تا شهیدان صدر اسلام و از صدر اسلام تا فاجعه 7 تیر<sup>3</sup> و از 7 تیر تا شهیدان عملیات‌های افتخارآفرین اسلام است بر تن کنم. مادرم ببخشید که بعد از من دیگر فرزندی ندارم، وقتی که به یاد من می‌افتی به یاد کربلا و لایلا و زینب (3) بیفت و صحنه کربلا و به اسارت رفتن اهل بیت را مشاهده می‌کنی تسکین پیدا می‌کنی.

به خواهرانم و دیگر رهروانم آخرین تذکر را می‌دهم که امام و یارانش را تا پای جان یاری کنید و نماز و روزه را به‌پا دارید و پشتیبان انقلاب اسلامی باشید. مادر من الان آماده‌ام حملاتم را به دشمن بکنم تا به آنها بفهمانم که اشغالگر کیست و اسلام چگونه

1- در انتهای وصیت این جمله آمده است: «وصیت‌نامه شهید هدایت صحرائی که در شب عملیات والفجر 3 با دست

خط مبارک خویش نوشته و با قطرات خون خودش آن را امضاء کرده است»

2- در ابتدای وصیت آمده است: «وصیت‌نامه پاسدار شهید هدایت صحرائی».

3- ر.ک. تعلیقات.

است و من همان موقع که لباس پاسداری برتن کردم می‌دانستم که سرم از تن جدا می‌شود و تجسم می‌کردم که ریش و صورتم به خون رنگین می‌شود. می‌دانستم که جسمم پاره پاره به دست شما نمی‌افتد و مدت‌ها در دشت‌ها از نظرها پنهان می‌گردد. این همه کارها فقط جهت رضا و رضایت خداست.

اما تو همسرم، با اینکه مدت ناچیزی از زندگی مشترکمان می‌گذرد و در همان روزهای اول به تو فهماندم که من ماندنی نیستم و قافله حرکت کرده و من هم در حال حرکتم. تو فکر می‌کردی که روزها و شب‌ها نزد شما به سر می‌برم اما امام درس چگونه زیستن و چگونه مردن را به من آموخت. از هر لحاظ مرا ببخش و بعد از من آزاد هستی و دایی‌ام وصی من است و می‌توانی مهریه‌ات را از او بگیری و سلامم را به خواهرانم یک به یک می‌رسانم و برای من دو سال نماز و سه ماه هم روزه اجیر بگیرد.

«والسلام<sup>1</sup> علیکم و رحمة الله و برکاته»

هدایت صحرائی

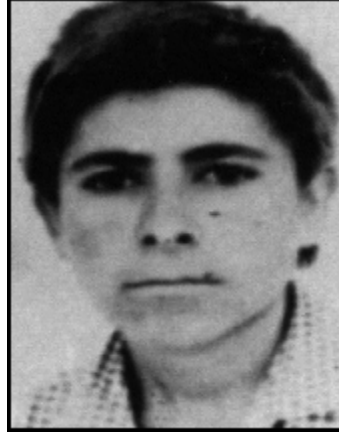
61/8/11

بسم الله الرحمن الرحيم  
 اللهم برحمتك في العالَمين ما دخلنا في عيُننا نار فنعنا علكة في سبيلك مع  
 ما علمنا به <sup>بصفت نامہ ہوتے ہوئے</sup> <sup>تو کہ علی غرہ ہوا مجاہدین</sup>  
 باسلام <sup>بصفت نامہ ہوتے ہوئے</sup> <sup>تو کہ علی غرہ ہوا مجاہدین</sup>  
 حلال مادام با ائمتہ تقا نہ میم و جان در میہ حق باطن ہے حق معنی ترا نام بار دیگر  
 شکر را بنیہ بقیہ است من خواہم من اینجا آمدہ ام تا ابام فیج اللہ را بنیہ  
 چون عا شقی ہستم دنیا کہ عنقریب شام پیروم <sup>بصفت نامہ ہوتے ہوئے</sup> <sup>تو کہ علی غرہ ہوا مجاہدین</sup>  
 کہ هیچ کس نمیواند از آفتش را خاموشی کند مگر چاد درواہ قبا مادہم در خواہم  
 در عرض آراست گریان نشوید کیا و نیز بیدار چون کتب جنگہ است  
 چون شرف و کثرت ناموس ما در گروہی قبلیہ است <sup>بصفت نامہ ہوتے ہوئے</sup> <sup>تو کہ علی غرہ ہوا مجاہدین</sup>  
 پیروانید بجز اتم <sup>بصفت نامہ ہوتے ہوئے</sup> <sup>تو کہ علی غرہ ہوا مجاہدین</sup>  
 آفت در امان نمازید مانند مادام هیچ کس نمیبرد مگر باذن خداوند  
 انسان پیرو دین <sup>بصفت نامہ ہوتے ہوئے</sup> <sup>تو کہ علی غرہ ہوا مجاہدین</sup>  
 در کفایت دہم <sup>بصفت نامہ ہوتے ہوئے</sup> <sup>تو کہ علی غرہ ہوا مجاہدین</sup>  
 غریب افکار سیزد و نیز در گرفت و ستاد من مانند اوم درواہ خدا مادام  
 ولایت قضیہ نور است کہ <sup>بصفت نامہ ہوتے ہوئے</sup> <sup>تو کہ علی غرہ ہوا مجاہدین</sup>  
 دلایم دہم من است <sup>بصفت نامہ ہوتے ہوئے</sup> <sup>تو کہ علی غرہ ہوا مجاہدین</sup>  
 در سر زشت <sup>بصفت نامہ ہوتے ہوئے</sup> <sup>تو کہ علی غرہ ہوا مجاہدین</sup>  
 بود کہ <sup>بصفت نامہ ہوتے ہوئے</sup> <sup>تو کہ علی غرہ ہوا مجاہدین</sup>

وصیت نامہ شہید ہدایت صحرایی کہ در شب عملیات والفجر ۳ یا دست خط  
 مبارک خویش نوشتا و با قطرات خون خودش آن را امضا کرده است.



نام: یارمحمد  
نام خانوادگی: صحرائی  
نام پدر: صیدهواس  
نام مادر: شهریانو  
تاریخ تولد: چهارم خرداد 1347  
محل تولد: روستای بیشه‌دراز از توابع  
شهرستان دهلران  
تحصیلات: اول متوسطه  
ارگان اعزام‌کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: چهارم مرداد 1365  
محل شهادت: قلاویزان  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ا امام را یاری نمایید.
- ا جبهه را گرم نگه‌دارید.
- ا امید است که همیشه در صحنه باشید.
- ا امام را دعا کنید.
- ا از امام جدا نشوید.

## يارمحمد صحرايي

بسم الله الرحمن الرحيم

«إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ»<sup>1</sup>

با سلام و درود به رهبر كبير انقلاب اسلامي ايران و با درود فراوان به روان پاك شهيدان از صدر اسلام تا شهيدان كربلاي ايران و با سلام گرم به رزمندگان كفرستيز كه شبانه روز در حال نبرد با دشمن صهيونيستي<sup>2</sup> هستند و با تقديم احترام از شهيداني كه رفتند و شجاعانه جان خود را از دست دادند از مال و منال و اموال و بچه و همه برادر و خواهر خود خداحافظي نمودند و به سوي حق تعالي مردانه شتافتند. پس اي برادر و اي پدر و مادر و خواهرانم، توجه كنيد كه من راهي را كه حسين بن علي (7) انتخاب نمود و مردانه در برابر ظلم و ستم قد برافراشت را ادامه مي دهيم و با الهام گرفتن از يگانه پيشواي مسلمين حسين بن علي (7) مي روم تا همچون شهيدان ديگر راهش را ادامه دهيم. من مي روم تا كمكي به مسلمين نمايم تا هرچه بيشتر بر عليه دشمنان مبارزه كنند. من الان خود را آن چنان مي بينم كه بوي بهشت به مشامم مي رسد. پس خداوند راه حق [را] از باطل جدا ساخته و ما اينك بايد راه حق [را] كه به وسيله اسلام تعيين شده انتخاب نماييم<sup>3</sup> و با ياري نمودن امام بزرگوار زمينه ظهور حضرت مهدي (عج) را فراهم نماييم<sup>4</sup>. من آن چنان عاشقانه مي روم كه شايد به جاي پاي حسين (7) بروم و شايد بتوانم جان كه يك هديه ناقابل است در راه حسين (7) فدا نمايم. پس اي برادرانم، هرچند كه شما خود از من بزرگ تر هستيد و داريد شجاعانه در راه خدا خدمت مي كنيد، پس شما نيز هرچه بيشتر راه شهيدان

---

1- بخشي از آيه 111 سوره توبه. «همانا خدا جان و مال اهل ايمان را به بهاي بهشت خريداري کرده، آنها در راه خدا جهاد مي کنند پس دشمنان دين را به قتل مي رسانند و يا خود كشته مي شوند».

2- در اصل وصيت «سهيونيستي».

3- در اصل وصيت «نمايم».

4- همان.

را ادامه دهید. چنانچه من از شهیدانی همچون هدایت‌ها و نوری‌ها و حیاتی‌ها سرمشق گرفتم پس من کوچک‌تر از آنم<sup>1</sup> که به مردم مسلمان و شهید پرور ایران توصیه نمایم و این صحبت کوچک من را به مردم مسلمان ایران برسانید. ای امت مسلمان و همیشه در صحنه، همچنانکه همیشه جبهه‌ها را گرم داشتید و امام امت را یاری نمودید، پس حالا نیز امام را یاری نمایید و جبهه را گرم نگه دارید و چون همین کمک شماسست که موجب پیروزی رزمندگان اسلام می‌شود. پس امید است که همیشه در صحنه باشید و تا آخرین لحظه در راه اسلام و مسلمین خدمت نمایید و امام را تنها نگذارید. در پایان، صحبتی دارم با پدر و مادر گرامی‌ام و برادران و خواهرانم، پدر و مادر گرامی، همچنانکه شهیدان امام را یاری نمودند و تا آخرین لحظه شجاعانه در راه خدا جنگیدند، پس من هم می‌روم تا راه حسین (7) را ادامه دهم و شما ای مادر مهربانم از آن همه زحمت که برای من کشیدید، مرا می‌بخشید. مرا حلال می‌کنید.

پس اگر من رفتم، شما شجاعانه همچون مادران شهیدان دیگر صبر کنید و امام را دعا کنید و شما ای پدر و مهربانم، حتماً مرا می‌بخشید و امیدوارم که شما نیز با رفتن من جبهه را گرم نگه‌دارید و رزمندگان دیگر [را] همچون فرزندان یاری نمایید. و به برادران و خواهرانم، از شما تقاضا می‌کنم هرچه بیشتر به هر صورتی که شده اسلام و مسلمین را یاری نمایید و از امام جدا نشوید. من الان تشنه دیدن حسین زهرا (3) هستم و باید عاشقانه به‌سویش پرواز نمایم. موفق و مؤید<sup>2</sup> باشید. خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار

یار محمد صحرائی

65/2/10

1- در اصل وصیت «آنهم».

2- در اصل وصیت «مؤید».









نام: علی  
نام خانوادگی: صفری  
نام پدر: طهماس  
نام مادر: زرین  
تاریخ تولد: سال 1345  
محل تولد: روستای زرین آباد از توابع  
شهرستان دهلران  
تحصیلات: سوم راهنمایی  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: نوزدهم آبان 1363  
محل شهادت: چنگوله  
نحوه شهادت: اصابت گلوله  
مزار: گلزار شهدای امامزاده سیدابراهیم  
شهرستان زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ا راه مرا ادامه دهید.
- ا دعا به جان امام و دعا برای رزمندگان را از یاد نبرید.
- ا همه اقشار ملت در نمازهای پرشکوه جمعه شرکت کنند.
- ا اتحاد و همبستگی داشته باشید.
- ا دست به دست هم بدهید و بر علیه ظلم و جور جهاد کنید.
- ا بالاترین مرگ شهادت است آن هم شهادت در راه خدا.
- ا اگر من شهید شوم در شهادت من گریه نکنید.
- ا مادر، من رفتم تا بلکه خدمتی به اسلام بکنم و با خون خودم درخت اسلام را آبیاری کنم.
- ا تنها نصیحت بزرگی که من به شما دارم این است که راه مرا ادامه دهید.
- ا در راه اسلام و مسلمین همچون حسین زمان شهید بشوید.
- ا دیگر برادرانم که بزرگ شدند، آنها را به جبهه‌ها بفرستید و آنها هم در راه اسلام شهید بشوند.
- ا نگذارید که این مزدوران کشور ما را اشغال کنند.
- ا حسین حسین شعار ماست، شهادت افتخار ماست.

## علی صفری

### بسم الله الرحمن الرحيم

«جاهدوا [المشركين] باموالكم و انفسكم و الستتكم»<sup>1</sup>

«با مالتان و جانتان و زبانتان جهاد کنید».

مادر جان همان موقعی که لباس مقدس امام زمان (عج) که همان لباس بسیجی است برتن کردم می دانستم که سرم از تنم جدا می شود، می دانستم که بدنم یا به دستتان<sup>2</sup> نمی رسد یا اگر می رسد تکه تکه است. اما مادر و پدر گرامی، بالاترین مرگ شهادت است آن هم شهادت در راه خدا. ولی پدر و مادر گرامی، اگر من شهید شوم در شهادت من گریه نکنید بلکه به دیگر خانواده های شهدا دلداری و تبریک و تسلیت بگویید. برای حسین (7) گریه کنید که در صحرای کربلا بدون اینکه کسی بالای سرش باشد شهید و تشنه لب از جهان<sup>3</sup> رفت. مادر، من رفتم تا بلکه خدمتی به اسلام بکنم و با خون خودم درخت اسلام را آبیاری کنم. آدمم تا با بعثیان<sup>4</sup> همچون شیر بجنگم و شهید بشوم و تا آخرین قطره خونی که دارم در راه اسلام و قرآن و رهایی تمام کشورها از چنگال ابرقدرت ها بجنگم و به لقاء الله بپیوندم. پدر و مادر گرامی، تنها نصیحت بزرگی که من به شما دارم این است که راه مرا ادامه دهید و در راه اسلام و مسلمین همچون حسین زمان شهید بشوید و از شما تنها خواهشی که دارم دیگر برادرانم که بزرگ شدند، آنها را به جبهه ها بفرستید و آنها هم در راه اسلام شهید بشوند.

تنها نصیحتی که به ملت شهیدپرور و همیشه در صحنه ایران دارم این است که به جبهه ها کمک کنند و فرزندان شان را به جبهه ها بفرستند و تا اسلام در سرتاسر جهان برقرار

---

1- سخنی از پیامبر اکرم (6). نهج الفصاحه، حدیث 1301، «با اموال و جانها و مالهای خود با مشرکان جهاد کنید».

2- در اصل وصیت «دستان».

3- در اصل وصیت «جان».

4- ر.ک. تعلیقات.

نشود، از پای نشینند.<sup>1</sup> همه ما تک‌تک حق داریم که وقتی که کشورمان در خطر باشد به جبهه‌ها برویم و تا نابودی مستکبرین از پای نشینیم<sup>2</sup> و در ضمن دعا به جان امام و دعا برای رزمندگان [را] از یاد نبرید. انشاءالله  
خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار

«والسلام»

به امید رهایی قدس و کربلا و پرچم سرخ شهادت در سرتاسر جهان.

«و[ال]سلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

ای امت مسلمان، ملت شهیدپرور ایران جمهوری اسلامی با شهید دادن هزاران هزار جوان این انقلاب را به پیروزی رساند. ای امت مسلمان همیشه در صحنه، نگذارید که مزدوران به این کشور حمله کنند.

بیایید به جبهه‌ها بروید، نگذارید که این مزدوران کشور ما را اشغال کنند. برادران از شهادت نترسید وقتی که شعار می‌دهیم حسین حسین شعار ماست، شهادت افتخار ماست فقط شعار نباشد، عمل صالح درست است. بیایید به ندای «هل من ناصر ینصرنی»<sup>3</sup> حسین (7) لبیک بگویید و در راه خدا همچون حسین زمان شهید بشوید و ای برادرانی که نمی‌توانید به جبهه‌ها بیایید، حداقل همچنان که اینطور به جبهه‌ها کمک کنید از این بیشتر هم کمک کنید و تا برادران رزمنده شما این مزدوران را به شکست وادار کنند. خواهران در پشت جبهه با رعایت حجاب اسلامی می‌توانند که آمریکا و نوکرائش را به لرزه درآورند.

برادر من اگر سطح علمتان کم باشد ابرقدرت‌ها ما را گول می‌زنند و باز هم سلطنت به

1- در اصل وصیت «نشینند».

2- در اصل وصیت «نشینیم».

3- ر.ک. تعلیقات.

دست ابرقدرت‌ها می‌افتد و باز هم ظلم و جور در جهان صادر می‌گردد. اما برادران مسلمان اتحاد و همبستگی داشته باشید و دست به دست هم بدهید و بر علیه ظلم و زور و ستم جهاد کنید. درود و سلام خداوند بر شما باد که در نمازهای پرشکوه جمعه شرکت کنید و چون که بهترین نمازها، نماز جمعه است<sup>1</sup>، همان طوری که امام عزیزمان فرمودند مسجد سنگر است، سنگرها را خالی نگذارید. نگذارید که مسجدها خالی بمانند. از برادران دانش‌آموز تقاضا می‌کنم که مدرسه‌ها را خالی نگذارند. به مدرسه می‌روند چون که با اتحاد و همبستگی خودت آمریکا و نوکرانش را به لرزه درمی‌آورد.

ای برادران، امروز روز جنگ است، خدای نکرده نگویند که این انقلاب برای ما هیچ نکردند، صبر داشته باشید، خداوند صبر کنندگان را دوست می‌دارد.

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

### [وصیت‌نامه‌ای دیگر]

#### بسم الله الرحمن الرحيم

مرگ بر آمریکا، مرگ بر شوروی  
خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی (عج) خمینی را نگه‌دار  
ای برادر و ای خواهر گرامی با منافقین<sup>2</sup> داخلی مبارزه کنید و نگذارید که این امت اسلامی را به فساد بکشند. این منافقین داخلی که بهترین عزیزمان ما را چه در محراب و چه در دیگر جاها شهید کردند به وسیله بمب‌گذاری و به وسیله دیگر [...] آری اینها از کفار بدترند. خداوند به ما توفیق و آخرت عنایت بفرماید تا بتوانیم دست دشمن داخلی و خارجی را از کشورمان کوتاه کنیم.

1- سخن امام. (صحیفه امام، ج 12، ص 393).

2- ر.ک. تعلیقات.

3- خوانا نیست.

### [وصیت‌نامه‌ای دیگر]

#### بسم الله الرحمن الرحيم

چشم به ره منتظر امشب  
آسوده بیارام مکن فکر رفیق را  
به روز آن خانه پر مهر تو من<sup>1</sup>[...]  
بر در آن خانه دیگر پنجه نسایم<sup>2</sup>[...]

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی (عج) خمینی را نگه دار.

63/6/20

دفترچه خاطرات شهید گرامی علی صفری<sup>3</sup>[...]

---

1- خوانا نیست.

2- خوانا نیست.

3- خوانا نیست.







در این روزها که همه در راه  
 هر چه که هست از راه باز می آید  
 همانطور که در امام عزت زمان خود  
 عهد منتهای ستمها را  
 تر از این تر از این عهدها خالی  
 با منتهای از برای این که در این کشور  
 تقاضای کمتر نه مسدود کار  
 خاص تر از این عهدها هم بودیم

در این روزها که همه در راه  
 سیر و سفر اقل و کثرت  
 کسب و کسب از این ستمها که  
 در این روزها که همه در راه  
 هر چه که هست از راه باز می آید  
 همانطور که در امام عزت زمان خود  
 عهد منتهای ستمها را  
 تر از این تر از این عهدها خالی  
 با منتهای از برای این که در این کشور  
 تقاضای کمتر نه مسدود کار  
 خاص تر از این عهدها هم بودیم

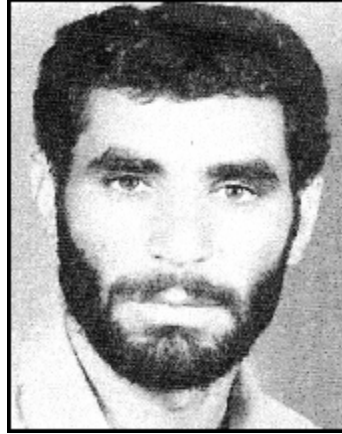
در این روزها که همه در راه  
 هر چه که هست از راه باز می آید  
 همانطور که در امام عزت زمان خود  
 عهد منتهای ستمها را  
 تر از این تر از این عهدها خالی  
 با منتهای از برای این که در این کشور  
 تقاضای کمتر نه مسدود کار  
 خاص تر از این عهدها هم بودیم

در این روزها که همه در راه  
 هر چه که هست از راه باز می آید  
 همانطور که در امام عزت زمان خود  
 عهد منتهای ستمها را  
 تر از این تر از این عهدها خالی  
 با منتهای از برای این که در این کشور  
 تقاضای کمتر نه مسدود کار  
 خاص تر از این عهدها هم بودیم





نام: علی محمد  
نام خانوادگی: صفری  
نام پدر: صیداحمد  
نام مادر: زینب  
تاریخ تولد: سوم فروردین 1344  
محل تولد: روستای خربزان از توابع  
شهرستان دهلران  
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: چهارم اسفند 1364  
محل شهادت: بدره  
نحوه شهادت: سانحه رانندگی  
مزار: گلزار شهدای امامزاده سید صلاح الدین  
شهرستان آبدانان



## عبارت‌های کلیدی

- ا امید است که ما هم یا پیروز شویم یا در راه اسلام شهید شویم.
- ا عروسی من در جبهه است و عروس من شهادت است.
- ا صدای غرش گلوله توپ و خمپاره عقد مرا خواهند خواند.
- ا بدانید که عروس من شهادت است و نام فرزند من آزادی و من فرزندم آزادی را به شما می‌سپارم.
- ا [از] راه امام که همان راه امام حسین (7) و خط علی (7) خط پیامبر (7) و خط خداوند است خارج نشوید.
- ا در دعاهایتان هیچ وقت امام و ظهور امام زمان (عج) و پیروزی رزمندگان اسلام را از یادتان نبرید.
- ا دخترهایتان را طوری تربیت کنید که مانند زینب (3) و رقیه و زهرا (8) باشند.

## علی محمد صفری

### بسم الله الرحمن الرحيم

آنها که شهید شدند و به خدمت خودشان و رسالت خودشان و به اجر خدمت خودشان می پیوند [ند]، امید است که ما هم یا پیروز شویم یا در راه اسلام شهید شویم. دوستان عزیز من، مادر، عروسی من در جبهه است و عروس من شهادت است. صدای غرش گلوله توپ و خمپاره عقد مرا خواهند خواند و با پوشش از خون گرم و سرخ خود برای معشوقم (الله تعالی جل جلاله) آرامش خواهید کرد. غلغله مسلسل ها و بارش نقل [و] شیرینی در حجله سنگر عروسی شهادت را آغوش خواهم کشید و از همه تشییع کنندگان پیکرم به اتومبیل و تابوت مرا گلباران می کنند و مشت های گره کرده با تکبیر مرا تا منزل [ل] گه عشق بدرقه خواهند کرد. بدانید که عروس من شهادت است و نام فرزند من آزادی و من فرزندم آزادی را به شما می سپارم و از آن حفاظت کنید. دوستان و خواهران و برادران، وقتی که با تفنگ ژ3، کلاش و دیگر سلاح دشمن قلبم را سوراخ کند، یا وقتی که ترکش خمپاره [...] <sup>1</sup> را متلاشی کند، وقتی که قطعه قطعه گوشت بدنم را از زیر شن و تانک بیرون آوردند [د] و یا وقتی که اسیر شدم، برایم ناراحت نباشید زیرا من راهم را انتخاب کرده بودم و آن را به پایان رساندم.

«و[ال]سلام علیکم و رحمة الله برکاته»

مورخ 63/10/10

علی محمد صفری

## [وصیت‌نامه‌ای دیگر]

## بسم الله الرحمن الرحيم

با درود فراوان به آقا امام زمان (عج) و نایب برحقش امام امت و رهبر کبیر انقلاب اسلامی و با درود و سلام بیکران به شهدای گلگون کفن و با سلام و درود بی‌کران به رزمندگان افتخارآفرین جبهه‌های حق علیه باطل. وقت وصیت [است]<sup>1</sup> وصیت‌نامه<sup>2</sup> خود را آغاز می‌کنم. اکنون در جبهه‌های حق علیه باطل به سر می‌برم. اگر لیاقت آن را پیدا کردم که در این راه خون ناقابل خود را نثار و شهید شوم. از برادران می‌خواهم که بعد از شنیدن خبر شهادتم هرگز برای من گریه و اشک نریزید و لباس سیاه بر تن نکنند<sup>3</sup> و ناراحت نباشند، بلکه خوشحال باشید. اکنون که برادر کوچک شما در راه اسلام و دین قرآن هدیه نموده‌اید [د.]. به این فداکاری [افتخار] کنید چرا که من به مطلوب خودم رسیده‌ام. قرآن می‌فرماید: «وَلَا تَحْسَبَنَّ...»<sup>4</sup>

اگر بدن‌های ساخته شده است اجر به کار می‌رود<sup>5</sup> چرا در راه خدا قطعه قطعه می‌شود؟ و در یک جای دیگر می‌فرماید که دو شخص مطیع و [...] <sup>6</sup> اگر ترکیب کنند و از آنها یک انسان به وجود بیاورند [بخشید به وجود می‌آید] به نام خانواده‌های شهدای گلگون کفن<sup>7</sup> اسلام. برادران نمی‌توانم وصیتی پر نمی‌کنم چون که شرمندهم از آنجا که به جبهه‌های حق علیه باطل رفتم حلالی از شماها نطلبیدم، پیش خودم احساس گناه می‌کنم. ای برادران از شماها طلب حلالی می‌کنم. از دوستان و آشنایان طلب حلالی می‌کنم و ای برادران، از شما می‌خواهم که [از] راه امام که همان راه امام حسین (7) و خط

1- در اصل وصیت «وصیتست».

2- در اصل وصیت «وصیت‌نام».

3- رک. تعلیقات.

4- اشاره به آیه 169 سوره آل عمران. «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ».

5- عبارت شهید نامفهوم است.

6- خوانا نیست.

7- در اصل وصیت «کفنان».

علی (7) خط پیامبر (7) و خط خداوند است خارج نشوید. برادران، از شماها می‌خواهم بچه‌هایتان را طوری تربیت کنید که ادامه‌دهنده راه شهدا باشند. در دعاهایتان هیچ‌وقت امام و ظهور امام زمان (عج) و پیروزی رزمندگان اسلام را از یادتان نبرید و دخترهایتان [را] طوری تربیت کنید که مانند زینب (3) و رقیه و زهرا (8) باشند. روح من با چنین دخترهایی در قبر خوشحال می‌شود. و در پیش خدا و شهیدان روسفید [می]باشیم.

به کلیه پدران و مادران شهدا می‌گویم که روزی شخصی به نام مهدی (عج) خواهد آمد و انتقام خون بهترین عزیزانتان را خواهد گرفت. انشاءالله<sup>1</sup>

علی محمد صفری

---

1- در انتهای وصیت جمله‌ای آمده است که خوانا نیست.



بسم الله الرحمن الرحيم

و این است وصیت نامه من که ما هم یا پسر من یا پسر پسر من یا هر که از اسم من بخرد شوم ۱۱

رضا محمدی

دست خنجر من ای پسر من در جبهه است و من  
 در صفات است: مردی خوش خلق، خوب و بخیر، عقده را ندارد و از هر چه  
 از تو بگویم و هیچ خود را بی معنی و (الله تعالی) از من خواهد کرد و خدای  
 در این نقل شده در جمله من در صفات است و از من خواهد کرد  
 که هر چه شمع کشته آن بیکم از تو بگویم و تا بگویم از تو بگویم  
 و بگویم که تا منتر که عشق بپروردگارم کرده و با من بگویم  
 و نام من در من اگر آدمی و من بگویم اگر (یا) را به من و بسیار و از آن حفاظت کند  
 دوست را خواهد بود و وقت که با گفتن از آن - که من - در دست من دست من  
 را که در هر صحنه و تا آنکه بپروردگارم کرده و با من بگویم  
 زیرا من را هم در استغاب کرده و با من بگویم

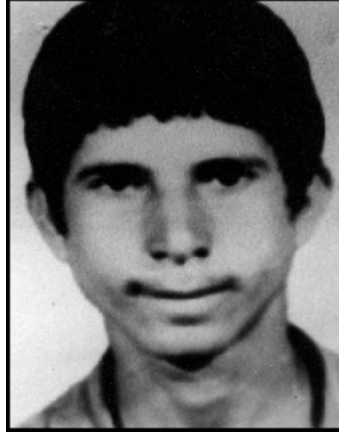
رضا محمدی

علی محمد صفورا





نام: محسن  
نام خانوادگی: صفری  
نام پدر: حسین  
نام مادر: جیران  
تاریخ تولد: پانزدهم اسفند 1346  
محل تولد: روستای خضروند از توابع  
شهرستان شیروان و چرداول  
تحصیلات: سوم راهنمایی  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: هشتم مرداد 1362  
محل شهادت: مهران  
نحوه شهادت: -  
مزار: اثری از پیکرش به دست نیامد



## عبارت‌های کلیدی

- ا وظیفه اسلامی خود را رعایت کنید.
- ا هر کاری که می کنید برای رضای خدا باشد.
- ا آرزوی نهایی من شهادت در راه خداوند بخشنده مهربان می باشد.
- ا وقتی انسان در راه خدا شهید شد، دیگر نیکی از آن بالاتر نیست.
- ا شهید قلب تاریخ است.
- ا ما به جبهه آمده ایم تا حیثیت و آبرو و شرف خود [را] حفظ کنیم.
- ا هدف من قیام در راه خدا و دین مبین اسلام است.
- ا با تمام قوت پشتیبان این انقلاب عظیم، که خون‌بهای هزاران شهید است باشید.
- ا نماز و روزه و خمس و زکات و تمام واجبات را انجام دهید.
- ا هوا و هوس این دنیا ارزشی ندارد.
- ا همیشه شاد و خوشحال باشید و زندگانی را در زیر سایه خیر الهی به سر برید.
- ا حسین حسین شعار ماست، شهادت افتخار ماست.

## محسن صفری

## بسم الله الرحمن الرحيم

وصیت نامه اینجانب محسن صفری از استان ایلام، بخش شیروان دهکده چشمه سفید، فرزند حسین صفری. به حضور محترم جناب آقای پدر بزرگوارم حسین و مادر مهربانم جیران و برادر گرامی ام علی و اهل خانواده<sup>1</sup> عرض سلام فراوان می‌رسانم. انشاءالله که خیر دنیا و آخرت نصیبشان بگردد [...] مرا<sup>2</sup> بیخشید از این همه حقی که [...] <sup>3</sup>

ای پدر و ای مادر و ای برادر و ای خواهر، آرزوی نهایی من شهادت در راه خداوند بخشنده مهربان می‌باشد. اگر شهادت نصیبم شد، امیدوارم که بعد از مرگ من هیچ گونه ناراحتی، غم و زاری و زحمتی برای من نکشید و به جای شیون، شادی و به جای لباس سیاه،<sup>4</sup> لباس سفید بپوشید<sup>5</sup>، زیرا رسول اکرم (6) می‌فرماید نیکی زیاد است اما وقتی انسان در راه خدا شهید شد، دیگر نیکی از آن بالاتر نیست. شهیدان زنده‌اند الله اکبر. شهید قلب تاریخ است.<sup>6</sup> هدف آمدن من به جبهه و دوست داشتن شهادت این است که ما به جبهه آمده‌ایم تا حیثیت و آبرو و شرف خود [را] حفظ کنیم. این انقلاب که با خون شهیدان و شهادت‌ها و قیام‌های ملت مظلوم ایران به پیروزی رسیده تا انقلاب مهدی (عج) این انقلاب را ادامه هیم.

خطی نوشتم برای روزگار من بمیرم این بماند یادگار

1362/5/1

انشاءالله کاری کنیم که تمام سرزمین‌های اسلامی خود و جاهای اسلامی دیگر [را] از

1- در اصل وصیت «خوانواده».

2- خوانا نیست.

3- خوانا نیست.

4- ر.ک. تعلیقات.

5- در اصل وصیت «پوشین».

6- این عبارت از دکتر علی شریعتی است.

زیر یوغ و دست ظلمگران جهان آزاد کنیم و حق ملت مظلوم و شهیدپرور ایران از گردن آنان بگیریم. هدف من قیام در راه خدا و دین مبین اسلام است و انشاءالله تا آخرین قطره خون از این انقلاب پیروی می‌کنیم.

ای مردم، هوشیار باشید<sup>1</sup> فرد فرد شما امت 36 میلیونی وظیفه دارید<sup>2</sup> که با تمام قوت و نیرویی که دارید پشتیبان این انقلاب عظیم، که خون‌بهای هزاران شهید است باشید<sup>3</sup>، این انقلاب را تا انقلاب حضرت مهدی (عج) ادامه داده و پشتیبان رهبر کبیر و بت‌شکن زمان امام خمینی باشید<sup>4</sup> انشاءالله.

وظیفه اسلامی خود را رعایت کنید. نماز و روزه و خمس و زکات و تمام واجبات را انجام دهید تا انشاءالله رستگار شوید و تمام کشورهای دیگر از شما ملت مسلمان و شهیدپرور ایران درس بگیرند. گرچه ای پدر، ای مادر و ای برادر و ای خواهر تا حال همه زندگانی با ناراحتی و گرفتاری به سر برده و خصوصاً در زمان شاه ظلم‌گر اما انشاءالله اجر شما پیش خداست. هر کاری که می‌کنید برای رضای خدا باشد. ناراحتی و گرفتاری اگر در راه خدا باشد این دنیا یک سفر کوتاه [ه] است ولی در آخرت که پایان ندارد. شما با خوشحالی و سربلندی در باغ بهشت قدم می‌زنید<sup>5</sup> ولی کفار و ستمگرها در آتش سوزان جهنم مسکن می‌گزینند<sup>6</sup> هوا و هوس این دنیا ارزشی ندارد و ارزش انسان دین و ایمان قوی است و عبادت و نماز و روزه. انسان هرچه ایمانش قوی‌تر باشد بهتر است. ای پدر عزیز و بزرگوام و یا مادر مهربانم، من قبلاً که غافل بودم از نعمت‌های الهی و [...] <sup>7</sup> بودم خلاصه آن همه رنج و آن همه حقی بر گردن من داشتید<sup>8</sup> به‌جای خوبی من همیشه بد بودم

---

1- در اصل وصیت «باشین».

2- در اصل وصیت «دارنید».

3- در اصل وصیت «باشین».

4- در اصل وصیت «باشین».

5- در اصل وصیت «می‌زنین».

6- در اصل وصیت «می‌گوزینند».

7- خوانا نیست.

8- در اصل وصیت «داشتین».

ولی امیدوارم به درگاه خداوند بخشنده مهربان که مرا ببخشید<sup>1</sup> و از برادران عزیز و گرامی ام عزیز بگ، علی [...] <sup>2</sup> و حسن می‌خواهم و خواهش می‌کنم که همیشه پدر و مادرم را راحت کنید و کاری کنید که انشاءالله پدر و مادرم از شما راضی و خشنود باشند و اگر پدر و مادرم از شما راضی باشند، خداوند هم از شما راضی هست انشاءالله که چنین باشید. امیدوارم از درگاه خداوند بخشنده مهربان که همیشه شاد و خوشحال باشید و زندگانی را در زیر سایه خیر الهی به سر برید<sup>3</sup> آمین یا رب العالمین.

سلام بر رزمندگان اسلام، سلام بر امام، سلام بر ملت شهیدپرور ایران، مرگ بر تمام

شیاطین سرزمین

خدایا خدایا تو را به جان زهرا (3) از رزمندگان ما را نصرت عطا بفرما

حسین حسین شعار ماست، شهادت افتخار ماست

«و[ال]سلام»

محسن صفری

62/5/1

---

1- در اصل وصیت «ببخشین».

2- خوانا نیست.

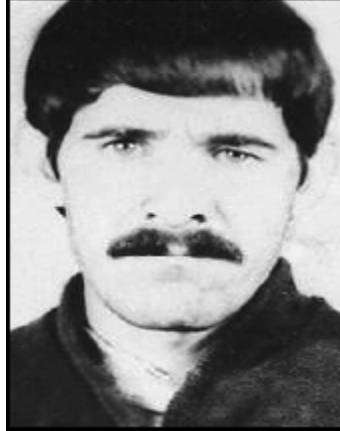
3- در اصل وصیت «برین».







نام: مراد  
نام خانوادگی: صفری  
نام پدر: سبزی  
نام مادر: خیزران  
تاریخ تولد: هشتم اسفند 1339  
محل تولد: روستای کاوراز توابع شهرستان  
دهلران  
تحصیلات: در حد خواندن و نوشتن  
ارگان اعزام کننده: ارتش  
تاریخ شهادت: بیست و هفتم اسفند 1365  
محل شهادت: شهائیه اهواز  
نحوه شهادت: اصابت سهوی گلوله  
مزار: گلزار شهدای امامزاده سید ابراهیم  
شهرستان زادگاهش



## عبارت های کلیدی

- ۱ من با شناخت و آگاهی از رهنمودهای امام امت و ولایت فقیه به میدان نبرد و جنگ حق علیه باطل شتافتم.
- ۱ به خاطر تحکیم اسلام محمدی ( 6 ) و تداوم انقلاب اسلامی و خط اصیل و خط امام، به جهاد فی سبیل الله روانه شدم.
- ۱ خدای عزیز، شاهد باش این حقیر به خاطر اسلام و قرآنت به میدان جهاد و نبرد شتافت.
- ۱ سنگر بنده را خالی نگذارید.
- ۱ در راه پیشبرد اسلام و ندای امام امت از هیچ کوششی دریغ نورزید.
- ۱ خداوند تمام انسان ها را هدایت نماید که مرگ سرخ را بر زندگی ننگین و ذلت ترجیح دهند.

## مراد صفری

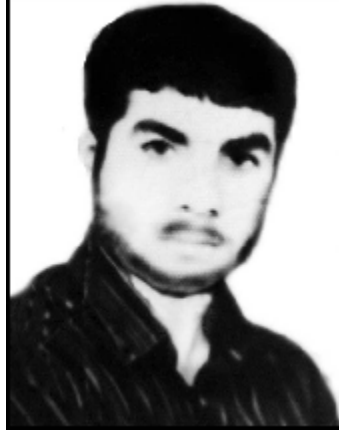
## بسم الله الرحمن الرحيم

«مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رَجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا»<sup>1</sup>

ای خوشا با فرق خونین در لقای یار رفتن سر جدا، پیکر جدا، در محضر دلداری رفتن با درود و سلام بر امام خمینی، ابراهیم زمان و حسین دوران و درود بر حزب‌الله، وصیت‌نامه خود را آغاز می‌کنم. در مرحله اول مردن حق است، چه بهتر که مردنی در راه خدا و میهن اسلامی خود باشد. ای خدای مهربان، تو خود می‌دانی که برای چه این راه را انتخاب کردم و در این راه از هیچ کوششی دست نخواهم برداشت، تو آگاهی که من با شناخت و آگاهی از رهنمودهای امام امت و ولایت فقیه به میدان نبرد و جنگ حق علیه باطل شتافتم و به خاطر تحکیم اسلام محمدی (6) و تداوم انقلاب اسلامی و خط اصیل و خط امام، که همانا خط صراط المستقیم است، به جهاد فی سبیل‌الله روانه شدم تا پرچم اسلام بر بزرگ‌ترین قله این جهان برافراشته شود گرچه خونم به زمین ریخته شود، چون این خون در مقابل اسلام و قرآن هیچ ارزشی ندارد. ای خدای عزیز، تو شاهد باش این حقیر به خاطر اسلام و قرآنت به میدان جهاد و نبرد شتافت. پدر و مادر گرامی، انشاء‌الله امید است که برای همیشه مرا ببخشید و همچنین مرا به خاطر آن زحمتهایی که در طول این دوران از بچگی تا این لحظه به وجود آورده‌ام ببخشید. از شما می‌خواهم که مشکلات زندگی و فقر خانوادگی را کنار بگذارید و به اسلام زیاد توجه کنید. مادر و خواهر عزیزم، می‌دانم که شما برای دیدن من ثانیه‌شماری می‌کردید و می‌دانم شما برای بنده آرزوی زیاد داشتید، فرض کنید آرزوی شما همان شهادت بنده باشد. از اینکه خودم را در راه اسلام فدا نمودم هیچ‌گونه ناراحتی به خود راه ندهید و افتخار کنید که چنین

1- احزاب/23. «برخی از آن مؤمنان، بزرگ‌مردانی هستند که به عهد و پیمانی که با خدا بستند کاملاً وفا کردند، پس برخی پیمان خویش گزاردند و برخی به انتظار فیض شهادت مقاومت کرده و هیچ عهد خود را تغییر ندادند».

فرزندی داشتید و اما شما برادران عزیزم، بگذارید بعد از شهادت من روحیه‌ای قوی و شجاع داشته باشید و سنگر بنده را خالی نگذارید و در راه پیشبرد اسلام و ندای امام امت از هیچ کوششی دریغ نورزید. در پایان امیدوارم خداوند تمام انسان‌ها را هدایت نماید که مرگ سرخ را بر زندگی ننگین و ذلت ترجیح دهند و سعادت لقای تو را برگزینند.



نام: علی نظر  
نام خانوادگی: صیدیگیان  
نام پدر: الیاس  
نام مادر: زینب  
تاریخ تولد: یکم فروردین 1350  
محل تولد: روستای سلطانقلی سفلا از توابع  
شهرستان شیروان و چرداول  
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: بیست و نهم خرداد 1367  
محل شهادت: مهران  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای پیرحمزه شهرستان زادگاهش

## عبارت‌های کلیدی

- ا توصیه می‌کنم که دست از اسلام بر ندارید.
- ا همیشه امام امت را دعا کنید.
- ا تا ابد پیرو خط امام باشید.
- ا تمامی فرامین امام را با جان و دل پذیرا باشید.
- ا پیوسته در [ه] اعتلای اسلام عزیز کوشا باشید.
- ا حجاب و عفت و پاکدامنی را سرلوحه زندگی خودتان قرار دهید.
- ا فرزندان‌تان را چنان تربیت کنید که هرکدام مبارزی باشند در راه خدا.
- ا خداوندا تو را به محمد (ﷺ) و آلش قسم می‌دهم شهادت در [ه] اسلام نصیب کنی.

## علی نظر صیدبیگیان<sup>1</sup>

بسم الله الرحمن الرحيم

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَتَلُوا [أ] فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ»<sup>2</sup>

«[به] آنان که در راه خدا کشته می‌شوند مرده مپندارید بلکه آنان زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی می‌خورند.»

با درود فراوان به رهبر کبیر انقلاب، این بت‌شکن زمان و درهم کوبنده زمان و سلام بر شهدای راه حق از صدر اسلام تا انقلاب شکوهمند ایران.

اینجانب علی نظر صیدبیگیان فرزند الیاس<sup>3</sup> از فرمانداری شیروان چرداول بخش آسما[ن] آباد روستای سلطان قلی سفلی.

«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»<sup>4</sup> من از سن 12 سالگی نماز خالصانه خود را ادا نموده‌ام و 18 سالگی به بعد روزه خود را نخورده‌ام [به] هدفم اسلام بوده است و مقلد امام و اگر اندازه مالی داشته‌ایم خمس و زکاتش را داده‌ایم و الآن دارای<sup>5</sup> مالی نیستیم که قابل خیرات باشد، چون بچه‌های خردریز<sup>6</sup> نیز دارا می‌باشم و با پدری پیرمرد گوزپشت 62 ساله می‌باشند. نان‌آور آنان خودم بوده‌ام و خودم هم مشتاقانه یک سال مانده به موقع<sup>7</sup> سرباز[ی] ام به خدمت آمده‌ام همچون یاران پیامبر (6) که مخلصانه می‌جنگیدند و برای پیشبرد حق و عدالت هیچ باک نداشتند<sup>8</sup>. حتی حاضر بودند پدران و فرزندان و بر[ا] دران و عمویان خویش را در این راه اگر برخلاف حق باشند نابود کنند و ما همچون آنها در رکاب امام خمینی تا آخرین لحظه و قطره خون خود می‌جنگیم و پیروی از او می‌کنیم و من براساس

1- در بالای وصیت آمده است: «وصیت‌نامه شهید علی نظر صیدبیگیان».

2- آل‌عمران/ 169. در ترجمه [به] اضافه است.

3- در اصل وصیت «علیاس».

4- بخشی از آیه 156 سوره بقره. «ما به فرمان خدا آمده‌ایم و به سوی او رجوع خواهیم کرد».

5- در اصل وصیت «دارایی».

6- در اصل وصیت «خوردریز».

7- در اصل وصیت «موقعه».

8- در اصل وصیت «نداشتیم».

رسالت و مسئولیتی که حس نموده، در راه انقلاب و برای حراست از انقلاب اسلامی ایران به این ره به جبهه آمده‌ام برای جهاد، که جهاد دری است از درهای بهشت که خداوند آن را به روی دوستان خود می‌گشاید<sup>1</sup> و جهاد لباس تقوا، زره محکم و سپر مطمئن خداوند است. جهاد در رحمت الهی است که تنها بر روی بندگان ویژه خداوند باز می‌شود. پیراهن سربازی زرهی آهنین است که دست فداکاری را بر اندام جوانمردان خونگرم و فعال می‌پوشاند. این جامه<sup>2</sup> فاخر در زندگی لباس شرافت و پس از مرگ حریر بهشت خواهد بود.

آری گلگون‌کفنان، یعنی آنهایی که در راه دین و عدالت به خون گلوی خود رنگین شده‌اند در این جهان جز نام و افتخار نخواهند داشت و در آن جهان جز در فردوس برین خانه‌ای نخواهد کرد و من به پدر و مادر مهربانم توصیه می‌کنم رنجی که، شیرینی که [به] من داده و کشیده‌اند، مرا حلال کنند و به برادران و دوستان و پدر گرامی‌ام و مادر مهربانم توصیه می‌کنم که دست از اسلام بر ندارند و همیشه امام امت را دعا کنند و دعای خیری هم برای ما بفرستند و هرگاه به سر قبر شهدا رفتند فاتحه خیری برای ما بفرستند. خواهشمندم که تا ابد پیرو خط امام باشند و مقلد این پیر جماران باشند چون او پسر حسین (7) است.

وصیت من به برادرم علی میر صیدبیگیان این است و به برادرانم و خواهرانم و بقیه برادرانم<sup>3</sup> و مخصوصاً<sup>4</sup> مادرم خواهشمند است راه خمینی راه حق است و امیدوارم هیچ‌کس برای من صورت خراش و پیراهن سیاه<sup>5</sup> و هیچ‌گونه غیر قانونی [ن] شرع اسلام برای من انجام ندهند و تمامی فرامین امام را با جان و دل پذیرا باشید. حجاب و عفت و پاکدامنی را سرلوحه زندگی خودتان قرار دهید. فرزندانان را چنان تربیت کنید که هرکدام مبارزی<sup>6</sup> باشند در راه خدا.

1- ترجمه سخنی از امام علی (7): «ان الجهاد باب من ابواب الجنة فتحة الله لخاصة اوليائه»، (نهج البلاغه، خطبه 27، ص 27، ترجمه سید جعفر شهیدی).

2- در اصل وصیت «جامعه».

3- در اصل وصیت «برانم».

4- در اصل وصیت «مخصوصن».

5- ر.ک. تعلیقات.

6- در اصل وصیت «مبارزه‌ای».

«الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْثَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ»<sup>1</sup>.

به نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان و با سلام و درود فراوان بر پیشتازان انقلاب اسلامی که در راس آنها قائد اعظم امام خمینی پرچمدار حماسه آفرین حسینی که برای پیشبرد هدف‌های اسلام عزیز [...] راه کربلا باز شد و به پای قبر امام حسین (7) رفتید، از من یاد کنید و اکنون که این وصیت‌نامه را می‌نویسم به یاد می‌آورم صدای گلوله‌ها و توپ‌های لشکر کفر را که بر سر برادرانم می‌بارد و برادرانم را به یاد می‌آورم که تکبیرگویان در زیر انفجار توپ‌ها شهید می‌شوند. خداوندا تو را به محمد (6) و آتش قسم می‌دهم شهادت در را [ه] اسلام نصیب کنی و مرا در صف شهیدان قرار دهی. زمان، زمان، زمان حسین (7) است و ایام عاشورا و بر طاغوت و طاغوتیان خود پیروز گشته و چون ابراهیم بت‌شکن تمام بت‌ها را درهم شکسته و می‌رود تا پرچم اسلام را در تمام اقصی نقاط جهان به اهتزاز درآورد و بعد با سلام به مادر مهربانم و اهل خانواده و پدر و مادر عزیزم و گرامی‌ام، ممکن است وقتی که شما این نوشته را می‌خوانید من دیگر نباشم و از حالت مادی که دارم خارج شده باشم چون که برای یک مسلمان مرگی وجود ندارد و این تحولی بیش نیست.

امیدوارم زیاد بی‌تابی نکنید که این کار از اجر شما می‌کاهد. ای برادران عزیزم، پیوسته در را [ه] اعتلای اسلام عزیز کوشا باشید و خواهش‌مندم صابر باشید چون خداوند رحمت‌کننده صابری است.

«والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته»

برادران و دوستان مرا یاد کنید  
با فاتحه خیری مرا شاد کنید  
توصیه به دوستان بیگانه از اسلام نمایی  
هرگاه توانستید بر سر قبر سوره قرآن بخوانی

علی نظر صیدبیگیان

1- توبه/ 20. «آنان که ایمان آوردند و از وطن هجرت گزیدند و در راه خدا به مال و جانشان جهاد کردند، آنها را نزد خدا مقام بلندتری است و آنان بالخصوص رستگاران و سعادت‌مندان دو عالم‌اند».

2- خوانا نیست.





مقام اسنادی آثار کربان  
سپید جاد که چهار در است در راه اصفهت که در آنجا که در راه روستای خود چاهخانه  
و جاد لبای من غنایا زرد حکیم و سپهر طبعی حلاله است چنان در راه است  
است که تنها ببردند نه سگان و بزه حلاله باز میشود در سر این سر بازر زردی  
آهین است که دست خدا کار را به بر اندام جو اندازان تو گنم و فغان میگویند

این بافته عارف در زنگی لباس شرافت و سپین از مرتبه عمر بر پشت خنده بود

تورنگی که گفتا پیش تنهایی که در راه دین و عدالت بزرگ محاور خود را پیش بردانه  
در این چنان نام و از حقار نخواهد داشت و در آن جهان جرد در فردی برین  
خانه ان نخواهد کرد و حق به پدید و قادر مهر باکم تقصیر می کنی رضی که شکر

من داده الله و کشید الله و جلال کند و به براداران و دستا و پدید و قادر مهر باکم  
توجه به چشم دست از ایلام به بنام زنده و هستی از آن است که دعا کنند و دمای خیر  
هم بنام قادر ستند و هر چه سیر قمبر سترها رفتند فاقه خیر بکار می فرستند  
و خیر سترها هم تا زنده ببرد خیر ایلام با ستر و نقل این ستر جانان که ستر چون او ستر

حسین علیه السلام است و صیت من به برادرم علی میرصدیق است  
و به بدو هم و خویراکم و بقیه بلکم و خویراکم خویراکم است که خیر لایق  
است و امیدوارم هیچکس نیای من بودت تراش و سیر این سکه و هر چه گوید  
بیر فانی شرح اسلام باین من انجام ندند





نام: صادق  
نام خانوادگی: صیدکرمی  
نام پدر: یارکرم  
نام مادر: آغہسلطان  
تاریخ تولد: سال 1343  
محل تولد: روستای زنگوان از توابع شهرستان  
شیروان و چرداول  
تحصیلات: پایان دوره کاردانی  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: بیست و سوم اسفند 1366  
محل شهادت: شاخ شمیران عراق  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: بخش صالح آباد از توابع شهرستان مهران



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ امام را تنها نگذارید.
- ۱ آمریکا را همیشه دشمن بدان.
- ۱ برادر، خون شهدا را همیشه عزیز بدان.
- ۱ خداوندا با عدلت با من رفتار نکن که جز آتش جهنم نصیبم نیست.
- ۱ خوشا به حال آنان که زندگی شان برای خداست.
- ۱ خوشا به حال آنان که جز به راه خدا راهی ندارند و جز ذکر خدا یادی.
- ۱ به هنگام مردن از مرگ فراری نیست.
- ۱ چنان باشید که به قول امام علی (7) برای هر لحظه مردن آماده باشید.
- ۱ برادرم، چنان زندگی کن که همیشه دوربین خدا را در حال گرفتن فیلم از خود بینی.
- ۱ باگذشت باش که خدا نیز از تو بگذرد.
- ۱ برادر روحانی‌تی که اکنون پرچمدار این انقلاب است پیشرو این اسلام است، حفظش کن.
- ۱ امام را تنها نگذارید که فردا باید به غم این اشتباه افسوس‌ها بخورید.

## صادق صیدکرمی<sup>1</sup>

### بسم الله الرحمن الرحيم

«كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ»<sup>2</sup> «هر نفسی مزه مرگ را خواهد چشید».

[به] آنان که به هزاران دلیل زندگی می‌کنند نمی‌توانند به یک دلیل بمیرند و آنان که به یک دلیل زندگی می‌کنند با همان دلیل نیز می‌میرند. بعد از یک عمر گناه، حال باید در یک آزمایش الهی آماده سفر مرگ شوی. بعد از یک عمر معصیت، حال باید افسوس یک عمر خطا را بخوری. بعد از یک عمر خنده، حال باید نشست و بر یک عمر اشتباه رفتن و نفهمیدن گریست. دیگر جای خنده نیست، آخر دلیلی بر خندیدن نیست. آخر در کجای دنیا انسانی که بین بهشت و جهنم در رفت‌وآمد است خود را به خندیدن خوشحال می‌کند. هر نفسی مزه مرگ را خواهد چشید. برای عده‌ای مرگ گلوبند زیبایی است بر گلوی دختران و برای عده‌ای مرگ خاری است در گلو که هرگز پایین نمی‌رود. عجیب است حال انسان‌هایی که می‌دانند می‌میرند و می‌دانند در پای میز محاکمه به بند کشیده خواهند شد، اما باز نشسته‌اند و دست بر روی دست، می‌خورند، می‌خندند و آسوده و بی‌خیال می‌خوابند. چه عجیب است داستان آدمی که می‌دانند بعد از مرگ او را بازخواست می‌کنند، اما آسوده همراه شیفتگان رؤیاها به خواب می‌روند.

بعد از یک عمر حساب نکردن، حال باید حساب پس داده «حاسبوا قبل ان تحاسبوا»<sup>3</sup> دیگر چاره‌ای نیست جز گریه، گریه به حال خویش و افسوس بر گذشته‌هایی که دیگر هیچ به عقب بر نمی‌گردد. گناهایی که تا ابد وسیله شکنجه روح تو شده. دیگر هیچ چاره‌ای نیست جز دعا که خداوندا با عدلت با من رفتار نکن که جز آتش جهنم نصیبم نیست. با عفو تو از من گذر که به جز عفو تو امیدی نیست. خدایا، گناهکارم، خطا از من رفته است. می‌دانم همیشه مغلوب نفس شده‌ام. خدایا، از من بگذر که جز گذشت تو منزلگاه من چیزی جز دوزخ نیست.

1- در بالای وصیت آمده است: «وصیت‌نامه پاسدار شهید حسین بیدخ».

2- بخشی از آیه 57 سوره عنکبوت.

3- اشاره شهید به سخنی از پیامبر اکرم (6) است: «حاسبوا انفسکم قبل ان تحاسبوا».

خدایا، ای مهربان‌ترین مهربان‌ها، ای عزیزترین عزیزانم، ای زیباترین زیبارویان نردم، ای پاک‌ترین پاکان، ای نویددهنده، ای برپا کننده، ای همیشه زنده، ای میراننده، ای سریع‌الرضا، ای کاشف‌البلاء، ای گذرنده. به هر نحو می‌خواهی بکشیم بگشیم. به هر گونه می‌خواهی ببریم، ببرم. اگر یک‌بار به مرگم راضی نیستی، هر بار بکشم، زنده‌ام کن، باز بکشم. حاضریم، راضی‌ام، فقط یک چیز از تو می‌خواهم، ای عزیز از من بگذر. گناهانم را محو کن، آتش جهنم را یار من مکن، ای خدای، بارالها، معبودا، ایزدا، ای یار صالحان، ای دشمن کافران، ای همراه متقیان و ای عدو ظالمین، ای با مؤمنین یار و با مشرکین خصم، ای که جز به تو امیدم نیست، ای خالق، ای حاکم، با عدلت با من حکم مکن. ای همیشه زنده، زندگی آن دنیا را برایم دوزخ مخواه، ای میراننده، مرگ مرا زندگی برای دیگران ساز، برای ملت‌م و دینم و امت‌م برای آن سیاه دربند، برای آن ضعیف بی‌چیز، برای فقیر غمین، برای آنان که جز اشک سلاحی ندارند و جز ذکر تو دعایی.

برادرم، خواهرم، مادرم، ای پرورش‌دهنده روحم، پدرم، ما را فراری از مرگ نیست و با مردن نیز فراری از حکم خدا نیست. خوشا به حال آنان که زندگی‌شان برای خداست، مرگشان در راه خداست، خوشا به حال آنان که جز به راه خدا راهی ندارند و جز ذکر خدا یادی.

پدرم، مادرم، برادرم، خواهرم، از اینان باشید به لحظه مرگ، زندگی چیزی جز افسوس نیست، خویشتن را بیابید به لحظه وداع، گناهان گذشته معذب روح‌اند، زندگی را دریابید. به هنگام مردن از مرگ فراری نیست، خدایی زندگی کنید. چنان باشید که به قول امام علی (7) برای هر لحظه مردن آماده باشید. دوربین فیلمبرداری خدا را که هیچ‌گاه ندیدم، حالا دیدم گویی می‌بینم که فرشتگان مأمور در حال گرفتن فیلم از ماینند. برادرم، چنان زندگی کن که همیشه دوربین خدا را در حال گرفتن فیلم از خود ببینی. زیاد مخواب که فردا باید سال‌ها به زیر خاک بخوابی. زیاد مخور که برای خوردن وقت‌هاست، زیاد مخند که دلیلی بر خندیدن نیست. به هر کجا می‌روی بدان آخر به سوی خدا می‌روی. هرچه می‌کنی بدان سرانجام دیدار آن دنیاست. مرگ را همیشه ببین. با گذشت باش که خدا نیز از تو بگذرد. پدرم، مادرم، اگر در نزدتان عزیز نبودم و وجودم جز رنج برایتان هدیه‌ای نبود، خوشحال باشید که رفته‌ام و اگر در نزدتان عزیز و گرامی بودم بدانید که خدا سفارش

فرموده از آنچه دوست دارید انفاق کنید، مرا انفاق در راه خدا فرض کنید، بهترین انفاقتان. خواهرم، حجاب [تو]<sup>1</sup> سنگری آغشته به خون من است. می دانم بالاتر از آنهایی که سفارش به پوشش و حجاب، تو را کنم ولی بدان تفنگی که دست من است چادری است که بر سر توست، اگر میل به حفظ سلاحم داری، چادرت را سلاحم بدان.

برادرم، زندگی چند صباحی نیست، نیامده می گذرد، آن چنان سریع می گذرد که آب رود به دریا می پیوندد. چنان زندگی کن که فرداها برای رفتنت وحشتی نداشته باشی. برادر، کوچکتر از آنم که به تو چیزی یاد دهم، اما می خواهم بگویم داستان قیامت، داستانی حقیقی است. اگر نمی دانی سعی کن بدانی، اگر می دانی سعی کن ببینی، اگر می بینی سعی کن عمل کنی، فردا دفترچه اعمال را جلویت بازمی کنند و تو چیزی نداری، جوابی نداری جز یک کار افسوس، افسوس، افسوس بر عمری که گذشت. در کودکی بازی، در جوانی مستی، در پیری سُستی، آخر کی خداپرستی<sup>2</sup>.

برادرم، می خواهم با زبان عاجزم، قلم ناتوانم برایت سفارشی کنم، وصیتی نمایم، پیامی دهم. می خواهم بگویم برادر روحانیتی که اکنون پرچمدار این انقلاب است پیشرو این اسلام است، حفظش کن. هرچه به تو گفته اند دروغ است، به خدا آنها را دیده ام بر منبرها و سنگرها با زبانشان و با سلاحشان دیده ام در جبهه ها، جایی که ما را توان و شهامت رفتن نبود. آنها رفته اند، به آنها احترام بگذار البته نه آنهایی که از روحانیت تنها چیزی که دارند عبا و عمامه است. برادر، امام را تنها نگذارید که فردا باید به غم این اشتباه افسوس ها بخورید. فقط این را بدانید که اگر او نبود، هنوز می بایست سر صف سینماها سر کول هم زنیم، در سالن های قمار به دعوا پردازیم، حس حقارت و کوچکی ما را عذاب دهد. به خدا من او را افتخار دینم و ملت می دانم و باعث افتخار خودم، با جانم، ذره ذره وجودم، در زندگی ام، در نمازم، در شلیکم، به هنگام نیازم به هر جا، در هر کجا، با هر زبان او را دعا می کنم، تو نیز او را دعا کن. اگر او نبود هنوز ما می بایست ذلت پذیرش ظلم را به خاطر

1- اضافه است.

2- این جمله از خواجه عبدالله انصاری است.



مصلحتی پوچ بپذیریم. اگر او نبود ما از مسلمان بودن خویش هیچ نداشته جز نمازی که نماز نبود و روزه‌ای که جز گرسنه بودن فایده‌ای دربر نداشت. نمی‌دانم تو او را چه می‌دانی، من او را مسلمانی مجاهد، مجاهدی مؤمن، مؤمنی عابد، عبادی سرکش، سرکشی متواضع، متواضعی پیروز، پیروزی ساکت، ساکتی خروشان و خروشانی ساکت می‌دانم، او را دعا می‌کنم، تو نیز، او را دعا کن<sup>1</sup>.

برادر، وکیل می‌کنم از جانب خودم تا بعد از عمرم و مرگم و شهادتم راهم را ادامه دهی. آمریکا را همیشه دشمن بدان. سعی کن همیشه بمبی باشی تا هر کجا خواستی ضامن آن را بکشی و هزاران کثیف را از زندگی که برای آنها چیزی جز نفس کشیدن نیست راحت کنی. برادر، خون شهدا را همیشه عزیز بدار. پیمان مقدس ما خون من است از یادم مبر که محتاج به یاد توأم.

برادر، هر شب جمعه در سر قبرم، منزلگاه ابدم حاضر شو، برایم دعا کن، دعا کن که خدا از من بگذرد. از کسی که کینه‌ای ندارم جز دشمنان خدا، آمریکا و شوروی و ابرقدرت‌هایی که حاضرند هزاران نفر بمیرند تا خود بر مسندی که مسند نیست تکیه زنند. به همه مهر می‌ورزم جز دشمنان دینم، ملت، رهبرم، مکتبم و راهم. برادر، اگر امانتی نزدم داری یا از خانواده‌ام بگیر یا در راه خدا گذر کن. هر امانتی در نزدت دارم یا در راه خدا برایم انفاش کن یا به تو بخشیده می‌شود. همه را به خدا می‌سپارم. از همه شما طلب عفو و گذشت دارم. خدایا، به حال کسی که جز اشک سلاخی ندارد و دواپی جز یاد تو ندارد، رحم کن که محتاج یک راحِمَم.

---

1- در اصل وصیت «تو او را نیز دعا کن».

## [وصیت‌نامه‌ای دیگر]

### بسم الله الرحمن الرحيم

«لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ»<sup>1</sup>

شما هرگز به مقام نیکو کاران و خاصان خدا (یا درجات عالیه بهشت) نخواهید رسید مگر از آنچه دوست می‌دارید در راه خدا انفاق کنید که همانا خدا بر آنچه انفاق می‌کنید آگاه است.

بعد از یک عمر اشتباه و گناه حال باید آماده سفر شویم بعد از یک عمر معصیت حال باید افسوس بخوریم حال باید حسرت بکشیم بعد از یک عمر خنده و خوشی حال باید بر یک عمر اشتباه رفتن و نفهمیدن بگیریم که دیگر دلیلی بر خندیدن نداریم. بعد از یک عمر حساب نکردن حال باید حساب پس دادن «حاسبوا قبل ان تحاسبوا» دیگر چاره‌ای نیست جز دعا و تلاش، تلاش در راه معبود، تلاش در راه حق.

خدایا با عدلت با من رفتار مکن که چیزی در مقابل کرم و لطف در مقابل نعمت‌هایت ندارم. خدایا با فضلت با من رفتار کن خدایا عفو کن که هیچ چاره‌ای به جز گذشت ندارم. خدایا پنجم ده که بهترین پناهگاهی. خدایا خطا از من رفته گناهکارم، روسیاهم از من درگذر که گر به حال خویش گذاریم جز آتش جهنم نصیب نمی‌گردد.

خداوندا به هر طریقی می‌خواهی مرا بکش، فقط از تو یک چیز می‌خواهم آن هم اینکه از معاصیم درگذری و مرگ مرا زندگی برای دیگران قرار ده، برای ملت، برای دینم، برای کشورم.

الها چه شور و غوغایی در این مملکت می‌بینم چه هیجانی چه شوقی در این دیار از علی‌اصغر (7)<sup>2</sup> تا حبیب بن مظاهر<sup>3</sup>ش در پشت جبهه‌ها و در بلاد و قراءها در زیر موشک و بمب و توپ‌های ابرجنااتکاران مقاوم چون کوه ایستاده و در جبهه‌هایش

1- آل‌عمران/ 92.

2- ر.ک. تعلیقات.

3- ر.ک. تعلیقات.

در سنگر رویارویی نور و ظلمت، رویارویی کفر و اسلام، حق و باطل. مردی و نامردی. از قاسم (7) تا حبیب‌بن‌مظاهرش ایستاد مقاوم و خروشان می‌گرد و صد انسان را درهم می‌شکند.

کمر خصم را خرد می‌کند و خود به دیار عاشقان می‌رود. خداوندا، خویش نظاره‌گری که چگونه یاران حسین (7) پیروان محمد (6) و پیروان علی (7) و سالکان ابراهیم (7) و همگامان خمینی به پا خاسته‌اند و ظلم را به باد فنا می‌دهند می‌روند تا حق بماند. می‌روند تا اسلام بماند.

پروردگارا به پرندگان بگو پره‌ای خویش را به خون پاک شهیدان رنگین کنند و پیام خون را به خطه ستم‌کشان برسانند، که دیگر جای هیچ ستمگری در این دیار نیست. ایزدا، باز فلسفه آفرینش را در کربلای خوزستان، مهران<sup>1</sup> در بلندی‌های کردستان به نمایش گذار باز به فرشتگان بگو «إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ»<sup>2</sup> بارالها، یاریمان کن تا به جهانیان بفهمانیم که جنود مهدی (عج) را از هیچ چیز ترسی نیست و مرگ را به بازی گرفته‌اند.

1- ر.ک. تعلیقات.

2- قسمتی از آیه 30 سوره بقره.

### دستگیری صنایع باسلاخ حسین سلخ

حلی نفسی ذاتی الموت . صورتی مزا مرگت را خواهد چشید .  
 بهنگم بهر زمان دلیل زندگ میکنند نه تراشد بیدلیل بجزند و آنکه به کیل زندگ میکنند  
 چون دلیل نیز میزند . ( صبا که سرگناه حال بهر یک کسین الهی و بجا که سرور گ  
 شوی بهر یک عمر مصیبت حال با هر انوس کی خطا بخوری .  
 در آن کی عرضه حال با هر است و در یک عمر است . وقت و نهدن کار است در گری  
 خدمت اخروی بر خیزد نیست )  
 ( اخروی که دید آنست که در این شربت و هنج رفت بر کند دست خود را به خند  
 خوشحال میکند ) عرضی مزا مرگ . از راه چشید برای عده ای مرگ طو بند ز بند است  
 بر گوی دفتران در ای عده ای مرگ خاره است در طو . بهر گزین من فیروز در ( یک است  
 حال آنست که میدانند میزند و میداند در پای شتر گامه به بند کشید خواهد شد باز  
 نشسته اند و دست برده دست می خوردند می خندند و آسوده در خیال خواهند چ

بجیب محبت در تن آوردم میدانند بعد از مرگ او را با خوارت میکنند. آنگاه کسره

بهران سینگان نژاد (جواب سردار)

(بعد از یک محاسب نکردن حال بدر حساب پس دلمه حاصلوا قبل ان یاسروا)

دگر چاره ای نیست جز گریه، گریه ببال غم و غموس بر دهنده ای که دگر هیچ به

عقب روی کند. گمانی که تا ابد رسیدار شکنه روح آورنده، دگر هیچ چاره ای نیست

جز دعا که خداوند با عدوت با من رفتار میکند که جز آتش هیچ نصیب نیست با عدوت

از من گذرد که بخیر سوختار ای نیست. خدایا که حکام، خطا از من فیه است. سیدان محمدیه

منوب نفس رده ام خدایا از من گذرد که جز گذشت تر فرنگی. من چیزی جز نودخ نیست

خدایا ای عزیزترین طرف من، ای عزیزترین عزیزانم، ای زیاده ترین زیاده روی مردم، ای

بکترین یا چا، ای نور دیده، ای برتر کننده، ای همیشه زنده، ای براننده، ای سرخ ارض،

ای کاشف البلاد، ای زنده هر غم و آوازه ای بقیه بقیه. هرگونه میفرمایم بر ایم.

سرم. اگر بیایم برگم، رضی بستی هر بار بشم زنده ام کن باز بشم، احسنم، اخصم بقطه ای صبر  
 ابروی منو اضم، ای عزیز از من گذر، گفتم تا زهر الحون کن، آتش خنجر ما با من کن، آه -  
 هدیه، پارچه، عبودا، ایزلا، ای ای صالحا، ای دین کاظمین، کلمه اقصیان،  
 دایه مدد طلبین، ای بهر مومنین یار، در با من کن وضع، ای که جز به تو اسیرم نیست، ای خان  
 ان حاکم، با عدت، من صلح مکن، ای محبت زنده، زنده کن دنیا را بر ایم بودغ خواه  
 ای میراننده، برگ را زنده کن، ای که کلمه و ای صبر و وضع است، ای که ای صبر و وضع  
 همان آن صیف پیروز، زان فقر غیبی، با آنکه آنکه هر کس که زنده شود جز تو بودی  
 برادرم خواهرم، مادرم، ای پرورش دهنده رحم، پدرم، ما را اهلایا نیت از  
 مرگ نیت و ما چون پیروزوار که از حکم خدا نیت خوشحال آنکه زنده گشتن  
 بی غفایت مرگستان بسلام غفایت، خوشحال آنکه هر چه از این نماند و هر  
 ذکر خدا یاد.

بدم ، مادرم ، واردم ، خواهرم ، از اینان باشید بلحظه زندگی چندین جزا نمودار است  
 خویشن باید بیدار بماند و راجع گنجان گزیده خدای روحند زنده مار با بیهوشی تمام مرون  
 زنگ زده نیت و خدای زنده گزیده چون با بیدارم قبول نام من و او هر دو کلام در ک  
 آماره با بیدارم معین فیض برادره را که هیچگاه ندوم ، حاله نسیم گوییم بنام که فرستادن -  
 تا خود در حال گرفتن فیض از طریق برادرم خندان گنگن که همیشه در بین خدا را در کارش  
 فیض از خود بینی ، زیند خواب که خردا بیدار بماند خردا خاک خردا به ، زیاد خود که -  
 بمان خود و قضا است ، زیند بماند که در می و خندان نیت ، هر کجا میرود بماند خردا خردا  
 خدا می رود که چنانکه بدان سرافام و بار آن دنیا صحت گوگ ، و همیشه همین با دوست است  
 که خدا نیز از او بگذرد ، (مهم ، مادرم ، اگر در دنیا عزیز نبودم در جرم جزای بماند خردا -  
 نبود ، خوشحال با بیدارم که نتج و اگر در دنیا عزیز بودم بماند خردا خردا خردا

فرموده که آنچه دست راست را با حق کنید و با باقی در راه صرافین کنید بهترین استخوان .  
 خواهم ببینم چه است و رنگی گرفته خون من است ، میوانم با باقی آن که  
 که سوس به پیش رو جانم که در آن ننگ که دست من است و در راه است  
 اگر حل به حفظ سلام در راه جانم را سلام بدان .

بخدمت زنگه چند صبا نیست ، نیامده که گذرد . چون سراج میگذرد آب سرد در جیب  
 میپوشد . چنانکه کن که فرزند آینه گفت و حتی زینت باقی . بله که در راه است  
 چیزی یاد دهم ، اما میفرماید که در آن وقت ، در آن حقیقت است . اگر چه که در راه است  
 اگر میدانم میگویند ، اگر میدانم میگویند ، اگر میدانم میگویند ، اگر میدانم میگویند  
 و عملت با حلاوت باز نکنند و در چیزی نزارا جواب نماند جز یکبار افسوس ، افسوس  
 افسوس بر روی که گذشت . در کوک بزه ، در جوی مستی ، در بره شمع بگویند خدا دوستی



(جلد سوم) باز با ستم فتح نالوانم بابت من در آن کوه صبی نام ، و بعد فتح میوه میوه گویم  
 مجلسداری که اکنون بر عهد این انقلاب است پیروان این امام است خشن کن  
 هر چه بر گفته اند و است. بخدا که ما را در این روزگار و جنگ با دشمنان و بعد جنگ  
 دیدیم در جنگ عظیم که ما را از وحشت بین بود که آن وقتند، با کف ایستادیم  
 البته که آنکه میگویند در وطنیت خود چیزی را ندارند و علم است. بولد امام آمده گفتند  
 گفتند بیدار و فتح این استباه افروز، بر سر، قطعی و با جانم که اگر او نبود  
 ما نیستیم. صرف این که بگویم فتح، در این روزگار و با ستم و ستم  
 هر چه که ملوانان را در عهد ایثار من، او را افتاد و فتح و فتح میدانم و با افتخار خود با صفت  
 ندانم و مردم، میگویند که ما را در این روزگار و جنگ با دشمنان و بعد جنگ  
 و صلح، تو را از او را، اگر او نبود جز با جانم و دست بزرگ، فتح و با جانم و صلح و صلح

که اگر او بودی ما را مستجاب فرمودی چون هیچ ذراتی نیستی جوئی که فانی شود و صفای که جز تو نیستی  
 غایب و این نیستی غدا هم تو را آنچه غداست ای او را مستجابی بعد از این حدیثی که تو را  
 عابد، عابدی سرکش، سرکش تو را آنچه تو را خواهی پیر دردی پیر و نه ما را مستجاب فرمودی  
 سبک عبادت او را و سبک کنی او را از بندگی کنی

بلکه کسیت بیگانه از ماست و ما را از مردم برتریم و ما را هم از اولاد او برتریم هر که  
 در آن طایفه است که عیبی بر او نیست هر که از او استیضایی کند که او را کتب کند  
 و نه که بعد از آنکه چیزی بر او فرض کردند نیست امت کند بلکه چون بخندار احمد عزیز با  
 بیان مقدس ما خون من است و ما را هم برتر است که ما را در تو هم

بلکه هر سبب چه در سر فریم و فرنگه ای هم حاضر شویم و ما را یکی و او را یکی که خدا را می بیند  
 از کسی که گفته اند هر که بخواند خدا را هر که در سر تو ای که حاضرند خدا را

نفره از تا خود رسد که منند نیست که حکم زنند . به همه همسری دهم جز دشمنان  
 دین و ملت ، هر چه بکنند در احوال . بلکه اگر آنجا ندم دلاری ، از خانواده ام بگیرد یا در راه خدا  
 گذر کند هر چه در زلفت دلم ، یا در راه خدا برای من باشد کن ، تا تو بخشیدی مشهور و همه اینها  
 میباید . از همه طلب نمود که شد . دلم . خدا با به حال کن که جز یکت سستی ندارد  
 دعا جز با تو ندارد رحم کن که حاجت کسی را اجتن

بسم الله

مَدَامَا كَانُوا الْبَرَّ حَتَّى تَقْبُرُوا مِمَّا تَعْبُونَ وَمَا تَقْبُرُوا مِنْ شَيْءٍ فَلِنَّ الْغَدَاةَ

شاید که تمام سزایان خدا (در دنیا و آخرت) از همه بزرگتر است که در دست  
میدارید در راه خدا و آن قتل کنید که با ما خارج از غیر اندک میکنند

بعد که کسی را اشتباه کنی حال با او آید سرش برسد که در صحبت حال با او

انفوس بخورد حال با او صحبت کنیم بعد که در وقت غمی حال با او بر آید

استندت بنفوس گیریم که در هر وقتی در هر وقتی در هر وقتی در هر وقتی

حال با او صاحب کمالی مملد با او قبل از آن تا بر آید اگر چه او ای نیست

بزرگوارند من ، آه من در راه عبود ، آه من در راه حق ، خدا به عدلت :

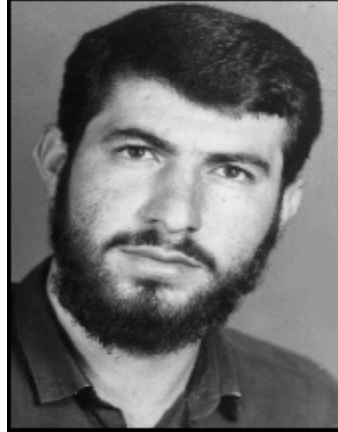
من وقتا بکن ای صبح چیز در مقابل نرم و لطفت در حق من نعمت است

ندلم خدا : با نصرت : من وقتا بکن .





نام: عباس  
نام خانوادگی: صیدمرادی  
نام پدر: خدامراد  
نام مادر: والیه  
تاریخ تولد: یکم مهر 1346  
محل تولد: شهرستان مهران  
تحصیلات: دیپلم  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: بیست و سوم اسفند 1366  
محل شهادت: کردستان عراق  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: بخش صالح آباد از توابع زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ سپاس خدای جهانیان را که ابتدای کار ما را سعادت و پایان آن را شهادت قرار داد.
- ۱ بنگر اسطوره‌های شهادت چگونه حیات را به بازی گرفته و مرگ را به اسارت خویش در آورده‌اند.
- ۱ راهی که من انتخاب کرده‌ام راه تمام شهدای اسلام بوده.
- ۱ خداوندا، بعد از شهادتم نور ایمان را در دل پدر و مادرم منور ساز.
- ۱ مادر جان به خدا سوگند اگر به خاطر اسلام و قرآن نبود هرگز از کنارت نمی‌رفتم.
- ۱ مادر گرامی، صبر داشته باش و امیدوارم که بعد از شهادتم همچون زینب (3) زندگی کنی.
- ۱ بر ماست که به پا خیزیم و محافظ اسلام و قرآن باشیم.
- ۱ آرزو دادم که در بستر نمیرم میان جبهه و جنگ بمیرم.

## عباس صیدمرادی

### بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خداوندی که «طاعتش موجب قرب و [به] شکر اندرش مزید نعمت»<sup>1</sup> سپاس خدای جهانیان را که ابتدای کار ما را سعادت و پایان آن را شهادت قرار داد. حمد و ثنا بر خداوندی که هستی بخش تمام موجودات است. خدایا، بنگر که فرزندان ابراهیم چگونه اسماعیل<sup>2</sup> وار به قربانگاه آزمایش می‌شتابند، می‌سوزند تا با کفر نسازند، می‌روند تا ایمان نرود. بنگر اسطوره‌های شهادت چگونه حیات را به بازی گرفته و مرگ را به اسارت خویش در آورده‌اند. آری اینان سرمشق عشق‌اند، عشق خدایی که سرودشان «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»<sup>3</sup> فریادشان «نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ»<sup>4</sup> آوایشان «لا اله الا الله» خدایا، دل‌اورمردان قبیله نور در نبرد با ظلمت به دشت روشنایی هجرت نموده‌اند. هجرت از خویشتن اولین گام آنها در جهت خشنودی تو بوده است و عشق این جوانان رزمنده برای جلب خشنودی و رضای تو باعث شده تا آنان نخستین گام را بردارند و دل از دنیا بکنند و به سوی سرای ابدی هجرت کنند. رفتند تا قلۀ فلاح را فتح کنند، رفتند قلۀ توحید را بگشایند. ای خداوند متعال، تو خود شاهدهی که من قدم در چه راهی گذاشته‌ام. راهی که من انتخاب کرده‌ام راه تمام شهدای اسلام بوده. پس ای خالق یکتا، اگرچه [در] سرمای سرد کردستان با دژهای محکم و با تانک‌های متجاوز دشمن زبون روبه‌رو بودم و اگرچه گرمای سوزان مهران<sup>5</sup> را تحمل کردم و در شب‌های تاریک زیر گلوله و خمپاره بودم، گرچه تا عملیات‌های نصر<sup>6</sup> و کربلای 10<sup>7</sup> ماندم، همه‌اش به خاطر خشنودی و رضای تو

1- عبارت برگرفته از مقدمه مسجع گلستان سعدی است.

2- ر.ک. تعلیقات.

3- بخشی از آیه 156 سوره بقره.

4- صف / 13.

5- ر.ک. تعلیقات.

6- ر.ک. تعلیقات.


7- ر.ک. تعلیقات.




بود. پس اگر در این عملیات توفیق یافتم که به درجه رفیع شهادت نائل شوم، مرا از بندگان پاک و مخلص خودت قرار ده و روحم را در بهشت جاودانت قرار بده، از جانم می‌گذرم به خاطر رضای تو و از جسمم می‌گذرم به خاطر اینکه جز مشتی خاک بیش نیست. خداوندا، بعد از شهادتم نور ایمان را در دل پدر و مادرم منور ساز تا مرا در بهشت جاودانت ببینند و به آنها صبر و شکیبایی عطا فرما، ای مادر عزیزم، می‌دانم بعد از شهادتم زانوی غم در بغل می‌گیری و شب و روز گریه می‌کنی، ولی مادر جان به خدا سوگند اگر به خاطر اسلام و قرآن نبود هرگز از کنارت نمی‌رفتم و بدان که مهمان پسر حضرت فاطمه (3) هستم، پس مادر گرامی، صبر داشته باش و امیدوارم که بعد از شهادتم همچون زینب (3) زندگی کنی و از تو می‌خواهم که شیر پاکت را حلالم کنی. و تو ای پدر زحمتکش و گرامی‌ام اگرچه نتوانستم خدمتی به شما بکنم و در آینده عصای دستتان باشم، مرا ببخش و حلال کن، زیرا راهی که رفته‌ام راه برگشتنی نیست، چون امروز عاشورای حسینی بر پا شده است، پس بر ماست که به پا خیزیم و محافظ اسلام و قرآن باشیم و با نثار خون خود درخت تنومند اسلام را آبیاری کنیم. پس از تو می‌خواهم ناراحت نباشی که فرزندت در این راه فدا شد و از برادران و خواهرانم می‌خواهم که زیاد ناراحت نباشند چون انسان یک‌بار به دنیا می‌آید و دوباره باید رخت سفر ببندد و هجرت کند و در نهایت آرزو دادم که در بستر نمیرم میان جبهه و جنگ بمیرم.

<p style="text-align: center;">(۱)</p> <p style="text-align: right;">وصیتنامه</p> <p>است. خدایا بگو که فرزندان ابراهیم چگونه      ایامی دل برزانه آرزوی من باشند      می سوزند تا بگو که فرزندی در دنیا با این نمود بگو      اسطر علم سعادتی بجز حیات ماباری نبوت و صلوات      را بر رسالت خیرت در سعادتی چنین سزونی      معتقد، عشق خدای که سرمدان طافه اندیشه چون</p>	<p style="text-align: center;">(۱)</p> <p style="text-align: right;">وصیتنامه</p> <p style="text-align: center;">بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p> <p>بیم خداوندی که ما عشق بر حسب فریب و      شکر اندیش برید نعت.      سپاس خدای جباران را که ابدای کار ما را      سعادت و پایان آن را سعادت و کار کرد.      و حمد و ثناء خداوندی که هستی عشق تمام ابد است</p>
<p style="text-align: center;">(۱)</p> <p style="text-align: right;">وصیتنامه</p> <p>آنکه خستنی تمام ما بر دل از دنیا بکنند و بگو      سهواً ای صبرت کنند. خند تا اول فراموشی      کند خند تا بگوید که این برای خداوند سعادتی      تو که سعادتی کنی قدم بر چه می گذارم      راه کنی انتخاب کرده ام راه علم سعادتی بسهم      بود بر ای خانی یکت از چه سهرای که کردی من</p>	<p style="text-align: center;">(۱)</p> <p style="text-align: right;">وصیتنامه</p> <p>فرهنگی نسیب تا فتح فریب آوازیان      لا اله الا الله. خدایا دلاور مردا پیدا خود را نبرد      با طاعت بدست روستایی محمدت نموده اند.      عجزت از خویشی او من تمام آفا در جهت خنوزی      تو بوده است و عشق این جوان در صند بای      حسی خنوزی و رضای تو ایست شده</p>

<p style="text-align: center;">(11)</p> <p style="text-align: center;">وصیتنامه</p> <p style="text-align: center;">بسم الله الرحمن الرحیم</p> <p>و بحم نعت قرآنه در جمعه در جنت جاد رفت          قرآنه در عالمی ندم به خاطر رضای تو در جسم          کونتم به خاطر ای که جز مشتی خاکستری نیست          خدو در جنت زنده نماید تمام زبان را وصل بدو دادم          منور ساز نامم در اینست جاد رفت میدود آنها          مسوم و کتیبای مطافرا ای داد منوریم جیادتم</p>	<p style="text-align: center;">(12)</p> <p style="text-align: center;">وصیتنامه</p> <p style="text-align: center;">بسم الله الرحمن الرحیم</p> <p>باز در حکم و دانگهای مجاهدت من زبون زبیر بودم          مصلحت جوی سوزان عمران را بکل کردم در نهجای          نایب زبیر بودم و عیار بودم توجیه علیانهای          نصرانی و کربلای بی نامم من به خاطر جنتوری رضای          تو بودم بر آن در این عبادت تو خشن بودم که در هر          منبع شهادت باطل شوم مرا از بطن پاکت</p>
<p style="text-align: center;">(13)</p> <p style="text-align: center;">وصیتنامه</p> <p style="text-align: center;">بسم الله الرحمن الرحیم</p> <p>ای خدایم که شهادت را صلوات کنی و فدای پر          ز کشتن در راهم آری چه نواستم خدمتی به خاک نشدم          در کوزه صفای رستان ای شوم بر اینش در جنت          کن زبیر بودم که در تمام طایفه و کشتی نیست چون          انکه در شهادت چون عاقل بودی شهنش بود با          انکه است پس بدست که به با خرم و اوله حافظ</p>	<p style="text-align: center;">(14)</p> <p style="text-align: center;">وصیتنامه</p> <p style="text-align: center;">بسم الله الرحمن الرحیم</p> <p>بدره نمودم زلوی هم در فعل می گوی و مشرب          بودم زبیری کنی و با جان کنده اسرگند آری خاطر          اسهم در همان بود هرگز از شهادت من رفتم و          بیان که سخن سپهر حضرت خاطر دسی حستم بر          داد گوی صبر داشته باشم در سید دارم که کس در          نهادم همچون زینب زحمتی کنی و در تو</p>



بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين  
الطاهرين





مقتضای حدیث مبارک شریف میخوانم؟

بدرت با شرف چون انسان یک بار بیاید  
می آید دوباره باید وقت سزایند و محبت کوزه  
و شفقت آوردند که در دست پر خیرم بیان  
دعای کبیر در جمع با شکر اجرا می شود؟


محمد تقی خیرم

۱۳۸۸






بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين  
الطاهرين



و صیانتاً

احوال روحی خودم (۱)

برایا نظرها را اول وقت و حتی الاکمال با جماعت میخوانم  
اسم و در آن با شکر در شان خود در وقت  
نخورد اسامی و آبیاری کنیم پس لذت می آید  
بدرت بیانشی که فرزندت در این راه فدا شد  
و در باران و خورشید می خندم که زود  
۱ - لازم به توضیح است که این نعمت از آن جهت  
بهره ندهد است که بنا بعداً بتواند با مراجعه به نتیجه  
مطلقات خود حالات عرفانی و درجات عبودیت که در حقیقت  
بناخته به بیان آورده.



نام: احمد  
نام خانوادگی: صیدی  
نام پدر: رستم  
نام مادر: خیره  
تاریخ تولد: یکم بهمن 1319  
محل تولد: شهرستان مهران  
تحصیلات: در حد خواندن و نوشتن  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: چهارم مرداد 1362  
محل شهادت: زادگاهش  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: بخش صالح آباد از توابع همان شهرستان



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ وصیت اینجانب به ملت شهیدپرور و از خود گذشته این است که [در] تمام مراحل زندگی پشتیبانی این انقلاب [را] کنند.
- ۱ نگذارید منافقین از خدا بی‌خبر به این انقلاب ضربه بزنند.
- ۱ از مادرم می‌خواهم برای من ناراحت نباشد مثل زینب (3) استوار و محکم باشد.
- ۱ از فرزندانم می‌خواهم حسین‌گونه و زینب‌وار به زندگی آینده خویش ادامه دهند.

## احمد صیدی<sup>1</sup>

### بسم الله الرحمن الرحيم

با سلام و درود بر امام زمان و نایب برحقش امام خمینی بت شکن و ارواح روح تمام شهدای اسلام از هابیل تا قابیل، به خصوص شهیدان امروز خودمان، وصیت اینجانب به ملت شهیدپرور و از خود گذشته این است که [در] تمام مراحل زندگی پشتمانی این انقلاب [را] کنند و نگذارید منافقین<sup>2</sup> از خدا بی خبر به این انقلاب ضربه بزنند.

از مادرم می خواهم برای من ناراحت نباشد مثل زینب (3) استوار و محکم باشد. برایم گریه مکن چون دشمنان این انقلاب شاد می شوند. می دانم داغ فرزند برایت خیلی مشکل است، ولی باید تحمل کنید.

همسرم و بچه هایم را به شما می سپارم و از مادر عزیزم می خواهم برادران و خواهران را دلداری بدهید. نگذارید برای من زیاد ناراحت بشوند. از فرزندانم می خواهم حسین گونه و زینب وار به زندگی آینده خویش ادامه دهند.

در پایان، از تمام اقوام<sup>3</sup> و خویشان همگی طلب عفو و بخشش و حلالی می خواهم. مادرم، این دم آخر شیرت را حلالم کن. به امید زیارت کربلا و نجف.

«و [ال]سلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

احمد صیدی

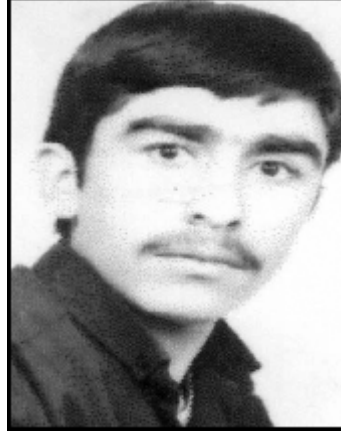
62/5/4

1- در بالای وصیت آمده است: «وصیت نامه احمد صیدی».

2- ر.ک. تعلیقات.

3- در اصل وصیت «قومان».





نام: ایرج  
نام خانوادگی: طاهری نسب  
نام پدر: جوزعلی  
نام مادر: تاج  
تاریخ تولد: سال 1347  
محل تولد: روستای شوهان از توابع شهرستان مهران  
تحصیلات: سوم متوسطه  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: یکم تیر 1366  
محل شهادت: کردستان عراق  
نحوه شهادت: -  
مزار: اثری از پیکرش به دست نیامد

## عبارت‌های کلیدی

- ۱ پدر عزیز و گرامی، می‌خواهم که بعد از من همچون ابراهیم ( 7 ) در امتحان الهی پیروز شوید.
- ۱ اما خدا با شماست و هیچ وقت خداوند بنده مومن خود را از یاد نمی‌برد.
- ۱ باری پدرم حلالم کن و هیچ وقت نگران نباش که من نه از حسین ( 7 ) زیادترم و نه از عموهایم.
- ۱ امیدوارم در این معامله‌ای که با خدا کرده‌اید پیروز شوید و موفق باشید.
- ۱ راهم را ادامه دهید.
- ۱ وصیتی که به خواهرانم دارم این است که حجاب را همچون همیشه رعایت کنید، زیرا حجاب شما تیری است بر قلب و جگر دشمن.
- ۱ من از پیش خدا آمده‌ام و به پیش خدا می‌روم.



## ایرج طاهری نسب<sup>1</sup>

بسم الله الرحمن الرحيم

«بسم رب الشهداء الصديقين»

با سلام و درود فراوان به رهبر گرامی و عزیزمان و با سلام به شهدای گلگون‌کفن از صدر اسلام تا کنون.

چون می‌خواهم بعد از اینکه به شهادت رسیدم بدون وصیت نمانم، لذا چند وصیتی به پدر و مادر و خواهرانم دارم که می‌نویسم: چون در دنیای امروزی، اسلام توسط ابرمردی توانا و رشید بار دیگر بعد از قرن‌های زیاد از دوران حضرت محمد (6) زنده گشته و دشمنان اسلام و یزیدیان زمان بر علیه آن به پا خاسته‌اند، لذا احتیاج به خون و پاسداری از حریم اسلام هست، وظیفه خود دانسته پای در چکمه کنم، اسلحه بگیرم و بر علیه کفر امروزی بجنگم و تا آخرین قطره خونی که در رگم هست بجنگم و دوشادوش دیگر رزمندگان حق، پدر و مادرانی که از خانه‌های خود رانده شده‌اند و یا اینکه در زیر هزاران خروار خاک به شهادت رسیده‌اند و دفن شده‌اند و یا اینکه حق خواهرانی که زنده به گور شدند را با قدرت و زور بگیرم. به قول امام جواد زور را باید با زور داد.

باری پدر عزیز و گرامی، می‌خواهم که بعد از من همچون ابراهیم<sup>2</sup> (7) در امتحان الهی پیروز شوید و چون ابراهیم (7) که بعد از سال‌ها فرزندی برای او پیدا شد، خدا دستور داد که فرزند خود را قربانی کند و او نیز این کار را انجام داد. امیدوارم تو هم مثل ابراهیم باشی. درست است که بعد از من پسر دیگری ندارید، اما خدا با شماست و هیچ وقت خداوند بنده مومن خود را از یاد نمی‌برد.

باری پدرم حلالم کن و هیچ وقت نگران نباش که من نه از حسین (7) زیادترم و نه از عموهایم.

1- در بالای وصیت آمده است: «وصیت‌نامه برادر شهید ایرج طاهری نسب».

2- ر.ک. تعلیقات.

مادر، هنگامی که خبر مرگ من به دستت رسید، هیچ گریه نکن که دشمنان ما شاد می‌شوند و شیرت را حلالم کن، تا خداوند مرا قبول کند و اگر تو از من راضی باشی، خداوند از من راضی می‌شود. باری یا مادر عزیزم، خیال نکن که بعد از من هیچ کسی را ندارید زیرا خدا با شماست و باید بدانید که خداوند شما را دوست داشته است که فرزندی به شما داده و در راه خدا به شهادت رسیده است. درست است که من برادر دیگری ندارم، اما شما را هم را ادامه دهید و آن‌چنان کنید که دشمنان ما نگران شوند و امیدوارم در این معامله‌ای که با خدا کرده‌اید پیروز شوید و موفق باشید.

و وصیتی که به خواهرانم دارم این است که حجاب را همچون همیشه رعایت کنید، زیرا حجاب شما تیری است بر قلب و جگر دشمن. برای من نگران نشوید که خدا با شماست و امیدوارم که بعد از من زندگی خود را به خوبی بگذرانید و خیال نکنید که دیگر برادری ندارید، اما مؤمنین همگی برادر یکدیگرند و جدایی از یکدیگر ندارند و هیچ نگران نشوید، زیرا من از پیش خدا آمده‌ام و به پیش خدا می‌روم.

پدر و مادر و خواهران عزیزم به جای من قرآنی در طاقچه بگذارید.

«خداحافظ و نگهدارتان، جاوید و همیشه پیروز باشید»

ایرج طاهری‌نسب

66/1/30

## بسم رب الشهداء والصدیقین

### وصیتنامه برادر شهید ایرج طاهری نسب

یا سلام و درود فراوان به رهبر گرامی و عزیزمان و یا سلام به شهدای گلگون کفن لژ صدر اسلام تا کتون چون می خواهم بعد از اینکه به شهادت رسیدم بدون وصیت نامتم لذا چند وصیتی به پدر و مادری خواهراتم دارم که می نویسم. چون در دنیای امروزی اسلام توسط ایرمردی تواناورشید بار دیگر بعد از قرنها زیاد از دوران حضرت محمد (ص) زنده گشته و دشمنان اسلام و یزیدیان دوران بر علیه آن بیا خواسته اند لذا احتیاج به خون و پاسداری از حریم اسلام هست و وظیفه خود دانسته یای در چکمه کشم اسلحه بگیرم و بر علیه کفر امروزی بجنگم و تا آخرین قطره خونی که در رگم هست بجنگم و دوشادوش دیگر رزمندگان حق پدر و مادری که از خانه های خود رانده شده اند و یا اینکه در زیر هزاران خروار خاک به شهادت رسیده اند و دفن شده اند و یا اینکه حق خواهراتی که زنده به گور شدند یا قدرت زور بگیرم به قول امام جواد زور را باید با زور داد. باری پدر عزیز و گرامی می خواهم که بعد از من همچون ابراهیم از امتحان الهی پیروز شوید و چون ابراهیم که بعد از سالها فرزندی برای او پیدا شد خدا دستور داد که فرزند خود را قربانی کند و او نیز این کار را انجام داد امیدوارم توهم مثل ابراهیم باشید. درست است که بعد از من پسر دیگری ندارید اما خدا با شما است و هیچ وقت خداوند بنده مومن خود را از یاد نمی برد باری پدرم حلال کن و هیچوقت نگران نباش که من نه از حسین زیادتیم و نه از عموهایم. مادر هنگامی که خیر مرگ من به دست رسید هیچ گریه نکن که دشمنان ما شاد می شوند و شیرت را حلال کن تا خداوند مرا قبول کند و اگر توان من راضی باشی خداوند از من راضی می شود باری یا مادر عزیزم خیال نکن که بعد از من هیچکسی را ندارید زیرا خدا با شماست و باید بداند که خداوند شما را دوست داشته است که فرزندی به شما داده و در را ، خدا به شهادت رسیده است درست است که من برادر دیگری ندارم اما شما را هم را ادامه دهید و آنچهتان کنید که دشمنان ما نگران شوند و امیدوارم که در این معامله ای که با خدا کرد ، ابد پیروز شوید و موفق باشید. و وصیتی که به خواهراتم دارم این است که حجاب را همچون همیشه رعایت کنید زیرا حجاب شما تیری است بر قلب و جگر دشمن. برای من نگران نشوید که خدا با شماست و امیدوارم که بعد از من زندگی خود را به خوبی بگذرانید و خیال نکنید که برادری ندارید زیرا مومنین همگی برادر یکدیگرند و جدائی از یکدیگر ندارند و هیچ نگران نشوید زیرا من از پیش خدا آمده ام و به پیش خدا می روم پدر و مادر و خواهران عزیزم به جای من قرآنی در طاقچه بگذارید.....

خدا حافظ و نگهدارشان جاوید و همیشه پیروز باشید. ۶۶/۱/۳۰ ایرج طاهری نسب

نام: فریدون  
نام خانوادگی: طوفانی  
نام پدر: عین‌العلی  
نام مادر: گل‌اندام  
تاریخ تولد: دوازدهم شهریور 1342  
محل تولد: شهر دزفول از توابع شهرستان اندیمشک  
تحصیلات: چهارم متوسطه  
ارگان اعزام‌کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: هفدهم مرداد 1361  
محل شهادت: پاسگاه زید عراق  
نحوه شهادت: اصابت گلوله  
مزار: گلزار شهدای شهرستان زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ [بر] هر مرد و زن مسلمان به‌خصوص جوانان واجب شرعی است که این فریاد آزادی‌بخش امام را لیبیک گویند و برای پیروزی اسلام در این مصاف بین حق و باطل شرکت نمایند.
- ۱ حال که عروس سرخ شهادت را در آغوش می‌گیرم، در پوست خود نمی‌گنجم.
- ۱ بر بالین ما لا اله الا الله بگویند.
- ۱ مرگ بر آمریکا را فراموش نکنید.
- ۱ این ستمکاران بدانند و آگاه باشند که ما نه آنکه از شهید شدن فرزندانمان ناراحت نمی‌شویم بلکه شاد بوده و راه آنها را ادامه خواهیم داد.

## فریدون طوفانی<sup>1</sup>

### بسم الله الرحمن الرحيم

اکنون که فریاد رسا و طنین انداز «هل من ناصر ینصرنی»<sup>2</sup> امام کبیرمان خمینی بت‌شکن برای فرمان خداوند و پیروزی مستضعفین بر مستکبرین در سراسر جهان لرزه بر اندام جهانخواران شرق<sup>3</sup> و غرب<sup>4</sup> انداخته، آنان با تلاش‌های مذبحانه<sup>5</sup> می‌خواهند که این فریاد را در حلقوم خفه کنند. ولی چه سود که اراده خداوندی جلوی کوچک‌ترین حرکت آنان را سد کرده و اکنون که آنها خود را ناتوان دریافته‌اند، آخرین تیر ترکش خود یعنی جنگ را به پا کرده و در کنار آن با تحریک مزدوران خود یعنی منافقین<sup>6</sup> و ترور شخصیت‌ها به خیال خود می‌خواهند خللی در انقلاب ما به وجود آورند. پس [بر] هر مرد و زن مسلمان به خصوص جوانان واجب شرعی است که این فریاد آزادی‌بخش امام را لبیک گفته و برای پیروزی اسلام باید در این مصاف بین حق و باطل شرکت کرده، تا پرچم الله اکبر، خمینی رهبر و لا اله الا الله را در سراسر جهان بر فراز قلب‌های پاک مسلمانان افراشت، تا دیگر هیچ جهانخواری حق دخالت در مورد دیگران را به خود ندهد.

این شما ملت شهیدپرور بودید که خداوند این منت را بر شما نهاد و شما را برای زنده کردن اسلام پس از 1400 سال انتخاب کرد و اگر کوچک‌ترین کوتاهی بشود، خداوند هیچ‌گاه شما را نخواهد بخشید و اکنون که این بنده کوچک خداوند فرصت قدم نهادن به کربلای خونین ایران را در مرز اسلام پیدا کرده‌ام که در این سفر برگشتی نیست. من تا این لحظه منتظر بوده‌ام و حال که عروس سرخ شهادت را در آغوش می‌گیرم، در پوست خود

1- باتوجه به اینکه محل تولد شهید فریدون طوفانی در شهر دزفول در استان خوزستان بوده است اما چون خانواده ایشان ساکن ایلام هستند جزء شهدای استان ایلام منظور شده است.

2- ر.ک. تعلیقات.

3- ر.ک. تعلیقات.

4- ر.ک. تعلیقات.

5- در اصل وصیت «مذبحانه».

6- ر.ک. تعلیقات.

نگنجیده، تن انسانی را رها کرده و از قید و بندهای آن آزاد گشته‌ام و هم‌اکنون که شما این کالبد انسانی من را بردوش دارید و این جسم انسانی را که از خاک برخاسته به خاک برمی‌گردانید، هیچ‌گونه ناراحتی بر خود راه ندهید. بر مزار من گریه نکنید، لباس سیاه نپوشید و شیون به راه نیندازید، بر بالین ما لا اله الا الله بگویید، الله اکبر خمینی رهبر بگویید و مرگ بر آمریکا را فراموش نکنید تا که این ستمکاران بدانند و آگاه باشند که ما نه آنکه از شهید شدن فرزندانمان ناراحت نمی‌شویم بلکه شاد بوده و راه آنها را ادامه خواهیم داد و بر آنها خواهیم شورید.

«والسلام»

فریدون طوفانی

بسم رب الشهداء

### وصیت‌نامه پاسدار شهید فریدون طوقانی

اکنون که فریاد رسا و طنین انداز هل من ناصر ینصرنی امام کبیرمان خمینی بت شکن برای فرمان خداوند و پیروزی مستضعفین بر مستکبرین در سراسر جهان لرزه بر اندام جهاتخوران سرق و غرب انداخته آنان با تلاشهای مزیحانه می خواهند که این فریاد را در حلقوم خفه کنند.

ولی چه سود که اراده خداوندی جلوی کوچکترین حرکت آنان را سد کرده و اکنون که آنها خود را ناتوان دریافته اند آخرین تیر ترکش خود یعنی جنگ را بپا کرده و در کنار آن با تحریک مزدوران خود یعنی منافقین و ترور شخصیتها بخیال خود می خواهند خللی در انقلاب ما بوجود آورند.

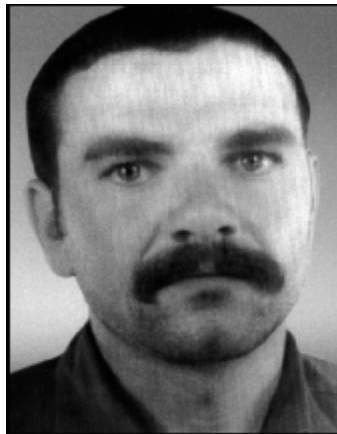
پس بر هر مرد و زن مسلمان بخصوص جوانان واجب شرعی است که این فریاد آزادی بخش امام را لبیک گفته و برای پیروزی اسلام باید در این مصاف بین حق و باطل شرکت کرده تا پرچم الله اکبر خمینی رهبر و لا اله الا الله را در سراسر جهان بر فراز قلبهای پاک مسلمانان افراشت تا دیگر هیچ چنانچه از برای حق دخالت در امور دیگران را بخود ندهد.

این شما ملت شهید پرور بودید که خداوند این منت را بر شما نهاد و شما را برای زنده کردن اسلام پس از ۱۴۰۰ سال انتخاب کرد و اگر کوچکترین کوتاهی بشود، خداوند هیچگاه شما را نخواهد بخشید و اکنون که این بنده کوچک خداوند نصرت قدم نهادن به گریلای خونین ایران را در مرز اسلام پیدا کرده ام که در این سفر برگشته نیست. من تا این لحظه منتظر بوده ام و حال که عروس سرخ شهادت را در آغوش می گیرم در پوست ننگینجهده تن انسانی را رها کرده و از قید و بندهای آن فرادگشته ام و هم اکنون که شما این کالبد انسانی من را بر دوش دارید و این جسد انسانی را که از خاک برخاسته به خاک بر می گردانید هیچگونه ناراحتی بر خود راه ندهید بر مزار من گریه نکنید لباس سیاه نپوشید و شیون به راه نیندازید، بر یالین ما لا اله الا الله بگویند الله اکبر خمینی رهبر بگویند و مرگ بر آمریکا را قراموش نکنید تا که این ستمگاران بدانند و آگاه باشند که ما نه آنکه از شهید شدن فرزندانمان ناراحت نمی شویم، بلکه شاد بوده و راه آنها را ادامه خواهیم داد و بر آنها خواهیم شورید.

والسلام

فریدون طوقانی

نام: حیات  
نام خانوادگی: طهماسبی  
نام پدر: عباس  
نام مادر: فرخ  
تاریخ تولد: ششم مرداد 1350  
محل تولد: روستای دیونه از توابع شهرستان دهلران  
تحصیلات: چهارم ابتدایی  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: بیست و دوم اسفند 1366  
محل شهادت: شاخ شمیران عراق  
نحوه شهادت: اصابت گلوله  
مزار: گلزار شهدای شهرستان آبدانان



## عبارت‌های کلیدی

- ا بدانید که خداوند حتماً بین حق و باطل در جهان آخرت فرقی قرار خواهد داد.
- ا وقتی حق را تشخیص دادیم باید تا لحظه‌ای که خون در رگ‌ها جریان دارد همچون حسین (7) به یاری حق بشتابیم.
- ا برای یک فرد مسلمان ننگ است که در مقابل شکست حق بی تفاوت بماند.
- ا اگر قرار است روزی بمیرم، بگذار مردانه بمیرم و نه در بستر که در بستر مردن ننگ است.
- ا از برادران عزیزم می‌خواهم که ادامه‌دهنده راه من باشند.
- ا از خواهران عزیزم می‌خواهم که همواره حجاب اسلامی را رعایت نموده و دشمن سرسخت بی‌بندوباری باشید.
- ا امام را دعا کنید و تنها نگذارید.



## حیات طهماسبی

### بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خداوند هستی بخش

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرَوِّقُونَ»<sup>1</sup>

با درود فراوان بر فرزند پاک رسول خدا، منجی عالم بشریت امام زمان (عج) که با قیام خود عالم را پر از عدالت نموده و ریشه هرچه ظلم را برمی‌کند و درود بر نایب برحق او حسین زمانه، امام خمینی، رهبر مستضعفان جهان و سلام بر شهیدانی که با خون خود نهال انقلاب اسلامی را بارور نموده و با نثار جانشان از انقلاب اسلامی حراست نموده‌اند و سلام من به آن دسته از رزمندگانی که همواره در جبهه‌ها حضور داشته و عرصه را بر مزدوران بعثی<sup>2</sup> تنگ نموده‌اند، وصیت خود را برای امت حزب الله و همیشه در صحنه آغاز می‌کنم تا شاید بتوانم مسئولیت را از گردن خود برداشته و دین خود را ادا نموده باشم.

امت حزب الله آبدانان و حومه، وقتی بین دو نفر و یا دو دسته جنگ و نزاع برمی‌گیرد، حتماً یکی حق و یکی باطل است و در این میان آنکه حق است پیروز است اگرچه بمیرد و یا هم بکشد، چرا که بمیرد شهید مرده است و روسفید و پیروز است و اگر هم بکشد جهاد نموده است و باز هم پیروز می‌باشد که این وعده خداست و غیر از این نیست و بدانید که خداوند حتماً بین حق و باطل در جهان آخرت فرقی قرار خواهد داد و هیچ‌گاه حق را بدون اجر نخواهد گذاشت و در حال حاضر جنگی که بر ما تحمیل شده جنگ بین حق [و] باطل است و به وضوح مشخص است که چه کسی حق است و وقتی حق را تشخیص دادیم باید تا لحظه‌ای که خون در رگ‌ها جریان دارد همچون حسین (7) به یاری حق بشتابیم و زیر بار ذلت نرویم، چون برای یک فرد مسلمان ننگ است که در مقابل شکست حق بی تفاوت بماند. من نیز به همین خاطر به جبهه آمده‌ام و اگر قرار است روزی بمیرم،

1- آل عمران/ 169. «گمان نکنید آنان که در راه خدا کشته شده‌اند مرده‌اند، بلکه آنان زنده‌اند و نزد پروردگارشان

روزی می‌خورند».

2- ر.ک. تعلیقات.

بگذار مردانه بمیرم و نه در بستر که در بستر مردن ننگ است.

آمده‌ام تا ادامه‌دهنده راه شهیدانی چون کیکاوس نوری و محمد کرمی [و] محمدرضا باقری باشم تا شاید راه آنها را پر رهرو و یاد آنها را گرامی بدارم و امید است که خداوند از من قبول نماید.

حال چند جمله‌ای با خانواده‌ام زمزمه می‌نمایم:

اول پدر عزیزی که بسی زحمت کشیده و سختی‌های دوران را تحمل نموده و مرا بزرگ کرده است، می‌گویم ای پدر تو دینت را ادا نمودی و امانتی [را] که در دستت بود به صاحبش تحویل دادی و از این بابت هیچ‌گونه ناراحت نباش و اگر ناراحت شدی به یاد شهیدان دیگر باش.

مادر عزیزم، از تو می‌خواهم که شیرت را بر من حلال کنی و مرا ببخشی از اینکه نتوانستم فرزندی برایت باشم که خدمت‌های بی‌حد تو را که شب‌ها در کنار گهواره‌ام بوده‌ای جبران نمایم و اگر ناراحت شدی به یاد ام لیلا صبر را پیشه کن.

از برادران عزیزم می‌خواهم که ادامه‌دهنده راه من باشند و نگذارند که منافقین<sup>1</sup> و ضد انقلابیون بر این انقلاب آسیبی برسانند و از خواهران عزیزم می‌خواهم که همواره حجاب اسلامی را رعایت نموده و دشمن سرسخت بی‌بندوباری باشید و مانند زینب (3) که در میدان کربلا، حسین (7) و دیگر برادرانش را داد، صبر را پیشه خود کنید. در پایان، از همه شما خداحافظی می‌کنم و از شما التماس دعا دارم.  
امام را دعا کنید و تنها نگذارید.

خداحافظ شما

قربانتان

حیات طهماسبی

66/11/16

بِقَامِ خُدَايِ حَمْدِشِ

وَدَعْوَتِیْنِ الدِّیْنِ قَبْلَهُ یَسْلِخُ اَنْفَ اَمْوَالَهُمْ اَحْیَاءُ وَمَمْتَرِیْمِ

مادامه خدایات می سرزد یا کسی رسوله خدا، نجهنم عالم بشریت امام زمان<sup>عج</sup> که اقیام خود  
 عالم را برپای عدالت نموده و بیگانه هرچه ظلم را برپا کرده و بر پای حق او میسوزد  
 امام حسین رضی الله عنه استغنیان<sup>ع</sup> و مردم بر عهدی از عهد آخرت خود طالع افتاد است اسلامی را بر  
 نوده با نثار جانانشان امانت است اسلامی حاکمیت نموده اند و سلام من ۱۹۰۰ ساله از زمین و آسمان  
 که صواب و حقیقت علم سر داشتند و مردم را بر عهدی از عهدی ننگه نموده اند و سبب خود  
 را می است عزیز الله همیشه در دنیا آنگاه که تمام دنیا بی نیازم مسئولیت را بر گردن خود  
 برداشته و در حق خود ادا نموده ام.

است عزیز الله آبدان و حوضه و تنهایی مدفن و یاد داشته جنگ و فراخ بر روی خود  
 حمایت حق و یکی باطل است بدان میان آن که حق است پیوسته است آنچه  
 نبودن میاهم بگردد چرا که اگر همی در شهید بوده است و در سعید و پیوسته است و  
 اگر هم بگردد جاد نموده است و از هم پیوسته است که این در خانه خواست رحمان  
 این طبیعت و دنیا بیگانه از خداست حق و باطل در جهان آفریده است هر چه تبار خواهد  
 ماند و هیچگاه آنچه از این در این خورشید است و در حال ماضی مستقری

بما یقین احد حقیقت بین منه اطلاق است و بهر ضیوع مشخص است که چه کسی حق است  
 و وقتی حق را مشخص داریم باید آن لحظه ای که خود در کجا حیا می دارد و بعد سینه با یار  
 حق تسلیم و زیارت نماید چون به این معنی نزد سلمان سخن است و در کتاب سگت  
 حق چون نبوت با خداست این به همین خاطر به جبهه آمد ام و انقدر از آنست نزد حق  
 بقدر آن مردان نیستیم و به حدیثی در لغت خود آن سخن است.

آمد ام تا ادا هر صد راه شهیدانی چون کیگارین فدایی و محمد عینی، محمد رضا آستران  
 ام تا این راه ایام پر شهیدان و راهکار قرآن و امام است و خداوند این سرک فاطمه

کمال پذیرفته این به نام راه ام تا این نام  
 اولی در حق این که در صورت کسب و سفلیت هر دو را عقل خود و موافق حق خود است  
 می خردی ای پدر تربیت را ادا نمودی ما با حق هر دستت مدد به ما حبس بخیر دادی و از این  
 بدست به چرخه ناله است تا این راه را ناله است شدی به یاد شهیدان دیگران  
 مادر عزیزم این شهیدان که شهادت را برین حال کنی و می بینی از این شهیدان تمام فرزندی را نیست  
 دلم که خودت می خد ترا که شهادت قرار قبولی ام همه ای جوانان تمام را قرآن است شدی با یاد  
 ام ایلا صبرا بیستاهن.

از یاد ای عزیزم شهیدان که ادا به ضمه نام با سید شهیدان که نام خود مدافعه شهیدان بر آنست  
 آینه ای است و از خزان عزیزم شهیدان که هزاره حساب اسلام را با این نود و ده سن سحریت  
 به بند و پیوسته و تدریس است در میان که در میان راه شهیدان مددگیران دانش را داد و بهر این شهید  
 کن - حجاب ای از همه آنها جدا حجابی می کشد نه تنها آنها را که ما را هم.

ام تا در کافیه سرا نگاه ارمی.

خدا ما مکن تا همراهان - حیات طهرانی

۱۴ - ۱۱ - ۶۴



نام: اسد  
نام خانوادگی: عباسی  
نام پدر: جمال بیگ  
نام مادر: جیران  
تاریخ تولد: دوازدهم شهریور 1342  
محل تولد: روستای قلعه جوق از توابع شهرستان مهران  
تحصیلات: -  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: بیست و سوم بهمن 1361  
محل شهادت: گره شیر شهرستان زادگاهش  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: بخش صالح آباد همان شهرستان

## عبارت‌های کلیدی

- ا شهادت چه زیبا و پرمعناست.
- ا جهانی از شور و شوق و ایثار در این کلمه جذاب «شهادت» نهفته است.
- ا مادر، از تو می‌خواهم بعد از شنیدن خبر شهادت من اشک نریزی.
- ا شاید مرگ من جوششی در جوانان به وجود آورد.
- ا خدایا، دل‌های پاک و نورانی رزمندگان ما را به هنگام برخورد با اهریمن و کفار از فکر دنیا فارغ گردان.

## اسد عباسی<sup>1</sup>

### بسم الله الرحمن الرحيم

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرَزِّقُونَ»<sup>2</sup>

شهادت چه زیبا و پرمعناست. جهانی از شور و شوق و ایثار در این کلمه جذاب نهفته است. پیامبر اکرم (6) عظمت مقام شهید را چه زیبا فرموده است. در برابر هر عمل نیکی عمل برتر و بالاتر نیز هست مگر شهادت در راه خدا، از هر عملی برتر و بالاتر و ارزشمندتر است و همچنین امام سجاد (7) در توصیف مرگ فرموده است: مرگ برای مؤمن نیکوکار به منزله گشودن زنجیر از دست و پا و پوشیدن لباس‌های زیبا و معطر و سوار شدن بر بهترین مرکب‌ها و رفتن به بهترین منزل هاست، اما مرگ برای کافر و انسان بدکار به منزله بیرون آوردن لباس‌های راحت و زیبا و خارج شدن از منزل قشنگ و راحت است و در عوض پوشیدن آلوده‌ترین و زشت‌ترین لباس‌هاست و انتقال به وحشتناک‌ترین و دردناک‌ترین منزل‌ها می‌باشد. وصیتم را چنین شروع می‌کنم: اکنون که وارد بیست‌ودومین روز درگیری می‌شویم و هر روز [را] به امید اینکه به درجه رفیع شهادت نائل شوم به شب می‌رسانم ولی نمی‌دانم چرا در طول این مدت افتخار شهادت نصیبم نگشته است. مادر عزیز، خیلی تو را جستجو کردم ولی موفق به دیدار تو نشدم، چون می‌خواستم از تو حلالیت<sup>3</sup> بخوام. از آغاز درگیری تا امروز 61/11/22 همیشه به فکر دیدار تو بوده‌ام. مادر، اگر موفق به دیدن من نشدی حلالم کن. مادر تو خودت بهتر می‌دانی که من از اول انقلاب می‌خواستم سهمی داشته باشم. مادر، از تو می‌خواهم بعد از شنیدن خبر شهادت من اشک نریزی و به خواهران و همسرم [بگو] که در سوگ من اشک نریزند، زیرا امام عزیزمان در سوگ فرزندش اشک نریخت چون می‌دانست که رضای خدا در این امر می‌باشد. مادر

1- در بالای وصیت تایپی آمده است: «وصیت‌نامه برادر شهید اسد عباسی».

2- آل‌عمران/169. «گمان مبرید آنان که در راه خدا کشته شده‌اند مرده‌اند، بلکه آنها زنده‌اند و در پیش خدای خود روزی می‌خورند».

3- در اصل وصیت «حلالی».

جان، شاید مرگ من جوششی در جوانان به وجود آورد البته نه تنها مرگ من، بلکه مرگ تمامی شهدایی که در راه اهداف مقدس اسلام کشته شده‌اند. تو نیز خوشحال باش که فرزندان را در راه اسلام می‌دهی، در جهان آخرت بانوی اسلام فاطمه زهرا (3) از تو راضی است. اکنون وصیتم را می‌نویسم: صدای گلوله‌ها و توپ‌ها همه‌جا را فرا گرفته، برادرانم را می‌بینم که تکبیرگویان در انفجار توپ‌ها شهید می‌شوند. بارالها، بر محمد (6) و آل او درود و رحمت فرست. خدایا، دل‌های پاک و نورانی رزمندگان ما را به هنگام برخورد با اهریمن و کفار از فکر دنیا فارغ گردان و مرا به آرزویم که شهادت می‌باشد برسان و در پایان، دعا برای امام عزیزمان خمینی بت‌شکن:

«الهی الهی حتی ظهور مهدی احفظ لنا خمینی»

اسد عباسی

بسمه تعالی

\* ویتنامه برادر شهید اسد عباسی \*

ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون

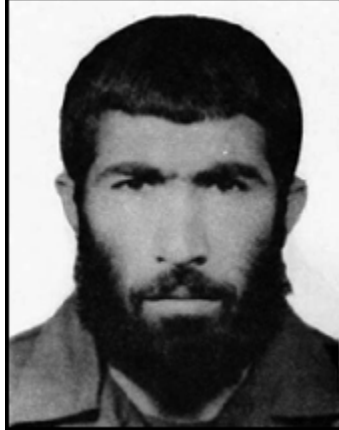
شهادت چه زیبا و پر معناست جهانی از شور و شوق و ایثار در این کلمه جذاب نهفته است پیامبر اکرم (ص) عظمت نظام شهید را چه زیبا فرموده است در برابر هر فعل نیک عمل برترههلاتر نیز هست عکس شهادت در راه خدا از هر عملی برترههلاتر و ارزشمندتر است و همچنین امام سجاد (ع) در توصیف مرگ فرموده است: مرگ برای مؤمن نیکوکار به منزله کشودن زنجیر از دستها و پوشیدن لباسهای زیبا و سوار شدن بر بهترین مرکبها و رفتن به بهترین منزلهاست اما مرگ برای کافر و انسان بدکار به منزله مرورین آوردن لباسهای راحت و نیا و خارج شدن از منزل قهقن و راحت است و در عین پوشیدن آلوده ترین و زشتترین لباسهاست و انتقال به محسنا کترین و دردناکترین منزلها می باشد و سهم را چنین شروع می کنم: اکنون که وارد بیست و دومین روز درگیری می شوم و هر روز به امید اینکه به درجه رفیع شهادت نائل شوم به شب می رانم ولی نمی دانم چرا در طول این مدت افتخار شهادت نصیب نگشته است مادر عزیزم را جستجو کردم ولی موفق به دیدار تو نشدم چون می خواستم از تو حالگی بخواهم از آغاز درگیری تا امروز ۶۱/۱۱/۲۲ همیشه به فکر دیدار با تو بودم اما مادر اگر موفق به دیدن من نشدی حالم کن مادر تو عهدت بهتر میدانی که من از اول انقلاب می خواستم سهمی داشته باشم مادر از تو می خواهم که بعد از شنیدن خبر شهادت من اشک نریزی و به خواهران و همسر که در سوگ من اشک نریزند زیرا امام عزیزمان در سوگ فرزندی تراشک نریخت چون می دانست که رضای خدا در این امر باشد مادر جان شاید مرگ من جوشش در جوانان بوجود آورد البته نه تنها مرگ من بلکه مرگ تمامی شهدای این که در راه اهداف مقدس اسلام کشته شده اند تو نیز خوب حال بانی که عزیزند را در راه اسلام می دهی در جهان آخرت بانوی اسلام فاطمه زهرا (ع) ز کورانی است اکنون رحمت را می نویسم: صدای گلزارها و تنهها همه چارها گرفته برادرانم را می بینم که تکبیر گویان در انفجار تو بهیسا شهید می شوند بار الها بر محمد (ص) و آل او درود رحمت فرست خدا یا دلها ی پاک و نورانی زنده گان ما را به هنگام برخورد با افرین و کفار از فکر دنیا ناز گردان و مرا به آرزویم که شهادت می باشد برسان و در پایان دعا برای امام عزیزمان خمینی پد شکر: الهی الهی حتی ظهر میدی با حفظ انا خمینی

\* روحش شاد باد کرامی \*

\*\*\*\*\*



نام: محمد تقی  
نام خانوادگی: عباسی  
نام پدر: جاسم  
نام مادر: زینب  
تاریخ تولد: ششم مرداد 1338  
محل تولد: شهرستان مهران  
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: دوم فروردین 1367  
محل شهادت: شاخ شمیران عراق  
نحوه شهادت: بمباران شیمیایی  
مزار: بخش صالح آباد از توابع زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ا خدایا، من آرزوی شهادت دارم.
- ا مرا به این فیض عظیم «شهادت» برسان.
- ا مقابل دشمنان اسلام و منافقین کوردل هیچ‌گونه ضعف به خودتان راه ندهید.
- ا چه بهتر است انسان با سرفرازی به ملاقات خالق برود.
- ا افتخار بر شما باد ای کسانی که عزیزانتان را در راه خدا داده‌اید.
- ا ما اگر پیرو حقیقی اهل بیت ( ) باشیم، باید خط حسین (7) را ادامه دهیم.
- ا صدام و صدامیان به فرموده امام هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند.

## محمدتقی عباسی<sup>1</sup>

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم رب الشهداء

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ»<sup>2</sup> صدق الله العلي العظيم

گمان نبرید آنان که کشته شده‌اند در راه خدا، مرده‌اند بلکه آنها زنده‌اند و در پیش خدای خود رزق و روزی می‌خورند».

با درود به امام امت و امت شهیدپرور ایران و شهدای اسلام از بدر<sup>3</sup> تا احد<sup>4</sup>، کربلا تا کربلای خونین ایران. خداوندا، ما تو را شکر می‌کنیم که ما را در زمانی قراردادی که می‌توانیم به خوبی یاری دین تو کنیم و حق و باطل را با عیان تشخیص دهیم و اگر نبودیم در کربلا به ندای «هل من ناصرٍ ينصرني»<sup>5</sup> ابا عبدالله (7) لبیک بگوییم، امروز در کربلای ایران به ندای رهبر انقلاب که به یقین ادامه‌دهنده راه سرخ و راه حسین (7) می‌باشد لبیک گوییم. خدایا، من آرزوی شهادت دارم و مرا به این فیض عظیم برسان تا به دیگر برادرانم که در این راه تلاش کردند و به آرزوی خود رسیدند پیوندم. شما ای خانواده‌های شهدا و ای پدر و مادرم و ای برادران و خواهران، شما برای عزیزانی که در راه خدا و برای نجات اسلام از دست می‌دهید، ناراحت نباشید و در مقابل دشمنان اسلام و منافقین<sup>6</sup> کوردل هیچ‌گونه ضعف به خودتان راه ندهید و بدانید هر چه شما دارید از ایزد منان است. در آخر، هم باید به او بسپارید ولی چه بهتر است انسان با سرفرازی به ملاقات

1- در بالای وصیت آمده است: «وصیت‌نامه پاسدار شهید محمدتقی عباسی».

2- آل عمران/ 169.

3- ر.ک. تعلیقات.

4- ر.ک. تعلیقات.

5- ر.ک. تعلیقات. در اصل وصیت به جای «ناصرٍ»، «ناصرن» آمده است.

6- ر.ک. تعلیقات.

خالق برود و آن هم شهادت در راه پروردگار. افتخار بر شما باد ای کسانی که عزیزانتان را در راه خدا داده‌اید و اگر احیاناً ناراحت شدید، باید حضرت حسین (7) و یارانش و طفل شش‌ماهه‌اش<sup>1</sup> را به یاد بیاورید و برای آنها گریه کنید زیرا ما اگر پیرو حقیقی اهل‌بیت (:) باشیم، باید خط حسین (7) را ادامه دهیم. ای آنهایی که نسبت به اسلام و انقلاب بی‌تفاوت هستید و همیشه فکر رفاه و زندگی مرفه<sup>2</sup> می‌باشید، باید کمی فکر کنید که اولاً: در انتهای زندگی خواه و ناخواه خواهید مرد آیا بهتر نیست که به خود بیایید و از عذاب سخت و مؤاخذة<sup>3</sup> روز قیامت بترسید و بهترین راه را انتخاب کنید که آن راه خداوند متعال می‌باشد. در خاتمه چند کلمه‌ای خطاب به پدر گرامی‌ام، پدر جان، در این موقع که حمله نزدیک است و رزمندگان اسلام بار دیگر می‌روند تا ضربه محکم دیگری بر پیکر صدامیان وارد نمایند و من هم در این راه خیلی مشتاقم، باید بگویم که از قول من از مادر مهربانم که جهت معالجه چشم در بیمارستان بستری می‌باشد سلام برسانید و اما من خیلی احساس شرمندگی از ایشان می‌کنم و باید مرا ببخشند و نیز به خواهرم نصرت سلام می‌رسانم و می‌گویم که ترس و واهمه نکند که صدام<sup>4</sup> و صدامیان به فرموده امام هیچ غلطی نمی‌کنند و همچنین خواهرم از خواهرزاده [و] نورچشمم (ربابه) نوازش و دلجویی کنید.

«و[ال]سلام علی من اتبع الهدی»

محمدتقی عباسی

1- ر.ک. تعلیقات.

2- در اصل وصیت «مرفعة».

3- در اصل وصیت «موخذه».

4- ر.ک. تعلیقات.

(بسم رب الشهداء و الصالحین) در شب نامه یا سراسر روز محمد تقی عظیمی  
 ولا تحسن الذی قیل فی سبیل الله... هرگاه تا به جای حد بریم برزقون (صدق اکبر عظیم)  
 گمان نبره اندک گشته سرزده در راه خدا مرده اند چه آنکه از غنا و دره خدا که حد زنی و دره خدا که حد  
 زده بود (آقا است) شهید برادر ایران و شهزادی اسلام از بزرگان و بزرگان اسلام است که در راه  
 خیرین ایران خادمانه افتادند و شهید گشته ایم ما را در راه خدا قرار داده است چه توانستیم بخوبی یاری  
 دین و کیم و حق را با اعدای دشمنی دشمنان ظاهر و باطنی که در راه خدا کشته شدند و در راه خدا کشته شدند  
 بی نظیری است آنچه به سرور است و بیعت کنیم امروز در کربلا و آستان به راه و خیر شهید  
 ۵. بیعتی از راه دهند خط سرخ و راه حقیقی (ع) میباشد است که گشته خدایان از راه  
 سعادت دلم و با این فیض عظیم بر آن تا به کربلا بر آورده ایم و در راه خدا کشته شدند و در راه  
 رسیده میسرند و راه خانوار است که شهدای بیرون و در راه خدا کشته شدند و در راه خدا کشته شدند  
 برای عزت الله در راه خدا برای سعادت این ارز است چه در راه سعادت و در راه سعادت  
 دشمنان اسلام و در راه حقیقی کردیم جمع گشته خفتیم و خفتیم و در راه سعادت و در راه سعادت  
 از راه سعادت است و در راه سعادت است و در راه سعادت است و در راه سعادت است  
 خالق برود و در راه سعادت در راه برود و در راه سعادت است و در راه سعادت است  
 خدا داده و اگر سعادت سعادت شده باشد سعادت حقیقی و بیزاران و طفل شسته است  
 بیاد بیارید در راه سعادت است و در راه سعادت است و در راه سعادت است  
 را از راه سعادت است و در راه سعادت است و در راه سعادت است و در راه سعادت است  
 فکر رفاه عزیزان رفقه سعادت است باید که فکر کنیم اولاد در راه سعادت است  
 خواندنا خواه خواهد بود آیا تر نیست؟ بخود بیایید و از عذاب سخت و ترسند و در  
 قیامت بپرسید و بهترین راه را انتخاب کنید و آن راه خدا و سعادت است

در خانه چند کلمه ای خطا ببینید که اگر اسم پدرها در این موقع مکتوب نزدیک  
 است منزه شده گمان بدارم بار دیگر بروند تا قدر محکم دیگری بر سبک حدایت وارد نمایند  
 و من هم در این راه ضعیف متعجب باین بگویم که از قول من از مادر در این جهت معالجه  
 چشم در بیمارستانی بستری می شد و بعد از آن در آن بیمارستان چشمش سوزید که  
 از آن نیز شکست و بعد از آن بخشد و نیز از خرابی چشمش که در آن بیمارستان بستری  
 شد و راهی نماند (صدام و همسرش) بفرموده امام هم شغلش بستند  
 و هم چنین خرابی از خرابی چشم (رسانه) نوازند که لحنی گندیده است

و سلام علیکم من تبعکم بعدا



نام: محمود  
نام خانوادگی: عباسی  
نام پدر: مامود  
نام مادر: زینب  
تاریخ تولد: یکم آذر 1347  
محل تولد: روستای قلعه جوق از توابع شهرستان مهران  
تحصیلات: دوم متوسطه  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: بیست و یکم دی 1365  
محل شهادت: چنگوله  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: بخش صالح آباد همان شهرستان

## عبارت های کلیدی

- ا از رهبرم و هدایتگرم، امام خمینی، تشکر و قدردانی می کنم که مرا از سیاه چال ها و گودال های خفه کننده آزاد ساخت.
- ا هزاران راه برای رستگار شدن وجود دارد. یکی از راه ها شهادت یعنی کشته شدن در راه احیای دین می باشد.
- ا شهادت در راه خدا زیبا و پر معناست.
- ا جهانی پر از شور و شوق در این کلمه جذاب و زیبا «شهادت» نهفته است.
- ا هیچ عمل صالحی برتر و ارزنده تر از شهادت نیست.
- ا «هیچ قطره ای در مقیاس حقیقت نزد پروردگار از قطره خونی که در راه خدا ریخته شود بهتر نیست».
- ا وجدانم به من اجازه نمی دهد که من سکوت را رعایت کنم و سنگر همزمم را خالی بگذارم.
- ا از برادرانم قدردانی می کنم که راه مرا ادامه دهند و به خواهرانم توصیه می کنم که زینبی حرکت کنند.
- ا شهادت تنها نتیجه زندگی من در طول حیاتم می باشد.
- ا تلاش من برای رسیدن به این آرزوی دیرینه ام یعنی شهادت می باشد.

محمود عباسی<sup>1</sup>

## بسم الله الرحمن الرحيم

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرَزِّقُونَ»<sup>2</sup>

شکر خداوند را به جای می‌آورم و به سپاسگذاری درگاهش می‌نشینم که مرا در چنین عصری و زمانی قرار داد و چنین هدایتگری به من، نه تنها به من به تمامی مسلمانان روی گیتی عنایت فرمود و از رهبرم و هدایتگرم، امام خمینی، تشکر و قدردانی می‌کنم که مرا از سیاه‌چال‌ها و گودال‌های خفه‌کننده آزاد ساخت و به دنیایی آزاد و سعادت‌مند دعوت نمود و در این دنیا و این سفره که رهبرمان ما را به آن دعوت کرده هزاران راه برای رستگار شدن وجود دارد. یکی از راه‌ها شهادت یعنی کشته شدن در راه احیای دین می‌باشد که بالاترین راه رستگاری و سعادت‌مند شدن است. شهادت در راه خدا زیبا و پرمعناست و جهانی پر از شور و شوق در این کلمه جذاب و زیبا نهفته است. به راستی هیچ عمل صالحی برتر و ارزنده‌تر از شهادت نیست و «هیچ قطره‌ای در مقیاس حقیقت نزد پروردگار از قطره خونی که در راه خدا ریخته شود بهتر نیست»<sup>3</sup> و من می‌خواهم با این قطره خون به معشوقم برسم که الله است و من اکنون می‌روم که با خدایم ملاقات کنم تا آتشی که در درونم مشتعل شده خاموش کنم.

ای مادرم، یادم هست با اینکه زحمت‌ها در بزرگ کردن من کشیده‌ای، نکند در مرگم بی‌تابی کنی و جامه مشکی بپوشی<sup>4</sup> و تا آخر عمر خود را در آتش ناراحتی بسوزانی. مادرم، بعد از شنیدن خبر مرگ من اشک مریز، زیرا حجت عصرم، رهبرم و امام بزرگوارمان در سوگ فرزندش اشک نریخت چون می‌دانست که رضای خدا در این امر

1- در بالای وصیت آمده است: «وصیت‌نامه شهید محمود عباسی».

2- آل‌عمران/ 169. «آنان که در راه خدا کشته می‌شوند را مرده میندازید، بلکه زنده‌اند و نزد پروردگارشان متنعم خواهند بود».

3- ترجمه این حدیث نبوی است «ما من قطرة احب الی الله عزوجل من قطرة دم فی سبیل الله» (کافی، ج 5، ص 53).

4- ر.ک. تعلیقات.

می‌باشد. وصیت می‌کنم هر چند من کوچک [تر] [از] آنم که به شما وصیت کنم با کمال حقارت و شرمساری به شما توصیه می‌کنم که بعد از شهادت من به رهبرم [...] <sup>1</sup> ارزنده و خویشاوندان گرامی ام تبریک بگویید. بگویید که دوست شما به‌سوی جدش و سرور شهیدان حسین بن علی (7) سفر کرده است. و تو ای پدر، زحمت‌هایی را که در بزرگ شدن من کشیده‌ای یاد می‌کنم، اما وجدانم به من اجازه نمی‌دهد که من سکوت را رعایت کنم و سنگر هم‌رزم را خالی بگذارم [به] هر حال در مرگ من ناراحتی به خود راه مده و خودت را همدم و هم‌صدا با دیگر خانواده‌های شهدا قرار ده. و تو ای مادر، حلالم کن و در مرگ من ناراحت مباش چون در قیامت حضرت زهرا (3) از تو گله‌ای ندارد و تو ای پدر، در روز قیامت پیش سرور شهیدان عالم سرشکسته نیستی، زیرا فرزندتان راهی را پیمود که حسین بن علی (7) این راه را پیمود. در پایان، از برادرانم قدردانی می‌کنم که راه مرا ادامه دهند و به خواهرانم توصیه می‌کنم که زینبی حرکت کنند، یعنی مثل حضرت زینب (3) دین مبین اسلام را تبلیغ کنند و حجاب را سرلوحه و ایمان به خدا و بر پای داشتن واجبات را منشأ رستگاری بدانند چون شهادت تنها نتیجه زندگی من در طول حیاتم می‌باشد، زیرا تلاش من برای رسیدن به این آرزوی دیرینه‌ام یعنی شهادت می‌باشد و گرنه هیچ‌گونه مقصدی و هدفی جز شهادت در زندگی نداشتم و شهادت آخرین نتیجه و میوه زندگی من است که خوشبختانه در کوچک‌ترین فرصتی که پیدا کردم به آن دست یافتم  
و...<sup>2</sup>

1- خوانا نیست.

2- ادامه وصیت‌نامه وجود ندارد.



<p style="text-align: right;">ایثار و شهادت</p> <div style="border: 1px solid black; padding: 5px; margin-bottom: 10px;"> <p>..... الهم</p> </div> <p>بسم الله الرحمن الرحيم          و بعد از آنکه در حضور من (اسم من) گفتند          نذر دین ما را کنیم که مرا از سیاه چالها          نذر دین ما بکنی و همه گنجه آزار ما را          در دنیا بر آزاران ما بر کنی و بعد از آنکه گفتند          بعد از این دنیا ما را بکنی و همه گنجه ما را          در دنیا بکنی و همه گنجه ما را</p>	<p style="text-align: right;">ایثار و شهادت</p> <div style="border: 1px solid black; padding: 5px; margin-bottom: 10px;"> <p>..... الهم</p> </div> <p>بسم الله الرحمن الرحيم          و بعد از آنکه در حضور من (اسم من) گفتند          نذر دین ما را کنیم که مرا از سیاه چالها          نذر دین ما بکنی و همه گنجه آزار ما را          در دنیا بر آزاران ما بر کنی و بعد از آنکه گفتند          بعد از این دنیا ما را بکنی و همه گنجه ما را          در دنیا بکنی و همه گنجه ما را</p>
<p style="text-align: right;">ایثار و شهادت</p> <div style="border: 1px solid black; padding: 5px; margin-bottom: 10px;"> <p>..... الهم</p> </div> <p>بسم الله الرحمن الرحيم          و بعد از آنکه در حضور من (اسم من) گفتند          نذر دین ما را کنیم که مرا از سیاه چالها          نذر دین ما بکنی و همه گنجه آزار ما را          در دنیا بر آزاران ما بر کنی و بعد از آنکه گفتند          بعد از این دنیا ما را بکنی و همه گنجه ما را          در دنیا بکنی و همه گنجه ما را</p>	<p style="text-align: right;">ایثار و شهادت</p> <div style="border: 1px solid black; padding: 5px; margin-bottom: 10px;"> <p>..... الهم</p> </div> <p>بسم الله الرحمن الرحيم          و بعد از آنکه در حضور من (اسم من) گفتند          نذر دین ما را کنیم که مرا از سیاه چالها          نذر دین ما بکنی و همه گنجه آزار ما را          در دنیا بر آزاران ما بر کنی و بعد از آنکه گفتند          بعد از این دنیا ما را بکنی و همه گنجه ما را          در دنیا بکنی و همه گنجه ما را</p>

کتابخانه

کتابخانه

دایمک ز فضا صد بزرگم منم کشته ام  
 کشته دهمم تا بماند و جامه کهن بیرون  
 دتا کوه خود را در آتش راهم بسوزان  
 مادم سوار شکر غیر ترک من انگه سر  
 زین گشت عصم عصم و اتم زرتو گنم  
 مدوت بر سر انگ رفیت چمن  
 به دانست که گاه فدا میام ام

کتابخانه

کتابخانه

چشم در دو قامت خود در زهر لاله زخم  
 علی دوزخه در راه با دست چرخه با کمر  
 عالم بر کف زین زور از زینم راهی  
 بر سر کوه کعبه من معراج راه را میزد  
 میزدن لاله در دام در وانی کاه کراه  
 حل اولم صبر در حوض اهرام تو خیم  
 در کمر کزین حرکت کشته بر روی من دولت  
 انشور و عیال

کتابخانه

کتابخانه

بلک دین و کلمه منم کشته ام یادگار  
 لاله در ان معراج از من دور که گشت  
 راهم است گنم دستم در حوض راهم  
 تبیلم و هر حال در وقت معراج  
 فرستاده من در وقت با هم در حوض  
 با دست خانوادگی من کشته بر روی من  
 در حوض کعبه دستم در حوض کعبه

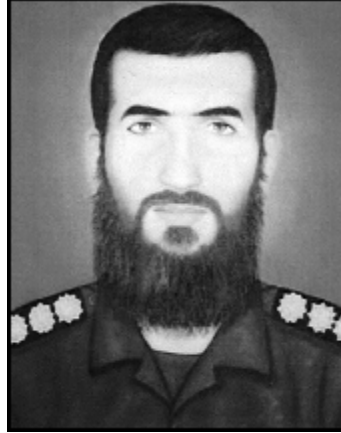
کتابخانه

کتابخانه

شهر رفیت گنم و چمن منم کشته ام  
 گنم که کوه و رفیت گنم لاله کاه کاه  
 در راه کعبه کعبه که به راه خدا رفت  
 من بر روی کعبه از زینم و در وقت اهرام  
 زانم تیریک کوه تیریک کوه که دست گنم  
 بر روی کعبه کعبه کعبه کعبه کعبه  
 کعبه کعبه کعبه کعبه کعبه کعبه



نام: ولی الله  
نام خانوادگی: عباسی  
نام پدر: عبدالله  
نام مادر: طلا  
تاریخ تولد: سال 1343  
محل تولد: روستای پاقلعه از توابع شهرستان  
شیروان و چرداول  
تحصیلات: دیپلم  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: هشتم خرداد 1365  
محل شهادت: چنگوله  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: بخش صالح آباد از توابع شهرستان مهران



## عبارت های کلیدی

- | شهادت فوزی عظیم می باشد.
- | شهادت در اسلام آنقدر با ارج و ارزش می باشد که پیامبران و امامان معصوم ما به این مقام افتخار می کردند.
- | شهید علاوه بر رسیدن به اهداف مقدسه و عالی، برای همیشه زنده و جاویدان می باشد.
- | شهید آنقدر احترام و عزت دارد که فقط نظر می کند به وجه الله.
- | در قیامت جایگاه شهید در عندالله می باشد.
- | فکر نکنید مردن در راه خدا نابود و فناشدنی است.
- | مردن در راه خدای عالمیان را نادیده نگیرید و در زندگی همیشه صابر و شکیبا باشید.
- | ما اگر نسبت به اسلام متعهد نباشیم گناه کرده ایم.
- | برادران رزمنده از تفرقه و جدایی اجتناب کنید.
- | عزیزان از غیبت همدیگر بپرهیزید.
- | طبقات ضعفا را فراموش نکنند و به فکر یتیمان باشید.
- | کسانی که قدرت کمک دارند حتماً باید به انقلاب مقدس اسلامی کمک نمایند.

## ولی‌الله عباسی<sup>1</sup>

### بسم الله الرحمن الرحيم

اولاً باید لحظه‌ای بیندیشیم و افکار عمومی و تدبیرات خود [را] به کار برده که شهید واقعی کیست و چه کسانی مجاهد راستین اسلام به حساب می‌آیند و شهید چه درجه‌ای نزد خداوند منان دارد.

کسانی که برای اعتلای کلمه حق به صحنه‌های پیکار اعزام می‌گردند، در واقع پاسدارانی راستین و مجاهدانی فداکار، می‌توان به حساب آورد. بنابراین این‌گونه افراد دو هدف عالی در پی دارند که یکی رسیدن به پیروزی و دیگری شهادت در راه پروردگار عالمیان می‌باشد. آری! شهادت فوزی عظیم می‌باشد و کسانی که در جبهه‌های نور علیه ظلمت در مقابل استکبار جهانی به درجه رفیع شهادت نائل می‌گردند، در حقیقت به آرزوی دیرینه خود رسیده‌اند.

شهادت در اسلام آنقدر با ارج و ارزش دارد که پیامبران و امامان معصوم ما به این مقام افتخار می‌کردند، چنانچه در یکی از جنگ‌های صدر اسلام حضرت علی (7) در مقابل و مقاتله با کفار بیش از حد زخم در بدن مبارکش فرا می‌گیرد و ایشان ناراحت می‌گردد که چرا شهید نشده است. آری! رسول گرامی در رابطه با ابهت شهادت می‌فرماید: «بالای هر نیکویی، نیکویی است تا می‌رسد به شهادت در راه خدا که دیگر بالاتر از آن نیکویی نیست.»<sup>2</sup> آری عزیزان! رزمنده‌هایی که به جبهه‌های حق علیه باطل می‌روند در حقیقت دو وظیفه انجام می‌دهند: یکی نبرد با کفار جهانی و دیگری نبرد با هوای نفس و بت درونی که در این رابطه امام امت فرموده‌اند: «جهاد با کفار [را] جهاد اصغر و جهاد با هوای نفس [را] جهاد اکبر می‌نامند.» علی‌هذا کسانی که در راه خداوند متعال به شهادت

1- در بالای وصیت تایی آمده است: «وصیت‌نامه شهید ولی‌الله عباسی».

2- تبعیر شهید ترجمه‌ای از این سخن پیامبر گرامی اسلام است: «فوق کل ذی بر بر حتی یقتل فی سبیل الله فاذا قتل فی سبیل الله فلیس فوقه بر». (وسائل الشیعه، ج 11، ص 10).

می‌رسند، در واقع طبق گفته قرآن مجید در نزد خداوند رزق و روزی می‌برند.<sup>1</sup> شهید علاوه بر رسیدن به اهداف مقدّسه و عالیّه، برای همیشه زنده و جاویدان می‌باشد و در حیات اخروی، جایگاهش در بهشت خواهد بود. شهید آن قدر احترام و عزّت دارد که فقط نظر می‌کند به وجه الله. در قیامت جایگاه شهید در عندالله می‌باشد، یعنی شهید در نزد خداوند منان روزی می‌برد.

پیامبر اسلام (6) برای شهید هفت پاداش بیان نموده است: یکی این که با اولین قطره خونی که از خون او به زمین ریخته می‌شود، تمام گناهان او آمرزیده می‌شود، یعنی دیگر گناهی در پرونده اعمال او نخواهد بود؛ دوم اینکه حور[ی] بهشتی سر او را به دامان می‌گیرد و خستگی جبهه و جنگ را از سر بالین او کم می‌کند و به او مرحبا می‌گوید؛ سوم، جایگاه خود را در بهشت می‌بیند؛ چهارم: لباس‌های گران‌بهای بهشتی بر تن او می‌کنند و این است مقام شهید.

آری! حدیثی از امامان معصوم داریم که می‌فرمایند دری در بهشت مخصوص شهیدان به خون خفته است و حال ما که پی به عظمت این عزیزان برده‌ایم، باید تا آخرین قطره خون پاسدار دستاوردهای حریم خون مقدّس آنها باشیم و تا مالیدن پوزه تمام استعمارگران و زورگویان، باید به راه مقدّس خویش ادامه بدهیم.

به امید پیروزی اسلام بر کفر جهانی و به امید سلامتی امام امت و تمام مریبان و معلمان جامعه.

«والسلام»

ولی الله عباسی

مورخه 64/10/2

---

1- اشاره به بخش آخر آیه 169 سوره آل عمران دارد. «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ».

## [وصیت‌نامه‌ای دیگر]

## بسم الله الرحمن الرحيم

«مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا»<sup>1</sup>

«از مومنین مردانی هستند که که وفا نمودند به هرچه عهد و پیمان بسته بودند با خدا بر آن پس برخی از اینان مدتش به سرآمد و بعضی انتظار می‌کشند».

سلام بر محضر مبارک رسول اکرم (6) خاتم پیامبران و سلام بر امام زمان (عج) یاور محرومان و تهی‌دستان و سلام بر امام حسین (7) که با خون مطهر خود ثمره‌ای پربرکت به درخت اسلام داد و سلامی خالصانه بر امام امت خمینی کبیر و امت قهرمان و ملل اسلامی گیتی اعم از لبنان و فلسطین و سلام به خانواده عزیزم و همچنین مادران دلسوز، با سپاس به درگاه خداوند منان و عزوجل هر چند لیاقتش را ندارم ولی چون می‌خواهم تکالیفم را انجام دهم و صیایایی به روی کاغذ قید و یادداشت می‌نمایم. و صیایای بنده از این قرار است: عزیزان از کشته شدن من در راه اسلام و اهداف عالی آن ناراحت و محزون نشوید چرا؟ چون فکر نکنید مردن در راه خدا نابود و فنا شدن است بلکه زندگی جدید آغاز می‌شود که پایانی ندارد و برای عاشقان و راهیان کربلای معلی<sup>1</sup> زندگی لذیذ شماسست. آخر عمر همگی مردن است و مردن در راه خدای عالمیان را نادیده نگیرید و در زندگی همیشه صابر و شکیبا باشید البته نه در برابر ملحدان و مکاران امثال صدام<sup>2</sup> پلید و ... چون اگر هر کدام از ما مسلمانان در برابر جنایات این خبیثان سکوت نمایم گناهی کبیره محسوب می‌شود. ما باید خودمان را مقید بر عمل سالار شهیدان حسین (7) و سایر ائمه که همانا مبارزه با شرک و بت‌پرستی و ترویج اسلام بوده است ادامه دهیم، ما اگر نسبت به اسلام متعهد نباشیم گناه کرده‌ایم و جایی در آخرت و روز واپسین نداریم. از همه بهتر و افضل [تر] این است. برادران رزمنده از تفرقه و جدایی اجتناب کنید و با هم متحد

1- احزاب/ 23.

2- ر.ک. تعلیقات.

باشید و توصیه دیگر اینجانب این است که عزیزان از غیبت همدیگر بپرهیزید. اما کلامی با ثروتمندان دارم و آن اینکه ثروتمندان مرفه هستند و یا ملک زیادی دارند در حیات خویش طبقات ضعفا را فراموش نکنند و به فکر یتیمان باشید چون اگر ثروتمندان حق مستمندان را نخورند مسکینی در جامعه وجود نخواهد داشت. کسانی که قدرت کمک دارند حتماً باید به انقلاب مقدس اسلامی کمک نمایند و از مسلمانان و امت ایشارگر و رزم‌آوران [...]»<sup>1</sup> به مادر عزیزم توصیه می‌کنم که زیاد برایم گریه نکند چون دشمنان مکار و حيله‌گر از این محزونی و و اندوهناکی شما سوءاستفاده و خوشحال می‌شوند. مادرم از اینکه شما زیاد برای بنده زحمت کشیده‌اید حلالیت می‌طلبم. امیدوارم شیر پاکتان را حلالم نمایید چون برای ماها خیلی زحمت کشیدید و از کلیه برادران هم‌رزم حلالیت می‌طلبم و امیدوارم که از خدا برای بنده استغفار بنمایید.

«والسلام»

ولی الله عباسی



## وصیت‌نامه‌ی ولی‌الله عباسی

اولاً باید لحظه‌ای بیاندیشیم و افکارات عمومی و تدریجات خود به کار برده که شهید واقعی کیست و چه کسانی مجاهد راستین اسلام به حساب می‌آیند؟ شهید چه در جهاد نزد خداوند متعال دارد.

کسانی که برای اعتلای کلمه‌ی حق به صحنه‌های بیگار انعام می‌گردند در واقع پاسدارانی راستین و مجاهدانی لفاکار می‌توان به حساب آورد. بنابراین این گونه افراد دو هدف عالی به در پی دارند که یکی رسیدن به پیروزی و دیگری شهادت در راه پروردگار عالمیان می‌باشد. آری شهادت لفظی عظیم می‌باشد و کسانی که دو جنبه‌ی شهادت نور علیه ظلمت در مقابل استکبار جهانی به درجه‌ی رفیع شهادت نائل می‌گردند در حقیقت به آرزوی دیرینه‌ی خود رسیده‌اند.

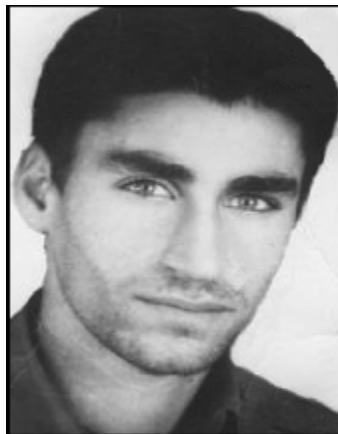
شهادت در اسلام آنقدر با ارج و ارزش زنده می‌باشد که پیامبران و امامان معصوم ما به این مقام افتخار می‌کردند. چنانچه در یکی از جنگ‌های صدر اسلام حضرت علی (ع) در مقابل و مقاتله با کفار پیش از حرا خود در بدن مبارکش فراموشی می‌کرد که چرا شهید نشده است. آری رسول گرامی در رابطه با اهمیت شهادت می‌فرماید: «لا اله الا الله» هر نیکویی، نیکویی است تا می‌رسد به شهادت در راه خدا که دیگر بالاتر از آن نیکویی نیست. آری عزیزان! هر منده‌هایی که به جبهه‌های حقیقی علیه باطل می‌روند در حقیقت دو وظیفه انجام می‌دهند: یکی نبرد با کفار جهانی و دیگری نبرد با هوای نفس و بت درونی که در این رابطه امام امت فرموده‌اند: «جهاد با کفار، جهاد با اشرار و جهاد با هوای نفس، جهاد اکبر می‌نامند». علی‌هذا کسانی که در راه خداوند متعال به شهادت می‌رسند در واقع طبق گفته‌ی قرآن مجید در نزد خداوند رزوی و روزی می‌زنند.

شهید علاوه بر رسیدن به اهداف مقصود و عالیله برای همیشه زنده و جاویدان می‌باشد و در حیات اخروی، جایگاهش در بهشت خواهد بود. شهید آنقدر احترام و عزت دارد که فقط نظر می‌کند به وجهه‌ی در قیامت جایگاه شهید در عتقده می‌باشد. یعنی شهید در نزد خداوند متعال روزی می‌زند. پیامبر اسلام برای شهید هفت پاداش بیان فرموده است: یکی این که با اولین قطره‌ی خونی که از خون او به زمین ریخته می‌شود تمام گناهان او آمرزیده می‌شود. یعنی دیگر گناهی در پرونده‌ی اعمال او نخواهد بود؛ دوم اینکه صورت بهشتی بر او با به دامان می‌گیرد و خستگی جبهه و جنگ را از سر سالیان او کم می‌کند و سه او مرخص می‌گردد؛ مسووم جایگاه خود را در بهشت می‌بیند؛ چهارم بهشتی‌های گرانمای بهشتی بر تن او می‌کنند و این است مقام شهید.

آری حدیثی از امامان معصوم داریم که می‌فرمایند: «دری در بهشت مقصود شهیدان به خون خفته است و حال ما که بی‌به عظمت این عزیزان برداریم نباید تا آخرین قطره‌ی خون را پسندار دستاوردهای حرم خون مقدس آنها باشیم و تا مالیدن پوزه‌ی تمام استعمارگران و زورگویان، باید به راه مقدس خویش ادامه بدهیم.

به امید پیروزی اسلام بر کفر جهانی و به امید سلامتی امام امت و تمام مرتبان و مصلحان جامعه. **والسلام، ولی‌الله عباسی، مورخه‌ی ۱۳۷۲/۱/۲۴**

نام: سرحد  
نام خانوادگی: عبداللهی  
نام پدر: صحبت  
نام مادر: پدریه  
تاریخ تولد: یکم خرداد 1347  
محل تولد: شهرستان شیروان و چرداول  
تحصیلات: اول متوسطه  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: چهارم مرداد 1367  
محل شهادت: مهران  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: بخش صالح آباد از توابع شهرستان مهران



## عبارت‌های کلیدی

- ا خداوندا، ایثاری عظیم کن چون شمع بسوزم و از شهیدانم قرار ده تا به وصالت دست یابم.
- ا امروز روز سنجش ایمان مسلمانان است.
- ا خواهرانم، صبور و با استقامت باشید.
- ا با عفت و حجابتان مشیت محکمی بر دهان منافقین و کفار بزنید.
- ا از خواهرانم می‌خواهم که فرزندانمان را در راهی که امام حسین (7) رفت تربیت کنند.

## سرحد عبداللهی<sup>1</sup>

### بسم الله الرحمن الرحيم

به نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان

«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»<sup>2</sup>

ای خدایی که وجودم را در رحمانیت و بینایی‌ام را در هدایت و ایمانم را به نعمت و حیاتم را به طاعت می‌بینم. بی صبرانه در وصالت بر خود می‌تابم. نعمتی نصیبم کن که چون ابری در بهار باران، غبار را از رخ گل‌ها بشویم. خداوندا، ایثاری عظیم کن که چون شمع بسوزم و از شهیدانم قرار ده تا به وصالت دست یابم.

پدر و مادر عزیزم، من داماد شدم و همسر من شهادت است. آن‌گاه گلوله‌ها بر تنم اصابت کرد مثل این بود که انگشتر در دست همسرم کردم و آن‌گاه که روحم از تنم جدا شد مثل این بود که جواب بله به همسرم دادم و آن‌گاه که کفن پوشیدم مثل این بود که لباس دامادی پوشیدم و شب اول قبرم، شب حجله من خواهد بود.

امروز روز سنجش ایمان مسلمانان است، با عزمی راسخ و استوار در برابر کفار همچون سدی آهنین است. خواهرانم، صبور و با استقامت باشید و با عفت و حجابتان مشقت محکمی بر دهان منافقین<sup>3</sup> و کفار بزنید. از خواهرانم می‌خواهم که فرزندان‌شان را در راهی که امام حسین (7) رفت تربیت کنند.

«والسلام علیکم اهل البیت اجمعین و لعنت الله علی القوم [الظالمین]»<sup>4</sup>

1- در بالای وصیت آمده است: «از وصیت‌نامه شهید سرحد عبداللهی».

2- بخشی از آیه 156 سوره بقره. «ما به فرمان خدا آمده‌ایم و به‌سوی او رجوع خواهیم کرد».

3- رک. تعلیقات.

4- در اصل وصیت «والسلام علیکم اهل البیت اجمعین و لعنت الله علی القوم الظالمین».

Thursday 13 December	بنجشنبه ۲۲ آذر	۱۶۱۵	۱۹ ذیقع الاول ۱۱۰۵
----------------------------	----------------------	------	--------------------------

۸	بسم الله الرحمن الرحیم
۹	الحمد لله رب العالمین
۱۰	الحمد لله رب العالمین
۱۱	الحمد لله رب العالمین
۱۲	الحمد لله رب العالمین
۱۳	الحمد لله رب العالمین
۱۴	الحمد لله رب العالمین
۱۵	الحمد لله رب العالمین
۱۶	الحمد لله رب العالمین
۱۷	الحمد لله رب العالمین
۱۸	الحمد لله رب العالمین
۱۹	الحمد لله رب العالمین
۲۰	الحمد لله رب العالمین

Note: یادداشت روزانه.

Friday	۱۴	۱۱۳	۲۳	۱۶۱۵	۲۰ ربیع الاول ۱۴۰۵
December			۱۳۰۵		

۸	بسم الله الرحمن الرحيم
۹	
۱۰	امروز روز شنبه است
۱۱	بسم الله الرحمن الرحيم
۱۲	خداوند همه را دوست دارد
۱۳	بسم الله الرحمن الرحيم
۱۴	بسم الله الرحمن الرحيم
۱۵	بسم الله الرحمن الرحيم
۱۶	
۱۷	بسم الله الرحمن الرحيم
۱۸	بسم الله الرحمن الرحيم
۱۹	
۲۰	Note:

نام: ستار  
نام خانوادگی: عبدالی  
نام پدر: کرم  
نام مادر: کشور  
تاریخ تولد: پنجم مرداد 1347  
محل تولد: روستای میان‌تنگ از توابع شهرستان مهران  
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی  
ارگان اعزام‌کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: شانزدهم شهریور 1363  
محل شهادت: چنگوله  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای امامزاده پیرمحمد همان شهرستان



## عبارت‌های کلیدی

- ا راه شهیدان راه حسین (7) مظلوم است.
- ا هیچ وقت اسلام و کفر با هم سازگار نیستند.
- ا شما را به نظم و انضباط در کارها سفارش می‌کنم.
- ا همواره وحدت خود را حفظ نمایید.
- ا گوش به فرمان امام عزیز باشید.
- ا همیشه پیرو اسلام عزیز و امامان باشید.

## ستار عبدالی<sup>1</sup>

### بسم الله الرحمن الرحيم

پدر و مادر گرامی ام و برادران و خواهران عزیزم، با شهید شدن من شما به سوگ و عزا ننشینید و سیا<sup>2</sup> [ه] پوش نشوید<sup>2</sup> چون راه شهیدان راه حسین (7) مظلوم است و باید بر این راه محکم و استوار باشید و اگر فکر کنیم از آغاز اسلام تاکنون میان اسلام و کفر جنگ بوده است و هیچ وقت اسلام و کفر با هم سازگار نیستند و این حکم ایزد منان است. شما را به نظم و انضباط در کارها سفارش می‌کنم و همواره وحدت خود را حفظ نمایید و گوش به فرمان امام عزیز باشید و همیشه پیرو اسلام عزیز و امامان باشید و لحظه‌ای<sup>3</sup> غفلت نورزید.

«والسلام»

---

1- در بالای وصیت آمده است: «از وصیت‌نامه شهید ستار عبدالی، تاریخ 63/6/16».

2- ر.ک. تعلیقات. در اصل وصیت «سیا».

3- در اصل وصیت «لحظه».

۱۳۴۳، ۶، ۱۴

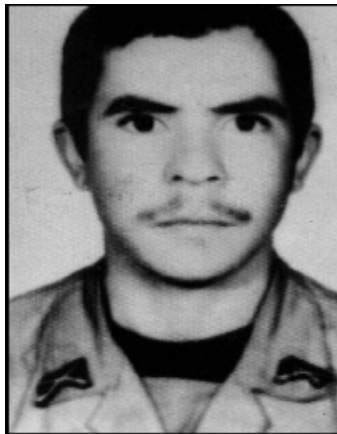
محبت نامه شهید ستار عبدالی

پدر و مادر گرامیم در احوال و فراموشان عزیزم! انصاف شکر من شما، سوگند و غمنا  
نشدید و بی‌جهت سستی و بی‌جوشی راه شهیدان راه حسین و مطهر است و باید برای  
راه هم دستوراتی باشد در فکر کنیم از آنجا که اسلحه‌ها تاکنون میان اسلحه و کفر خنک برده است  
و هیچ وقت اسلحه‌ها را نمی‌توانیم با ما نماندند و این کم آنروز زمان است که ما را بنظم و انضباط  
رکابها ستار شهید و کم در راه و در هر صورت در حفظ باشید و خوشی و فراق اندک عزیز شهید و صبیح  
پدر و اسلحه عزیز و اما ما را شهید و لفظ این غفلت نورزید

دستور  
عبدالی



نام: جهانبخش  
نام خانوادگی: عبدی  
نام پدر: کاظم  
نام مادر: قدمخیر  
تاریخ تولد: هفتم تیر 1346  
محل تولد: روستای خریزان از توابع شهرستان دهلران  
تحصیلات: دوم ابتدایی  
ارگان اعزام کننده: ارتش  
تاریخ شهادت: دوم خرداد 1366  
محل شهادت: ابوقریب  
نحوه شهادت: اصابت گلوله  
مزار: گلزار شهدای امامزاده سیدابراهیم همان شهرستان



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ شهادت بهترین افتخار است.
- ۱ همیشه در کارها به یاد خدا باشید.
- ۱ از حضرت امام خمینی و رهنمودهای آن معظم پیروی کنید.

## جهانبخش عبدی

### بسم الله الرحمن الرحيم

وصیت نامه‌ام [را] در مورخه 66/2/1 [می نویسم که] اگر خدا دوستم داشته باشد و به شهادت نائل گردم می نویسم. از پدر و مادرم می خواهم که برایم ناراحت نباشید چون که شهادت بهترین افتخار است و از برادرم می خواهم که به پدر و مادرم و خواهرانم کمک کند و به آنها دلداری بدهد و کاری نکنید که ایمانتان [را] از دست بدهید. همیشه در کارها به یاد خدا باشید تا در کارهایتان موفق باشید و از حضرت امام خمینی و رهنمودهای آن معظم پیروی کنید و [از] یار امام و انقلاب اسلامی که راه اسلام است پیروی کنید. خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دار

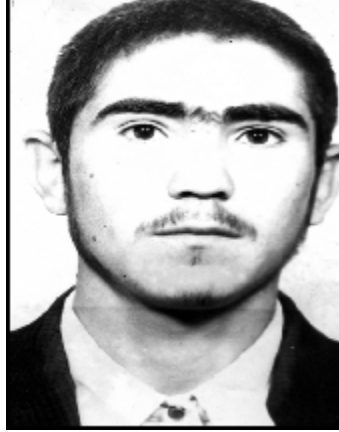
«من الله توفیق»

جهانبخش عبدی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ  
وصیت نامه ایام در صورتی که از ۲۰، ۶۶ من نویسم  
که اگر خدا دوستم داشته باشد و به شهادت  
ناشکر گردم من نویسم از پدر و مادرم من خواهم  
که بر این ناراحت نباشید چونکه شهادت  
بهترین افتخار است و از برادر من خواهم  
که به پدر و مادر من و خواهر من کمک کند و  
به آنها رسیدگی کند و کارهای آنها را

کجا ایالتان از دست بر خیزد همیشه  
در کار خرابی یاد خدا باشید تا در کار خرابی  
موفق باشید و از حضرت امام خمین (ره)  
و رهبر خود هاشمی آقا موقم پیروی کنید  
و بارانم و انقلا: اسلام را بر آید  
سنت پیروی کنید خدا خدایمان است  
مردان توفیق جهان بخش عبدی

نام: سعید  
نام خانوادگی: عبدی  
نام پدر: محمد  
نام مادر: صورت  
تاریخ تولد: هشتم اسفند 1349  
محل تولد: روستای پلک‌لک از توابع شهرستان ایلام  
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی  
ارگان اعزام‌کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: سی‌ویکم خرداد 1366  
محل شهادت: ماووت عراق  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: روستای حاجی بختیار شهرستان زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

۱ خداوندا، مرا از این رفیق‌های بدجور قرار ندهید.

## سعید عبدی<sup>1</sup>

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم رب الشهداء والصدیقین

از آغاز زندگی تا به حال بنده از سن شش سالگی به بعد به یادم می‌آید وقتی که در آن سن بودم مدرسه رفتم و درس را تا سال اول دبیرستان خواندم و بسیار سختی‌ها در<sup>2</sup> زندگی‌ام دیدم. بنده رها شده از یک خانواده مستضعف هستم که در طول زندگی‌ام همه کاره بوده‌ام و کسی از بنده کار بدی ندیده است و آرزوی زندگی خودم را داشته‌ام که چطور زندگی کنم با چه کسانی یا چه کسی عهد ببندم. این از آرزوهای من است. بنده با چه کسانی رفیق بوده‌ام، آرزوی من با این رفیقان چیست. گفته‌ام خداوند، مرا از این رفیق‌های بدجور قرار ندهید و همیشه آنها را با من راضی<sup>3</sup> و خشنود بگردان. سعید، ای دوستان سعید، چنین آرزو[یی] داشته‌ام که خدمتم را به پایان برسانم و با شادی به سر خانواده‌ام برگردم و با رفیقان به بندر بروم تا هر یک سال بعد از آن بیایم و خانواده تشکیل بدهم و زن بگیرم. در این ساعت بنده تمام غم دنیا به رویم رفته است و فقط و فقط و فقط و تنها و تنها و.... غیره و غیره.... سعید کار دیگر ندارد و فقط به فکر این است که چه ساعتی حرکت کند. تمام زندگی از یادم رفته و فقط همین [را] می‌دانم که من [را] برای کجا می‌برند. خانواده محترم عبدی زیاده عرضی ندارم. بنده در مخابرات که یک دستگاه [....]<sup>4</sup> و سه بی‌سیم آن‌ساقول پیش من هست. فرمان دارد می‌خندد و من هم با لحظه خنده‌آور پیشش هستم و کار از کار گذشته.

«والسلام»- پایان

دوشنبه مورخه 66/1/30

ساعت چهار کم هیجده دقیقه

سعید عبدی

1- در بالای وصیت آمده است: «وصیت‌نامه برادر سعید عبدی».

2- در اصل وصیت «از».

3- در اصل وصیت «رازی».

4- خوانا نیست.

سید سید محمد ادهم علی قین

وصیت نامه سید سید محمد

لذاتکما از زندگی تا مجال سوره از سن شش سالگی به بعد به بادم می آید ، منی که در آن سن بوم بودم در چشم  
 نورس و تاسای لؤل و بسیار خوش اندام و بسیار سفتها از زندگی که از بدم منتهی شده که زکیف  
 خانوادگی و شفقت منم که از طول زندگی که به کار و لودیم که از سوره کار سبک مزید است  
 و اگر روی زندگی منم در رشته ام که بپلور زندگی منم با چسبنا با چه کسی عهد بیدم این که آره های من است  
 سینه با چه کسی زمین بودم ام که روی من با این رفیق صیت گفت ام سوره اول از این رفیق ام در جزوار  
 زهد و همت آنها را این را می و خشم و شوره ال سعیه اکی دست سعیه چنین که روی است ام  
 که حقیقت را می با این بوسا ام بر با ستاری بر سر خا نوله ام ~~بسیار~~ بسیار در تمام ماه و سوب سال بود  
 لذاتکما با ام و خا نوله شغل بودم مذک بپریم در این ساعت بنده تمام علم و سوره من رفت است و نقط  
 نقطه نقطه نقطه و سها و سها و سها - - رفیقه رفیقه رفیقه و رفیقه - - سعیه سعیه سعیه و سعیه و سعیه و سعیه  
 این است که چه ساعتی حسرت کند تمام زندگی از بدم رفت و نقطه همن می بدم که من سوبی گما می بود  
 خانواده محترم سعیه را باده می ندم سبه معانوات که یک استگ با ماده و سینی قویقه ای و سه  
 بیسم آسانسور پیش من حسرت مزبان دارد مرغه در من هم با لحظه خسته که پیش منم و کار

روزگار که منتهی و السلام با بیان

در شب ۳۰ ر ۲۶ - ساعت ۱۵:۴۵ دقیقه



سید سید محمد ادهم علی قین

نام: نورالدین  
نام خانوادگی: عبدی  
نام پدر: صید مهدی  
نام مادر: معصومه  
تاریخ تولد: یکم دی 1324  
محل تولد: شهرستان آبدانان  
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: دوم تیر 1366  
محل شهادت: پانه  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ پس اگر چنانچه خداوند نعمت عظمای شهادت را نصیب بنده کرد، سعی کنید صبور و بردبار باشید و کاری نکنید که دشمنان انقلاب و اسلام را خوشحال کنید.
- ۱ صبر و پایداری کنید که خداوند با صبر کنندگان است.



## نورالدین عبدی

### بسم الله الرحمن الرحيم

می‌خواهم چند کلمه صحبت با شما داشته باشم. فرزندانم، همه می‌دانید که انسان امانتی است که از طرف خداوند آمده است و چند روز به‌عنوان آزمایش در این دنیا زندگی می‌کند و سپس می‌رود پس اگر چنانچه خداوند نعمت عظمای شهادت را نصیب بنده کرد، سعی کنید صبور و بردبار باشید و کاری نکنید که دشمنان انقلاب و اسلام را خوشحال کنید و صبر و پایداری کنید که خداوند با صبر کنندگان است.<sup>1</sup>

خدمت مادر مهربانم که مدت‌ها برای بنده زحمت و تلاش شبانه‌روزی کشیده‌اند سلام می‌رسانم و از زحمات شما سپاسگزارم. امید است که مرا حلال کنید. همچنین خدمت همسر گرامی ام سلام فراوان می‌رسانم. امید است که پس از من صبر و پایداری کنید و خودت را در میان مردم حفظ کنی و به فکر فرزندان باشی و اگر خدای ناکرده در طول زندگی مان از بنده ناراحتی دیده‌اید، به بزرگی خودت ببخشی و مرا حلال کنید و در مرگ من سیاه نپوشید<sup>2</sup> که شرعاً مکروه است بلکه لباس سبز بپوشید تا بر شما مبارک باشد. از همه شما التماس دعا دارم.

### خداحافظ

نورالدین عبدی

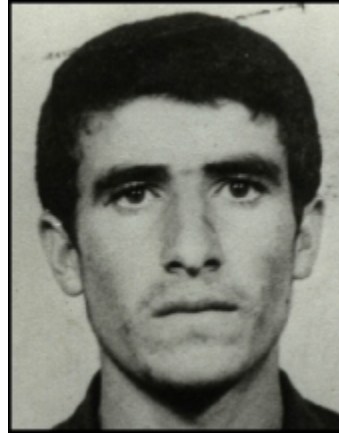
تاریخ: 66/1/29

1- ترجمه «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»، بخشی از آیه 153 سوره بقره.

2- ر.ک. تعلیقات.



نام: علی نظر  
نام خانوادگی: عبدیان  
نام پدر: علی نجات  
نام مادر: فاطمه  
تاریخ تولد: سال 1346  
محل تولد: روستای چشمه پهن از توابع شهرستان  
شیروان و چرداول  
تحصیلات: در حد خواندن و نوشتن  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: نهم مرداد 1362  
محل شهادت: مهران  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای امامزاده عباس شهرستان  
زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ | مادرم، من به جبهه حق علیه باطل میروم که شاید دشمن را شکست دهیم و در کمال مهر و صفای اسلام زندگی کنیم.
- ۱ | ما می‌رویم و از اسلام دفاع می‌کنیم.
- ۱ | به گفته امام اگر بکشیم پیروزیم و اگر کشته شویم پیروزیم.
- ۱ | نگذارند که اسلحه من بر زمین افتد.

## علی نظر عبدیان<sup>1</sup>

### بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خداوند تبارک و تعالی

مادرم، من به جبهه حق علیه باطل می‌روم که شاید دشمن را شکست دهیم و در کمال مهر و صفای اسلام زندگی کنیم. ما می‌رویم و از اسلام دفاع می‌کنیم. به گفته امام اگر بکشیم پیروزیم و اگر کشته شویم پیروزیم.<sup>2</sup>

اگر به سعادت رسیدیم و به شهادت نائل آمدیم، شما بعد از شهید شدن من تمام فرزندان را تربیت کنید و آنها را به اسلام دعوت کنید تا شاید ثمره‌ای برای اسلام باشند و به آنها بگو که راه من را ادامه دهند و نگذارند که اسلحه من بر زمین افتد و تا شاید که اسلام با وجود یکی از فرزندان تو به پیروزی رسید.

برادرانم، حیدر، عسکر و صفدر که سن شما از مدرسه گذشته، به کار کشاورزی مشغول شوید تا در راه رسیدن به خودکفایی گامی برداشته باشید. برادرانم خالد و صمد شما هم تحصیل کنید تا از ادامه تحصیل بازمانید و از خواندن و نوشتن بیزار نباشید. همیشه درس بخوانید و کوشا باشید تا در رسیدن به زندگی موفق باشید.

«انشاءالله»

---

1- در بالای وصیت آمده است: «وصیت‌نامه شهید علی نظر عبدیان».

2- سخن حضرت امام چنین است: «چه کشته شویم، چه بکشیم حق با ماست. ما اگر کشته هم شویم در راه خدا کشته می‌شویم، پیروزی است و اگر بکشیم هم در راه حق است و پیروزی است.» (صحیفه امام، ج 4، ص 492).





نام: مصطفی  
نام خانوادگی: عزت پناه  
نام پدر: شریف  
نام مادر: چنانیه  
تاریخ تولد: سوم فروردین 1344  
محل تولد: شهرستان دهلران  
تحصیلات: دیپلم  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: یازدهم مرداد 1362  
محل شهادت: قلاویزان مهران  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای امامزاده سیداکبر زادگاهش

## عبارت‌های کلیدی

- ۱ به خانواده‌ام توصیه می‌کنم که امام را بشناسند و قدرش را بدانند.
- ۱ هیچ‌گونه آرزویی ندارم به‌جز اینکه آرزو داشتم به خدمت امام برسم.
- ۱ به خانواده‌ام توصیه می‌کنم که امام را بشناسند و قدرش را بدانند.
- ۱ از برادرانم می‌خواهم که نگذارند اسلحه من بر زمین بماند.
- ۱ از خواهرانم می‌خواهم که حجابش[ان] را کاملاً حفظ نمایند و در تقویت ایمانشان بکوشند.
- ۱ اگر من شهید شدم که بدانید راه امام حسین (7) را رفتم.

## مصطفی عزت پناهی<sup>1</sup>

بسم الله الرحمن الرحيم

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ»<sup>2</sup>

خدای را شکر که این نعمت را برای ما کرامت فرمود و وجود شخصیتی بی نظیر همچون امام خمینی بین ملت ما ظاهر فرمود. این بزرگ‌ترین عنایتی بود که خداوند عالم به ما کرامت فرموده است. والا ما اکثراً اشخاصی را به چشم ایمان داشتن به حساب می‌آوردیم و در نمازهای خود طلب سلامتی آنها را از خدا می‌کردیم که خود مورد عذاب خدا و ملائکه بودند... حالا که در این مکان مقدس یعنی جبهه آمده‌ام، هیچ‌گونه آرزویی ندارم به جز اینکه آرزو داشتم به خدمت امام برسم و به واسطهٔ قصور در خدمت جرأت آن را به خود نمی‌دادم و خود را شایسته اتلاف وقت ایشان نمی‌دیدم.

دروود بر قائد اعظم امام خمینی، سلام بر آیت‌الله منتظری<sup>3</sup>، امید امت و امام و کلیه روحانیت اصیل، متعهد و در خط امام.

به خانواده‌ام توصیه می‌کنم که امام را بشناسند و قدرش را بدانند. به مادرم توصیه می‌کنم که به جای گریه لبخند پیروزی بزند و امر به معروف و نهی از منکر را فراموش نکند.

از برادرانم می‌خواهم که نگذارند اسلحه من بر زمین بماند. از خواهرانم می‌خواهم که حجابش [آن] را کاملاً حفظ نمایند و در تقویت ایمانشان<sup>4</sup> بکوشند.

ای پدر و مادر و برادرانم و خواهرانم و دوستان عزیزم، همین‌طوری که تا حال در جهت اطاعت از خدا و رسولش (ﷺ) و ائمه اطهار (ع) و ولایت فقیه بودید، همچنان

1- در بالای وصیت آمده است: «وصیت‌نامه مصطفی عزت پناه».

2- بخشی از آیه 43 سوره اعراف. ترجمه: «ستایش خدای را که ما را بر این مقام راهنمایی کرد که اگر هدایت و لطف الهی نبود ما به خود به این مقام راه نمی‌یافتیم».

3- ر.ک. تعلیقات.

4- در اصل وصیت «ایمانش».

به راه خود ادامه دهید که سعادت دنیوی و اخروی شما در این اطاعت‌هاست.  
پدر و مادرم، اگر من شهید شدم که بدانید راه امام حسین (7) را رفتم، راه  
علی اکبر<sup>1</sup> (7) و علی اصغر<sup>2</sup> (7) را رفته‌ام، راه ابوالفضل (7) را رفتم. راه بهشتی<sup>3</sup>،  
رجائی<sup>4</sup>، باهنر<sup>5</sup>، مطهری<sup>6</sup> و راه تمام شهیدان صدر اسلام تاکنون را رفتم. خون من بسیار  
ناقابل است در برابر خون‌های دیگر شهدا، پس به جای گریه بر مزارم لبخند بزنید و برای  
من گریه نکنید برای امام حسین (7) گریه کنید و برای شهیدان پاک و عالیقدر گریه کنید.  
ای کسی که وصیت‌نامه مرا می‌خوانی، به خانواده‌ام توصیه کن که برادر حیدر فرضی به  
مقدار 200 تومان پول پیش من دارد، لطفاً آنها را بردازید.

«من الله توفیق الشهادة»

---

1- ر.ک. تعلیقات.

2- ر.ک. تعلیقات.

3- ر.ک. تعلیقات.

4- ر.ک. تعلیقات.

5- ر.ک. تعلیقات.

6- ر.ک. تعلیقات.



### وصیت نامه مصطفی عزت پناه

الحمد لله الذی هدانا لهذا وما كنا لنهتدی لولا ان هدانا الله خدای را فکرت کرد ای نبی  
 نعمت تابوای ما که است عزیزم در و میرد شفیقتی بی نظیر هر چه خدا امام خمینی بین  
 هدایت ما را فرموده است این بزرگترین نعمت است که بود که خداوند عالم به ما آنرا هدایت فرموده  
 است و الا ما اکثر الشکامی با چشم ایمان داشتیم به مسلمانان بودیم و در نماز  
 ها با خود لب سلامی آنرا با فردایم کردیم که خود خود در نماز است و ملائکه  
 بودند بسیار که در این مقام و قدس بقیه میوه آمد امام خمینی و آن روزی  
 ظاهر بجز این که آن روز داشتیم به خدمت امام پرسم و به واسطه فقر و در  
 خدمت امر وقت است و این هر دینی دادیم و خود را با شایسته است و وقت است ای آن  
 شهیدیم در و در خانه اعظم امام خمینی و سلام بر است و است و است و است و است

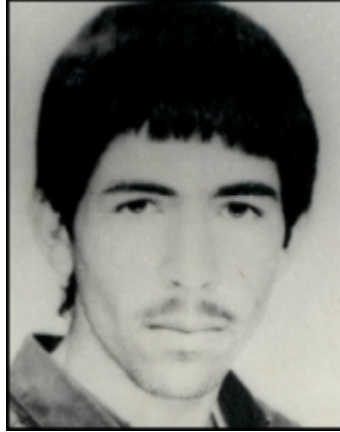
و امام دکنیه و ممانعت امین و متعهد و در خط امام به فائده ده ام توصیف می کنیم که امام را  
 بشناسند و قدرش را بداند به ما درم توصیف می کنیم که بعضی <sup>بعضی</sup> لجنه پیروزی در نزد او است  
 به معروف و نهی نکرده اند و فراموش نکرده اند که ما درام می خواهیم که نگذارند از این اسلحه ها  
 نیز زمین بجایند. از شما امراتم می خواهم که جیایش را کاملاً حفظ نماید و بر تقویت  
 ایستاق بگذرد ای پدر و مادر و برادرانم و خواهرانم و دوستان عزیزم. بعضی طورها که تا  
 حال در جهت اطاعت از خدا و رسولش و ائمه اطهار و ولایت متعین بودید و در همینای به راه  
 خود ادامه دهید که سعادت.

بنگاه در اینجا <sup>بعضی</sup> اقامتگاه است. پدر و مادر و امراضی شنیده شدیم جوانی که راه امام حسین  
 را در رفتیم. راه علی اکبر و علی اصغر را رفته امام راه ابو الفضل را رفتیم راه  
 بهشتی را رفتیم و با هزار مطهری و راه تمام شهیدان صدر اسلام تا کعبه را رفتیم  
 خونها بسیار تا محال است در برابر <sup>بعضی</sup> خوشیای دیگر بشود. پس به جای

گویی بر منترم گنجند بزنید و برای من گویید بکنید برای امام حسین <sup>بعضی</sup> گویید  
 گویید و برای شهیدان پاک و عالیقدر گویید که کسی که وقت نامش را می خوانی  
 به ما درام توصیف می کند که برادر من <sup>بعضی</sup> ۲۰۰ تومان پول پیش می دارد.

لله اعلم بالصواب  
 مصطفی دکنیه

نام: نجف  
نام خانوادگی: عزیززاده  
نام پدر: دراب  
نام مادر: فاطمه  
تاریخ تولد: نهم مهر 1347  
محل تولد: روستای زنجیره سفلا از توابع شهرستان  
شیروان و چرداول  
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: بیست و سوم شهریور 1365  
محل شهادت: چنگوله  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای امامزاده قاسم شهرستان زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ا قدر این نعمت‌ها را بدانید.
- ا من در رکاب مجاهدان و رودروی قایلیان زمان، ایمان خویش را به آزمون گذاشته تا اگر دوست لایق بدانند این جان عاریت را بدو سپارم.
- ا عشق به شهادت و امام حسین (7) بزرگ‌ترین افتخار هر مؤمن و مسلمان ایران شده است.
- ا فراموش نکنید که قرآن کلام خدا و دستوری [برای] رزمندگان ماست.
- ا ندای «هل من ناصر» حسینی امام عزیزمان را پاسخ گوید.
- ا اسلام عزیز را با رهبری پیامبرگونه امام خمینی از خطر دشمنان محفوظ نگهدارید و حافظ خون شهیدان و انقلاب اسلامی باشید.

## نجف عزیززاده

### بسم الله الرحمن الرحيم

[حمد و سپاس خداوند] را که آدم را مسجود ملائک قرار داد و سلام و درود خداوند بر انبیا و اولیا خصوصاً حضرت محمد (6) که حلقه زنجیره نبوت را به ولایت پیوند زد و سلام و تحیت نثار همه اسرا<sup>1</sup> و آزادگان که با تاسی به ائمه معصومین (:) پوینده حقیقت، معرفت و لقا پروردگار خویش اند. سپاس و ستایش خداوند را که فرصت و موقعیتی فراهم شد تا حقیری چون من در رکاب مجاهدان و رودروی قایلیان<sup>2</sup> زمان، ایمان خویش را به آزمون<sup>3</sup> گذاشته تا اگر دوست لایق بدانم این جان عاریت را بدو سپارم. برادر و خواهر، پدر و مادر، بر خود ببالید که در دیار کشوری زندگی می کنید که عطر ولایت و شمیم دل انگیز شهادت دشت ها و سرزمین سرخ ایرانی را در بر گرفته و عشق به شهادت و امام حسین (7) بزرگترین افتخار هر مؤمن و مسلمان ایران شده است. قدر این نعمت ها را بدانید و فرزندان خود را آن گونه تربیت کنید که در سفر زندگانشان به سوی ابدیت طریق هدایت را با آگاهی و دانایی یافته و چراغ علم و معرفت را هموار [ه] روشن نگه دارند.

پدر و مادر عزیزم، امیدوارم که توانسته باشم برای شما فرزند خوبی بوده باشم. مرا ببخشید و بدانید که خداوند با صابران است.<sup>4</sup> برادران و خواهران خوبم، فراموش نکنید که قرآن کلام خدا و دستوری [برای] رزمندگان ماست، پس [با] خواندن و عمل کردن به آن خود و جامعه را پاکیزه نگهدارید به ندای «هل من ناصر»<sup>5</sup> حسینی امام عزیزمان را پاسخ گوید و اسلام عزیز را با رهبری پیامبرگونه امام خمینی از خطر دشمنان محفوظ نگهدارید و حافظ خون شهیدان و انقلاب اسلامی باشید.

«والسلام من الله التوفیق»

تاریخ 64/4/24 نجف عزیز زاده

1- در اصل وصیت «اصرا».

2- ر.ک. تعلیقات.

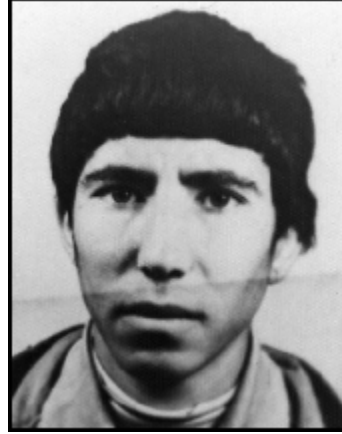
3- در اصل وصیت «آموزن».

4- ترجمه بخشی از آیه 153 سوره بقره، «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ».

5- ر.ک. تعلیقات.



نام: رشید  
نام خانوادگی: عزیزی  
نام پدر: شهباز  
نام مادر: گل نازار  
تاریخ تولد: سال 1344  
محل تولد: روستای آسمان آباد از توابع  
شهرستان شیروان و چرداول  
تحصیلات: بی سواد  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: پنجم فروردین 1363  
محل شهادت: تلکاب گیلانغرب  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای روستای کلی کلی  
شهرستان زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ حسین ( 7 ) نیز برای احیای دین قیام کرد.
- ۱ من هم به فرمان رهبر عزیزمان برای احیای دین اسلام با دیگر برادرانم پیش رفتم.
- ۱ فامیلانم را طوری ارشاد نمایید که برای اسلام و جامعه مفید باشند.
- ۱ فقط پشتیبان امام و روحانیت و اسلام عزیز باشند.
- ۱ همان لحظه که خواستم به جبهه بروم بخوبی خوب من فهمیدم که نهایی جز شهادت در انتظارم نبود.
- ۱ دفاع از حق و حقیقت را بر سکوت بر سازش با دشمن ترجیح دادم.

رشید عزیزی<sup>1</sup>

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم<sup>2</sup> رب الشهداء و الصديقين

[پدر و مادر]<sup>3</sup> مهربانم که در عرض 17 سال تمام زحمات بسیاری برای بزرگ کردن من کشیده‌اید، افسوس که نتوانستم این همه خوبی‌ها را جبران کنم ولی به‌خواست فرصتی پیش آمد که به یاری خدا بروم و در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل به جنگ پردازم و از یاران حسین (7) باشم. زیرا حسین (7) نیز برای احیای دین قیام کرد و من هم به فرمان رهبر عزیزمان برای احیای دین اسلام با دیگر برادرانم پیش رفتم و اگر چنانچه لیاقت داشتم که شهید بشوم، اگر می‌خواهید یاد شهیدان و من زنده بماند، امیدوارم برادرانم و فامیلانم را طوری ارشاد نمایید که برای اسلام و جامعه مفید باشند و راه من را کاملاً ادامه بدهند و فقط پشتیبان امام و روحانیت و اسلام عزیز باشند. مادر عزیزم، امیدوارم برای من ناراحت نباشید و برایم گریه نکنید. فقط بر سر مزارم همیشه سوره حمد بخوانید تا کنید شادم، گرچه من از دیدار مادر عزیز ناپیدا هستم ولی زنده‌ام. مادر، اگر خوب فکر کنید من از حسینی‌ها<sup>4</sup>، رجائی‌ها<sup>5</sup> و باهنر<sup>6</sup>ها و مطهری<sup>7</sup>ها بهتر نیستم و همان لحظه که خواستم به جبهه بروم بخوبی خوب من فهمیدم که نهایی جز شهادت در انتظارم نبود و من دوران 17 سال عمر خودم را با درس خواندن و ادامه زندگی صرف نمودم و بعد در راه خدا و اسلام عزیز مهاجرت نمودم و از جان و مال و مادر و برادران و خواهران خردسالم چشم پوشیدم و دفاع از حق و حقیقت را بر سکوت بر سازش با دشمن ترجیح دادم.

1- در بالای وصیت تاییی آمده است: «وصیت‌نامه برادر شهیدمان جوان ناکام 17 ساله رشید عزیزی».

2- در اصل وصیت تاییی: «بسمه».

3- خوانا نیست. اما به سیاق کلام باید «پدر و مادر» باشد.

4- ر.ک. تعلیقات.

5- ر.ک. تعلیقات.

6- ر.ک. تعلیقات.

7- ر.ک. تعلیقات.

بِسْمِ رَبِّ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَالصَّلٰوةُ وَالصَّلٰوةُ



مجلس از هیئت امامت بمسأله شهدای جوان ناکام ۱۷ ساله عهد عزیز

مرکز اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

کشیده آمد انیسوی که بقوانتم این همه خوبیها را جوان گم‌بلیس به خواست فرستای پیش آنست که به یازن خدا بسوزد و در جیبه های تپید حسن طریقه بانظیل به جلد ببرد از و از یاران همین (ح) با هم زیرا همین (ع) نیز جوان احمای دین تمام کرد و من شوم به فرستادن رهبر عزیزمان ن برای احمای دین اسلام با دیگر سرداران پیش‌قدم و اگر چنانچه لیاقت داشتیم که شهید بشویم اگر میخواستید بدان شهدایان و من زنده به ما هم امیدوارم که بمسأله ما را بسوزی ارشاد نماید که برای اسلام و جامعه مفید باشد و راه من را گام آدانه بدیند و افتاد.

بشهران اسلام و روحانیت و اسلام عزیز با شکر صادر عزیزم امیدوارم برای من نجات

بشهران و اسلام گوییم تکبیر گفتایر بر سر من از همیشه سوره حمد بخوانید —

تا کهید شام گر به من از دیدار صادر عزیز با پیدا شمع بلیس زنده ام صادر اگر خوب فکر کنید من از حسنیهها و چشاییها و ما عترت ما و مطهریهها بهتر هستیم و همان لحظه که خواستیم به جیبه بسوزیم بخوس خوب من فیحدم که نهایتی جز شهادت در انظارم نبود و در دوران ۱۷ سال صبر خودم را با دوس خواندی و ادامه زندگس صرف نمودم و بعد از راه خدا و اسلام عزیز مهاجرت نمودم و از جان و مال و صادر و بگزاران و خواهران خرد سالم چشم پوشیدم و برای دفاع از حق و حقیقت و سکوت بر ساروفیها دشمن ترجیح دادم \*



نام: کرم الله  
نام خانوادگی: عزیزی  
نام پدر: ولی خان  
نام مادر: نورمحل  
تاریخ تولد: چهارم فروردین 1342  
محل تولد: روستای چم کبود از توابع شهرستان آبدانان  
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: بیست و نهم خرداد 1367  
محل شهادت: مهران  
نحوه شهادت: اصابت گلوله  
مزار: گلزار شهدای شهرستان زادگاهش



## عبارت های کلیدی

- ا امیدوارم با اهدای خون ناچیز خود موجب افتخار و سربلندی شما بشوم.
- ا عوض اینکه برایم گریه و زاری کنید، با تلاوت مبارک قران مزارم را جلوه دهید.
- ا بنده با میل و اراده خود راه شهادت را برگزیدم و به این افتخار می کنم.
- ا لحظه ای امام عزیز را تنها نگذارند.
- ا در جنگ و جهاد مقاوم و پایدار باشند.
- ا مبدا جریان امام حسین (7) در کوفه تکرار شود.
- ا تا حدی که امکان، توان و نیرو دارید جبهه ها را یاری کنید.
- ا هم در پشت جبهه و هم در جبهه مقاوم باشید.
- ا از نظر بنده دشمنان داخلی خیلی خطرناک تر از دشمنان خارجی هستند.
- ا دشمنان داخلی ناشناخته اند و هر لحظه امکان ضربه زدن به اسلام دارند.
- ا باید هشیار باشیم و آنها را بشناسیم و حرکات آنها را زیر نظر داشته باشیم.

## کرم‌الله عزیز

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«وَالْعَصْرُ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَّصَوْا  
بِالصَّبْرِ»<sup>1</sup>

«قسم به عصر، به درستی که انسان هر آینه در زیانکاری است، مگر آنان که ایمان آوردند کردند کارهای شایسته وصیت به یکدیگر نمودند به راستی وصیت نمودند شکیبایی».

با سلام و درود فراوان به پیشگاه ولی عصر (عج) و نایب برحقش<sup>2</sup> امام خمینی و پیروان حسین (7) وصیتم را شروع می‌کنم. خدمت مادر مهربانم و برادران عزیزم و خواهران بسیار مهربانم سلام عرض می‌کنم و امیدوارم که در زندگی خودتان موفق و سرافراز بوده باشید و مادر بزرگوار مرا به بزرگی خودتان ببخشید از اینکه برای بزرگ کردن من رنج و زحمات فراوانی کشیدید و بنده حقیر نتوانستم جبران و سعی و کوششم را بنمایم و از خدا طلب آموزش گناهانم را بنمایید و از خداوند بزرگ امیدوارم با اهدای خون ناچیز خود موجب افتخار و سربلندی شما بشوم و تنها خواهش من از شما این است که از بابت شهادت اگر خداوند نصیب کرد نگران و ناراحت نباشید و عوض اینکه برایم گریه و زاری کنید، با تلاوت مبارک قران مزارم را جلوه دهید، تا دیگر خانواده‌ها از شما سرمشق زندگی و صبر و حوصله در راه خدا بگیرند و چون بنده با میل و اراده خود راه شهادت را برگزیدم و به این افتخار می‌کنم. از برادران و خواهران این تقاضا [را] دارم که لحظه‌ای امام عزیز را تنها نگذارند و در جنگ و جهاد مقاوم و پایدار باشند و مبادا جریان امام حسین (7) در کوفه<sup>3</sup> تکرار شود که حسین (7) مظلوم را تنها گذاشتند و چون حسین (7) راه خدا و رسولش را پیشه کرده بود پیروز شد [...] <sup>4</sup> دست ماها سپرد و به

1- سوره عصر. در اصل وصیت «اللذین»، «بلحق»، «بصبر» آمده است.

2- در اصل وصیت «بحقش».

3- رک. تعلیقات.

4- خوانا نیست.

یاری خدا و رهبری قاطع امام بزرگوار، الان هم اسلام پایدار و استوار است، اگر امام را بیش از پیش یاری کنید، چون همین یاری شما ملت زجرکشیده بوده که اسلام [را]<sup>1</sup> دوباره به دست آمد و نباید یک شخص مسلمان به رسالتی که انبیاء بر دوش او گذاشته و مسئولیتی بسیار سنگین است سهل انگاری کند که خدای نخواستہ موجب خشم خدا و رسول و پیروان او شود و بنده کوچک‌تر از آنم که شما را نصیحت کنم و اما این وظیفه ما است که بر این وصیت تذکر دهیم و تا حدی که امکان، توان و نیرو دارید جبهه‌ها را یاری کنید، هم در پشت جبهه و هم در جبهه مقاوم باشید و از نظر بنده دشمنان داخلی خیلی خطرناک‌تر از دشمنان خارجی هستند. به این دلیل ما الان می‌دانیم عراق با ما دشمن است و او را سرکوب می‌کنیم، اما دشمنان داخلی ناشناخته‌اند و هر لحظه امکان ضربه زدن به اسلام دارند. باید هشیار باشیم و آنها را بشناسیم و حرکات آنها را زیر نظر داشته باشیم و باز در پایان از بستگانم این خواهش [را] دارم که امام را دعا کنند و از خداوند درخواست کنند که گناهان من حقیر را هم به پاس احترام این ابرمرد جهان ببخشد.

و اگر خدا را در نظر بیاورید، نباید به خانواده‌ام کوچک‌ترین اذیتی کنید و عیالم را تا آخر که خود راضی است بالای سر بچه‌هایم به حال خود بگذارند و بنده هیچی هم ندارم از زندگی، فقط هر چه هست ظاهر است و اختیار آن را دست همسرم داده‌ام و کسی حق دخالت ندارد و این چند کلمه محض امانت به شما می‌باشد. به خاطر بچه‌هایم که به دست مادرشان پرورش یابند.

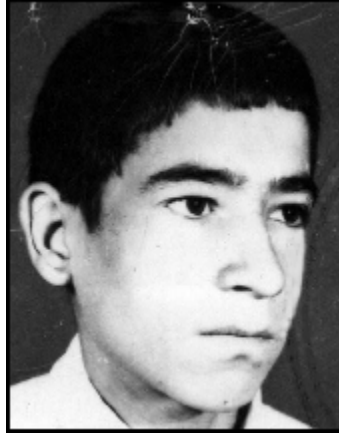
«و [ال]سلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

نوشته بنده کرم الله عزیزی در تاریخ 64/1/7





نام: ماشاالله  
نام خانوادگی: عزیزی  
نام پدر: علی قدم  
نام مادر: آغابانو  
تاریخ تولد: یکم تیر 1351  
محل تولد: روستای هلیوه از توابع شهرستان آبدانان  
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: بیست و سوم اسفند 1366  
محل شهادت: شاخ شمیران عراق  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ا پدر عزیزم و مادر گرامی، اگر شنیدید که فرزندان شهید شده، افتخار کنید.
- ا هیچ موقع به یاد من گریه نکنید و اگر گریه کردید به یاد ابا عبدالله الحسین (7) گریه کنید.
- ا به فکر مستضعفین و محرومین باشید.
- ا دنیا را زندگی جاوید خود قرار مدهید.
- ا اگر تمام جان و مال خود را از دست بدهیم، باز هم پیروزیم زیرا ما خدا را داریم.
- ا خدا یاور ما و تمام مردم شهید پرور است.
- ا ای امام، ما به گفته شما لبیک گفته‌ایم و حرف شما را در گوش خود قرار داده‌ایم.
- ا به ندای تو آمده‌ایم و جان را در کف دست قرار نهادیم.
- ا این راهی که من رفته‌ام بهترین راه می‌باشد.
- ا جهاد در راه خدا و دین خدا می‌باشد.

## ماشالله عزیزی<sup>1</sup>

بسم الله الرحمن الرحيم

«وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَّا تَكُونَ فِتْنَةً»<sup>2</sup>

جنگ جنگ تا رفع فتنه در جهان.

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ»<sup>3</sup>

«ای کسانی که ایمان آوردید فکر نکنید که کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند مرده‌اند بلکه زنده‌اند و پیش خدای خود روزی می‌گیرند»

با سلام و درود فراوان بر منجی عالم بشریت و امام زمان (عج) و همچنین نایب برحقش امام خمینی و با سلام و درود بیکران بر ملت شهیدپرور در ایران و خانواده‌های معظم شهدا.

سلام به تو ای پدر و مادر مهربان که فرزندی با اخلاق اسلامی بزرگ کردی و آن را هدیه اسلام کردید. پدر عزیزم و مادر گرامی، اگر شنیدید که فرزندان شهید شده، افتخار کنید و بر این افتخار بوسه بزنید و هیچ موقع به یاد من گریه نکنید و اگر گریه کردید به یاد ابا عبدالله الحسین (7) گریه کنید و از پوشیدن سیاه<sup>4</sup> خودداری نمایید برای من گریه نکنید، چون امام شما برای فرزند عزیزش گریه نکرد و از خداوند بزرگ آرزو دارم که به شما صبر و پاداش بدهد. پدر و مادر عزیزم و قوم و فامیل‌ها، همواره به یاد ضعیفان و درماندگان<sup>5</sup> باشید، به فکر مستضعفین و محرومین باشید، همواره ملامت و ملامتگزار نباشید، دنیا را زندگی جاوید خود قرار مدهید<sup>6</sup>، به یاد و دلسوز یتیمان باشید یتیمان را

1- در بالای وصیت آمده است: «65/10/5».

2- بخشی از آیه 193 سوره بقره.

3- آل عمران/ 169.

4- ر.ک. تعلیقات.

5- در اصل وصیت «درمانگان».

6- در اصل وصیت «بدهید».

دلنوازی و با آنان مهربان رفتار نمایید. ای پدر و مادر بزرگوارم، از شما می‌خواهم که این گفته شهید در راه خدا را در گوش بگیرید که شما عزیزان مدیون روز قیامت هستید که با همسر و فرزندم به خوشی رفتار نمایید و نگذارید هیچ‌گونه ناراحتی در دل داشته باشند. آنان را کمک کنید از<sup>1</sup> همه لحاظ که باشد، همسر عزیزم، اگر ناراحتی از من داشته‌ای خلاصه مرا ببخشید چون که به خاطر اسلام و حفظ دین بوده است. همواره از فرزندم میثم مواظبت کن و نگذارید ناراحتی داشته باشد، چون که پدرش [را] در راه خدا از دست داده و او فرزند اسلام بوده که پدر را از دست داد. پیام به منافقین<sup>2</sup> ضد اسلام که اعلام می‌دارم شماهایی که از کفار بدتر هستید، بدانید که به امید خدا رفتنی هستید و اگر پیکر پاک مرا در تابوت<sup>3</sup> می‌بینید، جان بکنید و غصه بخورید چون که هر شهیدی که می‌رود تمامی شما لعنت و نابود خواهید شد، صورت شما سیاه خواهد شد و در نزد خدا و ملت مبارز ایران روسیاه خواهید شد، ولی ملت مبارز ایران با از دست دادن یک شهید پیروز خواهند شد و ما اگر تمام جان و مال خود را از دست بدهیم، باز هم پیروزیم، زیرا ما خدا را داریم و هیچ کس از سر خود نمی‌تواند کاری کند. خدا یاور ما و تمام مردم شهیدپرور است. پدر بزرگوارم مرا ببخشید و حلالم کنید. مواظب همسر و فرزندم باشید.

### ماشاءالله عزیزی

ای امام بزرگوار، شما با دادن یک فرزند عزیز و بزرگوار افتخار کردید ما همه فرزند تو هستیم. ای امام عزیز، من شرمنده روی شما هستم که اگر من می‌توانستم تمام جان و مال خود را در راه خدا و اسلام تو از دست دهم ولی متأسفانه یک جان که داشتم در راه اسلام و دین خدا از دست داده‌ام. ای امام، ما به گفته شما لبیک گفته‌ایم و حرف شما را در گوش خود قرار داده‌ایم و به ندای تو آمده‌ایم و جان را در کف دست قرار نهادیم.

1- در اصل وصیت «در».

2- ر.ک. تعلیقات.

3- در اصل وصیت «طابوت».



ای برادر عزیزم، آقای محمد عزیزی از تو می‌خواهم که وقتی به سن قانونی رسیدی تو هم مثل من به جبهه‌ها بیاید و راه مرا ادامه دهید و شهید شوی، تا در آینده سهمی در این جمهوری اسلامی داشته باشیم و بقیه قوم و فامیل‌هایت را دعوت بکنید تا راه مرا ادامه و به جبهه‌ها بیایند. ای برادر، شما می‌توانید در آینده بعد از من با همسر من عروسی کنید و بچه و زن مرا تحویل بگیرید و خوب از آنان مواظبت کنید و این گفته، باشد، تا یک سال بعد از من. برادر از طرف خدا مسئول و مأمورید که به مهربانی و دلسوزی و مثل من حقیر از آنان حفاظت نمایید همان‌طوری که من به مهربانی و دلسوزی با پدر و مادر و همسر و فرزندم مهربانی کردم و آنان را نوازش می‌دادم شما هم مثل من باشید. این وصیت را بشنو و عمل کنید. در ضمن وصیت می‌کنم که قبر مرا پهلوی مرحوم عمه فاطمه عزیزی بگذارید تا در جهان آخرت با او هم‌نشین باشم.

ای پدر و مادر عزیزم، شما هیچ‌گونه بدرفتاری به کلیه فامیل‌ها و قوم‌ها نکنید و هر کدام از آنان از من ناراحتی دارند، طلب بخشیدن از آنان بخواهید و بگویید که این شهید را ببخشید و این راهی که من رفته‌ام بهترین راه می‌باشد، چون جهاد در راه خدا و دین خدا می‌باشد هیچ‌گونه ناراحت نباشید و برای من سیاه نپوشید<sup>1</sup>. اگر کسی می‌خواست در موقعی که من شهید شدم عروسی کند، بعد از چهل‌مین روز عروسی کند. دیگر عرضی ندارم.

حلال<sup>2</sup> کنید و باید ببخشید که خداحافظی از شما نکردم مادرم [...]<sup>3</sup>

1- ر.ک. تعلیقات.

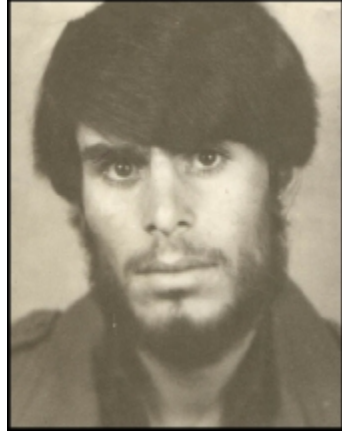
2- در اصل وصیت «هلال».

3- خوانا نیست. ذیل صفحه اول وصیت‌نامه آمده است «پدر بزرگوارم، مرا ببخشید و هلالم کنید مواظب همسر و فرزندم [باشید] ماشاءالله عزیزی».





نام: نجات  
نام خانوادگی: عزیزی  
نام پدر: داراب  
نام مادر: فردوس  
تاریخ تولد: دوم شهریور 1342  
محل تولد: روستای حاج بختیار از توابع شهرستان ایلام  
تحصیلات: دوره کاردانی  
ارگان اعزام کننده: ارتش  
تاریخ شهادت: چهارم فروردین 1363  
محل شهادت: شاخ شمیران عراق  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ | مادرم مبادا در مرگم گریه کنی.
- ۱ | مادرم لیلاگونه صبور و بردبار باش.
- ۱ | خواهرانم بعد از شهادت من زینب‌گونه صبر و استقامت به خرج دهید.
- ۱ | امیدوارم خداوند اگر افتخار شهادت نصیبم شد، این مصیبت را بر شما آسان گرداند.
- ۱ | مادرم علی اکبر (7) را به یاد بیاور که خون من از او رنگین تر نیست.
- ۱ | مگر قرار نیست که انسان بمیرد، پس چه بهتر که در سنگر توحید بمیرد.

## نجات عزیزی

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم رب الشهداء و الصديقين

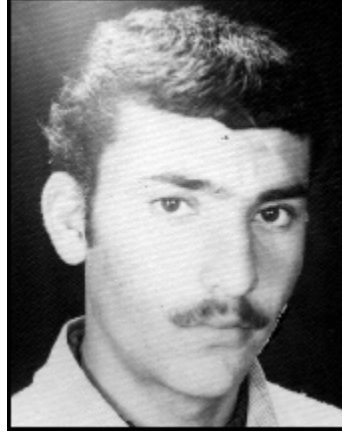
به نام الله یگانه پاسدار حرمت خون شهیدان.

با درود به پیشگاه مقدس یگانه منجی عالم بشریت حضرت ولی عصر (عج) و نایب برحقش امام امت و امت شهیدپرور قهرمان و با سلام خدمت مادر گرامی و مهربانم و با سلام به کلیه برادران و خواهران و همه اقوام و خویشان و اما مادرم، درست است که غم از دست دادن فرزندی سخت است، ولی مبادا در مرگم گریه کنی و ناراحت شوی بلکه لیلاً<sup>1</sup> گونه صبور و بردبار باش و بر خدا توکل کن. مادر عزیزم، امیدوارم زحماتت را بر من ببخشی و از اینکه نتوانستم جبران کنم پوزش می‌طلبم و تقاضای عفو دارم. اما خواهرانم، بعد از شهادت من زینب‌گونه صبر و استقامت به خرج دهید و پیام خونمان را، که همانا دفاع از اسلام و پیروی از فرامین پیامبرگونه امام است، [...] برسانید و شما برادرانم، مگر قرار نیست که انسان بمیرد، پس چه بهتر که در سنگر توحید [بمیرد] و همه شما زحمات من را ببخشید و امیدوارم خداوند خیر دنیا و آخرت را به شما عطا فرماید و اگر افتخار شهادت نصیب شد، این مصیبت را بر شما آسان گرداند، و از قول من از تمام اقوام و خویشان و دوستان حالیت طلب کنید و بگویید برای آمرزش من دعا کند و اگر به شهادت مفتخر گردیدم، پیکرم را در زادگاهم به خاک بسپارید و مادرم، باز هم به شما سفارش می‌کنم که هر گاه بر مزار من می‌آیی، صبور و بردبار باش و برایم طلب مغفرت کن و علی‌اکبر<sup>2</sup> را به یاد بیاور که خون من از او رنگین‌تر نیست و ما از همان مکتب الهام می‌گیریم در پایان همه شما را به خدا بسپارم. به امید پیروزی اسلام بر کفر جهانی پیروزی نهایی رزمندگان اسلام

## نجات عزیزی

1- ر.ک. تعلیقات.

2- ر.ک. تعلیقات.



نام: کریم  
نام خانوادگی: عسگری  
نام پدر: محمد  
نام مادر: گوهر  
تاریخ تولد: ششم دی 1348  
محل تولد: روستای پشت قلعه از توابع شهرستان آبدانان  
تحصیلات: اول متوسطه  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: دوازدهم اسفند 1364  
محل شهادت: مریوان  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای شهرستان زادگاهش

## عبارت‌های کلیدی

- ا عازم جبهه شدم تا بتوانم دین خود را به اسلام و انقلاب اسلامی ادا کرده باشم.
- ا اگر روزی جنازه‌ام به دست شما نرسید، به فکر شهدای کربلا بیفتید.
- ا مادرم، اکنون وقت آن رسیده که همچون زینب (3) راه شهیدان را ادامه دهید.
- ا اگر خواستید عزاداری بگیرید، آن را تجملی نکنید و پول آن را به مناطق جنگ‌زده اختصاص دهید.
- ا بدانید که اگر جز رضای خدا نبود، هیچ نیرویی نمی‌توانست مرا به زور به جنگ بفرستد.
- ا چشمانم را باز بگذارید تا کوردلان بدانند که کورکورانه به راه شهادت نرفتم.
- ا پدر و مادر و خواهر و برادرانم به شما خیلی علاقه داشتیم و دارم ولی این علاقه هرگز مانع بین من و خدا نمی‌شود.
- ا امیدوارم راضی به رضای خدا باشید.

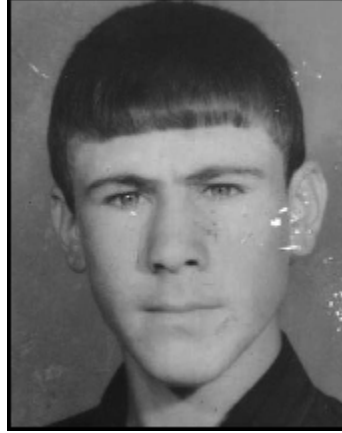
## کریم عسگری

### بسم الله الرحمن الرحيم

من با میل خود و با احساس مسئولیتی که در برابر خون شهیدان می‌کردم، عازم جبهه شدم تا بتوانم دین خود را به اسلام و انقلاب اسلامی ادا کرده باشم، اگر روزی جنازه‌ام به دست شما نرسید، به فکر شهدای کربلا بیفتید و علی اکبر<sup>1</sup> (7) و حسین (7) را یاد کنید و تو ای مادرم، اکنون وقت آن رسیده که همچون زینب (3) راه شهیدان را ادامه دهید و امام را تنها نگذارید. اگر خواستید عزاداری بگیرید، آن را تجملی نکنید و پول آن را به مناطق جنگ‌زده اختصاص دهید. مادر جان، بعد از شنیدن خبر مرگ، من خواهش می‌کنم اشک نریز و به خواهرانم بگو اشک نریزند، زیرا امام بزرگوارمان در شهادت فرزندش اشک نریخت، چون می‌دانست رضای خداوند در این امر می‌باشد.

خانواده گرامی، به خدا بدانید که اگر جز رضای خدا نبود، هیچ نیرویی نمی‌توانست مرا به زور به جنگ بفرستد.

خانواده‌ام بعد از شنیدن خبر شهادتم اشک نریزید و اگر گریه‌تان گرفت برای مظلومیت امام حسین (7) بگیرید و در تشییع جنازه من چشمانم را باز بگذارید تا کوردلان بدانند که کورکورانه به راه شهادت نرفتم و دستانم را باز بگذارید تا راحت طلبان دنیاپرست ببینند که چیزی با خود به آن دنیا نمی‌برم، مشتم را گره کنید تا کافران بدانند که جسم بی‌جانم نیز نخواهد گذاشت حتی لحظه‌ای به خود آرامش ببینند. پدر و مادر و خواهر و برادرانم به شما خیلی علاقه داشتم و دارم ولی این علاقه هرگز مانع بین من و خدا نمی‌شود، پس شما را به خدا سپردم و امیدوارم راضی به رضای خدا باشید.



نام: مجتبی  
نام خانوادگی: عسگری نیا  
نام پدر: منصور  
نام مادر: مهری  
تاریخ تولد: یکم فروردین 1347  
محل تولد: شهرستان مهران  
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: یکم تیر 1366  
محل شهادت: کردستان عراق  
نحوه شهادت: -  
مزار: گلزار شهدای بخش صالح آباد از توابع زادگاهش

## عبارت‌های کلیدی

- ۱ جبهه‌ها را خالی نگذارید.
- ۱ خداوندا، تو خود شاهی که برای رضای تو خانه و آشیانه را رها کرده و راهی سفری می شوم.
- ۱ خدایا، مرا هیچ‌گاه به حال خودم وانگذار.
- ۱ آنقدر به درگاہت می‌نالم تا آنکه تو مرا به آرزویم، که شهادت در راه تو است، به من عنایت کنی.
- ۱ اما شما ای دوستان، می‌دانید که شهدا به راه خطایی نرفتند.
- ۱ شهدا می‌خواستند به دشمن ثابت نمایند که جوانان این مملکت مرگ را استقبال می‌کنند و از دینشان دفاع می‌کنند.
- ۱ ای عزیزان، جبهه‌ها را خالی نگذارید.
- ۱ به جبهه‌ها بروید که فردا دیر است.
- ۱ مادر جان، زینب (3) را به یاد بیاور و صحرای کربلا را از دیدگانت بگذران.
- ۱ از خواهرانم می‌خواهم که در مرگ من ناراحت نشوند و با حجاب خود سیلی محکمی به گوش منافقان از خدا بی‌خبر بزنند.



## مجتبی عسگری نیا<sup>1</sup>

### بسم الله الرحمن الرحيم

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرَزِّقُونَ»<sup>2</sup>

خداوندا، از باری که روی دوشم سنگینی می‌کند و حاکی از گناه و دوری از تو بوده، بگذر و مرا تا آنجایی که برایت امکان‌پذیر باشد بیامرزد. خداوندا، تو خود شاهدی که برای رضای تو خانه و آشیانه را رها کرده و راهی سفری می‌شوم که تا در آنجا بیشتر به تو نزدیک شوم. می‌خواهم آن‌چنان باشم که رضای تو مرا هیچ‌گاه به حال خودم وانگذارد و دلم را آنچنان مشتاق دیدارت کند که لحظه‌های هجرانت را مانند آن بدانم که دیگر حال انسانیت را در خود فراموش نمایم. خداوندا، خودت می‌دانی که از آن روزی که «پیر حسینی»<sup>3</sup> را احساس نمودم و دانستم که او حسین دیگری است که طلوعش را برای همیشه در کشور ما نورانی کرده‌ای، خود را شناختم و هدف خود را در این دنیا جز چند صباحی زندگی کردن نیافتم و دنیا و آخرت را سنجیدم و تصمیم گرفتم قلبی را که تا مدتی در این دنیا به‌وسیله مقداری هوا در حال کار است آن‌چنان در راه تو آن را به کار ببرم تا آن‌گاه تو [...]»<sup>4</sup> انسانیت مرا به آرزوی دیرینه‌ام برسانی. خداوندا، از تو می‌خواهم که این بنده حقیرت را منت گذارده و به من مرگی را که خواهان آن هستم عنایت بفرمایی. مرگی با عزت، همان مرگی که به قاسم<sup>5</sup> (7) و علی‌اکبر<sup>6</sup> حسین (7) عنایت کردی. الهی، تو خود می‌دانی که پناهی جز تو ندارم. پس آن‌قدر به درگاهت می‌نالم تا آنکه تو مرا به آرزویم، که شهادت در راه تو است، به من عنایت کنی.

1- در بالای وصیت آمده است: «وصیت‌نامه شهید مجتبی عسگری نیا».

2- آل‌عمران/169. «البته میندازید آنان که در راه خدا کشته شده‌اند مردانند، بلکه زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی می‌خورند».

3- غرض از پیر حسینی «حضرت امام خمینی» است.

4- خوانا نیست.

5- ر.ک. تعلیقات.

6- ر.ک. تعلیقات.

اما شما ای دوستان، می دانید که شهدا به راه خطایی نرفتند جز اینکه می خواستند به دشمن ثابت نمایند که جوانان این مملکت مرگ را استقبال می کنند و از دینشان دفاع می کنند. پس ای عزیزان، جبهه ها را خالی نگذارید و به جبهه ها بروید که فردا دیر است. اما تو ای مادر، ای مادری که روز و شبت را از هم در نیاوردی و همیشه به فکر جگرگوشه ات بودی، که مبادا به دام لطمه ها بیفتد، می دانم که هرگاه جایی از بدنم به دست درد می افتاد، ناله ات بلند می شد و هزاران ناراحتی دیگر را می کشیدی. مادر جان، عاطفه فرزندی دشوار است و می دانم بعد از مرگ من ناراحت می شوی و زمین و زمان را سیاه می بینی، اما ای مادر مگر نمی دانی زینب (3) صاحب 72 تن شهید بود. حسینش، اکبرش، اصغرش، قاسمش و ... را از دست داد، اما صبر کرد. مادر جان، زینب (3) را به یاد بیاور و صحرای کربلا را از دیدگانت بگذران. صبور باش، استوار باش که صبر دشمن را سر به زیر می کند و این بهترین خدمتی است که تو می توانی به من بکنی و اما تو ای پدر عزیزم گرچه نتوانستم حق فرزندی را ادا نمایم، اما تو خود مرا به بزرگی ات ببخش و حلالم کن. از خواهرانم می خواهم که در مرگ من ناراحت نشوند و با حجاب خود سیلی محکمی به گوش منافقان<sup>1</sup> از خدا بی خبر بزنند. همچنین از برادرانم می خواهم که مرا ببخشند. دیگر عرضی ندارم. خداحافظ

مجتبی عسگری نیا

وصیت نامه شهید محمد علی

وَلَا تَقْنَبُوا الَّذِينَ تَابُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأُولَئِكَ فِي عَذَابِهِمْ بُرْهَانٌ

مبارک باد از آنکه بعد از شهادت در راه خدا از گناه و دور از تو بوده بگذرد و مرا تا آنجا

که برایت امکان بود می باشد بیامرد.

خداوند را تو خود شکر می کنی بار خدای تو خانه و اشیای در راه کرده و راجح سوخ و شوم به نام

آنها بیشتر به تو نزدیک شوم. و خولعم آبیان باشم که در راه تو مرا حقیقه سه خاوم

و آنکه از بدلم و آبیان مشتاق دیدار است کند که نظرها هر آنست را مانند آن بیام

که دیگر طال انسانیت را در خود بد او شکر ظلم

خداوند را خودت می دانی که از آن روز که پیوسته را احسا نمودم و دانستم که او حسین دیگر

است که که تو من را برای همیشه در کشور ما توان کرده ای خود را شناستم و عهدت خود را در این

دین بپذیرد صبا می زنده کردن نیا تم و دیبا و آخرت را صبریم و تسبیح تو من که تو را که می دانی

دینا بوسیله مقدار هوا دجال ما راست آبیان در راه تو آن را با کار بدم تا آنکه تو

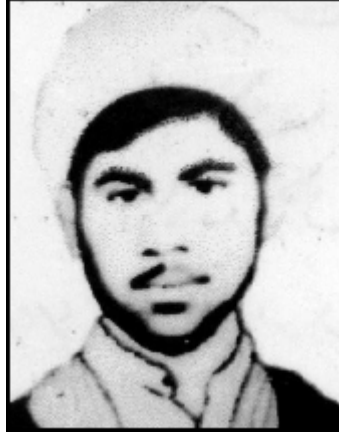
سایه انسانیت مرا به آن روز در جوارم در سای

خداوند از تو می خواهم که بنده حقیرت را منت نداریه و به من بخدا را که خدایان آن هستم

صایت فرمائی موی با عزت خدای موی که نه تا اسم و علی الفرجین صبا است کرده



نام: علی  
نام خانوادگی: عصمت  
نام پدر: امیدعلی  
نام مادر: کبرا  
تاریخ تولد: یکم دی 1346  
محل تولد: شهرستان آبدانان  
تحصیلات: دوم راهنمایی، تحصیلات حوزوی  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: دوازدهم اسفند 1364  
محل شهادت: جزیره مجنون عراق  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای شهرستان زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ا برای کسب علم بکوشید.
- ا در جستجوی علم باشید.
- ا به علم تکیه کنید و به خدا اعتماد.
- ا به‌خاطر دین پرهیزگار و با تقوی و به وظایف خویش عمل کنید.
- ا ای مردم، بدانید من این [جان] را داشتم که در راه خدا هدیه دادم.
- ا فقط معنویات اولی است.
- ا ای جوانان و نوجوانان عزیز، علم زینت است.
- ا از دنیا هرچه می‌خواهید برای سفر به آخرت بردارید که به‌زودی کوچ خواهید کرد و در این کار شتاب کنید که مرگ بدون تردید فرود خواهد آمد.

## علی عصمت

بسم الله الرحمن الرحيم

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَقْوَامًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرَزِّقُونَ»<sup>1</sup>  
«اعوذ بالله من [ال]شیطان الرجیم. بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمین و الصلوة  
و السلام علی محمد و آله الطاهیرین و لعنة الله علی اعدائهم اجمعین»

مادرم، گویا رسول الله (6) مرا فرا می خواند. مادرم، گویا رسول الله (6) [مرا فرا] می خواند. مادرم، گویا رسول الله (6) مرا فرا می خواند. مادرم، می خواهم ثابت کنم که مسلمانم و پیرو خط امام حسین (7) و امام هستم. ای مردم آبدانان، ای کسانی که جنازه مرا بر دوش دارید، به دستان من نگاه کنید که هیچ با خود نبرده ام، به خون ریخته شده ام نگاه کنید. ای مردم، بدانید من این [جان]<sup>2</sup> را داشتم که در راه خدا هدیه دادم، حیف که یک جان داشتم. ای مردم آبدانان، ای کسانی که جنازه من را بر دوش دارید، آیا سنگینی جسمم را حس می کنید که از خاصیت این تنها مزاحمت برای شما مانده است، پس بنابراین فقط معنویات اولی است. ای جوانان و نوجوانان عزیز، علم زینت است، بنابراین برای کسب علم بکوشید. تا زمانی که می توانید بهره بگیرید. در جستجوی علم باشید، به علم تکیه کنید و به خدا اعتماد. جوانمرد باشید [و] به خاطر دین پرهیزگار و با تقوی و به وظایف خویش عمل کنید. علم را غنیمت شمارید و در کارها دقیق باشید. ای مردم، بدانید دنیا یا اینکه مانند سایه ای است که تمام می شود و یا مانند مهمانی است که شب می خوابد و کوچ می نماید یا مانند برقی است که در افق آرزو می درخشد. فرض کنید که دنیا مجانی به دست شما برسد، مگر مسیرش مادی نیست به هرچه امید داشته باشی نمی ماند. خیلی زود شبها دنیا را تغییر می دهند. از دنیا هر چه می خواهید [برای]<sup>3</sup> سفر به آخرت بردارید

---

1- آل عمران/ 169. «البته مپندارید کسانی که در راه خدا کشته شده اند مرده اند، بلکه زنده اند و نزد پروردگارشان روزی می خورند».

2- در اصل وصیت «جان» از قلم افتاده است.

3- در اصل وصیت «برای» از قلم افتاده است.

که به زودی کوچ خواهید کرد و در این کار شتاب کنید که مرگ بدون تردید فرود خواهد آمد. بار خدایا، گام و قلب مرا استوار گردان، ای خدای بزرگوار تو برای تکیه‌گاهم کافی هستی.

و بسم الله الرحمن الرحيم

والتصميم والالتزام في مجال العمل والاداءة المستمرة في وقتنا الحاضر

**شهيد**

**علی**

**عصمت**





**وصیت**

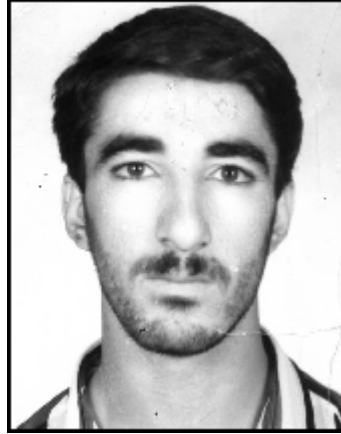
**نامه**

اعوذ بالله من شیطان الرجس بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی من بعدنا وآله الطاهین وأختنا الطاهرة ع

ما دم گویا رسول الله مرا از من خواست ما بادم گویا رسول الله از من خواست ما دم گویا رسول الله مرا خواست ما در من خواهم ثابت گیم که معلما و سر ختیا میبیم حسین و امام هجتم ه ای مردم آروانا ای کس گمانی که جنازه مرا برون ندرید به دستان من نگاه کنید که هیز آتش کوره ای من برون ریخته شد بار نگاه شهید ه ای مردم ای من ایتر و با ختم که در باره خود ایتر و به حینت که بیجان و آتش می برده اند ای ای گمانی که جنازه مرا برون ندرید ه ای سنگینی جسمم ای من ه کجند؟ که از سر حاضریت این تنها مؤمنم برای دنیا با خند با دست من با یزید این فقط مشروبات اولسی است ه ای جوانان و نوجوانان عزیز من وقت انسان است با یزید این به شب عالمم بگوریت ما زمانی که بیتریدیم برون کورید ه در جبهه شروی دلم ناشیده به علم نیکمه کنید و خد اعناده بیتریدیم با من که حاضریت من بود بزارها حقو زید و خد خورش عمل کنید دلم را ختم بر بارید و در آردا د فیک با سید ه ای مردم بدانید دستا با اینکه مانند سایرین زیدت که نظم بو شود با با خند میبا ختمی است که شب من بخوبد ولی من نشاید با خند بر ختمی است که در حق آزومی د و خند فرزند کنید دنیا محاتی بدانیف تنها پرست و مگر سپهرن ما دی لیست هجره امید داشته با ختمی با حق حق با خند خد بفرود ختمها دنیا را تعمیر من ده خد ه از دنیا هر چه می خواهمی سرفریه آمیز برون آید که بزرگی کنی خواهی کرد و د این آرشتاب کنید که درک بدون شرمیت برون طرد هر چه ه از خدا یا کام و قلب ما استوار کرد ان ه ای خدای بزرگوار شهیدان کشته شده گیم و شرمیم



نام: عبدالنبی  
نام خانوادگی: علوانی  
نام پدر: شای  
نام مادر: ماه جبین  
تاریخ تولد: -  
محل تولد: کشور عراق  
تحصیلات: دانشجوی  
ارگان اعزام کننده: -  
تاریخ شهادت: دوم خرداد 1370  
محل شهادت: زادگاهش  
نحوه شهادت: توسط عوامل رژیم بعثی  
مزار: جاویدالانثر



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ دعای مادر مستجاب می‌گردد، امیدوارم مرا دعا کنید که به راه خیر و صلاح بروم.
- ۱ مادرم امیدواری من نسبت به تو مانند امیدی است که عبد به مولایش دارد. انشاءالله تعالی که به حق حرمت فاطمه زهرا (3) بهشتی شوم.
- ۱ هنگامی که شخصاً در خدمت انقلاب اسلامی درآمدم، دوست دارم که شهید شوم و به برادران شهیدم و یاران و اصحاب امام حسین (7) ملحق شوم.

## عبدالنبی علوانی

### بسم الله الرحمن الرحيم

رأس ساعت نیمه شب روز چهارشنبه نوشتم [این وصیت نامه را].

با درود و سلام بر اشرف مخلوقات و پیامبران ابوالقاسم محمد (6):

مادر مهربان و عزیز و زحمت کشم: بعد از بهترین درودها و با شوق فراوان و آرزوی شیرین ترین ایام برای آن مادر و خواهر، شیرین ترین ساعات عمرم را با شما و خواهرم سپری کردم و همچنین با پدر بزرگوار و دوست داشتنی ام. اگر چه فراق و جدایی من بر شما سخت می نماید اما شرایط در جمهوری اسلامی و روزگار بین ما جدایی افکنده است به گونه ای که از شمیم عطر محبت شما دور افتاده ام. مادر عزیزم، اقرار می کنم که تعامل و رفتارم با شما خوب نبوده است. هنگامی که در خدمت شما بودم، تو بهتر از همه فرزندان را می شناسی. شاید از شرایط جنگ و علت خروج من از پیش خودتان چندان مطلع نباشی، هنگامی که شخصاً در خدمت انقلاب اسلامی در آمدم، دوست دارم شهید بشوم و به برادران شهیدم و یاران و اصحاب امام حسین (7) ملحق شوم.

مادر عزیزم: دعای مادر مستجاب می گردد، امیدوارم مرا دعا کنید که به راه خیر و صلاح بروم و در کارهایی که مورد رضای خداوند است موفق باشم. مادر عزیزم خدا شاهد است که همیشه به یاد شما و پدر عزیزم هستم و همیشه ورد زبانم این آیه شریفه است: «خدایا مرا و والدینم را ببخش و بیامرز. مرا که طفلی صغیر و خرد بودم تربیت کردند و بزرگ کردند. خدایا اجر این زحماتشان را منظور بدار و حُسن عاقبت در دنیا و آخرت نصیبشان بگردان»<sup>1</sup> مادرم امیدواری من نسبت به تو مانند امیدی است که عبد به مولایش دارد. انشاءالله تعالی که به حق حرمت فاطمه زهرا (3) بهشتی شوم.

فرزند محتاج و فقیرت

حقیر عبدالنبی علوانی

«با بهترین درودها» 1360/12/15

1- دعای شهید علوانی با فرازهایی از آیه قرآن همراه است. «کما ربیبانی صغیرا» فراز آخر آیه 24 از سوره اسرا است.

1379/10/10

لاكتبت في الليل في تمام الساعة

الثانية يوم الاربعاء

بسم الله الرحمن الرحيم

والصلاة والسلام على ائمة شرف الطهورين عليهما السلام محمد وآله

الحق الامير المكنون والمعلوم

جدا طلب الثبات واكثر الاشياء التي تطلب في الدنيا راحة  
ساعات العمل التي تحصلت معي في تلك الكريمة المملوكة السيد اي الكونه  
كانت فراخي علي صعب ولكن الظرف الاسلاميه لا تسمح لي ان افارق  
هذا الموضع بطرف المملوكة السيد واكنه والدي الغريب صبيح انا مقه  
وانا فظانا في التعامل فقلت اني كنت ابي صفة اني كنت اود  
انما التوبين بين يديك وانت تعرفيني وانا وذكرك امانتم قد  
كنتم لا تعرفوني وانا كنت سرير الاسترايح وانا قد كنت نفسي  
اي هذه الثورة الاسلاميه وكنت اهاب ان يكون سويدي  
فتح الحق باخواني السيداء واحساب الحسن وعمر ابن الغنيمه ان  
دعاء الام مستجاب ما هو نلتك انا تدعي لي بالخير والصلاح  
وانا يؤمن بالله الا مرفهة اي الكونه الله شاهد كنت  
ادعو اليك وتلو العزير الفقير في دنياه وانشأ اقول

والله اعلم بجهنم ووالله اعلم  
ببلي في صغيري واضوي ليلهم  
كما ربي في صغيري وانشأ  
في الدنيا كمنته ودي  
بلا فيه سنه  
يا اي ارجو صلوات رجا  
عبد الحق مولاه فمنا صبي  
بحق فاطمه وسنتي  
ادخل الجنة

ابن الفقير السكين

محمد فقير عطاوي



مع الثبات (شاه وليه)

نام: ناصر  
نام خانوادگی: علوی فیلی  
نام پدر: علی  
نام مادر: جانمه  
تاریخ تولد: چهارم فروردین 1342  
محل تولد: عراق  
تحصیلات: دیپلم  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: سوم مرداد 1367  
محل شهادت: میمک  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: بخش صالح آباد از توابع شهرستان مهران



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ | [امامان معصوم ( :)] خط سرخ تشیع، در طول تاریخ مظلومانه با فدای جان و خون خود درخت تنومند اسلام را آبیاری و محافظت نمودند.
- ۱ | درنگ ما در امروز نه تنها فردای اسارت‌باری را به دنبال دارد، بلکه ننگ و نفرین ابدی را نیز به دنبال خواهد آورد.
- ۱ | بدانید که پایان هر حیاتی مرگ است و سرآغاز هر مرگی حیاتی نوین.
- ۱ | پس چه بهتر حالا که باید به دیدار معشوق برویم با جامه تقوا و خلعت شهادت برویم.
- ۱ | سعی کنید در زندگیتان متقی باشید.
- ۱ | تقوا سپری محکم در برابر گناهان است.
- ۱ | در کارهایتان بر خدا توکل کنید که او شما را کفایت می‌کند.
- ۱ | به دشمنان مجال تفرقه ندهید.
- ۱ | چه بهتر که این از دنیا رفتن به صورت شهادت باشد.
- ۱ | واجبات را حتماً انجام دهید و از محرّمات بپرهیزید.
- ۱ | خداوند انشاءالله همه ما را از رهروان راه حسین ( 7 ) قرار دهد.

## ناصر علوی فیلی<sup>1</sup>

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خداوند منان

«درنگ امروز، فردای اسارت باری را به دنبال دارد». (امام خمینی)<sup>2</sup>  
 بعد از اقرار به وحدانیت خداوند سبحان و حقانیت پیغمبر اکرم (6) و قرآن مجید و امامت حضرت علی (7) و یازده اولاد معصومش (:) و رهبری پیامبرگونه امام امت و ولایت فقیه و خط سرخ تشیع که در طول تاریخ مظلومانه با فدای جان خود و خون خود درخت تنومند اسلام را آبیاری و محافظت نمودند. وصیت‌نامه را شروع می‌کنم. ابتدا با این زبان الکن و قلم ناتوان چند جمله‌ای خطاب به شیفتگان اهل بیت (:) و طهارت بر روی کاغذ می‌آورم، به این امید که همه قلب‌هایمان را به نور قرآن منور گردانیم و راه هدایت یابیم. خداوند منان در قرآن کریم می‌فرماید: «فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا»<sup>3</sup>  
 «مؤمنان باید در راه خدا با آنان که حیات مادی دنیا را بر آخرت گزیدند جهاد کنند و هر کس در جهاد به راه خدا کشته شد یا فاتح گردید زود باشد که او را اجر عظیم (بهشت) دهیم.» در این بُرهه از زمان که ندای «هل من ناصر»<sup>4</sup> حسین زمان به گوش می‌رسد و ما را به ادای تکلیف شرعیمان می‌خواند و در این زمان که اسلام و انقلاب اسلامی از همه سو مورد هجوم همه جانبه دشمنان قسم‌خورده اسلام قرار گرفته و چشم مظلومان جهان به ما دوخته شده است، نشستن در خانه ننگ است و درنگ ما در امروز نه تنها فردای اسارت باری را به دنبال دارد بلکه ننگ و نفرین ابدی را نیز به دنبال خواهد آورد. باید

1- بالای صفحه اول وصیت نوشته شده «وصیت‌نامه بنده خدا ناصر علوی فیلی».

2- صحیفه امام، ج 21، ص 12.

3- نسا/74.

4- ر.ک. تعلیقات.

بدانید که مردم کوفه<sup>1</sup> که این همه مورد نفرین قرار گرفته‌اند، کاری نکردند، جز اینکه در موقع نبرد امامشان را تنها گذاشتند اگر ما در این موقع امام را تنها بگذاریم، سرنوشتی بهتر از آنها نخواهیم داشت بلکه صد برابر هم بدتر. باید بدانید که پایان هر حیاتی مرگ است و سرآغاز هر مرگی حیاتی نوین. «ها از آن خداییم و به سوی او باز خواهیم گشت.»<sup>2</sup> چه بخوایم و چه نخواهیم. پس چه بهتر حالا که باید به دیدار معشوق برویم با جامه تقوا و خلعت شهادت برویم. که چه زیبا ره‌توشه‌ای است. سعی کنید در زندگیتان متقی باشید، که تقوا سپری محکم در برابر گناهان است در کارهایتان بر خدا توکل کنید که او شما را کفایت می‌کند. وحدت و برادری را در بین خود حفظ کنید و به دشمنان مجال تفرقه ندهید. از کلیه کسانی که بر من حقی دارند مخصوصاً دوستان گرامی و عزیزم و اقوام حلالیت می‌طلبم و امیدوارم که مرا ببخشید و حلال کنید از اینکه به دلایلی نتوانستم اسم یک‌یک شما را بنویسم و حلالیت بطلبم معذرت می‌خواهم و امیدوارم که عذر مرا بپذیرید. خداوند همه شما را توفیق خیر عطا کند انشاءالله، و از رهروان حسین (7) گرداند. چند مطلب نیز به عنوان یادآوری برای شما خانواده عزیزم می‌نویسم البته شما خود به مسائل آگاهید و این مطلب فقط یادآوری است. پدر جان پدر گرامی می‌دانم که برای من زحمت فراوان کشیدید و رنج‌های فراوان دیده‌اید، باید به بزرگواری خودت مرا ببخشید و عفو کنید که انشاءالله خداوند شما را جزای خیر دهد. کلیه اعضای خانواده باید مرا ببخشید و عفو کنید و بدانید که هر کس به دنیا آمده باید یک روزی از دنیا برود به هر صورت که باشد. پس چه بهتر که این از دنیا رفتن به صورت شهادت باشد. از تمام اقوام و دوستان و همسر و خانواده همسر برای من حلالیت بگیرید. باتقوا باشید واجبات را حتماً انجام دهید و از محرّمات بپرهیزید. در مسائل آگاهانه عمل کنید. در فراق بنده اشک نریزید و اگر گریه کردید برای امام حسین و فرزندان ( ) او گریه کنید. [...] <sup>3</sup> نکنید خواهران که من به این کار راضی نیستم. پدر جان مواظب خانواده بنده باشید و از آنها سرپرستی کنید.

1- ر.ک. تعلیقات.

2- ترجمه بخشی از آیه 156 سوره بقره است «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ».

3- خوانا نیست.

همسر من اگر خواست می‌تواند طبق عرف محل، شوهر دیگری اختیار کند. چون هنوز جوان است در آن صورت تربیت و نگاه‌داری احمد را به پدرم می‌سپارم. امیدوارم او را آنطور که خدا می‌خواهد تربیت کنید و از او فردی بسازید که به درد جامعه اسلامیمان بخورد. به کسی بدهکار نیستم. فقط مبلغ بیست هزار تومان از قرض‌الحسنه گرفته‌ام که ماهیانه از حقوقم کسر می‌کنند. خداوند انشاءالله همه ما را از رهروان راه حسین (7) قرار دهد. به بزرگی و عظمت خود ما را ببخشد و عفو کند. خدایا به حق محمد (6) و آل محمد (7) ما را شهید بمیران. تمام خدمتگزاران جمهوری اسلامی را توفیق خدمتگزاری عنایت فرما.

امام امت را تا انقلاب مهدی (عج) و حتی در کنار آن بزرگوار برای حفظ اسلام محافظت بفرما.

تا دشمن دین به جنگمان می‌آید	از خوف و درنگ ننگمان می‌آید
آوای <sup>1</sup> بلند جنگ تا پیروزی	از حنجره <sup>2</sup> تفنگمان می‌آید

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگاه‌دار. به امید پیروزی حق بر باطل.

«اللهم ارزقنا توفیق الشهادة فی سبیلک»<sup>2</sup>

الحقیر، ناصر علوی فیلی

67/4/23

1- در اصل وصیت «صدای».

2- در اصل وصیت «شهادة».

# بِاِسْمِ خُدَايِ مَوْمِنَانِ

بِسْمِ خُدَايِ مَوْمِنَانِ

و دعت امرت من ذوات اصابت بیری را بمینال دلری

ایام حسینی

بجز اقرار به و حمد ایزد . خداوند . بمان . جنایت پیغمبر اکرم در

قران قید ولایت حضرت علی و یارانش الهام صدر شری مری پیامبر است

ایام است ولایت فقیه رفاط مرغ تشیح که در طول تاریخ مظهران با داری

مان خرد دهن خرد و منت شرمه اسام از آبیاری و عاشقت نوروز و عیاش

را شروع کنیم و ابتدا با این زبان کفن و تم نازان حیدر حیدر ای خطاب

الله است که در دست خردی کافر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر

گر رانج راه هدایت یا بسیم خداوندان در آنگ کرم من فراید

و لعلنا انوار سبیل الله للذین یشهدون الحجة العینة بالقرآن من عند الله فیتقنوا فی طیب

صفت مؤمنین احرار علیاً و مؤمنان با برادره ضابطان و حیات ماری و بیار

بر آفریند خردینه جوی کشته در سر و سر و راه خدا است تدلی باقی بقیه زود با خود کرد

ایامی عظیم است و در هم . داری و داری . داری و داری . داری و داری . داری و داری

بگوش و در راه . ادای آیدیند در عینان من خرد و داری زبان را در عینان

اسم که در دست خردی کافر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر





در چشم مظلومان جلوه داده شده است. نشتر در حلقه شک است  
دشمن مادر امروزی آنها فرار است از رانندگان و در دست دشمنان بودی را  
بنویسند و خواهد آمد ما به بلایه مردم که در این همه روزها و در روزهای  
کاری نبودند و هرگز در روزهای اینها که راستند آمد مادر این مربع  
اسام را تنها بگذاریم سرزنی هم از آن گراهم سلامت که عدل هر هم بدتر  
به به بلایه ای که در شک است و در آن از سرگیری حیات نبرین. ساله آن فدایم  
به سروری که با ما خواهیم گشت. چه خواهیم و چه خواهیم بر چه هر حال که  
... که در زندگی مردم با حاکمیت و تقاضای خرد است. هر یک که در زمانه است  
همه سینه نوزادین مستحق باشد که نوزاد بر سر هم در این زمان است و کارهایان بر

و در باره خواهم است چه خواهم و چه نخواهم بجز به حق خداوند  
مبارک و تعالی که در او تمام عالم و قضا و قدر است و به او است  
مردمان و در روز قیامت منقذ یا مقید خواهد بود هر کس که در آن روز  
خداوند را بخشد و کفر و کفایت نکند. و رحمت در برابر او است و در آن روز  
طیال توبه ندهید. که گاهی بر من حق بود و در آن روز  
و از تمام حلالیت و طهارت و عبادت و محبت و در آن روز  
است که به شما و من و همه با هم نصیب می شود و در آن روز  
بجز خود هر که در همه اشکارا تو می خرد عطا کند استوار. و در آن روز  
مردان. و در آن روز هر که در آن روز خردم و در آن روز

به ساقی آگما هیدر ایچین مطهر فقط باید که گشتیست. پیر جان پیدر ایچین می دانم. برای  
من زحمت دادند که سید و در نهی دلان هم بود به ۲۰ هزار تومانی خدمت مرا بیعتند و سید  
که است و نه خادو شاه را بر ایچین هیدر هیدر هم نام خانوادگی و مرا سید و سید سید و سید  
که هر کسی بر جای آگما به یک سید که زنی بود و در خدمت که باشد پیر جان پیر جان  
در بارش به خدمت نه است. به نه گزته ۲۰ هزار تومانی در خدمت و خندان سید برای  
بن خدمت سید و سید است. سید را به سید ایچین ایچین و سید ایچین ایچین  
آگما هیدر ایچین ایچین ایچین ایچین ایچین ایچین ایچین ایچین ایچین ایچین ایچین  
ایچین ایچین ایچین ایچین ایچین ایچین ایچین ایچین ایچین ایچین ایچین  
پیر جان سید ایچین ایچین ایچین ایچین ایچین ایچین ایچین ایچین ایچین ایچین

خانه من کنیده ذوق بنده ارشد نرسیده بر سر راهم بر سر راهم (حسین بن علی) (فرزند)

در میان صد اجنب خاور و غربا می شود که تا امروز من کنیده همسرم آنرا دوست می توانم بگو

چنین عزیز قل تو هر چه در اختیار کنی چون خداوند است که در صورت برکت تو در راه

راه چشم می بینم که هر چه در راه آنطور که قضای فریاد تو است کنیده که در فرساید به

جامعه اندک دنیا خورم که سر بر کار نیست فقط صلح نیست و از زبان تو فریاد منم که ما

که فریاد منم که خندانند ان شاء الله که در هر دو آن با حقین نظر دهد

به خوبی و محبت خود ما را ببخشید خداوند که در حق محمد و آل محمد صلوات

الهی بر سران تمام قدرتمندان همه را از دنیا فرستد که در عینیت و ما

ایمان است و با تو ان شاء الله روزی که کناره کناره بر او ایمن حفظ امیر ما حفظت بفرما

تا دشمن دین به جنگان ما آید کوفت و درخت تنگان ما آید

صدای بلند صفت تا پیروزی از جزوه تنگان ما آید

فردا صراطی ان شاء الله در همین راه نهادار به امید پیروزی حق بر باطل

«اللهم انزلنا نزلت من سبک» الحقیر، مرصع ذبی

۱۳۸۲/۲/۲۷

نام: شریف  
نام خانوادگی: علی حسینی  
نام پدر: مجید  
نام مادر: سکینه  
تاریخ تولد: سوم مرداد 1345  
محل تولد: روستای علیشیروان از توابع شهرستان  
دره شهر  
تحصیلات: دوم راهنمایی  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: بیست و دوم دی 1365  
محل شهادت: شلمچه  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: روستای پاکل کراب شهرستان زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ا ای مردم همیشه گوش به فرمان امام باشید و لحظه‌ای او را تنها نگذارید.
- ا من این راه را برای خود سعادت می‌دانم و با خود فکر کردم چه راهی بهتر از شهادت.
- ا کسی که شهید می‌شود نمرده بلکه تنها جسم او در خاک می‌شود.
- ا این را بدانید اسلام پیروز است و این جمهوری تا ظهور مهدی موعود (عج) پا برجاست.
- ا ای پدرم از تو می‌خواهم هر وقت بچه‌هایم به سن قانونی رسیدند نماز و روزه و عبادات خداوند را بیاموزید.
- ا برای امام دعا کنید و لحظه‌ای امام را تنها نگذارید.

## شریف علی حسینی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«وَكَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أحيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ»<sup>1</sup>

«و آن کسی را که در راه خدا کشته شده مرده مپندارید بلکه او زنده ابدی است و شما نمی دانید.»

ای مردم همیشه گوش به فرمان امام باشید و لحظه‌ای او را تنها نگذارید. من این راه را برای خود سعادت می دانم و با خود فکر کردم چه راهی بهتر از شهادت و این را بدانید کسی که شهید می شود، نمرده بلکه تنها جسم او در خاک می شود و روح او زنده است و نزد خدا روزی می خورد.

اینک سخنی با شما اقوام [و]<sup>2</sup> خویشاوندانم دارم. این را بدانید اسلام پیروز است و این جمهوری تا ظهور مهدی موعود (عج) پا برجاست. پدر عزیزم سخنی [که]<sup>3</sup> با تو دارم این است که بچه‌هایم [را]<sup>4</sup> اول به خدا می سپارم، دوم به تو و از تو می خواهم که مرا حلال کنید و از بدی‌های من بگذری. در پایان به مطالبی که در زیر می خوانید توجه کنید: انتظار از هیچ کسی ندارم، برای بچه‌هایم دلسوزی کند جز<sup>5</sup> خانواده پدرم و هم همسر فاطمه.

سخنی با شما اقوام و خویشاوندان دارم این است که بعد از شهادت من دلسوزی برای بچه‌های من نکنید فقط<sup>6</sup> اول دلسوز پدرم باشید، بعد دلسوز بچه‌هایم و این را بگویم روز قیامت مدیون من هستید اگر بعد از من به عنوان دلسوزی برای من و بچه‌هایم غیبت پدرم

1- بقره / 154.

2- در اصل وصیت «و» افتاده است.

3- در اصل وصیت «که» افتاده است.

4- در اصل وصیت «را» افتاده است.

5- در اصل وصیت «جز» افتاده است.

6- کلمه‌ای که ناخواناست به سیاق کلمه باید «فقط» باشد.



یا کسی از خانواده پدرم [را]<sup>1</sup> بکنید [...] <sup>2</sup>مجلس ختم من یکی است و آن هم در خانه پدرم. این را همه شما بدانید [...] <sup>3</sup>جاسم حرف می‌زد و اکثر مردم با جاسم دشمن شدند و در شهر کوچکی مثل ایلام برای یک شهید دو مجلس ختم برگزار کردند خلاصه من از شما پیران می‌خواهم آنطور [...] <sup>4</sup> و اگر من شهید شدم ناراحت نباشید. در پایان یک قطعه زمین در ایلام خریده‌ام دوازده هزار تومان از [مابقی]<sup>5</sup> پولش را تهیه کنید و هر چه زودتر آن را بپردازید. مرا در امامزاده جابر در نزدیکی قبر مادرم دفن کنید.

من که مادر ندارم تا بر مزارم اشک پاکی بریزد از دوستانم می‌خواهم هر موقع بر مزار من آمدید تکه یخی با خود بیاورید و بر روی قبرم بگذارید تا به جای مادرم برایم اشک پاک بریزد.

برای کسی که این وصیت‌نامه را می‌خواند از قول من از تمام اقوام<sup>6</sup> و خویشان حلالیت بطلبید. بچه‌های خوبم را به خدا می‌سپارم، ای پدرم از تو می‌خواهم هر وقت بچه‌هایم به سن قانونی رسیدند نماز و روزه و عبادات خداوند را بیاموزید. دیگر عرضی ندارم فقط برای امام دعا کنید و لحظه‌ای امام را تنها نگذارید.

خدا یار و یاورتان

شریف علی حسینی

65/9/10

[...] <sup>7</sup>سنگ قبرم یا پاسدار شهید بنویسید و یا سرباز شهید.

1- در اصل وصیت «را» افتاده است.

2- خوانا نیست.

3- خوانا نیست.

4- خوانا نیست.

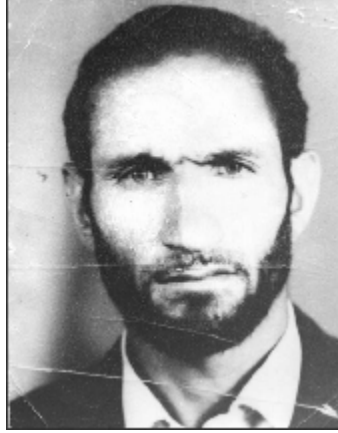
5- در اصل وصیت «مابقی» افتاده است.

6- در اصل وصیت «قومان».

7- خوانا نیست.







نام: کرم  
نام خانوادگی: علی رحمی  
نام پدر: لطفعلی  
نام مادر: آهو  
تاریخ تولد: هشتم اردیبهشت 1323  
محل تولد: روستای بدره از توابع شهرستان دره شهر  
تحصیلات: در حد خواندن و نوشتن  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: سیزدهم مرداد 1362  
محل شهادت: مهران  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: بخش صالح آباد از توابع شهرستان مهران

## عبارت‌های کلیدی

- ۱ هدف از آمدن این حقیر بی ارزش، دفاع از اسلام و قدرت بخشیدن به اسلام است.
- ۱ هیچ خطی را جز خط اسلام اصیل و امام عزیز نپذیرفته و نخواهم پذیرفت.
- ۱ تا جان در بدن دارم و خون در رگ و تا آخر [این] قطره خون با انصار شیطان و صدام خواهم جنگید.
- ۱ از حزب الله تقاضا دارم همیشه گوش به فرمان امام باشند.
- ۱ پیروان اسلام را بشناسید و با هم متحد باشند.
- ۱ تقاضامندم نسبت به خیرات و صدقات و رد مظالم اقدام نمایند.

## کرم علی رحمی<sup>1</sup>

### بسم الله الرحمن الرحيم

هدف از آمدن این حقیر بی‌ارزش دفاع از اسلام و قدرت بخشیدن به اسلام است و هیچ خطی را جز خط اسلام اصیل و امام عزیز نپذیرفته و نخواهم پذیرف [ت]، تا جان در بدن دارم و خون در رگ و تا آخر [این] قطره خون با انصار شیطان و صدام خواهم جنگید. انشاءالله یا پیروزی یا شهادت. از حزب‌الله تقاضا دارم همیشه گوش به فرمان امام باشند و از دستور ایشان، که همان دستور امام زمان است اطاعت کنند و پیروان اسلام را بشناسید و با هم متحد باشند و آنها را به دیگران بشناسانید و اسلام را در هر حال یار و یاور باشید. وصی بنده حبیب‌الله سلمانپور و در صورت حاضر نبودن ایشان شعبان دامدار و اگر ایشان حاضر نبودن [د] عباس سلمانپور است و هیچ کس دیگر حق تد[ا]خل در امور اموال و اولاد بنده ندارد. آنچه که مدیونم نوشته‌ام و در میان مفاتیح [ال]جنان گذاشته‌ام. به نظرم از سن 13 سالگی نماز و روزه گرفته‌ام و از اشخاصی که وصی خود قرار داده تقاضامندم نسبت به خیرات و صدقات و رد مظالم اقدام نمایند و از مشهدی اقلیم نیز تقاضا دارم همیشه تا آنجا که می‌تواند نسبت به نور چشمی محمد به‌خصوص مهربانی کند. سلام مرا به مادرم برسانید. اگر موفق به فیض شهادت شدم، سلام مرا به عزیزانم حبیب‌الله، محمد هادی، شعبان دامیار، صادق روشنی، حسن آویژه، فرمان علی رحمی، سلام بر ملا عباس سلمانپور و فرزندان و سلام بر ملا شعبان دامیار و خانواده آنها، سلام بر ملا محمد علی رحمی و خانواده او، سلام خدا و بندگانش بر امام امت باد. خدا، رهبر، انقلاب، امام زمان (عج).

1- بالای وصیت‌نامه این سخن از امام خمینی آمده است «این وصیت‌نامه‌ها انسان را می‌لرزاند و انسان را بیدار می‌کند».



نام: پیرولی  
نام خانوادگی: علیزاده  
نام پدر: اصبری  
نام مادر: صدرا  
تاریخ تولد: سال 1342  
محل تولد: روستای میر از توابع شهرستان مهران  
تحصیلات: دیپلم  
ارگان اعزام کننده: نیروی انتظامی  
تاریخ شهادت: سیزدهم مرداد 1384  
محل شهادت: گنجوان ایلام  
نحوه شهادت: اصابت گلوله  
مزار: بخش صالح آباد شهرستان زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ا کوچکترها به بزرگترها احترام بگذارند.
- ا فرزندانم چنان زندگی کنید که دست به سوی نامردان دراز نکنند.
- ا فرزند بزرگم با بقیه فرزندانم به متانت و خوشرویی برخورد نماید.

## پیرولی عزیزاده

### بسم الله الرحمن الرحيم

وصیت من به فرزندانم این است که اولاً احترام یکدیگر را داشته باشند و کوچکترها به بزرگترها احترام بگذارند. دوماً فرزند ارشد در زمان نبود من و مادرش کنترل فرزندان دیگر را به عهده دارد. سوماً به فرزندانم سفارش می‌کنم در شادی و شیون و مراسم عزاداری ام [...] <sup>1</sup> و فرزندان حق شرکت ندارند و فرزندانم می‌توانند از شرکت آنها جلوگیری به عمل آورند. و به فرزند بزرگم سفارش می‌کنم با دیگر فرزندانم به متانت و خوشرویی برخورد نماید و کلیه اموال منقول و غیرمنقول تا زمان حیات همسرم در اختیار وی بوده و [بعد از آن] و بعد از آن فرزندان ذکورم یک پنجم اموال منقول و غیرمنقول سهم الارث دارند و فرزندان مؤنث تا زمانی که مجرد هستند به نسبت فرزند ذکور سهم الارث دارند و اگر متأهل باشند نصف یک پنجم اموال منقول سهم الارث دارند و مبلغ بیست و سه هزار تومان به صید [...] <sup>2</sup> و بیست هزار تومان به نخ فروش خیابان تختی و وامهای دریافتی از بانک که دفترچه اقساط آنها موجود می‌باشد بدهکار هستم و به فرزندانم اعلام می‌دارم چه در زمان مجردی و چه در زمان متأهلی احترام یکدیگر را داشته باشند و چنان زندگی کنند که مثل خودم دست بر سوی نامردان دراز نکنند و آنچه با هم دوست و رفیق باشند و احترام همدیگر را داشته باشند و در حد توان تحصیلات خود را تا عالی‌ترین حد برسانند و اگر چنانچه فوت کردم قبر مرا در علی صالح خاکسپاری نمایند و دو نفر فوق‌الذکر حتی در خاکسپاری بنده حق شرکت ندارند. وصیت پدر به فرزندان این بوده و آنان مدیون اجرای آن می‌باشند.

مورخ 83/4/30

پیرولی عزیزاده

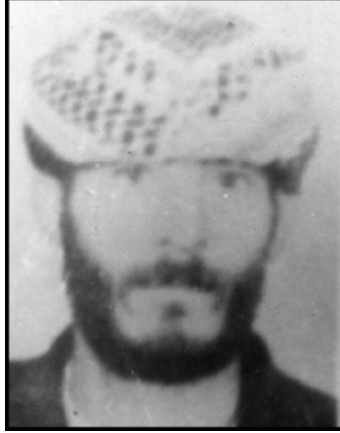
---

1- خوانا نیست.

2- خوانا نیست.







نام: علی  
نام خانوادگی: علیزاده  
نام پدر: اکبر  
نام مادر: زنویه  
تاریخ تولد: دهم مرداد 1334  
محل تولد: روستای سرپله از توابع شهرستان آبدانان  
تحصیلات: بی سواد  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: هفتم اردیبهشت 1366  
محل شهادت: بانه  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای شهرستان زادگاهش

## عبارت‌های کلیدی

- ۱ دین اسلام می‌رود تا در سراسر ممالک جهان سایه گسترد.
- ۱ برای تحقق بخشیدن به این آرمان مقدس باید تلاش و جهاد نمود، باید خون داد تا نهال اسلام آبیاری گردد و آنگاه بارور گردد.
- ۱ اگر در این راه سعادت نصیب شد و به فوز عظیم شهادت نائل گشتم، از امت حزب‌الله و شهیدپرور می‌خواهم که جبهه‌ها را خالی نگذارند.
- ۱ همیشه یار و یاور مظلومان باشید.
- ۱ همیشه گوش به فرمان امام عزیز باشید.
- ۱ پشتیبان ولایت فقیه باشید.
- ۱ صدام عقلی، دست‌نشانده استکبار جهانی در برابر این حرکت قد علم کرده و سد راه این انقلاب عظیم گشته است.
- ۱ خواهران گرامی حجاب اسلامی را که از خون شهید کوبنده‌تر است، حفظ نمایید.

## علی علیزاده<sup>1</sup>

بسم الله الرحمن الرحيم

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرَزِّقُونَ»<sup>2</sup>

«مپندارید کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند مرده‌اند، بلکه زنده‌اند و در نزد خدای خود روزی می‌گیرند.»

در مسلخ عشق جز نکو را نکشند      روبه صفتان زشت‌خو را نکشند  
گر عاشق صادقی زمردن مهراس      مردار بود هر آنکس او را نکشند<sup>3</sup>

با سلام و درود بر امام امت و امت شهیدپرور و با سلام [و]<sup>4</sup> تهنیت به همه شهیدان راه حق و حقیقت که عاشقانه جان خود را در طَبَق<sup>5</sup> اخلاص گذاشتند و در این راه، حسین‌وار شهید شدند.

برادران و خواهران گرامی خوب می‌دانید که دین اسلام می‌رود تا در سراسر ممالک جهان سایه گسترد و پرچم پرافتخار «لا اله الا الله و محمد رسول الله» بر بالای آسمان خراش‌های روی زمین به اهتزاز<sup>6</sup> درآید. لذا عوامل استکبار جهانی ساکت ننشسته و سد و مانع راه این حرکت و جنبش اسلامی گشته‌اند. لذا برای تحقق بخشیدن به این آرمان مقدس باید تلاش و جهاد نمود، باید خون داد تا نهال اسلام آبیاری گردد و آنگاه بارور گردد.

اکنون، صدام عفلقی<sup>7</sup> دست نشانده استکبار جهانی در برابر این حرکت قد علم کرده و

1- در بالای وصیت آمده است: «بسمه تعالی، وصیت‌نامه شهید علی علیزاده».

2- آل عمران / 169.

3- این رباعی بر سنگ قبر میرزاده عشقی شاعر دوران مشروطیت حک شده است. اما شاعر آن معلوم نیست.

4- در اصل وصیت «و» افتاده است.

5- در اصل وصیت «طبخ».

6- در اصل وصیت «حتزاز».

7- ر.ک. تعلیقات.

و سد راه این انقلاب عظیم گشته است. لذا برای از [این]<sup>1</sup> بین بردن این مهره کتیف بنا به فرموده امام عزیز باید به سوی جبهه‌ها شتافت و بنده هم لبیک‌گوی امام عزیز شده‌ام<sup>2</sup> و به نبرد و مبارزه با صدامیان رفته‌ام. اگر در این راه سعادت نصیب شد و به فوز عظیم شهادت نائل گشتم، از امت حزب‌الله و شهیدپرور می‌خواهم که جبهه‌ها را خالی نگذارند و جنگ را تا پیروزی نهائی ادامه دهید و همیشه یار و یاور مظلومان باشید و هیچ‌گاه در این راه لحظه‌ای از پای ننشینید و همیشه گوش به فرمان امام عزیز بوده و پشتیبان ولایت فقیه باشید.

باری به خدمت خانواده محترم خود، برادران و خواهران عزیزم سلامی گرم به گرمی آفتاب عرضه می‌دارم: بنده از همگی شماها بخصوص همسر وفادار و مهربانم راضی و خشنود هستم و انشاءالله که خداوند از شما راضی و خشنود گردد. از همگی شماها می‌خواهم که در همه حال یار و یاور و پشتیبان این انقلاب باشید و در راه پیشبرد<sup>3</sup> اهداف انقلاب اسلامی قدم بردارید.

رفتارتان در بین مردم و جامعه طوری باشد که دل دشمنان و منافقین<sup>4</sup> هرگز شاد نشود. هیچ‌گاه در برابر ظلم و تجاوز سر تسلیم فرود نیاورید و همیشه سرفرازانه با آنها مبارزه کنید.

اما همسر مهربان و وفادارم، امید است که اگر در طول زندگی، با هم رنجشی یا ناراحتی از بنده کشیده‌اید بنده را ببخشید و از شما حلالی می‌طلبم و بنده نیز از شما راضی می‌باشم.

از شما همسر مهربان و وفادار می‌خواهم که به فرزندانم اکرم، فرج‌الله، نصرالله و کرم‌الله دروغ نگویند. نگویند که پدرتان به سفر رفته و بهترین ارمغان را برای شما به هدیه خواهد آورد. به فرزندانم بگویند که:

---

1- واژه «این» زاید است.

2- در اصل وصیت «شد».

3- در اصل وصیت «پیشبرد».

4- ر.ک. تعلیقات.

دست‌های پدرت در ارتفاعات کردستان، پاهای پدرت در میمک<sup>1</sup>، ناخن‌های<sup>2</sup> پدرت در ارتفاعات قلاویزان<sup>3</sup>، کمر پدرت در موسیان<sup>4</sup>، چشم‌های<sup>5</sup> پدرت در هویزه، گوش‌های پدرت در خرمشهر و خون پدرت در اروندرود ریخته شده‌است. تا بذر کینه و دشمنی نسبت به استکبار در نهاد آنها گذارده شود تا فردای آینده حق این خون‌هایی<sup>6</sup> که ناحق ریخته را از عوامل استکبار جهانی بگیرند.

آنها را طوری راهنمایی نمایی و تربیت کنی که همیشه سرفراز و سربلند در برابر ظلم و تجاوز باشند<sup>7</sup> و هیچ‌گاه خود را حقیر و کوچک نشمارند.

در پایان ضمن سلام مجدد به خدمت کلیه اقوام و آشنایان از کلیه کسانی که از بنده در قید حیات رنجشی دیده‌اند معذرت می‌خواهم و از آنها می‌خواهم بنده را حلال نمایند. در پایان از شما می‌خواهم دعا برای امام فراموش نشود و به شعار جنگ جنگ تا پیروزی جامه عمل ببوشانید و راه شهدا را ادامه دهید و خواهران گرامی حجاب اسلامی را که از خون شهید کوبنده‌تر است حفظ نمایید.

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

علی علیزاده 66/1/30

در ضمن جای<sup>8</sup> بنده هیچ خالی تلقی نکنید چون بنده برادر و چهار فرزندم دارم که جای خالی بنده [را]<sup>9</sup> پر خواهند نمود.

1- ر.ک. تعلیقات.

2- در اصل وصیت «ناخنهایی».

3- ر.ک. تعلیقات.

4- ر.ک. تعلیقات.

5- در اصل وصیت «چشمهائی».

6- در اصل وصیت «خونهای».

7- در اصل وصیت «باشید».

8- در اصل وصیت «جائی».

9- در اصل و وصیت «را» افتاده است.

بسم تعالی  
«و می نامد زبیر علی بن ابی طالب»

ولا یحسب الذین یقتلوا فی سبیل اللہ اعداءنا بل هم جنود لیسوا  
مغیرا یقربون منکم در راه خدا کشته میشوند بوی که ما دشمنان  
نیستیم بلکه میروند به سوی شما و نزدیکتر میشوند از شما  
و ما را دوست دارند  
و ما را دوست دارند  
و ما را دوست دارند

و ما را دوست دارند  
و ما را دوست دارند  
و ما را دوست دارند

و ما را دوست دارند  
و ما را دوست دارند  
و ما را دوست دارند

و ما را دوست دارند  
و ما را دوست دارند  
و ما را دوست دارند

و ما را دوست دارند  
و ما را دوست دارند  
و ما را دوست دارند

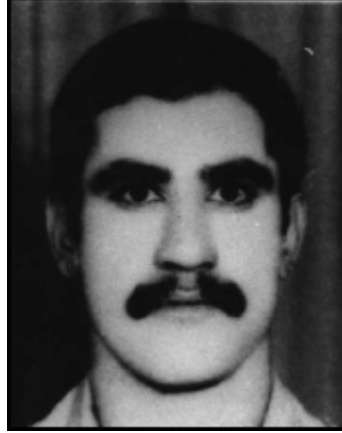








نام: نامخاص  
نام خانوادگی: علیزاده  
نام پدر: نیازخان  
نام مادر: ستاره  
تاریخ تولد: سال 1343  
محل تولد: شهر چوار از توابع شهرستان ایلام  
تحصیلات: در حد خواندن و نوشتن  
ارگان اعزام کننده: ژاندارمری  
تاریخ شهادت: سی و یکم تیر 1367  
محل شهادت: میمک  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: بخش صالح آباد توابع شهرستان مهران



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ | برادر عزیزم، دین دخترم مریم به گردن تو. او را مانند دختر خودت تربیت کنی و با آبرو تحویل جامعه بدهی.
- ۱ | درود بر امام خمینی و سلام بر شهیدان.
- ۱ | به دخترم راه و روش زندگی با آبرو را یاد بدهی.

## نامخاص علیزاده

## بسم الله الرحمن الرحيم

از طرف بنده نامخاص علیزاده به خدمت برادران عزیزم موسی و حسن و عباس و محمد سلام، برادران حالا که من به سربازی رفته‌ام از شماها یک به یک خواهش می‌کنم که اگر من شهید شدم از دخترم مریم نگهداری کنید ولی با اجازه شما برادران دلم می‌خواهد که دخترم مریم پیش برادرم موسی باشد. برادر عزیزم موسی دین دخترم مریم به گردن تو و از شما برادر عزیز می‌خواهم که آن را مانند دختر خودت تربیت بکنی و آن را با آبرو تحویل جامعه بدهید و در مورد تربیت و نگهداری آن هیچ‌کس حق دخالت ندارد و این دختر باید تا زمانی که اگر قسمت شد شوهر کرد باید پیش تو باشد و در پایان برادران عزیز با عرض معذرت از شماها بنده مقداری بدهکاری دارم که همه آنها را در این دفتر یادداشت نموده‌ام و مبلغ هشتاد هزار تومان پول پیش زخم دارم که نصف آن مال محمد است چون محمد با من شریک است و هر کس از من پول می‌خواهد آن را پرداخت بکنید<sup>1</sup> طبق یادداشتی<sup>2</sup> که در این دفتر هست.

«[والسلام] علیکم و رحمة الله و برکاته»<sup>3</sup>

درود<sup>4</sup> بر امام خمینی، سلام بر شهیدان.

## نامخاص علیزاده

## [وصیت‌نامه‌ای دیگر]

## بسم الله الرحمن الرحيم

برادران عزیزم حسن، عباس، موسی [و]<sup>5</sup> محمد، بنده اگر از این دنیا رفتم، از دخترم

1- در اصل وصیت «بکنین».

2- در اصل وصیت «یاداشتی».

3- در اصل وصیت «و علیکم و رحمة الله و برکاته».

4- در اصل وصیت «درد».

5- در اصل وصیت «و» افتاده است.

نگهداری کنید و به او راز و نیاز این راه و روش<sup>1</sup> زندگی با آبرو [را]<sup>2</sup> یاد دهید. حسن، عباس [و]<sup>3</sup> موسی بعد از من از محمد هم نگهداری کنید و به او احترام بگذارید و زندگی اش را فراهم سازید و به دوستان و آشنایان هم که بیشتر با من آشنا بودند<sup>4</sup> احترام بگذارید.

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»<sup>5</sup>

64/12/25

نامخاص عزیزاده

- 
- 1- در اصل وصیت «رون».
  - 2- در اصل وصیت «را» افتاده است.
  - 3- در اصل وصیت «و» افتاده است.
  - 4- در اصل وصیت «بودن».
  - 5- در اصل وصیت «و سلام علیکم و رحمت الله و برکات».

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 برادران عزیزم حسن عباس مؤمن محمد  
 بنوه اگر از این دنیا رفته از دخترم نگهدار  
 کنید و به او راز و نیاز این راه و رون نزن  
 با آب و باد عید حسن عباس مؤمن  
 بهد از من از محمد هم نگهدار کنید و به او  
 احترام بگذارید و زود بسش را فراموش سازید  
 او به دوستان و آشنایان هم  
 که بیشتر با من آشنا بودند احترام  
 بگذارید و سلام علیکم بر همه صلوات بر او  
 ۲۵، ۱۳۶۴

بسم الله الرحمن الرحيم

در حروف بنده نام من علیزاده محمد است برادر این عزیزم مومن و  
 تقوی و عابد و شیخ سادقم برادر این طالبان من بسیار سزاوار  
 ام از شما ها یک بیکه خواهرش من کنم که اگر من تقید تمام از  
 دفتر مرییم شکر در سر کلبی و زن با اجاره شما برادران دلم من  
 خواهد که دفتر مرییم پیش برادر من <sup>میرزا</sup> بیگانه برادر عزیزم سوزان  
 درین دفتر مرییم بگردن تو و ایشی برادر عزیز من فوادم که آن  
 مرا مانند دفتر خود من تربیت بلخی و زن را با آبرو تحویل جامعه  
 بهر صید و در هر در تربیت رنگه در آن <sup>میرزا</sup> هیچ کس حق دخلت  
 ندارد و این دفتر باید تا زمانه که اگر قسمت شد دفتر کرد  
 باید پیش تو باشد و در میان برادران عزیز با هر نفس عذر است  
 از تمام بندگان بندگان بدگنایان لازم که همه آنها را در این

دفتر یادداشت نمودم و مبلغ هشتاد هزار تومان

پول چینی زلم دارم که نصف آن مال محمد اصوات پوی

محمد باقر شریک است و هر کس از حق پول می خواهد

آن را برداشت بکفین طبع یا داشته که در این دعوت

است و عیال و اولادش را در این دعوت

محمد باقر شریک

نام: فرزاد  
نام خانوادگی: علی کرمی  
نام پدر: صیدنور  
نام مادر: فاطمه  
تاریخ تولد: سال 1347  
محل تولد: شهرستان ایلام  
تحصیلات: سوم متوسطه  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: دوم تیر 1365  
محل شهادت: چنگوله  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: بخش صالح آباد از توابع شهرستان مهران



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ جبهه را گرم نگه دارید.
- ۱ نگذارید منافقین (در جبهه‌ها) رخنه کنند و باعث جدایی بین امام و امت شوند.
- ۱ با راهپیمایی‌های خود به ابرقدرتها و منافقین بفهمانید که اسلام یاورانی دارد که حاضرند حتی با هدیه کردن جان خود، از آن دفاع کنند.
- ۱ اگر اسلام با ریخته شدن خون من و دیگر شهدا تحقق می‌یابد و پیروز می‌شود پس ای مسلسل‌ها و ای گلوله‌ها مرا بشکافید.



## فرزاد علی کرمی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«إِنَّ اللَّهَ<sup>1</sup> يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُيُوتٌ مَرصُوصَةٌ»<sup>2</sup>

به راستی خداوند دوست دارد کسانی را که در راه او همچون صفی از آهن قتال می‌کنند. اگر دین محمد جز با کشتن من پیروز نمی‌شود پس ای شمشیرها مرا دربرگیرید.<sup>3</sup> آری و اگر اسلام با ریخته شدن خون من و دیگر شهدا تحقق می‌یابد و پیروز می‌شود پس ای مسلسل‌ها و ای گلوله‌ها مرا بشکافید.

با سلام و دورد بیکران به رهبر کبیر انقلاب اسلامی و امت شهیدپرور ایران بنده حقیر پیامی برای ملت ایران که به حق پاسداران اصیل انقلابند بر جا می‌گذارم و این چنین عرض می‌نمایم که جبهه را گرم نگه‌دار و نگذارند منافقین علی‌الظاهر<sup>4</sup> در این مکان‌های مقدس رخنه کنند و باعث جدایی بین امام و امت شوند و همیشه با راهپیمایی‌های کوبنده خود در پشت جبهه و در شهرستان‌ها، ابرقدرت‌های ضد خلق را تودهنی زده و به آنها بفهمانند که اسلام یاورانی دارد که حاضرند حتی با هدیه کردن جان خود، از آن دفاع کنند. همچنان‌که حسین (7) از دین دفاع کرد و می‌دانست لحظاتی دیگر جان می‌دهد. انشاءالله که خداوند مرا در جوار شهدای گلگون‌کفن انقلاب اسلامی قرار دهد.

«والسلام»

الحقیر فرزاد علی کرمی

1365/3/29

---

1- در اصل وصیت «والله».

2- صف / 4.

3- رک. تعلیقات.

4- در اصل وصیت «الی‌الظاهر».

کتابخانه ایلام

ایلام - استان ایلام - ۶۶۱۳۱

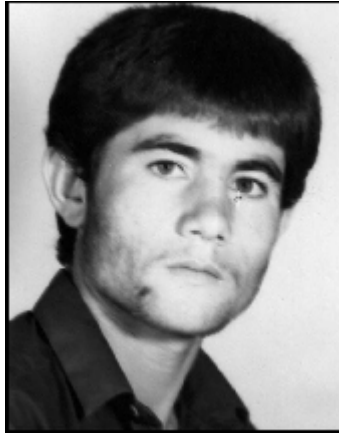
فرزاد علی کرمی

در این کتابخانه که در ایلام واقع است، کتابهای بسیار نفیسی وجود دارد که در این کتابخانه جمع شده است. این کتابخانه در سال ۱۳۸۵ تأسیس شد و در حال حاضر دارای بیش از ۱۰۰۰ عنوان کتاب است. این کتابخانه در راستای ارتقای سطح علمی و فرهنگی جامعه ایلام تأسیس شده است و در این راستا اقدامات مختلفی در زمینه خرید و جمع آوری کتابها انجام شده است. این کتابخانه در اختیار عموم مردم قرار دارد و در ساعات اداری برای بازدید و مطالعه در دسترس است.

فرزاد علی کرمی

۱۳۸۵

نام: علی احمد  
نام خانوادگی: علی محمدی  
نام پدر: امامعلی  
نام مادر: حمدیه  
تاریخ تولد: دوازدهم دی 1347  
محل تولد: روستای کله قندی از توابع شهرستان ایلام  
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: دهم اردیبهشت 1366  
محل شهادت: قلاویزان  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: بخش صالح آباد از توابع شهرستان مهران



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ از اینکه در راه اسلام خدمت می‌کنم، خوشحالم.
- ۱ از پدرم می‌خواهم که به چنین فرزندی افتخار کند.
- ۱ بلند برایم گریه نکنید چونکه دشمنان اسلام شاد می‌شوند.
- ۱ برای من هیچگونه ناراحتی نداشته باشید.

## علی احمد علی محمدی

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم رب الشهداء والصدیقین

وصیت نامه خود را اینچنین آغاز می کنم.

با سلام و درود به رهبر کبیر انقلاب اسلامی و یگانه منجی عالم بشریت و با سلام به روح پاک [و] <sup>1</sup> طیبه شهدا و با سلام به مجروحین جنگ تحمیلی.

سخنی چند با خانواده عزیزم: اولاً خدمت پدر گرامی سلام عرض می کنم و بنده از اینکه در راه اسلام خدمت می کنم، خوشحالم و در ضمن از پدرم می خواهم که به چنین فرزندی افتخار کند و نیز من از شما شرمند هستم برای اینکه نتوانسته ام به شما خدمت کنم چون که شما برای من زحمت زیادی کشیده اید و مرا به اینجا رسانده اید و با کوشش و زحمات خود مرا با پول حلال بزرگ کردی و همچنین برای خانواده ام زحمت زیادی کشیده اید. امیدوارم که مرا ببخشید و از شما طلب حلالیت می کنم.

و در ضمن خدمت مادر گرامی ام سلام عرض می کنم: سلام گرم می رسانم به گرمی آفتاب و درخشندگی ماه و پهناوری زمین خدمت آن شیرزنی که مرا در دامن پاکش بزرگ کرده و از شیر جانش برای من توشه گذاشتی و با من شب نخوابی ها کردی و مرا تربیت نموده ای از شما تشکر و قدردانی می نمایم و از زحمات شما جداً تشکر می کنم و باید افتخار کنید.

در آخر از شما می خواهم که شیرت را حلالم کنی و مرا ببخشید چون که تو برای من زحمت زیادی کشیدی و از شما طلب حلالیت و بخشش می کنم. در خاتمه خدمت برادران گرامی ام بالاخص <sup>2</sup> برادران علی عباس علی محمدی و علی نعمت و روح اله و حسن سلام گرم و صمیمانه می رسانم و از شماها می خواهم که برای من هیچگونه ناراحتی نداشته

1- در اصل وصیت «و» افتاده است.

2- در اصل وصیت «بالاخص».

باشید و از شما می‌خواهم که برای من گریه نکنید و اگر هم زیاد ناراحت شدید با صدای بلند برایم گریه نکنید چونکه دشمنان اسلام شاد می‌شوند. و از اینکه من شماها را تنها گذاشته‌ام مرا ببخشید و از اینکه نتوانسته‌ام حتی کوچکترین کاری برای شما انجام دهم معذرت می‌خواهم و از شما می‌خواهم که اصلاً به فکر من نباشید و مواظب خودتان باشید و فکر کنید که من از مادر نزیایده‌ام و شماها را زیاد اذیت و آزار نموده‌ام امیدوارم که به بزرگی خودتان مرا ببخشید و از شما طلب بخشش می‌کنم و از شما خداحافظی می‌کنم و شما را به خدای بزرگ می‌سپارم.

و در ضمن خدمت تمام دوستان و آشنایان و حتی کسانی که مرا دیده‌اند و با من سلام علیک داشته‌اند طلب بخشش می‌کنم.

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

وصیت‌نامه برادر علی‌احمد علی‌محمدی

1366/1/20





نام: غلامرضا  
نام خانوادگی: علیمرادى  
نام پدر: جهت  
نام مادر: سیما  
تاریخ تولد: یکم اسفند 1344  
محل تولد: شهر سومار از توابع شهرستان قصر شیرین  
تحصیلات: دوم راهنمایی  
ارگان اعزام کننده: ارتش  
تاریخ شهادت: یازدهم بهمن 1364  
محل شهادت: میمک  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: روستای حاجی حاضر از توابع شهرستان ایوان



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ درود فراوان بر شهیدان گلگون کفن کربلای ایران که با خون خود انقلاب از پایه را آبیاری کردند.
- ۱ درود بر شما پدران و مادرانی که فرزندانان را به جهاد فرستاده‌اید و خواهید فرستاد.
- ۱ من برای رسیدن به معشوقم هجرت کرده‌ام.
- ۱ هر کس مزه تلخ مرگ را خواهید کشید.
- ۱ چه زیبا است که انسان خود به استقبال مرگ برود نه اینکه مرگ به ملاقاتش بیاید.
- ۱ امیدوارم که برای من گریه نکنید و ناکام نگویید زیرا من به کام خود رسیده‌ام.
- ۱ خط سرخ شهادت خط آل محمد (6) و علی (7) است.
- ۱ دوستی امام حسین (7) موجب نجات از آتش جهنم است.
- ۱ امام را تنها نگذارید و به عهد و پیمان خود وفادار باشید و به مردم بینوا کمک کنید و امر به معروف و نهی از منکر کنید که اجر و پاداش عظیمی دارد.



## غلامرضا علیمرادی

## بسم الله الرحمن الرحيم

«خط سرخ شهادت خط آل محمد (6) و علی (7) است.»<sup>1</sup> (امام خمینی)

با درود فراوان و سلام به رهبر انقلاب و امام امت و اسلام و درود فراوان بر شهیدان گلگون کفن کربلای ایران که با خون خود انقلاب از پایه را آبیاری کردند و با سلام و درود فراوان بر رزمندگان جبهه‌های حق بر باطل که مشغول جانبازی هستند و ندای امام امت را لبیک گفته‌اند و با سلام و درود بر شما پدران و مادرانی که فرزندانان را به جهاد فرستاده‌اید و خواهید فرستاد. با درود بر شما پدر و مادری که دین خود را ادا نموده و در نزد خداوند روسفید می‌باشید.

پدر و مادر عزیزم این وصیت‌نامه را که در سنگر حق بر [علیه]<sup>2</sup> باطل که با خون شهیدان عزیز آغشته است برایتان می‌نویسم و این را هم می‌دانم که من برای شما باعث ناراحتی فراوان شده‌ام و آن حقی را که بر گردنم داشتید ادا نکردم و هر چقدر که کوشش کنم، نمی‌توانم یک روز از زحمات شما پدر و مادرم را جبران کنم، چه برسد به تمام. امیدوارم که مرا ببخشید انشاءالله که می‌بخشید و از من راضی خواهید بود و به هر حال من حقیر را حلال کنید و مادر عزیزم من برای رسیدن به معشوقم هجرت کرده‌ام و به انتظار نشسته‌ام و آنقدر به انتظار ادامه خواهم داد که مرا به سوی خود بخواند «و باید باشد از شما گروهی که امر کنند به خوبی و دعوت کنند به نیکی و نهی کنند از بدی و آنان رستگارند»<sup>3</sup> آخر «هر کس مره تلخ مرگ را خواهد کشید»<sup>4</sup>

چه زیبا که انسان خود به استقبال مرگ برود نه اینکه مرگ به ملاقاتش بیاید. در این جا با تو مادر خوبم صحبت می‌کنم: ای مادر عزیزم مرا ببخش مرا حلال کن چون که تو دوران طفولیتم بیدار کنار گهواره‌ام نشستی و از من نگهداری کردی من می‌دانستم که تو برای من

1- صحیفه امام، ج 1، ص 7-226.

2- در اصل وصیت «علیه» افتاده است.

3- ترجمه آیه 104 سوره آل عمران.

4- ترجمه فرازی از آیه 57 سوره عنکبوت است «كُلَّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ».

چه آرزوهایی در دل داری، ولی من نتوانستم جبران کنم. امیدوارم که برای من گریه نکنید و ناکام نگویید زیرا من به کام خود رسیده‌ام. در پایان از شما و کسانی که آنها را نمی‌شناسم حلالیت می‌طلبم.

«خداحافظ»

دعا برای امام امت، خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار  
خواهم به‌سوی تو پرواز کنم اما چه کنم که بال و پر نیست مرا  
ای دوست گلی به یادگارم بفرست گر گل نبود شاخه خاری بفرست

«والسلام»

غلامرضا علیمردادی

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

حمد و سپاس بیکران خداوندی را که از عالم ملکوت نوری را برای هدایت قومی که در فساد غوطه‌ور بودند فرستاد تا آنان را از جهل و نادانی رهایی بخشد و سیره‌اش موجب عزت ما گشت و صدها سپاس که ما را با امام حسین (7) آشنا گردانید، چرا که دوستی امام حسین (7) موجب نجات از آتش جهنم است.

بارالها از بنده حقیر درگاہت قبول کن که به خاطر عشق وصال دوست ترک یار و دیار نمودم. ای پدر و ای مادر برای من گریه و زاری نکنید چرا که به خاطر رسیدن به معشوقم ترک دیار نمودم و به هوای دوست آواره شدم و به شما می‌گویم امام را تنها نگذارید و به عهد و پیمان خود وفادار باشید و به مردم بینوا کمک کنید و امر به معروف و نهی از منکر کنید که اجر و پاداش عظیمی است.

و شما ای همکلاسی‌های من و ای دانش‌آموزان عزیز سنگرهای مدارس را با سلاح فرهنگ و قلم حفظ کنید و نگذارید منافقان روزنه‌ای در دیوار پولادین اراده شما ایجاد کنند، شما امیدهای فردا و غنچه‌های امروز هستید، که اگر لطمه‌ای به شما وارد شود به کشور و میهن و ملت وارد خواهد شد.

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

غلامرضا علیمردادی

لا یغنیه جمالی

(خدمت‌های عظیم حضرت امام محمد باقر علیه السلام)

(وصیت‌نامه شهید علامه آقا میرزا محمد باقر)

بادرید فراوان سلام به رهبران انقلاب و امام امت که با سلام و درود فراوان بر شهیدان  
 بلکه گن گنای ایران که با خون خود انقلاب از پایه را آبیاری کردند با سلام  
 و درود فراوان بر روزندگان جنبه‌های حق بر باطل که مشغول جانبازی هستند و بدای  
 امام امت را نگاه داشته‌اند با سلام و درود بر شما پدران و مادرانیکه سرافرازان راه  
 جهاد فرستاده‌اید و خواهید فرستاد با درود بر شما پدر و مادری که دین خود را ادا  
 نموده و در نژاد خداوند روستغید می‌باشید \*

پدر و مادر عزیزم این وصیت‌نامه را که درست‌گو حق بر باطل که با خون شهیدان  
 نیز آتش است برای شما می‌نویسم و این را هم می‌دانم که من برای شما باعث ناراحتی  
 فراوان شده‌ام و آن حسن را که برگردم داشتم ادا نکردم و همچنین که کوشش کنم  
 نمی‌توانم که روز از زحمات شما پدر و مادرم را جبران کنم چه برسد به تمام \*  
 امیدوارم که سرافراز باشید انشاءالله \* که می‌بخشید و از من راضی خواهید بود  
 و هر حال من حقیر را حلال کنید و مادر عزیزم من برای رسیدن به معشیت  
 هجرت کرده‌ام همه انتظار داشته‌ام و آنقدر به انتظار ادامه خواهم  
 داد که سرافراز خود بخواند باید باشد از شما گواهی که آنچه گفته به

خوسی ود صورت کنند به نیکی و بهیسی کنند از بندی و آنانند رحمتگارند

آخر هر کس من طبع سوگ را خواند کفید \*

چه رسد که انسان خود به استیصال سوگ برود نه اینکه سوگ به

ملاقاتش نماید در این جا با مواد غموم صحبت می کنم :

ای مادر منم مرا ببین مرا حلال کن چونکه خود روان

ظفر لیتیم بیدار گشتار تهراره ام شستنی و ازین نگریدی کردی من

من دانستم که تو برای منی چه آرزوهای در دل داری و بس

من نتوانستم جهان کنم امیدوارم که برای من گریه نکند و ناگام

نگرید هر از من به گام بود رسیده ام در پیمان از شما و

کسانیکه آنها را نمی شناسم حلاکت من طلبم \*

)) خدا جانان !! :

دعا برای امام است (خواها خداها تا انقلاب مهیبی

خیمتس را بسکه دار :)

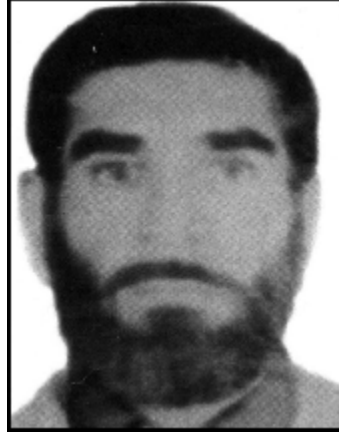
خواهم بصورتی تو پرواز کنم اما چه کنم که بال و پر نیست مرا

ای دوست غمی به یادگارم بفرست که کل نبود ناخه خاری بفرست

والسلام



نام: غضبان  
نام خانوادگی: عوضی  
نام پدر: غلامعلی  
نام مادر: جیران  
تاریخ تولد: یکم تیر 1326  
محل تولد: کشور عراق  
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: هجدهم بهمن 1361  
محل شهادت: مهران  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: بخش صالح آباد از توابع شهرستان مهران



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ در این زمان دین حق و حقیقت در خطر است و تمام ممالک جهان کمر به نابودی آن بسته‌اند.
- ۱ در این زمان که کشور اسلامی ایران مورد حمله دشمنان خدا قرار گرفته وظیفه خود دانستم که پای در چکمه کنم.
- ۱ آموخته‌ایم که مرگ با شرافت بهتر از زندگی با خواری و ذلت است، ما که وارث راه حسینیم نباید زندگی با خواری را انتخاب کنیم.
- ۱ به حق دیگران دست‌درازی نکنید.
- ۱ نمازهایتان را بصورت جماعت بخوانید.

## غضبان عوضی

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم رب الشهداء والصدیقین

شکر و سپاس خدای را که بر آدم منت نهاد تا خود امتحانگر راه خود باشد که [در]<sup>1</sup> زندگی هر فردی یک روز امتحان شود و کسانی که از این امتحان پیروز بیرون آیند در این زمان که دین حق و حقیقت در خطر است و تمام ممالک جهان کمر به نابودی آن بسته‌اند، در این زمان که کشور اسلامی ایران مورد حمله دشمنان خدا قرار گرفته، وظیفه خود دانستم که پای در چکمه کنم و دین خدا را یاری نمایم تا خدایم یاری دهند و نیز به ندای حسین (7) و رهبر دینی ام<sup>2</sup> پاسخ دهم و در کربلای ایران جان بی‌قابل خود را نثار دین حسین دوران نمایم. چون «آموخته‌ایم که مرگ با شرافت بهتر از زندگی با خواری و ذلت است»<sup>3</sup>، ما که وارث راه حسینیم نباید زندگی با خواری را انتخاب کنیم. برادران و خواهران گرامی، همسر مهربان و بچه‌های عزیزم امیدوارم که بعد از من نگران نشوید و خدای را شکر کنید و به حق دیگران دست‌درازی نکنید و بچه‌های عزیزم رمضان، بهروز، مریم و امیر امیدوارم همانند وقتی که من به خانه می‌آمدم و نماز جماعت را با هم می‌خواندیم، پس از من هم نمازهایتان را بصورت جماعت بخوانید و... و همیشه زکیه و ماشاءالله را به خوشی نگه دارید.

با درود بی‌پایان به ارواح پاک شهدای صدراسلام تاکنون و با سلام به امام زمان (عج) و نایب برحقش.

«والسلام»

1- در اصل وصیت واژه «در» افتاده است.

2- در اصل وصیت «دینم».

3- ترجمه این کلام و شعار امام حسین (7) است: «موت فی عزّ خیر من حیاة فی ذلّ» (فرهنگ عاشورا، جواد محدثی، ص 270).







نام: عبدالرحمان  
نام خانوادگی: عیدصید  
نام پدر: موسی  
نام مادر: نشمیه  
تاریخ تولد: سال 1342  
محل تولد: روستای چم آب از توابع شهرستان مهران  
تحصیلات: چهارم متوسطه  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: هجدهم مهر 1363  
محل شهادت: چنگوله  
نحوه شهادت: اصابت گلوله  
مزار: بخش صالح آباد همان شهرستان

## عبارت‌های کلیدی

- ۱ پدر و مادر عزیزم سعی کنید علی‌وار، زینب‌وار به شهادت من افتخار کنید.
- ۱ نگذارید منافقان از خدا بی‌خبر در بین شما رسوخ کنند.
- ۱ اگر فرزندان در راه خدا و انقلاب اسلامی از دست داده‌اید ناراحت نشوید.
- ۱ سری که در راه خدا داده شود پس گرفته نمی‌شود.
- ۱ آرزوی من شهادت در راه الله است.
- ۱ آرزو دارم که در این راه که راه انبیاء است قدم بردارم و شهید بشوم.
- ۱ ما باید پیکار کنیم در راه خدا.
- ۱ تا آنجا که قدرت در بدن دارید دشمنان اسلام را نابود کنید.
- ۱ اسلام عزیز را محفوظ نگه دارید.
- ۱ دوستان و آشنایان [را به] امر به معروف و نهی از منکر و تقوا دعوت می‌کنم.

## عبدالرحمان عیدصید<sup>1</sup>

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا»<sup>3</sup>

با درود و سلام بر مهدی (عج) و نایب برحقش امام خمینی، چند جمله به عنوان وصیت‌ها به خانواده گرامی‌ام که در این مقطع از زمان قرار گرفته‌ایم می‌نویسم.

با سلام بر پدر و مادر گرامی‌ام که از شهادت من هیچگونه گریه و زاری به دل خودتان راه ندهی و سعی کنید که برای من ناراحت نشوید. پدر و مادر عزیزم سعی کنید علی‌وار، زینب‌وار به شهادت من افتخار کنید و نگذارید منافقان<sup>4</sup> از خدا بی‌خبر در بین شما رسوخ کنند. پدر و مادر عزیزم داستان حضرت ابراهیم (7) را شنیده‌اید که وقتی خداوند می‌فرماید باید فرزندان اسماعیل (7) را در راه خداوند قربانی کنید. پس پدر و مادر عزیز اگر ما پیرو پیامبران و ائمه (:) هستیم اگر فرزندان در راه خدا و انقلاب اسلامی از دست داده‌اید ناراحت نشوید، چون «سری که در راه خدا داده شود پس گرفته نمی‌شود»<sup>5</sup> و بنده حقیر همین آرزو را دارم و آرزوی من شهادت در راه الله است و آرزو دارم که در این راه که راه انبیاء (:) است قدم بردارم و شهید بشوم من می‌روم و اگر شهید شدم از درگاه باری تعالی خواستارم که مرا ببخشد و مرا جزء شهدا اسلام و انقلاب اسلامی قبول داشته باشد. ما باید پیکار کنیم در راه خدا. «که خداوند کسانی که دنیا را به آخرت فروخته‌اند و در راه خداوند باری تعالی جهاد کنند و شهید شوند و یا به پیروزی برسند و در راه اسلام عزیز پیش قدم باشند و راه انبیاء (:) را ادامه دهند خداوند بزرگ

1- بالای وصیت‌نامه آمده است «متن وصیت‌نامه رحمان عیدصید».

2- در اصل وصیت «فلیقاتل فی» ناخواناست.

3- نساء / 74.

4- ر.ک. تعلیقات.

5- عبارت به ام و هب منسوب است. ر.ک. تعلیقات.

به آنها پاداشی بزرگ می‌دهد و آخرت او را به بهشت موعود تبدیل می‌گرداند.<sup>1</sup> پس ای برادران وقتی این آیه شریفه به ما می‌فرماید که آخرت شما پاداش عظیم است، پس چرا غفلت کنیم، پس چرا در راه خدا سلاحمان را به دست نگیریم و با دشمنان اسلام ستیز کنیم و بجنگیم. پس برادران رزمنده وصیت من به شما این است تا آنجا که قدرت در بدن دارید دشمنان اسلام را نابود کنید و اسلام عزیز را محفوظ نگه دارید و نگذارید منافقان از خدا بی‌خبر در این انقلاب رسوخ کنند و میدان مقدس جهاد در راه خدا بازار معامله‌ای است میان مجاهدان و خداوند و ما باید در این معامله جان و مال خود را ایثارگرانه در راه انقلاب و جمهوری اسلامی بدهیم که انشاءالله و به یاری خداوند سعادت جاودانه آخرت نصیب ما می‌گردد و از دوستان و آشنایان سلام می‌رسانم و از آنها خواهش می‌کنم اگر اشتباهی از ما سرزده است [ما را]<sup>2</sup> به بزرگی خود ببخشند و دوستان و آشنایان [را به]<sup>3</sup> امر به معروف و نهی از منکر و تقوا دعوت می‌کنم و سعی کنند [در این جهاد]<sup>4</sup> عظیم شرکت نمایند و از خانواده‌ام تقاضا [دارم]<sup>5</sup> که سلاح بر زمین افتاده ما را نگذارند بر زمین بیفتد به برادران و خواهرانم سلام می‌رسانم و از آنها خواهش می‌کنم که برای من ناراحت نشوند چون خودتان می‌دانید که در راه خدا رفتن<sup>6</sup> ناراحتی ندارد.

به امید پیروزی نهایی حق بر باطل

[والسلام]

و من [الله] التوفیق

رحمان عیدصید

1- ترجمه آزاد از آیه‌ای است که در صدر وصیت آورده است.

2- در اصل وصیت «ما را» افتاده است.

3- در اصل وصیت «را به» افتاده است.

4- در اصل وصیت ناخواناست اما با سیاق کلام «در این جهاد» می‌باشد.

5- در اصل وصیت «دارم» افتاده است.

6- در اصل وصیت «رفتند».



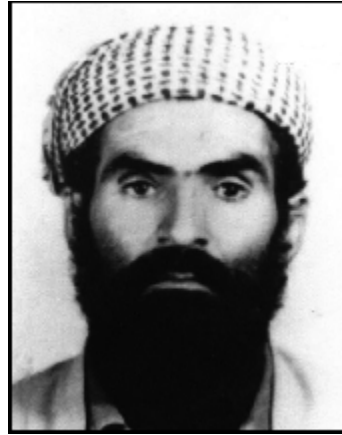
سر زنده خیزد بختشده کجا دانستیم  
 در غنیمت شرکت نهانید و از حمله اید تقاضا  
 امر به معروف و نهی از منکر و تقوا دست می کشیم و رسم می کشند  
 توسعه زمین بافتن خانه ما را اندازد زمین میفتد  
 مرکز استان را به دست آوردیم و مردم را به سرانجام رساندیم  
 در راه خدا رفته تا راه خدا در راهم

بسمه تعالی

... التوفیق



نام: علی عباس  
نام خانوادگی: غفاریا  
نام پدر: حیدر  
نام مادر: طاوس  
تاریخ تولد: یکم مهر 1322  
محل تولد: روستای صیدنظری از توابع  
شهرستان شیروان و چرداول  
تحصیلات: در حد خواندن و نوشتن  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: دوازدهم مرداد 1363  
محل شهادت: چنگوله مهران  
نحوه شهادت: انفجار مین و اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای امامزاده پیرحمزه شهرستان  
زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ وظیفه شرعی ما دفاع از اسلام است.
- ۱ باید به جبهه‌های حق علیه باطل بشتابیم و دفاع از این اسلام و انقلاب اسلامی کنیم.
- ۱ اگر جبهه‌ها نروید و جان خود را نثار اسلام نکنید اسلام پیروز نخواهد شد.
- ۱ فرزندان عزیزم همچنان در خط اسلام باشید.
- ۱ عزیزان من امام بزرگوار را تنها نگذارید و همواره مطیع او باشید.
- ۱ اگر قدر این نعمت خدایی را ندانید. خداوند هرگز ما را نخواهد بخشید.
- ۱ تا وقتی در صحنه هستید و ایمان به خدا دارید و وحدت کلمه شعار شماست خطری شما را تهدید نخواهد کرد.
- ۱ فرزندان عزیزم اگر من شهید شدم برای من هیچ ناراحت نباشید. چون من در راه اسلام جان خود را نثار می‌کنم.
- ۱ شهید شدن در راه اسلام مایه افتخار هر مرد مسلمانی می‌باشد.
- ۱ سالار شهیدان ما حسین ( 7 ) بهترین راه را برایمان انتخاب کرده است.

## علی عباس غفاریا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرَزِّقُونَ»<sup>1</sup>

با درود و سلام به امام امت خمینی بت‌شکن و امید پیروزی رزمندگان اسلام در جبهه‌های حق علیه باطل.

با درود و سلام فراوان به تمام شهیدان صدر اسلام از کربلای حسین گرفته تا کربلای ایران و به امید زیارت حرم مطهر حسین (7) همسر و فرزندان عزیزم سلامم علیکم. عزیزان من، در حال حاضر در زمانی زندگی می‌کنیم که اسلام عزیز و مظلوم مورد هجوم ابرقدرت‌های جنایتکار قرار گرفته است و وظیفه شرعی ما دفاع از اسلام است که باید به جبهه‌های حق علیه باطل بشتابیم و دفاع از این اسلام و انقلاب اسلامی کنیم به‌راستی می‌دانید که اگر جبهه‌ها نروید و جان خود را نثار اسلام نکنید اسلام پیروز نخواهد شد و فرزندان عزیزم همچنان در خط اسلام باشید که خوشبختی شما و سعادت دنیا و آخرت همه شما در آن می‌باشد و غیر از آن تباهی و نابودی است. عزیزان من امام بزرگوار را تنها نگذارید و همواره مطیع او باشید که راهش راه (علی (7)) و (حسین (7)) و امام زمان (عج) می‌باشد. بدانید که اگر قدر این نعمت خدایی را ندانید. خداوند هرگز ما را نخواهد بخشید و همچنان در صحنه باشید که تا وقتی در صحنه هستید و ایمان به خدا دارید و وحدت کلمه شعار شماست خطری شما را تهدید نخواهد کرد، در پایان اینجانب عباس غفاریا که مدت 5 سال است در جبهه‌های حق علیه باطل خدمت می‌کنم مدتی است که ما را به جبهه چنگوله<sup>2</sup> که حساسترین جبهه‌ها می‌باشد اعزام نموده‌اند یا فرزندان عزیزم اگر من شهید شدم برای من هیچ ناراحت نباشید، چون من در راه اسلام جان خود را نثار می‌کنم. و این راه را در اوایل جنگ خودم انتخاب کرده‌ام. برای اینکه راه ما راه انبیاء

1- آل عمران/ 169.

2- ر.ک. تعلیقات.

می‌باشد، و دفاع از اسلام وظیفه شرعی همگی ماست تنها [وصیتی]<sup>1</sup> که به فرزندان عزیزم دارم این است که فرزندانم بعد از من دنبال درس بگیرید و با مادران مهربان باشید و او را برای یک لحظه از خود نرنجانید،<sup>2</sup> چون در غیر اینصورت من شما را نخواهم بخشید.<sup>3</sup> [...] <sup>4</sup> برادران کوچکتان را با مهربانی نوازش کنید. فرزندم عباسعلی شما مسئولیت سنگینی برعهده دارید که باید این مسئولیت را به نحو احسن انجام دهید. انشاءالله

وصیت به برادران هم‌رزم عباس نظری و علی حسین نظری و بقیه هم‌زمان که در یک سنگر هستیم اگر من شهید شدم با جنازه من سنگر بسازید از خاک و ناموس حکومت اسلام دفاع کنید و برای شهید شدن من هیچ ناراحت نباشید و روحیه خود را کاملاً حفظ کنید. چون از زمانی که من مسئولیت فرماندهی گروه عملیات تیپ «امیرالمؤمنین ( 7 )» را بر عهده گرفتم کلمه شهید را بر روی خود گذاشتم. که شهید شدن در راه اسلام مایه افتخار هر مرد مسلمانی می‌باشد، چون سالار شهیدان ما حسین<sup>5</sup> ( 7 ) بهترین<sup>6</sup> راه را برایمان انتخاب کرده است.

«والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته»<sup>7</sup>

---

1- در اصل وصیت واژه «وصیتی» افتاده است.

2- در اصل وصیت «نرنجانید».

3- در اصل وصیت «من از شما خواهم بخشید».

4- خوانا نیست.

5- در اصل وصیت «ماه حسین».

6- در اصل وصیت خوانا نیست. به سیاق عبارت باید واژه «بهترین» باشد.

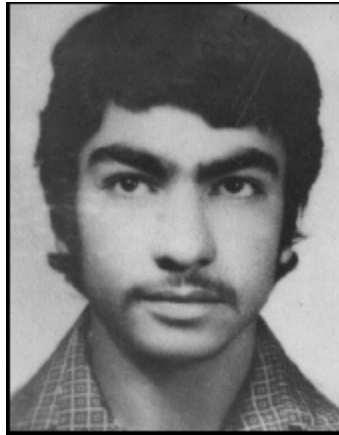
7- در اصل وصیت «و سلام و رحمة الله» است.







نام: علی  
نام خانوادگی: غلام حسینی  
نام پدر: احمد بیگ  
نام مادر: فانوس  
تاریخ تولد: سی ام شهریور 1344  
محل تولد: روستای کلی کلی از توابع شهرستان  
شیروان و چرداول  
تحصیلات: سوم راهنمایی  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: دهم مرداد 1362  
محل شهادت: مهران  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



## عبارت های کلیدی

۱ پدر و مادر هیچ وقت ناراحت نباشید این یک خدمت بزرگی است به اسلام می کنیم.

## علی غلامحسینی<sup>1</sup>

### بسم الله الرحمن الرحيم

[...] <sup>2</sup> پرودگارا ما را ببخش. این وصیت نامه برادر علی غلامحسینی است. پدر و مادر هیچ وقت ناراحت نباشید <sup>3</sup> این یک خدمت بزرگی است به اسلام می‌کنیم و در پیش خدا هم این خدمت دارم. وصیت من است مادرم [بابت] <sup>4</sup> شیری که به من داده حلالم کند. پدرم برای من که زحمت زیادی کشیدی <sup>5</sup> مرا می‌بخشی و حلالم می‌کنی <sup>6</sup> و یا پدر و مادر ناراحت نباشید که برای من اگر کشته شوم مثل میوه‌ای که [ثمر داده] <sup>7</sup> پس مادر حلالم کن دم <sup>8</sup> آخر یا پدر عزیزم مرا می‌بخشید یا پدر عزیزم 20 تومان خورشید محمد نیاکان از من دارد و آن را واگذار کنند و اگر کسی از یاد من پولی دارد به پدر و مادر تا آن را به شما بدهند و اگر به شما نگفتند حلالم کند. به رفیق من دوستان من بگویید که شاید در پیش من پولی داشته باشد. برادران و خواهر کوچکم ثریا من را می‌بخشند.

---

1- بالای وصیت نامه نوشته شده است: «وصیت نامه شهید در تاریخ 62/5/1».

2- خوانا نیست.

3- در اصل وصیت «نباشد».

4- در اصل وصیت «بابت» افتاده است.

5- در اصل وصیت «کشید».

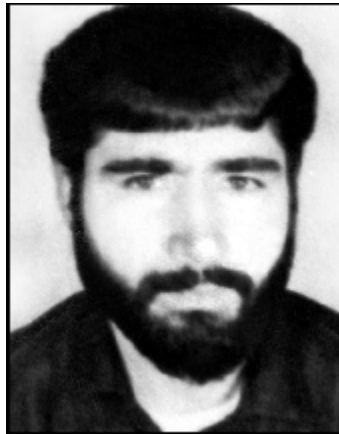
6- در اصل وصیت «می‌کنیم».

7- در اصل وصیت «داده».

8- در اصل وصیت «دمه».

در تاریخ ۱۳۴۰  
بسمه تالی - وصیت نامه  
میرزا محمد باقر خان برونگار - بابا محمد علی - این دست نام برادر علی بن محمد  
برادر بزرگوار و بی وقوف ناراضه نباشد اینم خدمت در گنج  
ایست. به اسلام گنج و در پیش خدا هم این خدمت دارم  
و سست من است مادر محبتی که به من داد و حال کن  
تا درم بر او حق خدمت زیادش کنه. مرا به بیعت و حال کن  
و تا به برادر مادر ناراضه نباشد که بر او حق من اگر نشسته قدم  
بکنم میوه که داد به مادر و حال کن که آخر تا به برادر نام مرا  
من بپوشید یا به برادر نام که همان خود شنید می نیامان اگر  
من در فرود آن را مرا از فرود بکنم و اگر کسی از آن که من بپوشد به برادر نام  
تا آنرا بر شش برهنه یا اگر شش بگفتند حال کن که به رفیق من در استان من بگویم  
که شش از شش من بپوشد داشته است. برادران و خواهر که بگویم ترا حق را  
به بپوشید

نام: آصف  
نام خانوادگی: فتاحی  
نام پدر: بسطام بیگ  
نام مادر: کافیه  
تاریخ تولد: هفتم مرداد 1344  
محل تولد: روستای زنگوان از توابع  
شهرستان شیروان و چرداول  
تحصیلات: در حد خواندن و نوشتن  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: بیست و نهم اسفند 1366  
محل شهادت: حلیچه عراق  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: بخش صالح آباد از توابع شهرستان  
مهران



## عبارت‌های کلیدی

- ا ای برادر محترم، کمی درباره عظمت و قدرت پروردگار جهان فکر کن.
- ا از عالم مادیات به عالم معنویات پرواز کنی و از عالم معنویات تا سر حد لقاء الله.
- ا تو ای برادر و خواهر به قیامت و مرگ و صحرای محشر بیندیشید.
- ا پشتیبان ولایت فقیه باشید.
- ا خدایا دنیا برایم تنگ شده. از دنیا با آن همه جار و جنجال و فریبندگی و پوچی‌اش بیزار گشته‌ام.
- ا خدایا ما را از خواب جهل و نادانی بیرون آور و با نور خود ما را هدایت فرما.
- ا من رفتم تا شاید دین خود را نسبت به اسلام ادا کرده باشم.
- ا دعا کنید خداوند شهادت مرا قبول کند و آن را سبب آمرزش گناهانم قرار دهد.
- ا سعی کنید هر لحظه زندگی‌تان با لحظه قبلی فرق کرده باشد.
- ا خدایا با تار و پود وجودم از تو می‌خواهم که سعادت شهادت در راهت را به من عطا کنی.
- ا من راهم را انتخاب کرده‌ام و تا آخرین قطره خونم ایستاده و به یاری خدا، خواهم ایستاد.

## آصف فتاحی

### بسم الله الرحمن الرحيم

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ»<sup>1</sup>

مرغ باغ ملک‌وتم نیم از عالم خاک چند روزی قفسی ساخته اند از بدنم<sup>2</sup>

بنام الله یگانه پاسدار حرمت خون شهدا و به‌نام خدایی که می‌آفریند و می‌میراند و به‌نام مادرانی که به جای آرزوهای<sup>3</sup> دور و دراز مرگ فرزندشان را در بغل می‌فشارند. ای برادر محترم تنگی و تاریکی را در نظر آور، آنگاه فکر کن که چگونه زیستن را و چگونه مردن را انتخاب کنید. کمی دربارهٔ عظمت و قدرت پروردگار جهان فکر کن، سپس حقارت و ضعف خود را مشاهده کن. در اینجاست که آدم می‌فهمد پروردگارش با آن بزرگی چه متنی و چه مقامی به آن انسان حقیر گذارد و انسان چقدر ناسپاس است. پس تو ای خواهر و ای برادر مواظب باشید، جزء زیان‌کاران نباشید و دنیا شما را پای‌بند خود نکند و از عالم مادیات به عالم معنویات پرواز کنید و از عالم معنویات تا سر حد لقاءالله و در این راه به رحمت خدا امیدوار باشید. تو ای برادر و خواهر به قیامت و مرگ و صحرای محشر<sup>4</sup> بیندیشید، و برای یادآوری به مزار شهدا زیاد بروید و حرمت اهل بیت (ع) را در دلتان زنده کنید، پشتیبان ولایت فقیه باشید، امامان را دعا و یارش<sup>5</sup> باشید.

[...]<sup>6</sup> درگاه خداوند گردید. خدایا بیامرز گناهان ما را و بپذیر توبهٔ ما را و مرگم را شهادت قرار ده، خدایا ما را از خواب جهل و نادانی بیرون آور و با نور خود ما را هدایت فرما. خدایا دنیا برایم تنگ شده. دلم گرفته است. می‌خواهم آزاد شوم. شوق دیدارت مرا از خود بی‌خود کرد. از دنیا با آن‌همه جار و جنجال و فریبندگی و پوچی‌اش بیزار گشته‌ام. پدر و مادر عزیزم من رفتم تا راه را برای بیداری افکار و دیدن حقایق برای شما باز کنم.

1- آل‌عمران/ 169. در اصل وصیت «قتلو» و «امواته».

2- شعر از غزلیات شمس تبریزی است.

3- در اصل وصیت «آرزوهای».

4- در اصل وصیت «مشهر».

5- در اصل وصیت «یارش».

6- خوانا نیست.

پیش خود فکر کرده‌ام که ماندن ننگی است ابدی و دیگر با هیچ چیز این ننگ پاک نخواهد شد. من رفتم تا شاید دین خود را نسبت به اسلام اداء کرده باشم. حال دیگر در میان شما نیستم، فقط از شما خواهش می‌کنم که دعا کنید، خداوند شهادت مرا قبول کند و آن را سبب آموزش گناهانم قرار دهد. فقط بیم از آن دارم که بمیرم و عمرم در دنیا به هدر رفته باشد و در غوغا و جنجال فریبنده دنیا مدفون شده باشم. شما دیگر زندگی خود را به هدر ندهید. عمر عزیز را در پوچی دنیا صرف نکنید. سعی کنید هر لحظه زندگی‌تان با لحظه قبلی فرق کرده باشد. با شدت و راحتی و سختی و آسانی زندگی دنیایی با احتیاط برخورد نمایید، که شیطان در کمین شماست و شیطان بد یآوری برای شماست و در این راه فقط از قرآن و سنت رسول‌الله (6) یاری بجویید.

ای خدای من سپاس می‌گویم از آنکه نور حقیقت را در قلب من تاباندی و این قلب سرد و خاموش را با نور عشق فروزانت [...] <sup>1</sup> و قلب پر تلاطم را با یادت آرام بخشیدی که «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» <sup>2</sup> پروردگارا با قلبی سرشار به تو و با قلبی دردمند از عشق تو و با وجودی آکنده از ایمان به تو به درگاہت روی آورده‌ام و می‌دانم که ناامیدم نخواهی کرد.

پروردگارا تو را به جلال و عظمت و کرمات سوگند می‌دهم که لحظه‌ای این بنده حقیر و گناهکار را به حال خود وامگذاری از آنکه بی لطف تو تباهم. خدایا با تار و پود وجودم از تو می‌خواهم که سعادت شهادت در راحت را به من عطا کنی و این را بدانید که من راهم را انتخاب کرده‌ام و تا آخرین قطره خونم ایستاده و به یاری خدا، خواهم ایستاد و در آخر از همه دوستان و آشنایانم حلالیت می‌طلبم.

«والسلام<sup>3</sup> علیکم ورحمة الله و برکاته»

66/7/15

الحقیر آصف فتاحی

1- خوانا نیست.

2- رعد/ 28.

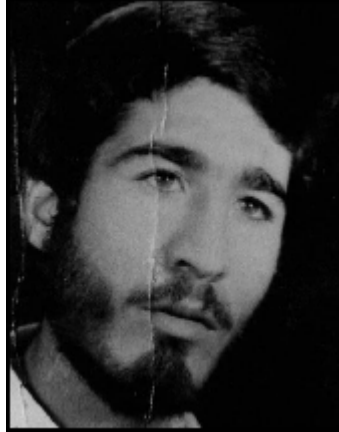
3- در اصل وصیت «و سلام».







نام: عبدالله  
نام خانوادگی: فتاحی  
نام پدر: کاظم  
نام مادر: هاجر  
تاریخ تولد: نهم آذر 1338  
محل تولد: بخش صالح آباد از توابع شهرستان مهران  
تحصیلات: دیپلم  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: نوزدهم فروردین 1362  
محل شهادت: روستای گره شیر شهرستان زادگاهش  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: زادگاهش



## عبارت های کلیدی

- ۱ | برادران عزیز من می دانم شهید می شوم.
- ۱ | افتخار می کنم که راه خوبان را ادامه بدهم.
- ۱ | ای همسنگران هدف معلوم است، ولی روز موعود معلوم نیست.
- ۱ | من به راه حسین ( 7 ) رفته ام و اگر شهید نشوم باید راه یاران علی ( 7 ) بروم.
- ۱ | همسرم تو باید زینب وار از حرمت شهیدان دفاع کنی.
- ۱ | ای برادران بجنگید که پیروزی نزدیک است.
- ۱ | من هم می جنگم و از خاکم و دینم دفاع و از رهبرم طرفداری می کنم.

## عبدالله فتاحی

### بسم الله الرحمن الرحيم

درود بر خمینی یگانه مرد ایثار در جهان حاضر

سلام به خانواده عزیزم

امیدوارم حالتان خوب باشد. باری برادران عزیز من می دانم شهید می شوم و افتخار می کنم که راه خوبان را ادامه بدهم. باری برادران، ای همسنگران هدف معلوم است ولی روز موعود معلوم نیست، ولی نزدیک است. اگر در این راه شهید شدم چه بسا راه حسین (7) رفته ام و اگر نشوم باید راه یاران علی (7) را بروم.

به همسر سلام، ای همسر عزیز زینب وار باش. مبادا ناراحت شوید شیون نکن بلکه شادی کن، زیرا<sup>1</sup> تو باید زینب وار از حرمت شهیدان دفاع کنی و هم قطارانم مقاومت کنی که شما حق هستید. باری ای برادران بچنگید که پیروزی نزدیک است. من هم می جنگم و از خاکم و دینم دفاع و از رهبرم طرفداری می کنم با خون خود<sup>2</sup>. به تمام اقوام<sup>3</sup> سلام، به تمام دوستان سلام، از همه شما حالیت طلب می کنم. ای برادر جعفر راهم را ادامه بده که تو لایق راه منی.

## عبدالله فتاحی

به دایی ام سلام. به دایی بزرگم سلام که دایی خوبی بود.

---

1- در اصل وصیت «ذیر».

2- «خود» جا افتاده، بهتر است باشد.

3- در اصل وصیت «قومان».

بسم الله الرحمن الرحيم  
 درود بر همتی دغا نه بود ابتداء در مهال حاضر  
 سلام به خانواده محترم  
 امیروارم حالتان خوب باشو باری برادر عزیز من  
 می رانم شهید می شوم و افتخاری تم به راه فرزندان الهه  
 قدم باری برادران ای صبرتان هدف معلوم است ولی  
 روز بعد معلوم نیست ولی نزدیک است اگر در این راه شهید  
 شوم هم بی راه من رفته ام و اگر شوم بایم راه فرزندان علی بروم  
 به هم بر سلام ای عزیز من نزدیک و در این صمیمیت امانت  
 شریک استون بن سلام شما در این ذریه توانا بد نیست طرز امر  
 مستوران ذوق کفر هم صمیمیت امانت کما که ترا علی عهد  
 باری ای برادران صمیمی که بی روزی نزدیک است من هم  
 می غمگم و از فاکم و درین زمان و از رهبر هم طرفدار می شوم با خود  
 به نام صوما سلام به نام دوست سلام از همه تا حمله طلب می شوم  
 ای برادر عزیز نام را ادب کرده که تولا ای راه می شوم

بسم الله الرحمن الرحيم  
 درود بر همتی دغا نه بود ابتداء در مهال حاضر  
 سلام به خانواده محترم  
 امیروارم حالتان خوب باشو باری برادر عزیز من  
 می رانم شهید می شوم و افتخاری تم به راه فرزندان الهه  
 قدم باری برادران ای صبرتان هدف معلوم است ولی  
 روز بعد معلوم نیست ولی نزدیک است اگر در این راه شهید  
 شوم هم بی راه من رفته ام و اگر شوم بایم راه فرزندان علی بروم  
 به هم بر سلام ای عزیز من نزدیک و در این صمیمیت امانت  
 شریک استون بن سلام شما در این ذریه توانا بد نیست طرز امر  
 مستوران ذوق کفر هم صمیمیت امانت کما که ترا علی عهد  
 باری ای برادران صمیمی که بی روزی نزدیک است من هم  
 می غمگم و از فاکم و درین زمان و از رهبر هم طرفدار می شوم با خود  
 به نام صوما سلام به نام دوست سلام از همه تا حمله طلب می شوم  
 ای برادر عزیز نام را ادب کرده که تولا ای راه می شوم

نام: گودرز  
نام خانوادگی: فتاحی  
نام پدر: اکبر  
نام مادر: ریحان  
تاریخ تولد: بیست و سوم شهریور 1322  
محل تولد: روستای میر از توابع شهرستان مهران  
تحصیلات: در حد خواندن و نوشتن  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: بیست و هشتم مهر 1366  
محل شهادت: ششدار ایلام  
نحوه شهادت: ضربه مغزی  
مزار: بخش صالح آباد شهرستان زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ حیات یعنی مرگ سرافراز و مرگ یعنی زندگی سر بزیر.
- ۱ بار پروردگارا در راهی که قدم نهادم یاری بنما.
- ۱ ای دوستم، ای معبودم و ای مقصودم، توفیقی عنایت کن که همیشه یادم باشی.
- ۱ با سلام فراوان به امام امت که ما را از ظلمت به روشنایی هدایت کند.
- ۱ شهیدان شمع محفل بشریتند، خود می‌سوزند و نورافشانی می‌کنند.
- ۱ از همسر می‌خواهم که فرزندانم را خوب تربیت کن.
- ۱ همسر، زینب‌وار در مقابل بلا یا استقامت بنماید.
- ۱ هر وقت خواستید برای من گریه کنید، شهیدان کربلا را به یاد بیاورید.
- ۱ امام امت ما را از ظلمت به روشنایی هدایت کرد.

گودرز فتاحی<sup>1</sup>

## بسم الله الرحمن الرحيم

«والحياة لموتكم قاهرين و الموت الحياتكم مقهورين»<sup>2</sup> (امام حسین (7))

حیات یعنی مرگ سرافراز و مرگ یعنی زندگی سر بزیر. با سلام بر امام امت و امت امام و شهیدان گران قدر و رزمندگان کفرستیز جبهه‌های نور علیه ظلمت. در زمانی این را می‌نویسم که خون در عروقم به جوش آمده و خود را در مقابل خداجویان تنهاترین تنها و در زمانی که بیش از پیش به نصرت و یاری نیازمندیم.

در زمانی که خود را گناهکار و او را بخشنده‌ترین بخشنده‌ها و بالاخره در زمانی تنها امیدم اوست. بار پروردگارا در راهی که قدم نهادم یاری بنما و توفیق خدمتگزاری به آستانت را نصیبم گردان.

ای دوستم، ای معبودم و ای مقصودم توفیقی عنایت کن که همیشه یادم باشی تا که به یادت باشم و باز با سلام فراوان به امام امت که ما را از ظلمت به روشنایی هدایت کند و با سلام بر خانواده‌ام اعم از پدر و مادری که نتوانسته‌ام فرزندی لایق برایشان باشم و اقوام، دوستان و همسنگرانم و همچنین بر عیال و بچه‌هایم که امیدوارم ادامه دهنده راه شهیدان باشند زیرا «شهیدان شمع محفل بشریتند»<sup>3</sup> خود می‌سوزند و نورافشانی می‌کنند. مسئولیت بسیار عظیمی یعنی رسالت انقلاب را بر ما بجا می‌گذارند. حقیر<sup>4</sup> پیامی ندارم جز این گفته و بیان علی (7) که «در کارهایتان نظم داشته باشید و تقوا را پیشه کنید»<sup>5</sup> حلالیت را از پدر و مادرم خواسته و از همسرم می‌خواهم که فرزندانم را خوب تربیت کن و خود زینب‌وار در مقابل بلایا استقامت بنمایید و هر وقت خواستید برای من گریه کنید. شهیدان کربلا را به یاد بیاورید.

1- بالای وصیت‌نامه آمده است: «وصیت‌نامه سرور رشید سپاه اسلام شهید گودرز فتاحی».

2- فرهنگ عاشورا، جواد محدثی، ص 268.

3- عبارت امام این است: «شهدا شمع محفل بشریتند». (صحیفه امام، ج 19، ص 498).

4- در اصل وصیت «حقیرم».

5- ترجمه این حدیث علوی است «وصیکم بتقوی الله و نظم امرکم» (نهج البلاغه، ترجمه سیدجعفر شهیدی).

و در پایان از همه قوم و خویشان و آشنایان می‌خواهم که مرا در هنگام دعا فراموش  
نکنید و برایم از خداوند منان طلب مغفرت بنمایید.  
خدایا خدایا تا انقلاب مهدی (عج) خمینی را نگاه‌دار

65/9/23

گودرز فتاحی







نام: قدرت اله  
نام خانوادگی: فتاحی پور  
نام پدر: اسماعیل  
نام مادر: بهجت  
تاریخ تولد: پنجم خرداد 1345  
محل تولد: بخش صالح آباد از توابع شهرستان مهران  
تحصیلات: دانش آموز  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: دوازدهم آذر 1363  
محل شهادت: دهلران  
نحوه شهادت: اصابت گلوله  
مزار: گلزار شهدای زادگاهش

## عبارت های کلیدی

- ا آمده ام تا من نیز در احیاء دین مبین اسلام و به ثمر [رساندن] انقلاب شریک باشم.
- ا خداوند کالایی را خوب می خرد و آن هم جان است.
- ا خداوندا انشاء الله شهادت را نصیب من گنه کار گرداند.
- ا شهادت یک انتخاب است، مرگ نیست، حیات است.
- ا شهید شاهد است و سمبل است.
- ا به انسان های دیگر درس می دهد که راه شهید را انتخاب کند.
- ا پس از شهادت، لقاالله است.
- ا از شما خواهش می کنم که قلب پاک امامان را ناراحت نکنید.
- ا امام امت یک موهبتی الهی است که خدا بر ما منت نهاده است.
- ا شهید به انسان های دیگر درس می دهد که راه شهید را انتخاب کنند.

## قدرت اله فتاحی پور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ»<sup>1</sup>

«خدا آن مومنانی را که در صف جهاد با کافران مانند سد آهنین هم‌دست و پایدارند بسیار دوست می‌دارد.»

با سلام به مهدی موعود امام زمان (عج) و با سلام و درود به رهبر کبیر انقلاب اسلامیمان امام خمینی و سلام به پدر و مادرم و برادران و خواهران و بر همه دوستان و آشنایانم، امروز که دارم وصیت‌نامه می‌نویسم در یکی از سنگرهای مهران به سر می‌برم و منتظر دیدار با معشوقم می‌باشم. آمده‌ام اینجا چون تشخیص داده‌ام فعلاً تنها جای دیدار با معبود اینجا است. آمده‌ام تا شاید سهمی داشته باشم در ریشه‌کن کردن ضد انقلاب و بیرون کردن متجاوزین. آمده‌ام تا من نیز در احیا دین مبین اسلام و به ثمر [رساندن]<sup>2</sup> انقلاب شریک باشم. در این لحظه خون در رگ‌هایم می‌جوشد و نمی‌توانم درست چیزی<sup>3</sup> بنویسم چون مسئولیتی که بر عهده گرفته‌ام بر دوشم سنگینی می‌کند و از طرفی خوشحال هستم که شاید بتوانم به این صورت کمی از مسئولیت سنگینی که بر دوشم هست [را] ادا کنم. در این لحظه می‌دانم که دیگر شب‌های آخر است که با بچه‌ها دور هم هستیم و پس از آن دیگر بسیاری از بچه‌ها را نمی‌بینم، ولی من که گنه‌کارم و من که درجا مانده‌ام، میدانم که خداوند کالایی را خوب می‌خرد و آن هم جان است.<sup>4</sup> ولی من می‌ترسم که کالای من گندیده باشد وای بر من! چه کنم که کالایم از بین رفته است. حالا دیگر چگونه و با چه روبروی معبودم بایستم و آیا حالا چگونه در خانه خدا را بزنم «یا ارحم الراحمین و یا غیاث المستغیثین» خداوندا انشاءالله شهادت را نصیب من گنه‌کار گرداند، تا شاید به این

1- صف / 4.

2- در اصل وصیت ناخواناست. اما به سیاق عبارت باید «رساندن» باشد.

3- در اصل وصیت «چیز».

4- عبارت شهید ترجمه فرازی از آیه 111 سوره توبه «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنَّهُمْ لَخَبَّةٌ...»

صورت... شهادت یک انتخاب است مرگ نیست حیات است و شهید شاهد است و سمبل است و به انسان‌های دیگر درس می‌دهد که راه شهید را انتخاب کند و این راه را ادامه دهند تا به سعادت برسند پس از شهادت لقاءالله است و دیدار معشوق.

دوستان، عزیزان، برادران، از شما خواهش می‌کنم که قلب پاک امامان را ناراحت نکنید. با اعمال و حرکتتان او را نیازارید و نرنجانید که می‌دانم خود بهتر می‌دانید که امام امت یک موهبتی الهی است که خدا بر ما منت نهاده و این پیر کبیر و سیاست‌مدار بزرگ دنیا را به ما ارزانی داده است. سعی کنید حرف‌هایش را الگو قرار دهید. هرچند که من خلاف عمل کردم. پدرم مادرم و خواهران و برادران عزیزم می‌دانم که هرچه هستم و اگر بنده محبوبی باشم نزد خدا بیشتر آن را مرهون زحمات شماست. شما بودید که از ابتدای تولدم من را به این صورت بار آوردید و خط فکری من را جهت دادید از این بابت تشکر می‌کنم و امیدوارم انشاءالله در آخرت در دیدار بعدی این زحمات را جبران کنم.

«آمین یا رب العالمین»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وصیت نامه برادر محترم الله تبارک و تعالی

ان الله يحب الذين يتاملون في سبيله فانما كانوا بين يدي رحمتي

خدا آن مومنانی را که در صف جهاد با کافران مانند سداکسین هم دست و پا می زنند  
بسیار دوست تر دارد.

با سلام و به مهدی سعید امام زمان (عج) و با سلام و درود به رهبر کبریا انقلاب  
اسلامیانی امام خمینی و سلام به پدر و مادرم و برادران و خواهران و بر همه دوستان  
و آشنایانم امروز که دارم وصیت نامه می نویسم در یکی از سنگهای مهرازی بسوی برسم  
و منتظر دیدار با معشوقم می باشم آمده ام اینجا چون تشخیص داده ام فعلاً تنها جایی  
دیگر با معبود اینها است آمده ام تا هر شایه سهمی داشته باشم در رویت کن کردن خدا  
انقلاب و بیرون کردن متجاوزین آمده ام تا من نیز در جوار رحمت حقین اسلام و بده شکر

مرا در این راه بسیار سزاوار است که در این لحظه خون در رگهایم می جوشد و نمی توانم درست چیزی بنویسم  
 چون مسئولیتی که بر عهده گرفته ام بر دوشم سنگین می آید و از طرفی خوشحال هستم که شاید بتوانم به  
 این صورت کمی از مسئولیت سنگینی که بر دوشم هست ادا کنم در این لحظه می دانم که دیگر شهادت  
 آخر است که با آنچه فالور هم هستیم و پس از آن دیگر بسیاری از چه ها را نمی بینم ولی من  
 من که گنگارم و من که در جمانده ام می دانم که خداوند کالای را خوب می خورد و آبی هم جان  
 است ولی من می ترسم که کالای من گنبدیده باشد و این بر من چه کنم که کلام از من رفته است  
 حالا دیگر چگونه و با چه روی و چه بودم با بستم و آیا حالا چگونه در خانه خدا را بنویسم یا  
 ارم الرامین و یا فیات المستغین خداوند انصار بر ائمه شهادت را نصیب من نگار  
 که مانند تا شاید این صورت ... شهادت یک انتی ب است هرگز نیست حیات است  
 و شهادت هر است و سهل است و به انسانها دیگر در صل می دهد که راه شهید را از تنیب

هر که بنا بر این کارها ادا دهد تا به سعادت برسد پس از شهادت لقاء اله است و در این راه  
 دهستان، عزیزان، برادران، از شما خواهش میکنم که قلب پاکه ایما مان و اناناد است بکنید  
 با اعمال و حرکتان او را نیاز دارید و فرجه نید که من دایم خود بگیری دانید امام است که موهستی الهی  
 است که خدا بر ما سنگ نهد و این بر کتیر و بسیار است و بزرگ دنیا و ما به ما از زانی داده است  
 می کشید خرفایش را الگوی خود کرد و هر چه صد که من خلاف عمل کردم بدم، مادرم و  
 انواران و برادران عزیز من دایم که هر چه هستم و اگر بندگان با شتم نزد خدا بیشتر کنی را  
 موهبتی موهون رحمت شما است تمام بودید که از انشاء من تولد من را به این صورت یاد کردیم  
 و خط فکری من را بهت دادیم از این بابت تشکر من کنم و امیدوارم انشاء الله خدا فرست  
 در دیدار بعدی این رحمت را جبران کنم. آمین یا رب العالمین:

نام: علیرضا  
نام خانوادگی: فتحی زاده  
نام پدر: حسن بگ  
نام مادر: خاور  
تاریخ تولد: سال 1336  
محل تولد: روستای بانقلان از توابع شهرستان ایلام  
تحصیلات: در حد خواندن و نوشتن  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: هشتم اسفند 1362  
محل شهادت: چنگوله  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: بخش صالح آباد از توابع شهرستان مهران



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ اگر شهید شدم به مادرم بگو کمتر خودش [را] ناراحت کند.
- ۱ شهادت افتخار است.



علیرضا فتحی‌زاده<sup>1</sup>

## بسم الله الرحمن الرحيم

به‌نام خداوند تبارک و تعالی، سلام و درود فراوان به رهبر کبیر انقلاب و بنیان‌گذار<sup>2</sup> جمهوری اسلامی ایران. درود بر رزمندگان اسلام و شهیدان راه اسلام. درود بر امت شهیدپرور ایران. وصیت‌نامه را چنین آغاز می‌کنم پول [ی] که در قرض در پیش مردم دارم [...] <sup>3</sup>تومان پول یک ماشین آجر پیش حسینعلی درخش دارم. [...] <sup>4</sup>تومان پول نقد دایم خدابخش. [...] <sup>5</sup>تومان خلیل روستایی اگر سه ماشین خاک برایم آورده خوب و اگر نیاورده [...] <sup>6</sup>تومان را از آن بگیرید و قرض هیچ‌کسی پهلوی من نیست. باری یا پدر اگر شهید شدم کارخانه‌ای که طرح‌ریزی کردم درست کن. اگر زنم ایستاد چه بهتر و اگر نایستاد<sup>7</sup> برای بچه‌هایم بگیرد. اگر شهید شدم به مادرم بگو کمتر خودش [را] ناراحت کند<sup>8</sup> چون که شهادت افتخار است و مبلغ [...] <sup>9</sup>تومان پیش حیدر نظربگی<sup>10</sup> دارم. [...] مقداری پول علیرضا - قدرت فتحی‌زاده پیش حیدر نظربگی دارم.<sup>11</sup>

## «والسلام»

از جای من از اقوام<sup>12</sup> و خویشان بگو اگر ناراحتی از من دیده‌اند حلال کنند. به امید زیارت کربلا و نجف اشرف.

---

1- بالای وصیت‌نامه آمده است: «وصیت‌نامه شهید علیرضا فتحی‌زاده».

2- در اصل وصیت «بنیان‌گذار».

3- در اصل وصیت مبلغ خط خورده است.

4- در اصل وصیت مبلغ خط خورده است.

5- در اصل وصیت مبلغ خط خورده است.

6- در اصل وصیت مبلغ خط خورده است.

7- در اصل وصیت «نه ایستاد».

8- در اصل وصیت «ناراحت خودش کند».

9- در اصل وصیت مبلغ خط خورده است.

10- در اصل وصیت «هیدر نظربگی».

11- در اصل وصیت «داریم».

12- در اصل وصیت «قومان».

خداوند تبارک و تعالی سلام درود فراوان به غیره کبیر انقلاب  
مکتب عالی کتبی حضرت امام علی (ع) درود بر زنده گان اسلام و شهیدان  
راه اسلام و پیغمبران صلوات الله و درود بر است شهید پرویز در ایران وصیت نامه را  
چنین آغاز می کند یوله که در قرضه کبیر پیش و در مدارج منور تومانی  
یوله تک ما شین آکمز پیش عینی در عشق دارم تومانی یوله نقد  
چاییم هدا بخش تومانی خلیل روستائی کز ما شین خاک  
سرایم آلوده خوب و آلوده نیارده تومانی را از آن بگنبد  
و قرضه هیچ کس بودی من نیست ماری یا به را که شهید شد کار خانهای  
که طرح ریزی کردم زکات کن اکثر از استاد چه سنده و اکثر نه است در برای  
په فایم کلید اکثر شهید دارم به ادم بگو که کتبه با امانت خودش کند چون که  
شاد است افتخار است و صلوات تومانی پیش شهید و نظر کن دارم

قد ارادے علیہ السلام قسب عقی نژادہ پڑیں عیدہ تفریحی

علاء الدین ایثارگران

والسلام

رزقایی من لہ فومانی و حویجان نبوی لکن ناراضی از من دیدہ اند علیہ السلام  
بہ امید زیارت قبول و بیعت اشرف

علی



نام: ملا  
نام خانوادگی: فرجی  
نام پدر: کمرخان  
نام مادر: سلطان  
تاریخ تولد: چهاردهم شهریور 1329  
محل تولد: شهرستان مهران  
تحصیلات: -  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: بیست و پنجم بهمن 1362  
محل شهادت: ایلام  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای بخش صالح آباد از توابع زادگاهش

## عبارت‌های کلیدی

- ا کاش آن موقع، زمانی که امام حسین ( 7 ) فریاد مزد کیست که هم‌رته من بیاید، زنده بودم و می‌رفتم.
- ا اکنون هم درست در همان دوران قرار گرفته‌ایم. زمانی که باید به ندای «هل من ناصر ینصرنی» لبیک بگوییم.
- ا اگر زمانی خبر شهادت مرا به شما رساندند بگویید انا لله و انا الیه راجعون، مبادا ناراحت بشوید بلکه افتخار کنید.
- ا مبارزه با دشمن از طریق صحبت کردن، خودش یک نوع جهاد است.
- ا تا آخرین قطره خون ادامه دهنده راه عزیزان باشید.
- ا چه پیروز بشویم و چه شهید بشویم، هر دو راه پیروزی است.
- ا اینکه جوان‌های عزیز ما شهید می‌شوند، شکست نیست بلکه پیروزی بزرگی است.

## ملا فرجی

## بسم الله الرحمن الرحيم

## به نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان

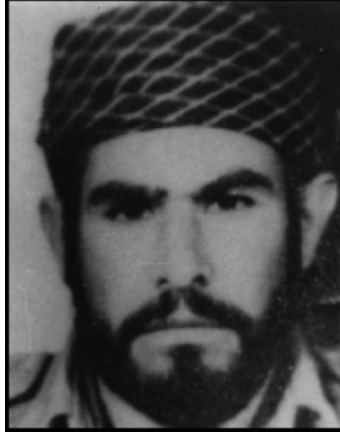
با درود و سلام بی‌کران به رهبر کبیر انقلاب خمینی بت شکن و با سلام و درود به ارواح پاک شهدای صدر اسلام و با سلام به رزمندگان همیشه در صحنه و امت بیدار و مبارز ایران.

اکنون که قلم به دست گرفته و دارم وصیت‌نامه می‌نویسم به یاد شهدای صدر اسلام افتادم. کاش در آن موقع زنده بودم زمانی که امام حسین (7) فریاد می‌زند کیست که همراه با من بیاید؛ می‌رفتم. اکنون هم زمانش نگذشته. درست در همان دوران قرار گرفته‌ایم. زمانی که باید به ندای «هل من ناصر ینصرنی» لیک بگویم آیا کمال خوشبختی نیست که انسان همانند امام حسین (7) قطره خون خود را در راه اسلام و در راه خلق خدا هدیه نمود. بر فرد فرد ما واجب است که اکنون که یک بعثی به ما هجوم آورده دفاع نماییم. من به جبهه می‌روم و اگر زمانی خبر شهادت مرا به شما رساندند در جواب بگویید «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»<sup>1</sup> مبدا ناراحت بشوید بلکه افتخار کنید به دشمن اجازه ندهید استفاده بکند با آنها سخت مبارزه بکنید چرا که مبارزه با دشمن از طریق صحبت کردن خودش یک نوع جهاد است. من از شما خواهان و برادرانم انتظار دارم که تا آخر [ین] قطره خون ادامه دهنده راه عزیزان باشید که به قول امام عزیزمان چه پیروز بشویم و چه شهید بشویم هر دو راه پیروزی است. اینکه جوان‌های عزیز ما شهید می‌شوند شکست نیست بلکه پیروزی بزرگی است که انشاءالله پیروزی از آن ما است.

در پایان طول عمر برای امام و پیروزی عزیزان رزمنده را از خداوند می‌طلبم.



نام: مهدی  
نام خانوادگی: فرجی  
نام پدر: کمرخان  
نام مادر: کوکب  
تاریخ تولد: یکم اردیبهشت 1331  
محل تولد: شهرستان مهران  
تحصیلات: -  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: هشتم مرداد 1362  
محل شهادت: زادگاهش  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: بخش صالح آباد از توابع همان شهرستان



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ درود بر مادران و پدران که همچنین فرزندهایی جهت پروراندن در راه دین اسلام و میهن اسلامی فدا کردند.
- ۱ مگر من از امام حسین (7) عزیزتر هستم که در راه دین اسلام و مسلمین شهید شد.
- ۱ امام را دعا کنید و دعا برای رزمندگان اسلام کنید.
- ۱ ما باید آنقدر شهید بدهیم تا امام زمان (عج) بیاید و دست امت مسلمانان را بگیرد.

## مهدی فرجی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ رَبِّ الشَّهَدَاءِ وَالصَّادِقِينَ

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ  
وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ» (سوره مبارکه عصر)

با سلام و درود فراوان به رهبر کبیر انقلاب خمینی بت شکن و سلام بر شهیدان گلگون کفن انقلاب اسلامی و درود بر امت مسلمان ایران.

سلام و درود بر مادران و پدران که همچنین فرزندهایی جهت پروراندند<sup>1</sup> در راه دین اسلام و میهن اسلامی فدا کردند.<sup>2</sup> ای پدر بزرگوار باید ببخشید که من هیچ کاری برای شما نکردم و شما مرا بزرگ کردید و اینطور پروراندید و اینطور بارآوردید و ای برادر سلام، بعد از شهادت هم زن و بچه‌ام را به تو می سپارم و باری فرزند عزیزم 28 روز، روزه ماه رمضان پهلوی من است، و روزه نگرفتم و امیدوارم بعد از شهادتم روزه مرا به جا بیاوری. باری فرزند عزیز ابوالفضل<sup>3</sup> مادرت را ناراحت نکن و همیشه حواست به مادرت باشد و بعد از خودم راهم را ادامه بده، تا بتوانی فردی مفید برای جامعه اسلامی باشی. باری همسر عزیزم بعد از شهادتم هیچ ناراحت نباش و همیشه حواست به بچه‌ها باشد.

شما ای خواهرانم بعد از شهادتم برای من ناراحت نباشید و دست به صورت نزنید، مگر من از امام حسین (7) عزیزتر هستم<sup>4</sup> که در راه دین اسلام و مسلمین شهید شد.

باری مادرم<sup>5</sup> من را حلال کن که هیچ کاری برایت نکردم. باید مرا ببخشی. باری فرزندم ابوالفضل<sup>6</sup> 4000 توسط عزیزجونگ پهلوی سایه جونگ دارم، 5800 پهلوی عمویت ملا

1- در اصل وصیت «پروراندن».

2- در اصل وصیت «فدا کردن».

3- در اصل وصیت «ابوالفضل».

4- در اصل وصیت «زیادتر هستم».

5- در اصل وصیت «کوکب».

6- در اصل وصیت «ابوالفضل».



دارم، 770 تومان پهلوی فرج فرخی دارم، 770 تومان پهلوی بزرگ فرجی دارم و لی ایشان جای برای من آورده، با هم حساب کنید. 250 تومان پهلوی محمد سیمایی دارم. 200 تومان پهلوی الوان خاکساری دارم. 200 تومان پهلوی رسول ملکی دارم، 250 تومان پهلوی جمیر ترکتاس دارم، 100 تومان پهلوی امیر ترکتاس دارم، 50 تومان پهلوی عزیز جونگ دارم. 100 تومان پهلوی پدرم دارم، حلالش باشد و دیگر حساب ندارم.  
بدهکار:

50 تومان صوفی پهلویم دارد، 100 تومان فرهاد صمدیان پهلویم دارد، 150 تومان نظروک پهلویم دارد، غیر از پول خرج ساختمان که خریدیم یعنی با هم حساب خوب نکردیم، از نظرم [...]»<sup>1</sup>  
امام را دعا کنید و دعا برای رزمندگان اسلام کنید. ما باید آنقدر<sup>2</sup> شهید بدهیم<sup>3</sup> تا امام زمان (عج) بیاید<sup>4</sup> و دست امت مسلمانان را بگیرد.

«والسّلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی حتی کنار مهدی خمینی را نگه دار.

---

1- خوانا نیست.

2- در اصل وصیت «اینقدر».

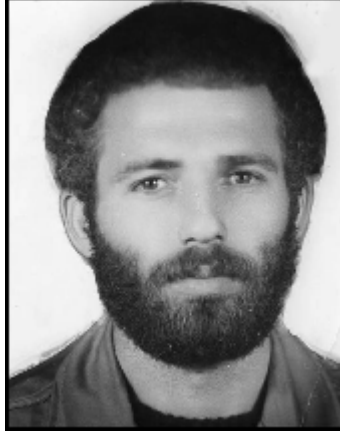
3- در اصل وصیت «بدهم».

4- در اصل وصیت «بیاید».





نام: روح الله  
نام خانوادگی: فردیس  
نام پدر: مرتضی  
نام مادر: عزت  
تاریخ تولد: سال 1338  
محل تولد: روستای چالسرا از توابع شهرستان ایلام  
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: بیستم خرداد 1367  
محل شهادت: مهران  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: بخش صالح آباد از توابع شهرستان مهران



## عبارت های کلیدی

- ا بار پروردگارا تو شاهد باش که من این راه را با هدفی معلوم و مشخص که راه حسینیت می باشد، انتخاب نمودم.
- ا اگر در این راه که انتخاب کرده ام به شهادت برسم به حسینیت در صحرای کربلا اقتدا نموده ام.
- ا شهادت راه سرخ حسین (7) است.
- ا باید در بلندترین قله های رفیع جهان پرچم اسلام محمدی (6) را به اهتزاز درآوریم.
- ا ای خدای مهربان خون من در مقابل اسلام و قرآنت هیچ ارزشی ندارد.
- ا ای خدای عزیز، تو شاهد باش که بنده حقیرت به خاطر اسلام و قرآنت به میدان نبرد شتافت.
- ا ای خدا این بنده را از زندان تنگ دنیای امروزی که گذرگهی برای رسیدن به دنیای اخروی می باشد آزاد کن.
- ا مادر عزیزم ای مهربان و دلسوخته ام شما را خیلی دوست می دارم ولی خدا را از شما بیشتر دوست می دارم.
- ا دختر شهید، سمیه را درس گرفته از مکتب فاطمه زهرا (3) به بار آورید.

## روح الله فردیس

## بسم الله الرحمن الرحيم

«وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ»<sup>1</sup>

خداوندا اکنون که تنها با تو سخن می‌گویم و تو را شکر می‌گذارم. پس تو شاهد باش که عزیزترین و بهترین چیزی که تو به من عنایت فرمودید، جانم است، که چیزی بالاتر از آن ندارم که در راه روشن تو هدیه کنم. پس این بنده جان بی‌ارزش خود را در راه رضای تو به پیروی از پیامبرانت (8) هدیه می‌کند، هدیه‌ای که تو خود به من عطا فرمودی، بار پروردگارا تو شاهد باش که من این راه را با هدفی معلوم و مشخص که راه حسینیت (7) می‌باشد، انتخاب نمودم، و اگر در این راه که انتخاب کرده‌ام به شهادت برسم، به حسینیت (7) در صحرای کربلا اقتدا نموده‌ام و نیز شهادت راه سرخ حسین (7) است، ای خدای مهربان، تو می‌دانی<sup>2</sup> که برای چه این راه را انتخاب نمودم که در این راه از هیچ چیزی دریغ نکرده و دست بر نمی‌دارم، تا زمانی که ملحدان و کافران بر روی جسد من پیش بروند، از رهنمودهای امام امت به میدان جنگ حق علیه باطل درس گرفته و شناخته‌ام و به‌خاطر اسلام و قرآن و تداوم انقلاب اسلامیمان و حفظ خط امام امت که همانا صراط المستقیم است، باید در بلندترین قله‌های رفیع جهان پرچم اسلام محمدی (6) را به اهتزاز<sup>3</sup> درآوریم، که خون من در مقابل اسلام و قرآنت هیچ ارزشی ندارد<sup>4</sup>.

ای خدای عزیز، تو شاهد باش که بنده حقیرت به خاطر اسلام و قرآنت به میدان نبرد شتافت و خون خود را در راه رضای تو هدیه کرد، پس ای آرام‌بخش دل‌ها این بنده را به‌سوی خود بخوان و این بنده را از زندان تنگ دنیای امروزی که گذرگهی برای رسیدن به دنیای اخروی می‌باشد آزاد کن و این آرزوی من است.

1- بخشی از سوره نساء/ آیه 100. ترجمه: «و همانا کسی که از خانه خارج شود و به‌سوی خدا و رسول مهاجرت نماید و در این راه (رضایت خدا و رسول) بمیرد همانا خداوند اجری نصیب او می‌گرداند.»

2- در اصل وصیت «می‌دانید».

3- در اصل وصیت «اهتزاز».

4- در اصل وصیت «ندار».

مادر عزیزم ای مهربان و دلسوخته‌ام شما را خیلی دوست می‌دارم، ولی خدا را از شما بیشتر دوست می‌دارم، پس مرا ببخش چون فرزندی لایق در طول عمرم برای شما نتوانستم باشم. تو را خیلی ناراحت کردم. امیدوارم که این فرزند حقیرت را ببخشد و از من راضی باشید، شیرت را حلالم کن مادر عزیزم و اما پدر مهربانم، ای بال‌های پروازم فرزندانم را خوب تربیت کنید و شما ای برادران عزیزم، ای پشت‌های اسلام، سوگندتان به خدای متعال و یکتا می‌دهم که یاسر و عمار را به احکام و تعالیم اسلام تربیت کنید و آنها را از نماز و روزه و واجبات خداوند غافل نگذارید و آنها را تنها نگذارید تا همانند خودم در میدان رزم اسلام را یاری نکنند. دختر شهید سمیه را درس گرفته از مکتب فاطمه زهرا (3) به‌بار آورید تا بتواند دختری لایق برای اسلام باشد، دیگر عرضی ندارم.

خدا حافظ

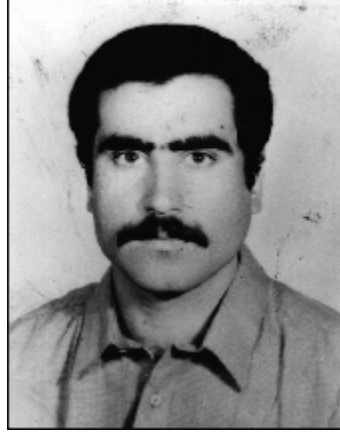
الحقیر روح الله فردیس

به تاریخ 66/8/29

## بسمه تعالی

ومن یشوع من بسمه مهاجرنا " اهل الله ورسوله شمس بدو که الموت فتند و فتح اجره علی الله  
 خداوند! اکنون که تشبها با توسلن میگویم و تو را شکر می‌گذارم ، پس تو شاهد باشی که عزیزترین  
 و بهترین چیزی که توبه من عنایت فرمودید ، جانم است که بجزی ، بالاتر از آن ندارم که در راه رؤس تو  
 هدیه کنم ، این بنده جان من ارزش خود در راه رضای توبه بجزی از بیجا صراحت هدیه می‌کند ،  
 هدیه ای که تو خود به من عطا فرمودی ، بار برود گارا تو شاهد باشی که من این راه را با هدفی  
 معلوم و مشخص که راه حقیقت می‌باشد انتخاب نمودم ، و اگر در این راه که انتخاب کرده ، ام به سعادت  
 برسم به حسبیت در سعزای کربلا اقتدا نموده ام و نیز سعادت راه سرخ حسین است ، ای خدای ...  
 مهربان تو ، من دانید که برای چه این راه را انتخاب نموده ام که در این راه از من چیزی دریغ  
 نکرده و نسبت بر نمی‌دارم ، تا زمانیکه طمندان و کافران بر روی جسم من به پیش بروند از رهنمودهای  
 امام امت به میدان جنگ حق طبع ما اهل فرس گرفته و شتابت ام و بدانکه اسلام و قرآن و تداوم انقلاب  
 اسلامیان و حفظ اسلام امت که همانا سران المستقیم است باید در بلند ترین غله های رفیع جهان  
 پرچم اسلام سعیدی ( ۲۰ ) را به اجتهاد در آوریم ، که چون من در مقابل اسلام و قرآنت به میدان نبرد شتابت و چون خود  
 ای خدای عزیز تو شاهد باشی که این بنده حقیرت به انور اسلام و قرآنت به میدان نبرد شتابت و چون خود  
 را در راه رضای تو هدیه کرد ، پس ای آرام بخش دلها این بنده را بسوی خود بخوان و این بنده را از  
 زندان تنگ دنیای امروز ، که گذرگی برای رسیدن به دنیای آرزوی من باشد آزاد کن و این آرزوی من  
 است عبادت مریزم های مهربان و دلسوزانه ام شمارا خیلی دوست میدارم ولی خدا را از شما بیشتر دوست  
 میدارم ، پس مرا ببخش چون فرزندی لایق در شوق صوم برای شما نتوانستم باشم تو را خیلی ناراحت کردم  
 امیدوارم که این فرزند حقیرت را ببخشید و از من راضی باشید ، شجرت را حلال کن مادر مریزم ، اما پدر  
 مهربانم ای بالهای پروازم فرزندم را خوب تربیت کنید ، و شما ای برادران مریزم ادر پشت های اسلام  
 سوگندتان بخدای تعالی و یکتا می‌دهم که پاسرو صابر را به احکام و تعالیم اسلام تربیت کنید و آنهارا  
 از نماز و روزه و واجبات خداوند قائل نگذارید و آنها را تنها نگذارید تا همانند خودم در میدان رزم  
 اسلام را جاری کنند ، <sup>دفتر</sup> شهادت سینه را در گرفته از تکب فائده زما ( من ) بهار آید تا بتواند دیگری  
 لایق برای اسلام باشد ، دیگر عرضی ندارم خدا ...

تاریخ ۶۶/۸/۲۹ هجری قمری ...



نام: جلال  
نام خانوادگی: فرهادی  
نام پدر: منوچهر  
نام مادر: زینب  
تاریخ تولد: هفدهم شهریور 1344  
محل تولد: روستای سرتنگ از توابع شهرستان ایوان  
تحصیلات: دیپلم  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: بیست و دوم اردیبهشت 1366  
محل شهادت: روستای تپور هویزه  
نحوه شهادت: ضربه مغزی  
مزار: گلزار شهدای شهر بدره از توابع شهرستان دره شهر

## عبارت های کلیدی

- ا بر خود واجب دانستم که به ندای رهبرم لبیک گویم.
- ا مبدا در شهادت من به خودتان ناراحتی و اضطراب و یأس راه بدهید.
- ا پیشرو ما در این سفر حضرت سیدالشهداء بوده است.
- ا بعد از شهادت من برای طول عمر امام امت و استمرار نظام اسلامیمان دعا کنند.
- ا پشت سر امام، در مقابل دشمنان دین و میهن بایستند.
- ا خدایا ما از تو بییم و همه عالم از توست و ما را با جلب رضایت خودت پذیر.
- ا خدایا اگر هزار جان می داشتیم و هزار مرتبه کشته می شدیم باز خود را در راه تو قربانی می کردم.
- ا وصیت من به دوستانم این است که راه امام و شهیدان تداوم بخشند.
- ا پاسداران حقیقی اسلام راستین باشند.



## جلال فرهادی

### بسم الله الرحمن الرحيم

اینجانب جلال فرهادی فرزند منوچهر فرهادی متولد 1344 شماره شناسنامه 148 ساکن بدره وصیت‌نامه خود را که تکلیف برای خودم می‌دانستم، نوشته‌ام و مضمون آن شرح ذیل می‌باشد.

در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمدم و در دوران کودکی در کنار خانواده خود مشغول تحصیل شدم، تا اینکه وارد مقطع دبیرستان شدم. در این هنگام به تهران رفتم و روزها مشغول درس در کلاس بودم و شب‌ها برای مخارج زندگی به کار اشتغال داشتم، تا اینکه بعد از اتمام دوره دبیرستان برای انجام خدمت مقدس سربازی داوطلبانه به یکی از مراکز پذیرش نیرو [ی] سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تهران مراجعه نمودم و به‌عنوان پاسدار وظیفه با شور و شغف فراوان در لشکر محمد رسول الله (6)، یگان دریایی حضرت رسول (6) مشغول خدمت مقدس گردیدم. بر خود واجب دانستم که به ندای رهبرم لبیک گویم و دیوصفتان شرور که عزم بر انهدام دین و میهن اسلامیمان داشتند، به خاک مذلت بکشانم و تا آخرین مرخصی که به خانه آمدم در تاریخ 1366/2/17 به محل خدمت خود هورالعظیم برگشتم و در این سفر صراحتاً به پدر و مادرم سفارش کردم که من شهید می‌شوم و مبادا در شهادت من به خودتان ناراحتی و اضطراب و یأس راه بدهید، چرا که ما در این راه که می‌رویم، هدفی خاص داریم و پیشرو ما در این سفر حضرت سیدالشهدا (7) بوده است. توصیه می‌کنم که بعد از شهادت من برای طول عمر امام امت و استمرار نظام اسلامیمان دعا کنند و پشت سر امام در مقابل دشمنان دین و میهن بایستند. خدایا ما از تویم و همه عالم از توست و ما را با جلب رضایت خودت بپذیر. خدایا تو شاهد باش که ما در راه تحقق دین تو از جانمان گذشتیم و اگر هزار جان می‌داشتیم و هزار مرتبه کشته می‌شدیم باز خود را در راه تو قربانی می‌کردم. وصیت من به دوستانم این است که راه امام و شهیدان تداوم بخشند و پاسداران حقیقی اسلام راستین باشند.

«والسلام»

جلال فرهادی

شماره ۱۴۸۹۲ - ۲۶۶ - ۲۸

بسم الله الرحمن الرحيم

ایجاب جدول فردی فرزند مزهر فرهادی متولد ۱۳۲۴ شمسی شماره ۱۴۸ یک بجه

و صیت خود فردا که تکلیف برای خدمت می دانستم فرزندم و منعمان آن شرح ذیل می باشد

در خانواده ای روحی برپا آید و در نظام کوهی که در خانواده خود مشغول تحصیل می باشد و در

متعلق در بیان هم در این خصوص به صورت فتم و در خانه مشغول در کارهای خود و در این خصوص به شرح ذیل می باشد

و نشان می آید که در این خصوص هم در این خصوص به شرح ذیل می باشد

و در این خصوص به شرح ذیل می باشد

و در این خصوص به شرح ذیل می باشد

و در این خصوص به شرح ذیل می باشد

و در این خصوص به شرح ذیل می باشد

و در این خصوص به شرح ذیل می باشد

و در این خصوص به شرح ذیل می باشد

و در این خصوص به شرح ذیل می باشد

و در این خصوص به شرح ذیل می باشد

و در این خصوص به شرح ذیل می باشد

و در این خصوص به شرح ذیل می باشد

و در این خصوص به شرح ذیل می باشد

و در این خصوص به شرح ذیل می باشد

و در این خصوص به شرح ذیل می باشد

و در این خصوص به شرح ذیل می باشد

و در این خصوص به شرح ذیل می باشد

و در این خصوص به شرح ذیل می باشد

و در این خصوص به شرح ذیل می باشد



نام: محمد  
نام خانوادگی: قاسم‌زاده  
نام پدر: غلامحسین  
نام مادر: فاطمه  
تاریخ تولد: بیست و هفتم مرداد 1347  
محل تولد: روستای حربهرام از توابع شهرستان مهران  
تحصیلات: اول راهنمایی  
ارگان اعزام‌کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: هشتم شهریور 1365  
محل شهادت: چنگوله  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای بخش صالح‌آباد شهرستان مهران

## عبارت‌های کلیدی

- ۱ عوض اینکه در عزایم بنشینید، افتخار کنید همچون فرزند عزیز را در راه دین و قرآن فدا کرده‌اید.
- ۱ رهبر عزیزمان را تنها نگذارید قدر این انقلاب را بدانید.
- ۱ عهد و پیمان با خدای خود بستم که آخرین قطره خون که در بدن دارم نثار فریضه الهی نمایم.
- ۱ امروز جنگ بین کفر و اسلام است.
- ۱ از علی (7) درس شهادت را یاد گرفتیم.
- ۱ آری پدرم زمان، زمان عروج است.
- ۱ چه زیباست ناله‌های آخرین را در کنار عاشقان و عارفان شب و شیران روز سردادن.
- ۱ این شوری است که در دل پیدا کرده‌ام که دیگر تحمل ماندن ندارم. نمی‌خواهم بمانم بدون یار بودن.

## محمد قاسم‌زاده<sup>1</sup>

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رَجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا»<sup>2</sup>

بِسْمِ رَبِّ الشَّهَدَاءِ وَالصَّدِيقِينَ

با سلام و دعای خیر برای سلامتی و طول عمر با عزت حضرت امام و با سلام و درود به رزمندگان جان برکف این انقلاب.

پدر عزیزم این است که فرزندت در جبهه حق علیه باطل می‌جنگم. باری پدر اگر شهید شدم، اولاً آن همه زحمات پدر و فرزندتی که برای من کشیدید، مرا حلال نمایید. پدر عزیز می‌دانم مهر و محبت پدر فرزندتی از یاد نمی‌رود. ولی وصیت می‌کنم که در سوگ و عزای من ننشینید. از عوض اینکه در عزایم بنشینید، افتخار کنید همچون فرزندتی عزیز را در راه دین و قرآن فدا کرده‌اید. پدرم سفارش می‌کنم که اگر شهید شدم، راهم را ادامه بدهید. اگر قدرت جبهه دارید در جبهه و اگر قدرت رفتن به جبهه ندارید، در پشت جبهه کمک کنید و رهبر عزیزمان را تنها نگذارید. قدر این انقلاب را بدانید که با خون هزاران شهید بدست آمده. از آن محافظت نمایید. چون عهد و پیمان با خدای خود بستم که [تا] آخرین قطره خون که در بدن دارم، نثار فریضه الهی نمایم. چون امروز جنگ بین کفر و اسلام، است.<sup>3</sup> آری پدر از علی (7) درس شهادت را یاد گرفتیم. آری پدرم آنانکه در میدان نبرد حق و باطل در راه خدا و پیشبرد مکتب الله جان خود را هدیه می‌کنند، به هیچ‌وجه مرده نیستند، که شهادت پایانگر مرگ‌ها و مردگی‌هاست و خون شهید ضامن ضربان مداوم رگ‌های امت

1- بالای وصیت‌نامه آمده است: «تاریخ وصیت 65/3/2».

2- احزاب/ 23. ترجمه: «از آن مؤمنان بزرگ مردانی هستند که به عهد و پیمانی که با خدا بستند کاملاً وفا کردند پس برخی بر آن عهد ایستادگی کردند (تا به راه خدا شهید شدند) و برخی به انتظار مقاومت کرده و هیچ عهد خود را تغییر ندادند».

3- تعبیر جنگ بین کشور اسلام از سخنان امام خمینی است. (صحیفه امام، ج 18، ص 383).

اسلامی و حضور همیشگی شهید و [...] فرصت طلبی‌ها است. آری پدرم زمان زمان عروج است. زمان زمان ناله‌های آخرین است، مکان، مکان در خون غلطیدن است. چه زیباست ناله‌های آخرین را در کنار عاشقان و عارفان شب و شیران روز سردادن. چه شورانگیز است در کنار دوستان فریاد الله اکبر گفتن و بر خصم یورش بردن. من غبطه می‌خورم به این ایثارها و دلاوری‌ها. این شوری است که در دل پیدا کرده‌ام که دیگر تحمل ماندن ندارم. نمی‌خواهم بمانم بدون یار بودن، زیستن عین مردن است. هم‌سنگرم توفیق بیابد. چند شعر برای تسلیت خاطر می‌نویسم:

به راه میهن و دینم فدا کردم جوانی را  
به آگاهی پسندیدم بهشت جاودانی را

وصیت‌نامه شهید محمد قاسم‌زاده (وداع آخرست پدر)

تاریخ شهادت 65/6/8

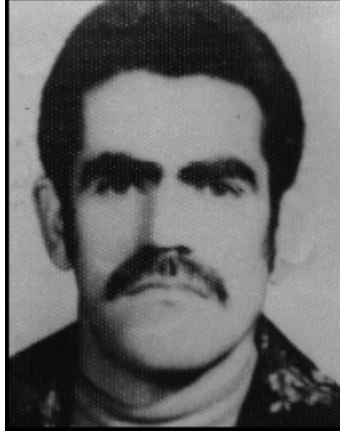
خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار، از عمر ما بکاه و<sup>2</sup> بر عمر رهبر افزا  
رزمندگان ما را پیروزشان بگردان، اسیران حزب الله آزادشان بگردان.

«آمین یا رب العالمین»

1- خوانا نیست.

2- در اصل وصیت «بکاهو».





نام: خلیل  
نام خانوادگی: قاسمی  
نام پدر: شوقعلی  
نام مادر: ریحان  
تاریخ تولد: سال 1333  
محل تولد: بخش ملکشاهی از توابع شهرستان مهران  
تحصیلات: در حد خواندن و نوشتن  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: دوم آبان 1363  
محل شهادت: سر نی شهرستان زادگاهش  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: امامزاده پیرمحمد شهرستان مهران

## عبارت‌های کلیدی

- ا هیچگاه فشار و تهدیدهای دشمن شما را نگران نکنند.
- ا در همه حال پیروز هستیم اگر چه کشته شویم.
- ا اگر در جبهه حضور ندارید پشت جبهه‌ها را محکم نگهدارید.
- ا اسلام در این موقع به شما جوانان احتیاج دارد.
- ا چشم امام به شما جوانان مکتبی است.
- ا حادثه کربلا را به یاد آورید و هیچگاه عقب‌نشینی نکنید و از حیثیت و حرمت انقلاب اسلامی دفاع کنید.
- ا از شما تقاضا دارم به یاد خدا باشید.

## خلیل قاسمی

### بسم الله الرحمن الرحيم

با سلام به امام امت و ملت شهیدپرور ایران و رزمندگان اسلام. برادران و خواهران عزیز خدا را شکر کنید که خداوند چنین نعمتی به ما عنایت نمود که کشور ما از زیر سلطه کفار بیرون آمد و اسلام بار دیگر با تمام معنا در ایران زنده شد و به ما توفیق جهاد در راه خدا داده شد. پس هیچگاه فشار و تهدیدهای دشمن شما را نگران نکند زیرا هدف ما مبارزه در راه خداست و در همه حال پیروز هستیم اگر چه کشته شویم. هیچگاه جبهه‌ها را ترک نکنید و اگر در جبهه حضور ندارید پشت جبهه‌ها را محکم نگهدارید. اسلام در این موقع به شما جوانان احتیاج دارد چشم امام به شما جوانان مکتبی است. اگر مورد هجوم دشمن قرار گرفتید، حادثه کربلا را به یاد آورید و هیچگاه عقب‌نشینی نکنید و از حیثیت و حرمت انقلاب اسلامی دفاع کنید که خداوند پشتیبان شماست. سلام به خانواده و برادران عزیزم از شما تقاضا دارم به یاد خدا باشید و همیشه صبر داشته باشید. اگر من شهید شدم از بچه‌ها و خانواده من سرپرستی کنید و نگذارید آنها ناراحتی بکشند.

«والسلام<sup>1</sup> علیکم و رحمة الله و برکاته»

برادر خلیل قاسمی

<sup>2</sup>1363/7/15

---

1- در اصل وصیت «واسلام».



بسم الله الرحمن الرحيم

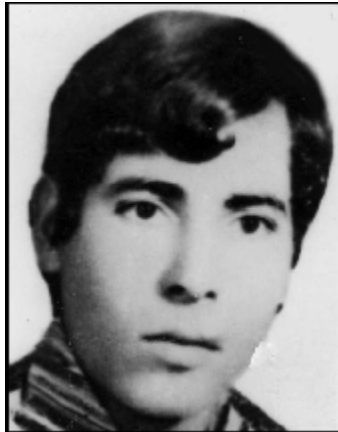
با سلام به انعام لعنت و ملت شهید میرزا لیران در روز منگال اسلام

برادر و خواهران عزیز خود را تسکین کند که خداوند چنین نعمتی به ما عنایت نمود  
که کورما لذت بر منقطع نگار بودن آید و اسلام بآورد بگو با تمام عنایت  
ایوان زنده شد و به ما قرینت چهار دیوه خدا دلده شد پس هیچگاه  
مشاور و صحت بهای دهنی شادمانه گوید زبوا حرف ما سبزه  
در راه خدا است و در همه حال پیروز هستیم انور لفته شوم  
هیچگاه هیچ عار و کتک نگیرد را گو در جیب حضور نه در به نجات جیب هارا  
حکم نگیرد از بد اسلام در این سوخ نیز شاه جوانان احتیاج دارم  
چشم اسلام به شاه جوانان ملین است اگر سرور ظهور دهنی خود گویند  
خارنه گویند را بسیار آورد و هیچگاه عیب نشین نگیرد و از حیثیت و  
حریت انقلاب اسلام دفاع کنید که خداوند پیشیان شماست  
سلام به خانواده و برادران عزیزم. از شما تقاضا دارم بیار خدا با سید  
و عیله مسرت داشته باشید. اگر کسی شهید شوم از جیب ما و خانواده من  
سرپرستی کنید و ناله لرید آینه ناراضی نشسته

« و اسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته »

برادر خلیل ماسی ۱۳۳۴/۷/۱۵

نام: عمران  
نام خانوادگی: قاسمی  
نام پدر: کلب رضا  
نام مادر: کوکب  
تاریخ تولد: نهم آذر 1341  
محل تولد: روستای شوهانی از توابع شهرستان مهران  
تحصیلات: دیپلم  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: یکم اسفند 1359  
محل شهادت: شهرستان زادگاهش  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: بخش صالح آباد همان شهرستان



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ از مردم همیشه در صحنه ایران خواهانم که بعد از ما جبهه‌ها را پر کنند.
- ۱ اینها کلیدهای بازکننده درهای بهشت مطهر به روی آنها می‌باشند.
- ۱ همه کس به بهشت نخواهد رفت به جز خانواده‌های شهدا که فرزندان خود را در راه خدا قربانی کرده‌اند.
- ۱ ای امت مسلمان ایران در فکر بچه‌های شهدا باشید.
- ۱ همه با هم متحد شوید و علیه این صدام.
- ۱ ناراحت نباشید که این خونهایی که از بدن نازنین فرزندانمان می‌ریزد بر دامن صدام آتش می‌زند.

## عمران قاسمی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«الَّذِينَ آمَنُوا<sup>1</sup> يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»<sup>2</sup>

«بکشید و کشته شوید در راه خدا».

من عمران قاسمی ضمن درود و سلام به رهبرم امام خمینی بازکننده<sup>3</sup> زنجیر مستضعفین جهان از مردم همیشه در صحنه ایران خواهانم که بعد از ما جبهه‌ها را پرکنند، من در دبیرستان مهران تحصیل می‌کردم که از آموختن آن علم در آن سنگر که همیشه امام بر آن تکیه می‌کرد و می‌گفت «مدرسه را حفظ کنید مدرسه سنگر است»<sup>4</sup> آموختم که به سنگر بهتر از آن که جبهه می‌باشد عازم شوم، تا بتوانم در هر دو سنگر خدمتی به ملت کرده باشم. و پیام من به پدران و مادران شهدا این است که برای بچه‌های خودشان گریه نکنند که این فرزندان آنها قربانی در راه خدا شده‌اند و اینها کلیدهای بازکننده درهای بهشت مطهر به روی آنها می‌باشند و همیشه، همه کس به بهشت نخواهد رفت به جز خانواده‌های شهدا که قربانی کرده‌اند فرزندان خود را در راه خدا. ای امت مسلمان ایران در فکر بچه‌های شهدا باشید. این نطفه‌های پاک که فردا اینها هستند که سنگرهای شهدایشان<sup>5</sup> را پر می‌کنند. همه با هم متحد شوید و علیه این صدام<sup>6</sup> بشورید و از پایش درآورید. برادران عراقی را از چنگ این ستمگر رها سازید. و مادران بشنوید از من شهید فرزند شما جوینده راه حسین (7) است. ناراحت نباشید که این خونهایی که از بدن نازنین فرزندانتان می‌ریزد بر دامن صدام آتش می‌زند و او را می‌سوزاند و راه کربلای مقدس را به روی شما باز می‌گشاید. درود بر خمینی و سلام بر رزمندگان همیشه در صحنه.

1- در اصل وصیت «آمنوا».

2- نساء/ 76. در اصل وصیت «قولوا» به اول آیه اضافه شده است.

3- در اصل وصیت «کشنده».

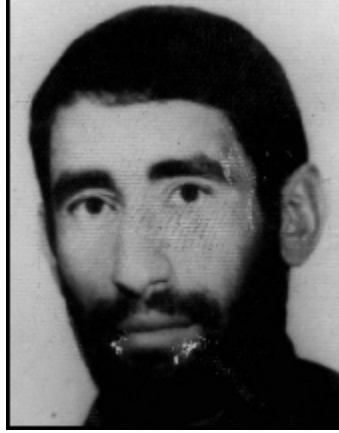
4- صحیفه امام، ج 17، ص 460 «مدرسه هم سنگر است».

5- در اصل وصیت «شهداءشان».

6- ر.ک. تعلیقات.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
قوله ما لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

من عبادك المذنبين ودرسم بر هریم لعالم خفین گنده از غیر مستغفرین کندهم بر سر صد  
ایمان خرداوم که بعد از ما چه هزار است من در دستان خردان مقبل میگردم که از هر خردان علم  
در آن سگ در پیست لعالم بران تکیه میگرد و میگفت گنده را عفا کنی من سگ است که ختم که  
به سگ بر آن که چه می باشد عازم شوم تا بتوانم در هر دو سگ خردی به ملتزم کرده باشم  
و پیام من بر پیران ما رسیده است که این است که ای پیران خرد سگ که این خردان آن که  
قره زهر ترا خنده است و اینها طبعهای بازکننده در جا بهجت مطهر درون آنها میباشند  
و عیب و بیجهت غولهاست نیز خاندانها شده اند که در جا کرده اند فرزندان خردان در راه خدا  
ای امت مسلمانی ایوان که در پیج های سید لوان سید این نطفها پاک که فجا آنها هستند  
سگها شده اند که راچی گنده بهند با هم مقدر شود و علی این صدام سبوره و کز پس بر او  
و باران خردی را از خردی این سگها سازند و مادران سبوره که من سبوره فرزندان حیفه راه حیفه  
ناراحت نباشید که این خردانی که از این فرزندان که میزور بر راست صدام است میزند  
کودک رسیده اند و با کوه مقدس را - دره سبوری است  
درود چنین سه روز سبوره که همیشه در صفا



نام: محسن  
نام خانوادگی: قاسمی  
نام پدر: سردار  
نام مادر: کتان  
تاریخ تولد: پانزدهم مهر 1346  
محل تولد: شهر بدره از توابع شهرستان دره شهر  
تحصیلات: اول متوسطه  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: بیست و سوم اسفند 1366  
محل شهادت: شاخ شمیران عراق  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: روستای پاکل کراب از توابع شهرستان زادگاهش

## عبارت های کلیدی

- ا چنانچه کشته شویم و یا بکشیم در هر دو حال این بزرگترین پیروزی است.
- ا هیچ چیز به اندازه یک قطره خون که در راه خدا ریخته شود بهتر نیست.
- ا او را تنها نخواهیم گذاشت یار و یاور او خواهیم بود.
- ا چنان مرا تربیت کردی که پای خود را جای پای علی اکبر (7) بگذارم.
- ا سخنان امام را به جان و دل پذیرا باشید.
- ا زمان، زمان حسین (7) و روزها نیز هر کدام عاشورا است.
- ا حجاب تو مشیت محکمی است به دهن امپریالیسم جهانخوار و یزیدیان است.
- ا این کشور [ایران] رسول الله است، برای حفظ آن باید بی نهایت کوشش کنیم.
- ا پدرم اسماعیل هرگز از فرمان باری تعالی سر باز نمی زند.
- ا پدرم فرزندان مرگ در راه خدا را بجز سعادت نمی داند.

## محسن قاسمی

### بسم الله الرحمن الرحيم

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرَزِّقُونَ»<sup>1</sup> (سوره آل عمران)

با درود فراوان به رهبر کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی ابراهیم زمان، امید مستضعفین، قلب محرومان رنجیده که درد آنها را می‌داند و عامل آنها را شناخته و آنچنان قهرمانانه از کشور اسلامیمان دفاع می‌کند که حیرت جهانی را برانگیخته. اینجانب محسن قاسمی فرزند سردار وصیت می‌کنم که بنده با میل و اشتیاق فراوان به مکان جنگ بین حق و باطل که همیشه نشانگر آن بوده است، که حق پیروز است و ما همه به خاطر حق می‌جنگیم، رفته‌ام که چنانچه کشته شویم و یا بکشیم، در هر دو حال این بزرگترین پیروزی است که خداوند به بنده خود عنایت کرده که آن هم در این موقعیت نصیب ما شده که هیچ چیز به اندازه یک قطره خون که در راه خدا ریخته شود، بهتر نیست. چه خوب است که من هم با این قطره خون به هدف خود برسم. پدر و مادر عزیزم، این ایران عزیز، این کشور رسول الله (6) مکتب اسلام که بیش از هزار و چهارصد سال از طرف کفار مورد هجوم بوده است. بر گردن من و شما حق دارد و برای حفظ آن باید بی‌نهایت کوشش را بکنیم. همانطور که امام فرمود «چشم امید من به شما جوانان برومند<sup>2</sup> است» که ادامه دهندگان راه حسین (7) هستید و این راه را بیش از هزار و چهارصد سال ادامه داده‌اید. بفرمایید او را تنها نخواهیم گذاشت یار و یاور او خواهیم بود و همیشه گوش به فرمان مجاهد پیر (امام خمینی) که همچون کوه در مقابل یاوه‌گویان ایستاده هستیم. پدر درود بر تو که چون ابراهیم فرزند خود را به فرمان خدای بزرگ به قربانگاه فرستادی بدان و آگاه باش که اسماعیل هرگز از فرمان باری تعالی سر باز نمی‌زند و مرگ در راه خدا را به جز سعادت نمی‌داند و زندگی را جز جهاد در راه عقیده درست نمی‌داند و شهادت را از بهترین نعمت‌های خداوند می‌داند. مادر عزیزم که عزیزترین عزیزها هستی و بعد از خدا مهربانترین مهربانان من به وجود تو

1- آل عمران/ 169.

2- در اصل وصیت «بروم».

افتخار می‌کنم که در نزد تو اینچنین تربیت شدم که توانستم در هنگام جوانی خدمت ناچیزی [به اسلام کنم]<sup>1</sup> و چنان مرا تربیت کردی که پای خود را جای پای علی اکبر (7) بگذارم که چه کشته شوم یا سالم باشم، برای تو افتخار است. ای برادران عزیزم پیوسته در راه پیشبرد اسلام عزیز به رهبری خمینی بکوشید و تمامی قوانین اسلام را انجام داده و سخنان امام را به جان و دل پذیرا باشید، چون زمان، زمان حسین (7) و روزها نیز هر کدام عاشورا است. و تو ای خواهر حجاب و عفت و پاکدامنی را بیش از هر چیز مورد اهمیت قرار بده چون حجاب تو مشت محکمی است به دهن امپریالیسم جهانخوار و یزیدیان است.

آخر چشمانم را باز بگذارید تا کوردلان بدانند که کورکورانه به این راه نرفتم. دستانم را باز بگذارید تا دنیاطلبان و مال‌دوستان بدانند که چیزی به آن دنیا نبرده‌ام.

«السلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

محسن قاسمی

---

1- در اصل وصیت «به اسلام کنم» افتاده است.

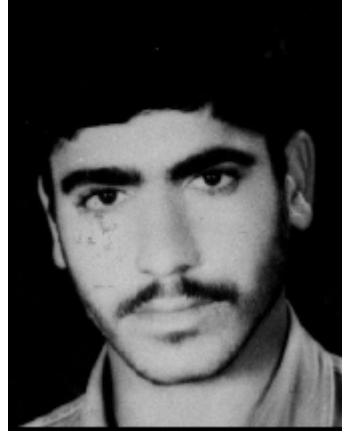




ما در عزیزم که عزیز این عزیزها هستی و دلدارشید سرانجام من با خودم تو افتخار  
 ایامی که در روز این عزیز تربیت منم که تو ایتم در هنگام حال که هست باخبر  
 ایامی که در روز این عزیز تربیت منم که تو ایتم در هنگام حال که هست باخبر  
 است این برادر را عزیزم پیوسته در راه پیشرو اسلام عزیزم از هر راهی که باشد و توانی  
 اسلام را انجام ده و مخالفان ما را به جان زدن نپذیرا باشی چون از منم که در این روزها نیز  
 هر کدام غایب است و توانی ظاهر عالمی و صفتی و یاد داری را بنویسی که در این روزها نیز  
 هر یک از این عزیزان تربیت منم که تو ایتم در هنگام حال که هست باخبر است  
 ایامی که در روز این عزیز تربیت منم که تو ایتم در هنگام حال که هست باخبر  
 ایامی که در روز این عزیز تربیت منم که تو ایتم در هنگام حال که هست باخبر

اسلام علیهم ورحمة الله وبرکاته  
 محمدعلی باقر  
 +

نام: مستعلی  
نام خانوادگی: قاسمی  
نام پدر: صیدجعفر  
نام مادر: بانو زاهد  
تاریخ تولد: هجدهم اسفند 1344  
محل تولد: روستای اسلام آباد از توابع شهرستان دره شهر  
تحصیلات: دوم راهنمایی  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: یکم مرداد 1365  
محل شهادت: حاج عمران عراق  
نحوه شهادت: اصابت گلوله  
مزار: گلزار شهدای شهرستان زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ا من روی پدر و مادر خود را برای همیشه روسفید کرده‌ام.
- ا تقاضا می‌کنم که گریه زیاد نکنید زیرا گریه زیاد کردن باعث شادی دشمن می‌شود.
- ا پدر و مادر مهربانم مردن برای هر فرد مسلمان است.
- ا چه بهتر در راه خدا جانبازی نمایم.
- ا سعی کنید در این دنیا صبر و پایداری داشته باشید.
- ا من از شما می‌خواهم که در برابر دشمن همچون کوهی استوار باشید.
- ا راه مرا ادامه دهید.

## مستعلی قاسمی

### بسم الله الرحمن الرحيم

با سلام و درود به امام زمان ولی عصر حجت خدا (عج)

با درود و سلام به امام و امت شهیدپرور همیشه در صحنه. با درود [و] سلام بر پدر عزیزم و مادر مهربانم که هم‌چون فرزندی را در راه قرآن و اسلام فدا می‌کنند. تنها چیزی که برای همین پدر و مادر باقی می‌ماند همین فرزند گرانبها<sup>1</sup> بیش نیست. من روی پدر و مادر خود را برای همیشه روسفید کرده‌ام. این یک افتخاریست برای آنان. از آنها می‌خواهم که مرا حلال کنند چون بیش از این فرصت پیدا نکردم که برای آنان خدمت کنم تا خداوند از تقصیرات<sup>2</sup> من بگذرد و از آنها تقاضا می‌کنم که گریه زیاد نکنید زیرا گریه زیاد کردن باعث شادی دشمن می‌شود.

و پدر و مادر مهربانم<sup>3</sup> مردن برای هر فرد مسلمان<sup>4</sup> است و چه بهتر در راه خدا جانبازی نماییم و پدر و مادرم سعی کنید در این دنیا صبر و پایداری داشته باشید و [به]<sup>5</sup> کسانی که صبور هستند خداوند اجر بزرگی اعطا می‌فرماید و برادران عزیزم من از شما می‌خواهم که در برابر دشمن همچون کوهی استوار باشید و راه مرا ادامه دهید نگذارید دشمن بر میهنمان تجاوز کند و میهن را زیر چکمه خود بکشد.

1- در اصل وصیت «گرانبهای».

2- در اصل وصیت «تقصیرات».

3- در اصل وصیت «مهربانم».

4- در اصل وصیت «برای همه مسلمان».

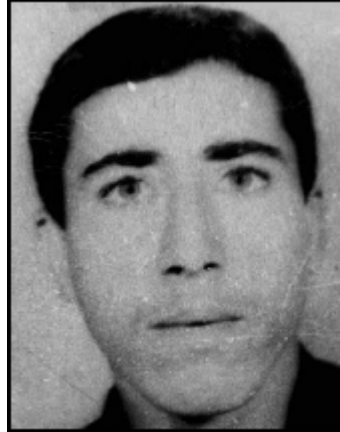
5- در اصل وصیت «به» افتاده است.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ      دین و توبه مستعلی قاسمی

با سلام درود بفرستد به تمام ازمان دنیا عصر رحمت خدا  
 با درود سلام به (۱۲) است و است سینه پیر و همسایه در  
 صحنه با درود سلام بر پیر زمین درود در همه جا که هم چون  
 فرزند کرد راه قتل و اسلام ندای کشته تنه چینه گانه به از حق  
 به روی در اقیانوس مانند هنوز نرسیده گدازند آن بیست و یک  
 خانه بیرون و مادر خود را به رحمت او سفینه که تمام آنو کسب افتخار است  
 بیان آنان نذر که آن خامنه را حلال کشته چوله پشته از  
 این صفت بیه انگه دم که برابر آنان خنده مست کشته  
 خدا نذر از تسمیه است مسکنه برود ز آرزو تک خاصه که  
 که گدازد بر کینه زبانه بر <sup>زیاد کردن</sup> حکایت سادرسان  
 در دنیا حاصل شود

در کتب معتبره در حدیث آمده است که هر که در راه خدا  
 شهید شود یا راه خلاصه دنیا را نبرد تا کفایت  
 دنیا مسبوک یا بیار داشته باشد بهشتی است که هر چند خواهد  
 بود بزرگ اعطای فرشته به او و بداران عزیز آن دنیا را  
 که در پایداری او کوهها را بر سر او در راه سرگشته  
 نذارند او را و صحنه‌های تنه در آن زمین را بر سر او نذارند

نام: عبدال  
نام خانوادگی: قبادیان  
نام پدر: صیدعلی  
نام مادر: تاج ناصر  
تاریخ تولد: نهم اسفند 1349  
محل تولد: روستای سفیدخانی از توابع  
شهرستان شیروان و چرداول  
تحصیلات: اول متوسطه  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: دهم آذر 1366  
محل شهادت: مهران  
نحوه شهادت: ضربه مغزی  
مزار: بخش صالح آباد از توابع شهرستان مهران



## عبارت های کلیدی

- ا اگر که این برادران به جبهه رفت شما خوشحال باشید.
- ا لذا خدمت برای اسلام هیچگونه دلسردی و نارضایتی ندارد.
- ا برای طول عمر امام هم دعا کنید.
- ا چشم امیدتان به خدای تبارک و تعالی باشد.
- ا پیروزی از آن لشکریان توحید و اسلام است.
- ا اگر هم سعادت یافتیم و نصیب شد که شهید شدم برای من گریه نکنید.

## عبدل قبادیان

### بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت مادر گرامی و خواهران گرامی‌ام از جمله [...] <sup>1</sup> و گلشاد و از جمله پدرم و برادرانم. این وصیت نامه از برادر حقیرتان عبدل قبادیان در مورخه 66/2/28 که به جبهه اعزام شده‌ام نوشتم جهت اطلاع.

خواهرانم و مادر گرامی‌ام انسان هر کس که باشد وقتی که عمرش به پایان برسد در هر کجا که باشد خواهد رسید و هیچ چیزی هم مانع نخواهد شد.

اگر که این برادران به جبهه رفت شما خوشحال باشید. لذا خدمت برای اسلام هیچگونه دلسردی و نارضایتی <sup>2</sup> ندارد و باید شما خونسرد[ی] <sup>3</sup> خویش را در این مورد [حفظ] <sup>4</sup> کنید و همیشه دستتان [به] <sup>5</sup> درگاه خداوند تعالی باشد که رزمندگان اسلام را در این ماه مبارک به پیروزی نهایی برساند.

و برای طول عمر امام هم دعا کنید و فراموش هم نشود. امیدوارم که مواردی را که در این برگه توصیه کرده‌ام، در گوشتان فرو رود و چشم امیدتان به خدای تبارک و تعالی باشد که پیروزی از آن لشکریان توحید و اسلام است.

و اگر هم سعادت یافتیم و نصیب شد که شهید شدم برای من گریه نکنید. بلکه وقتی خبر شهادت مرا به شما دادند هیچ‌گونه ناراحتی برای خودتان بوجود نیاورید، بلکه به جنبه شهادت باید شما خوشحال <sup>6</sup> شوید.

و امام را دعا کنید چون انسان در هر مکان باشد باید وصیت کند چون مرگ از طرف خدا ناگهانی بر انسان وارد می‌شود. وقتی خواست پروردگار عالم باشد که مرگ انسان فرا

1- خوانا نیست.

2- در اصل وصیت «ناراضی».

3- در اصل وصیت «خونسرد».

4- خوانا نیست اما به سیاق کلام واژه ناخوانا «حفظ» است.

5- در اصل وصیت «به» افتاده است.

6- در اصل وصیت «خوشحال».

رسد، هیچ چیزی نمی تواند مانع آن شود.

[و]گر نگهدار من آن است که من می دانم  
و دیگر عرضی ندارم.

به امید پیروزی نهایی رزمندگان اسلام بر کفر جهانی

قبادیان

66/2/28



بسم  
 روز پنجشنبه ۲۸ خرداد ۱۳۳۵

وقت مادر گرامی، و مادران من را می‌بخشید  
 و قدر و کثرت ادب و علم و پروردگارم

این وصیت نامه از برادر حقیقی و جدی من است

در صد خرداد ۱۳۳۵ که در عهد اتمام راهم از شما

چنین احوال عذر این برادر من است که

که با من وقت که در دست من برسد در هر کجا

در بعد رسید و بیخ من هم مانع لغو است

از آن که این برادر من در عهد وقت شما

با من در احوال من در این احوال

در دست من در هر کجا

حزین را در این صدد روح و کسب و همه دست  
در ماه عدای خانی با برده که روز صدی کردارم  
با در این ماه مبارک به سیر و این روزهای  
و برای طوبی عمر و سلام هم دعا کنید و آرامش  
امید و آگاهی موارد در آن که در این روز همه کرده ام  
در دست به فرود آمد و چشم امید کلام  
و این تبارک و تعالی با برده که سیر و این روزهای  
و حیدر و سلام است و از هم سعادت و شرف  
عصمت و همه سوره که در این صوره برده ام  
دلگشایی و خیر و برده که در این روزهای

سرار حضرتانکه تو محمود نیاد و بر تلکم و غیره سراد و غیره  
شعبه و اما از ای کتب خود انان در هر کجا

باید که در وقت مشغول به سر کار خود  
فایده ای برایشان و اولادش شود و منو خدمت  
میورده و عالمه ای که میگردان آن خرابه  
بسیار ~~چند~~ چیز در آنجا دارد تا بیخ آنکه شود

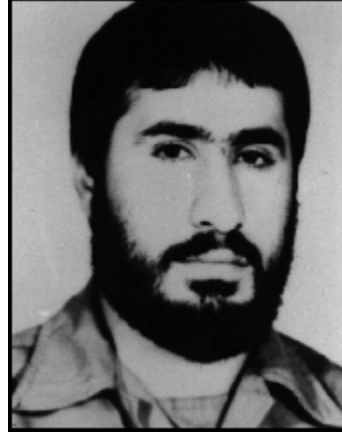
و در چهار صفا که است که منو دانم نمیشد  
که در محل است که منو دارد و دیگر فرزندم

مواضع بسیار نزدیکی از منو کماله اراده

بزرگوار می

۲۸  
۲۹  
۳۰  
۳۱  
۳۲  
۳۳  
۳۴  
۳۵  
۳۶  
۳۷  
۳۸  
۳۹  
۴۰  
۴۱  
۴۲  
۴۳  
۴۴  
۴۵  
۴۶  
۴۷  
۴۸  
۴۹  
۵۰

نام: محمد  
نام خانوادگی: قبادیان  
نام پدر: صیدمحمد  
نام مادر: سلطنت خانم  
تاریخ تولد: نهم دی 1342  
محل تولد: روستای سفیدخانی از توابع  
شهرستان شیروان و چرداول  
تحصیلات: دیپلم  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: نهم بهمن 1366  
محل شهادت: قلاویزان  
نحوه شهادت: اصابت گلوله  
مزار: بخش صالح آباد از توابع شهرستان مهران



## عبارت های کلیدی

- ا اگر سعادت نصیبم شد و به شهادت رسیدم، از اقوام و خویشان و دوستان طلب عفو و بخشش دارم.
- ا اگر خاطر مرا می خواهید، از امام جدا نشوید.
- ا در خط او باشید که راه سعادت و عزت و سربلندی اسلام بر مسلمین در آن است به فرمایشاتش دقیقاً توجه کنید و به آن عمل کنید که خیر دنیا و آخرت در او نهفته است.
- ا این انقلاب و این نظام با این امام در هیچ جای دیگری مانند ندارد.
- ا همسر مهربانم و خواهران عزیزم باید بدانند که شهادت من برای آنها افتخار بزرگ و پرارزشی است.
- ا به فرزندم محبت کنید و به او بفهمانید که امام پدری دلسوزتر و مهربانتر است.

## محمد قبادیان

## بسم الله الرحمن الرحيم

«الحمد لله رب العالمين و العاقبة للمتقين»<sup>1</sup>

سپاس خدایی را که جهان آفرید و انسان را خلق نمود، پیغمبران (ع) را فرستاد و امامان (ع) را برگزید که انسان را به کمال رسانند. اکنون بر ما منت نهاده و نعمت بزرگ دیگری به ما عطا کرده که راه سعادت را دریابیم. بارالها این سعادت را از ما مگیر «آمین یا رب العالمین». حال که بار دیگر لطف خدا شامل حال شده که توفیق جبهه و جهاد پیدا کنم، اگر سعادت نصیب شد و به شهادت رسیدم، از پدر و مادر و برادران و خواهرانم و همسر تقاضای حلالیت دارم و از اقوام و خویشان و دوستان طلب عفو و بخشش. عزیزان اگر خاطر مرا می‌خواهید، از امام جدا نشوید و در خط او باشید که راه سعادت و عزت و سربلندی اسلام بر مسلمین در آن است. به فرمایشاتش دقیقاً توجه کنید و به آن عمل کنید که خیر دنیا و آخرت در او نهفته است.

پدر و مادرم قدر این سعادت را بدانید<sup>2</sup> که نصیب هر ملتی و هر کس نمی‌شود. برادران عزیزم این انقلاب و این نظام با این امام در هیچ جای دیگری مانند ندارد، قدرش را بدانید. همسر مهربانم و خواهران عزیزم باید بدانند که شهادت من برای آنها افتخار بزرگ و پرارزشی است. این ارزش را حفظ کنید. به فرزندم محبت کنید و از او مواظبت نمایید و به او بفهمانید که امام پدری دلسوزتر و مهربانتر است و او هم فرزند امام است. همه شماها را به خدای بزرگ می‌سپارم و از همه التماس دعا دارم.

محمد قبادیان

خرداد ماه 1366

مهران - فلاویزان<sup>3</sup>

1- در اصل وصیت «و العاقبة للمتقين».

2- در اصل وصیت «داشته باشید».

3- ر.ک. تعلیقات.

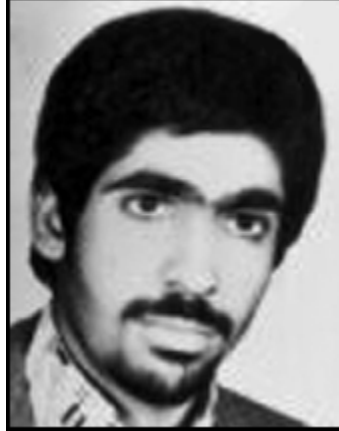
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الحمد لله رب العالمین والاعلیٰ القیمُ المستقیم . سپاس خدای را که جهان آفرید و انسان را خلق نمود .  
 پیغمبرش را فرستاد و امامان را برگزید که انسان را به کمال رسانند . آنگونه که شما منت زاده و  
 نعمت بزرگ دیگری به ما عطا کرده که ما را سعادت را در ایام ما بارانها برین سعادت را از ما بگیر  
 آئین زایب العالمین حال که با دیگر لطف خود شامل حال ما شده که توفیق جبهه و جواد پیدا کنیم  
 اگر سعادت نایب شد و به شهادت رسیدیم از پدر و مادر و برادران و مظهریم و جسم تمامای خلافت  
 حکم و از تقلم و غرضان و دوستان طلب عذر و بخشش . عزیزان اگر خاطر مرا میفرماید از  
 امام جواد شویج و منصف او باشد که راه سعادت و عزت و سرانجام اسلام و مسلمین در آن است  
 به فرمایشاتش حقیقتاً آنچه نکرده و نکرده عمل کنید که خیر دنیا و آخرت در رو نوشته است  
 بپدر و مادر و قدر برین سعادت داشته باشید . نصیب هر طبقه و هر کس من شود برادران عزیزم  
 برین انقلاب و برین نظام با این امام در هیچ جای دیگری نماند . ندارد قدش را بپوشد . جسر بر ایام و  
 خواهران عزیزم باید بدانند که سعادت من بر این است . افتخار من بزرگ و پرورش است این کتب را حفظ کنید .  
 به نرسد . نوم نیست . منتهی و از او را طبیعت نماند . و به او بماند . که امام بگوید . دستور تو در صورت است .  
 و او هم فرزندان امام است همه مشاها را بندگان بزرگ می سپارم و آنچه انعام دیا دارم

محمد قبادیان - خردادماه ۱۳۶۴

هران - فلاورجان

نام: محمدرضا  
نام خانوادگی: قربانی  
نام پدر: شکرعلی  
نام مادر: قدم خیر  
تاریخ تولد: دوم شهریور 1341  
محل تولد: شهرستان مهران  
تحصیلات: طلبه علوم دینی و حوزوی  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: هفتم مرداد 1361  
محل شهادت: پاسگاه زید عراق  
نحوه شهادت: اصابت گلوله  
مزار: گلزار شهدای بخش صالح آباد از توابع زادگاهش



## عبارت های کلیدی

- ا هیچ کس حق ندارد به اسم من از بنیاد شهید چیزی بگیرد چه پدر باشد چه برادر.
- ا برنامه اسلام است که ما را به این افتخارات بزرگ می رساند.
- ا ما عاشقانه به این راه قدم می گذاریم.
- ا فرشی که از بنیاد امور جنگ گرفتم را به مسجد هرمزآباد هدیه کنید..
- ا اگر امکان دراد قبر مرا پیش قبر شهدا بگذارید.

## محمدرضا قربانی

### بسم الله الرحمن الرحيم

تمام پول‌هایی که به قرض پیش برادران طلبه دارم مال پدرم است آلا پولی که پیش برادر طلبه ایلامی آقای احمد حاتمی دارم که آن 2 هزار تومان است و 4 هزار تومان هم مال خودم است که در بانک مؤسسه تعاونی اسلامی هست. این 6 هزار تومان مال خودم است که از این 6 هزار تومان 3750 تومان مال مسجد هرمز آباد مهران است که قبل از گرفتن مهران توسط رژیم منحوس صدام از مردم تحویل گرفتم، که شما برای احتیاط 4 هزار تومان بدهید و 500 تومان پول برادر ابوذر کرمانی پیش من قرض [است و چهارصد و خورده‌ای پول برادر ابراهیم طهماسبی خرم‌آبادی پیش من هست که شهریه ایشان را گرفتم و تمام کتابهایی که در قفسه دارم و چه در کیف دارم مال ملکی خودم هست و شاید یک دو جلد از آنها مال برادران ایلامی باشد و این کتاب‌ها را به حضرت آیه الله مشکینی امام جمعه محترم قم بدهید و به ایشان بگویید «این است دارایی طلبه شهید» که به شما واگذار کرده است و به شما اهداء کرده.

و من از نظر رختخواب و پوشاک و خواب و فرش و این قبیل وسایل دیگر چیزی ندارم تنها یک لحاف و یک پتو داشتم که قبل از عقد بود یا بعد از عقد به یکی از برادران ایلامی دادم برای خودش و من از رختخواب دوستان استفاده می‌کردم و دیگر اینکه درباره ظروف هم هیچ ندارم اگر هم چند ظرفی دارم مال بچه‌های هم حجره یا مال علی قربانی باشد برای آنها و چیزهایی که من داشتم در حجره روی آنها اسم خود نوشته و یک عدد هم دو چرخ‌سواری دارم که آن هم مال عبدالجبار می‌باشد.

چندتایی نوار مذهبی و نوار درسی دارم که آن هم مال برادر علی ابراهیمی می‌باشد و یکی هم در رابطه با برادر سید حبیب موسوی آبادانی که من یک مقدار پول داشتم و ایشان چون پول فوری احتیاج داشت و من هم از دفتر تبلیغات 10000 تومانی قرض کرده بودم برای عروسی من با ایشان این معامله را کردم که من الآن تقریباً 6 یا 7 هزار تومان بود که من دقیق یاد ندارم خودش بهتر می‌داند به تو می‌دهم که کارت درست شود و شما در



مقابل این پولی [که]<sup>1</sup> من از دفتر تبلیغات] را بدهم که من آن معامله را با برادرم سید حبیب موسوی کردم و حالا برادرم محمد علی [...] <sup>2</sup>تومان از این 10000 تومان [را] به من داده، بقیه آن را به پدرم بدهد. چون پول مال پدرم می‌باشد که 7500 تومان است که باید تحویل پدرم بدهد و هیچ‌کس حق ندارد به اسم من از بنیاد شهید چیزی بگیرد چه پدر باشد و چه برادر.

تنها چیزی که برای من می‌تواند خرج کنید اگر جنازه‌ای از من ماند یک قبر ساده مثل بقیه شهدا و چند قطعه عکس هم روی او بگذارید و یک روز هم بیشتر توی مسجد برای من مجلس ختم بگیرید و در مجلس عزاداری من خواهش می‌کنم کمتر خرج کنید و مجلس عزاداری را به‌طور اسلامی برایم بر پا کنید چون برنامه اسلام است که ما را به این افتخارات بزرگ می‌رساند. عاشقانه به این راه قدم می‌گذاریم پس باید عزاداری ما شهدا هم به‌طور اسلامی و طبق قانون اسلام برگزار شود وصیت دیگر من این است که پدرم مواظب خواهر هاجر<sup>3</sup> باشد چون بچه زیاد دارد و کسی ندارد برای او کار کند.

وصیت دیگر من این است که خواهرزاده اهل تکلیف دارم و فامیل‌هایی که دختر و پسر دارند، آنها هم بچه‌های خود را شوهر دهند و پسران خود را داماد کنند و هیچ‌کس حق ندارد برای من تا یک سال در انتظار باشد که دخترش را شوهر دهد یا پسرش را داماد کند. اتفاقاً این برنامه من خودم خیلی به آن<sup>4</sup> توجه نکردم و انجام هم دادم، در مرگ عموزاده‌های عزیز شهیدم که این اصلاً از نظر شرعی اشکال دارد و اینکار را حتماً حتماً قوم و خویشان من انجام دهند و برادران و خواهران خودم هم اگر امکان داشته باشد در مجلس جشن آنها شرکت کنند و فرشی که از بنیاد امور جنگ‌زدگان ایلام گرفتم، آن‌هم به مسجد هرمز آباد هدیه کنید و اگر امکان داشت قبر مرا پیش قبر شهدا بگذارید.

---

1- در اصل وصیت «که» افتاده است.

2- خوانا نیست.

3- در اصل وصیت «حاجر».

4- در اصل وصیت «بش».

و اما دربارهٔ زخم، اولاً من عقد کرده‌ام فقط عروسی نکرده‌ام و هنوز هم دختر است و خانواده من هیچ‌گونه حقی گردن زن من ندارند و خود مختار هستند در رابطه با شوهر کردن و من هم هیچ‌گونه حقی پیش او ندارم و چیزهایی که برای او خریدم از این قرار است از اول عقد بعد از اینکه جبهه می‌روم. یک - 1 حلقه طلا یک عدد، 2 - ساعت مچی یک عدد 3 - کفش دو جفت، 4 - جنس پیراهنی 2 عدد، 5 - چادر زنانه 1 عدد سفید، 6 - شمعدان یک عدد و وسایل دیگری به مقدار 300 تومان الی 400 تومان و یک عدد حلقه طلا و یک چادر سفید به یکی از خواهرانم بعد از عقد برای او فرستاده بود که اینها مال خود اوست و خودش می‌داند درباره آنها چه کند و در مقابل این اجناس که من برای او خریدم خانواده آنان متقابلاً دو مرتبه چیزهایی برای من خریده‌اند. ( وصیت دیگر من این است که 400 تومان پول کتاب برادر عباس محمدی پیش من است که بایستی کتاب برایش بخرم، اما متأسفانه من تا بحال آن کتاب‌ها را گیر نیاورده‌ام و 400 تومان را به او بدهید.

«والسّلام علیکم و رحمة الله و برکاته»



مقرر شد که در آنها انگذار کرده است و بدینها اهدا کرده و من این نظر حقیر این  
 در وقتیکه خواب رفوس و این فصل بر سبیل دیگر چیزی در این بنام یک طرف و یک  
 بود دانستم که قبل از عهده دبا بعد از آنکه در یکی از سرداران ابراهیم دایم ای خود در  
 در از خواب در آن استغافه میکردم در دیگر آنکه در این طرف هم در این که هم در این  
 عالی میمانی هم بود با مال علی عثمان بنیاد شد برای آنها و چیزی فانی که من این هم در  
 آنها اسم و در دست و یک عدد در هر سواری دارم که آن هم سال بعد الحیا و است  
 خصی فانی دارم و در نواد در من دارم که آن بعد سال برابر علی ابراهیم بنیاد شد و این هم در این  
 با برادر رسد حسب عدد سوی آن امانی که من یک مقدار پول داشتم و این پول فوری  
 احتیاجی داشت و من هم در دست خلیفه است... در زمانی که در این برای نوبت میمانی  
 این جمله را که من آن آن تقریباً با لاجه از دو ما بود که من در این با دارم خود در  
 این جمله را که در این روز است شود و من هم در سال این بودی من از دست خلیفه



شروع است که خواهد آمد. این تکلیف تمام بر ما ملایمی که در شهر ایزد و بیرونش  
انجام می‌دهایم و راسخوردند و سوزان خود را با ما دگشت و می‌کنند حق بدو برای  
معنا که در انتظار باشند و هرگز در شهر رند با سوزن را با ما دگشت که اتفاقاً این نام  
سوره سبوح جلی نشی نه چه نگردم را انجام هم داده‌ام در سرت که از امای عزیزم که می‌آید  
از نظر شریک است که از طلا و نیکار با آنها هم می‌خورم و می‌خورم انجام دهند و با زبان  
و هم به ما امکان داشته باشد و هرگز حق است که آنها سرگشته کنند و فریبی که از ما یاد کرده‌اند  
ایلام در تمام شهر و در شرا با دهد که کند و با ما امکان داشت که بر ما پیش می‌رسید و از این  
و اما بازو زخم اولاً من عقد کرده‌ام فقه و عمره نشی نگردام و در هم در دست است و با ما  
ضو و چند دفعی گردان زن من در ارد و خود است که در این نظر باشد هرگز که  
پس هم به چند دفعی پس او نه ام و خبرهایی که برای او خبریم از این هزار است که اولاً



نام: نورمحمد  
نام خانوادگی: قربانی  
نام پدر: صیداحمد  
نام مادر: مهری  
تاریخ تولد: سوم مهر 1344  
محل تولد: شهرستان دهلران  
تحصیلات: اول متوسطه  
ارگان اعزام‌کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: چهاردهم شهریور 1365  
محل شهادت: قلاویزان  
نحوه شهادت: اصابت گلوله  
مزار: گلزار شهدای امامزاده سیداکبر توابع زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ا وصیت می‌کنم به تقوا، به زهد و پرهیزکاری به رعایت حقوق یکدیگر.
- ا اگر دمی از پشتیبانی و همدلی این مرد خدا غفلت کنی، بدان که به لبه پرتگاه و سقوط رسیده‌ای.
- ا بدون وجود اصل ولایت فقیه، مملکت بدون آسایش و بی‌اعتبار است.
- ا من مطمئنم هر کس از این ولایت هواداری کرد [و] در روز محشر بدون استثنا روسفید و خرسند است.
- ا به تمام دوایر دولتی و غیردولتی عرض می‌کنم به کاغذبازی‌ها و اشاره‌ها خاتمه دهید.
- ا کل امور را تقوا و ضوابط قرار بدهید. در سهم بیت‌المال مسلمین نهایت عدالت را درباره هر چیزی مراعات کنید ولو هسته خرمایی باشد.
- ا من در راه خدا و صراط مستقیم قدم برداشته‌ام.
- ا بنا به وظیفه، شما را تشویق و وصیت به تقوای بیشتر می‌کنم.



## نورمحمد قربانی<sup>1</sup>

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا<sup>2</sup> اللَّهُ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا» (سوره احزاب / 23)

من نورمحمد قربانی فرزند صید احمد شماره شناسنامه 2346 وصیت خودم را در چند بند تقدیم عزیزان می‌کنم، امید است این وصیت‌نامه را که در حین عملیات برای شما تهیه کرده‌ام جالب توجه باشد و خداوند نکات خوبی را هم بر زبان بندهٔ عاصی بیاورد تا بیشتر منقلب کننده و گیرا باشد.

ای برادر و تو ای خواهر شما را وصیت می‌کنم به تقوا، به زهد و پرهیزکاری به رعایت حقوق یکدیگر، به ادا کردن ولاءها و ولایت‌ها، ولایت ائمه (8)، ولایت فقیه ولایت مؤمن بر مؤمن و غیر ...

وصیت مجدداً و مکرر از پشتیبانی ولی امر (ولایت فقیه). زیرا بدون وجود این اصل مترقی قانون اساسی، مملکت بدون آسایش و بی‌اعتبار است. بدون وحدت و بدون رهبر است. این نعمتی بس بزرگ و چهره‌ای بس درخشان، است که بعد از ائمه (8) تاکنون چنین فردی قاطع، مدیر، مدبر و مخلص روی کار نیامده.

ای تو ای برادر و ای خواهرم اگر دمی از پشتیبانی و همدلی این مرد خدا غفلت کنی، بدان که به لبهٔ پرتگاه و سقوط رسیده‌ای و من مطمئنم هر کس از این ولایت هواداری کرد [و] در روز محشر بدون استثنا روسفید و خرسند است و اما اگر کوتاهی کرد، بی شک در جهنم ابدی خواهد بود.

بند دوم: به تمام دوایر دولتی و غیردولتی عرض می‌کنم به کاغذبازی‌ها و اشاره‌ها خاتمه دهید و کل امور را تقوا و ضوابط قرار بدهید. در سهم بیت‌المال مسلمین نهایت عدالت را دربارهٔ هر چیزی مراعات کنید ولو هستهٔ خرمایی باشد، پیرو و شیعه علی (7)

1- در بالای وصیت آمده است: «وصیت‌نامه نورمحمد قربانی که در مورخ 65/1/13 نوشته شده».

2- در اصل وصیت «عاهدو».

هستید به این امر مهم خیلی اهمیت بدهید و به نظر بنده در یک حکومت اسلامی این امر حائز اهمیت است.

اگر امروز در مورد تقسیم حقوق مردم سهل انگاری و مسامحه کنید، فردایی که پیشیمان و نادم شده‌اید و این مسخره‌ای به خود بیش نیست.

بند سوم: به کلیه مسئولان و مرئوسان است از کوچکترین مسئول بخش یا اداری تا رئیس جمهور. به این جمله خوب توجه کنید، برادر و یا خواهرم اول اگر تقوای این کار را ندارید تا جامعه ترا رو نکرده است خودت کنار بزن و اگر لیاقت و ارزش آن را دارید به زیردستان فشار نیاور و آنها را در سختی قرار نده و با آنها مهربان باش زیرا خشم زیاد موجب وحشت و مهربانی و صفا و خلوص کار را بهتر و بیشتر پیش می‌برد.

بند چهارم به دوستان عزیز و گرامیم که مدت زیادی را با آنها در این دنیا گفت و شنود و رفت و آمد کردم.

دوستان عزیزم مطمئنم در این مدت از جانب<sup>1</sup> بنده به شما جسارت، توهین و غیبت شده است، حالا اگر شما هم چیزی گفته‌اید یا غیبتی کرده‌اید با قلب پاک و نیت نصوص من شما را عفو و می‌بخشم. اعمالی که از طرف بنده به شما نسبت داده شد، دیگر دست خودتان است. اگر می‌خواهید حلال کنید، اگر هم نمی‌کنید با خودتان است.

بند پنجم که فکر کنم آخرین وداعم<sup>2</sup> باشد به خانواده‌ام است. اول مادرم: مادر جان در طول این مدت می‌دانم غیر از مزاحمت و اذیت کار دیگری برایت نکرده‌ام. حالا که روز آخر رسید، امید است حلالم کنید و در سوگم هیچ ناراحت نباش، چون من در راه خدا و صراط مستقیم قدم برداشته‌ام و راه حق افتخار و عزت ماست و هیچ ناراحتی ندارد. مادر می‌دانم بعضی‌ها شما را تضعیف و سرزنش می‌کنند. اینها روحی مریض و قلبی ناپاک دارند به حرفشان توجه نکن.

و اما شما برادران محترم و نور چشمم در وهله اول خودتان دارای صفات اخلاقی و معنوی هستید، اما بنا به وظیفه، شما را تشویق و وصیت به تقوای بیشتر می‌کنم و شما

---

1- در اصل وصیت «جناح».

2- در اصل وصیت «وداعم».

خوب آگاهید مردم در راه خدا جان و مال را تقدیم کرده‌اند، شما یک نفر را داده‌اید که در مقابل خدمات آنها چیزی نیست. در پایان به شما می‌گویم زندگی خود را خوب اداره کنید. و شما خواهران محبوب و باوقارم: خدا شاهد است من به تقوا [ی] و سنگینی شما آگاهم و بارها از تقوی و پرهیزکاری‌هایتان الهام گرفته‌ام و افتخار دارم چنین خواهرانی را دارم و اسلام هم به شما افتخار دارد. این حجاب و محجوبیت را تا آخر محفوظ کنید که روز قیامت در پیش حضرت فاطمه (3) و حضرت زینب (3) روسفیدید.

در خاتمه از عموها، دایی‌ها و تمام قومان و خویشانم که حقی به گردن من دارند مرا ببخشند و حلال کنند که من آنها را حلال کردم.

خدانگهدار امام رهبر عالیقدر و همه شما، از این عزیزان که در تشییع جنازه من شرکت کرده‌اند سپاسگزارم.

نورمحمد قربانی

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم رب الشهداء و الصديقين

در مکتب اسلام هر مسلمان موظف است وصیت‌نامه‌ای از خود بر جای گذارد البته تا اینجا که یادم است تاکنون چندین وصیت‌نامه نوشتم که متأسفانه به علت اینکه سعادت شهادت نداشتم آنها قدیمی شده‌اند و این وصیت‌نامه جدید من است.

وصایایم را به ترتیب ذیل ذکر می‌نمایم امید است که تمام دوستان مؤمن و معتقد در آخرت شفاعت ما را بنمایند.

- 1- تنها مکتب رهایی‌بخش مستضعفین از دست مستکبرین مکتب انقلابی اسلام می‌باشد.
- 2- برای اینکه در این جهان دنیوی زودگذر زندانی هوای نفس نشوید همیشه به یاد خدا باشید که «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد/28)
- 3- جهت ادامه انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی و متصل شدن به انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج) همیشه سراپا گوش به فرمان امام و یاران صدیق و مؤمن امام که عملاً در خدمت انقلاب و اسلام عزیز بوده‌اند باشید.

4- ماهی یکبار به قبرستان شهدا بروید تا درس مبارزه و ایثار و گذشتن از دنیا و پیوستن به شهدای صدر اسلام را فرا گیرید.

5- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را تا حد امکان از نظر عقیدتی و سیاسی و نظامی تقویت نمایید و به خصوص سپاه را در یک سازماندهی واحد و طی یک ضوابط واحد در سراسر مملکت اسلامی بسط و گسترش دهید.

6- دعا کنید تحمل عقیده مخالف را داشته باشید مانند شهید مظلوم آیت الله دکتر محمدحسین بهشتی.

7- از اختلافات داخلی به خاطر رضای خدا و خون شهیدان انقلاب اسلامی پرهیزید.

8- اگر کسی مسئول باشد موظف است که بر کار زیردستان خود تا حد امکان و توان نظارت نماید و گرنه باید از آن مسئولیت کنار رود.

9- از تهمت زدن بدون علم و آگاهی به دیگران شدیداً پرهیز کنیم.

10- اگر چنانچه جنازه‌ام پیدا شد در امامزاده سیداکبر خاک نمایید.

11- تمام اموالم را به بی‌بضاعت‌های واقعی طی تشخیص مادرم و خواهرانم و برادرانم تقسیم نمایید.

مادر جان من هیچگونه کار خوبی و احترامی برای تو قائل نشده‌ام و تمام وجودم مدیون زحمات شبانه‌روزی شماست مادر جان من هیچگونه کاری برای شما قربانی نکردم و تمام وجودم مدیون زحمات شبانه‌خوری شماست و امیدوارم که شیر سفیدی و آن زحمتی که در دل شب‌های تاریک با من کشیدی حلالم کنی.

مادر اگر نامهربان بودیم، رفتیم. امید که مرا حلال کنی. به خدا سوگند من به عظمت خدا پی بردم و حقیقت را یافتم و خدا را عاشق شدم. خداحافظ مادر عزیزم و درود بر شما بردارم محترم و گرامی‌ام. خداحافظ.

سلام و درود بر دوستان و اقوام<sup>1</sup> و خویشان و خواهران عزیزم و کلیه آشنایان، امیدوارم که راه شهدا را تا انقلاب مهدی (عج) ادامه بدهید. برادران محترم فکر کنید امروز هر شهید

جدیدی می‌رود مسئولیتی که بر دوش شما است سنگین‌تر می‌شود سعی کنید که این وصیت‌نامه‌ها را بخوانید و روی آنها فکر کنید.

«من الله توفیق و هوالمستعان»

قربانی



1

وصیتنامه

دولت پاره

وصیت نامه در باره...

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

من المومنین المرحوم محمد قدا و ساجده و اولاد علیهم السلام من قضی عجب و کون  
 من نیطر و ساجده لو استبر بدت لعدده اهرآ آیم ۲۳  
 من نور و قرآن فرزند عبید الله شماره شاسم ۲۴  
 و صیت قدم را در عهد بند تقسیم فرزندان من کنم ساجده ای  
 این وصیت نامه را که در عهد من ملک بر این شایسته کرده ام  
 طلب کردم تا همه و عدا و فرزندان فدین را هم بر زبان بگویم  
 عاصی با و در تالیست سطلب کننده و گمراهی  
 ای بلند و توان فولد شماره وصیت من کنم به تقداب نزد هم  
 بهینه کاری به سجا عقدت بعد نیز به اولاد کردن و علاء و  
 ولایت ها ولایت و ولایت من خدمت ولایت من بر من

وصیتنامه

۲

و حسب عهد و مکرر از پستان و دل سر دولت فعه  
 نیز بر بگوش و بود این اهل مشرق تا نون امامان مکتب بر کس  
 بر ما پیشین اعتبار ای که بر کس و کس و کس و کس و کس و کس  
 یعنی سه بزرگ و چو کس و کس و کس و کس و کس و کس  
 البته تا کزن چنین فیه قاطع و مدبر و مدبر و مدبر و مدبر  
 ای که در این بلد و این خلدیم از روی از پستان و کس و کس  
 و کس و کس و کس و کس و کس و کس و کس و کس و کس و کس  
 و کس و کس و کس و کس و کس و کس و کس و کس و کس و کس  
 کس و کس و کس و کس و کس و کس و کس و کس و کس و کس  
 و اما اگر بخواهی کس در جهنم ابدی تو بعد بود  
 کند هم اسم تمام کس و کس و کس و کس و کس و کس  
 می و اشار و کس و کس و کس و کس و کس و کس و کس و کس  
 در این صیت الی الی صیت صیت صیت صیت صیت صیت صیت

۱۱۱



وصیتنامه

۳

مرا تا کنیز و لوطی خردی بار بر سر و نسیم جان خسته  
 به این امر هم ضایع الحسب بهیروز به نظرند و در کس  
 فکرت امر بدان این امر هائز اطمینان است  
 تو که در حد و تقیم حقوق مردم محل انظار و عساکر کنی  
 فدایای کریمانی و ماد و سر و سر و این خردی و نسیم  
 نبست  
 بعد و سوم به کلمه سلطان و حاکمان این امر که  
 محل فحش یا اداره این تاریخین هم  
 این همه عیب تو هم کنیز بلده و با خدا هم اول اثر تقاضای این  
 کار را بنده تا حاکم قرار و نگرد ای خدمتگزار بن  
 و اگر که باقتداء اندیش کنی را دارم هم برودتای  
 عساکر بنایه و کفایت را در محض و کار خنده و با آن







نورمحمد قربانی

وصیتنامه

(5)

هلاک کردی که بعد از آن هر چه امیداری هلاک کنی و در دستم  
 هیچ باقی نماند پس چنین من در راه خدا و صراط مستقیم  
 قدم بگذار و از آن راه <sup>مانند</sup> راه حق افتخار و غرورت نماند  
 و هیچ نماند و من تمام کلام دادم بعضی را شمارا تضعیف  
 و سب زنی من کنند اینها <sup>در</sup> هر سخن و عملی ناپاک دادند  
 هر چنان قدم نکن.

و اینها بر اطلاق کردم و در چشم در و در محل خدمتتان  
 دلای صفت اهل حق و معصوم است بدانند و فایده شمارا  
 نشوند و وصیت من بخدا بر من کنم و محارب <sup>و</sup> کفار  
 مردم در راه خدا جان و مال را فقیه کرده اند شما بکنید  
 داده اند که در مقابل خدمات آنها چیزی نیست  
 نه باین به شما قدم <sup>نزد</sup> خدا را خود را داده کنید

وصیتنامه

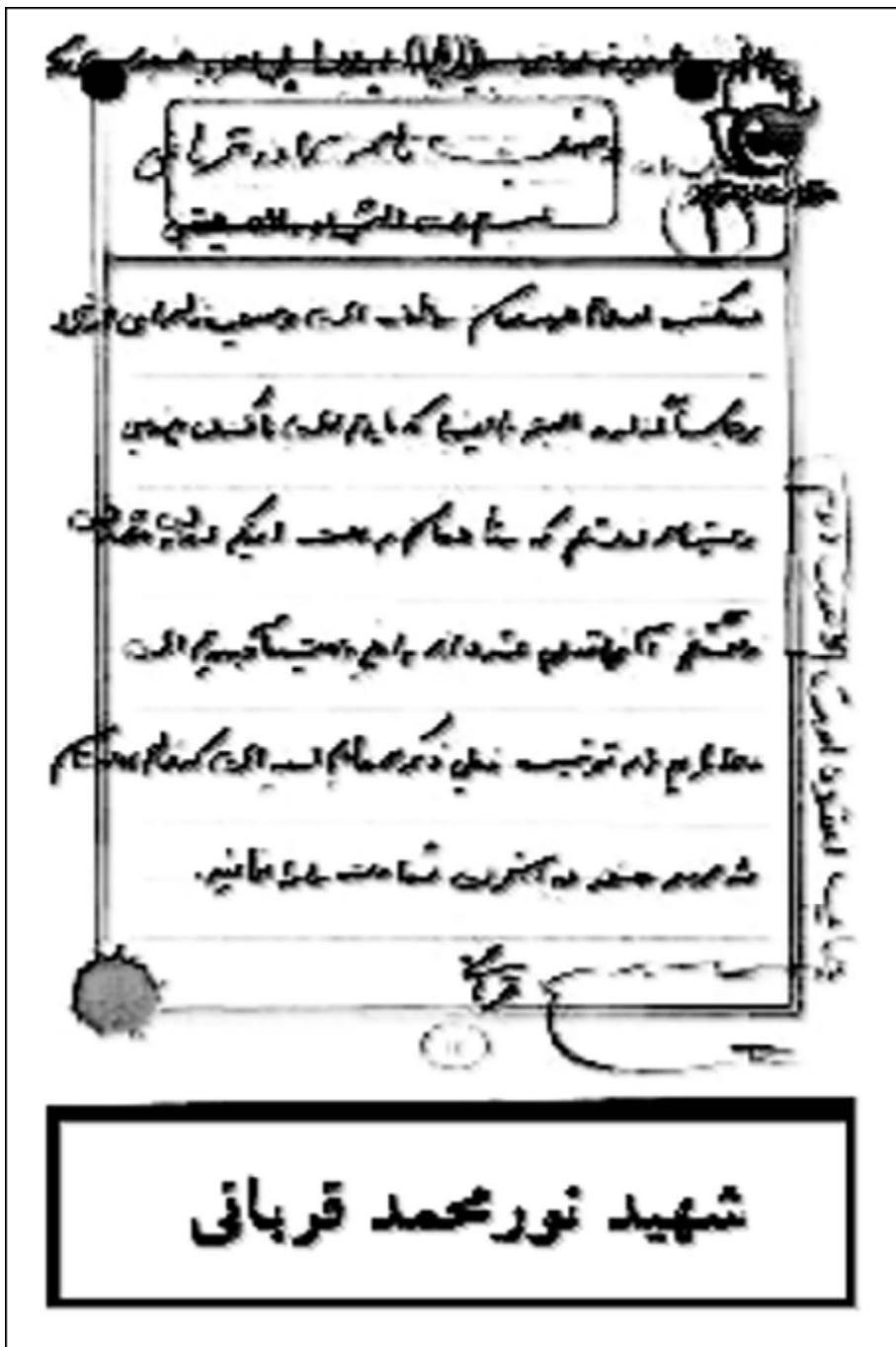
6


و شما را از خود جدا کردم و با تمام  
 خدا شاهد است من به تقوی و سستی شما نگاهم و  
 بارها از تقدیر و برین کارم بیان اکرام گرفتم و  
 اعتقاد دارم چنین فدائی را دارم و ایستادم بر شما ایثار کرد  
 این جانب و کجیبی را تا کفر حفظ کنید که روز قیامت  
 در پیش مصیبت خاطر بود حضرت زینب و حضرت  
 دو فایده از کرمها و این ماء تمام قرمان و خدا جانم  
 که هر چه با گردن من دارم را بچینه و طفل کند  
 که که من آنها را جدا کردم

خدا تقدر که ما را رعبه بقدر  
 و همه ما

از این عزیزان که در تشییع جنازه من شرکت کرده اند بسیار دارم  
 در شهر تهران

115







(۲)

استغاثت بای نفی مستغاثت از دست مستغاثت  
 کتب افتاد امداد بایست  
 و هر یک از این در این جایز و نفی از دست مستغاثت  
 های نفی شدیم بایر خدا باشد  
 الا نه کمال قطری القلبیه

۳- حسب امرات افتاد است بر علی السلام عندهم  
 شکر ما اهدنا لهذا صفتی که در این کتاب  
 نام ما را در صفتی شدی نام که خدا در صفتی افتاد  
 و در نام عزیز آمده است که در این کتاب




(۱۸)



(۳)

و... یکایم...  
 ...  
 ...  
 ...  
 ...  
 ...  
 ...  
 ...  
 ...

  
 (۱۹)

(۱)

(۵)

نه ایستادگی قبل عصره خالف دادا استم باجسته باند  
 ایستادگی اگر استیا... وگد لسته خج بید...

۴- نه ایستادگی خانی ب خاطر و اما خالی و کشته  
 نه ایستادگی ایستادگی بر خنده...

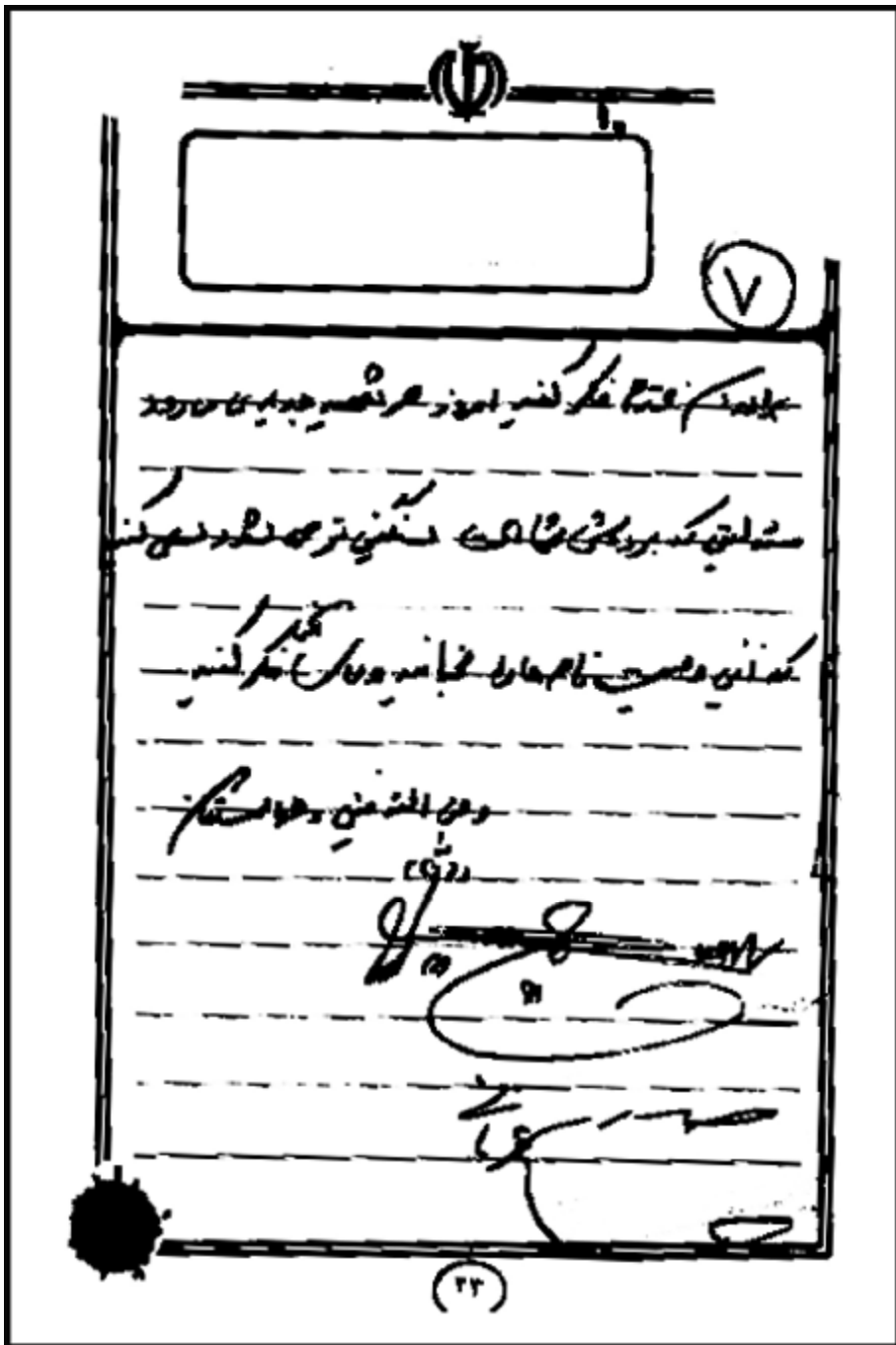
۵- اگر کسی سیدل منه بگفت این که بر کافران  
 خرد تا صا ملک و تداک نظامه غایب کرده با این  
 لسته که سیدل منه بگفت...

(۱)









نام: کرم  
نام خانوادگی: قطیبیان  
نام پدر: نیاز  
نام مادر: قمر تاج  
تاریخ تولد: هفتم اردیبهشت 1342  
محل تولد: شهرستان دهلران  
تحصیلات: دیپلم  
ارگان اعزام کننده: ارتش  
تاریخ شهادت: هفتم اردیبهشت 1364  
محل شهادت: حسینه خرمشهر  
نحوه شهادت: ضربه مغزی  
مزار: گلزار شهدای امامزاده سیداکبر زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ا طبق وظیفه شرعی که دارم به جبهه می‌روم.
- ا اگر شهادت نصیب من شد گریه و زاری نکنید.
- ا زینب‌وار از زندگی دست نکشید.
- ا اگر جنازه‌ام به دستتان نرسید نگران نباشید.
- ا تو پدر بزرگوارم حلال کن تا چون پرنده‌ای آزاد در آسمان آرزوهایم پرواز کنم.
- ا آمده‌ام در کربلای خوزستان خود را فدای الله و پیغمبران و رهبرم کنم.
- ا مادر عزیز جبهه خیلی زیباست انسان در آن معنویت می‌بیند.
- ا مجالس ختم و هفتم و چهلم و ... را ساده برگزار کنید.

## کرم قطبیان<sup>1</sup>

بسم الله الرحمن الرحيم

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرَزِّقُونَ»<sup>2</sup>

«آنان که در راه خدا کشته شدند میندازید که مرده‌اند بلکه زنده‌اند و نزد خداوند روزی می‌خورند».

طبق وظیفه شرعی که دارم به جبهه می‌روم تا انشاءالله در این راه مقدس شهادت نصیبم شود که برای خودم و خانواده‌ام نزد خداوند بزرگ سرفراز باشم و یک نصیحت خیلی خوب به شما دارم که اگر شهادت نصیب<sup>3</sup> من شد گریه و زاری نکنید (در راه خدا صبر کنید تا خداوند بزرگ از من و شما راضی باشد).

من از شما تقاضا دارم شما پدر بزرگوaram و مادر عزیزم و خانواده خوب و بهتر از جانم که در<sup>4</sup> دوری من صبر و تحمل داشته باشید و گریه و زاری نکنید و یک سفارش مختصری به خواهرانم و آن اینست که زینب‌وار از زندگی دست نکشید. به خدا راضی هستم. اگر جنازه‌ام به دستتان نرسید، نگران نباشید. چون هر کجا که باشم فرمانده‌ام امام مهدی (عج) و یاورم حسین (7) و مولایم علی (7) و خدایم الله بر من ناظر و حاضر هستند. اما تو پدر بزرگوaram حلال کن تا چون پرنده‌ای آزاد در آسمان آرزوهایم پرواز کنم و اینک آمده‌ام در کربلای خوزستان خود را فدای الله و پیغمبران (8) و رهبرم کنم. مادر عزیز جبهه خیلی زیباست انسان در آن معنویت می‌بیند و من جانم را در راه خدا گرو گذاشتم و آخرین پیام به پدر و مادرم:

پدر و مادر عزیزم اگر من شهید شدم:

1- مدفن من همان محل شهادتم باشد.

---

1- در بالای وصیت این عبارت آمده است: «وصیت‌نامه سرباز رشید اسلام، شهید کرم قطبیان».

2- آل‌عمران/ 169.

3- در اصل وصیت «نسیب».

4- در اصل وصیت «از».

- 2- بعد از شهادت من از گذاشتن حجله یا پوستر در جلو منزل و مسجد و... خودداری کنید، چون حجله برای جوان ناکام است ولی من به کام خود رسیده‌ام.
  - 3- مخارج این امر را به بسیج و جنگ زدگان اختصاص دهید.
  - 4- مجالس ختم و هفتم<sup>1</sup> و چهلم و... را ساده برگزار کنید.
  - 5- وسایل شخصی بنده را هر طور که می‌خواهید مصرف کنید.
  - 6- از شما پدر و مادر و خواهران و برادران عزیزم که همیشه مزاحمتان بوده‌ام حلالیت می‌طلبم چون جواب دادنش خیلی مشکل است.
  - 7- از تمام فامیل و دوستان و آشنایان برای من حلالیت بطلبید.
  - 8- در پایان سلامتی شماها و رزمندگان و اهل و فامیل را از خداوند متعال خواستارم.
- مادر فراموشم مکن چون می‌رود امید تو [در]<sup>2</sup> بستر بیماریم<sup>3</sup>، مادر بیا بالین من

دیلم وظیفه

سرباز کرم قطبیان

---

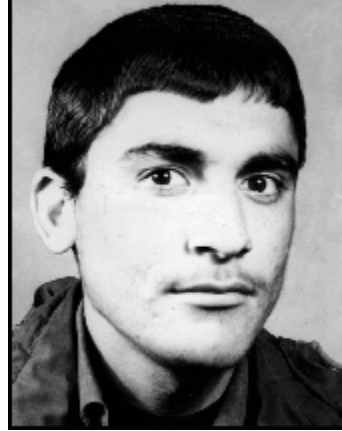
1- در اصل وصیت «هفته».

2- در اصل وصیت «در» از قلم افتاده است.

3- در اصل وصیت «بیمارم».



نام: سعدالله  
نام خانوادگی: قیصریگی  
نام پدر: اسدالله  
نام مادر: قدم خیر  
تاریخ تولد: یکم شهریور 1343  
محل تولد: شهرستان شیروان و چرداول  
تحصیلات: اول متوسطه  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: سی ام مهر 1363  
محل شهادت: میمک  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای امامزاده قاسم زادگاهش



## عبارت های کلیدی

- ا امیدوارم با فدا نمودن جان خود توانسته باشم که پرده کریه مکر و فریب و زور و ریا و تزویر را از پیش منافقان و خائنان بردارم.
- ا به جبهه اعزام می گردم تا شاید بتوانم با فدا نمودن جان خود دین خود را به اسلام و مسلمین ادا نمایم.
- ا من با عقیده ای استوار که در اعماق وجودم ریشه داشت، راه خود را انتخاب نمودم.
- ا از رفتن به میدان رزم و جنگ هیچگونه نظر مادی و انتفاعی نداشته ام.
- ا وقتی پای اسلام و مسلمین و قداست مذهب در میان است، شهادت را بر ادامه تحصیلات ترجیح می دهم.
- ا هیچگاه امام را تنها نگذارید.
- ا هیچ وقت صحنه را خالی نکنید.
- ا شما عزیزان لباس های رزم مرا بپوشید و راه سرخ خونین مرا ادامه دهید.
- ا راه سرخ خونین شهیدان را که از اباعبدالله الحسین ( 7 ) به ما به ارث رسیده است ادامه دهید.

## سعدالله قیصریگی

بسم الله الرحمن الرحيم

تبارک و تعالی

[با سلام و درود]<sup>1</sup> به یگانه منجی عالم بشریت حضرت مهدی (عج) و نایب بر حقش امام امت خمینی کبیر و با سلام [و درود]<sup>2</sup> بر شما مردم مقاوم و شهیدپرور ایران اسلامی. چند جمله‌ای به عنوان توصیه و سفارش به بازماندگانم را از خود به جای می‌گذارم و امیدوارم که چنانچه در این خصوص قصور کوتاهی شده است با دیده اغماض قلم غفو را بر جرائم این حقیر بکشانید. یکی از وصایای لقمان به فرزندش این بوده که ای فرزندم اگر تمام گناهان جهان را برای تو رقم و قلم زدند از بخشایش خدای رحمان غافل مباش. اینجانب با شروع جنگ تحمیلی با لبیک گفتن به فرمان منادی عدالت و حریت و شرف انسانیت یگانه سالله پاک رسول الله حضرت امام امت، خمینی بت شکن و جهت رضای درگاه احدیت و پاسداری نمودن از ارزش های والای اسلام و مسلمین به جبهه نور علیه ظلمت عازم می شوم تا شاید بتوانیم که اگر سلاحی برنده در اختیار ندارم و چنانچه باید و شاید مجهز به تجهیزات نظامی و زرهی نیستم، جان خود را در راه مقدسات اسلام آماج گلوله های دشمن قرار دهم و و فدا نمایم و با فدا نمودن جان خود توانسته باشم که پرده کریه [و] مکر و فریب و زور و ریا و تزویر را از سیمای منافقان و خائنان به اسلام ناب محمدی<sup>3</sup> (6) و ایران اسلامی بردارم و از این طریق آنان را با دستگاهای جباری و الحادی که در اختیار دارند و رسوا نمایم.

به جبهه اعزام می‌گردم تا شاید بتوانم با فدا نمودن جان خود دین خود را به اسلام و مسلمین ادا نمایم و با دادن خون خود درخت نوپای جمهوری اسلامی را سیراب نموده و بارور نمایم.

توصیه و سفارش می‌نمایم در هنگام مرگم چشمانم را باز گذارید که تا کوردلان و

1- خوانا نیست، اما از سیاق کلام به نظر می‌رسد کلمه ناخوانا «و درود» است.

2- خوانا نیست.

3- ر.ک. تعلیقات.



ملحدان (کافران) بدانند که این راه را کورکورانه انتخاب نکرده‌ام. بلکه با دیدی باز و ایده و عقیده‌ای استوار که در اعماق وجودم ریشه داشت، راه جاودانی و همیشگی خود را انتخاب نمودم.

دست‌هایم را باز بگذارید که از زندگی دنیوی و مادی هیچگونه کالا و متاعی را با خود به همراه ندارم و از رفتن به میدان رزم و جنگ هیچگونه نظر مادی و انتفاعی نداشته‌ام. کتاب‌هایم را در بالای تابوتم قرار دهید که مخالفان نظام مقدس جمهوری اسلامی بدانند که از درس خواندن فرار نکرده‌ام بلکه علاقه داشتم که تحصیلاتم را ادامه دهم و به جامعه نیازمند خود خدمتی کرده باشم اما از آنجایی که پای اسلام و مسلمین و قداست مذهب در میان است شهادت را بر ادامه تحصیلات ترجیح می‌دهم.

در ضمن چند کلام با پدر و مادر [م] مهربانم: توصیه می‌نمایم که در هنگام مرگ من شیون و زاری و ناله و افغان را سر ندهید و هیچگونه خلل و سستی در اراده آهنین شماها رسوخ نکنند زیرا در غیر این صورت کوردلان و از خدا بی‌خبران شاد خواهند شد و اگر خواستید برای من و در عزا و رثای من گریه کنید، به حال خانواده و شهیدان لبنانی و فلسطینی<sup>1</sup> که جنایت‌های صهیونیست‌ها نسبت بر آنان موی را بر اندام انسان راست می‌کند، گریه کنید.

اما وصیت من به برادران این است که هیچ وقت و هیچ هنگام و زمان امام را تنها نگذارید و صحنه را خالی نکنید که خدای<sup>2</sup> نکرده سرزمین اسلام ما جولانگاه<sup>3</sup> ظالمان و فاجران جهانی و منافقان<sup>4</sup> داخلی قرار گیرد، زیرا که امام فرموده است که «اگر پرچمی از دست سرداری بیفتد سردار دیگر آن را به حرکت در می‌آورد»<sup>5</sup> و اگر من شهید شدم شما عزیزان لباس‌های رزم مرا بپوشید و راه سرخ خونین شهیدان که از اباعبدالله الحسین (7) به ما به ارث رسیده است ادامه دهید. در پایان همه شما را به خدا می‌سپارم و از خداوند

1- ر.ک. تعلیقات.

2- در اصل وصیت «خدایی».

3- در اصل وصیت «جولانگان».

4- ر.ک. تعلیقات.

5- صحیفه امام، ج 15، ص 264.

برای رهبر کبیر انقلاب اسلامی طول عمر طلب می‌نمایم.

سعدالله قیصریگی





نام: محسن  
نام خانوادگی: قیطاسی  
نام پدر: محمدحسین  
نام مادر: فردوس  
تاریخ تولد: سیام شهریور 1363  
محل تولد: روستای قلعه‌دره از توابع  
شهرستان مهران  
تحصیلات: کارشناسی  
ارگان اعزام‌کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: هفدهم بهمن 1387  
محل شهادت: یادگان شهدای کرمانشاه  
نحوه شهادت: انفجار مواد منفجره  
مزار: گلزار امام حسین بخش ملکشاهی از  
توابع شهرستان زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ من از قبل می‌دانستم که شهید می‌شوم.
- ۱ من جزء معدود کسانی هستم که روز شهادتم را از قبل می‌دانستم.
- ۱ عزیزم وقتی می‌روم برایم گریه نکن، جایگاه من بسیار خوب است.

## محسن قیطاسی<sup>1</sup>

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم رب الشهداء و الصديقين

شب بیست و یک ماه اردیبهشت 88 یکی از دوستان صمیمی بنده خوابی بسیار زیبا دید. چند ماه قبل زن دایی محسن خواب دیده که محسن به او گفت روز بیست و یکم اردیبهشت خبری از من به شما می‌رسد. فکر می‌کنم شاید این دو خواب به هم مربوط باشند. دوست من بسیار مؤمن و پاکدامن است از خواهرم به من و محسن نزدیکتر است. او گفت خواب دیدم که محسن در آسمان بود، با لباسی بسیار زیبا و به من گفت که نامه‌های باز شده<sup>2</sup> بسیاری به دستم داد. گفت آنها را برای کبری (کتی به قول خودش) نوشته‌ام و دوستم تمام نامه‌ها را خواند و گفت که یکی از آنها را خوب به یاد دارم.

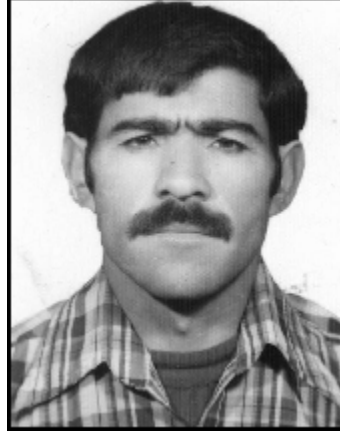
به نام خدا

سلام کتی عزیزم، در حالی که این نامه را برایت می‌نویسم در اوج شادی و شغف به سر می‌برم. عزیزم من از قبل می‌دانستم که شهید می‌شوم من جزء معدود کسانی هستم که روز شهادتم را از قبل می‌دانستم. خدا، به من این اجازه را داد که هنگام مرگم را خودم تعیین کنم. آنها از من اجازه گرفتند و من با کمال میل این سعادت بزرگ را قبول کردم. عزیزم وقتی می‌روم برایم گریه نکن، جایگاه من بسیار خوب است، تو خود را زجر مده و خودت را زیاد ناراحت نکن که من به یک لحظه ناراحتی تو راضی نیستم. عزیزم وقتی تو گریه می‌کنی من بسیار زجر می‌کشم و ناراحت می‌شوم. تو نگران پسر من هستی مگه نه؟ من با تمام وجودم از پسر من نگه‌داری می‌کنم. عزیزم جای من بسیار خوب است و تو نگران من نباش.

1- از جمله وصایایی است که نسخه تاپیی در پرونده شهید منظور شده است و دستخط شهید در اختیار نیست.

2- در نسخه تاپیی و مورد تأیید بنیاد شهید «شده‌ای».

نام: ابراهیم  
نام خانوادگی: کاظمی  
نام پدر: بهمن  
نام مادر: شاه‌پسند  
تاریخ تولد: نهم دی 1332  
محل تولد: شهرستان ایلام  
تحصیلات: در حد خواندن و نوشتن  
ارگان اعزام‌کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: پنجم آذر 1363  
محل شهادت: چنگوله  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: بخش صالح‌آباد از توابع شهرستان مهران



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ در راه اسلام دفاع کنید.
- ۱ برای من گریه و زاری نکنید.

## ابراهیم کاظمی<sup>1</sup>

### بسم الله الرحمن الرحيم

در راه اسلام دفاع کنید<sup>2</sup> با سلام<sup>3</sup> برادران عزیزم فرامرز<sup>4</sup> و آقا برار و علی خالد و مادر و خواهران<sup>5</sup> و همسر<sup>6</sup> توجه<sup>7</sup> به وصیت نامه<sup>8</sup> من این است برای من گریه و زاری نکنید<sup>9</sup> چون<sup>10</sup> من حق<sup>11</sup> خودم و برادرم [را] گرفتم و از باب<sup>12</sup> قبر من شاد باشید<sup>13</sup>. باری برادران زندگی بنده همسر<sup>14</sup> می داند و او را می گوید به دست شماها بچه های من برادران خداحافظ<sup>15</sup> شما عزیزان.

برادر کوچک خودتان ابراهیم کاظمی

---

1- در اصل وصیت «بسم اله رحمن رحيم».

2- در اصل وصیت «دفا کنين».

3- در اصل وصیت «يا اسلام» آمده است اما از سياق کلام به نظر می رسد «با سلام» صحیح است.

4- در اصل وصیت «فرامرز».

5- در اصل وصیت «خواهران».

6- در اصل وصیت «هام سرم».

7- در اصل وصیت «توجو».

8- در اصل وصیت «وسی نامه».

9- در اصل وصیت «گریو ضاری نکنين».

10- در اصل وصیت «چون».

11- در اصل وصیت «هق خودم»..

12- در اصل وصیت «از بابي».

13- در اصل وصیت «شاد باشين».

14- در اصل وصیت «هام سرم».

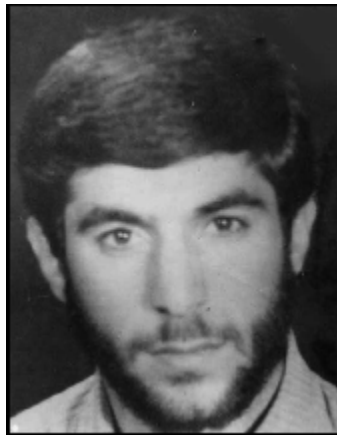
15- در اصل وصیت «خداهافر».



(وصیت نامه)

بسم الله الرحمن الرحيم در راه اسلام ~~خدا~~ خاکین یا اسلام  
 برادران عزیزم فرزندان و آقایان و علم خاندان و شاهزادگان در هام سرم  
 توجه به وسیله این نامه این است بر این که هر چه در اختیار گذاشتم  
 چمن حق خدمت و برادران گزینتم و از این قبر حق ساد باشی  
 بازر برادران عزیز نزدیک بنده هام سرم میدانند و او راه میگوید  
 به دست شما ~~ها~~ بچه های برادران  
 خدا حافظان عزیزان برادران که یک خدمت داد و این ~~را~~

نام: محمدرضا  
نام خانوادگی: کاظمی  
نام پدر: محمد  
نام مادر: شاه‌زنان  
تاریخ تولد: شانزدهم اردیبهشت 1344  
محل تولد: روستای چمن‌شمت از توابع  
شهرستان دره‌شهر  
تحصیلات: دانشجوی دوره کاردانی  
ارگان اعزام‌کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: نهم دی 1366  
محل شهادت: مهران  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای شهرستان زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ از انفاق و ایثار و فداکاری در راه خدا دریغ نفرمایید.
- ۱ مادر زینب‌وار تحمل این سختی را کن.
- ۱ شما باید مقاومت کنید.
- ۱ انشاءالله با این همه خون که ریخته می‌شود، ریشه ظلم کنده می‌شود.
- ۱ مادران شهدا پیش فاطمه (3) روسفید خواهند ماند.
- ۱ مادرانی که از رفتن فرزندانشان به جبهه جلوگیری می‌کنند، باید جوابگوی زینب (3) باشند.
- ۱ پدر و مادر شما را توصیه می‌کنم به نماز جمعه بروید.
- ۱ با چنگ و دندان از این انقلاب دفاع کنید.
- ۱ به داد مردم برسید و مشکلات آنها را حل کنید.
- ۱ در جذب نیروهای مردمی برای جبهه‌ها با سپاه پاسداران همکاری کنید.
- ۱ شرکت در نماز جمعه خاری است در چشم منافقان.
- ۱ جبهه‌ها را خالی نگذارید.

## محمد رضا کاظمی

## بسم الله الرحمن الرحيم

وصیت‌نامه به پدر و مادر

«اللهم فاقبل عذری وارحم شدة ضرری و فکنی من شدّة وثاقی، یا رب ارحم ضعف بدنی و رقة جلدی و دقة عظمی یا من بدء خلقی و ذکری و تربیتی...»<sup>1</sup>

با درود و سلام به رهبر کبیر انقلاب امت شهیدپرور ایران و تمامی شهیدان صدر اسلام و سلام [و]<sup>2</sup> درود بر خانواده‌های<sup>3</sup> شهدا و تمامی خدمتگزاران<sup>4</sup> به اسلام. پدر و مادرم: شما را به انفاق در راه خدا و ایثار [و]<sup>5</sup> فداکاری‌های تمام نیرو و حتی از جان خود در راه اسلام دریغ نفرمایید. و مادرم بگذار زینب وار باشی بگذار تحمل این سختی‌ها را بکنی<sup>6</sup> زیرا قرآن می‌فرماید: «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»<sup>7</sup> پس «بدان که به لطف خدای با هر سختی آسانی و راحتی هست» و باید شما مقاومت کنید که انشاءالله با این همه خون که ریخته می‌شود، ریشه ظلم کنده می‌شود و مستضعفین راحت و آسوده در زیر لوای اسلام زندگی خواهند کرد و آنهایی که سبقت گرفتند و به بهشت رفتند نیز در آن جهان که قابل وصف نیست، زندگی می‌کنند و مادران شهدا باید ناراحت نباشند و اینها که پسرانشان را بزرگ کردند و در راه حق خونشان ریخته شد در پیش فاطمه (3) روسفید خواهند ماند و اگر بعضی از مادران که جلوگیری از فرزندانشان می‌کنند باید جوابگوی

1- فرازی از دعای کمیل. ترجمه: «خداوندا بپذیر بهانه‌ام را، و رحم کن سختی بد حالی‌ام را، و رها کن مرا از بند و ریسمان محکم اسارت، ای پروردگار من، رحم کن ناتوانی تنم را و نازکی پوستم را و باریکی استخوانم را، ای آنکه آغاز نمودی آفرینش را و یادم را و پرورشم را»، مفاتیح‌الجنان.

2- در اصل وصیت «و» افتاده است.

3- در اصل وصیت «خانواده‌های».

4- در اصل وصیت «خدمتگزاران».

5- در اصل وصیت «و» افتاده است.

6- در اصل وصیت «بکنی».

7- انشراح/ 6.

زینب (3) باشند که چگونه در برابر سختی‌ها و مشکلات و ظلم [و] ستم ظالمان مقاومت کرد و پدر و مادر بگذار صبر داشته باشید که «خداوند با صابرين است»<sup>1</sup>. پدر و مادرم اگر چه ما هر دو در این حمله شهید بشویم باید ناراحتی به خود راه ندهید<sup>2</sup> و خداوند پاداش عظیمی به شما عنایت می‌کند و شما را نیز توصیه می‌کنم که به نماز جمعه بروید که واقعا سخنرانی حاج آقا صالحی انسان‌ساز می‌باشد<sup>3</sup>.

خداحافظ

امام را دعا کنید

62/4/6230

گردان الحديد [...]»<sup>4</sup>

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

وصیت‌نامه به ارگان‌های اسلامی و نهادهای انقلابی  
ای برادرانی که در سپاه و جهاد و کمیته امداد و بهزیستی و در آموزش و پرورش و ادارات<sup>5</sup> بانکی و سایر ادارات و... خدمت می‌کنید. بگذارید این خدمتتان موجب رضای خدا باشد و تا می‌توانید بیش از پیش در راه پیشبرد انقلاب کوشا باشید و با چنگ و دندان از این انقلاب دفاع کنید و باعث و مانع باشید در برابر عوامل نفوذی. چون دشمنان اسلام قصد دارند به هر عملی که شده آخرین ضربات خود را بزنند و سعی کنید که با تبلیغات و هرگونه کار انقلابی که از دستتان برمی‌آید به این انقلاب کمک کنید و به داد مردم برسید و مشکلات آنها را حل کنید و این روستاهای منطقه احتیاج به تبلیغات فوق‌العاده‌ای دارند<sup>6</sup> و حتی بعضی کسان هستند در این روستاها که قرائت نماز را صحیح نمی‌خوانند و احکام

1- ترجمه فرازی از آیه 153 سوره بقره است «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ».

2- در اصل وصیت «را ندهید».

3- در اصل وصیت «می‌باشند».

4- خوانا نیست.

5- در اصل وصیت «ادرات».

6- در اصل وصیت «داردند».

ضروری را نمی‌دانند و آنها را ارشاد کنید و چون آنها وسیله در دست ندارند از ماشین‌های دولتی استفاده کنید و آنها را به نماز جمعه دعوت کنید و هر وقت روحانی که به شهر می‌آید او را به روستاها بفرستید نماز جماعت در روستاها برگزار کنید. و شماها ای برادران خدمتگزار!<sup>1</sup> هر وقت مجلس دارید مواظب گفتار و کردارتان باشید مبادا ضد<sup>2</sup> انقلاب با این کار خود ضربه‌ای به این انقلاب بزنند و همیشه بخاطر داشته باشید دشمن همه‌جا در کمین است. به روستاها برسید.

**خدا حافظ**

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

وصیت نامه به پدر و مادر نسبت به خودم  
 \* پدر و مادرم قبرم را در نزد شهیدان در قبرستان قلعه گل بکنید و در آنجا مرا دفن کنید.  
 \* و در هر شب جمعه قدری حنا درست کن و مقداری از آن بر قبر بمال و مقداری دیگر به دست خواهرانی که بر سر مزارم<sup>3</sup> برای فاتحه‌خوانی آمده‌اند بمال.  
 \* و تا یک هفته در خانه را چراغانی<sup>4</sup> کن.  
 \* قدر امام و امام جمعه و روحانیت را بدانید.  
 و از شمایی که وصیت‌نامه مرا می‌خوانید امر مافوق را حتماً حتماً رعایت کنید.

1- در اصل وصیت «خدمتگذار».

2- در اصل وصیت «نخواهد ضد».

3- در اصل وصیت «بر سرم».

4- در اصل وصیت «چراغان».

### [وصیت‌نامه‌ای دیگر]

#### بسم الله الرحمن الرحيم

احوال‌ات روحی خودم<sup>1</sup>

\* آیا نمازها را اول وقت و حتی‌الامکان به جماعت می‌خوانم؟

نمازها را در اول وقت می‌خواندیم ولی بعد از حمله و یا حین حمله‌ها نماز را به جماعت نمی‌خواندیم چون ما سنگر ثابت نداشتیم و یا سنگر استراحت هم نداشتیم ولی قبل از حمله تا موقعی که هنوز حمله شروع نشده بود ما نماز را به جماعت می‌خواندیم.

### [وصیت‌نامه‌ای دیگر]

#### بسم الله الرحمن الرحيم

«وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِئْتَةً»<sup>2</sup>

به نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان و درود و سلام و صلوات بر محمد (6) و آل اطهارش (8) و درود و سلام بر فرمانده کل قوا، این اسطوره صبر و مقاومت امام خمینی.

درود و سلام بر تمامی شهدای راه حق و خانواده‌های معظم آنها و درود و سلام بر اسراء، مفقودین و جانبازان و خانواده‌های صابر آنها و درود و سلام بر مردم همیشه در صحنه و حزب الله دره شهر. سلام بر رزمندگان پرتوان اسلام در سراسر جبهه‌های نبرد حق علیه باطل و درود فراوان بر معلمین و اساتید محترمی که مرا در راه کسب علم و دانش یاری نمودند، خصوصاً معلمین و مربیان عزیز شهیدمان «پرویز نوروزی»<sup>3</sup> و «غلامحسین

---

1- لازم به توضیح است که این قسمت از آن جهت تهیه شده است که شما بعدها بتوانید با مراجعه به دفترچه

خاطرات خود حالات عرفانی و روحیات معنوی را که در جبهه داشته‌اید به یاد آورید.

2- بخشی از آیه 193 سوره بقره.

3- شهید پرویز نوروزی در اول فروردین 1337 در روستای قلعه‌گل از توابع شهرستان دره شهر به دنیا آمد. با اخذ

مدرک کاردانی به عنوان معلم به استخدام آموزش و پرورش درآمد. به عنوان بسیجی عازم جبهه شد. در چهاردهم

مهر 1359 در موسیان بر اثر اصابت گلوله شهید شد. مزار او در شهرستان دره شهر است.

زینی‌وند<sup>1</sup> این دو اسوه تقوی و اخلاق، نوروزی که سر کلاس ریاضی در اوایل جنگ و انقلاب مثال‌های خود را با شهید و شهادت بیان می‌کرد و مانند شیر غرآن در بین کسانی که می‌خواستند دانش‌آموزان را با بیانات و روزنامه‌های چپی خود منحرف کنند می‌گرید و آنها را رسوا می‌کرد همه بچه‌ها را به انقلاب توجیه و آگاه می‌کرد و غلامحسین که هم در جبهه هم در سر کلاس و محل کار خود با آن اخلاق حسنه خود بچه‌ها را ارشاد می‌کرد. یادم می‌آید در سال 62 عملیات والفجر<sup>25</sup> بود و بچه‌ها هر وقت ناراحت می‌شدند و یا ناراحتی برایشان پیش می‌آمد پیش غلام می‌رفتند و با محبت [...] قلبی [...] می‌داد. بچه‌ها در جبهه اصلاً مشکل و ناراحتی نداشتند و من هم با بینشی که داشتم، وجودم<sup>5</sup> شیفته این دو معلم شهید بودم، شغل معلمی را برگزیدم تا اینکه مثل آنها بتوانم خودم را بسازم و به دیگران خدمتی کرده باشم و مثل آنها در میدان نبرد کشته شوم. خدایا خودت می‌دانی که آروزی من این است.

و اما چند توصیه دارم به مردم همیشه در صحنه و دوستان و مسئولین محلی و درود بر شما مردم سلحشور و اسلامی دره شهر که با عملتان عملاً ثابت نمودید که پشتیبان انقلاب و امام هستید. انشاءالله همینطور که هستید جبهه‌ها را گرم نگهدارید و پشت جبهه‌ها را با شرکت در مراسم و کمک‌های مادی و معنوی [...] گرم نگه‌دارید. انشاءالله پیروزی از آن مسلمین و مؤمنین است و یک توصیه دیگر که دارم این است که وحدت داشته باشید. از تعصب‌های قبیله‌ای و قومی پرهیز کنید که دشمن از این مساله سوء استفاده می‌کند و نیز نماز جمعه را فراموش نکنید.

---

1- شهید غلامحسین زینی‌وند متولد روستای بال‌گریه از توابع شهرستان دره‌شهر به‌عنوان کتابدار به استخدام آموزش و پرورش درآمد. به‌عنوان بسیجی عازم جبهه شد. در نوزدهم اردیبهشت سال 1365 در چنگوله در اثر اصابت گلوله به شهادت رسید. مزار وی در شهرستان دره‌شهر است.

2- ر.ک. تعلیقات.

3- خوانا نیست.

4- خوانا نیست.

5- در اصل وصیت «وجود».

6- خوانا نیست.

مسجدها را خالی نگذارید و [...] <sup>1</sup> دلسوز و خدمتگزار <sup>2</sup> همانطور که با محرومین دارید به انقلاب و این مردم محروم خدمت می‌کنید با گرمی و شوق فراوان در ارشاد و راهنمایی محصلین عزیز کوشش کنید و آنها را نسبت به انقلاب آگاه سازید که اینها آینده‌سازان این مملکت هستند. خداوند «معلمین که شغل پیامبری» <sup>3</sup> را انتخاب کرده‌اید موفق و مؤید گرداند و خدمتی را که به ما کرده‌اید خداوند عوض آن را بدهد و ما که نتوانستیم جبران کنیم. انشاءالله که ما را می‌بخشد.

و اما شما نهادهای انقلابی و سایر سازمانهای خدمتگزار، برادرانی که در پیشبرد انقلاب سهم به‌سزایی داشته‌اید شما را به خدا هر چه از دستتان برمی‌آید به این روستائیان و مردم این خطه شهیدپرور خدمت کنید اینها حق بر گردن شما دارند. «اینها ذخائر انقلابند» به این زحمت‌کشان کمک کنید که خداوند پاداش شما را خواهد داد. مبلغین و روحانی‌ها را برای ارشاد مردم به روستاها ببرید و احکام ضروری را به آنها تعلیم بدهید آنها را نسبت به مسائل [...] <sup>4</sup> و خدمتی که می‌کنید آگاه سازید تا آنها هم به این انقلاب و این خدمتی که شما می‌کنید دلگرم و خوشحال بشوند و در جذب نیروهای مردمی برای جبهه‌ها با سپاه پاسداران همکاری کنید که سقوط صدام نزدیک است از وسائل ادارات جهت انتقال مردم از روستاها به نماز جمعه استفاده کنید که شرکت در نماز جمعه خاری است در چشم منافقان.

و پیامی که دارم به دوستان، همکلاسان، این است که در دو جبهه مدرسه و جنگ کوشش کنید تا موفق شوید و در جبهه در موقع ضروری حضور یابید و هر خدمتی که از دوستان می‌آید، بکنید و جبهه‌ها را خالی نگذارید.

و توصیه که به خواهران دارم این است که حجاب اسلامی خود را حفظ کنید که سیاهی چادر آنها کوبنده‌تر از خون شهید است. دامن پاک شما باید محل تربیت فرزندان شهدا

1- خوانا نیست.

2- در اصل وصیت «خدمتگذار».

3- صحیفه امام، ج 7، ص 428.

4- خوانا نیست.



باشد. آفرین بر این دامان پاک که چنان فرزندان را [...]»<sup>1</sup> و آنها را راهی جبهه نبرد با دشمن بعثی می‌نماید.

و آخرین پیام رزمندگان و شهدا، اسرا است، این است که تا سرنگونی کفر و فساد این [...]»<sup>2</sup> و این جنگ را ادامه دهید زیرا امام فرمود «اگر خمینی هم تنها بماند با این قلدران و مفسدین مبارزه خواهد کرد.» بالاخره در آخر از تمام دوستان و فامیل‌ها و آشنایان طلب عفو و مغفرت می‌کنم و انشاءالله که ما را می‌بخشید ما که خوبی نداشتیم، امیدوارم که بدی‌های ما را به بزرگواری خود ببخشید.

و در پایان از پدر و مادر رنجور و شکسته‌دلم و برادران و خواهر عزیزم و سایر اهل خانواده و بستگانم، طلب عفو و بخشش دارم، انشاءالله مرا حلال کنند و صبر پیشه سازند. «خداوند با صابران است» [...]»<sup>3</sup> روزه قضا دارم. برایم بگیرند در صورت امکان. و از همگی التماس دعا دارم. برای امام دعا کنید، خصوصاً مادران شهدا که شکسته‌دل هستند و خداوند در دل‌های شکسته است. امام را دعا کنید [...]»<sup>4</sup> امام سرور است، کفر و ایادی آنها [...]»<sup>5</sup> نابودند.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی (عج) خمینی را نگهدار  
رزمندگان اسلام نصرت عطا بفرما. «الهی آمین»

خداحافظ

محمد رضا کاظمی

1- خوانا نیست.

2- خوانا نیست.

3- خوانا نیست.

4- خوانا نیست.

5- خوانا نیست.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على سيدنا محمد  
الطاهر الطيب

وصیتنامه

بدر...

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اَللّٰهُمَّ فَا قُتِلْ عَمْرِيْ وَارْحَمْ مَسَدَةَ قَتَوِيْ  
وَكُنْ بَيْنِيْ وَبَيْنَ شَيْءٍ وَتَأْتِيْ بِاَرْضِيْكَ لِرَحْمَتِكَ مَعْقُودِيْ  
وَرِقَّةِ جِلْدِيْ وَرِقَّةِ عَطْرِ لَامِنِ بَدْوِ خَلْقِيْ وَ  
رَبِّيْ عَزَّ وَجَلَّ



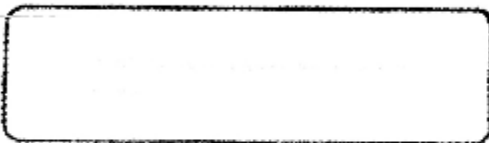
بدر در اسلام - رهبر کبیر انقلاب است شهید  
بود ایران و قمار شهیدان همه اسلام و سلام بود  
بوفادله شهیدان و قمار همه مکتدایان - اسلام  
بدر و هادرم : من را به اتفاق در راه خدا و  
ایثار خود کار می ~~...~~ تمام نیز



وصیتنامه

و حسن از حاحزه در راه اسلام در بیخ نغمه جانیده  
 و ما مردم شهادت زینت دار باقر مکتب اهل بیت علیهم السلام  
 سعادت را مکتب روای قرآن مرصاید - فایق مکتب الفکر  
 تفسیرها - پس بدانکه در لطف خاتم ما هو بعثت انوار  
 و احسن هستت و باید نشانه و دست کشید که  
 استثناء الله با این همه خون در جنتا مر شود ریش  
 ظلم کند هر شرور در مستضعفین راحت و کسر  
 در زیور اسلام زینتگی خواجه کورد و آینه ای که  
 مسفت گویند و - همیشه رفتند نیز در آن  
 که قابل وصف نیست زینتگی مر کنند و مادران شهدا  
 باید ناراحت نباشند و اینها که سیرت را بزرگ  
 گویند در راه حق خونشان ریخته شد در





وصفنامه

پدر و مادر

پیش فاطمه رو سفید خراکند مانند و انگو بعضی  
 از مادران که جلو کبیر از فرزند انسان حرکت  
 ماید چرا انگو رفت با بستند که چگونه در برابر سینه  
 و مشکلات و ظلم مست طالب مقاومت کرد و  
 پدر و مادر بگزار حسود داشته باشند که خداوند  
 با جابری است - پدر و مادر م دگر چه مایه و  
 در این عمل شهید بشویم باید ناراحتی بخود را  
 و خداوند پاداش عظیم به شما عنایت رکند و  
 شمار نیز نصیب مرگم که به نماز جمیع برود که  
 واقعا سخنانی جامع که صالحی معصا انسان ساز  
 باشند - خدا حافظ

۳ / ۴ / ۷۲

امام راد ما کفید محمودان الحمد لله مستقر



۲  
وصیتنامه

ایمانها، انقلاب و شهدا (اندراهی)

امر و ایرانی که در سیاه و محمد و لمبند آمد از و بهر دست و  
 حد و کوزش و بودش و اورا با یکی و سایر او را دست و  
 خدمت ن کشید . مگر ارباب این خدمت شایسته  
 ایضا ر خدا با نند و تا مر تو آید بقدر از پیش در راه  
 پیشوند انقلاب کوش با نند و با صیبت و دند ان از این  
 انقلاب دفاع کنید و باعث و مانع با نند در برابر  
 عوامل نفوذی چون دشمنان اسلام عقده دارند و  
 راجع الی که شده اکثرین ضربات خود را بفرستند و  
 سعی کنید که با تبلیغات و هر گونه کار انقلابی که  
 باز دست بر مر آید به این انقلاب کمک کنید و به داد  
 مردم برسید و مشکلات آنها را حل کنید و این روش کار  
 منطبق احتیاج به تبلیغات فوق العاده دارد





وصیتنامه

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على سيدنا محمد  
الطاهر المصطفى وآله الطيبين الطاهرين  
الطاهرات الطاهرات

و حسن بعض گن هسته در این روستا که  
خواست نماز را صمیم نافع الله و اعلام ضروری را  
بزرگوارانه آنگار از ایشان بگردد و چون آنها رسید  
در دست نذارند از ما شیبا رسول استقامت کنند و آنها  
را به یاز همه دعوت کنند و هر وقت روحانی که  
به شهر می آید او را در روستاها بفرستند نماز جماعت  
در روستاها بفرستند  
و نماها از برادران خرمشکر از اصرار وقت مجلس  
دار بود مواظب گفتند و نودار قاشق با سینه نغمه اهر چند  
اعلا - ما این کار فرموده است ~~باید~~ بدین انفراد باشد  
و همیشه بخاطر داشته باشید دشمن هر که با در کتب است  
به روستاها بفرستید و از آنها بفرستید



بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين

وصیتنامه

پیر و مادر نسبت به مردم

\* پیر و مادرم ، قبور را در نود سرخه در قوت  
 قلعه گل بکنید و در آنها مرا دفن کنید .  
 \* و در هر شب همه قدر جنازه رشت  
 کن و مقدار از آن بوقبله بماند و مقدار  
 دیگر بدست خواهرانید بوسم برافشانید  
 آمده اند بماند  
 \* مشکها و تائب هفت در خانه را  
 بجز من کسی  
 \* \* \* \* \*  
 \* قدر امام و امام جمع و روحانیت  
 را بداند  
 \* و از شما بگذرد وصیت نامه مرا خواند امرها  
 را حتماً رعایت کند





میرزا محمد تقی میرزا...  
میرزا محمد تقی میرزا...  
میرزا محمد تقی میرزا...  
میرزا محمد تقی میرزا...



احوالک روحی خودم (۱)

آنا طرهارا اول وقت و حتی الامکان به جماعت میخواند

نارهارا در اول وقت میخواندیم ولی بعد از  
جمعه و یا حتی جمعه های ما را زیر جماعت  
میخواندیم چون ما سگرتا میباشتم و یا  
سگرتا میباشتم که میخواندیم و یا قبل از جمعه  
تا موصوفیکم هنوز جمعه شروع نشده بود ما  
نارهارا به جماعت میخواندیم

۱ - لازم به توضیح است که این قسمت از آن جهت  
بسیار ساده است که بطور متداول با مراجعه به دفترچه  
مناجات خود حالات عرفانی و روحیات بشوی را که در حقیقت  
داشتند ساده آورید.







نام: غلام  
نام خانوادگی: کایدخوره  
نام پدر: منصور  
نام مادر: سلطان  
تاریخ تولد: پانزدهم مرداد 1358  
محل تولد: روستای مورموری از توابع  
شهرستان آبدانان  
تحصیلات: پایان دوره کاردانی  
ارگان اعزام کننده: ارتش  
تاریخ شهادت: هفدهم آبان 1380  
محل شهادت: طلایه  
نحوه شهادت: انفجار مین و اصابت ترکش  
مزار: زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ا اینان فقط روشنگر این راه می‌باشند و بس.
- ا نمونه‌هایی می‌باشند که چگونه خدای یگانه را پرستش کرده و تنها از او یاری خواسته و راه راست و صادق را خداوند به آنها آموخت.
- ا خداوند است که آنها را چراغی منور در این راه قرار داده.
- ا خدایا ما راه راست را می‌خواهیم.

## غلام کایدخوره

### بسم الله الرحمن الرحيم

«پروردگارا تنها تو را می‌پرستم و از تو یاری می‌جویم و بس تو ما را به راه راست هدایت فرما. آنان که به آنها انعام فرمودی نه راه کسانی که بر آنها خشم فرمودی و نه گمراهان».<sup>1</sup>

طبق این آیه ما باید پروردگار یگانه را پرستش کرده و تنها از او که یگانه و واحد است، کمک بگیریم. دیگر کسی نیست که صدای ما را بشنود و توانی برای یاری داشته باشد و اگر هم داشته باشد باز هم این قدرت را از خداوند گرفته. همانگونه که امامان و پیامبران ما مخصوصاً حضرت پیامبر (6) و معصومین (8) ما شیعیان. ولی ما این پرستش و خواستن را از آن خداوند یگانه می‌دانیم و اینان فقط روشنگر این راه می‌باشند و بس و نمونه‌هایی می‌باشند که چگونه خدای یگانه را پرستش کرده و تنها از او یاری خواسته و راه راست و صادق را خداوند به آنها آموخت و خداوند است که آنها را چراغی منور در این راه قرار داده که ما را هدایت به راستی و عدالت‌طلبی کنند خدایا ما راه راست را می‌خواهیم، راهی که به صالحان و نیکوکاران و امامان (8) و معصومین و مومنین و پیامبران (8) نمایان‌دی، نه راهی که کوردلان و ظالمان گرفتارش شده‌اند، راهی که بی‌عدالتی آئین‌نامه آن است. راهی که عدالت و برابری و راستی آئین‌نامه آن راه باشد و سیاست آن سیاست علی (7) باشد، مردمی باشد، حق‌طلبانه باشد، خدایا ما این گونه راهی را می‌خواهیم، نه راهی که هم‌ه‌اش مکر و نیرنگ باشد. نه راهی که عمرو عاص<sup>2</sup>ها و معاویه<sup>3</sup>ها به آن رفته باشند و آنها راستگویان و رهبران آن راه باشند. خدایا تو به اینها خشم فرمودی و بر آنها بی‌کراهی که پیرو این گروه شده‌اند نیز خشم می‌فرمایی. خدایا ما را جزء این گروه قرار مده. چون ما طالب عفو و بخشش تو در روز حسابت می‌باشیم.

---

1- ترجمه فزازی از سوره «فاتحه».

2- ر.ک. تعلیقات.

3- ر.ک. تعلیقات.

### وصیت نامه شهید: غلام کاوید خورده

پیروزدگار تنها تو را می‌پرستم و از تو یاری می‌جویم و بس...  
تو ما را به راه راست هدایت فرما، آنرا که به آنها انعام فرمودی  
نه راه کسانی که بر آنها لعنت فرمودی و نه گمراهان را.

طبق این آیه ما باید پیروزدگار یگانه را پرستش کرده و تنها از او که یگانه و واحدست کمک بگیریم دیگر کسی نیست که صدای ما را بشنود و توانی برای یاری داشته باشد و اگر هم داشته باشد باز هم این قدرت را از خداوند گرفته همانگونه که امامان و پیامبران ما مخصوصاً حضرت پیامبر (ص) و معصومین ما شیعیان، ولی ما این پرستش و خواستن را از آن خداوند یگانه می‌دانیم و اینان فقط روشنگر این راه می‌باشند و بس. و نمونه‌هایی می‌باشند که چگونه خدای یگانه را پرستش کرده و تنها از او باری خواسته و راه راست و صادق را خداوند به آنها آموخت و خداوند است که آنها را چراغی منور در این راه فرار داده که ما را هدایت به راستی و عدالت طلبی کند. خدایا ما راه راست را می‌خواهیم راهی که به صالحان و نیکوکاران و امامان و معصومین و مؤمنین و پیامبران نمایانده نه راهی که کوردلان و ظالمان گرفتارش شده‌اند راهی که بی‌عدالتی آئین‌نامه آن است، راهی که عدالت و برابری و راستی آئین‌نامه آن راه باشد و سیاست آن سیاست علی (ع) باشد، مردمی باشد، حق طلبانه باشد. خدایا ما این گونه راهی را می‌خواهیم نه راهی که هم‌اشاری مکر و نیرنگ باشد نه راهی که عموماً عاقل‌ها معاویه‌ها به آن رفته باشند و آنها راستگویان و رهبران آن راه باشند. خدایا تو به اینها خشم فرمودی و بر آنها ای که بیرون گروه شده اند نیز خشم می‌فرمایی خدایا ما را جزء این گروه فرار مده چون ما طالب عضو و بخشش تو در روز حساب می‌باشیم.

نام: جبار  
نام خانوادگی: کیاری  
نام پدر: نورمحمد  
نام مادر: گل اندام  
تاریخ تولد: دوم آذر 1342  
محل تولد: روستای جان جان از توابع شهرستان  
شیروان و چرداول  
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی  
ارگان اعزام کننده: ارتش  
تاریخ شهادت: شانزدهم تیر 1362  
محل شهادت: سردشت  
نحوه شهادت: اصابت گلوله  
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ا به یاد امام و رزمندگان باشید.
- ا بعد از ملاقات با هم‌سنگران هر کدام به فکر شهادت خود بودیم.
- ا به خدا قسم رفتم یا پیروز یا شهادت ورنه بر نمی‌گردم.
- ا سلامم را به تک‌تک رفقایم برسان.
- ا بگو که راهم را ادامه بدهند.
- ا می‌دانم حتماً شهید می‌شوم.
- ا به جای گریه و زاری ذکر خداوند را به‌جای بیاور و بگو ای خدا این قربانی را از من قبول کن.

## جبار کباری

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم رب الشهداء و الصديقين

یا پدر و مادر مهربانم چون که مدت زیادی است در جای خطری قرار گرفته‌ایم و اطمینان به جان خود نداریم با یاد خداوند چند کلمه‌ای وصیت می‌نویسم برای خنکی دل شما عزیزان. با شکرگزاری<sup>1</sup> از خداوند تبارک تعالی که این راه را نصیب<sup>2</sup> نمود و با درود بر صاحب زمان (عج) و نایب برحقش امام خمینی و درود بیکران بر سنگر نشینان جبهه اسلام و سلام بر امت شهیدپرور و سلام بر شما پدر و مادر من که مرا با دل پر از شوق خدا روانه‌ام<sup>3</sup> کردید.

یا پدر و مادر و برادر و خواهرانم گوش کنید در اولین لحظه به یاد امام و رزمندگان باشید. وصیت به شما این است که من می‌دانم در تپه‌های حاجی<sup>4</sup> محمدی در خط اول سردشت مهاباد کردستان شهید می‌شوم، لذا بعد از ملاقات با هم‌سنگران هر کدام به فکر شهادت خود بودیم.

خواهش پسر شما این است که مبادا بر مرگم گریه و زاری کنید و ناراحت شوید که منافق<sup>5</sup> بیشتر رخنه کند. یا مادرم خیلی به تو علاقه دارم و آرزو می‌کنم که حتی یک ثانیه که هم شده<sup>6</sup> تو را دیدار نمایم و به تو بگویم ای مادر من دیگر بر نمی‌گردم در انتظار نشین<sup>7</sup>. اما می‌دانم در انتظار هستید. به خدا قسم رفتم یا پیروز یا شهادت ورنه بر نمی‌گردم. یا مادر هیچ موقع مرا به یاد برادر کوچکم و خواهر کوچکم نینداز، زیرا علاقه

1- در اصل وصیت «شکرگزاری».

2- در اصل وصیت «نسیب».

3- در اصل وصیت «راونه‌ام».

4- در اصل وصیت «هاجی».

5- ر.ک. تعلیقات.

6- در اصل وصیت «که هم شد».

7- در اصل وصیت «نشین».

آنها به من بسیار است.

یا پدر گرامیم از قول من خدمت یک‌یک<sup>1</sup> دایی‌هایم سلام برسان. به آنها بگو دیگر بر نمی‌گردم. سلامم را به تک‌تک رفقایم برسان چون که دیگر آخرین دیدار است و به آنها بگو که راهم را ادامه بدهند و هیچ موقع مرا فراموش نکنند<sup>2</sup> و در تشییع جنازه‌ام شرکت کنند، چونکه می‌دانم حتماً شهید می‌شوم<sup>3</sup> اگر خداوند قبول کند.

یا مادر مهربانم دعا امام بزرگوار را مسند خود قرار بده و به جای گریه و زاری ذکر خداوند را به‌جای بیاور و بگو ای خدا این قربانی را از من قبول کن.

به امید دیدار در کربلای حسین (7).

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار.

---

1- در اصل وصیت «یک یکی».

2- در اصل وصیت «کنند».

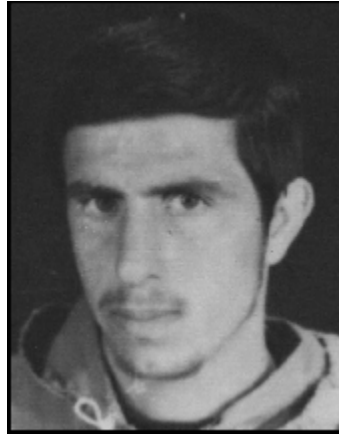
3- در اصل وصیت «می‌شود».



بسم الله الرحمن الرحيم  
 یا چو رود در مهر نامم هیچ ناله سوخت زیادی است در جان خطوی در اگر تهنه ام و اطینا  
 بجای خود دارم یا یاد خداوند بخت نکه او و هستی تو به بران فتلی دل که غمزه آن  
 باشکسته ای از خزان شب یک خنای که این راه دانسیم خونورد با در بر ما  
 تا و تا بی بر جفتی اسم چینی و در دیگر آن که کنگر نشینان صبه اصطلاح ز کلام بر  
 است کتبه بود بر نام بر این پیرو خوار رسیده بادل میرا از عشق خوار و آنم ام کردید  
 ایندو خوار در و در و خواه نام تو سحر کنید در اولین لحظه بیاد اسم در رسته خانه با کتبه  
 به دستم بکش این است کتبه تیسر من دانه در تیر حاج محمد در تیر اول مرد نشسته  
 نمایا در کتبه کشیده نام از آمد از سفالت با کتبه کتبه آن کتبه نام بقره است در حرم  
 خواستش میوه این است که میاد بر سر کتبه کتبه در آن کتبه و ناله صبه کتبه



نام: هادی  
نام خانوادگی: کرمشاهی  
نام پدر: یارولی  
نام مادر: صنم  
تاریخ تولد: یکم فروردین 1345  
محل تولد: روستای شاکرمی از توابع  
شهرستان دره شهر  
تحصیلات: سوم متوسطه  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: یکم اردیبهشت 1367  
محل شهادت: مهران  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای روستای اسلام آباد  
شهرستان دره شهر



## عبارت‌های کلیدی

- ا خدایا مرا یاری کن که در درگاه تو گام بردارم.
- ا امام عزیز من برای رضای تو که رضای خداوند در وجود توست برای مقابله با کفار سلاح به دست گرفتم و به جنگ دشمنان خدا و میهنم گام نهادم.
- ا آرزوی من ریختن خونم به پای درختی است که تو باغبان او بودی.
- ا پدر و مادرم خصوصاً مادرم که اگر من در این جنگ با کفر شهید شدم، از خدا تشکر کن.
- ا مادر شهید شدن سعادت هر انسان مسلمان است.
- ا من برای مقابله با دشمن بعثی و آمریکا [ی] جنایتکار رفته‌ام.

## 1 هادی کرمشاهی

### بسم الله الرحمن الرحيم

خدایا مرا یاری کن که در درگاه تو گام بردارم تا در پیش تو سربلند باشم. من از موقعی<sup>2</sup> که درس و پدر و مادر و اقوام و دوستان را رها کردم و در این راه پا نهادم ترک جان و سر کردم. عشق خمینی، دین و میهنم مرا عاشق و همچون پروانه‌ای وجودم به این سه کلمه شیفته شده بود. چند کلمه‌ای با امامم دارم. امام عزیز من برای رضای تو که رضای خداوند در وجود توست برای مقابله با کفار سلاح به‌دست گرفتم و به جنگ دشمنان خدا و میهنم گام نهادم و آرزوی من ریختن خونم به پای درختی است که تو باغبان او بودی تا این درخت سیراب شود و پر و بالش در سراسر گیتی بگستراند. بعد با پدر و مادرم خصوصاً مادرم که اگر من در این جنگ با کفر شهید شدم، گریه نکنی بلکه از خدا تشکر کن که من هدایی تو هستم به درگاه حق تعالی، هدیه‌ای به رهبر انقلاب، هدیه‌ای به میهن از سوی تو. مادر شهید شدن سعادت هر انسان مسلمان است که در میدان جنگ در مقابل باطل کسب کند. مادر من از تو می‌خواهم که صبور<sup>3</sup> باشی. من برای آسایش تو و حفظ ناموس هم‌ولایتی‌هایم و مردم وطنم برای مقابله با دشمن بعثی<sup>4</sup> و آمریکا[ی]<sup>5</sup> جنایتکار رفته‌ام. عشق وجودم خدمت به شماهاست. مادر من در آخرین نامه‌ام شاید شما را ناراحت کرده باشم. مرا ببخشید چون نوشته بودم من دیگر به مرخصی نمی‌آیم تا ابد. شاید این گفته و نوشته‌ام به لطف خداوند و دیدار محبوب و سرورم حسین (7) باشد.

«والسلام»<sup>6</sup>

هادی کرمشاهی

1- بالای وصیت‌نامه تاریخ 67/1/16 ذکر شده است.

2- در اصل وصیت «موقعی».

3- در اصل وصیت «حبور».

4- ر.ک. تعلیقات.

5- در اصل وصیت «آمریکا».

6- در اصل وصیت «و سلام».

بسم الله الرحمن الرحيم

علیر احمد 57

(وصیت نامه حاجی نور محمد)

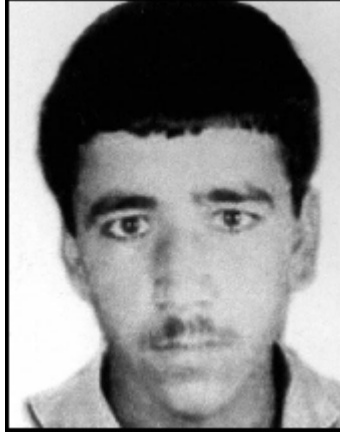
خدا یا جل جلاله که در راه تو کام بر دارم تا در پیش تو بر لبه شامت من از صومعه ای  
 که حضور و بیدار و صلاه و تقام و دستار و دعا کردم و در این راه با تو هم ترک وصال کرده  
 عشق خیر و نیکو معنی مرا عاشق و همچون برادر ای و حیدرم به این بر کنده شیفه -  
 شده بود و چه گفته ام تا امام دارم از من ترس بر آن رضای تو که خدای  
 خداوند در وجود تو هست بر آن تقابل با کدر سلاح بدست ختم و به جگر دستار  
 خدا و معنی نام تو دارم و آن ندوی من و رفتن خوفم به پناه رحمت است  
 که تو باغبان او بودی تا این رحمت میراب شود و میر و بالقی حدیث است  
 بگتر اند بعد با پدر و مادرم در صورتی مادرم که اگر من در این ~~صومعه~~  
 کتب با کفری تو هم گرسو کنی بکنه از خدا تشکر کنم که من اهل این تو هستم  
 به درگاه حق تعالی هدیه ای به رهبران انقلاب هدیه ای به مهدی زنده ای تو  
 مادر شهید شدن سعادت هر انسان مسلمان است که در میدان جنگ  
 در مقابل باطل کسب کند تا از من لذت تو من خواهم که عبور با منی

من برای آسایش تو و حفظ ناموس شهر و ولایتیم و مردم و وطن برای  
مقابله با دشمنی بعضی و امریکاییا جنابیکجا رفتم ام عشق و مردم خدمت  
به شما هست. مادر من در آخرین نامه ام شاید شما را ناراحت کرده باشم  
مرا توبیخید بیون گذشته بودم من دیگر به موقعی نمی آیم تا ابره شاید این  
گفته و گذشته ام با لطف خداوند صیدار محبوب و مردم عزیز من.

و سلام.

هادی کرشاهی

نام: برزو  
نام خانوادگی: کرمی  
نام پدر: سیدمرتضی  
نام مادر: نارنج  
تاریخ تولد: یکم شهریور 1351  
محل تولد: شهرستان آبادان  
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی، تحصیلات حوزوی  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: دوم آبان 1366  
محل شهادت: مهران  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای شهرستان آبادان



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ مادرم ما برحقیم. پدرم تو هم بدان که ما برحقیم.
- ۱ ما راهی را می‌پیماییم که رسول الله (6) و حضرت علی (7) و حسن (7) و حسین (7) و تمامی امامان (8) ما این راه را رفته‌اند.
- ۱ ما شیعه علی (7) هستیم.
- ۱ چه بهتر همین امروز در راهی که جز خیر و خوشی و خوبی و راه سعادت است بمیریم.
- ۱ سعی کنید که امام را تنها نگذارید.
- ۱ در ضمن جبهه‌ها را فراموش نکنید.

## برزو کرمی

بسم الله الرحمن الرحيم

«الحمد لله ربّ العالمين و الصلوة<sup>2</sup> والسلام على سيد الانبياء والمرسلين حبيب اله<sup>3</sup> العالمين احمد محمود ابالقاسم<sup>4</sup> محمد (6)»

با درود و سلام به محضر مبارک امام امت و با درود و سلام به تمامی اسرا و معلولین و مجروحین و شهدای<sup>5</sup> جنگ تحمیلی.

مادرم! مادر عزیزم در مرگ من ناراحتی و غمگینی از خودت نشان مده زیرا دشمنان ما خوشحال می شوند. مادرم ما برحقیم. پدرم تو هم بدان که ما برحقیم زیرا ما راهی را می پیماییم که رسول الله (6) و حضرت علی (7) و حسن (7) و حسین (7) و تمامی امامان (8) ما این راه را رفته اند و ما نیز باید دنباله رو آنها باشیم زیرا ما شیعه علی (7) هستیم، پدران و مادران و خوهران و برادران سعی کنید این راهی را که داریم طی می کنیم، رها نکنید. حتی اگر در این راه جان خود را از دست بدهیم. تمام امامان ما در همین راه به شهادت رسیده اند.

اگر آن زمان ها یزید<sup>6</sup> ها و معاویه<sup>7</sup> ها و ابوسفیان<sup>8</sup> ها بودند در این زمان نیز صدام<sup>9</sup> ها و ریگان<sup>10</sup> ها و قاطر عرفات<sup>11</sup> وجود دارند، ما اگر امروز نمیریم فردا یا پس فردا خواهیم مرد.

---

1- در اصل وصیت «الرّب».

2- در اصل وصیت «ولصلاة».

3- در اصل وصیت «حبيب الله».

4- در اصل وصیت «بالقاسم».

5- در اصل وصیت «شهدا جنگ».

6- غرض یاسر عرفات است. ر.ک. تعلیقات.

7- ر.ک. تعلیقات.

8- ر.ک. تعلیقات.

9- ر.ک. تعلیقات.

10- ر.ک. تعلیقات.

11- غرض یاسر عرفات است. ر.ک. تعلیقات.



پس چه بهتر همین امروز در راهی که جز خیر و خوشی و خوبی و راه سعادت است بمیریم یا به قول کردی خودمان اول و آخر مردن است و سعی کنید که امام را تنها نگذارید. مانند اهل کوفه<sup>1</sup> نباشید که اول خودشان امام (7) را دعوت کردند و بعد خودشان امام را با شمشیر خودشان به شهادت رساندند و در ضمن جبهه‌ها را فراموش نکنید.

برزو کرمی



نام: جعفر  
نام خانوادگی: کرمی  
نام پدر: ابراهیم  
نام مادر: رقیه  
تاریخ تولد: دوم اسفند 1347  
محل تولد: روستای چنگوله از توابع  
شهرستان مهران  
تحصیلات: دیپلم  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: بیست و سوم اسفند 1366  
محل شهادت: شاخ شمیران عراق  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای بخش صالح آباد  
شهرستان مهران



## عبارت های کلیدی

- ا من اکنون می روم با خدایم ملاقات کنم.
- ا دشمن بداند هیچ وقت سنگر خالی نمی ماند.
- ا نکند خدای ناکرده بی تفاوت بنشینم و دنیای مادی را بر جهان آخرت ترجیح دهم.
- ا چه کشته شویم پیروزیم و چه بکشیم پیروز و سرافرازیم.
- ا یاری از نیروی لایزال الهی که تکیه گاهی محکم برای مسلمانان است، داریم.
- ا هیچ قطره ای در مقیاس حقیقت نزد خداوند از قطره خونی که در راه خدا ریخته شود بهتر نیست.
- ا می خواهم با این قطره خون به معشوقم که همان خداست برسم.
- ا ملتی که شهادت را سعادت می داند هرگز تسلیم ظلم و ستم نمی شود.
- ا قوی دل و خوشحال باش که فرزندان را در راه اسلام از دست می دهی.
- ا مادرم در جهان آخرت، بانوی صدر اسلام فاطمه زهرا (3) از تو گله ندارد.

## جعفر کرمی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَتَلُوا<sup>1</sup> فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ»<sup>2</sup>

آنچه دارم در طبق اخلاص تقدیم ایزد منان نمایم و آنچه سرور آزادگان حسین (7) این چراغ هدایت و کشتی نجات که یاران باوفای وی و تمام رزمندگان صدر اسلام پروانه وار دور آن می گشتند که آن را باز یابند که همان کلمه شهادت است. آیا کسی اجازه می دهد که با چشم های خود ببیند که متجاوزان و جنایتکاران دست به سوی اسلام و آیین پیامبرش و شرف کشورش دراز کرده و قصد از بین بردن او را داشته باشند و آیا باید سکوت اختیار کند.

من اکنون می روم با خدایم ملاقات کنم، می روم تا آتشی که در درونم شعله ور شده خاموش کنم، من هم اکنون به سوی سنگر خالی هم رزمم، به سوی آشیانه باصفای جبهه و جنگ پرواز می کنم که دشمن بداند هیچ وقت سنگر خالی نمی ماند، اما باید از رهبرم، حجتم، خمینی بت شکن، این قلب طپنده مستضعفان جهان، که مرا از ظلمت و تاریکی و سیاه چال های روزگار که به سوی پرتگاهی روانه بودم نجاتم داد و هادی و راهنمایم شد. باید سجده شکر به جای آورم و تو ای هم رزمم و دوست دانش آموز، خود بهتر می دانی که این انقلاب به چه نحوی به پیروزی رسیده است. با کشته شدن علی اکبرها<sup>3</sup> (7)، علی اصغرها<sup>4</sup> (7)، حبیب ابن مظاهر<sup>5</sup> ها، نکند خدای ناکرده بی تفاوت بنشینم و دنیای مادی را بر جهان آخرت ترجیح دهی، هیچ غم و اندوهی به خود راه نده که پیروزی با ماست، چه

1- در اصل وصیت «قتلوا».

2- آل عمران/ 169. ترجمه: «آنان که در راه خدا کشته می شوند مرده نپندارید، بلکه زنده اند نزد خدایشان روزی خواهند خورد».

3- ر.ک. تعلیقات.

4- ر.ک. تعلیقات.

5- ر.ک. تعلیقات.

کشته شویم پیروزیم و چه بکشیم پیروز و سرافرازیم<sup>1</sup>، چون ما با یاری از نیروی لایزال الهی که تکیه‌گاهی محکم برای مسلمانان است، داریم و هیچ نیرویی نمی‌تواند بر ما غالب شود. [...] <sup>2</sup> همانطوری که امام عزیزمان می‌فرماید: «ما مثل حسین (7) وارد جنگ شده‌ایم و باید مثل حسین (7) شهید بشویم.» این سخن [...] <sup>3</sup> گواراست واقعاً دلپذیر است چون هیچ قطره‌ای در مقیاس حقیقت نزد خداوند از قطره خونی که در راه خدا ریخته شود بهتر نیست من می‌خواهم با این قطره خون به معشوقم که همان خداست برسم، چون برای همین بود که سرورمان به جهاد رفت و شربت شهادت نوشید، بدانید که این پیام شهید است که باید به هم نقل شود و ملتی که شهادت را سعادت می‌داند هرگز تسلیم ظلم و ستم نمی‌شود نه تنها امامان بزرگ (8) این‌چنین هستند بلکه پیروان و شاگردان راستین آنها نیز چنین هستند.

«سخنی چند با پدر و مادرم»

پدر و مادرم، بعد از شنیدن خبر مرگ من در سوگ من اشک نریزید چون «رهبر عظیم‌الشأن ما در سوگ فرزندش اشک نریخت»<sup>4</sup>، چون می‌دانست که رضای خدا در این امر می‌باشد. مادرم مرگ من در راه اسلام و قرآن می‌باید خوشبختی در جوانان به وجود آورد، نه تنها مرگ من بلکه تمام شهیدانی که در راه اهداف مقدس اسلام کشته شده‌اند. قوی‌دل و خوشحال باش که فرزندت را در راه اسلام از دست می‌دهی و در جهان آخرت بانوی صدر اسلام فاطمه زهرا (3) از تو گله ندارد و در آخر اگر مرا ندیدی، مرا ببخشی. به امید پیروزی و روزی که تمام مسلسل‌ها تبدیل به قلم الهی شود.

جعفر کرمی

66/12/5


1- این عبارت از سخنان امام خمینی است. (صحیفه امام، ج 4، ص 492).

2- خوانا نیست.

3- خوانا نیست.

4- اشاره دارد به شهادت آیت‌الله شهید مصطفی خمینی که حضرت امام خمینی در شهادت فرزندشان متألم بود ولی گریه نکردند.




 که نام عزیزم است فرزند من را در جنگ شهادت داده و در پیش من شهید شریف  
 در راه دین است و در راه دین است چرا که هیچ قطره ای در قیاس صفت نرد خداوند  
 اندک است که در راه دین است و در راه دین است من می خواهم باین قطره خون به مشربم که جان  
 خدمت ایم چون برای من بود که سرور جان، عبادت و تربیت شهادت در شهید  
 بر اینه کون پیام تحمید است که با به هم نقل شود و ملت که شهادت و سعادت می دهند بگریز  
 تسلیم ظلم و ستم می شود اتفاقا اما آن بزرگ این چنین هستند بگریز و در راه دین است که ما نیز  
 چنین هستیم . (سخن چند با پدر و مادرم)

پدر و مادرم بیدار شوید زیرا که بزرگ من در جنگ نریزید چون من بزرگ ایشان ما  
 در جنگ نریزید است برکت پاره ای در دست که خای خدا در این کورن بسته تا دم تنگ  
 من در راه دین است و در راه دین است در راه دین است و در راه دین است تا دم تنگ  
 در راه دین است و در راه دین است . قویان در فرغان باش که نریزید در راه دین است  
 نریزید می جوی و در راه دین است تا دم تنگ نریزید در راه دین است و در راه دین است  
 نریزید بر این است .

نام: علی اکبر  
نام خانوادگی: کرمی  
نام پدر: اله  
نام مادر: زبیده  
تاریخ تولد: یازدهم آذر 1334  
محل تولد: روستای زرین آباد از توابع  
شهرستان دهلران  
تحصیلات: در حد خواندن و نوشتن  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: سوم بهمن 1364  
محل شهادت: چنگوله  
نحوه شهادت: اصابت گلوله  
مزار: گلزار شهدای بخش صالح آباد از توابع  
شهرستان مهران



## عبارت‌های کلیدی

- ا شهادت هدیه‌ایست گرانبها از جانب خداوند تبارک و تعالی برای بندگان خالص خود.
- ا به الله سوگند من سعادت خویش را نمی‌یابم، مگر در پیمودن خط خونین اباعبدالله الحسین (7).
- ا جهاد در راه خدا گذشتن از علائق نفسانی و حسینی وارد شدن است.
- ا بدانید و مطمئن باشید، من امروز در راه جاودانه‌ام گام نهادم.
- ا پس چه بهتر که این زندگی و دنیای گذرا و پر از رنج را رها کرد.
- ا یکی از وظایف هر مسلمان است که در مقابل هر تجاوزگری ایستاده و تا آخرین قطره خون از اسلام دفاع نماید.
- ا خداوند بر ما منت نهاده که در جبهه حق می‌جنگیم.
- ا ما بندگان، هرگز قادر نیستیم شکر او را بجا آوریم.
- ا امید به اینکه ما بندگان خدا در پی آن باشیم تا اسلام را شناخته و بدان عمل کنیم.
- ا ای کاش هزار جان داشتم و فدای اسلام و امام می‌کردم.



## علی اکبر کرمی

### بسم الله الرحمن الرحيم

«مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا<sup>1</sup> مَا عَاهَدُوا<sup>2</sup> اللَّهُ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا»<sup>3</sup>

شهادت هدیه‌ایست گرانبها از جانب خداوند تبارک و تعالی برای بندگان خالص خود که نصیب هر کس نمی‌شود. انسان باید [در]<sup>4</sup> راهی سیر کند که سعادتش در آن خط باشد و به الله سوگند من سعادت خویش را نمی‌یابم، مگر در پیمودن خط خونین اباعبدالله الحسین (7) که راه تمامی شهدای انقلاب اسلامی است.

جهد در راه خدا گذشتن از علائق نفسانی و حسینی وارد شدن است. بین کجایی و چه کار می‌کنی؟ آنچه گذشته هیچ است و آنچه خواهد آمد کو؟ و چه می‌دانم چه خواهد آمد. «الیوم عمل بلا حساب و غداً حساب بلا عمل» «امروز عمل است بدون حساب و فردا حساب است بدون عمل»<sup>5</sup>.

اما ای پدر و مادر، بدانید و مطمئن باشید، من امروز در راه جاودانه‌ام گام نهادم که انتهای آن (انشاءالله) حکومت مستضعفین جهان است. می‌دانم قطعاً به مکانی خواهم رفت که [تا]<sup>6</sup> نفس تکمیل و روان‌ها تطهیر باشد<sup>7</sup>. کسی نمی‌تواند به این منزلگه دسترسی پیدا کند. پس چه بهتر که این زندگی و دنیای گذرا و پر از رنج را رها کرد.

به‌سوی او حرکت نموده، یک حرکت و یک سفر آن موقعی معنی و مفهوم دارد که

1- در اصل وصیت «صدقو».

2- در اصل وصیت «عاهدو».

3- احزاب/ 23 ترجمه «بعضی از آن مؤمنان بزرگ مردانی هستند که با خدای خود عهد بستند و کاملاً وفا کردند و بعضی هم بر آن عهد ایستادگی کردند تا در راه او شهید شدند و برخی به انتظار مقاومت کرده و به هیچ وجه عهد خود را تغییر ندادند».

4- در اصل وصیت «در» افتاده است.

5- از سخنان امام علی (7)، غررالحکم، ص 148.

6- در اصل وصیت «تا» افتاده است.

7- در اصل وصیت «نباشد».

علی (7) می فرماید: دنیا خانه عبور و آخرت خانه ابدیت [آخرت] است که به دنیا معنی می دهد. دنیا جای کار و عمل است و آخرت [...] نتیجه گیری و حساب پس دادن. یکی از وظایف هر مسلمان است که در مقابل هر تجاوزگری ایستاده و تا آخرین قطره خون از اسلام دفاع نماید. خداوند بر ما منت نهاده که در جبهه حق می جنگیم و این خود شکر بی نهایت می خواهد که ما بندگان، هرگز قادر نیستیم شکر او را بجا آوریم. امید به اینکه ما بندگان خدا در پی آن باشیم تا اسلام را شناخته و بدان عمل کنیم و در اینصورت رضایت او را فراهم کرده ایم تا در راه خدا جهاد کنیم. سلاح شهادت خود را به همراه داریم و تا زمانی که این سلاح در اختیار ماست پیروزی و فتح ما بدون شک حتمی است. ای کاش هزار جان داشتیم و فدای اسلام و امام می کردم.

برادران، سنگر شهیدان را خالی نکنید، به خدا قسم مدیون هستید، کمی فکر کنید که آنها در چه راهی رفتند و چه هدفی داشتند. وحدت را حفظ و از ولایت فقیه پیروی نمایید.

سلام بر جسم پاره پاره حسین (7)

سلام بر مادر پهلوشکسته حسین (7)

سلام بر آقا امام زمان (عج) و نایب امام خمینی

سلام بر پدران و مادران شهدا

سلام بر سنگر نشینان و شبزنده داران و سپاهیان اسلام (ارتشی و سپاهی)

«والسلام علی عباد الله الصالحین»

علی اکبر کرمی

62/11/23

حقن و هبت نامه شهید علی اکبر کسری .

بسم الله الرحمن الرحيم

بن المومنين رجال المدلولوا ما فاهد، الله عليه . فعتهم من قبي نعبه

و منهم من ينظر و ما بدلوا بتديلا .

شهادت همیشه ایست گرانبها از جانب خداوند تبارک و تعالی برای بندگان  
طالب خود که نصیب هر کس نمی‌شود. انسان باید راهی سیر کند که سعادتش  
کسر آن خط باشد . و به الله موکند من سعادت خویش را نصیباً بسم . مگر  
در پیروان خط خونین ابا عبدالله الحسین که راه تمام شهدای انقلاب  
اطلس است .

جهاد در راه خدا گذشتن از فائق نفعاتی و همیشه وارد عین است . همین  
کجایی و جگر میکنی ؟ آنچه گفته هیچ است و آنچه خواهد آمد ؟  
و چه میدانیم چه خواهد آمد . ( الیوم عمل بلا حساب و غدا حساب بلا عمل )  
امروز عمل است بدون حساب . و فردا حساب است بدون عمل .

اما ای پدر و مادر . بدانید و مطمئن باشید من امروز در راه جا  
ودانه ام گام نهادم . که انتهای آن ( انظا \* الله ) حکومت مستغنیین  
جهان است . میدانم قطعا \* به مکانی خواهم رفت که نفس تکمیل و روانها  
شهرت نباشد . کس نمیتواند به این منزلت دسترسی پیدا کند . پس چه  
بهتر که این زندگی و تنهای گفرا و برار رنج را رها کرد .  
بسوی او حرکت نموده . یک حرکت و یک طر آن موقعهای یعنی و مفیوم  
دارد . که علی (ع) میفرماید . دنیا خانه عبور و آخرت خانه ابدیست



رت است که به دنیا معنی میدهد دنیا جای کار و عمل است و آخرت  
مرکز اندام است. نتیجه گیری و حساب پس دادن • یکی از وظایف هر مسلمان است که  
در مقابل هر تجاوز گری ایستاده و تا آخرین قطره خون از اسلام دفاع  
نماید • خداوند بر ما منت نهاده که در جبهه حق میجنگیم و این خود  
شکر بی نهایت میخواهد که ما بندگان هرگز قادر نیستیم • شکر او را  
بجا آوریم • امید به اینکه ما بندگان خدا در پی آن باشیم تا اسلام  
را شناخته و به بدن عمل کنیم • در این شهرت رفاهیت آنرا فراهم کرده  
ایم • تا در راه خدا جهاد کنیم • سلاح شهادت خود را به همراه داریم •  
و تا زمانیکه این سلاح در اختیار ماست پیروزی و فتح ما بدون شک  
حتمی است • ایگانه هزار جان داشتیم و فدای اسلام و امام میگردیم •  
برادران • شکر بپهیدان را خالی نکنید • بخدا قسم فدایون هستید • کمی  
فکر کنید که آنها در چه راهی رفتند و چه هدفی داشتند • وحدت را حفظ  
و از ولایت فقیه پیروی نمائید •  
سلام بر جسم باره باره حسین (ع) •  
سلام بر مادر پهلوشکسته حسین (ع) •  
سلام بر آقا امام زمان و نائب امام خمینی •  
سلام بر پدران و مادران شهدا •  
سلام بر سنگر نشینان و شب زنده داران و سپاهیان اسلام (ارتش و سپاه)

والسلام علی عباده الله الطالحین

علی اکبر کرمی - 62/11/22

نام: محمد  
نام خانوادگی: کرمی  
نام پدر: شاه‌ولی  
نام مادر: سیما خانم  
تاریخ تولد: ششم آذر 1335  
محل تولد: روستای مورموری از توابع  
شهرستان آبدانان  
تحصیلات: دوم راهنمایی  
ارگان اعزام‌کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: بیست و هفتم اسفند 1365  
محل شهادت: یانه  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای شهرستان زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ نکند خدای نکرده، آنی از پشتیبانی ولایت فقیه واگذشته شوید.
- ۱ همانطوریکه مثل حسین (7) وارد شدید، مثل حسین (7) هم تمام مصیبت‌ها را تحمل کنید.
- ۱ ملت قهرمان و طاغوت‌شکن ایران روزی می‌آید، که شما پرچم توحید را در تمامی دنیا به اهتزاز در خواهید آورد.
- ۱ برای جلوگیری از هم پاشیدگی اسلام، وحدت قشرها و مذاهب را رعایت کنید.
- ۱ بدانید وحدت و رهبری مکمل هم هستند.
- ۱ همسر عزیزم وصیت می‌کنم که دخترانم را زینب‌وار تربیت کنی.
- ۱ از ادامه راهم خسته نشوید.
- ۱ بعید نیست اگر شما مرا شفاعت نکنید، در آن دنیا مرا قبول نداشته باشید.

## محمد کرمی

### بسم الله الرحمن الرحيم

### بسم رب الشهداء و الصّديقين

در حال زندگی لازم این است که انسان وصیتی داشته باشد. من هم وظیفه داشتم چند کلمه‌ای را وصیت کنم. همه با اطلاع هستید بعد از امام حسین (7) اسلام به آن صورت در میان مردم ارتجاع نکرده بود و مردم [از]<sup>1</sup> نور این چراغ هدایت محروم بودند و در خاموشی کامل به سر می‌بردند تا اینکه در خجسته روز 15 خرداد جرقه‌ای دمید و مصباح این روشنایی ظاهر شد و در همین روز خون حسین (7) در دل جوانان به خروش آمد و سرانجام بعد از سال‌ها رنج و شکنجه و تبعید<sup>2</sup> به فوجی عظیم مبدل گردید، حال سخن بنده روی این است.

ای امت [نکنند]<sup>3</sup> خدای<sup>4</sup> نکرده آنی از پشتیبانی ولایت فقیه و گذشته شوید، آن موقع اینکه اسلام تا ابد سیلی خورده و این گناه بزرگ در آخرت و روز محشر گریبانگیر شما می‌باشد. شما امروز انقلاب حسینی را تکمیل کرده‌اید، همانطوریکه مثل حسین (7) وارد شدید، مثل حسین (7) هم تمام مصیبت‌ها را تحمل کنید. شما امام حسین (7) را خشنود کردید و بگذارید خشنود کنید. به خدا قسم ائمه (8) و رسول خدا (6) شما را یاری خواهند کرد، فرشتگان بر شما مباحثات می‌کنند. ملت قهرمان و طاغوت‌شکن ایران روزی می‌آید، که شما پرچم توحید را در تمامی دنیا به اهتزاز در خواهید آورد و این در مغز سیاستمداران آمریکا و شوروی<sup>5</sup> نهفته است. به این دو شرط: پیرو و گوش به ندای رهبری، وحدت بین تمام مسلمین.

1- در اصل وصیت «از» افتاده است.

2- در اصل وصیت «نبعید».

3- در اصل وصیت «نکنند» افتاده است.

4- در اصل وصیت «خدائی».

5- ر.ک. تعلیقات.

وصیت می‌کنم برای جلوگیری<sup>1</sup> از هم پاشیدگی اسلام، وحدت قشرها و مذاهب را رعایت کنید و بدانید وحدت و رهبری مکمل هم هستند، اگر این دو اصل مهم در هر انقلاب خدشه‌دار بشوند منجر به مغلوب شدن است.

وصیتی دیگر دارم به پدر و مادر و برادران و همسر:

پدر بزرگوام، امیدوارم در طول این زندگی کاری برای شما کرده باشم به هر صورتی مرا ببخشید. برادران عزیزم، من برادر خوبی برای شما نبودم. امیدوارم مرا عفو<sup>2</sup> کنید. همسر عزیزم وصیت می‌کنم که دخترانم را زینب‌وار تربیت کنی و از ادامه راهم خسته نشوید. مادر عزیزم که اصل سخنم روی توست از صحبت کردن با تو شرمسارم. چون حقی که شما بر من داشتید، ادا نکردم و شاید بعید نیست بگویم اگر شما مرا شفاعت نکنید، در آن دنیا مرا قبول نداشته باشند<sup>3</sup>، اگر من در این دنیا هزاران نیکی را برای شما کرده باشم، ثلثی از زحمات شبانه‌روزی برآورده ننموده‌ام. تقاضا دارم آن شیر سفیدی را که در کنار گهواره به من داده‌ای حلال کنید.

و در پایان اضافه می‌کنم، دختری را که به اسم فریبا به پسر محمدعلی داده‌ام اگر بزرگ شد از او جلوگیری نکنید.

دوستان، رفقا، آشنایان<sup>4</sup> مرا عفو کنید چون دوست خوبی برای شما نبودم.

65/2/5

محمد کرمی

1- در اصل وصیت «جلوگیری» افتاده است.

2- در اصل وصیت «عفو».

3- در اصل وصیت «پاشید».

4- در اصل وصیت «آشنائیان».

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
بِسْمِ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

« وصیت نامه با سردار رشید اسلام برادر محمد کرمی »

در حال زندگی لازم این است که انسان وصی داشته باشد من هم وظیفه داشتم چند کس را وصیت کنم. همه با اطلاع هستند بجز امام حسین (ع) اسلام با آن صدها درسیای مردم ارتجاع پیدا نکردند مردم قدر این چراغ هدایت مردم بداند و در خانه بی کمال بر سر برود تا اینکه در شب ۱۵ خرداد بر قادی رسید و مصباح این روشنائی ظاهر شد در همین روز خونی حسین در دل جوانان بخروش آمد و سرانجام بعد از سالها رنج و شکنجه و نیند به فرقی ظلم تبدیل گردید، حال سخن بنده روی اینست .

ای امت فدائی کرده آن آرزیشینی ولایت نقیه و آگوشه صومعه آن موع انکه اسلام تا آبد سلی خورده و این گناه بیگت در آخرت در روز قیامت گریبانگشایی باشد. شما امروز انقلاب حسینی را تکمیل کرده اید همانطوریکه مثل حسین وارد شدید، مثل حسین هم تمام مصیبتها را تحمل کنید. شما امروز واختر کردید و بگذارید خشن د کنید. « خدا قسم انما و رسول خدا شما را یاری خواهند کرد » فرزندان بر شما جاهات می کنند . صفت صحریان و طاعت فکن ایران روزی می آید که شما پرچم توحید را در تمامی دنیا به اهتزاز در خواهید آورد و این در مغرب استواران آمریکا در سوریه نصبت است. « ای دو شوق پیرو گمش به نای بر روی: وحدت بین تمام مسلمین . وصیت میکنم بر این از هم پاشیدگی اسلام وحدت مشرکان و عذاب را رعایت کنید بلای وحدت و رهبری تکمیل هم هستند اگر این دو اصل مهم در هوا انقلاب خوشتر دار بشوند انقلاب مجرب معلوم شدن است



و تقابل وصیت نامه:

احسنی دیگر دارم به بیرون مادر و برادران و همسر من:

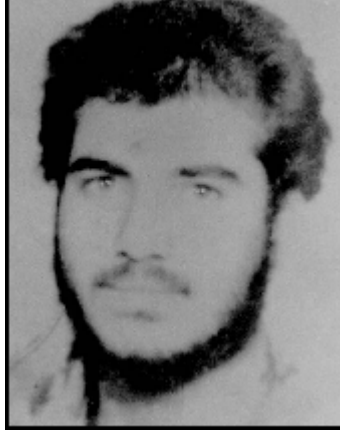
بهر اینگونه امید دارم در طول این زندگی کاری بر شما بوده باشم به خصوص در این بنده شیدا برادران عزیز من برادرهای بزرگ شما نبودم امید دارم مرا عفو کنید. همسر عزیزم وصیت میکنم که دخترانم را زیست و تربیت کنی باز داده را هم خسته نشود. مادرم عزیزم که اصل منم روی فرصت از صحبت کردن با تو شرمسارم. بجز آنجایی که شما بر من داشتید ادا نکردم و شاید بعید نیست بگویم اگر شما مرا شناخت کنید در آن دنیا مرا قبول نداشته باشید اگر من در این دنیا هزاران نیکی را برای شما کرده باشم، مثلش از زحمات شبانه روزی برای کرده نفع دارم، تقاضا دارم آن شیرینبوی را که در کنار گور من به من داده ای حلال کنید.

و در پایان ایضا بنویسم. دختری که به اسم زینب به پسر محمد علی نام او اگر زینب شد از او بگیری تکلیف:

دوستان، رفقا، آشنایان مرا عفو کنید چون دوست خوبی برای شما نبودم.

۶۵/۱۰/۵

شکری



نام: کریم  
نام خانوادگی: کلمی  
نام پدر: گرابگ  
نام مادر: هاجر  
تاریخ تولد: دهم تیر 1343  
محل تولد: روستای کلم از توابع شهرستان دره شهر  
تحصیلات: چهارم ابتدایی  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: هفتم مهر 1363  
محل شهادت: میمک مهران  
نحوه شهادت: -  
مزار: گلزار شهدای زادگاهش

## عبارت های کلیدی

- ا امام را تنها نگذارند.
- ا پشتیبان ولایت فقیه باشند.
- ا از ملت به پا خواسته ایران می خواهیم که راه این شهیدان را ادامه بدهند.
- ا باید از خون این شهیدان دفاع کنیم.
- ا همیشه امام را دعا کنند.
- ا برادران و دوستان جبهه را خالی نگذارید.
- ا تا آخرین قطره خونی که در بدن داریم در راه این انقلاب و این شهیدان خواهیم جنگید.
- ا می خواهیم اگر شهید شدم برای من ناراحت نباشید و گریه و زاری نکنید.

## کریم کلمی<sup>1</sup>

### بسم الله الرحمن الرحيم

درود بر رهبر انقلاب اسلامی امام خمینی

درود بر شهیدان راه حق علیه باطل

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرَزِّقُونَ»<sup>2</sup>

سلام و درود بر رهبر انقلاب اسلامی امام خمینی و سلام و درود بر روان پاک شهیدان راه حق و عدالت پاسدار انقلاب.

کریم کلمی وصیت‌نامه خودم [را] به شرح زیر است و من از تمام ملت مسلمان ایران می‌خواهم که امام را تنها نگذارند و همیشه پشتیبان ولایت فقیه باشند و از ملت به پا خواسته ایران می‌خواهم که راه این شهیدان را ادامه بدهند چون این انقلاب با خون شهیدان به اینجا رسیده است ما باید از خون این شهیدان دفاع کنیم.

وصیت نامه برای خانواده خودم سلام می‌رسانم و خانواده عزیزم می‌خواهم که همیشه امام را دعا کنند. سلام مرا به تمام دوستان و اقوام<sup>3</sup> برسانند و از تمام دوستان و اقوام<sup>4</sup> و ملت ایران می‌خواهم که راه این شهیدان را ادامه بدهند. برادران و دوستان جبهه را خالی نگذارید و همیشه جبهه‌ها را پر کنید و ما تا آخرین قطره خونی که در بدن داریم در راه این انقلاب و این شهیدان خواهیم جنگید.

«وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ»<sup>5</sup>

و سلام بر امام

1- بالای وصیت‌نامه عبارت «وصیت‌نامه پاسدار وظیفه کریم کلمی» نوشته شده است.

2- آل‌عمران/ 169. ترجمه «آنان که در راه خدا کشته می‌شوند مرده مپندارید بلکه زنده‌اند و نزد خدایشان روزی می‌خورند».

3- در اصل وصیت «قومان».

4- در اصل وصیت «قومان».

5- در اصل وصیت «و سلام علیکم و رحمت‌اله و برکاتو».

## [وصیت‌نامه‌ای دیگر]

### بسم الله الرحمن الرحيم

وصیت‌نامه خودم را به پدرم و مادرم و همسر و خواهرانم تقدیم می‌نمایم.  
و مادر عزیزم از تو می‌خواهم که شیرت را حلالم کنی و زحمت‌هایی که پای من کشیده‌اید از تو می‌خواهم مرا ببخشید<sup>1</sup> و پدر جان از تو می‌خواهم که این همه سال‌ها زحمت‌های بزرگی برای من کشیده‌اید حلالم کنی و مادر عزیزم و همسر و خواهرانم از شما می‌خواهم اگر شهید شدم برای من ناراحت نباشید و گریه و زاری نکنید و عزاداری<sup>2</sup> نکنید و من مثل قاسم<sup>3</sup> (7) نوجوان تازه دامادم و سلام من [را به]<sup>4</sup> تمام اقوام<sup>5</sup> و خویشان برسانید. دیگر حرفی نیست.

بگذر <sup>6</sup> ز من مادر عزم سفر دارم	شیون مکن مادر در مرگ خونبارم
کفن شده لباس دامادیم مادرم مادرم	شهید جمهوری اسلامیم مادرم مادرم

---

1- در اصل وصیت ببخشید.

2- در اصل وصیت «زاداری».

3- ر.ک. تعلیقات.

4- در اصل وصیت «ز».

5- در اصل وصیت «قومان».

6- در اصل وصیت «بگذار».



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



بیعت نامه خدمت را بدیدم مادرم و بیاد دارم و خواهرم از تقویم می یابم  
 بر کلاس تا آنجا که خواهم از قدم خواهم شیرت و حلالم کنید و زحمتی که برای من کشیده اید از قدم خواهم  
 حلالم کنید و بدو جان از قدم خواهم که این همه سالها زحمتی بی توکی بر من کشیده اید  
 حلالم کنید مادر عزیزم و محترم و خواهرم از شما من خواهم اگر می شود برای من فارسی  
 بیارید و کلاس خدای تلفظ را ادا و آن تلفظ من قبل نام دو جان تازه دارم  
 سلام من از تمام جوان و عزیزان برانید دیگر عرض نیست  
 شکر از زبون مادر غم سفر دارم  
 کفن شده لباس دارم مادرم مادرم  
 شکر از زبون مادر دیگر خوب دارم  
 شهید جمهوری اسلامی مادرم مادرم

نام: نورمحمد  
نام خانوادگی: کاظمی  
نام پدر: بهرام  
نام مادر: فانوس  
تاریخ تولد: دوازدهم مرداد 1330  
محل تولد: روستای محمدقلی از توابع  
شهرستان شیروان و چرداول  
تحصیلات: -  
ارگان اعزام کننده: -  
تاریخ شهادت: دهم اسفند 1378  
محل شهادت: دشت لک میمک  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ا همیشه پشتیبان ولایت فقیه باشید.
- ا تا پای جان به مملکت اسلامی خدمت صادقانه نمایید.
- ا در غم و شادی با آنها شریک باشید.

## نورمحمد کاظمی

بسم الله الرحمن الرحيم

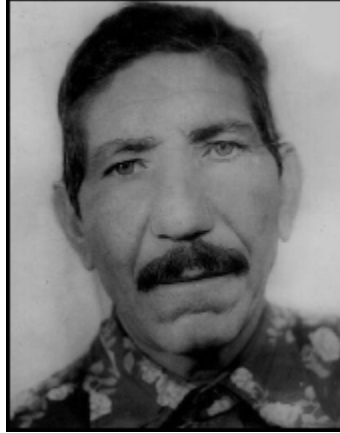
بسم رب الشهداء و الصديقين

همیشه پشتیبان ولایت فقیه باشید تا پای جان به مملکت اسلامی خدمت صادقانه نمایید. بامردم، اقوام و همه بستگان نشست و برخاست داشته باشید. در غم و شادی با آنها شریک باشید و بعد از مرگ تمامی اموال را به نسبت مساوی طبق قانون شرع اسلام، بین همدیگر تقسیم نمایید. در حالی که هیچ کدام بر دیگری برتری نداشته باشید.





نام: حیدر  
نام خانوادگی: کاکای  
نام پدر: قاسم  
نام مادر: شاهی  
تاریخ تولد: دوم خرداد 1313  
محل تولد: بخش ملکشاهی از توابع  
شهرستان مهران  
تحصیلات: -  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: بیست و یکم مهر 1363  
محل شهادت: چنگوله  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: امامزاده پیرمحمد همان شهرستان



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ جهت راه امام و خدمت به اسلام و میهن اسلامیمان به خدمت اعزام می شوم.
- ۱ تا آخرین قطره خون در بدن دارم باید بجنگم.
- ۱ نگران نباشید چون «شهدا شمع محفل بشریتند».
- ۱ باید ناراحت نباشید، ولی ادامه دهنده راه امام و اسلام باشید.
- ۱ برادرانم من جهت راه اسلام رفتم ولی شما هم راه اسلام را در پیش بگیرید.
- ۱ شب و روز در جبهه نماز بود کارم، از کسی باکی ندارم چونکه اسلام بود یارم.
- ۱ من در جبهه می جنگم در راه اسلام.

## حیدر کاکاکی

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم رب الشهداء و الصديقين

سرپرست محترم دفتر بنیاد شهید بخش ملکشاهی

قسمتی از وصیت‌نامه شهید حیدر کاکاکی چون بنده جهت راه امام و خدمت به اسلام و میهن اسلامیمان و جهت ادامه دادن<sup>1</sup> راه شهدا بنده به خدمت اعزام می‌شوم و تا آخرین قطره خون در بدن دارم باید بجنگم. ولی همسرم شما مدیون خون<sup>2</sup> شهدا هستید که بعد از من پسر من را خوب نگهداری و سرپرستی نمایی<sup>3</sup> تا وقتی که بزرگ شد در راه من و در راه اسلام و خون شهدا ادامه دهنده راه اسلام و امام عزیزمان باشد. آری من این آخرین سفرم را برایتان می‌گویم ولی نگران نباشید چون «شهدا شمع محفل بشریتند»<sup>4</sup> و باید بسوزند تا اسلام را روشن کنند پس باید ناراحت نباشید، ولی ادامه دهنده راه امام و اسلام باشید. ولی پسر من شما وقتی بزرگ شدید درس خودت را ادامه دهید. زیرا یکی از سنگرهای اسلام مدرسه می باشد و باید آن را محکم بگیرید و تا آخر ادامه دهید. ولی یا برادرانم من جهت راه اسلام رفتم. ولی شما هم راه اسلام را در پیش بگیرید و خانواده بنده را سرپرستی نمایید.

از کسی باکی ندارم چونکه اسلام بود یارم  
ولی به امام برسانید سلام  
به خانواده ام برسانید سلام

شب و روز در جبهه نماز بود کارم  
من در جبهه می‌جنگم در راه اسلام  
که من شهید شدم در راه اسلام  
خداحافظ عزیزانم راه من را ادامه دهید.

1- در اصل وصیت «دهنده».

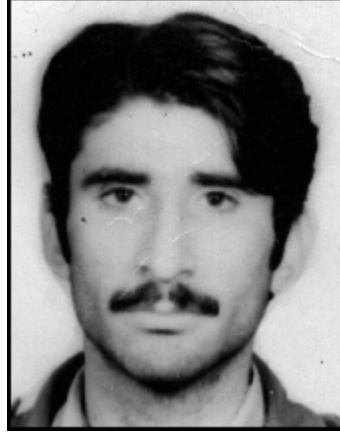
2- در اصل وصیت «خونی».

3- در اصل وصیت «سرپرست نمایند».

4- تعبیر برگرفته از این سخن امام است «شهدا شمع محفل دوستانند» (صحیفه امام، ج 198، ص 498).



نام: حسن  
نام خانوادگی: کریم‌بیگی  
نام پدر: صیدنظر  
نام مادر: عالم‌تاج  
تاریخ تولد: یکم مهر 1361  
محل تولد: شهرستان ایلام  
تحصیلات: دیپلم  
ارگان اعزام‌کننده: ارتش  
تاریخ شهادت: یازدهم بهمن 1381  
محل شهادت: قصر شیرین  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای شهرستان دره‌شهر



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ فقط مرگ این کلمه، برای من پر معنا و زیبا و صوتی خوش دارد.
- ۱ مرگ چیزی نیست که انسان بخواهد یا بتواند از آن فرار کند.
- ۱ خانواده در نبود من احساس غم و اندوه نکنند. به عزاداری و سوگواری نشینند.
- ۱ پس از مرگ من در خانه آنها غم و اندوه نباشد. دوست دارم همیشه شاد باشید.
- ۱ بخاطر من تفریح و گردش خود را خراب نکنید.
- ۱ مرا فراموش کنید. هر چند ممکن است کاری بس دشوار را از شما بخواهم ولی فراموشم کنید.

## حسن کریم‌بیگی

### بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خدا. امروز می‌خواهم چند خطی را سیاه کنم که شاید کمی از گرفتگی حالم که مرا خیلی کسل<sup>1</sup> و اخمو کرده، کاسته شود و دلم را خالی کنم. هر چند که دلم پر از آب و شربت آب لیمو می‌باشد. من می‌دانم یا می‌خواهم یا یک جور تلقین می‌باشد به خودم این را قبولانده‌ام که لحظه مرگ من نزدیک است و با روی باز و گشاده و دلی پر از امید و ناامید از زندگی آینده به استقبالش<sup>2</sup> می‌روم تا شاید به من لطف کرده و این غم را زودتر و راحت‌تر طی کنم.

چیزی را که می‌نویسم حالت وصیت نیز دارد. نمی‌دانم دوری از خانه این چنین مرا غمگین نمود یا محلی که در آن خدمت را می‌گذرانم، که در من بیشتر سهم دارد. این وصیت‌نامه را در ساعت 8/5 دقیقه عصر یا همان 20/50 دقیقه عصر می‌نویسم در محل پست نگهبانی. الآن به تنها چیزی که فکر می‌کنم و فکر مرا به خود مشغول ساخته مرگ است. مرگ نه چیز دیگر. فقط مرگ این کلمه، برای من پر معنا و زیبا و صوتی خوش دارد و معنای مرگ رسیدن به آنچه که می‌خواهی و پایان دادن به<sup>3</sup> چیزی که داری.

وصیت می‌کنم که اگر در روزهای آینده برای من اتفاقی افتاد، خانواده اولاً با این مسئله به سادگی برخورد کنند، که [چون] مرگ چیزی نیست که انسان بخواهد یا بتواند از آن فرار کند. دوم اینکه در نبود من احساس غم و اندوه نکنند. به عزاداری و سوگواری نشینند. که چون زیاد از حد بگیرند روح من نیز ناراحت و رنجور خواهد شد. برای پدر و مادرم آرزوی سر بلندی و عمری با عزت و آبرو را دارم و سایر آنها. همیشه از<sup>4</sup> سه برادران و خواهر خوب و عزیزم به اندازه از برادرم پیمان انتظار دارم که هم کمک پدر و هم

---

1- در اصل وصیت «کسل».

2- در اصل وصیت «استقبالش».

3- در اصل وصیت «که».

4- در اصل وصیت «بر».

غمخوار مادرم باشند<sup>1</sup> که مبادا نبود مرا احساس کنند. امیدوارم که برادران کوچکم [...] <sup>2</sup> حسین هم در زندگی که در پیش روی دارند، موفق و مؤید<sup>3</sup> باشند و از خواهرم زهرای عزیزم می‌خواهم که مراقب مادر باشد و آرزوی زندگی همراه خوشی و شادی بدون غم برایش دارم. برای همه اقوام آرزوی سلامتی را دارم و حال خودم [که] از روزی که بدنیا آمدم [...] <sup>4</sup> آرزوی مرگ را اینور و آنور بردم و همیشه و در هر حال و در هر مکان که بودم در انتظار آن بودم و این بار دیگر مانند آن بارها نیست که نوید [ی] به من می‌دهند<sup>5</sup> که مرگم نزدیک می‌باشد، افکاری که باشند حقیقت دارند و من خیلی خوشحالم. امیدی به زندگی ندارم. هر [...] <sup>6</sup> را می‌دانم در زندگی فردای من می‌باشند، ولی این راهی است که باید بروم.

وصیت می‌کنم که پس از مرگ من در خانه آنها غم و اندوه نباشد. دوست دارم همیشه شاد باشید، تا من هم شاد شوم اگر مرا دوست دارید و برایتان عزیز هستم، برایم<sup>7</sup> زیاد ناراحت نشوید، تا هم خودتان و هم اقوام و آشنایان اذیت نشوند و مراسمی ساده، هرچه ساده‌تر بهتر و تمام [و] حلالیت مرا از دوستانم بگیرید همانگونه که تا امروز با خوشی هر چند کمی غم و اندوه ولی آنگونه نباشید. لباس سیاه به تن نکنید.<sup>8</sup> بخاطر من تفریح و گردش خود را خراب نکنید. در ضمن اگر تقویم‌های کوچکم را بخوانید من نذرهایی داشتم که باید ادا کنم، ولی نمی‌دانم که می‌رسم یا نه. پس اگر مردم آنها را ادا کنید. ای آنهایی که دلبستگی من می‌باشند، اکنون دلبستگی من مرگ می‌باشد، نمی‌دانم کی، نمی‌دانم که؟ نمی‌دانم چه طوری؟ ولی می‌خواهم بروم و فردا نرسد که آرزوهای فراوانی دارم که

---

1- در اصل وصیت «باشد».

2- خوانا نیست.

3- در اصل وصیت «مؤید».

4- خوانا نیست.

5- در اصل وصیت «که نوید که به من می‌گوید».

6- خوانا نیست.

7- در اصل وصیت «برای».

8- ر.ک. تعلیقات.

اگر برگردم، ممکن است آن روزها بر آرزوی مرگ پیروز شوند، که این چیز هم در نزد من محال است. دیگر نمی‌خواهم چیز زیادی بنویسم، فقط یک چیز و آنچه این است که همه خانواده‌ام را دوست دارم و برای آنها زنده بودم و برای آنها نیز می‌میرم. پس مرا فراموش کنید. هر چند ممکن است کاری بس دشوار را از شما بخواهم<sup>1</sup> ولی فراموشم کنید. دوست دارم بنویسم، ولی نمی‌توانم. دوست دارم که بی‌گریه بنویسم ولی نمی‌توانم. باران اشک در چشمان من حلقه زده‌اند و راه دید را از من گرفته‌اند. خونی که در پایین صفحه می‌باشد خون خودم می‌باشد. دیگر وقت خداحافظی است. پدر خوبم و مادرم مادر مهربانم برادران و خواهرم مرا حلال کنید و از من ناراحتی به دل نداشته باشید. خداوند خود غم مرا می‌داند. پس نمی‌خواهم شما را هم غمگین کنم. به امید دیدار در دنیای باقی و ابدی.

خداحافظ

«والسلام»<sup>2</sup>

مال و ثروتی هم ندارم که تقسیم کنم.

اشد ان لا الله الا الله

اشهد انّ محمداً<sup>3</sup> رسول الله

هرچند با آرزوهای زیاد، خداحافظ

---

1- در اصل وصیت «می‌خواهم».

2- در اصل وصیت «وسلام».

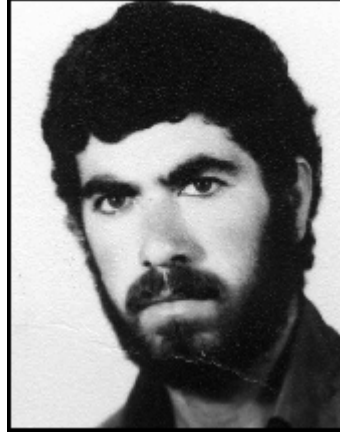
3- در اصل وصیت «محمد».







نام: علی مردان  
نام خانوادگی: کریمی  
نام پدر: علی عسکر  
نام مادر: زبیده  
تاریخ تولد: دوم شهریور 1348  
محل تولد: روستای باخله از توابع  
شهرستان شیروان و چرداول  
تحصیلات: دوم راهنمایی  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: بیست و نهم آبان 1363  
محل شهادت: مهران  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای روستای شباب  
شهرستان زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ا دل قوی دارید که قادر یکتا پشتیبان و نگهبان شماست.
- ا اگر می‌خواهید در مقام و عظمت شما خللی وارد نشود، هیچ‌گاه زبان به شکایت نگشایید.
- ا آگاه باشید که من برای آخرت آفریده شده‌ام نه برای دنیا.
- ا بترس از اینکه مرگ تو را دریابد و تو در حال گناه باشی.
- ا آنقدر به جبهه می‌روم و می‌جنگم که شهید شوم.
- ا مبدا در حال بی تفاوتی بمیرید که علی اکبر ( 7 ) در راه حسین ( 7 ) و با هدف شهید شد.
- ا ای مادران مبدا از رفتن فرزندان‌تان به جبهه‌ها جلوگیری کنید.
- ا همه مثل خاندان وهب باشید.
- ا جوانان‌تان را به جبهه‌های نبرد بفرستید و حتی جسد او را هم تحویل نگیرید.
- ا برادران استغفار را از یاد نبرید که بهترین درمان‌ها برای تسکین دردهاست.
- ا همیشه به یاد خدا باشید و در راه او قدم بردارید.
- ا هرگز دشمنان بین شما تفرقه نیاندازد.

## علی مردان کریمی

### بسم الله الرحمن الرحيم

با درود و سلام فراوان به امام زمان و نایب برحق او امام خمینی و با سلام گرم بر مردم شهیدپرور ایران و با درود به تمامی رزمندگان اسلام که در جبهه‌های حق علیه باطل جان خود را فدای اسلام عزیز و جمهوری اسلامی ایران تقدیم می‌نمایند. سلام بر آن یتیمان که انتظار از پدران پیرو خط خمینی داشتند. اینجانب کریمی وصیت‌نامه خود را چنین می‌نویسم: پدرم و مادرم و برادران و خواهران منظور من از برادران و خواهران خود نیست بلکه تمام مسلمانان جهان که جان خود را در راه<sup>1</sup> اسلام فدا نموده‌اند. خود را برای تحمل رنج‌ها و مصیبت‌ها و ناکامی‌ها و ناراحتی‌ها آماده سازید، [که] دل قوی دارید که قادر یکتا پشتیبان و نگهبان شماست. تنها اوست که شما را از شر دشمنان نجات می‌بخشد و عاقبت شما را به خیر می‌گرداند و دشمنان شما را به تمام عذاب‌ها و شکست‌ها دچار می‌گرداند. این مصیبت‌ها و سختی‌ها زودگذر و تمام شدنی است. ولی پاداش این جان‌فشانی‌ها و فداکاری‌ها به نعمت ابدی بی‌پایان خداوند خواهید رسید و بر سریر کرامت و بزرگواری [تکیه]<sup>2</sup> خواهید زد. اگر می‌خواهید<sup>3</sup> در مقام و عظمت شما خللی وارد نشود، هیچ‌گاه زبان به شکایت نگشایید و آنچه را از قدر و منزلت شما می‌کاهد، برزبان نیاورید. پدرم بدان مادرم و خواهرانم و برادرانم بدان آگاه باشید که من برای آخرت آفریده شده‌ام نه برای دنیا. برای نیستی، نه برای هستی و برای مردن نه برای زندگانی و شما<sup>4</sup> در جای کوچ می‌باشید و در سرای موقت و در راهی<sup>5</sup> به سوی آخرت هستی و تو رانده مرگی که گریزند از آن رهایی نمی‌یابد. بترس از اینکه مرگ تو را دریابد و تو در حال گناه باشی. پدرم برادرانم مادرم و خواهرانم را به خدا قسم می‌دهم در راه شهید شدن من گریه نکنید. مادر

---

1- در اصل وصیت «اختیار».

2- در اصل وصیت واژه «تکیه» افتاده است.

3- در اصل وصیت «می‌خواهد».

4- در اصل وصیت «تو».

5- در اصل وصیت «راه».

می‌دانم که گوشه‌ای از جگر تو هستم، آنقدر به جبهه می‌روم و می‌جنگم که شهید شوم. ای جوانان نکند در رختخواب ذلت بمیرید که حسین (7) در میدان نبرد شهید شد. ای جوانان نکند در غفلت بمیرید که علی (7) در محراب عبادت شهید شد. مبادا در حال بی تفاوتی بمیرید که علی اکبر (7) در راه حسین (7) و با هدف شهید شد. ای مادران مبادا از رفتن فرزندانتان به جبهه‌ها جلوگیری کنید که فردا در محضر خدا نمی‌توانید جواب زینب (3) را بدهید که تحمل 72 تن شهید را نمود. همه مثل خاندان وهب<sup>1</sup> باشید. جوانانتان را به جبهه‌های نبرد بفرستید و حتی جسد او را هم تحویل نگیرید، زیرا مادر وهب فرمود که پسری را در راه خدا داده‌ام پس نمی‌گیرم. برادران استغفار را از یاد نبرید که بهترین درمان‌ها برای تسکین دردهاست. همیشه به یاد خدا باشید و در راه او قدم بردارید و هرگز دشمنان بین شما تفرقه نیاوردند و شما را از روحانیت جدا نکنند که اگر چنین کردند روز بدبختی مسلمانان، روز جشن ابرقدرتهاست. حضورتان در جبهه‌های حق علیه باطل ثابت نگه دارید. در امام بیشتر دقیق شوید. عظمت او را بیابید و خود را تسلیم او سازید و صداقت و اخلاص خود را همچنان حفظ کنید و اگر فیض شهادت نصیب گشت، آنان که پیرو خط سرخ امام خمینی نیستند و به ولایت او اعتقاد ندارند، بر من نگریند و بر جنازه من حاضر نشوند. اما باشد که دماء شهدا آنان را نیز متحول سازد و به رحمت الهی نزدیکشان کند. سلام مرا به رهبر عزیزم برسانید و بگویید تا آخرین قطره خون، من سنگر اسلام را ترک نخواهم کرد و با خداوند پیمان می‌بندم که تمام عاشوراها و در تمام کربلاها با حسین (7) همراه باشم و سنگر او را رها نکنم، تا هنگامی که همه احکام اسلام در زیر پرچم اسلامی امام زمان (عج) به اجرا درآید.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگاهدار، آمین یا رب العالمین.

«والسلام»<sup>2</sup>

وصیت‌نامه علی مردان کریمی

1- ر.ک. تعلیقات.

2- در اصل وصیت «و سلام».

بسم الله الرحمن الرحيم  
با دوری صد هزاران به امام زمان و نائب هر حق که لعناست لیس و با تمام  
کس بیرون سینه پرور ایران و با دوری به تمام دشمنان اسلام که در فیه ما  
الحق علی باطل جان خود را فدای اسلام عزیز کرده اند ما را با تمام  
قدرت و توان سینه سپاریم که انتقام از پدران پرور خواهی شد  
که شدند که پنهان گریه و حسرت نماند خود فتنه مانوسیم پروردگارم  
پدران و دادگران منظره منازار هرگز از رخا مران خود نیست  
چند نامر ستاره ای جهان که خود را در راهیاری اسلام و فدا نمودند  
خود را بر آتش و بنیاد و صیقل دادند تا ایضا که آتش از سینه زد  
دل قوی دارد هر که در دنیا شکیبایی و تقویان شماست  
تنها راست که شما را از سرد شدن نجات می دهد

و ما بت ستمایم هرگز نماند و دشمنان ستمایم هرگز نماند  
 سنگسار و باران گرانند این معجزات و معجزات ز سر زود گم نشود  
 است و با دارن این بافتن و بافتن و بافتن است و بافتن است  
 اندازند و بافتن است و بافتن است و بافتن است و بافتن است  
 اگر چه در مقام و عظمت شما فلاح و ارضی و عیال و عیال  
 به شفاعت بگفتن و بافتن است و بافتن است و بافتن است  
 بیاد و یاد و یاد و یاد و یاد و یاد و یاد و یاد و یاد  
 که منی بر آن گرفت آنزنده نماند و بافتن است و بافتن است  
 در آن روزی که زنگش و زنگش و زنگش و زنگش و زنگش و زنگش  
 در آن روزی که زنگش و زنگش و زنگش و زنگش و زنگش و زنگش

وقب

همنه خویلهن گمیریزرا مادرو هب فورد مرعا راکم دراه خدا دارم  
 این نمک کرم را در آن استغفار ~~لا اله الا الله~~ که همدین در خانه  
 تکلیف در راه است هر چه بداد خدا بشود در راه او قدم بردارید  
 و قدرش در دنیا ~~بیشتر~~ هم کمتر باشد از آن سو که از او ~~بیشتر~~  
 مقصود ~~در آنست~~ که اگر فتنه کردند روز بدینستی مسلمانان روز هفتین  
 این قدر است که مقصودشان در پیغمبر ~~و~~ حاجی علیه السلام نماندند  
 را بر در راه ~~بیشتر~~ شوقند و شوقند که گنبد عقلت او را بیاید  
 مقرر استیم او سازید و صداقت و اخلاص هر راه همان ~~فقط~~  
 اگر فتنه ~~سنگ~~ است که آن ~~کدر~~ روز و ~~خدا~~

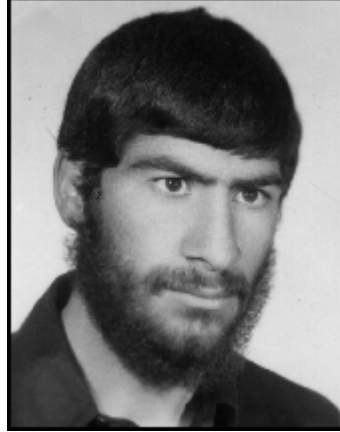




مردخ ارام کبر سینه و بدلاتی بر اعتقاد نظر بر این منگوشه  
 و بر فیکر است. فاعده مشرند انا با تکریمه و ستودن آنگاه را  
 محمول سازد بر جهت الی نزدیک که کسر ملام مراد بر هدیه نرسد  
 - بگویند تا آخرین قلمونیم کسر اسلام را ترک نشوایم در باطلون  
 دنیا را کسندم تمام عاقلان را و در کار مریا با ما من (ع) هر که  
 و مدد او را حکم کنیم تا هنگامیکه اسلام در زیر صلح برچم اسلام اقام  
 زین (ع) به اجرا در آید

هذا ذلک انکتاب محمد بن ابراهیم  
 آفتاب که رب الامین و سلام  
 و صلواتی بر مردان کریمی

نام: مجید  
نام خانوادگی: کشکولی  
نام پدر: عباس  
نام مادر: نصرت  
تاریخ تولد: هشتم مرداد 1341  
محل تولد: روستای بانروشان از توابع  
شهرستان مهران  
تحصیلات: سوم متوسطه  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: بیست و یکم مهر 1365  
محل شهادت: چنگوله  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: بخش صالح آباد همان شهرستان



## عبارت های کلیدی

- ا نمی دانم چگونه فکر کنم که به این از خدا بی خبران، بفهمانم که به خدا ایمان داشته باشید.
- ا شما مردانی که کبر و غرور می ورزید، یک لحظه به خود آییند و به خود فکر کنید.
- ا هشدار می دهم که امام را تنها نگذارید.
- ا به اسلام و خون شهیدان پای بند باشید.
- ا تا آخرین لحظه مقاوم و استوار خواهم ایستاد.
- ا تا به شهادت نرسم، دست بردار نیستم.
- ا به خدا قسم این راه را کورکورانه و از روی جهل و نادانی انتخاب نکردم.
- ا انتخاب این راه جز به خاطر رضای خدا و احیا نمودن احکام اسلام و جاری نمودن احکام شرع اسلام چیزی دیگر نبوده است.
- ا مادر می روم تا در کربلای حسین (7) به شهادت برسم.
- ا از همسر گرامیم تقاضامندم که بعد از شهادت چون زنان صدر اسلام کوشا و بردبار باشد.

## مجید کشکولی

### بسم الله الرحمن الرحيم

«وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»<sup>1</sup>

با سلام و درود فراوان و رحمت خداوند تبارک و تعالی بر امام عصر حضرت بقیة الله الاعظم صاحب الامر مهدی موعود (عج) و نایب برحقش امام خمینی (روحی له الفداء) از عاشورای گرم و خونبار حسین (7) تا کربلای پر از خون حسینیان زمان، کربلای خون رنگ ایران، قلم کوتاه و زبان قاصر، نمی دانم چگونه فکر کنم که به این از خدا بی خبران بفهمانم که به خدا ایمان داشته باشید و دست از این توطئه های شوم و آمریکایی بردارید و به سوی خدا هجرت کنید و با خداوندتان به عبادت برخیزید که خداوند در آیه 10 و 11 در سوره صف<sup>2</sup> به آن اشاره فرموده است و انسان را به سه هدف اصلی [را]<sup>3</sup> که آن دارا بودن تقوا و ایمان به خدا و جهاد در راه خدا با جان و جهاد با مال که این سه هدف اصلی اگر داشته باشید گر چه شما مردانی با خرد و آگاه باشید، مردان مومن که در راه خدا جهاد می کنند<sup>4</sup> و با دشمن اسلام ستیز می کنند و ایثارگری ها و از خودگذشتگی ها در معرکه از خود نشان می دهند، راهی است که به شما مردانی که کبر و غرور می ورزید نشان می دهد که یک لحظه به خود آییند و به خود فکر کنید که امیرالمؤمنین می فرماید: «ای کسی که چیزی گم کرده اید و دنبال آن چیز می گردید برو خودت را پیدا کن اول که تو خودت را گم کرده ای و خودت را هنوز نیافته ای.»

من در اینجا به امت حزب الله و عزیزان رزمنده که در راه خدا با این منافق ها به ستیز برخاسته اید، هشدار می دهم که امام را تنها نگذارید و به اسلام و خون شهیدان پای بند

1- بخشی از آیه 60 سوره انفال. «و شما ای (مؤمنان) در مقام مبارزه با آن کافران خود را مهیا کنید.»

2- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنَجِّيْكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (سوره صف آیات 10 و 11).

3- در اصل وصیت «را» افتاده است.

4- در اصل وصیت «می کند».

باشید. به خدا قسم طبق همان آیه در سوره صف آمده است، من آنچه را گفتم به انجام خواهم رساند و تا آخرین لحظه مقاوم و استوار خواهم ایستاد و طبق کلام مولا علی (7) «سرم را به خدا عاریه خواهم داد و دندان روی دندان گذاشته و قرص و محکم چون کوه استوار در قابل حوادث ایستاده»<sup>1</sup> و هرگز حرکت نخواهم کرد و از زرق و برق تانک و توپ دشمن نخواهم هراسید و [تا]<sup>2</sup> [آخر] [این]<sup>3</sup> لشکر دشمن نابود نشود ایمن نخواهم بود و تا به شهادت نرسم دست بردار نیستم، عزیزان به خدا قسم این راه را کورکورانه و از روی جهل و نادانی انتخاب نکرده و از روی هوای نفس نبوده‌است بلکه به خاطر رضای خدا و احیا [نمودن احکام اسلام]<sup>4</sup> و جاری نمودن احکام شرع اسلام چیزی دیگر نبوده است. مادر می‌روم تا در کربلای حسین (7) به شهادت برسم و بر زمین سجده کنم و خاک پاک کربلا را ببوسم و به ندای حسین زمان لیبک بگویم و به مقام والای انسانیت برسم که خواست خداوند متعال می‌باشد و در پایان از خواهران عزیزم درخواست دارم که مرا عفو کنند و از خداوند برای حقیر طلب مغفرت نمایند و از همسر گرامیم تقاضا مندم که بعد از شهادت من همان حالت روحی خود را حفظ کند و صبر را پیشه خود قرار دهد و اگر فرزندی بعد از من پیدا شد<sup>5</sup> از او نگهداری کند و بیشتر از وعده اسلامی من راضی نیستم بماند و چون زنان صدر اسلام کوشا و بردبار باشد.

«وَالسَّلَامُ عَلَیْكُمْ»

1- ترجمه فرازی از خطبه نهج البلاغه است «عرا لله جمجمتک عضّ علی ناجذک، تد فی الارض قدمک» (نهج البلاغه، ترجمه سیدجعفر شهیدی، ص 15).

2- در اصل وصیت «تا» افتاده است.

3- در اصل وصیت «آخر».

4- در اصل وصیت «جدانمودن احکام اسلام» افتاده است.

5- منظور شهید این است که وقتی پس از شهادت من فرزندانمان متولد شد.

واعدوا لادعيتهم قوه  
 انهم يستنزلونهم من السماء  
 حوت بقيا لادعيتهم صديقا  
 رقت امام خيرا من السماء  
 ما والله من عتة عتيا  
 تم فخرنا انما لست  
 انما انزلنا من السماء  
 فمما انزلنا من السماء  
 انما انزلنا من السماء

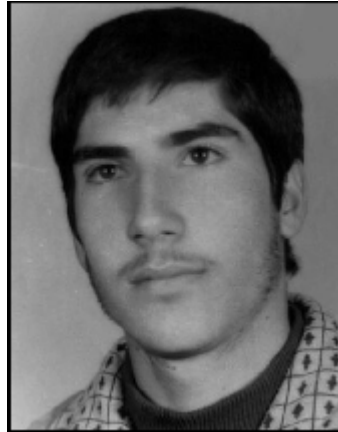








نام: ستار  
نام خانوادگی: کمالوند  
نام پدر: جبار  
نام مادر: حمیده  
تاریخ تولد: یازدهم شهریور 1341  
محل تولد: کشور عراق  
تحصیلات: دانشجوی دوره کاردانی  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: بیست و یکم دی 1365  
محل شهادت: شلمچه  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: بهشت رضای شهرستان مشهد



## عبارت‌های کلیدی

- ا برادران و خواهرانم خوب تربیت بدهید تربیت اسلامی.
- ا همیشه در خط امام خمینی باشند.
- ا اگر برادران کار ندارند به جبهه حق علیه باطل بیایند.
- ا خواهرانم حجاب کامل به تن بپوشند.
- ا نماز عمود دین است ستون دین است.
- ا هر کس نماز نخواند کافر است.
- ا به رادیو خارجی گوش ندهید.
- ا ما باید خود را به صحیفه سجادیه مرتبط سازیم.
- ا ما باید با قرآن انیس شویم.
- ا ما باید با دوستان با احترام و تواضع برخورد کنیم.
- ا ما باید با پدر و مادر خاشعانه برخورد کنیم.

## ستار کمالوند

## بسم الله الرحمن الرحيم

خدایا خدایا<sup>1</sup> تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

پدر و مادر سلام علیکم و رحمة الله و برکاته

سفارش این است که برادران و خواهرانم [را] خوب تربیت بدهید تربیت اسلامی، و نماز و روزه مرتب بخوانند و روزه بگیرند و همیشه در خط امام خمینی باشند و اگر برادران کار ندارند به جبهه حق علیه باطل بیایند و سفارش این است که از مدرسه بچه‌ها به خانه می‌آیند بگذار<sup>2</sup> قرآن بخوانند و خواهرانم حجاب کامل به تن بپوشند و از نماز جماعت سرپیچی نکنند چون نماز عمود دین است. ستون دین است هر کس نماز نخواند کافر است و اگر شهید شدم، گریه برایم نکنید و هلهله و شیرینی پخش کنید، چون گریه برای امام حسین است (7) و از خداوند متعال خواستارم اول طول عمر به امام امت خمینی کبیر بدهد و دوم و دوم به شما [را گوش کنید]<sup>3</sup> همه و به رادیو خارجی گوش ندهید، فقط رادیو جمهوری اسلامی.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار آمین یا رب العالمین

«وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ»<sup>4</sup>

گروهان شهادت گردان رمضان ابوزر، در ساعت 1 بعدازظهر

1365/10/8 شلمچه<sup>5</sup> کربلا<sup>6</sup>

ستار کمالوند

1- در اصل وصیت «خدایا».

2- در اصل وصیت «بزار».

3- در اصل وصیت «را گوش کنید» را حذف کرده است.

4- بقره/154. در اصل وصیت «وَلَا تَقُولُوا الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ هُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْزُقُونَ صَدَقَ اللَّهُ لَعَلِي لِعَظِيمٍ».

5- ر.ک. تعلیقات.

6- ر.ک. تعلیقات.

## [وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين

«السلام عليك يا ابا عبدالله الحسين (7) يا ثارالله وابن ثاره ...<sup>1</sup>

سلام بر تو ای حسین لب تشنگان ای تثبیت کننده دین خدا- لیبیک»

پس از حمد و ستایش بیکران خداوند تبارک و تعالی که توفیق عنایت فرمود تا در این برهه از زمان به صفوف لشکریان اسلام بیوندم و لحظاتی در جبهه‌های حق علیه باطل حضور یابم و به پیام و ندای امام و رهبر زمان خود لیبیک بگویم و با تقدیم خالصانه‌ترین صلوات و سلام بر رسول خدا (6) وائمه هدی (8) و درود بر رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی و آیت حق منتظری<sup>2</sup> و بر روان تابناک شهدای اسلام.

امروز آمدن به جبهه یک وظیفه و تکلیف بزرگ الهی است و کسی که در این امر کوتاهی کند در پیشگاه خدا و پیامبر (6) وائمه (8) مسئول خواهد بود امروز تکرار درس سرنوشت ساز تاریخ کربلا است راه پیدا و هدف مشخص و رهبر همه حاضر و در خط قرآن جای تأمل نیست. ما امروز با صمیم دل و از روی شناخت و آگاهی با صفتی عباس‌گونه که با امام حسین (7) اقتداری و تسلیم او بود ما هم با کمال اطاعت و تسلیم به امر رهبر خود به جبهه آمده‌ایم و حیات و مرگ خویش را بسته به او می‌دانیم و در این راه جان و مال و هر چه داریم تقدیم می‌کنیم و بر این نعمت هم سپاسگذاریم. این امام بود که ما را از منجلاب فساد و فحشا و جهل و نادانی و اسارت به راه حق و حقیقت و آزادگی ارشاد و هدایت کرد و حیاتی با عزت ارزانی کرد وجود مبارک ایشان کمال قدردانی می‌کنیم و فرامین او را با جان و دل می‌خریم و سماعاً و طاعهً به پیام او لیبیک می‌گوسیم.

این وصیت‌نامه را که می‌نویسم، خود اصلاً به آن عامل نبودم، اما به عنوان تذکر و تکلیف اسلامی موظف هستیم همواره خودمان را به امر معروف و نهی از منکر سفارش کنیم. ما خود را باید خوب بسازیم و همیشه در حال تهذیب نفس باشیم. خود را در

1- فرازی از زیارت عاشورا، مفاتیح‌الجنان.

2- رک. تعلیقات.

محضر خدا بدانیم، متقی شویم و از اوقات فراغت‌ها و فرصت‌ها کمال استفاده [را]<sup>1</sup> ببریم در فراگیری تعالیم اسلام و مسائل فقهی و احکام شرعی که به ما تحرک و نشاط روحی خاصی می‌بخشد کوشا باشیم. شخصیت و رحمان را با ادعیه‌ها بارور سازیم ادعیه‌ای از قبیل: ابوحمزہ ثمالی - دعای عرفه امام حسین (7) - مناجات شعبانیه - دعای نورانی خمس عشر - دعای کمیل - دعای مکارم و غیره مأنوس و تمسک جویم. سحرخیزی را پیشه خود بسازیم. خود را به صحیفه سجادیه مرتبط سازیم. روزه پرفیض ماه مبارک رمضان را با شکوه و علاقه بپا داریم با قرآن انیس شویم. حدیث‌های مهم را حفظ و به آنها عمل کنیم. نمازهایمان را با جماعت و در اول وقت بخوانیم. از لهو و لغو جداً خودداری کنیم بیشتر به خود برسیم و در نماز جمعه مستمر و فعال شرکت داشته باشیم. با دوستان با احترام و تواضع برخورد کنیم و در مقابل مسائل روزمره دنیوی با صبر و متانت برخورد کنیم. مسئله مهم انفاق به همدیگر را در خود زنده کنیم. با پدر و مادر خاشعانه برخورد داشته باشیم. همیشه با وضو باشیم. خطبه امام را هرچند وقتی مروری کنیم. ضمناً هم: از مجله ارزشمند پیام انقلاب<sup>2</sup> و روزنامه جمهوری اسلامی کمال بهره را ببریم. صفت نیکوی هر آنچه برای خود می‌پسندیم برای دیگران را هم بیسندیم را در خود زنده کنیم. دشمن شناس باشیم و خود را از ضلالت و گمراهی برهانیم. خلاصه اینکه خود را انسانی بسازیم عاقل و ما هم در امور دین و متشرع به احکام قرآن و در خور شیعه علی (7) بسازیم.

خواهران مومن هم انشاءالله با عفت و نجابت زندگی کنند. حجاب را خوب مراعات کنند. با غیر محرم حتی الامکان گفتگو نداشته باشند. زیارت‌نامه زینب (3) را بیشتر بخوانند و درباره زندگی فاطمه زهرا (3) مطالعه داشته باشند. در وظیفه مهم مادری مسائل تربیتی و شرعی را یاد بگیرند و نسلی عقیق و مطیع اسلام تحویل جامعه بدهند و خلاصه در محیط زندگی با تفاهم زندگی کنند.

پدر و مادر عزیز از اینکه در طول زندگی توانستم به شما خدمتی کنم و حتی باعث اذیت

1- در اصل وصیت «را» افتاده است.

2- مجله پیام انقلاب، مجله‌ای بود که در دوران دفاع مقدس از سوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بصورت هفتگی منتشر می‌شد و در تقویت روحیه حماسی مخاطبین بسیار مفید و ارزشمند بود.

شما می‌شد مرا ببخشید و حلال کنیم پدر و مادر عزیز مبلغی پول در منزل دارم که برادرم جمال در جریان هستند، امیدوارم نصفی از آن را به عنوان خمس و نصف دیگر را به جبهه اهدا کنید، تا شاید در آن دنیا نزد خدا و پیامبر (6) و ائمه (8) رو سفید باشیم. برادران و خواهرانم انشاءالله بچه‌هایشان [را]<sup>1</sup> خوب تربیت کنند انشاءالله. از کلیه دوستان هم طلب بخشش می‌کنم و انشاءالله ما را ببخشید در این جا هم از برادر بسیار محترم و برگوارم عباس نادری تشکر و قدردانی جهت اینکه از همراهی [و]<sup>2</sup> با ایشان بودن [را] مدتی فیض و بهره بردم. انشاءالله هر جا هستند موفق مؤید و منصور باشند.

در آخر وصیت‌نامه خداوند منان را بر حرمت محمد و آل او (صلوات الله علیهم اجمعین) و به حرمت فاطمه زهرا (3) و به اشک چشم امام سجاد (7) و به حق زینب کبری (3) قسم می‌دهم که مرا در این راه موفق بدارد و توفیق عظمای «شهادت» این برترین معراج مردان با حق را نصیب ما بگرداند و اگر توفیق حاصل نگشت التماس دارم که مرا همواره با حیاتی در راه نور و هدی و تقوا و ذکر و دعا و فهم و آگاهی با قلبی پاک روحی در حال تزکیه و در راه پیاده کردن سیره ائمه اطهار (8) قرار بدهد و عاقبت شما را ختم به خیر بگرداند. آمین یا رب العالمین. «خدا نگهدار همه»

«وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ»<sup>3</sup>

اللهم وفقنا لما تحب وترضی

به امید زیارت کربلا و نجف، بر خدا توکل کردیم و رفتیم.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی (عج) خمینی را نگاه دار

وصیت نامه ستار کمالوند، دارای شماره شناسنامه 52333

اعزامی از ایلام، مورخه 65/10/19

اردوگاه شهید باهنر

1- در اصل وصیت «را» افتاده است.

2- در اصل وصیت «و» افتاده است.

3- آل عمران / 126.

وصیت نامه مستعار کمالوند بسم الله الرحمن الرحيم خدا بخیر و نیکو انصلا ب مودعی حسین

را نگه (چهره و حال در سلام علیکم در رحمت الله و بركاته)

سفارش این است که برادران و خواهران خوب تربیت بدهید تربیت اسلامی و نماز و روزه و <sup>مربط</sup> چو نشسته و روزه بگیرند و حکمت در خط امام خمینی باشند و اگر برادران کار ندرند به جبهه حتی

علیه باطل بیایند و سفارش این است که از مدرسه میرها به خانم صابند هزار قرآن

بخوانند و خواهران عجب کامل به تن بیور شوند و از نماز حاجت سر بسنجین کنند چون نماز عمود

دین است ستون دین است هر کس شاکر <sup>نزد الله</sup> کافر است و اگر شهید شدم گریه

برایم نکنید عاقله و شیرین بخش کنید چون گریه برای امام حسین است (ع)

و لا تحزنوا ان الله اختارکم اولیاء و الله مع الصابین امام است خمینی کبیر بیدهد و دوم به شما

همه و برادران و خواهرین گوش ندهید فقط برادران جمهوری اسلامی خدا یا خدا یا

انصلا ب مودعی حسین را نگه در این باب لا تعجلوا للمظالم و لا تعجلوا للذین قبلوا امرنا

بایم عنده ربهم برزقون صدق الله لعل لعظیم در ساعت بعد ظهر 8

گروهان شهادت گردن رمضان ابوذر ۱۳۶۵/۱/۱ شامیه کربلا

ستار کمالوند <sup>مستعار</sup>









(صالحه محمدعلی)

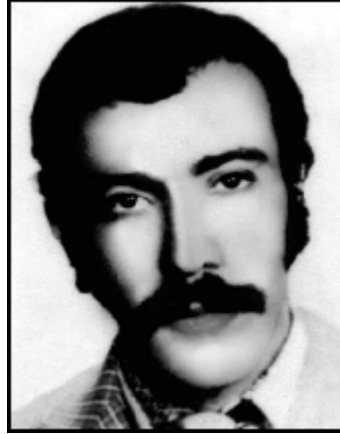
در آخر وصیت نامه خداوند متعال را به حرمت محمد و آل او صلوات الله علیهم و حرمت نامتعالی زهراسین و بی  
 انگ چشمه لام حلاله ای که چشم حق زینب کبری است قسم میدهم که مراد این راه مومن  
 مبارک در گذشتن عفتان نهاده است این بزرگ سراج و شاکست مرغان حق را نصیب ما بگرداند  
 در آخر وصیت نامه ای که مراد از راه خداوند متعال در دنیا و آخرت در دنیا و آخرت  
 و قسم و آنگاه که بچشم پاک و روح در حال ترک و در راه پیکر کربان سیرت اتم  
 (طهارت) قرار بدهد و عاقبتش با حق تعالی گرداند - آمین (به العالمین)

خداوند بگردد رحمت  
 و السلام علی من اتبع الهدی  
 اللهم صل علی محمد و آل محمد  
 و علی بن محمد  
 صلوات الله علیهم  
 و علی بن محمد

وصیت نامه ستار کانون  
 طارقه کانون شماره ۵۱۰۰۰  
 انزلی از اسلام  
 مورخه ۱۹/۱۲/۷۵  
 اوردگاه شهید امیر

آتشک منزل - اسلام - مهدی سعیدی  
 کانون ایثار - جبهه مقاومت - راهپایان و دوران  
 منزل جبار کانون

نام: بهرام  
نام خانوادگی: کمرخانی  
نام پدر: فاضل  
نام مادر: تهیمینه  
تاریخ تولد: سوم آذر 1332  
محل تولد: روستای گاوداری از توابع  
شهرستان شیروان و چرداول  
تحصیلات: -  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: بیست و نهم اسفند 1364  
محل شهادت: چنگوله  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: امامزاده عباس شهرستان زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- استغفار و دعا را از یاد نبرد که بهترین درمان‌ها برای تسکین دردهاست.
- به جبهه می‌روم تا به تمامی دشمنان انقلاب اسلامی ثابت گردانم که «تا خون در رگ ماست خمینی رهبر ماست».
- بدانید که آگاهانه در این راه قدم نهاده‌ام.
- خون سرخ شهیدان از هابیل تا حسین (7) و از حسین (7) تا شهدای کربلای جنوب و غرب ایران صدایم می‌زنند.
- ما در عصری زندگی می‌کنیم که ظلم سراسر جهان را فراگرفته است.
- جان ناقابل‌م را به اسلام هدیه می‌کنم زیرا درس شهادت را از جدم حسین (7) آموخته‌ام.
- شهادت لیاقتی و سعادت‌ی بزرگ است.
- سپاس می‌گویم خداوندی را که دشمنان اسلام را از احمق‌ترین آدم‌ها قرار داد.
- به رهبر عزیزم بگویند تا آخرین قطره خونم سنگر اسلام را ترک نخواهم کرد.

## بهرام کمرخانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيُبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا...»<sup>1</sup>

«اوست که مرگ و زندگی را آفرید تا ببازماید شما را که در صحنه پیکار حق و باطل کدامین از شما نیکوکارتر است.»

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرَزِّقُونَ»<sup>2</sup>

«مپندارید که شهیدان راه خدا مرده‌اند بلکه زنده به حیات ابدی شده‌اند و در نزد پروردگارشان متنعم خواهند بود.»

به جبهه می‌روم تا عهد و پیمانی را که در خیابان‌ها و مساجد و شعار الله اکبر با خدای خود و با امام خویش بسته بودم، اجرا نمایم. چون شهادت تصادفی نیست بلکه لیاقتی و سعادت‌ی است بزرگ.

سلام مرا به رهبر عزیزم برسانید و بگویید تا آخرین قطره خونم سنگر اسلام را ترک نخواهم کرد و وصیت من به جوانان ایران این است که برادرانم خدایی نخواست‌ه نکنند در رختخواب ذلت بمیرید که حسین (7) در میدان نبرد شهید شد و مبادا در غفلت بمیرید که علی (7) در محراب عبادت شهید شد.

و ای مادران مبادا از رفتن فرزندان‌تان به جبهه جلوگیری کنید که فردا در محضر خدا نمی‌توانید جواب زینب (3) را بدهید که تحمل 72 شهید را نمود و استغفار و دعا را از یاد نبرد که بهترین درمان‌ها برای تسکین دردهاست.

باری به جبهه می‌روم تا به آمریکا و تمامی دشمنان انقلاب اسلامی ثابت گردانم که «تا خون در رگ ماست خمینی رهبر ماست» و سپاس می‌گویم خداوندی را که دشمنان اسلام را از احمق‌ترین آدم‌ها قرار داد که با وجود هزاران تجربه هنوز این جمله امام علی (7) را

1- ملک/2.

2- آل‌عمران/169.

درک نکرده‌اند که «من صارع الحق صرعه»<sup>1</sup> لذا به همین دلیل است که گور خودشان را با دست خود می‌کنند و بدانید که آگاهانه در این راه قدم نهاده‌ام. چرا که خون سرخ شهیدان از هابیل<sup>2</sup> تا حسین (7) و از حسین (7) تا شهدای کربلای جنوب و غرب ایران صدایم می‌زنند که برای چه نشسته‌ای. ما در عصری زندگی می‌کنیم که ظلم سراسر جهان را فراگرفته است، [...] اسلام عزیز با ظهور مهدی عزیز (عج) پیروز شود.

پدر و مادرم می‌دانم که در سوگ من خواهید نشست و به یادم خواهید بود ولی من عاشق حسین (7) بوده و هستم و مطلع هستید که امام فرموده‌اند «وظیفه شرعی و عرفی خود را ادا کنید»<sup>4</sup> پس جان ناقابل را به اسلام هدیه می‌کنم زیرا درس شهادت را از جدم حسین (7) آموخته‌ام.

در آخر وصیت و سفارشی که به شما امت قهرمان و شهیدپرور [را] دارم شما را برای پیروی و اطاعت از امام بزرگوار [...] می‌خوانم و امیدوارم که تا انقلاب مهدی (عج) انقلاب اسلامی را با رهبری قائد اعظم امام خمینی ادامه دهید. با شعار همیشگیمان: خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

وصیت‌نامه برادر بسیجی بهرام کمرخانی

تاریخ شهادت 64/12/31

محل شهادت چنگوله<sup>6</sup>

1- نهج البلاغه، ص 548. ترجمه سیدجعفر شهیدی.

2- ر.ک. تعلیقات.

3- خوانا نیست.

4- تبیان، دفتر 24، جنگ و دفاع در اندیشه امام خمینی ص 69.

5- خوانا نیست.

6- ر.ک. تعلیقات.

بسم الله الرحمن الرحيم

و وصیت نامه محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

الحمد لله رب العالمین و الصلاه علی محمد و آله الطیبین الطاهرین  
و السلام علیهم اجمعین و علی عترته الطیبین الطاهرین  
و علی ائمه الهدى و علی اولادهم الطیبین الطاهرین  
و علی من اتبع الهدى و علی من تبعهم باحسان  
و علی من اتبع الهدى و علی من تبعهم باحسان  
و علی من اتبع الهدى و علی من تبعهم باحسان

و علی من اتبع الهدى و علی من تبعهم باحسان  
و علی من اتبع الهدى و علی من تبعهم باحسان  
و علی من اتبع الهدى و علی من تبعهم باحسان  
و علی من اتبع الهدى و علی من تبعهم باحسان

و علی من اتبع الهدى و علی من تبعهم باحسان  
و علی من اتبع الهدى و علی من تبعهم باحسان  
و علی من اتبع الهدى و علی من تبعهم باحسان  
و علی من اتبع الهدى و علی من تبعهم باحسان

و علی من اتبع الهدى و علی من تبعهم باحسان  
و علی من اتبع الهدى و علی من تبعهم باحسان  
و علی من اتبع الهدى و علی من تبعهم باحسان  
و علی من اتبع الهدى و علی من تبعهم باحسان

و علی من اتبع الهدى و علی من تبعهم باحسان  
و علی من اتبع الهدى و علی من تبعهم باحسان  
و علی من اتبع الهدى و علی من تبعهم باحسان  
و علی من اتبع الهدى و علی من تبعهم باحسان

و علی من اتبع الهدى و علی من تبعهم باحسان  
و علی من اتبع الهدى و علی من تبعهم باحسان  
و علی من اتبع الهدى و علی من تبعهم باحسان  
و علی من اتبع الهدى و علی من تبعهم باحسان

و علی من اتبع الهدى و علی من تبعهم باحسان  
و علی من اتبع الهدى و علی من تبعهم باحسان  
و علی من اتبع الهدى و علی من تبعهم باحسان  
و علی من اتبع الهدى و علی من تبعهم باحسان

و علی من اتبع الهدى و علی من تبعهم باحسان  
و علی من اتبع الهدى و علی من تبعهم باحسان  
و علی من اتبع الهدى و علی من تبعهم باحسان  
و علی من اتبع الهدى و علی من تبعهم باحسان

و علی من اتبع الهدى و علی من تبعهم باحسان  
و علی من اتبع الهدى و علی من تبعهم باحسان  
و علی من اتبع الهدى و علی من تبعهم باحسان  
و علی من اتبع الهدى و علی من تبعهم باحسان



کتابخانه ملی و اسناد ملی ایران

کتابخانه ملی و اسناد ملی ایران  
مجموعه اسناد و کتابخانه ملی  
مجموعه اسناد و کتابخانه ملی  
مجموعه اسناد و کتابخانه ملی

کتابخانه ملی و اسناد ملی ایران  
مجموعه اسناد و کتابخانه ملی  
مجموعه اسناد و کتابخانه ملی  
مجموعه اسناد و کتابخانه ملی

کتابخانه ملی و اسناد ملی ایران

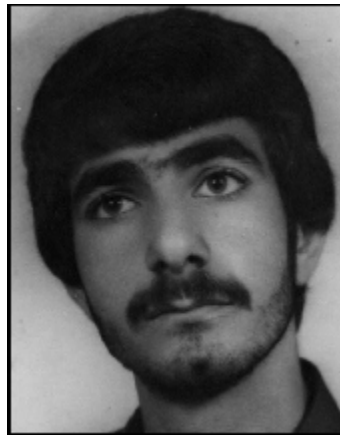
کتابخانه ملی و اسناد ملی ایران

کتابخانه ملی و اسناد ملی ایران

کتابخانه ملی و اسناد ملی ایران



نام: حبیب‌الله  
نام خانوادگی: کمری  
نام پدر: محمد  
نام مادر: جواهر  
تاریخ تولد: دهم شهریور 1344  
محل تولد: شهرستان مهران  
تحصیلات: دوم راهنمایی  
ارگان اعزام‌کننده: ارتش  
تاریخ شهادت: شانزدهم شهریور 1365  
محل شهادت: زادگاهش  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: بخش صالح‌آباد از توابع همان شهرستان



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ یکی از ویژگی‌های انقلاب اسلامی، نقش شهادت در پیروزی و نگهداری آن می‌باشد.
- ۱ شهادت میراث ائمه اطهار و اولیا خداست که به امت مسلمان رسیده.
- ۱ مادر عزیزم چگونه می‌توانستم مشاهده کنم که هر روز عده‌ای از از بهترین جوانان ما کشته می‌شوند و من به کارهای روزمره مشغول باشم؟
- ۱ من در برابر دین مقدس اسلام و مکتب مسئولم، نباید سکوت کنم.
- ۱ باید در سرکوب کردن دشمنان و حفاظت از مرزها، دین و حیثیت جمهوری اسلامی، کمال جدیت را بنمایم.
- ۱ سفارشم این است که همیشه به قرآن پایبند و در خدمت اسلام باشید.
- ۱ باید همه کارهایتان فقط و فقط برای رضای خدا باشد.
- ۱ در زندگی با تقوا، درستکار، شجاع، راستگو و امانت دار باشیم.

## حبیب‌الله کمری

### بسم الله الرحمن الرحيم

با درود و سلام به رهبر کبیر انقلاب اسلامی که پرچمدار رزمندگان کفر ستیز می‌باشد یکی از ویژگی‌های انقلاب اسلامی نقش شهادت در پیروزی و نگهداری آن می‌باشد و این بعد تا کنون برای ابرقدرت‌های شرق و غرب و دشمنان انقلاب ما مجهول مانده. شهادت میراث ائمه اطهار و اولیا خداست که به امت مسلمان رسیده و این اجری بزرگ و خداپسندانه است. مادر عزیزم چگونه می‌توانستم مشاهده کنم که هر روز عده‌ای از از بهترین جوانان ما کشته می‌شوند و من به کارهای روزمره مشغول باشم؟ من در برابر دین مقدس اسلام و مکتب مسئولم نباید سکوت کنم و بی‌تفاوت باشم. باید در سرکوب کردن دشمنان و حفاظت از مرزها دین و حیثیت جمهوری اسلامی کمال جدیت را بنمایم. مادر جان می‌دانم که از دست دادن من برای شما سنگین است، ولی آیا غم از دست دادن حسین بن علی (7) برای خانواده‌اش سنگین نبود؟ من راه خوبی را انتخاب کرده و به آن می‌بالم. مادر جان نگران نباش اگر خبر شهادت مرا به تو دادند، بدان که به راهی رفته‌ام که هم خدا و هم خلق خدا راضی و خشنودند. پس چه سعادت‌ی بالاتر از این مگر شما جز سعادت فرزند خود چیز دیگری را می‌خواهید و این راه کمال، سعادت و خوشبختی است. از دوستان اقوام و نزدیکان طلب بخشش و حلالیت<sup>1</sup> می‌کنم و سفارشم این است که همیشه به قرآن پایبند و در خدمت اسلام باشید. باید همه کارهایتان فقط و فقط برای رضای خدا باشد. ما باید کمک به مردم بینوا و مستضعف را در سرلوحه کار خود قرار داده و از فسق و فجور و ریا و تظاهر بپرهیزیم. [در]<sup>2</sup> زندگی با تقوا، درستکار، شجاع، راستگو و امانت‌دار باشیم.

«إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ»<sup>3</sup>

حبیب‌الله کمری

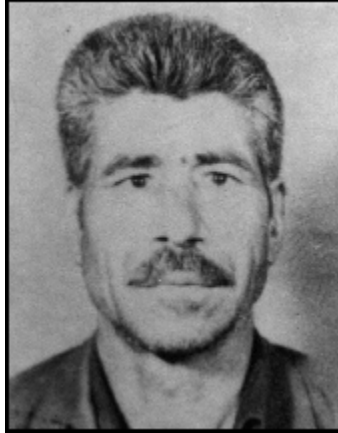
1- در اصل وصیت «هلالت».

2- در اصل وصیت «در» افتاده است.

3- فراز آخر آیه 120 از سوره توبه و نیز آیه 115 از سوره هود.



نام: موسی  
نام خانوادگی: کمری  
نام پدر: سلمان  
نام مادر: خاور  
تاریخ تولد: ششم خرداد 1314  
محل تولد: روستای بانویزه از توابع شهرستان مهران  
تحصیلات: -  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: دوازدهم تیر 1360  
محل شهادت: میمک شهرستان زادگاهش  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای بخش صالح آباد همان شهرستان



## عبارت های کلیدی

- ا خوشحالم که خداوند، این لیاقت و سعادت (پاسداری) را به من اعطا فرمود.
- ا فرزندانم، راهم را ادامه دهید و به ارشاد و خدمت به اسلام مشغول شوید.
- ا همسرم با روحیه عالی ات مشقت محکمی بر دهان دشمن بزن.
- ا تنها وصیت من به شما این است که نکند روزی شما دست از ولایت فقیه بردارید.
- ا مبدا روزی خمینی که زندگی دوباره به ما داده است، از این ملت ناراحت شود.
- ا ابرجنایتکاران به این سادگی دست از اسلام بر نمی دارند.
- ا اسلام واقعی همیشه جنگ دارد.
- ا همیشه آماده کارزار باشید.
- ا بدانید که سرافرازی دنیا و آخرت در پیروی از امام نهفته است.

## موسی کمری

### بسم الله الرحمن الرحيم

خوشحالم که خداوند، این لیاقت و سعادت (پاسداری) را به من اعطا فرمود که بتوانم عمر ناچیزم را صرف خدمت به اسلام کنم فرزندانم، راهم را ادامه دهید و به ارشاد و خدمت به اسلام مشغول شوید. همسرم در مرگم شیون و زاری نکن، و با روحیه عالی‌ات مشتم محکمی بر دهان دشمن بزن. به امید پیروزی رزمندگان اسلام

«والسلام»

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

### بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خدا پاسدار حرمت خون شهیدان. تنها وصیت من به شما این است که نکند روزی شما دست از ولایت فقیه بردارید. مبدا روزی خمینی که زندگی دوباره به ما داده است از این ملت ناراحت شود، این را بدانید که ابرجنایتکاران به این سادگی دست از اسلام بر نمی‌دارند. اسلام احتیاج به سرباز دارد و اسلام واقعی همیشه جنگ دارد. چون عزیزمان تا آخر عمر برای اسلام و قرآن جنگید. پس همیشه آماده کارزار باشید و نکند خدای نکرده مادیات دنیا مانع از معنویات شما شود. همسر، فرزندان عزیزم! در مرگم عزاداری نکنید، دنیا مانع از معنویات شما نشود. و اگر هم گریه می‌کنید بر مظلومیت شیعه گریه کنید. «بدانید که سرافرازی دنیا و آخرت در پیروی از امام نهفته است.»

موسی کمری

سلام مرا به امام برسانید.

«والسلام»

(بسم الله الرحمن الرحيم)

وهدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله

(باستاذرت)

بسم خداوندی و فرموده که بستانم عمر فایزیم را صوب خدمت  
 به اسلام کنم - فرزندانم را هم با ارامه دهم و به ارشاد و خدمت  
 به اسلام مشغول شود - عسکر در مرگم بشود و زاری  
 نکند - و ما رو عین حالیت مشت محکم میبرد جان  
 دست خود نبرد - به امید پیروزی در موفقان اسلام

والسلام

روزه نام خدا را بصدق حرمت قبول ستریم (ع)

شما و عیال من و شما این است که بگذرید از شادمانی

در زمان بیعت نفس بر او میباید از روزی غمی که زنده بودیم با

داده است از این طاعت ناله شده این را بدانید که ایضا -

میکنان باین سادگی دست از اسلام بر نمی آورند اسلام

احتیاج به سران ندارد و اسلام واقعی همیشه متبذوره

چون عزیزان تا آخر عمر برای اسلام و قرآن خنجره بین

همیشه آماده کارزار باشند و ننگه خدای نکرده ملایمت

دنیا مانع از مصیبت نمی شود

همه و عزیزان من عزیزم! در حرمت عزاداری کنید

دنیا مانع از مصیبت نمی شود

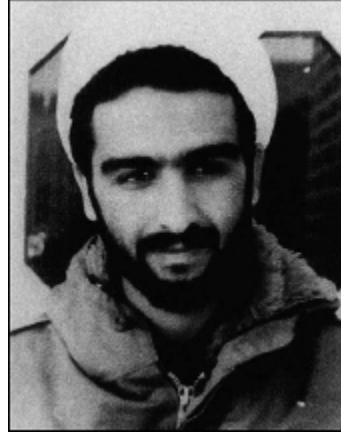
.....

و ابراهیم که در این دنیا و آخرت شایسته فرزند نبی  
و پادشاه است سرافراز دنیا و آخرت و پادشاه  
از اسلام و فرهنگ است  
موسی  
محمد

سلام علیکم و آله و سلم  
والسلام  
محمد



نام: محمدعلی  
نام خانوادگی: کندوله  
نام پدر: علی اکبر  
نام مادر: مهرانگیز  
تاریخ تولد: دی ماه 1340  
محل تولد: شهرستان ایلام  
تحصیلات: اول متوسطه و تحصیلات حوزوی  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: دهم خرداد 1365  
محل شهادت: شلمچه  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: بخش صالح آباد از توابع شهرستان مهران



## عبارت های کلیدی

- ا به جان امام و رزمندگان دعا کنید.
- ا این عزیزان با خون سرخ خود ریگزارهای جنوب و غرب را شستند و درخت تنومند انقلاب را آبیاری کردند.
- ا نمی خواهم در این دنیا بمانم، می خواهم پرواز کنم به سوی مولایم، آقایم.
- ا می خواهم پشت به دنیای بی وفا کنم.
- ا همگی شما را به نماز و روزه و دوری از محرمات می خوانم.
- ا همگی را می خوانم به اینکه، این نعمت بزرگ، - رهبر انقلاب را- قدرش را بدانید.
- ا انشاءالله با ریختن خونم خدمت ناچیزی کرده باشم به این انقلاب و اسلام.
- ا همانند زینب (3) صبور باشید و همانند کوه در مقابل توفانهای شدید، استوار.
- ا دنیا محل گذر است.
- ا هر کس گرفتار این مرگ می شود، چه بهتر است که انسان خلیفه الله باشد.

## محمدعلی کندوله (صالحی)

### بسم الله الرحمن الرحيم

سلام بر پدر و مادرم، بر شما که یک عمر مرا بزرگ و برایم زحمت کشیدید، علی‌الخصوص شما- مادرم- و خیلی شرمنده هستم که نتوانستم در این سنی که شما هستید، عصای دست شما باشم، امیدوارم که مرا عفو کرده باشید و از شما خواهش دارم که به جان امام و رزمندگان دعا کنید. این وصیت را در حالی می‌نویسم که این کلمه‌ها از اعماق دلم نقش بر روی این صفحه کاغذ می‌بندد، که این جمله‌ها با سوزی پر از درد و ناله همراه است. چرا چون واقعاً شرمنده هستم که نتوانستم خدمتی برای این انقلاب انجام دهم و با چشمی گریان و با رویی خجل از خانواده شهدا که یک عمر فرزندان خود را بزرگ کردند و روانه جبهه کردند و این عزیزان با خون سرخ خود ریگزارهای جنوب و غرب را شستند و درخت تنومند انقلاب را آبیاری کردند.

چطور دل خوش باشم و گریان نباشم، از اینکه خون صدها و ده‌ها هزار نفر مخلص در راه این انقلاب حضرت آیت‌الله خمینی ریخته شد و شرمنده پروردگار هستم که با کوله‌باری از معصیت می‌خواهم نزدش بردم، دیگر خسته شدم، نمی‌خواهم در این دنیا بمانم، می‌خواهم پرواز کنم به سوی مولایم، آقایم می‌خواهم پشت به دنیای بی‌وفا کنم و انشاءالله دیگر نزدیک است که خداوند توفیق شهادت در راهش [را]<sup>1</sup> به من عنایت کند. این دنیا گذرگاهی است و «زمان همانند ابرهای آسمان زودگذر»<sup>2</sup>

همگی شما را به نماز و روزه و دوری از محرّمات می‌خوانم و همگی را می‌خوانم به اینکه، این نعمت بزرگ، - رهبر انقلاب را- قدرش را بدانید که حقیقتاً نایب برحق آقا امام زمان (عج) است. پدرم، مادرم، به همگی بگویید، اگر از من ناراحتی دیده‌اید مرا ببخشند و

1- در اصل وصیت «را» افتاده است.

2- ترجمه این حدیث علوی است «الفُرصة تمرّمر السحاب» (نهج البلاغه، ص 471).

دعا برایم کنند و اگر انشاءالله با ریختن خونم خدمت ناچیزی کرده باشم به این انقلاب و اسلام، پدر و مادرم افتخار کنید و ببالید که فرزندان در راه اسلام رفته است.

و با سلام به همسرم. انشاءالله که حالت خوب باشد، اولاد پیغمبر، دخت پیغمبر، بعد از شهادت من همسرم، می‌خواهم همانند زینب (3) صبور باشید و همانند کوه در مقابل توفانهای شدید، استوار و می‌خواهم فرزندم را در راه خدا و رضای خدا تربیت کنید که ادامه دهنده راه پدرش باشد و دنیا محل گذر است و هر کس گرفتار این مرگ می‌شود، چه بهتر است که انسان خلیفه‌الله باشد.

### « وصیت‌نامه شهید معظم محمدعلی کندوله (صالحی) از شهرستان ایلام »

سلام بر پدر و مادرم، بر شما که یک عمر مرا بزرگ و برایم زحمت کشیدید، علی‌الخصوص شما - مادرم - و خیلی شرمنده هستم که نتوانستم در این سنی که شما هستید عصای دست شما باشم، امیدوارم که مرا عفو کرده باشید و از شما خواهش دارم که به جان امام و رزمندگان دعا کنید. این وصیت را در حالی می‌نویسم که این کلمه‌ها از اعماق دلم نقش بر روی این صفحه کاغذ می‌بندد که این جمله‌ها با سوزی پر از درد و ناله همراه است. چرا چون واقعا شرمنده هستم که نتوانستم خدمتی برای این انقلاب انجام دهم و با چشمی گریان و با رویی خجل از خانواده شهیدا که یک عمر فرزندان خود را بزرگ کردند و روانه جبهه کردند و این عزیزان با خون سرخ خود ریگزارهای جنوب و غرب را شستند و درخت تنومند انقلاب را آبیاری کردند. چطور دل خوش باشم و گریان نباشم. از اینکه خون صدها و دهها هزار نفر مخلص در راه این انقلاب حضرت آیت... خمینی ریخته شد و شرمنده پروردگار هستم که با کوله‌باری از معصیت می‌خواهم نزدش برم. دیگر خسته شدم؟ نمی‌خواهم در این دنیا بمانم؛ می‌خواهم پرواز کنم به سوی مولایم، آقایم می‌خواهم پشت به دنیای بی‌دفا کنم و انشاء... دیگر نزدیک است که خداوند توفیق شهادت در راهش به من عنایت کند. این دنیا گذرگاهی است و زمان همانند ابرهای آسمان زودگذر.

همگی شما را به نماز و روزه و دوری از محرّمات می‌خوانم و همگی را می‌خوانم به اینکه، این نعمت بزرگ، - رهبر انقلاب را - قدرش را بدانید که حقیقتاً نائب بر حق آقا امام زمان (عج) است. پدرم، مادرم، به همگی بگویید، اگر از من ناراحتی دیداید مرا ببخشند و دعا برایم کنند و اگر انشاء... با ریختن خونم خدمت ناچیزی کرده باشم به این انقلاب و اسلام، پدر و مادرم افتخار کنید و بیالید که فرزندان در راه اسلام رفته است، و با سلام به همسرم ... انشاء... که حالت خوب باشد، اولاد پیغمبر، دخت پیغمبر، بعد از شهادت من همسرم، می‌خواهم همانند زینب صبور باشید و همانند کوه در مقابل توفانهای شدید، استوار و می‌خواهم فرزندم را در راه خدا و رضای خدا تربیت کنید که ادامه دهنده راه پدرش باشد و دنیا محل گذر است و هر کس گرفتار این مرگ می‌شود، چه بهتر است که انسان خلیفه الله باشد.

نام: جواد  
نام خانوادگی: کولیوند  
نام پدر: پاپی احمد  
نام مادر: مریم  
تاریخ تولد: سیزدهم تیر 1348  
محل تولد: روستای وزیرآباد از توابع شهرستان  
دره شهر  
تحصیلات: اول راهنمایی  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: بیست و نهم خرداد 1367  
محل شهادت: مهران  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای شهرستان زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ پدر و مادرم می‌گفتند فرزندانم تو باید تا آخرین قطره خون [باید] در جبهه جنگ گوش به فرمان امام، انجام وظیفه نمایی.
- ۱ اگر نعمت شهادت را خداوند به من اعطا نمود، برای من مبدا ناراحت شویید.
- ۱ من بر حسب وظیفه شرعی و دینی خود راه شهادت را انتخاب نمودم.
- ۱ هیچ مرگی بالاتر و بهتر از شهادت آن هم در میدان اسلام و کفر نیست.
- ۱ تا جایی که توان در بدن دارید با جان و مال از انقلاب اسلامی دفاع نمایید.
- ۱ اگر خداوند متعال شهادت را نصیبم کرد، برای من ناراحت نباشید.
- ۱ ما درس شهادت را از امام حسین (7) آموخته‌ایم.
- ۱ شهید عزاداری نمی‌خواهد، شهید ادامه دهنده راه می‌خواهد.
- ۱ تا آنجا که در توان دارید مبلغ اسلام باشید.
- ۱ ببینید اسلام چه می‌خواهد، به آن عمل کنید.

## جواد کولیوند<sup>1</sup>

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ»<sup>2</sup>

با سلام و درود فراوان به حضور رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی و دیگر خدمت‌گزاران به اسلام و دعای خیر و سلامتی برای رزمندگان جبهه‌های حق علیه باطل. اینجانب جواد کولیوند پاسدار وظیفه وصیت‌نامه خود را به<sup>3</sup> شرح ذیل می‌نویسم، تا اگر نعمت شهادت افتخارم گردید، به عنوان سندی اسلامی به خانواده‌ام اهداء گردد.

در تاریخ 13/4/1348 در روستای وزیرآباد دره‌شهر در<sup>4</sup> خانواده‌ای محروم و مذهبی به دنیا آمدم و در آغوش پرمهر پدر و مادر پرورش یافتم. تا اینکه همگام با پدر و مادر مشغول زندگی روزمره گردیدم. اما آغاز نوجوانی من مصادف بود با جنگ تحمیلی عراق علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و سرانجام حضور انقلابی مردم حزب‌الله دره‌شهر<sup>5</sup> در میدانهای جنگ باعث گردید، تا به جبهه بروم و جمله گوه‌ربار امام خمینی که فرمود: «بسیج مدرسه عشق است»<sup>6</sup> [باعث شد]<sup>7</sup> همه چیز را رها نمایم و با سن کم، لباس مقدس بسیج را بر تن کردم و در جبهه علیه دشمنان اسلام به نبرد پرداختم. تا سرانجام بعد از پایان خدمت بسیجی به عنوان داوطلب قبل از سن قانونی سربازی به عنوان پاسدار وظیفه در سپاه اسلام (لشکر امیرالمؤمنین)<sup>8</sup> در نوار مرزی از حریم اسلام و انقلاب اسلامی دفاع

1- بالای وصیت‌نامه نوشته شده «تاریخ 66/3/15».

2- سوره توبه یا براءت / 41. ترجمه: «برای جنگ با کافران سبکبار و مجهز بیرون شوید و در راه خدا به مال و جان جهاد کنید. این کار شما را بسی بهتر خواهد بود اگر مردمی با فکر و دانش باشید».

3- در اصل وصیت «با».

4- در اصل وصیت «از».

5- ر.ک. تعلیقات.

6- صحیفه امام، ج 21، ص 145.

7- در اصل وصیت «باعث شد» افتاده است.

8- ر.ک. تعلیقات.

نمایم و همواره رهنمودهای پدر و مادرم را که می‌گفتند: فرزندم تو باید تا آخرین قطره خون [باید] در جبهه جنگ گوش به فرمان امام، انجام وظیفه نمایی. [تا]<sup>1</sup> مانند همه سربازان انقلاب اسلامی تا نعمت شهادت نصیب تو گردد و با شهدای کربلا محشور شوی. در پایان از خانواده‌ام می‌خواهم اگر نعمت شهادت را خداوند به من اعطا نمود، برای من مبادا ناراحت شوید زیرا من بر حسب وظیفه شرعی و دینی خود راه شهادت را انتخاب نمودم و می‌دانم هیچ مرگی بالاتر و بهتر از شهادت آن هم در میدان اسلام و کفر نیست و تا جایی که توان در بدن دارید با جان و مال از انقلاب اسلامی دفاع نمایید، که اجر شما با خداوند تبارک و تعالی خواهد بود.

تاریخ وصیت‌نامه: 66/3/15

جواد کولیوند

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرَزِّقُونَ»<sup>2</sup>

«مپندارید آنان که در راه خدا کشته شدند دمرده اند بلکه زنده اند و نزد پروردگارشان روزی می‌گیرند»

با درود و سلام به پیشگاه آقا امام زما (عج) و نائب برحقش امام امت و سلام و درود به امت مسلمان و شهید پرور ایران و سلام و درود به روان پاک شهدای راه حق و حقیقت از صدر اسلام تا کنون علی‌الخصوص شهدای کربلاهای ایران در جنگ تحمیلی. من به‌عنوان یک فرد مسلمان چون به اسلام و جمهوری اسلامی معتقد هستم، لذا وظیفه خود می‌دانم که به جمهوری اسلامی خدمت کنم، ولی تصور کردم که چگونه باید خدمت کنم. آیا در پشت جبهه یا در خود جبهه، کمی در خود فرو رفتم دیدم که امام می‌فرماید «هر کس می‌تواند به جبهه برود و هر کس نمی‌تواند در پشت جبهه کمک کند»<sup>3</sup> اینجا با

1- در اصل وصیت «تا» افتاده است.

2- آل عمران/ 169.

3- صحیفه امام، ج 21، ص 57، ج 13، ص 292.

توجه به بیان امام، حجت را بر خود تمام شده دیدم. چون من توانایی دارم و می توانم به جبهه بروم. تصمیم گرفتم به جبهه بروم، و به همین خاطر به بهانه اینکه من باید خدمت سربازی را بکنم، هر چند که وقت سربازی من فرا نرسیده، چه بهتر که حالا بروم و خدمت کنم خودم را داوطلب خدمت به عنوان پاسدار وظیفه به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دره شهر معرفی نمودم، پس از مدتی خدمت در آن نهاد مقدس به جبهه اعزام شدم و به آن آرزوی دیرینه خود که خدمت در جبهه بود رسیدم.

هم اکنون توصیه من به پدر و مادر و خواهرم این است که اگر خداوند متعال شهادت را نصیب کرد، برای من ناراحت نباشید. چرا که ما درس شهادت را از امام حسین (7) آموخته ایم. شهید عزاداری نمی خواهد، شهید ادامه دهنده راه می خواهد. من از شما می خواهم تا آنجا که در توان دارید، مبلغ اسلام باشید. ببینید اسلام چه می خواهد. به آنچه اسلام می خواهد عمل کنید.

«والسّلام»

جواد کولیوندی





مضیب تو گردید. و با شهادت کربلا مستور شدی ما در پایان از خانوادام  
مرضاهم آن نعمت شهادت را خداوند به من اعلاء نمود. برای من بسیار ناز است  
زیرا من بر حسب وظیفه شری و در این خد راه شهادت را اختیار کردم.  
و در دلم هیچ صدمی بالا نتر و به عز از شهادت آن هم در بیان اسلام و کفر  
محبت و تاجایی که تون دارم با جان و مال از انقلاب دفاع نمایند  
که اجر شما با خداوند مبارک و تعالی خواهد بود

تاریخ نوشت: ۲  
عبدالله خواجه



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَصِيَّةٌ مِنْ

میرزا محمد باقر آملی که در راه خدا کشته شد و سرزده اند. بلکه زنده اند و فرستاده و بر ما  
شان روزی حشر است.

با درود و احترام به پیشگاه آقا امام زمان و عجم و نایب بر عرش امام  
امت و سلام و درود به ملت مسلمان و تشکر به روح ایران و سلام و درود  
نیاوران پاک شد من و به حق و حقیقت که خدا را سلام تا کون -  
علی الخصوص به شهدای کربلا و اسیران در جنت جمیع .

من به عنوان یک فرد مسلمان چون به اسلام و جمهوری ایران معتقد  
هستم لذا رولیف خود میدانم که به جمهوری اسلامی خدمت کنم ولی تصور  
کردم که چگونه باید خدمت کنم تا در لیست جبهه یا در خود جبهه  
من در خود نبودم و نمی دانم اما من می خواهم بدانم که من چگونه  
می توانم در لیست جبهه ثبت کنم اینها یا توجه به  
بیان امام حجت ما بر خود تمام شده ایم چون من توانا و دلیر  
و من توانم به جبهه بروم و تقسیم مرزها به جبهه بروم و به هوش خاطر  
و به بیاد اینکه من باید خدمت کنم تا من را بکنم هر چه در خدمت  
پسران من فرا گرفته شده چه موثره در حال بروم و خدمت کنم خودم  
را و اولاد طلب خدمت بعنوان پاسدار و لایف به پناه یا در ایران  
انقلاب شده اند عرض نمودم پس از خدمت خدمت

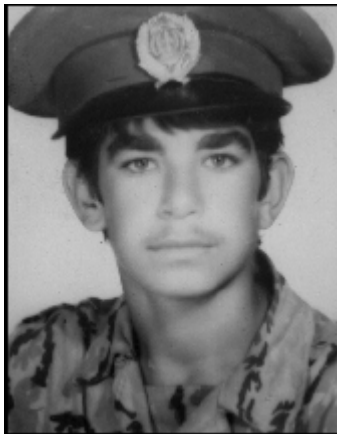


در این مقام مقدس به جنبه احترام نهادن و به آن کافر و کافرین  
جواد کولیوند در جبهه بود رسیدم

هم اکنون توفیق من به پدر و مادر <sup>عزیزان</sup> من است که آنقدر از دست  
رفتار ما نصیب سرد بپوشان من تا از دست نیاید. چرا  
که ما در این شرایط ما از امانت حسین (ع) آموخته ایم  
منه عزادار من من خواهد ، شهید امامه دهند و راه من خواهد  
من از شام خواهم تا آنجا که در توالی دارد صبیح ایلام  
باشد ، پسند ایلام چه من خواهد ، به آنچه ایلام من خواهد  
نحل کند

والسلام جواد کولیوند

نام: کر معلی  
نام خانوادگی: کولیوند  
نام پدر: مرادقلی  
نام مادر: گل بانو  
تاریخ تولد: یازدهم تیر 1346  
محل تولد: روستای ماژین از توابع  
شهرستان دره شهر  
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: بیست و هشتم شهریور 1365  
محل شهادت: مهران  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ا همیشه امام را دعا کنید.
- ا خانواده عزیزم، خواهشمندم ادامه دهنده راه من باشند.
- ا امام را تنها نگذارید.
- ا خانواده‌های شهدا بدانید که راه فرزندانان ادامه دارد.

## کرمعلی کولیوند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ»<sup>1</sup>

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ»<sup>2</sup>

«مپندارید آنان که در خدا کشته شده‌اند مردگانند بلکه آنان زنده و نزد خدا روزی می‌خورند».

با سلام خدمت امام زمان و با درود [و] سلام به رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران و سلام بر شهیدان گلگون کفنی که با خون خود درخت انقلاب را آبیاری نمودند. پدر و مادر عزیزم سفارشی که با شما دارم این است که شما برای من زحمت بسیاری کشیدید، شیر در دهان من نهادید، تا توانستم به این مقام برسیم. نمی‌توانم این همه خوبی در حق من کردید و من فرزند خوبی برای شما نبودم. پیام من به خانواده عزیزم این است که ناراحت من نباشید که این فرزندان را از دست داده‌اید و اینکه همیشه امام را دعا کنید و خانواده عزیزم خواهشمندم ادامه دهنده راه من باشند. پیام من به ملت شهید پرور این است که امام را تنها نگذارید و دعای همیشگی دعا برای امام یادتان نرود و پیام من به خانواده‌های شهدا این است که اگر فرزندان که در راه خدا دادید، بدانید که راهشان ادامه دارد و ادامه خواهد داشت و مادر عزیزم از طرف پسر عزیزت از قوم و خویش و آشنایان که اگر از من جنازه‌ای یافتید در سولقان دفن کنید و یا اگر از دست من ناراحتید، [و] اشکالی دارند دیدار ما روز قیامت که با هم حساب بپردازیم.

«وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ»

برادر عزیز شما کرمعلی کولیوند

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار با امید پیروزی رزمندگان اسلام و قدس عزیز

1- آل‌عمران/53. ترجمه: «پروردگارا ما به کتابی که فرستادی ایمان آورده و از رسول تو نیز پیروی کردیم. نام ما را در صحیفه اهل

یقین ثبت فرما».

2- آل‌عمران/169.



بسم الله الرحمن الرحيم

بیتها ما بها التزلت وانبتنا اليه نوره فالتمنا مع الشاهدين

ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله اما قابل احياء عند ربهم يرزقون

يعيدونهم ايمانهم اذ هم على اشد مرارة انتم بذلك ايمان ربكم

و نوره خود ابروی می نوردد باسلام خدمت امام زمان و با درود سلام

به بزرگوار و دانا و جلاله انوار و رحمت و شفقت و انوار کونین که با حق

خود در خدمت انوار سلطان عالمی ری نمودند و پدید آمدند در عزت و ستایش که با

شما دارم این است که اولیها برای من رحمت بیساری کشیدید شیر در دهان

من نهادید تا تازم با حقین مقام پرسم بنی تو ام این همه فتوی که در حق

من کردید و من فرزند خوبی برای شما نبودم پیام من به خانواده عزیزم

من است ناراحتی اینها شد که این که فرزندان را از دست داده اند

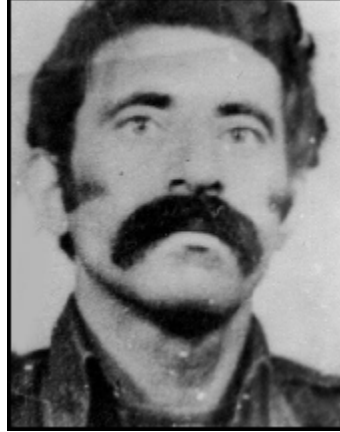


و امام زاده کبیر و خاندان او را در عزت و احترام و با احترام و احترام  
 من باشم و پیام به محبت شهید پرو را این است که اول امام را در یاد  
 و دعا می‌کنم و دعا به جان امام یادشان نزود و پیام من به خانواد  
 های شهید و اینست که اگر فرزندان که در راه خود ادرید بود ایند که راهشان  
 با امام دلچسب و ادامه خواهد است و ما در عزت و احترام از طرف پسر عزیزت  
 از قوام خویش و آکنایان که اگر از من و ما که ای یا نشود در وقتان  
 دفع کنید و یا اگر از دست من ناراحتی اشکالم که از خود دیدار ما روز قیامت  
 که با هم حساب بپرویزم و السلام علیکم ورضیت اللہ و برکاتہ

برادر عزیز شما در کسب گواهی  
 خدا خدایا تا انقواب مودت و فیض را بفرست  
 با امید پیروزی و زندگی با حق و عدل و قسط و کفایت



نام: محمد  
نام خانوادگی: کوهی  
نام پدر: علیرضا  
نام مادر: جیران  
تاریخ تولد: بیستم تیر 1331  
محل تولد: بخش ملکشاهی از توابع  
شهرستان مهران  
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی  
ارگان اعزام کننده: ژاندارمری  
تاریخ شهادت: یازدهم مهر 1362  
محل شهادت: فلاویزان  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: بخش صالح آباد شهرستان مهران



## عبارت های کلیدی

- ۱ خداوند را شاکر و سپاسگزارم که ریشه نظام 2500 ساله شاهنشاهی بر چیده شد.
- ۱ از خداوند می خواهم تا (تا نظام با برکت اسلامی) انقلاب مهدی (عج) موعود پا برجا باشد.
- ۱ ای فرزندانم این انقلاب را حفظ کنید.
- ۱ پیرو خط امام خمینی باشید.
- ۱ در هر حال نماز را بر پای داشته و واجبات را ترک نکنید.
- ۱ این دنیا آزمونی از طرف خداوند سبحان است، سعی کنید از این آزمون سر بلند بیرون بیایید.

## محمد کوهی<sup>1</sup>

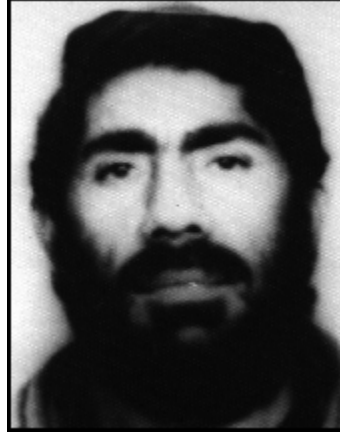
### بسم الله الرحمن الرحيم

به وحدانیت خداوند گواهی می‌دهم که خداوند شریکی ندارد و محمد (6) آخرین فرستادهٔ اوست. بر پیامبران و معصومان درود می‌فرستم. خداوند را شاکر و سپاسگزارم که ریشه نظام 2500 ساله شاهنشاهی بر چیده شد و نظام با برکت اسلامی ایران جای گرفته و از خداوند می‌خواهم تا انقلاب مهدی (عج) موعود پایرجا باشد. ای فرزندانم این انقلاب را حفظ کنید و پیرو خط امام خمینی باشید و همواره و در هر حال نماز را بر پای داشته و واجبات را ترک نکنید. احترام بزرگان را نگاه دارید، تا روزی فرزندان شما احترام شما را حفظ کنند. این دنیا آزمونی از طرف خداوند سبحان است، سعی کنید از این آزمون سر بلند بیرون بیایید. تا در آخرت در محضر خداوند شرمنده نشوید، نیازمندان و فقرا را از یاد نبرید و آنها را یاری‌رسان باشید، حتی با یک کلام شیرین.

---

1- از جمله وصایایی است که دستخط شهید موجود نیست و در پرونده شهید فقط نسخه تاپی وصیت‌نامه که مورد تأیید بنیاد شهید است وجود دارد.

نام: جبار  
نام خانوادگی: گل گلی  
نام پدر: علیمرد  
نام مادر: مصری  
تاریخ تولد: پنجم اردیبهشت 1323  
محل تولد: روستای پاولگ توابع شهرستان  
مهران  
تحصیلات: در حد خواندن و نوشتن  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: بیست و دوم بهمن 1361  
محل شهادت: گره شیر  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: بخش صالح آباد همان شهرستان



## عبارت های کلیدی

- ا شما ملت قهرمان با پشتیبانی بی دریغ خود نوید پیروزی به ما دادید.
- ا صدام این حلقه به گوش آمریکا تاکنون نتوانسته، عمق ایثار و همبستگی شما را درک کند.
- ا جنگ ما نبرد مقدس است.
- ا امیدوارم که شما راهم را ادامه دهید.
- ا برای امام دعا کنید.
- ا فرج امام زمان (عج) را از خدا درخواست کنید.
- ا به شماها توصیه می کنم که دعا و نماز را فراموش نکنید.
- ا همیشه در نمازهای جمعه و جماعت شرکت کنید.
- ا مساجد را ترک نکنید.
- ا اگر در سوگ من ناراحت شدید، نزد همسران و فرزندان شهدا بروید و از آنها درس صبر بگیرید.
- ا دشمن بفهمد که مردم ما تا انتقام خون شهیدان را نگیرند، از پا نمی نشینند.

## جبار گل گلی

### بسم الله الرحمن الرحيم

با سلام بر امام امت و با درود بر خون پاک شهیدان گلگون کفن اسلام و قرآن به رهبری حسین (7) وصیتم را آغاز می‌کنم. آری شما مردم مقاوم و شهیدپرور ایران مخصوصاً مردم ایلام که در تمام مدت جنگ [در] تمام جبهه‌های جنگ را رهبری کرده‌اید و تمام بمب‌ها را بر سر خویش دیده‌اید و فریاد مادران و خواهران و ناله نوزادان در گهواره دیده‌اید، ولی این جنایتکار در برابر شما تاب مقاومت ندارد. شما ملت قهرمان با پشتیبانی بی‌دریغ خود، نوید پیروزی به ما دادید. دریغا که صدام این حلقه به گوش آمریکا تاکنون نتوانسته عمق ایثار و همبستگی شما را درک کند و بفهمد که جنگ ما نبرد مقدس است، برای رها سازی تمام مستضعفین جهان در اقصی نقاط کره زمین، نه برای مقداری سرزمین. همسر گرامی، فرزندان عزیزم، سلام، من دیگر رفتم، همسر گرامی تو را به خون شهیدان گلگون کفن قَسَمَت می‌دهم مدتی که با هم زندگی کردیم حلالم<sup>1</sup> کن و اگر چنانچه در گرفتاری‌ها شما را یاری نکرده‌ام و خدای نخواستہ خودم را در برابر شما بزرگ حساب کرده‌ام، مرا عفو کنید و امیدوارم که شما راهم را ادامه دهید، همسرم اگر من به شهادت رسیدم، هیچ کس برای من گریه نکند و سیاه نباشد<sup>2</sup> و در عوض برای امام دعا کنید و فرج امام زمان (عج) را از خدا درخواست کنید و به شماها توصیه می‌کنم که دعا و نماز را فراموش نکنید و همیشه در نمازهای جمعه و جماعت شرکت کنید. چون در جماعت انسان آگاه می‌شود و ای پدر و مادری که این وصیت را می‌خوانید در تربیت کودک خود و یاد دادن قوانین اسلام از کوچکی به فرزند خود غافل نباشید. به او قرآن یاد بدهید و او را آماده قیام بر علیه مستکبرین جهان نمایید. مساجد را ترک نکنید. کلاس‌های عقیدتی و مذهبی را اداره نمایید. اگر در سوگ من ناراحت شدید، نزد همسران و فرزندان شهدا بروید و از آنها درس صبر بگیرید و برای من در خانه یک پرچم سرخ آویزان کنید و

1- در اصل وصیت «هاللم».

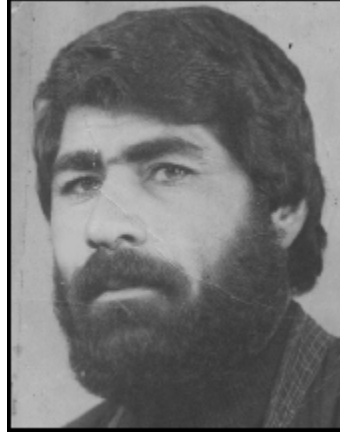
2- ر.ک. تعلیقات.

موقعی که جنگ تمام شد و انتقام خون شهیدان گرفته شد، آن را بردارید، تا دشمن بفهمد که مردم ما تا انتقام خون شهیدان را نگیرند، از پا نمی‌نشینند.  
خداوندا به فرج امام زمان (عج) رهبر عزیزمان را تا انقلاب مهدی نگهدار. به امید برافراشتن پرچم پرافتخار «الله اکبر و لا اله الا الله» در سرتاسر جهان و نابودی تمام قدرت‌های طاغوتی به خصوص حکومت صدام.

61/10/1



نام: محمدعلی  
نام خانوادگی: گل گلی  
نام پدر: علیمرد  
نام مادر: مصری  
تاریخ تولد: چهارم خرداد 1336  
محل تولد: روستای باولگ توابع شهرستان  
مهران  
تحصیلات: در حد خواندن و نوشتن  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: سی و یکم مرداد 1364  
محل شهادت: چنگوله  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: بخش صالح آباد شهرستان مهران



## عبارت های کلیدی

- ا در این برهه از زمان ندای «هل من ناصر» حسین زمان بگوش می رسد و ما را به تکالیف شرعیمان می خواند.
- ا در این زمان که اسلام و انقلاب اسلامی از همه سو مورد هجوم همه جانبه دشمنان قسم خورده اسلام قرار گرفته، چشم مظلومان جهان به ما دوخته شده است.
- ا درنگ برای ما امروزه نه تنها فردای اسارت باری به دنبال دارد، بلکه ننگ و نفرین ابدی را به دنبال خواهد آورد.
- ا پایان هر حیاتی مرگ است و سر آغاز هر مرگی حیاتی نوین.
- ا چه بهتر با جامه تقوا و خلعت شهادت برویم، که در جهان آخرت توشه ای بالاتر از آن نیست.
- ا سعی کنید در زندگی تان بر خدا توکل کنید.
- ا وحدت و برادری را در بین خویش مد نظر قرار دهید.
- ا نگذارید که دشمنان اسلام و مسلمین در بین شما تفرقه اندازی کنند.
- ا همیشه با تقوا و ایمانی سرشار از عشق و محبت با آنها بجنگید.
- ا از خداوند استدعا دارم که مرا شهید بمیراند.

## محمدعلی گل‌گلی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا»<sup>1</sup>

در این برهه از زمان که ندای «هل من ناصر»<sup>2</sup> حسین زمان بگوش می‌رسد و ما را به تکالیف شرعیمان می‌خواند و در این زمان که اسلام و انقلاب اسلامی از همه سو مورد هجوم همه جانبه دشمنان قسم خورده اسلام قرار گرفته، چشم مظلومان جهان به ما دوخته شده است. نشستن در منزل ننگ است. درنگ برای ما امروزه نه تنها فردای اسارت‌باری به دنبال دارد، بلکه ننگ و نفرین ابدی را به دنبال خواهد آورد، باید بدانید که مردم کوفه<sup>3</sup> این همه مورد نفرین قرار گرفته‌اند، کاری نکردند جز این‌که در موقع نبرد، امامشان را تنها گذاشتند. اگر ما در این موقع امام را تنها بگذاریم، سرنوشتی بهتر از آنها نخواهیم داشت. پس بنابراین، پایان هر حیاتی مرگ است و سر آغاز هر مرگی حیاتی نوین. «ما از آن خداییم و به سوی او باز خواهیم گشت»<sup>4</sup> پس چه بهتر با جامه تقوا و خلعت شهادت برویم، که در جهان آخرت توشه‌ای بالاتر از آن نیست. سعی کنید در زندگیتان بر خدا توکل کنید، که خداوند شما را محفوظ می‌کند. وحدت و برادری را در بین خویش مد نظر قرار دهید و نگذارید که دشمنان اسلام و مسلمین در بین شما تفرقه‌اندازی کنند. همیشه با تقوا و ایمانی سرشار از عشق و محبت با آنها بجنگید.

از کلیه کسانی که بر من حقی دارند، مخصوصاً دوستان گرامی و اقوام حلالیت می‌طلبم. امیدوارم که مرا ببخشید و حلال کنید. از همسر گرامیم حلالیت می‌طلبم. امیدوارم که تنها

1- نساء/ 74. ترجمه: «مؤمنان باید در راه خدا با آنانکه حیات مادی دنیا را بر آخرت گزیدند جهاد کنند و هر کس در جهاد به راه خدا کشته شد یا فاتح گردید زود باشد که او را اجر عظیم دهیم».

2- ر.ک. تعلیقات.

3- ر.ک. تعلیقات.

4- ترجمه بخشی از آیه 154، سوره بقره. «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ».



فرزند خرد<sup>1</sup> سالم را، زینب‌وار در آغوش بگیرید و آنرا با تربیت و با تقوا به جامعه اسلامی معرفی کنید. همسر گرامی شما به اقوام و دوستان عزیز بنده توصیه کنید که هنگام شهادت برای من گریه نکنند. همانطوری که برای برادر بزرگوارم شهید جبار گل گلی نگذاشتم گریه کنند. برای حسین (7) و فرزندان او گریه کنید. از خداوند متعال امید [و] استدعا دارم که مرا شهید بمیراند.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار



نام: حجت‌الله  
نام خانوادگی: گوهری  
نام پدر: شمس‌الله  
نام مادر: ماهیچه  
تاریخ تولد: پنجم دی 1339  
محل تولد: روستای بهرام‌آباد توابع  
شهرستان مهران  
تحصیلات: پایان دوره کاردانی  
ارگان اعزام‌کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: بیست‌وسوم اسفند 1366  
محل شهادت: شاخ شمیران عراق  
نحوه شهادت: اصابت گلوله  
مزار: بخش صالح‌آباد همان شهرستان



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ خداوند تفضل عنایت فرماید که قدم و قلم ما تا آخرین نفس برای رضای او در خدمت اسلام عزیز باشد.
- ۱ ای امت مسلمان همیشه یار امام باشید.
- ۱ راه شهدا را و هدف شهدا را فراموش نکنید.
- ۱ خدای تعالی: خود می‌دانی که برای رضای تو آمدیم و خود فرمودی که حق را یاری کنی.
- ۱ مرا حلال کنید. اگر در این راه خدا کشته شدم.
- ۱ من از خدا بودم و به فضل و کرم او [مرا] دستگیر است.
- ۱ هر کس به هر عنوانی بر من حقی دارد، برای رضای خدا عفو کند.
- ۱ از انقلاب و جمهوری اسلامی بدبین .
- ۱ بیشتر و قاطع‌تر در حمایت از نظام اسلامی تلاش کنید.
- ۱ هر ماه مبلغی از حقوق ماهیانه‌ام را به یتیمان و بینوایان ببخشید و هیچ‌وقت این امر را فراموش نکنید.

## حجت‌الله گوهری<sup>1</sup>

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ رَبِّ الشَّهَدَاءِ وَالصِّدِّيقِينَ

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرَزِّقُونَ»<sup>2</sup>

با سلام به محضر پاک ولی عصر (عج) و نایب برحقش امام خمینی و درود به ارواح مظهر شهدای اسلام و امت قهرمان ایران، اکنون که این وصیت‌نامه را می‌نویسم قلبم برای یاری اسلام و دینم و امت اسلام می‌تپد و خداوند تفضل عنایت فرماید، که قدم و قلم ما تا آخرین نفس برای رضای او، در خدمت اسلام عزیز باشد. ای امت مسلمان همیشه یار امام باشید و راه شهدا را و هدف شهدا را فراموش نکنید و این مهم میسر نیست مگر در سایه پیروی از خط امام. [...] <sup>3</sup> خدای تعالی: خود می‌دانی که برای رضای تو آمدم و خود فرمودی که حق را یاری کنی، پس در موعدوفای به عهدت و به فضل و نصرت تو امیدواریم.

اما ای پدر و مادر گرامی اگر چه فرزندی خدمتکار برای شما نبودم و احیاناً شما را رنجانده‌ام ولی امید عفو دارم و از شما می‌خواهم مرا ببخشید و دست بر پهنه خاک گذاشته و مرا حلال کنید. اگر در این راه خدا کشته شدم، مادر تو را به خدا برای من کمتر زاری کنید، زیرا من راضی نیستم و بدانید که من از خدا بودم و به فضل و کرم او [مرا]<sup>4</sup> دستگیر است. و به نزد اومی روم. برادران و خواهران مرا ببخشید و اما همسر من در طول ایام وصال، همسری شایسته برای تو نبودم. امیدوارم مرا ببخشید و اما، تمام قومان و خویشان و آشنایان و دوستان شما را به خدا قسم می‌دهم همه مرا حلال کنید و هر کس به هر عنوانی بر من حقی دارد برای رضای خدا عفو کند و انشاءالله همیشه در نمازها مخصوصاً نماز

1- بالای وصیت شهید آمده است «وصیت‌نامه مسلم و پاسدار قرآن شهید حجت‌الله گوهری».

2- آل عمران/ 169. ترجمه: «آنان که در راه خدا کشته می‌شوند مرده مپندارید، بلکه شهیدند و نزد خدایشان متنعمند».

3- خوانا نیست.

4- دراصل وصیت «مرا» افتاده است.

شب اول مرا فراموش نکنید و همیشه برایم صدقه و رفع مظالم بدهید و چنانچه بنده اگر خدا بخواهد [من] در این راه به آرزویم که شهادت است برسیم. از انقلاب و جمهوری اسلامی بدین نباشید و بیشتر و قاطع‌تر در حمایت از نظام اسلامی تلاش کنید. ضمناً هر ماه مبلغی از حقوق ماهیانه‌ام را به یتیمان و بینوایان ببخشید و هیچ‌وقت این امر را فراموش نکنید.

«والسّلام»

66/12/12

حجت‌الله گوهری

شاخ شمیران<sup>1</sup>

---

1- شاخ شمیران، واقع در جنوب دریاچه دربندی خان عراق واقع در 80 کیلومتری جنوب شرقی استان سلیمانیه عراق است.

بسم الله الرحمن الرحيم و الحمد لله رب العالمين

« وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْغُونَ الدِّينَ بِأَمْوَالِهِمْ إِنَّا نَبِّئُكَ إِنَّهُمْ كَانُوا يُبْذَرُونَ »

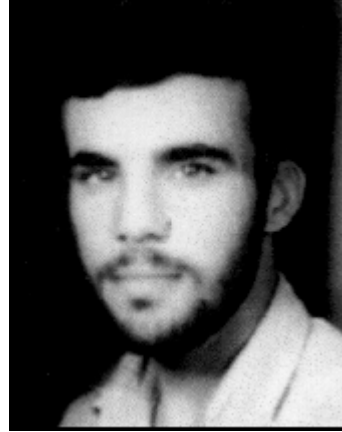
بسم به عسر بگردد لی عسر بیچ او بیب بر عشق تمام کنی و در راه سعادت طهر نفسی آرام و است  
تو را لایق و لایق کن این صفت نه از آن برای هم برای بی نام و دینم در است درستی و پند و خدایند  
تفضل عنایت فرموده که تمام دلم با آن که خون من برای خدای لود و در خلقت اسم عزیز باشد ای دوست  
همیشه باران را بر سر در راه که از او هدف شهاده را فراروش کنید و این تم میسر نیست گمراهی  
بر عین خط امام و در حق خدای تعالی خودی در آن که برای رضای تو کنیم و خود فروری که حق با این کن  
پس صد رحمت و نای به جلالت به فضل حضرت تو را صلوات علیهم

اما بدو ما به گمراهی اگر چه زندی خدمتکاران شما بنویسم و اعیان شما را بخانه‌ها دلی لبی خدمت طلبم  
شما من خواهم ملاجعتید و درست بر پهنای خاتمه و روح اول کنید اگر در راه خدا کشته شدم به تراغبه  
بای من که تر زدی کینه بیا من را من نیستم و بدانید به من که خدا بوم در فضل در گمراهی است :

و بنزد من هم بر اهلان و خدایان ملاجعتید و از تمام بنده من در ملک ایم وصال و حسن شایسته برای  
تو بنوم لبی دلم را بجایه و ران نام جوان در خیران و کوشایان و در میان شما به خدا قسم من هم هر  
حاصل کنید و هر کس به هر عنوان بر من می دلد و برای رضای خدا ملاجعتید و ان و الله می در عازها

در صورت غایب شدن مرا فرزند من کنید، و همه برام صدقه و شیخ مسلم در هفتاد و چهارم  
اگر خدا بخواهد من در این راه بگذریم که سعادت است بر من از انبیا و جسدی است  
بهین نایبید و بیشتر و علی ترده است از فطام لیسوی قدش کنید، غنا بر ما سقورام  
یتیمان و یتیمانان برسد و محبت این امر را فراموش نکنید، والسلام  
۱۳۶۲ ۱۲ ۶۶ - محبت اسلامگر  
شایخ تبران

نام: علی اکبر  
نام خانوادگی: لاجین  
نام پدر: بهمن  
نام مادر: والیه  
تاریخ تولد: یکم مهر 1347  
محل تولد: شهرستان دهلران  
تحصیلات: دانشجوی دوره کاردانی  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: بیست و هشتم دی 1365  
محل شهادت: شلمچه  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای امامزاده سیداکبر زادگاهش



## عبارت های کلیدی

- ا برای احیای اسلام عزیز و انجام وظیفه خود، داوطلبانه به جبهه اعزام شدم.
- ا انسان یکبار بیشتر نمی میرد، چه بهتر که این مردن در راه الله باشد.
- ا شهادت مرگ سعادت آمیز است که آغاز زندگی پر بار و جدیدی را نوید می دهد.
- ا شهادت نقطه اوج و آرزوی مسلمین است.
- ا شهادت قله رفیع انسانیت است. ما به آغوش شهادت می رویم و به سویش پرواز می کنیم.
- ا جاودانگی در خون شهیدان نهفته است.
- ا امام امت آن مجاهد کبیر و عصاره حسین بن علی (7) و رهبر انقلاب خمینی کبیر را یاری نمایید.
- ا شهادت حد نهایت تکامل انسان است.
- ا همانا سخن ما پیروی کردن از قرآن و خدا می باشد.
- ا بدانید که حیات دنیوی هیچ ارزشی ندارد و اصل و مهم حیات جاوید آخرت است.
- ا خوشحال هستم که جانم را نثار اسلام و مکتب محمد (6) و علی (7) دفاع می کنم.



## علی اکبر لاجین

بسم الله الرحمن الرحيم

«إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ»

«خداوند جان و مال اهل ایمان را به بهای بهشت خریداری کرده آنها در راه خداوند جهاد می‌کنند که دشمن دین را به قتل برسانند و یا خود کشته شوند» (توبه/111)

ستایش بی‌حد سزاوار خدای توانایی که در دیده خود روشن‌تر از همه چیز، واضح‌تر از وضوح است، سپاس بی‌کران او را که انسان‌ها را نعمت روان و روان‌ها را پیروی خود و نفوس را با فضائل و آرایش کمالات زینت بخشید، در میدان عمر به مسابقه دانش و تکامل زمان داد، پیروان را پاداش نیکو و بی‌کران و زیانکاران را کیفر متناسب به جرمشان قرار داد. خوشحال هستم که جانم را نثار اسلام و مکتب محمد (6) و علی (7) می‌کنم و افتخار می‌کنم که ایدئولوژی اسلامی است که به من فهماند که چگونه راهم را انتخاب کنم. در این موقعیت حساس که عاشورای حسین (7) بار دیگر در ایران زنده شد و نشان داد حسینی‌ها هنوز زنده هستند و تا حکومت الله را در سرتاسر جهان برقرار نسازند، به پیکار علیه کفر ادامه می‌دهند. آری به میدانی قدم نهاده‌ام که نتیجه‌اش را از قبل گرفته و با ایمان کامل پیکار می‌کنم. چون اگر در این میدان کشته شوم به مقام والا دست یافته و راه حسین (7) را رفته‌ام و اگر زنده ماندم شاهد پیروزی بزرگی که همان پیروزی مسلمین بر کفر است، خواهم بود.

امروز من در راه جاودانه‌ای گام نهاده‌ام که انتهای آن حکومت مستضعفین بر جهان است، راه ما و حرکت ما، امروز یا چند روز پیش آغاز نشده، بلکه از تاریخ و داستان هابیل<sup>1</sup> و قابیل<sup>2</sup> آغاز شده است. ما مردم ایران مثل مردم بی‌وفای کوفه<sup>3</sup> نیستیم که در

1- ر.ک. تعلیقات.

2- ر.ک. تعلیقات.

3- ر.ک. تعلیقات.

کوفه حضرت مسلم<sup>1</sup> (7) و در صحرای کربلا امام حسین (7) را تنها گذاشتند، اکنون وقت انجام وعده‌ای که من برای خود داده‌ام، فرا رسیده است. با پیام حسین زمان خمینی کبیر دیگر نتوانستم طاقت بیاورم و برای احیای اسلام عزیز و انجام وظیفه خود داوطلبانه به جبهه اعزام شد، انسان یکبار بیشتر نمی‌میرد چه بهتر که این مردن در راه الله باشد، چنین انسانی هرگز خود را تنها و بی پناه و پوچ و بی ارزش نمی‌یابد، بلکه خود را ذره‌ای بی‌انتها وابسته به ابدیتی بی‌پایان به عظمتی باشکوه و به کمالی بی‌غایت و بی‌نهایت دوست‌داشتنی می‌یابد.

شهادت مرگ سعادت‌آمیز است که آغاز زندگی پربار و جدیدی را نوید می‌دهد و خوش به حال آنانکه پیش از من به این نور عظیم نائل شدند همان‌ها که زنده‌اند و نزد خدای خویش روزی خوران و همسایگان سرور شهیدان امام حسین (7) از شهادت مرا باکی نیست شهادت مانند مادری است که تنها فرزندش را به آغوش می‌کشد. شهادت نقطه اوج و آرزوی مسلمین است شهادت قله رفیع انسانیت است ما به آغوش شهادت می‌رویم و به سویش پرواز می‌کنیم. از خدای رب‌العالمین طلب کردم تا زمانی که لیاقت شهید شدن را نداشتم، شهید نشوم و زمانی که فیض آن را داشتم، مرا شهید کند. این را می‌دانم که آخرین لحظه خوشیم در این دنیا همان لحظات آخری است که چشمانم بسته می‌شود. رمز جاودانگی در خون شهیدان نهفته است و بانگ تکبیر از قطرات او بلند است.

و اینک ای پدر و مادر عزیز راهی را که من انتخاب کردم راه حقیقت و دوستی است و از شما خواستارم که [بر] امام امت آن مجاهد کبیر و عصاره حسین بن علی (7) و رهبر انقلاب خمینی کبیر را یاری نمایید و او را تنها نگذارید. ای پدر و مادر عزیز امیدوارم که برای از دست دادن من غصه و افسوس نخورید، که شهادت حد نهایت تکامل انسان است. مبادا بر شهادتم بگریید، که دشمن شاد می‌شود. بدانید که انشاءالله من در جوار رحمت الهی جای خواهم گرفت و خداوند مقام شهادت به من عطا خواهد کرد. ای مادر مهربانم قامت را بلند گیر و ندای «الله اکبر و خمینی رهبر» سرده و سخن شهیدان راه خدا را به

مردم برسان، که همانا سخن ما پیروی کردن از قرآن و خدا می‌باشد.

پدر و مادر عزیزم، بدانید که حیات دنیوی هیچ ارزشی ندارد و اصل و مهم حیات جاوید آخرت است. پس در دنیا تا می‌توانیم باید بکوشیم، تا در آخرت و بهشت جاوید از انواع نعمتهای خداوند برخوردار باشیم. ای برادر عزیزم پیوسته در راه ائتلاف اسلام عزیز کوشا و تمامی فرامین امام را به جان و دل پذیرا باش و زمان زمان حسین (7) است و ایام عاشورا، هوشیار باشید و غیر از اسلام و قرآن به چیز دیگری فکر نکنید و هر چه خیر و صلاح انسان است، در این قرآن نهفته است و شما سعی کنید دین خدا را ترویج نمایید و در این دنیا برای اسلام از جان و مال خود بذل کنید.

و تو ای خواهر عزیزم حجاب و عفت و پاکدامنی را سرلوحه زندگی خودت قرار بده و از آنچه هوس کردی بپرهیز و زینب زمان باش و در راه خدا مبارزه کن. انسان تنها در مقابل مرگ تسلیم است و هیچ کاری از او بر نمی‌آید، پس چه بهتر که این مرگ در راه عشق خود و در راه کسی باشد که انسان او را می‌پرستد و به صورت شهادت انسان ملقب شود که بزرگترین منجی شهادت است.

65/1/29

علی اکبر لاجین

و سیت نامه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِإِنِّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَثِيرًا ۗ قَدْ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ

فَمَا يَسْئَلُهُمْ اللَّهُ مِنْ أَجْرٍ ۗ قَدْ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمُتَرَقِبِينَ ۗ

فَمَا يَسْئَلُهُمْ اللَّهُ مِنْ أَجْرٍ ۗ قَدْ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمُتَرَقِبِينَ ۗ

فَمَا يَسْئَلُهُمْ اللَّهُ مِنْ أَجْرٍ ۗ قَدْ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمُتَرَقِبِينَ ۗ

فَمَا يَسْئَلُهُمْ اللَّهُ مِنْ أَجْرٍ ۗ قَدْ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمُتَرَقِبِينَ ۗ

فَمَا يَسْئَلُهُمْ اللَّهُ مِنْ أَجْرٍ ۗ قَدْ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمُتَرَقِبِينَ ۗ

فَمَا يَسْئَلُهُمْ اللَّهُ مِنْ أَجْرٍ ۗ قَدْ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمُتَرَقِبِينَ ۗ

فَمَا يَسْئَلُهُمْ اللَّهُ مِنْ أَجْرٍ ۗ قَدْ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمُتَرَقِبِينَ ۗ

فَمَا يَسْئَلُهُمْ اللَّهُ مِنْ أَجْرٍ ۗ قَدْ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمُتَرَقِبِينَ ۗ

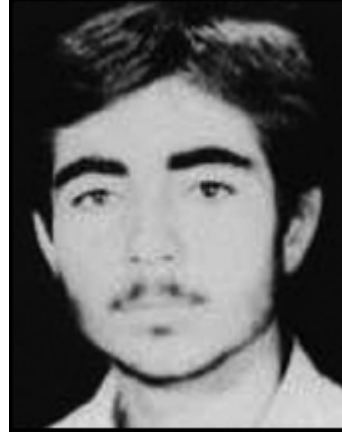
فَمَا يَسْئَلُهُمْ اللَّهُ مِنْ أَجْرٍ ۗ قَدْ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمُتَرَقِبِينَ ۗ

حایل و قابل شروع شده است. <sup>مردم ایران</sup> ~~...~~ کوفه بنسبت پدر  
 کوفه حضرت مسکون و در محرابی که بعد از امام طهری را تنها گذاشتند اکنون وقت  
 ایام و عهدی که من برای خدا داده ام و مرا رسیده است با پیام حسین زمان  
 نبی پس در قدر تقدیر طاعت بیادوم و برای احیای اسلام عزیز و انجم  
 زه خود صفا و اطلبان <sup>توجه</sup> و عزام شدم آنان یبیار بر سر من میرود  
 عاقبت این مودن در راه الله با شکر حسین انسانی هرگز خود را نتواند درین بناه  
 و بی لژی نمی یابد بید خود را در راهی استوار است به اندکی بی پایشان  
 از شکر و به نیالی ~~...~~ بی نهایت و من بی نهایت دوست داشتم  
 بی نهایت دوست سعادت است <sup>...</sup> که آنرا بدین زندگی پر بار جدیدی  
 را نمیدی دهد و در حال آنکه پیش از من به این نور عظیم نایل شدیم و ما  
 زنده اند و نزدیک خدای خویش روزی قدران و همایگان سرور شهیدان امام حسین  
 از شهرت و مبارکی نیست ندارد مانند ما است که تنها خود را نمی اندازند  
 فرزند شماست فقط نوع و آن نوعی مسلمین نصیب یافتند و روح انسانیت  
 است ما به آن غنی نوار <sup>...</sup> و پیوسته پرواز می کنیم از خدای رب العالمین  
 رب العالمین طلب کردم و زمانی که یافتیم محمد گمان راه ندانم محمد  
 نعم و زمانی که میی آن را داشتم فراموش نگذاشتم این را می دانم که آن  
 لحظه خود شرم در این دنیا همان لحظاتی است که خرمه است که همانم است  
 است می شود در جبهه ای که در خون شهدا <sup>...</sup> است و بانک بگیر از طرف  
 او بلند است و این ای پدر و مادر عزیز ~~...~~

راهی در من است <sup>و در من است</sup> و در من است و از ما خداست و در من است  
 آن مجاهد بزرگ و عصاره حسین ابن علی در جبهه تقدیر همین بزرگوار  
 نماند و او را تنگ گذاردی بی پروا در فرخ ایلام که برای از دست دادن  
 من غصه و افسوس نداری نه آرزوی جدی است تکامل انسان است عبادت  
 تقیاً هم بگردید و دشمن شاد می شود بپایند که انشا الله من در جوار رحمت  
 جای خدایم گرفت بر خدایم تمام شد که به من عطا فرمود کرد ای سار  
 سحر نام قامت را بلند کرد و ندای ای کعبه بر دهنش هر سرورده و سخن صدای  
 راه خدا را به مردم برسان که همان سخن ما پیرو می کردی از قرآن و فدای  
 پدر و مادر تویم بپایند و خدایم از من ندرد و اسل و عجم حیات جاود آفرین  
 است این که دنیا ما می خواهیم ما را بکند چشم که آرزوی در جبهه جاود آفرین  
 انوار نعمت حاجت خدایم بر فرود در با نعم ای برادر عزیزم پیوسته در راه امتحان  
 اسلام شریک و شادما می فرامین امام را به جان بدل بخواه شد و زمان زمان  
 صبر است و ایام عاشورا هر شب بار بار شد و سوز اسلام و قرآن به پیر دیگر  
 گفتد و مردم قدر و صلاح انسان است دانم قرآن نطق است و شهادت کند چون  
 خدا را شریک نماید و در من دنیا را از بدل در جانی وصال هر چه در حق نفسانید  
 و تمام خدایم عزیز محراب و عفت و پاکدامنی با سرور زهد و خدوت مبارک بود  
 و از آن هر چه کردی به بر شو و زین زمان با من و در راه خدا مبارک می افان تنای  
 در سقای مرگ تسلیم است و به هم کار ما از او فری آید پس چه بهتر که این حرف  
 در راه عشق خود در راه انگی بماند که انسان را فراموش کند و به عفوست  
 انان ملقب کرد که <sup>و در من است</sup> و در من است و در من است

علی اکبر لاجین

نام: عزیزالله  
نام خانوادگی: لطفی  
نام پدر: محمدحسن  
نام مادر: تاج دولت  
تاریخ تولد: 1348  
محل تولد: روستای قلعه تسمه از توابع  
شهرستان دره شهر  
تحصیلات: سوم متوسطه  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: بیست و هشتم بهمن 1366  
محل شهادت: مهران  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



## عبارت های کلیدی

- ا با شور و شوقی که به اسلام و مسلمین داشتم کلاس درس را جا گذاشتم.
- ا برای رضای خداوند تبارک و تعالی و برای یاری دادن دین خداوند از چنگال کافرین، به جبهه های جنگ آمده ام.
- ا چند تذکر به ملت شهیدپرور ایران دارم که ای ملت شهیدپرور ایران یار وفادار امام امت باشید.
- ا جبهه ها و سنگرهایمان را هرگز خالی نگذارید.
- ا هیچ وقت به امام و جمهوری اسلامی ایران بی وفا نباشید.
- ا پشت جبهه را گرم نگه دارید.
- ا با کمک های نقدی و جنسی جبهه جنگ را یاری دهید.
- ا راهی که انبیا [آن] را انتخاب کردند، من آن را انتخاب کرده ام.
- ا ما مردنی هستیم، چه الان در راه خدا کشته شوید و چه صد ساله شویم.
- ا از برادران کوچکم می خواهم که وقتی که بزرگ شدند، راهم را ادامه دهند.

## عزیزالله لطفی

### بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خداوند بخشنده مهربان و به نام الله در هم کوبنده کاخ نشینان، هم قسم و یار و یاور  
مظلومین و محرومین جهان و جهانیان. با سلام و درود بر منجی عالم بشریت و با سلام و  
درود بر امام امت و امت شهیدپرور ایران.

وصیت نامه برادر شهید عزیزالله لطفی. بنده در تاریخ 65/1/24 با شور و شوقی که به  
اسلام و مسلمین داشتم کلاس درس را جا گذاشتم و برای رضای خداوند تبارک و تعالی  
و برای یاری دادن دین خداوند از چنگال کافرین، به جبهه‌های جنگ آمده‌ام و چند تذکر به  
ملت شهیدپرور ایران دارم که ای ملت شهیدپرور ایران یار وفادار امام امت باشید و جبهه‌ها  
و سنگرهایمان هرگز خالی نگذارید و هیچ وقت به امام و جمهوری اسلامی ایران بی‌وفا  
نباشید. این جمهوری اسلامی ایران که بوسیله رهبر عالیقدر ایران بوجود آمد، باید از آن  
طوری حفاظت کنیم که هیچ کس و هیچ قدرتی نتواند بر آن پیروز شود و پشت جبهه را  
گرم نگه‌دارید و با کمک‌های نقدی و جنسی جبهه جنگ را یاری دهید و اما به مادر  
مهربانم و پدر زحمت‌کش و خواهران کوچکم و دلسوزم و برادران کوچکم [و] وفادارم  
سلام گرم می‌رسانم. ای مادر تو مانند فاطمه الزهرایی هستی که توانستید فرزندی بی‌قابل  
را تقدیم اسلام و مسلمین نمایید.

ای مادرم امیدوارم که هیچ‌گاه بعد از من به یاد من نباشید. چون بنده راهی که انبیا  
[آن]<sup>1</sup> را انتخاب کردند من آن را انتخاب کرده‌ام. راهی که حسین (7) آن را انتخاب کرد،  
راهی که حسین (7) در کربلای [...] <sup>2</sup> سوزان شهید شد و چون بنده راه ایشان را انتخاب  
کرده‌ام، هیچ ناراحت نباشید.

ما مردنی هستیم چه الان د راه خدا کشته شوید و چه صدساله شویم که گناهانمان زیاد  
و سنگینی شود، باز زنده خواهیم شد و اما الآن شهید هستیم و در پهلوی امامان، هم‌نشین

1- در اصل وصیت «آن» افتاده است.

2- خوانا نیست.



خواهیم شد و از بردارن کوچکم، می‌خواهم که وقتی بزرگ شدند<sup>1</sup> راهم را ادامه دهند و هیچ وقت خواهرانم را اذیت نکنند<sup>2</sup> و از پدرم می‌خواهم که هیچ وقت ناراحت نباشد و دو پسر در جایم هست، تا بتوانند در زندگی یاریت دهند و مادرم فرض کن که من در دامن خویش<sup>3</sup>

ای هم‌وطن شهید وطنم من	اگر شهیدشده‌ام با افتخار رفتم من
ای هم‌وطن، شهید وطنم من	تازه جوان خونین کفنم من
من جز این سعادت چیزی ندارم	جز جنگیدن با صدام چاره‌ای ندارم

---

1- در اصل وصیت «شده‌اند».

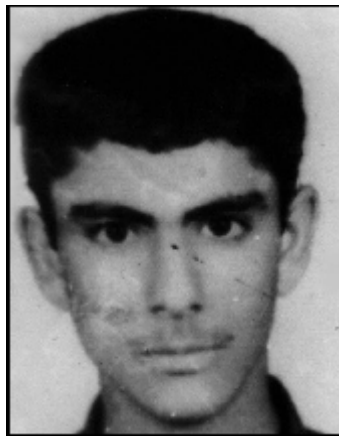
2- در اصل وصیت «نکند».

3- حسب ظاهر وصیت‌نامه تمام است.

<p style="text-align: center;">(۱)</p> <div style="border: 1px solid black; width: 100px; height: 30px; margin: 0 auto;"></div> <p style="text-align: right;">در وقت</p> <p>و بیت نام سواد در مشرق و مغرب      لغز بیفتد تا به هر روز ایام با مشهور      مشهور که به اسم و سلسله در ششم فلک      و اسم با علم در ششم و بارها در هر روز      حلاله و بر این بارها در هر روز      در جلال و کرامت و علم و کرامت</p>	<p style="text-align: center;">(۲)</p> <div style="border: 1px solid black; width: 100px; height: 30px; margin: 0 auto;"></div> <p style="text-align: right;">در وقت</p> <p>بسم الله الرحمن الرحیم      بسم الله الرحمن الرحیم      کوسه که باغ نشان علم قسم در یاد و یاد      علم هر روز در آن و در میان      بسم الله الرحمن الرحیم      است و اینست علم هر روز در یاد</p>
<p style="text-align: center;">(۳)</p> <div style="border: 1px solid black; width: 100px; height: 30px; margin: 0 auto;"></div> <p style="text-align: right;">در وقت</p> <p>و اینست علم هر روز در یاد      در آن و اینست علم هر روز در یاد      بسم الله الرحمن الرحیم      علم هر روز در یاد و کرامت      و علم هر روز در یاد و کرامت      در آن و اینست علم هر روز در یاد</p>	<p style="text-align: center;">(۴)</p> <div style="border: 1px solid black; width: 100px; height: 30px; margin: 0 auto;"></div> <p style="text-align: right;">در وقت</p> <p>و اینست علم هر روز در یاد      در آن و اینست علم هر روز در یاد      بسم الله الرحمن الرحیم      علم هر روز در یاد و کرامت      و علم هر روز در یاد و کرامت      در آن و اینست علم هر روز در یاد</p>

<p style="text-align: center;">(۱)</p> <div style="border: 1px solid black; width: 100px; height: 40px; margin: 0 auto;"></div> <p>بسم الله الرحمن الرحيم          درودم بر خاندان نبوت است          و درودم بر خاندان رسالت است          و درودم بر خاندان جنت است          و درودم بر خاندان بهشت است          و درودم بر خاندان عرش است          و درودم بر خاندان کعبه است          و درودم بر خاندان مسجد است          و درودم بر خاندان قرآن است          و درودم بر خاندان احقر است</p>	<p style="text-align: center;">(۱)</p> <div style="border: 1px solid black; width: 100px; height: 40px; margin: 0 auto;"></div> <p>بسم الله الرحمن الرحيم          درودم بر خاندان نبوت است          و درودم بر خاندان رسالت است          و درودم بر خاندان جنت است          و درودم بر خاندان بهشت است          و درودم بر خاندان عرش است          و درودم بر خاندان کعبه است          و درودم بر خاندان مسجد است          و درودم بر خاندان قرآن است          و درودم بر خاندان احقر است</p>
<p style="text-align: center;">(۱)</p> <div style="border: 1px solid black; width: 100px; height: 40px; margin: 0 auto;"></div> <p>بسم الله الرحمن الرحيم          درودم بر خاندان نبوت است          و درودم بر خاندان رسالت است          و درودم بر خاندان جنت است          و درودم بر خاندان بهشت است          و درودم بر خاندان عرش است          و درودم بر خاندان کعبه است          و درودم بر خاندان مسجد است          و درودم بر خاندان قرآن است          و درودم بر خاندان احقر است</p>	<p style="text-align: center;">(۱)</p> <div style="border: 1px solid black; width: 100px; height: 40px; margin: 0 auto;"></div> <p>بسم الله الرحمن الرحيم          درودم بر خاندان نبوت است          و درودم بر خاندان رسالت است          و درودم بر خاندان جنت است          و درودم بر خاندان بهشت است          و درودم بر خاندان عرش است          و درودم بر خاندان کعبه است          و درودم بر خاندان مسجد است          و درودم بر خاندان قرآن است          و درودم بر خاندان احقر است</p>

نام: علی اصغر  
نام خانوادگی: لطفی  
نام پدر: کریم  
نام مادر: هاجر  
تاریخ تولد: دوم آذر 1349  
محل تولد: روستای کلمه از توابع شهرستان  
شیروان و چرداول  
تحصیلات: دانشجوی دوره کاردانی  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: یکم مهر 1366  
محل شهادت: فلاویزان  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای امامزاده قاسم شهرستان  
زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ در حالی که کشور جمهوری اسلامی اعلام بسیج کرد، دل حال و هوای دیگر پیدا کرد.
- ۱ مادرم در نگاه آخر چند قدم با من مرا همراهی کرد و به من گفت تو را به حضرت زهرا (3) می‌سپارم.
- ۱ خواهران در تمام مراحل زندگی خود مسئله رعایت حجاب را جدی بگیرند.
- ۱ از برادران می‌خواهم که رفتاری خوب، متین در میان مردم داشته باشند.
- ۱ بر ایمان خود بیشتر و بیشتر بیفزایند.
- ۱ تنها راه سعادت و خوشبختی انسان، ایمان به خدا و تلاش و کوشش خود انسان است.
- ۱ شهیدان زنده‌اند و هرگز نمی‌میرند.

## علی اصغر لطفی

### بسم الله الرحمن الرحيم

با سلام و درود به رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران  
با آرزوی موفقیت برای تمام خدمتگزاران<sup>1</sup> نظام جمهوری اسلامی ایران. در ابتدا  
[می‌خواهم] قبل از اینکه وصیت‌نامه<sup>2</sup> بنویسم می‌خواهم درباره‌ی زندگانی کوتاه خودم چیزی  
برایتان بنویسم. این بنده‌ی حقیر در<sup>3</sup> خانواده<sup>4</sup> متوسط در روستای گل‌مه چشم به دنیا گشودم.  
در سن شش سالگی به مدرسه رفتم و در سال 60-1359 دوره‌ی ابتدایی را پشت سر گذاشتم  
و وارد دوره‌ی راهنمایی شدم و [...] به<sup>5</sup> پایان رساندم و در سال 65 وارد دانشسرای تربیت  
معلم<sup>6</sup>، بخش چوار<sup>7</sup> از توابع استان ایلام شروع به تحصیل کردم و در تابستان سال 66 در  
حالی که کشور جمهوری اسلامی اعلام بسیج کرد، دل حال و هوای دیگر پیدا کرد. با خود  
گفتم برای ادامه‌ی تحصیل دیر نیست. اما الآن در حال حاضر کشور [نیاز به کمک]<sup>8</sup> منتظر  
کمک بسیجیان از خود گذشته است. با همین شور و شوق وارد شدم<sup>9</sup> که گفتند نیروهای  
بسیجی می‌خواهند<sup>10</sup> روز پنج‌شنبه اعزام شوند. من تمام کارهایم را برای اعزام به جبهه  
انجام داده، اما نمی‌دانستم این خبر را به پدر و مادرو دیگر افراد خانواده بدهم. روز  
چهارشنبه بود که رفتم خانه، اول نگاهی به پدر انداختم در آن لحظه اشک محبت تو  
چشمانم حلقه زد. چون پدرم به من دلبسته بود. من پسر بزرگ خانواده بودم، در حالی که

1- در اصل وصیت «خدمتگزار».

2- در اصل وصیت «وصیت‌نامه».

3- در اصل وصیت «از».

4- در اصل وصیت آمده است «از خانواده مذهبی به دنیا آمد» از این عبارت «مذهبی به دنیا آمد» خط خورده است.

5- خوانا نیست.

6- در اصل وصیت «ترب معلم».

7- ر.ک. تعلیقات.

8- در اصل وصیت عبارت داخل کروشه بعد از نگارش به‌وسیله شهید خط خورده است..

9- در اصل وصیت «بودم».

10- در اصل وصیت «می‌خواهد».

17 سال داشتم. در صبح دوم روز پنج‌شنبه ساعت 7 بامداد به پدر و مادرم گفتم که من امروز اعزام می‌شوم، تمام مدارک لازم را تحویل سپاه پاسداران شیروان چرداول<sup>1</sup> سربا به داده‌ام. مادرم که دیگر نمی‌توانست از رفتن من جلوگیری کند، با چشمان گریان و پدرم با بغض که در گلو داشت، من را راهی بدرقه کردند و گفتند برو حالا که می‌روی، خدا پشت پناهت باشد و مادرم در نگاه آخر چند قدم مرا همراهی کرد و به من گفت تو را به حضرت زهرا (3) سپردم برو که امیدوارم موفق باشید و برو. من حالا این [وصیت را]<sup>2</sup> در حالی می‌نویسم که در سنگر امروز سه شنبه است. این را می‌نویسم و قرار است روز شنبه به دانشسرا برگردم.<sup>3</sup> اما اگر در این مدت شهادت نصیبم<sup>4</sup> گردید<sup>5</sup> به مقصد اصلی خویش<sup>6</sup> رسیده‌ام و این نکته را به خواهران توصیه می‌کنم که در تمام مراحل زندگی خود مسئله [حجاب] رعایت حجاب را جدی بگیرند و زینب (3) را در کربلا به یاد آورند و از برادران می‌خواهم که رفتاری خوب، متین در میان مردم داشته باشند و بر ایمان خود بیشتر و بیشتر بیفزایند، که تنها راه سعادت و خوشبختی انسان ایمان به خدا و تلاش و کوشش خود انسان است.

و مادر را توصیه می‌کنم که برای من سیه نپوشد<sup>7</sup> و زیاد برای من ناراحت نباشد، چون که شهیدان زنده‌اند و هرگز نمی‌میرند.

علی اصغر لطفی

1- در اصل وصیت «چردوال».

2- در اصل وصیت «وصیت را» افتاده است.

3- در اصل وصیت «بگردم».

4- در اصل وصیت «نسبیم».

5- در اصل وصیت «گردید».

6- در اصل وصیت «خویشم».

7- ر.ک. تعلیقات.

وصیت نامه شهید علی اصغر لطفی  
 به اطلاع والدین و اولاد و دیگر کسب انقلاب اسلامی ایران  
 با آرزوی موفقیت برای نام خود شکر از نظام محبوب و ارادتمند ایران  
 در ایامه امر خود ام قبل از آنکه وصیت نامه بنویسم و خدا را  
 در باره زندگی که تا به خودم چیزها را اقبال بنویسم این بنده حقیر  
 از خانواده منجبتان در چنانست که در دستش نامه در حالی  
 چشم زنگنه نام در سن شش سالگی به مدرسه زینم در سال ۱۳۵۹  
 در کلاس اول ابتدایی مدرسه اشتم در اردو راهمائی شریک بود و در سال ۱۳۶۰  
 به سال دوازدهم رسید و در سال ۶۵ وارد دانشگاه امانت گردید  
 در بخش جوار استوابع استان ابراهیم ۱۳۶۱  
 در روزهای ۱۳۶۱ در کلاس ۱۶ در کلاس خود محبوب و ارادتمند اسلام  
 پیش از آن حال در حواله میر پید استر با خودم لغتم برای ادامه تحصیل  
 در رشته آن اطلاع در حال حاضر که خودم را در دستش منتظر

کنگ بینالی ایضاً در آن است با همین نشود شعری که در آنجا  
 گفته نیرمان پیشی و خانه در بیخ نیست امیرالم شکر من تمام یک عالم  
 مایه این امیرالم به جبهه انعام داده این دانشم این جعفری بد و سوسو آید از  
 خانواده به هم روز چهارشنبه هر که در آنم خانه اول نما می بود از آنم  
 در آن لحظه آنکس که در چشمم حلقه زار چون به هم به من ایمنه بود  
 من به نیرنگ خانواده بودم در آنجا که در آنجا شام هر در می نمودم  
 روز پنجشنبه ساعت ۱۱ با مادام به در آمدیم لغتم من امروز از تمام  
 من شرمتم که در آنکس را تبدیل بیاید با سارون شیران چو در آن سر آمد  
 در آنجا بودم که در آنکس از آنکس من به نیرنگ که در آنکس بود  
 و به هم با بعضی که در آنکس من در آنجا به هم بودم که در آنکس بود  
 که در آنکس بودم که در آنکس بنامت با نیرنگ بودم که در آنکس  
 عیناً بعضی بودم که در آنکس بودم که در آنکس بودم که در آنکس بودم  
 بودم که در آنکس بودم که در آنکس بودم که در آنکس بودم که در آنکس بودم





نام: محمدرضا  
نام خانوادگی: لطفی  
نام پدر: روح‌الله  
نام مادر: عصمت  
تاریخ تولد: سوم مرداد 1343  
محل تولد: شهرستان مهران  
تحصیلات: سوم متوسطه  
ارگان اعزام‌کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: هشتم مرداد 1362  
محل شهادت: زادگاهش  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: بخش صالح‌آباد از توابع همان شهرستان



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ بشر رفتنی است و باید این حیات دنیوی را به پایان برساند و به حیات اخروی یا زندگی ابدی پای گذارد.
- ۱ چه بهتر که ترک کردن این دنیا به خاطر خدا باشد.
- ۱ پیش از این‌که مرگ ذلت بار به سراغ ما بیاید، ما به دنبال مرگ با عزت یعنی شهادت برویم.
- ۱ واقعاً حیف است برای یک مسلمان در بستر مریمی بمیرد. موقعی که ناحقی باشد.
- ۱ برادر بهترین هدف الله است.
- ۱ کسی که می‌تواند ما را به الله برساند، خط سرخ ولایت فقیه است.

محمدرضا لطفی<sup>1</sup>

## بسم الله الرحمن الرحيم

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوعٌ»<sup>2</sup> (صف آیه 4)

با درود بیکران از صمیم قلب به امام عزیز روح الله الموسوی الخمینی و با درود فراوان بر تمامی امت حزب‌الله، می‌خواهم در اینجا چند خطی که قلبم گواهی می‌دهد بر روی کاغذ آورم.

زندگی دنیوی عبارتست از [...] <sup>3</sup> آن را بگذرانند و هنگامی از این امتحان قبول می‌شود که بتواند با هواهای نفسانی خویش مبارزه کند و از هر نوع هوس‌های شیطانی و زودگذر چشم‌پوشی کند و در مقابل دستورات الهی را انجام دهد و به قرآن کریم، تنها کتاب جامعه بشریت عمل کند.

این سؤال پیش می‌آید [...] <sup>4</sup> انسان چه موقع کارنامه اعمال خود را می‌گیرد. بنابراین نتیجه‌گیری می‌شود که بشر رفتنی است و باید این حیات دنیوی را به پایان برساند و به حیات اخروی یا زندگی ابدی پای گذارد و چه بهتر که ترک کردن این دنیا به خاطر خدا باشد و پیش از این‌که مرگ ذلت بار به سراغ ما بیاید، ما به دنبال مرگ با عزت یعنی شهادت برویم.

منجی عالم بشریت مولا علی (7) می‌فرماید: «لألف ضربة بالسيف اهون على من ميتة على فراش»<sup>5</sup>، یعنی «اگر هزار ضربه بر فرق من فرود آید که به این وضع کشته شوم بهتر است که در بستر با یک بیماری بمیرم». بلی واقعاً حیف است برای یک مسلمان در بستر مریضی بمیرد. موقعی که ناحقی باشد و حدیثی از پیغمبر اکرم (6) نقل شده که عبارت

1- از جمله وصیت‌نامه‌هایی است که اصل دستخط شهید در اختیار نیست.

2- ترجمه: «همانا خداوند کاسنی که در راه او مانند سد آهنین همدست و پایدارند را دوست می‌دارد».

3- خوانا نیست.

4- خوانا نیست.

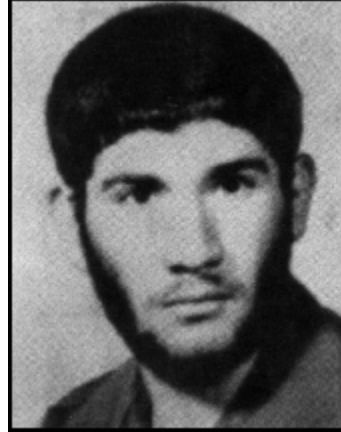
5- الکافی، ج 5، باب فضل الشهادة، ص 53.

است: «من لم یغز و لم یحدث نفسه یغز مات علی شعبة من النفاق» معنی این می‌شود «آنکه جهاد نکرده و لا اقل اندیشه جهاد در دل خود پروده باشد با نوعی از نفاق خواهد مرد». برادر بهترین هدف الله است و کسی که می‌تواند ما را به الله برساند، خط سرخ ولایت فقیه است. و در پایان از دوستان و برادران انتظار دارم اگر خدای نکرده نگرانی یا ناراحتی از من دارند مرا ببخشند.

«والسلام»

محمدرضا لطفی

نام: مهدی  
نام خانوادگی: لطفی  
نام پدر: نورالله  
نام مادر: صاحب  
تاریخ تولد: پانزدهم اسفند 1341  
محل تولد: شهرستان ایلام  
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: یازدهم مهر 1359  
محل شهادت: دهلران  
نحوه شهادت: اصابت گلوله  
مزار: بخش صالح آباد از توابع شهرستان مهران



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ خدایا شاهی که سراسر وجودم مملو از عشق به تو است.
- ۱ ایثار در راه توحید را بالاترین فرائض زندگی می‌دانم.
- ۱ خدایا ایمانی را به من عطا کن که سینه‌ام سپر و آماجگاه سفیر گلوله‌ها و روحم به عطفیت علوی در آمیزد.
- ۱ وصیتم به خانواده محترم این است مبادا کاری کنید که مانعی برای انقلاب شوید.
- ۱ پیام‌های امام را با خلوص لبیک گویند.
- ۱ جبهه بهترین و والاترین دانشگاهی است که من توانسته‌ام در کنکور آن قبول و به بهترین کلاس که همانا خط مقدم جبهه است، راه یابم.
- ۱ باید به بهترین نمره که همانا شهادت است، دست یابم.

## مهدی لطفی<sup>۱</sup>

### بسم الله الرحمن الرحيم

اگر چه عمر کوتاه من اقتضای نهایت خدمت به اسلام را نمی‌کند، ولیکن برایم روشن است که در کدام سنگر خدمت مهم است. خدایا شاهدی که سراسر وجودم مملو از عشق به تو است و ایثار در راه توحید را بالاترین فرائض زندگی می‌دانم. تاریخ نمایانگر نبرد دو جبهه مخاصم و متضاد است. آنچه برایم مهم است، حرکت در راهی است که اکثریت جاهل با آن مخالفند ولی با اندک مطالعه‌ای که از حبیب ابن مظاهر<sup>۲</sup> و مسلم<sup>۳</sup> ابن اوسجه دارم. مشتاقم انقلابی را که در دوران حبیب پدید آمد، من هم پیگیری کنم. خدایا ایمانی را به من عطا کن که سینه‌ام سپر و آماجگاه سفیر گلوله‌ها و روحم به عطوفت علوی در آمیزد. خدایا اگر چه سن من کم و روحم کوچک و ایمان اندکم به من اجازه گناه نمی‌دهد.

پیام و وصیتم به خانواده محترم این است: مبدا کاری کنید که مانعی برای انقلاب شوید. پیام‌های امام را با خلوص لبیک گوید. اگر من افتخار و لیاقت شهید شدن را کسب نمودم، در فراغم اندوه به خود راه ندهید. زیرا جبهه بهترین و والاترین دانشگاهی است که من توانستم در کنکور آن قبول و به بهترین کلاس که همانا خط مقدم جبهه است راه یابم و باید به بهترین نمره که همانا شهادت است دست یابم. و اما مادرم ای بانوی محترم و ای حاج خانم، عظمت و بزرگی و اخلاصت [را] به وضوح درک می‌نمایم. از خدای سبحان استدعای عاجزانه دارم، پاداش تمام زحمات شبانه روزی [را که]<sup>۴</sup> در سنگرهای تنگ و تاریک که روح خدا در آن دمیده است به شما عطا نماید.

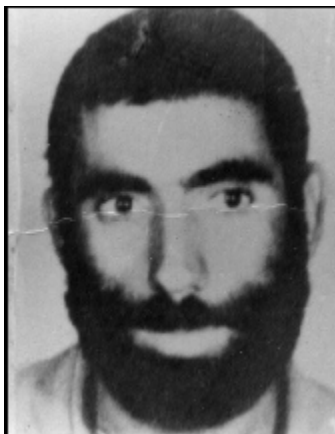
---

۱- از جمله وصیت‌نامه‌هایی است که اصل دستخط شهید در اختیار نیست.

۲- ر.ک. تعلیقات.

۳- ر.ک. تعلیقات.

۴- در نسخه تاپیی و مورد تأیید بنیاد شهید از قلم افتاده است.



نام: عباس  
نام خانوادگی: مامی  
نام پدر: محمود  
نام مادر: کشور  
تاریخ تولد: یکم شهریور 1340  
محل تولد: بخش ملکشاهی از توابع شهرستان مهران  
تحصیلات: در حد خواندن و نوشتن  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: شانزدهم مرداد 1362  
محل شهادت: شهرستان زادگاهش  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: بخش صالح آباد همان شهرستان

## عبارت های کلیدی

- ا شکر خدای که این چنین سعادت بی حدی به ما بندگان خود عطا نمود، که در راه او و آرمان مقدس اسلام عزیز جان فدا نماییم.
- ا به قلب دشمنان اسلام می تازیم و خون خود را در راه اسلام عزیز، فدا کنیم.
- ا اگر خدا را یاری کنید، خداوند هم شما را یاری خواهد کرد.
- ا ما باید جان و مال خود را در راه اسلام اهداء نماییم.
- ا ما انقلاب اسلامیمان را به روی دریایی از خون شهیدان بنا نهاده ایم.
- ا تنها راه تداوم آن تا قیام حضرتش بقیة الله، [پیروی از] مقام ولایت فقیه است.
- ا مادرم دعا کن که اسلام عزیز پیروز شود.
- ا همسر عزیزم فرزندان را زینب وار تربیت کن.
- ا به امید آن روزی که در کربلای مقدس، نماز جماعت را به امامت خمینی عزیز این وارث امام زمان (عج) برپا نماییم.

## عباس مامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هوالبصیر

«إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ»<sup>1</sup>

خدمت امام زمان (عج) و نایب برحقش خمینی کیرو امت شهیدپرور ایران و خدمت رزمندگان اسلام، رزمندگانی که با مناجات خویش جبهه‌های نور علیه ظلمت را عطرآگین نموده‌اند.

اینجانب عباس مامی وصیت خود را چنین آغاز می‌نمایم، به شکر خدای که این‌چنین سعادت‌ی به ما بندگان خود عطا نمود که در راه او و آرمان مقدس اسلام عزیز جان فدا نمایم و خون خود را در راه اسلام بریزیم و ما رزمندگان می‌گوییم حسین (7) جان اگر ما آن روز در صحرای کربلا نبودیم تا لبیک بگوییم، ولی خوشبختانه الان به رهبری امام خمینی عزیز، در کربلای ایران لبیک می‌گوییم و با صدای «هل من ناصر ینصرنی»<sup>2</sup> به قلب دشمنان اسلام می‌تازیم و خون خود را در راه اسلام عزیز فدا کنیم و آیه‌ای که در بالا نوشته‌ام می‌گوید: اگر خدا را یاری کنید خداوند هم شما را یاری خواهد کرد و پس ما باید جان و مال خود را در راه اسلام اهداء نمایم (خدایا دشمنان تو می‌خواهند نور تو را خاموش نمایند ولی از نور تو غافلند و بی‌خبر از این هستند که نور تو خاموش شدنی نیست)<sup>3</sup> و ما انقلاب اسلامیمان را به روی دریایی از خون شهیدان بنا نهاده‌ایم، کشتی این انقلاب جنازه پاره پاره شهیدان ماست. مالکش خدا، نگهبانش محمد (6) و ناخدایش خمینی، تنها راه تداوم آن تا قیام حضرتش بقیه‌الله، [بیروی از]<sup>4</sup> مقام ولایت فقیه است.

---

1- بخشی از آیه 7 سوره محمد (6)، ترجمه: «ای اهل ایمان شما اگر خدا را یاری کنید (یعنی دین پیغمبر خدا را)، خدا هم شما را یاری کند و ثابت قدم گرداند».

2- رک. تعلیقات.

3- ترجمه آیه 32 سوره توبه: «یریدون أن یطْفئوا نورَ اللهِ بأفواههم ویأبئ اللهَ إلیا أن یتیمَّ نوره وکفره الکافرون».

4- در نسخه تاپیی و مورد تأیید بنیاد شهید از قلم افتاده است.



بنده پیامی دارم به مادرم، مادری که زینب‌وار فرزندش را بزرگ کرد، تا در راه اسلام فدا شود. مادرم برایم گریه نکن، زیرا دشمنان اسلام خوشحال خواهند شد. پس باید صبر و استقامت داشته باشی دعا کن که اسلام عزیز پیروز شود و یک پیام هم به زنم دارم. همسر عزیزم فرزندان را زینب‌وار تربیت کن و آنها را به مدرسه بفرست و فرزندانمان همانند علی‌اکبر (7) و دخترانی چون فاطمه (3) تحویل جامعه دهید، تا ادامه دهندگان خون شهیدان باشند. به امید پیروزی رزمندگان اسلام در سر تاسر گیتی، و به امید آن روزی که در کربلای مقدس نماز جماعت را به امامت خمینی عزیز این وارث امام زمان (عج) برپا نماییم. دیگر عرضی ندارم. قربان شما و با تقدیم عرض ادب خدمت امام زمان (عج) و خمینی عزیز.

خدانگهدار

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی، حتی کنار مهدی خمینی را نگه دار.

عباس مامی

نام: عظیم  
نام خانوادگی: ماهی گیر  
نام پدر: مجید  
نام مادر: سلطنت  
تاریخ تولد: بیستم اسفند 1339  
محل تولد: روستای سرابله از توابع  
شهرستان شیروان و چرداول  
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی  
ارگان اعزام کننده: ارتش  
تاریخ شهادت: یازدهم شهریور 1360  
محل شهادت: سرپل ذهاب  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای امامزاده قاسم شهرستان  
زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ اگر من کشته شدم از شما می‌خواهم که برای من گریه نکنید.
- ۱ چون اگر خدا قبول کند شهید هستم.
- ۱ کسی که شهید می‌شود، تازه اول زندگی خود را شروع کرده است.
- ۱ برای من از تمام دوستان و خویشان و آشنایان رضایت طلب کنید.

## عظیم ماهی گیر<sup>1</sup>

### بسم الله الرحمن الرحيم

پدر و مادر عزیزم در زندگی شما را خیلی ناراحت کرده‌ام و اکنون که عازم جبهه جنگ هستم، قدر شما را می‌دانم که سخت است، ولی اگر من کشته شدم، از شما می‌خواهم که برای من گریه نکنید، چون اگر خدا قبول کند، شهید هستم و کسی که شهید می‌شود تازه اول زندگی خود را شروع کرده است و آن هم در نزد خدا، پدر و مادر عزیز من به شما خیلی زجر رسانده‌ام، مرا ببخشید و از شما می‌خواهم که برای من از تمام دوستان و خویشان و آشنایان رضایت طلب کنید.

خواهران و برادران عزیزم از شما می‌خواهم که مرا ببخشید و برای من ناراحت نباشید.

به امید پیروزی هرچه زودتر حق بر باطل

سرباز وظیفه عظیم ماهی‌گیر

---

1- بالای وصیت‌نامه نوشته شده: «وصیت‌نامه شهید عظیم ماهی‌گیر 60/2/7».

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ      وصفت نانو منبیه عظیم ماهی گیر      لایحه ۳۰۹  
 منبیه ماهی گیران در خفا تراشید تا راحت تر طعام داشته باشند تا در کارم منبیه هم کمتر  
 تا راه هم که صورت است ده آبروی گشته شدم نوتای خودم که برای من برگشتید  
 چون آبرو خدا قبول کند منبیه هم در منبیه خود تا راه دارن زنده افتاد و شروع کرده تا که در هر خط  
 بد در یاد روزی منبیه که تا خنجر زهر رسد تمام بر این منبیه و از نای خودم که برای من افتاد  
 دست نه و در وقت آن وقت این رعایت طلب کنید خود امران در امران منبیه تا تمام دست  
 منبیه و برای ما تا راحت باشد      چه امید پیر روی ما هر چه زودتر حق بر ما اطفال

کربابز عظیم  
 عظیم ماهی گیر



نام: علی مراد  
نام خانوادگی: مهرباب زاده  
نام پدر: عزیز علی  
نام مادر: سکینه  
تاریخ تولد: هفتم تیر 1344  
محل تولد: روستای سلطانقلی سفلی از توابع  
شهرستان شیروان و چرداول  
تحصیلات: چهارم ابتدایی  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: سی ام بهمن 1362  
محل شهادت: چنگوله  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای شهرستان زادگاهش

## عبارت های کلیدی

- ا اینجانب راه امام حسین را ادامه می دهم.
- ا باید همچون حضرت زینب (7) استوار باشید.
- ا اگر واقعاً مرا دوست دارید، باید با کمک کردن به پشت جبهه اسلام را یاری کنید.
- ا من به بهترین آرزوهایم رسیده ام.
- ا امید دارم که پدر و مادر و برادران و اقوام و دوستان که همیشه پیرو خط امام و گوش به فرمان او باشند.

## علی‌مراد مه‌راب‌زاده<sup>1</sup>

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم رب الشهداء والصدیقین

«گمان مبرید کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند از مردگانند بلکه زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی می‌طلبند»<sup>2</sup>. ای مادر بزرگوار از تو می‌خواهم از رفتن من به جبهه ناراحت نباشید، که اینجانب راه امام حسین (7) را ادامه می‌دهم و باید همچون حضرت زینب (3) استوار باشید. چون که تحمل 72 شهید را داشت و اگر واقعاً مرا دوست دارید باید با کمک کردن به پشت جبهه، اسلام را یاری کنید و من به بهترین آرزوهایم رسیده‌ام و امید دارم که پدر و مادر و برادران و اقوام و دوستان که همیشه پیرو خط امام و گوش به فرمان او باشند تا اینکه دشمنان از ما سو استفاده نکنند<sup>3</sup>.

«والسلام»<sup>4</sup>

62/11/15

علی‌مراد مه‌راب‌زاده

---

1- بالای وصیت‌نامه آمده است «وصیت‌نامه شهید علی‌مراد مه‌راب‌زاده».

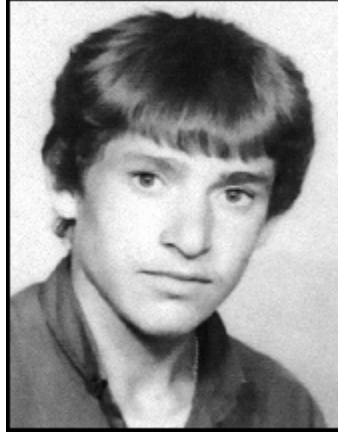
2- ترجمه آیه 169 از سوره بقره است: «وَلَا تَحْسِبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ».

3- در اصل وصیت «نکند».

4- در اصل وصیت «و سلام».



نام: بندر  
نام خانوادگی: محسن‌زاده  
نام پدر: بهرام  
نام مادر: آغاسلطان  
تاریخ تولد: یکم خرداد 1349  
محل تولد: روستای زنجیره‌سفلی از توابع  
شهرستان شیروان و چرداول  
تحصیلات: سوم متوسطه  
ارگان اعزام‌کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: هجدهم مرداد 1366  
محل شهادت: قلاویزان  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ا با درود به رزمندگان که شب و روز از میهن اسلامیمان دفاع می‌کنند.
- ا من جوانی هستم که وظیفه خود [را] دانستم به جبهه بروم.
- ا من از بهشتی و بهشتی‌ها عزیزتر نیستم.
- ا اگر کسی برای من گریه وزاری کند، مدیون من می باشد و روح مرا می‌آزارد.
- ا هر پرچمی که از دست رزمنده‌ای می‌افتد باید سردار دیگری آن را بدست گیرد.
- ا اسلحه‌ام [را] بردارید و گوش به فرمان امام عزیزمان باشید.
- ا آنان که می‌توانند به جبهه بروند و آنانکه نمی‌توانند در پشت جبهه‌ها کمک کنند.
- ا برادرانم وظیفه شما این است که از جنگ دل‌سرد نباشید.
- ا تا آزادی قدس و کربلا این جنگ [را] ادامه دهید.



## بندر محسن‌زاده

## بسم الله الرحمن الرحيم

«وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَّا تَشْعُرُونَ»<sup>2</sup>

«آنکه کشته شود در راه خدا [پندارید]<sup>3</sup> و مردگانند بلکه زندگانند ولیکن نمی‌دانند.»

با درود به رهبر کبیر انقلاب اسلامی و سلام به شهیدانی که جان خود را نثار درخت تنومند انقلاب و اسلام نموده‌اند و با درود به رزمندگان که شب و روز از میهن اسلامیمان<sup>4</sup> دفاع می‌کنند. وصیت‌نامه خود را شروع می‌کنم، من جوانی هستم که وظیفه خود [را] دانستم به جبهه بروم حالا که رفتم و مشغول خدمت به اسلام می‌باشم از خانواده محترم تقاضا دارم که برای فرزند حقیرشان ناراحت نباشند و اگر خدا مرا به سوی خودش خواند، یعنی سعادت نصیب من شد شهید بشوم، از مادرم می‌خواهم موقعی که جسد بنده را تشییع<sup>5</sup> نمودند<sup>6</sup> برایم شیرینی پخش کند. چونکه من از بهشتی<sup>7</sup> و بهشتی‌ها عزیزتر و هم چنین مادر از تو تقاضای عاجل دارم که شیری [که] به من داده‌اید حلالم کنید. مادر زحمات تو که برای من کشیدی زحماتی نسبت که فراموش کنم. چون تو هم مادرم بودی و هم پدرم و اگر ناراحتی از بنده دیده‌ای صرف نظر کن و اگر کسی برای من گریه وزاری کند مدیون من می‌باشد و روح مرا می‌آزارد. از برادرانم و همسران آنان و خواهرانم تقاضا دارم، اگر در طول عمر کوتاهاهم کوچکترین ناراحتی از بنده دیده‌اند، نادیده بگیرند و حلالم کنند و از تمام قومان و خویشان می‌خواهم برای من لباس سیاه نپوشند،<sup>8</sup> «هر پرچمی که از

1- در اصل وصیت «و لا تقو» افتاده است.

2- بقره/ 154.

3- در ترجمه واژه «پندارید» افتاده است.

4- در اصل وصیت «اسلامیمان».

5- در اصل وصیت «تشییع».

6- در اصلوصیت «نمودن».

7- ر.ک. تعلیقات.

8- ر.ک. تعلیقات.

از دست رزمنده‌ای می‌افتد<sup>1</sup> باید سردار دیگری آن را بدست گیرد<sup>2</sup> و راه این شهیدان [را]<sup>3</sup> ادامه دهد. برادرانم اگر من در میان شماها نیستم به هیچ وجه ناراحت نباشید، اسلحه‌ام [را]<sup>4</sup> بردارید و گوش به فرمان امام عزیزمان باشید و راه این شهیدان که به خاطر قرآن و دین [ادامه دهند]<sup>5</sup> و جبهه‌ها را گرم نگهدارند آنان که می‌توانند به جبهه بروند و آنانکه نمی‌توانند در پشت جبهه‌ها کمک کنند تا ریشه این ابر جنایتکاران زمان از بن بکنند و برادرانم وظیفه شما این است که از جنگ دلسرد نباشید و تا آزادی قدس<sup>6</sup> و کربلا این جنگ [را]<sup>7</sup> ادامه دهید. از پایان وصیت‌نامه‌ام می‌خواهم دعای همیشگی امام یادتان نرود. چند قطعه شعر

تابع <sup>8</sup> تکلیفم [به] <sup>9</sup> قصد شهادت می‌روم	راه زینب پیشه کن مادر کز دل و جان می‌روم
مادرم مردن مگو حق است این‌طور مردنی	سنگر سرخ ز خونم می‌کند تاریخ ایران ماندنی
از پی احیاء دین یاران به میدان می‌روم	با سلاح مکتبم جنگ مسلسل می‌روم
گر ده‌ا اذنم خدا	پیش حسین بهر شفاعت می‌روم

خداحافظ، خداحافظ، خداحافظ

به امید زیارت کربلا و نجف

1- در اصل وصیت «می‌افتند».

2- صحیفه امام، ج 15، ص 226.

3- در اصل وصیت «را» افتاده است.

4- در اصل وصیت «را» افتاده است.

5- در اصل وصیت «ادامه دهند» افتاده است.

6- ر.مک. تعلیقات.

7- در اصل وصیت «را» افتاده است.

8- در اصل وصیت «تابعه».

9- در اصل وصیت «به» افتاده است.

## [وصیت‌نامه‌ای دیگر]

### بسم الله الرحمن الرحيم

برادران و مادر عزیزم مهربانم مرا ببخشید چون بدون اجازه شما به جبهه آمدم مرا عفو<sup>1</sup> کنید ثانیاً برادران اگر در پیش تو بی‌قولی کردم مرا ببخشید<sup>2</sup> و از مادر تقاضا [دارم]<sup>3</sup> در آمدن جنازه من شیرینی پخش کنید. اگر ناراحتی و گریه زاری کنند، مدیون باشند. من از بهشتی<sup>4</sup> بهتر نیستم و اگر هر کس برایم لباس سیاه بپوشد مدیون من است. و از زن برادرانم پوزش می‌طلبم شاید آنها را ناراحت کردم. مادر جان خیلی شما برای بنده زحمت کشید، چون پدرم نداشتم. خلاصه بخاطر شیرت حلالم کن<sup>5</sup> تا شاید آسوده خاطر بخوابم. شور جوانی به سرم<sup>6</sup> نیست عکسم نگه‌دار فردا اثرم نیست

بندر محسن زاده

---

1- در اصل وصیت «عفو».

2- در اصل وصیت «ببخشید».

3- در اصل وصیت «دارم» افتاده است.

4- ر.ک. تعلیقات.

5- در اصل وصیت «شیرم هلالم کن».

6- در اصل وصیت «از سرم».

بسم الله الرحمن الرحيم ورحمتها من غيرهم من زاد  
 تو ایمن یقین بنی سبیل الله از نوات بنی اعیان و یقین شمره کن (دکتر کبیر)  
 آنگاه گشته شود در راه خدا مدتها قدر کیم زنده گشته در کین خیر است  
 ؛ بعد مره کبیر انقلاب استوار رسد به تحمید که جانم خود را نشا در وقت شوقند  
 انقلاب را تمام میزدند و با بود ؛ روز شکر که شب روزی از محسن است و کای اناج می کنند  
 و محبت نام خود را شروع می کنند من چون طمس که و طبع خود را دانستم به محبت مردم سلام می کنم  
 و شکر خدمت است اما بیایم از خاندان کرم تقاضا دارم که برای زنده حقیقت نا رعایت گشته  
 دیگر خدا را بیکی خود من خواهر عین سعادت نصیب من شد تحمید بشوم از ملک ما خدایم دوستی  
 که جبر نفی شیع خودی بدلی تبرین کوشن کند چون من از محبتی در بخشها کز تریشتم  
 مهم چنین بعد از تقاضای ما چون طرم که شری به من داد ای سلام تقیر بعد از آن که بر او من  
 تحمید من زحمتی نیست که زانکه گتم چون قدم مردم بدها و هم مردم را و اگر نارضی از خود دور  
 صرف نظر کنی و اگر کسی بر آن من که ؟ من از آنکه کند عدول من به کیم و مدح و ما که از ارد و از بر او نام  
 و عسرا که آنان در خاها نام تقاضا دارم اگر در طول امر و تمام که جگر من نا راضی زنده بود  
 نادید بگیرند و عدول کند و زان نام از آنکه و عزت ای سلام با من لباسی سبب می شود گشته  
 هر چه می که از دست زنده من است ای افتخار بر سر دوار دیگر می ای از این است که بر دوار  
 یعنی تحمید ای سلام و دله بر دل و نام اگر من در میان شما نیستیم ؛ هیچ دم نا در خدمت نباشیم  
 ای سلام بر دل و ای که گش ؛ زانکه ای سلام زنده ای که گشته در راه این تحمید ای که خاطر آن در این

محمد جعفر با دگر و تقدر از تو آنگاه می خواند به جیم هر روز که تا کنون تکلیف  
 سرور و ستم همه ها که کسکرتا ریشتم این بود جزا بیگار از زان که زین بقدر  
 و بدادند و ظلمت که این است که از خب لا سر و ضال شیر و آرزو ای تو سر و کردار  
 این خب کلام که خبیر کن شد لایک و حریت نام ۲۱ من خواهم دعا همیشه  
 ۲۱۰۰ بقره تاج نرود (عید تقصیر)

تا به کلیم تقدر شلالت می دم راه زینب پیش من مایه کز دل و جان می دم  
 مردم و دل که حقوق این خمدن سنگر سرخ ز خونم می کند تاریخ ایرومانی  
 و زین ایضا زین یا لای که می دم با سدرج مقیم خب سجن می دم  
 گر بعد از آن خدا پیش من بجز شاکت می دم

خراجا قتل خراجا قتل خراجا قتل

به لیه نژاد است که بداد نجف

بسمه تعالی

بیرسان و مادر عزیزم علما فخر امیریه چون بدون اجازه شما در جمیع امداد ما  
عق کتبه تانیا برادران اگر در پیش توین حقوق کردم مرا بخوشیه و از مادر  
تفاضا طوحن جنازه من زبیرین پیش کتبه اگر ما از حق و کتبه در این کتبه مدیه با  
نشدن از بهستی به نیتیم و اگر کسی برای این من کتبه بپوشد مدیه یون می راست  
و از زن برادرانم پوزش من طلبه من به افتاد انما است کردم مادر رحمان ضلی  
شما بران بنده و زحمت کشید چون پدر ما داشته خلاصه شدیم خلاصه کن تا

شاید آسوده خاطر شوید

شور جوانی از زرم بهت

قدسه کتبه از فردا از زرم بهت

نام: اللهيار  
نام خانوادگی: محسنی  
نام پدر: شاهمراد  
نام مادر: قمرتاج  
تاریخ تولد: یکم دی 1336  
محل تولد: روستای زیدآباد از توابع  
شهرستان دره شهر  
تحصیلات: دوم راهنمایی  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: چهارم فروردین 1361  
محل شهادت: بانه  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای روستای ارمو  
شهرستان زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ا این آب و خاک ایران عزیز و مکتب اسلام برگردن من حق دارند.
- ا قلبم روشن است که اسلام پیروز می‌شود.
- ا اسلحه‌ام را زمین نگذارید و راهم را ادامه خواهید داد.
- ا رهبر عزیز را تنها نگذارید.
- ا در تشییع جنازه من فقط ذکر خدا را داشته باشید.
- ا امیدوارم هیچوقت به من ناکام نگویید.
- ا برادرانم را به دین و اسلام تشویق کنید.
- ا برافراشته باد پرچم خونین اسلام.
- ا پدر و مادر عزیزم، بردباری و صبر شما باعث شکست دشمن می‌شود.
- ا در حفظ این آب و خاک کوشش کنید و نگذارید به دست اجنبیان از بین برود.

## اللهیار محسنی

### بسم الله الرحمن الرحيم

پدر و مادر و همزمان زیر به نظرم این قطعه که با من است آخرین و کاملترین فرم‌های من می‌باشد که در طول زندگی و در این اواخر همیشه به دنبال آن بودم و امیدوارم در این هدف که همان اسلام عزیز است از دریای بی‌کران شهادت بهره‌ای ببرم.

1- این آب و خاک ایران عزیز و مکتب اسلام برگردان من حق دارند. در حفظ آنها کوشش کنید و نگذارید بدست اجنبیان از بین برود.

2- قلبم روشن است که اسلام پیروز می‌شود و باید پیروز شود پس در راه پیرویش کوشش کنید.

3- اسلحه‌ام را زمین نگذارید و راهم را ادامه خواهید داد، که اطمینان دارم ادامه خواهید داد.

4- رهبر عزیز را تنها نگذارید و همیشه از او تبعیت کنید. من که موفق به دیدارش نشدم. پدرم و یا از [همر] زمان از طرف من به دست‌بوسی ایشان بروند.

5- در تشییع جنازه من فقط ذکر خدا را داشته باشید و الله اکبر را تکرار کنید. مبادا در این مورد بدگویی به انقلاب بشود.

6- پدر و مادر عزیز در زندگی رنج فراوان بسی داده‌ام، ولی امیدوارم که جانم را در راه شما فدا کنم که راه شما همان راه خداست.

7- امیدوارم هیچوقت به من ناکام نگوئید. چون من در نهایت کام را گرفتم که بهترین نعمت‌ها است.

8- پدر و مادر عزیز برای من گریه نکنید. زیرا بردباری و صبر شما بیشتر باعث شکست دشمن می‌شود.

9- برادرانم را به دین و اسلام تشویق کنید و بگوئید که راهم را دنبال کنند.

10- همزمان و دوستان، پدر و مادر را تنها نگذارید و در وقت‌های مناسب به آنها سر بزنید.



در پایان درود فراوان به رهبر عالیقدر امام خمینی. بر افراشته باد پرچم خونین اسلام.  
جاوید ایران عزیز. نابود باد مستکبران و استعمارگران «شرق و غرب»<sup>1</sup>

آنکه جاننش در راه هدفش نثار خواهد کرد.

اللهیار محسنی



و هر زمان که زین نظر من این مقله نه، فرست آرزین و اما علمین فرمای من سب است  
مردم که با این نظر من در این راه همیشه به دنبال آن بودم و امیدوارم در این هدف که من اسلام

نیز است از در میان بیکران شهادت بجوای برم

ایشان آب و خاک ایران نیز و کتاب اسلام برگردان من حق دارند در حفظ آنها کوشش کنید و نگذارید  
بسی است اینجیل از من برود

۱- قلم کوشی است که اسلام بر سر من شود و باید روز شود پس در هر پیرویش کوشش کنید

۲- اسلام را از من نگذارید و راهم تا ادامه خواهد داد که الهیت که درم ادامه خواهد داد

۳- هرگز نیز از شما نگذارید و همیشه از او تبعیت کنید من که معوق با دیدار من نشدم پدرم و نیز

خدا که در طرف من نیست لوسی است آن کریم

۴- حد تشیع من نه ۵۰ فقط که خدا را داشت باشد و الله اکبر را که نگذارد در این مورد بدگویی به

غلاب شود

۵- پدر و مادر نیز در زندگی بروج فرادان منی داده ام ولی امیدوارم که هر از راه من خدا کنم که اله شاهی

۶- خدا است امیدوارم صحبت من تا کام نگویم چون من در نهایت کام را در قلم که بهترین صحبت است

۷- به پدر و مادر نیز در آن من قرینه نگذارد زیرا بر دنیا و کمالیته بیشتر است شگفتی و سخن میشود

۸- بخواند ام را به دین و اسلام در ترویج کنید و بگویند که همراه احوال کنند

۹- اسهال زمان محدود است که در هر سال در آنجا نگذارید و در وقتها من مناسب با آن سیر نیز در پاریس

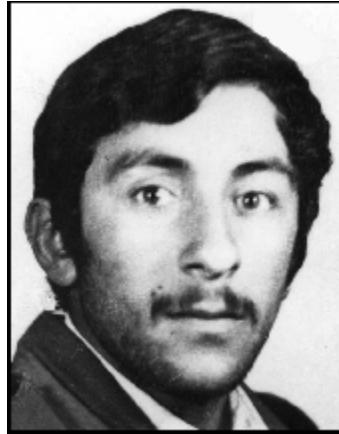
۱۰- بروند فرادان به هر حال بقدر تمام منی را فرار شده با پریم خوشی اسلام و امیدوارم که عزیزان بود

سنگبران و اسفند در آن شرق و غرب

اللهم صل علی محمد

آن که جانش را در آن هدف منی ساز خواهد کرد

نام: عبدالله  
نام خانوادگی: محسنی  
نام پدر: مراد  
نام مادر: ستاره  
تاریخ تولد: یکم شهریور 1345  
محل تولد: روستای قبله از توابع شهرستان  
ایلام  
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی  
ارگان اعزام‌کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: هشتم خرداد 1365  
محل شهادت: چنگوله  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: بخش صالح‌آباد از توابع شهرستان مهران



## عبارت‌های کلیدی

- ا خدا را شاهد می‌گیرم این راه را با شناخت کامل انتخاب کردم.
- ا یقین بدانید ما از بین نرفته‌ایم و زنده‌ایم طبق فرمان پروردگار.
- ا شما هم مقاوم باشید که خداوند اجر می‌دهد.
- ا مادرم شما و هم پدرم، اما برای کوری چشم دشمنان اسلام صبر کن و مقاوم باش که خدا شاهد است و پاداش می‌دهد.
- ا این کشور متعلق به آقا امام زمان (عج) است.
- ا امروز حمایت از جنگ لیبیک گفتن به آقا اباعبدالله‌الحسین ( 7 ) در روز عاشورا است.
- ا با تمام وجود از جمهوری اسلامی دفاع کنید.
- ا از کلیه عزیزان خواهان این هستم که مانند حضرت علی ( 7 ) و امام حسین ( 7 ) از اسلام دفاع کنید.
- ا برادران عزیز و دیگر اقشار مختلف مردم، اسلام ایران پیروز است.

## عبدالله محسنی

### بسم الله الرحمن الرحيم

با عرض سلام و درود و تهنیت به پیشگاه آقا ولی عصر امام زمان (عج) و فرزند حضرت زهرا (3) امام خمینی. این الگوی مقاومت و این محبوب همه ملل محروم و مستضعف و قائم [مقام]<sup>1</sup> رهبری حضرت آیت الله العظمی منتظری<sup>2</sup> و امت شهیدپرور این مرز و بوم.

خدمت پدر و مادر عزیز سلام علیکم. در آخرین لحظات بار سفر بستن است، و زمان هم کم، لذا چند کلمه‌ای را به عنوان وصیت خدمت شما و امت شهیدپرور تقدیم دارم. پدر و مادرم خدا را شاهد می‌گیرم این راه را با شناخت کامل انتخاب کردم و از همه شما طلب آموزش دارم و مرا حلال کنید و یقین بدانید ما از بین نرفته‌ایم و زنده‌ایم طبق فرمان پروردگار. شما هم مقاوم باشید که خداوند اجر می‌دهد. پدر و مادرم از زحمات چند ساله شما تشکر می‌کنم. شاید جبران زحمات شما [را]<sup>3</sup> در طول چند ساله با شهادتم جبران کنم و اما مادرم روحیه‌ای که داری خیلی خوب است. اما سعی کن قویتر شود. می‌دانم که خیلی سختی برای من کشیدی. هم شما و هم پدرم، اما برای کوری چشم دشمنان اسلام صبر کن و مقاوم باش که خدا شاهد است و پاداش می‌دهد و از همه تقاضای آن دارم که مراعات کنند، در تمام احوالات زندگی در محضر خدا هستند و شما جوانان را نصیحت می‌کنم به پرهیزگاری و دوری از گناه، که شاید از زبان این بنده توبه‌کار در راه خدا اثری هم بر دل آنها هم بگذارد و آنها هم به این کار که ما رفتیم بکوشند و ادامه‌دهنده راه انبیاء باشند. آنچه که پروردگار فرموده است. انشاءالله

برای من گریه نکنید، گریه برای مظلومیت علی اکبر (7) و امام حسین (7) است که چقدر سوخت. گریه برای اباعبدالله الحسین (7) است.

ای امت دلیر و شهیدپرور به گفته امام بزرگوارمان خمینی بت شکن «این کشور متعلق به

1- در اصل وصیت «مقام» افتاده است.

2- ر.ک. تعلیقات.

3- در اصل وصیت «را» افتاده است.

آقا امام زمان (عج) است، مخالفت با جمهوری اسلامی مخالفت با قرآن است<sup>1</sup>. امروز حمایت از جنگ لیبیک گفتن به آقا اباعبدالله‌الحسین (7) در روز عاشورا است. با تمام وجود از جمهوری اسلامی دفاع کنید و گرنه خون هزاران شهید [را] از صدر اسلام تاکنون پایمال کرده‌اید.

از کلیه عزیزان خواهان این هستم که مانند حضرت علی (7) و امام حسین (7) از اسلام دفاع کنید. برادران عزیز و دیگر اقشار مختلف مردم، اسلام ایران پیروز است و بجنگید.

و چند سخن دیگر با عزیزان رزمنده: از اسلام دفاع مسلحانه کنید، تا انشاءالله دین مبین<sup>2</sup> اسلام در سراسر جهان گسترش یابد و مشتاقانه دفاع کنید. خدایا، خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»<sup>3</sup>

خدا حافظ

عبدالله محسنی

مورخه 65/3/7

---

1- صحیفه امام، ج 16، ص 379.

2- در اصل وصیت «بین».

3- در اصل وصیت «برکاه».

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

و هیئت نامه سردار شهید اسلام زنده نگر سینهز جبهه‌های حق علیه باطل

شهید محمد الله محسنی

با عرض سلام و درود و تحلیت به پیشگاه آقا ولی عصر امام زمان (عج) و تبریز شهید حضرت زهرا (س) امام خمینی این انکوی مقاومت و این محبوب همه ملل حریم و مستضعف و قائم رهبری حضرت آیتنا ۰۰۰ العظمی منتظری و امست شهید سرور این عزیزین ۰ شهید مستنیر و جادو حسن بن سکن علیکم در آخرین لحظات مبارک سفر پستین است، و زمان هم کم لذا چند کلمه ترا بعنوان وصیت خدمت شما و امست شهید سرور تقدیم میدانم و سادرم خدا را شاهد میکنم این راه را بسا شفاعت کامل انتصاب کردم و از همه شما طلب آموزش در این و جزا حلال کنید و یقین بدانید ما از بین نرفتیم و زنده ایم طبق فرمان سرور گار شما هم تمام باشید که خداوند اجر میدهد، و پدر و مادر از زحمات چند ساله شما تشکر میکنم شاید جبران زحمات شما را در طول چند ساله با شهدا تم جبران کنم و اما سادرم روحی که در ایند غلیظ خوب است، اما صمی گن تویتر شود، میدانم غلیظ سختی برای من کفیدی هم شما و هم پدرن اما برای کوری چشم دشمنان اسلام صبر کن و طاوم باش که خدا شاهد است و یاد اثر میدهد و از همه شما ای آن دار که مراعات کلس در تمام احتمالات زندگی در محضر خدا هستید و شما جوانان را نصیحت میکنم به پرهیزگاری و دوری از گناه که شاید از زمان این بنده نهی کسار در راه خدا اثری هم بردل آنها هم بگذارد و آنها هم به این راه که ما وقتیم بگوشند و ادامه دهند تا راه انبیا آید که برود کار امر فرموده است انشاء الله برای من گریه نکنید گریه برای مخلوق است علی اکبر امام حسین (ع) است که چقدر سوخت، گریه برای ابا عبد الله الحسین (ع) است ای امت دهر و شهید پرور به گنیه امام بزرگوار سان خمینی بت شکن این کشور متعلق به آقا امام زمان است مخالفت با جمهوری اسلامی مخالفت با قرآن است.

امروز حمایت از جنگ لیبیک کتین به آقا ابا عبد الله الحسین (ع) در روز عاشورا است پس تمام وجود از جمهوری اسلامی دفاع کنید و گرنه خون هزاران شهید از صدر اسلام تا کنون پایمال کرد ما بعد.

از کلبه عزیزان خواهان این هستیم که مثل حضرت علی و امام حسین (ع) از احاطه دنیا بیخ کنیست بر ما وارد هرگز و دیگر امتصار مختلف مردم اسلام ایران انشاء الله اسلام برقرار است و بجزگید.

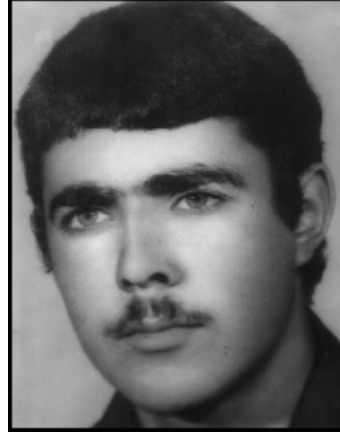
و چند سخن دیگر با عزیزان زنده از اسلام دفاع جلیتانه کنید تا انشاء الله دین بین اسلام در سراسر جهان گسترش یابد و بتاتمانه دفاع کنید.

خدا ایا خدا ایا تا انقلاب مهدی خمینی را نشهیدار

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

خدا حافظ. عبد الله محسنی. مریخه ۷/۳/۷۰

نام: نجات  
نام خانوادگی: محسنی  
نام پدر: خورشیدخان  
نام مادر: منیجه (منیژه)  
تاریخ تولد: سال 1345  
محل تولد: شهرستان ایلام  
تحصیلات: سوم متوسطه  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: بیست و چهارم تیر 1367  
محل شهادت: مهران  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: بخش صالح آباد از توابع شهرستان مهران



## عبارت های کلیدی

- ۱ اینک می دانم خداوند چرا انسان را به وجود آورد.
- ۱ ای پدر و ای مادر، خود را در مقابل عظمت خدا و شما شرمنده می بینم.
- ۱ می دانم که مرکب شهادت دنبال می گردد و در هر عملیاتی به من نیز نزدیکتر می شود.
- ۱ آری من عاشق شهادت راستینم و هرگز تن به ذلت نخواهم داد.
- ۱ برایم ناراحت نباشید، زیرا کسانی که در راه خدا و برای رضای خدا به شهادت می رسند پیش خداوند پاداشی بس عظیم دارند.
- ۱ پدر و مادر عزیز اگر شهید شدم، برایم مراسم ساده ای برگزار نمایید.
- ۱ بعد از 23 ماه خدمت و جنگ دیدم و بوییدم عطر ارواح شهدا و عطر آزادی در هم آمیخته.

## نجات محسنی

### بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خدایی که آرام بخش دلهاست و به نام خدایی که گرداننده شب و روز است. خدایی که هر چه دارم از او دارم و محتاج او می‌باشم.

اینک که کم‌کم از روزنه‌های سنگرها سایه مرگ همچون تیغ‌هایی از آفتاب به داخل راه می‌یابد، تا وجودم را در خود بتند و از هستی ناامید سازد، اینک می‌دانم خداوند چرا انسان را به وجود آورد و هر روز از چگونگی راز مرگ و آفرینش بیش از پیش آگاه‌تر می‌شوم و در حالی که می‌دانم غم سنگینی همانند کوه و یا رازهایی که در اعماق دریاها بیکران در خود می‌پیچند، اطرافم را احاطه نموده است.

ای پدر و ای مادر زحمت‌کش، من این حقیر، خود را در مقابل عظمت خدا و شما شرم‌منده می‌بینم. زیرا که شما با چه زحمتی مرا بزرگ کردید و چه رنج‌ها که به پای نهال نوبختم نکشیدی و من در مقابل محبت‌های شما عکس‌العمل نشان داده و امیدوارم که به بزرگی خودتان مرا ببخشید، زیرا می‌دانم که مرکب شهادت دنبالم می‌گردد و در هر عملیاتی به من نیز نزدیک‌تر می‌شود. آری من عاشق شهادت راستینم و هرگز تن به ذلت نخواهم داد.

پدر و مادر عزیز و گرامی برایم ناراحت نباشید زیرا کسانی که در راه خدا و برای رضای خدا به شهادت می‌رسند پیش خداوند پاداشی بس عظیم دارند.

عزیزان سلام مرا به دوستان و آشنایان برسانید و برای تمام خانواده صبر و پایداری از ایزد تبارک و تعالی خواهان و خواستارم.

پدر و مادر عزیز اگر شهید شدم برایم مراسم ساده‌ای برگزار نمایید. چون من لیاقت آن را ندارم که بعد از مرگ هم شما را اذیت و آزار دهم.

پس از مرگم بگو با کلنگ‌داران  
بخاکم گذارند چون سوگواران  
به آئین همیشه این نامه خوانند  
که (نجات) رفت ملحق شد به یاران



ای مادر در جای جای مهرا<sup>1</sup> و کردستان و دیگر جبهه‌هایی که بعد از 23 ماه خدمت و جنگ دیدم و بوییدم عطر ارواح شهدا و عطر آزادی در هم آمیخته و فضا را چنان معطر کرده‌است که از شهر و شهرنشینی سیر می‌شوم.  
خدا همیشه شما را حفظ کند.

«والسّلام»

نجات محسنی

به تاریخ: 67/9/24

چگونه من از روحت نامه برادر شریف نجات مخرج

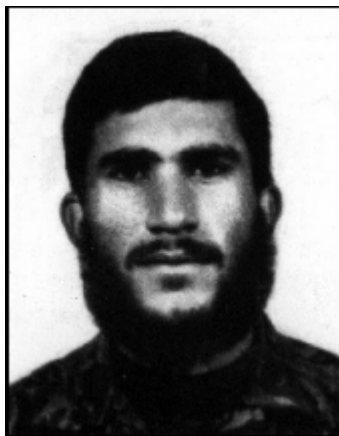
سنا مندا که آرام بخوی نبش در دست پیام میارید که در این روزها دست  
هزاریکه مرعی دارم که در دارم و خدایم که در این کتاب که منم که از روزها  
سفرهاست که در دست چون شفا جان کتاب به داخل راه میاید تا در جودم  
را در خود ببینند. ما در دست نالسیب از کتاب می دانم خداوند چه از کتاب  
انسان را به وجود آورده و هر روز از حق تعالی بر او سب و آزار می دهد یعنی از پیش  
گناهان تر می شود و در حال که می دانم غیر سبقتی همانند ده و بار بار این کسور  
اعمالی در جای سب و آزار و خنوع می بیند. اما اینها الحاطه نیز در دست است  
ای پیروای من در زحمت کنی می دانم صبر خود را در مقابل عظمت خدا و  
سنا. شرمند من بینم ز غم و آسایش با چه زحمت سر آوردن من دیدیم و بر می آید که

به این سال که خجسته بنامی و من در مقابل همه چیزها مخلص العمل  
نشان داده و امید دارم که به بزرگی خود بتوانم را بخشد ز عوارض تمام که  
سویب سعادت و سلام من گردد در هر حال آن بیست هزار نفر دیگر من شود  
آنکه من عاشق سلامت و خوشتر کن به دولت خیرام داد ببرد  
و در عزیزی و در این محرم ناراحت نباشد زیرا که آن که در راه خدا راه  
رضای خداست سعادت هر سه بیست هزار نفر با دانش بیست عظیم دارند  
عزیزان سلام ما به درون ما مشاغل ~~.....~~  
~~.....~~  
صبری بسیار از این ببارک و توفیق خدا جان و خواتم بدو و ما عزیزی  
آخر سینه هم برای مراسم صلوات ای بر گزار نماید چون بیست

آن را زاندم که بسیار بزرگ هم شمارا دوست دارم  
بسیار بزرگ بود ما با لکن داران چنانکه نداشتیم که در آن  
به آئین همه انسانها که نجات گرفت (ممنونم بسیار از  
این مادر و پدری عالی بسیار و بزرگ که دوست دارید و بسیار عالی  
که بسیار بزرگ ما خدمت کردیم و بزرگ عمل از او را عمل  
آزاد کردیم همیشه و منتظر آمدن عمل کرد، است که از شما و هر کسی  
عید و شکر خدا همیشه شمارا حفظ کند و سلام این بود و عزیز

نجات محسنی

نام: آشور  
نام خانوادگی: محمدحسینی  
نام پدر: الله خان  
نام مادر: طویی  
تاریخ تولد: سال 1340  
محل تولد: روستای کازران از توابع شهرستان  
شیروان و چرداول  
تحصیلات: چهارم متوسطه  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: بیست و یکم تیر 1362  
محل شهادت: مهران  
نحوه شهادت: اصابت گلوله  
مزار: بخش صالح آباد از توابع شهرستان مهران



## عبارت های کلیدی

- ۱ در راه مبارزه با دشمنان اسلام هیچوقت ناراحت نباشید.
- ۱ ای کاش من هم لیاقت آن را داشتم که شهید می شدم.
- ۱ شهیدان در آن حیات جاوید با حسین ( 7 ) محشور می گردند.
- ۱ مبدا پس از شهادتم و شهادتم در روحیه انقلابی شما اثر کرده.
- ۱ علاوه بر این که خون بهایم را از دولت نمی گیرید، بلکه دولت را یاری نمایید.
- ۱ هنگام شهادتم با خون بدنم بر زمین کربلای ایران می ریزد، در هر زمان و هر مکان باشد خونم (الله اکبر و خمینی رهبر) را نقش می بندد.
- ۱ اگر برای چند لحظه جانم دیر بدر رود با خون خودم و با انگشتان به خون آغشته ام می نویسم (زنده باد اسلام و درود بر خمینی).

## آشور محمدحسینی

### بسم الله الرحمن الرحيم

به نام الله یگانه پاسدار حرمت خون شهداء و با سلام بر مهدی صاحب الزمان و نایب برحقش خمینی کبیر.

قال الله تعالى: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ»<sup>2</sup>  
«خدای تعالی فرمود: [به] آنهایی که در راه خدا کشته می شوند مرده نپندارید کلیه آنها زنده هستند و پیش خدای خود روزی دارند».

پس ای مادرم امیدوارم در صورت شهید شدنم در راه الله و احیاء دین خدا و در راه مبارزه با دشمنان اسلام هیچوقت ناراحت نباشید، و همچون مادران صدر اسلام که فرزندان و شوهرشان را از دست می دادند و همچون کوه استوار می شدند و می گفتند ای کاش من هم لیاقت آن را داشتم که شهید می شدم و به فرموده شهید بزرگوار آیت الله دستغیب<sup>3</sup> «این دستور شهیدان است که به مادران شهدا می گوید، این پسر نو که کشته شده چه جوانی بود؟ چه جمالی داشت؟ پر خوبی بود؟ چرا این پسر شما کشته شود و غیره...» اما باز به گفته مرحوم شهید دستغیب ما انسانها همه میمیریم (حی القیوم) خدا یکتاست اما یکی در سن جوانی شهید می شود و کسی با سن (100) ساله می میرد «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»<sup>4</sup>  
«ما از خداییم و به سوی او باز می گردیم» و از این دنیای مادی چیزی را با خود نمی بریم اگر بیشتر در دنیا زندگی کنیم خیرات بیشتری برای زندگی اخروی جمع می کنیم. کسانی که از اول عمر تا آخرش عبادت کرده و انفاق کردند با کسانی که با یک ضربت دشمن شهید شدند، مساوی هستند. ولی با این تفاوت که شهیدان در آن حیات جاوید با حسین (7) محشور می گردند.

1- در اصل وصیت «قتلوا».

2- آل عمران/ 169.

3- ر.ک. تعلیقات.

4- بخشی از آیه 156 سوره بقره.

پدر و مادر عزیزم در این وصیت‌نامه [به] نصایحی خیلی بزرگتر از حد خودم را بر کاغذ می‌نگارم و امیدوارم تا حد امکان اجرا نمایید.

1- پس از شهید شدنم تا آنجا که می‌توانید خود را کنترل کرده گریه و زاری و جزع و نزع ننمایید در صورتی که می‌دانم از عهده این وظیفه بر نمی‌آیید.

2- برای خشنودی روح من مبادا پس از شهادتم و شهادتم در روحیه انقلابی شما اثر کرده و احیاناً خدای ناخواسته به دولت جمهوری اسلامی نیش زبان بزنید<sup>1</sup> علاوه بر این که خون بهایم را از دولت نمی‌گیرید بلکه دولت را یاری نمایید.

3- برایم سیاه<sup>2</sup> نپوشید. اگر دل ناکامید<sup>3</sup> بیش از یک ماه خود را در لباس سیاهی نگذارید و باز می‌گویم چنان عشق خمینی را در دل دارم که هنگام شهادتم با خون بدنم بر زمین کربلای ایران می‌ریزد در هر زمان و هر مکان باشد خونم نقش (الله اکبر و خمینی رهبر) را می‌بندد اگر برای چند لحظه جانم دیر بدر رود با خون خودم و با انگشتان به خون آغشته‌ام می‌نویسم (زنده باد اسلام و درود بر خمینی) جانم که از دست رفت فدای حسین (7) و ارتش خمینی عزیزم.

شکوه و شرف در شهادت است	نه مردن در بستر که یک حالت است
به حق به شهادت کمر بسته‌ام	من از ماندن بی‌ثمر خسته‌ام

4 محل شهادت: مهران

5 علی محمد حسینی

1- در اصل وصیت «نزنید».

2- در اصل وصیت «سیاهی»، ر.ک. تعلیقات.

3- در اصل وصیت «نکامید».

4- ر.ک. تعلیقات.

5- از ذکر محل شهادت چنین برمی‌آید که پس از تایپ، محل شهادت به اصل وصیت شهید اضافه شده است.



بنام ... بگناه پاسد از حرم ... شید ۹۰ و با سلام بر مهدی صاحب الزما  
 نامبر حاشی همین گیسو ... بسم ... الرحمن الرحیم  
 قال الله تعالی ولا تحزن الذين قتلوا ... اموالنا بل انما عند  
 ربهم برزاقون ... خدای تعالی فرموده: به آنهاییکه در راه خدا کشته می شوند  
 مرد و نهد آنهم کلمه آنها زنده هستند و پیش خدای خود برزاق دارند ...  
 پس ای مادر ممد وارم در صورت شهید شدنم در راه ... و احیاء دین خدا

و در راه مبارزه با دشمنان اسلام هیچوقت ناراحت نشاید و همچون مادران صدر اسلام که فرزندان و شوهران  
 را از دست میدادند و همچون گوه استوارتر میشوند و میکنند ای کاش من هم ایفای آنرا داشتم که شهید ...  
 میشدم به فرموده شهید بزرگوار آیت ... در صفتی این دستور شیطان است که به مادران شهید می گوید  
 این پسر تو که کشته شد چه جوانی بود؟ چه جوانی داشت؟ پسر خوبی بود؟ جوانی جوان شما کشته شود  
 و غیره ... اما کبار به گفته مرحوم شهید دستغیب ما انسانها همه میرویم بی القوم ( خدا ) بنگارست  
 اما یکی در حسن جوانی شهید می شود و کسی با سن ( ۱۰۰ ) سالگی می میرد انالله و انا الیه وارجعون  
 ما از خدا بگریه و غمگین نیمانیم؟ در مسیر از این دنیا بگذریم و جزای را با خود می ببریم اگر بیشتر در جنت است  
 زندگی کنیم خیرات بیشتری برای زندگی اخروی جمع می کنیم کسانی که از اول عمر تا آخرت عبادت کرده و  
 اطلاق کردند ما کسانی که با یک شهید شدند مساوی هستند ولی با این تفاوت که شهیدان  
 در آن حیات جاهد با حسین (ع) مشورت می کردند .

پدر و مادر فرزیم در این صیت نامه به نصایح شریفی ترغیب از خود نمودم را برگزید می نگارم و امیدوارم خدا  
 امکان احیاء نماید .  
 ۱- پس از شهید شدنم تا آنجا که می توانید خود را کنترل کرده گریه و زاری و جزع و جع ننمایید در صورتیکه  
 می دانم از عهد این وظیفه بر من آید .  
 ۲- برای خوشنودی روح من مادا پس از شهادتم و شهادتم در روحیه انقلابی شما اثر کرده و احیاء خدای  
 نهواسته به دولت جمهوری اسلامی ایشان زنید علاوه بر اینکه خوبانیم و از دولت من گفید بلکه دولت  
 را باری شماست

۳- بر ارم ساهی پوشیده اگر دل تکلمه پیش از یک نامه خود را در لباس ساهی نگاه نه آید و باز می گفم  
 چنان عشق غمینی در دل دارم که هنگام شهادتم با خون بدتم بر زمین گریزای ایران می ریزد و هر زمان و  
 هر مکان باشد خونم نقش در الله افروز و خصی رهبر را می بندد اگر برای چند لحظه جانم دریدند خود با  
 خون خودم و با انگشتان به خون آغوششام می نهم . زنده باد اسلام و دود بر غمینی جانم که از دست  
 رفتند ای حسین (ع) و ارتش عصمتی فرزیم

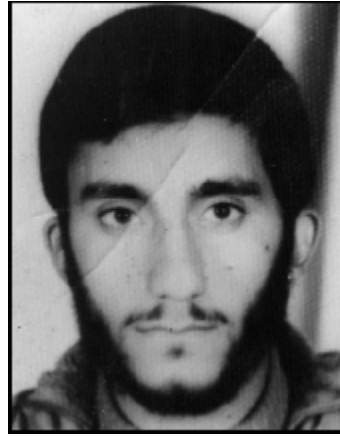
شکوه و شوق در عبادت است نه بودن در غیرت که یک حالت است  
 به حق شهادت گرفتارم من از ماعدن جی خرم استم

سجده شهادت میسران

علی محمدحسینی



نام: حسین  
نام خانوادگی: محمدحسینی  
نام پدر: الله خان  
نام مادر: طویی  
تاریخ تولد: یکم فروردین 1342  
محل تولد: روستای خزل از توابع شهرستان  
شیروان و چرداول  
تحصیلات: دیپلم  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: بیست و هشتم مهر 1363  
محل شهادت: میمک  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: بخش صالح آباد از توابع شهرستان مهران



## عبارت های کلیدی

- ۱ به این نتیجه رسیدم که باید رخت بریست و از این دنیای مادی زود گذشت.
- ۱ چه بهتر با لباس خونی و تنی پاره پاره به شکایت و خدمت سالار شهیدان حسین بن علی (7) رفت.
- ۱ به امید آن روزی که خداوند شهادت را که به قول امام «فوزی عظیم است» نصیب [مان] شویم.

## حسین محمدحسینی

### بسم الله الرحمن الرحيم

به نام کسی که جان دهد و جان ستاند.

در این لحظه به خدا سوگند که به این نتیجه رسیدم که باید رخت بربست و از این دنیای مادی زود گذشت، چون اگر نرویم مجبوریم عاقبت با بارسنگین تر و گناه بیشتری خواهیم رفت. هر چه بهتر با لباس خونی و تنی پاره پاره به شکایت و خدمت سالار شهیدان حسین بن علی (7) رفت. این راهی است که بدون هیچ گونه چشم‌داشتی و یا تعریف و تمجیدی برگزیدم. به امید آن روزی که خداوند تبارک و تعالی رحمتش را شامل حال ما نماید و شهادت را که به قول امام فوزی عظیم است نصیب [مان]<sup>1</sup> شویم.

انشاء الله

عصر 63/4/28

---

1- در اصل وصیت «مان» حذف شده است.

بسم الله الرحمن الرحيم  
 بخدمت حق که جان در راه حق است  
 سلامی لکم به خداوندی که در این حقیر رسدم که با درخت بر صفت در امان  
 دنیا به جای خود بود که درخت چوک اگر نروم. میروم عاقبت دنیا با درخت است  
 و خدا بهترینی رفت هر چه بهتر با ما می خونی رفتی دارم و دارم



مکتب رفت سالار شهیدان حسین ابن علی (علیه السلام) . او به راه است که به کرم  
 بچگونگی چشم راستی و با تعریف تمجیدی که نروم به امید آن بود که خلوده بیکرک در ستای  
 رفتن با شش حل نامه و مودارت که در منزل امام خودی حکم آن نصیب منوم

داستان شهدا  
 عصر ۴/۱۸ ر ۲۳

نام: شوکت  
نام خانوادگی: محمدزاده  
نام پدر: محمد  
نام مادر: عطیه  
تاریخ تولد: یکم خرداد 1342  
محل تولد: روستای سیفی از توابع شهرستان  
مهران  
تحصیلات: چهارم متوسطه  
ارگان اعزام کننده: -  
تاریخ شهادت: چهارم مهر 1359  
محل شهادت: کنجان چم شهرستان زادگاهش  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای امامزاده سیدحسین  
شهرستان مهران



## عبارت‌های کلیدی

- ۱ درود به روان پاک شهیدانی که در راه به ثمر رساندن نهضت خمینی جان خود را فدای اسلام نمودند.
- ۱ شکستن ملتهای زمان را می بینم وبوی عطر پیروزی را استشمام می کنم.
- ۱ شهیدان یاران امام حسینند.
- ۱ به خدا قسم اگر در این راه کشته شوم بزرگترین آرزویم را به دست آورده ام.
- ۱ مبادا دشمنان شما را غمگین ببینند.
- ۱ توصیه من به برادرانم این است که پیرو خط امام باشند.
- ۱ از خواهران و دوستانم خواهش می کنم که حجاب خود را حفظ کنند.

## شوکت محمدزاده

## بسم الله الرحمن الرحيم

با سلام به رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران خمینی بت شکن و درود به روان پاک شهیدانی که در راه به ثمر رساندن نهضت خمینی جان خود را فدای اسلام نمودند.

پدر و مادر گرامیم این وصیت را در حالی می نویسم که سر تا پا غرق شادی و سرور و پیروزی انقلاب هستم و شکستن ملت‌های زمان را می بینم و بوی عطر پیروزی را استشمام می کنم. هم اکنون مسجدها پر از نمازگزاران و یاوران امام و می خانه‌ها ویرانه و خاکی. خیابان‌ها با حجاب خواهران و مادران مزین گشته و صدای الله الله برادران مجاهد [بر] <sup>1</sup> فراز بام‌ها طنین افکنده است. مراکز فساد برچیده شده و ترویج قرآن و آیین محمدی پایدار شده. طاغوت زمان زبون و فنا شده و پرچم سه رنگ جمهوری اسلامی بر فراز بامها به اهتزاز در آمده است. خوشا به حال کسانی که در راه به ثمر رساندن میوه پربار عدالت، حسین وار <sup>2</sup> فدا گشتند و زیر بار ظلم و ستم ساکت نماندند. من هم آرزویم این بود که در این راه کشته شوم، که کشته شدن در این راه مقدس شهید محسوب شده و شهیدان یاران امام حسینند. به خدا قسم اگر در این راه کشته شوم، بزرگترین آرزویم را به دست آورده‌ام و در فراغم ناراحت نباشید و شیون و زاری نکنید. مبادا دشمنان شما را غمگین ببینند. در خاتمه شما را به خدا می سپارم امیدوارم زحمات طاقت‌فرسایی که برایم کشیده‌اید تا به این حد رسیده‌ام حلالم کنید و توصیه من به برادرانم این است که پیرو خط امام باشند و از خواهران و دوستانم خواهش می کنم که حجاب خود را حفظ کنند، تا دشمنان «شرق» <sup>3</sup> و غرب» در رسیدن به هدف‌های شومشان ناامید گردند.

به امید آزادی تمام ملت‌های در بند

شوکت محمدزاده

1359/6/15

1- در اصل وصیت «بر» افتاده است.

2- در اصل وصیت «حسینی وار».

3- ر.ک. تعلیقات.

صمیمت و محبت

یا سلام به رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران خدیجه کبری و درود به روان پاک شهیدانی که در راه  
 به شهر رساندن روحیت خدیجه جان خود را فدای اسلام کردند

بدر و مادر و اسم این وصیت دارد عالی می نویسم که سینه یا غرق شادی و سرور میریزی  
 انقلاب حقیقی و مستقل منقوش بر این برای بنیم و بوی طهر بیداری را در شکم او انیم  
 هم اکنون صبح که پر از غم از ایران و باران اعدا در فتنه گم و برانیم، و خالی خیابانها  
 با حجاب خواهران برادران و این کشور در عهدای اسم عالم، برادران مجاهد  
 فزاید با هم طهر افتخار است، سزاوار زیاد بر حیده شده، تو هم توانی و آتش چهره ای  
 به برادر شسته، حاضر است ایران ز بول و خا نشسته و پرچم به زینت شهید اسلام بر  
 زان با هم به افتخار از راه کرده است، خوشام حال کسانیم در راه به شهر رساندن میوه بزار  
 سلامت خدیجه و زنده نشدند و بر بار طهر و نسیم سلامت نمایندند من هم آنروز هم این  
 بود به مداین راه نسیم نسیم آیم فتنه گران در این راه قدس شهید هستی شهیدان  
 باران اعدا حسینه، به خدا قسم در مداین راه نشسته شهیدان عزیزین آنروز هم که است که امروزه این نسیم  
 راحت نباشید و شویون و زاری نیند و راه دشمنان تمام فتنین بستید، در خاتم شما راه خدیجه  
 امید داریم ز غم طاقت برسانی ام برایم کشیده ایم تمام این حذر صدایم حرم شهر و کوه من  
 به برادرانم ایستاد به برادر خطا اما آبا باشند و از خواهران و در کتابم خواهر من نسیم  
 حجاب خود حقیقتی هست تا دشمنان تفرق و غریب در رسیدن به هر فنوی شوقی از نا امید  
 به امید اناری تا آخرت می رسد

۵۹۶۸۵

نام: کاظم  
نام خانوادگی: محمدزاده  
نام پدر: قاسم  
نام مادر: فاطمه  
تاریخ تولد: دوم فروردین 1339  
محل تولد: بخش ملکشاهی از توابع  
شهرستان مهران  
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: بیست و سوم اردیبهشت 1370  
محل شهادت: شهرستان زادگاهش  
نحوه شهادت: انفجار مین و اصابت ترکش  
مزار: امامزاده پیرمحمد همان شهرستان



## عبارت‌های کلیدی

- ا خدا را شکر کنید که خداوند چنین نعمتی به ما عنایت فرمود که کشور ما از زیر سلطه کفار بیرون آمد.
- ا هیچگاه مشکلات و تهدیدهای دشمن، شما را نگران نکند.
- ا هدف ما مبارزه در راه خداست.
- ا اگر کشته شویم و اگر هم موفق شویم انقلاب اسلامی را به جهان صادر کنیم، درهمه حال پیروز هستیم.
- ا اگر توانایی مبارزه در جبهه را ندارید، پشت جبهه‌ها را محکم نگه دارید.
- ا چشم امام در جماران به شما جوانان عزیز می‌باشد.
- ا اگر مورد هجوم دشمن قرار گرفتید، حادثه کربلا را به یاد بیاورید.
- ا هیچ‌گاه عقب‌نشینی نکنید و از حیثیت و حرمت انقلاب اسلامی دفاع کنید.

## کاظم محمدزاده

### بسم الله الرحمن الرحيم

با سلام به امام امت و ملت شهیدپرور ایران  
برادران و خواهران عزیز خدا را شکر کنید که خداوند چنین نعمتی به ما عنایت فرمود  
که کشور ما از زیر سلطه کفار بیرون آمد و اسلام بار دیگر به کشور اسلامی ما به تمام معنا  
روی آورد و به ما توفیق جهاد در راه خدا داده شد، پس هیچگاه مشکلات و تهدیدهای  
دشمن، شما را نگران نکند.

هدف ما مبارزه در راه خداست و اگر کشته شویم و اگر هم موفق شویم انقلاب  
اسلامی را به جهان صادر کنیم در همه حال پیروز هستیم.

هیچ‌گاه جبهه‌ها را ترک نکنید و اگر هم توانایی مبارزه در جبهه را ندارید پشت جبهه‌ها  
را محکم نگه دارید. اسلام در این موقع حساس به شما جوانان عزیز احتیاج دارد. چشم  
امام در جماران<sup>1</sup> به شما جوانان عزیز می‌باشد. اگر مورد هجوم دشمن قرار گرفتید حادثه  
کربلا را به یاد بیاورید و هیچ‌گاه عقب‌نشینی نکنید و از حیثیت و حرمت انقلاب اسلامی  
دفاع کنید باشد که خداوند شما را یاری کند.

سلام به خانواده و برادران عزیزم. از شما تقاضا دارم همیشه به یاد خدا باشید و صبر  
داشته باشید و اگر من شهید شدم از پدر و مادرم سرپرستی کنید و نگذارید آنها ناراحتی  
بکشند.

«والسلام علیکم<sup>2</sup> و رحمة الله و برکاته»

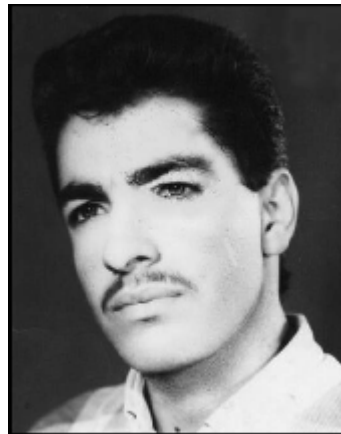
1- ر.ک. تعلیقات.

2- در اصل وصیت «و اسلام علیکم».





نام: علی اصغر  
نام خانوادگی: محمدی  
نام پدر: قنبر  
نام مادر: فوزیه  
تاریخ تولد: هشتم تیر 1350  
محل تولد: روستای سرنی از توابع شهرستان  
مهران  
تحصیلات: دیپلم  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: بیست و هفتم اسفند 1370  
محل شهادت: اهواز  
نحوه شهادت: اصابت گلوله  
مزار: بخش صالح آباد شهرستان زادگاهش



## عبارت های کلیدی

- ا دوست دارم فانوس کوچکی باشم، ایستاده بر اندام سنگر.
- ا دوست دارم آسمانی پرستاره باشم تا همه ستاره را در دست های جنگجوی قهرمانی بریزم.
- ا دوست دارم کاغذ سپیدی باشم تا رزمنده ای رازهایش را در قلب من بریزد.
- ا دوست دارم شبنم اشکی باشم تا بر گل گونه رزمنده ای بلغزم.
- ا دوست دارم شهیدی باشم ایستاده بر شانه های استوار و متین برادرانم آزاد و سربلند.

## علی اصغر محمدی

### بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خدا. دوست دارم آفتاب باشم تا به حرمت خلوت رزمنده ای با خالقش قبای زرین بر پیکر بیعت کنم<sup>1</sup>. دوست دارم فانوس کوچکی باشم، ایستاده بر اندام سنگر، با پرتو سوسوی عاشقانه‌ام، سایه صمیمیت جمعی از مردان خداوند [را]<sup>2</sup> بر دیوار بنشانم. دوست دارم آسمانی پرستاره باشم تا همه ستاره را در دست‌های جنگجوی قهرمانی بریزم که جز عشق به خدا هیچ نمی‌باشد. دوست دارم کاغذ سپیدی باشم تا رزمنده‌ای رازهایش را در قلب من بریزد و آخرین حرف‌هایش را پیکر من بنگارد دوست دارم شبنم اشکی باشم تا بر گل گونه رزمنده‌ای بلغزم و کویر سوخته دلش را سیراب کنم. دوست دارم شهیدی باشم ایستاده بر شانه‌های استوار و متین برادرانم آزاد و سربلند. شهیدی که در آغوش افق او خوشبخت می‌شود.

---

1- در اصل وصیت «برکنم».

2- در اصل وصیت «را» افتاده است.

دست نامه شفیه ایلمز قوری

نام خدا دوست دارم آنکس باشم که دوست خلوت روزها من با خاشاک تنهای زمین  
بر یکو بیت برکت دارم نخل کوی باشم و ایستاده بر اندام سنگو با پیر تو بر روی  
عاشق دارم بنام بیت جنهار جوان خداوند بر دیوار بنام دوست حلام آنجا می نشینم  
باشم تا همه دستارها را در دوشمار منگویی قهرمان کوزم که جز من به خدا هیچ ندانند  
دوست دارم کعبه سیدین باشم تا روزی که این را از حایرین یاد بطلب من ببرد و آفرین  
خوشاییش را بر یکو من بگذارد در دست دارم شبنم نشین باشم تا بر کوه آرزنده این  
باغزم در کوی صوغه دلش را سیراب کنم دوست دارم شفیه ایلم باشم ایستاده بر  
سازگار ستوار و متین برادرانم آزاده بر باد شفیه ایلم در آن سر راه حق لو خیزمت جانگود

نام: غلامحسین  
نام خانوادگی: محمدی  
نام پدر: صیداحمد  
نام مادر: سنگین طلا  
تاریخ تولد: دوازدهم خرداد 1326  
محل تولد: شهرستان دهلران  
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: شانزدهم فروردین 1362  
محل شهادت: قلاویزان  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای امامزاده سیداکبر  
زادگاهش



## عبارت های کلیدی

- ۱ بارالها قوتی به ما ده تا در راه انقلاب اسلامی و در راه دین و ایمان و به خصوص اسلام خود نبرد کنیم.
- ۱ ملت شهید پرور ایران همیشه یاور و همراه امام امت این بت شکن زمان خمینی کبیر باشید.
- ۱ نگذارید که امام امت تنها بماند.
- ۱ همیشه گوش به فرمان امام امت باشید.
- ۱ ما که رفتیم «کاری حسینی کردیم» و شما که ماندید مدیون خون هزاران شهید به خون خفته هستید، باید کاری زینبی بکنید.
- ۱ کسی که در راه خدا شهید بشود، در بهشت است و گریه ندارد.
- ۱ پشتیبان ولایت فقیه باشید.
- ۱ از همسرم خواهش مندم بچه هایم را انقلابی بار بیاورد که آنها هم پاسدار خون من و امثال من باشند.

## غلامحسین محمدی<sup>1</sup>

### بسم الله الرحمن الرحيم

بارالها قوتی به ما ده تا در راه انقلاب اسلامی و در راه دین و ایمان و به خصوص اسلام خود نبرد کنیم و پرچم سرخ شهادت [را]<sup>2</sup> که حکومت الله بر آن برقرار است به اهتزاز درآوریم.

خدایا به خانواده‌های شهدا صبر و استقامتی عطا بفرما، تا بتوانند راه فرزندان عزیزشان را ادامه دهند و امید من به ملت شهید پرور ایران این است که همیشه یاور و همراه امام امت این بت شکن زمان خمینی کبیر باشید و نگذارید که امام امت تنها بماند و همیشه گوش به فرمان امام امت باشید و هر کاری که او صلاح می داند انجام دهید تا مورد رضایت خدا باشید.

ای ملت رزمنده ایران ما که رفتیم «کاری حسینی کردیم»<sup>3</sup> و شما که ماندید مدیون خون هزاران شهید به خون خفته هستید باید کاری زینبی بکنید.

از خانواده‌ام و مادر عزیزم خواهشمندم که هیچ وقت برایم گریه نکنید، که ضد انقلابیون از گریه کردن شما خوشحال می شوند. باید شما شاد باشید تا ضد انقلابیون ناراحت باشند.

به تمام دختران و پسرانم سلام می رسانم و از شما این خواهش را دارم که هیچ وقت برایم گریه نکنید و شما راه مرا ادامه دهید. چون که کسی که در راه خدا شهید بشود در بهشت است و گریه ندارد و از پسرانم می خواهم درس خود را ادامه دهید و پشتیبان ولایت فقیه باشید و از خانواده‌ام می خواهم که آنها هم مثل خانواده‌های شهدا صبر و استقامت از خود نشان دهند.

از همسرم خواهشمندم که در امر بچه‌هایم رسیدگی کند و بچه‌هایم را انقلابی بار بیاورد

1- از جمله وصیت‌نامه‌هایی است که اصل دستخط شهید در اختیار نیست.

2- در اصل وصیت «را» افتاده است.

3- تعبیر «آنان که رفتند کاری حسینی کردند، آنان که ماندند باید کاری زینبی کنند» از دکتر علی شریعتی است.

که آنها هم پاسدار خون من و امثال من باشند و همیشه در خط امام خمینی باشند.  
در آخر از تمام اقوام و خویشان و برادران و خواهران می‌خواهم اگر از من خدای  
ناخواسته نگرانی دارند مرا ببخشند و حلال کنند. از مادر عزیزم می‌خواهم شیری را که به  
من داده حلال نماید و مرا ببخشند.  
ای مادر من هیچ کاری برای شما نکردم مرا حلال کنید. از همسرم می‌خواهم که مرا  
حلال کند.

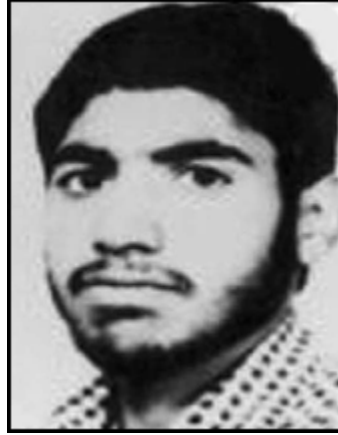
خداحافظ ایا مادر که دارم می‌روم جبهه حلالم کن دم آخر نمی‌بینم تو را دیگر

که شد هنگام پیروزی علیه دشمنان یکسر

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی (عج) خمینی را نگه دار

غلامحسین محمدی

نام: محمد  
نام خانوادگی: محمدی  
نام پدر: شیخ عباس  
نام مادر: خانم جان  
تاریخ تولد: سوم تیر 1343  
محل تولد: روستای میمه از توابع  
شهرستان دهلران  
تحصیلات: دوم راهنمایی  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: چهاردهم آبان 1363  
محل شهادت: میمک  
نحوه شهادت: -  
مزار: جاویدالآثر



## عبارت های کلیدی

- ا بار خدایا آرزویم این است که شهادت در راهت را نصیبم گردانی.
- ا از مردم غیور و شهیدپرور می خواهم که اتحاد داشته باشید.
- ا امام راتنها نگذارید.
- ا همیشه رزمندگان را دعا کنید.
- ا نکند که با گریه شما منافقین کوردل خوشحال شوند.
- ا همیشه در جبهه ها حضور داشته باشید.
- ا نکند جای مرا خالی کنید.
- ا اسلحه من را بردارید و در سنگر من بنشینید.
- ا خواهرانم از شما می خواهم که در حفظ حجابتان کوشا باشید و زینب گونه رفتار کنید.
- ا شکیبایی پیشه کنید، تا نکند دشمنان اسلام بر گریه شما خوشحال شوند.
- ا ای مادر عزیزم در آن دنیا فرزندی دارید که به مقام واقعی شهید رسید.



محمد محمدی

## بسم الله الرحمن الرحيم

با سلام به خدمت صاحب زمان و نایب برحقش امام خمینی و درود و سلام بیکران بر شهیدان راه اسلام از صدر اسلام تاکنون و درود و سلام بر آن رزمندگان غیور اسلام که همواره جان و مال خویش را فدایی قرآن و اسلام می‌نمایند. به‌نام او وصیت خودم را شروع می‌کنم.

بار خدایا اینکه برای خشنودی تو در ستیزم چه در جنگ با کفار منافقین<sup>1</sup> و چه در جنگ با خویشان، آرزویم این است که شهادت در راهت [را] نصیبم گردانی و مرا جز بندگان خالص خودت قرار دهی. آری وصیت بنده این است که از<sup>2</sup> مردم غیور و شهیدپرور می‌خواهم که اتحاد داشته باشید و امام را تنها نگذارید. همیشه رزمندگان را دعا کنید. امیدوارم که به زودی زود، زیارت کربلا نصیب شما شود.

و تو ای مادر مهربانم از اینکه تو در این تمام مدت که برای من زحمت کشیدی از تو می‌خواهم که شیرت را حلالم کنی و مثل یک مادر شهید رفتار کنی. نکند که به گریه شما منافقین کوردل از گریه تو خوشحال شوند، شاید در آن دنیا خداوند شما را انتخاب کند و تو ای برادر عزیزم از تو می‌خواهم مرا ببخشد و مرا حلال کنی و همیشه در جبهه‌ها حضور داشته باشید، نکند جای مرا خالی کنید. اسلحه من را بردارید و در سنگر من بنشینید.

برادرم 5 تومان مال خواهرم نجمه را بدهید و به آن بگویید که مرا حلال کند. و تو ای خواهرانم از شما می‌خواهم که در حجابتان کوشا باشید و زینب‌گونه رفتار کنید و همان طوری که می‌گویند زن مربی جامعه<sup>3</sup> است [...] نقش بزرگی در جامعه دارند باید داشته

1- ر.ک. تعلیقات.

2- در اصل وصیت «به».

3- در اصل وصیت «جامه».

4- خوانا نیست.

باشید. و مثل زینب (3) رفتار کنید که تحمل 72 شهید کرد و به<sup>1</sup> تمام قومان و خویشانم سلام می‌رسانم و اگر ناراحتی از من دیدند، به بزرگی خودشان مرا ببخشند. چند تا دعا می‌کنم و وصیتم را خاتمه می‌دهم.

بار خدایا از تو می‌خواهم که مرا [...] <sup>2</sup>خالص خودت قرار دهی و از سر تقصیر ما بگذری. بار خدایا از تو می‌خواهم که زیارت کربلا نصیب همه مسلمانان بگردانی. بار خدایا من چندتا آرزو دارم ولی معلوم است که به آرزویم نرسیدم. [...] <sup>3</sup>ایمان [...] <sup>4</sup> و پیروزی اسلام و زیارت کربلا. بنده محمد محمدی به وصیتم خاتمه دادم. خدانگهدار امام.

در ضمن از برادرم می‌خواهم که به ابراهیم برسید و به جای من دو چشمش ببوسید.

62/7/21

وصیت‌نامه محمد محمدی

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]<sup>5</sup>

### بسم الله الرحمن الرحيم

«هر موقع که دین اسلام احتیاج به دفاع داشته باشد، وظیفه هر فرد مسلمان است که در راه خدا جهاد کند»<sup>6</sup>. (امام خمینی)

آنان که ایمان آورده‌اند و در راه خدا کارزار میکنند، چه در این راه کشته شوند و چه بکشند پیروز هستند. از آن می‌ترسم آنطوری که غلام در مقابل اربابش انجام وظیفه کرده است، در مقابل تو انجام نداده باشم. و حتی غلامی به جا نیاورده باشم. ولی می‌دانم که تو رحمان و رحیم هستی، کمک کن که واقعاً احتیاج به کمک دارم. برادرانی که این وصیت‌نامه مرا می‌خوانید، خوب دقت کنید به چند کلمه بالا، در حقیقت احتیاج به

1- در اصل وصیت «از».

2- خوانا نیست.

3- خوانا نیست.

4- خوانا نیست.

5- از وصیت‌نامه دوم شهید اصل دست‌نویس در اختیار نیست.

6- تبیان، دفتر بیست و چهارم (جنگ و دفاع در اندیشه امام خمینی) ص 5-54.

وصیت‌نامه نداشتم. ولی چون وصیت [کننده]<sup>1</sup> درد دل واقعی خود را می‌گوید، چند خط بر روی کاغذ سفید نوشتم، تا در روز قیامت این کاغذ اگر سخنانی که گفته‌ام واقعیت داشته باشد، بدون اینکه از روی هوای نفس باشد بر اعمال من است. در ابتدا چند کلمه با مادرم دارم: مادر عزیزم در وصیت‌نامه‌ام از تو قول بگیرم که اگر خدا امانتش را که به شما سپرده است، به آسانی از شما می‌گیرد، لااقل در مقابل ضد انقلابیون کوردل و خدانشناس باید تحمل کرد و در این زمینه شکیبایی پیشه کنید، تا نکند دشمنان اسلام بر گریه شما خوشحال شوند، و ای مادر عزیزم در آن دنیا فرزندی دارید که اگر به مقام واقعی شهید رسید، اگر خدای نخواستہ شما کمبودی داشته باشید بتوانید در پیشگاه خداوند از شما شفاعت کند. اما برادرانم من در این مکان ناپایدار که هدفش از خلقت انسان این نبود که فکر خانه و یا ثروت باشد، بلکه گامی که برمی‌دارید، باید در راه خدا باشد. ای برادران اگر من شهید شدم جای مرا خالی نگذارید و اسلحه مرا بردارید و در سنگر من بنشینید و به خواهران عزیزم توصیه می‌کنم که اگر من شهید شدم، برای من ناراحت نباشید چونکه من با افتخار رفته‌ام و باید با افتخار شهید بشوم، همان راهی را که حسین (7) رفته است. دنیای کفر امپریالیسم باید بداند که این جمهوری اسلامی ایثارگران زیادی دارد، تا جمهوری اسلامی پابرجاست به آنان اجازه غارتگری و چپاول نخواهد داد و به قوم و خویشان خودم توصیه می‌کنم، که برای من ناراحت نباشند و شیون و زاری نکنند، چون در دنیای آخرت یقه مرا می‌گیرند و هر کسی که از من ناراحتی داشته، مرا به بزرگی خود ببخشد. دعای همیشگی را از یاد نبرید. خدایا خدایا تا انقلاب مهدی (عج)، حتی کنار مهدی (عج) خمینی را نگهدار. به امید پیروزی نهایی رزمندگان اسلام و هر چه زودتر ظهور امام زمان (عج)

من الله التوفیق<sup>2</sup>

محمد محمدی

1- در اصل وصیت «کننده» افتاده است.

2- در اصل وصیت «توفیق».

تاریخ

باسلام خدمت رسید و ما در باب برضی از امام خمینی مدد و دستوری بر زمین آمد  
بسیار از مردم را در این باره در این شهر و در تمام ایلام و در شهرستان همدان و در تمام  
مال خود را در این شهر و در تمام ایلام و در تمام شهرستان همدان و در تمام

چنانکه در صورت عدم اطلاع از آن

در این باره اطلاع نداشتیم که برای ما خوشنودین بود و در شهر همدان و در تمام  
شهرستان همدان و در تمام ایلام و در تمام شهرستان همدان و در تمام  
شهرستان همدان و در تمام ایلام و در تمام شهرستان همدان و در تمام  
شهرستان همدان و در تمام ایلام و در تمام شهرستان همدان و در تمام

در این باره اطلاع نداشتیم که برای ما خوشنودین بود و در شهر همدان و در تمام

در این باره اطلاع نداشتیم که برای ما خوشنودین بود و در شهر همدان و در تمام  
شهرستان همدان و در تمام ایلام و در تمام شهرستان همدان و در تمام  
شهرستان همدان و در تمام ایلام و در تمام شهرستان همدان و در تمام  
شهرستان همدان و در تمام ایلام و در تمام شهرستان همدان و در تمام

در این باره اطلاع نداشتیم که برای ما خوشنودین بود و در شهر همدان و در تمام

در این باره اطلاع نداشتیم که برای ما خوشنودین بود و در شهر همدان و در تمام  
شهرستان همدان و در تمام ایلام و در تمام شهرستان همدان و در تمام  
شهرستان همدان و در تمام ایلام و در تمام شهرستان همدان و در تمام  
شهرستان همدان و در تمام ایلام و در تمام شهرستان همدان و در تمام

و مثل زینب زینت عالمه که قتل شد ۳۲ سالگی بود و از تمام حرمات خود را فدای اسلام نمود  
و کتونی را می از من دیدی در بزرگی خودت را میورا ببیند  
چهارم دعای کبریا هستیم را خاتم برودم

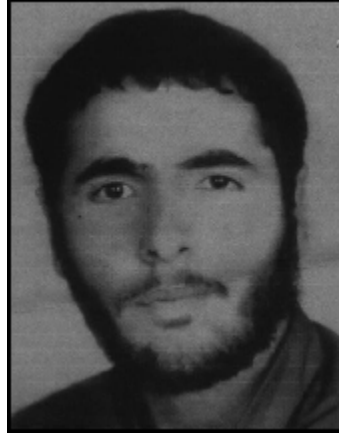
بار خدایا از تو می خواهم که مرا عزت آفرینی تا من عالم غیور دست قتل را در هر دو کمر  
تقصیر ما همه بگذرد

بار خدایا از تو می خواهم که در بارگاه تو ملائکت همه ملائکنا بگردانند  
بار خدایا من چند تا گروه دانشمندی معلوم است که در گروهم زینبیم  
تقیه ایها حاصل شود بنزد حق اسلام

ببیند همه  
خدایا که در دعای  
الکبریا ۹۲

و در همین روزم می خواهم که به ابراهیم بگویند و در جای من  
ده چشمش بگویند

نام: محمدصادق  
نام خانوادگی: محمدی  
نام پدر: نورمراد  
نام مادر: عنبرتاج  
تاریخ تولد: یکم فروردین 1344  
محل تولد: روستای زرانگوش بالا از  
توابع شهرستان دره شهر  
تحصیلات: دوم راهنمایی  
ارگان اعزام کننده: سپاه  
تاریخ شهادت: بیست و نهم مهر 1367  
محل شهادت: مهران  
نحوه شهادت: -  
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



## عبارت های کلیدی

- ۱ بدون هیچ زور و اجباری این راه را انتخاب کرده ام.
- ۱ اگر در این راه که راه سالار شهیدان است کشته شوم برای بنده هیچ گونه ناراحت نباشید.
- ۱ دوستانم به یاری ابوذر زمان ما بشتابند که همان راه انبیاست.
- ۱ زمان زمان جنگ بین اسلام و کفر است. ننگ است بر هر کسی که توان جبهه آمدن داشته باشد که جان خود را فدای اسلام کند ولی در رختخواب ذلت بمیرد.
- ۱ اگر ما واقعا شیعه علی (7) هستیم، پس باید سخنان او را معیار زندگی قرار دهیم.
- ۱ به جای اینکه به بدن سوخته و پاره پاره و خون آلود من گریه کنید، صحنه کربلا را مقابل چشم خود قرار دهید.
- ۱ آن کسی که آخرت و روز رستاخیز را شناخته باشد هیچ ارزشی ندارد.
- ۱ از خداوند تبارک و تعالی عاجزانه تقاضا دارم که آخرین لحظه عمر مرا شهادت در راه خود قرار دهد.
- ۱ دعای مادر در حق فرزند مستجاب است.
- ۱ مادر عزیزم اگر در مرگ من بی تابی کنی، دشمنان اسلام شاد می شوند.

## محمدصادق محمدی

## بسم الله الرحمن الرحيم

با درود و سلام بیکران بر مهدی موعود و نایب برحقش خمینی کبیر و امت شهیدپرور ایران. از همان جا که لازم است هر شخص مسلمانی یک وصیت‌نامه داشته باشد، اینجانب نیز لازم می‌دانم که یک چند سطر به عنوان یادگاری داشته باشم.

اول با شما پدر و مادر زحمت‌کشم، همانطوری که خودتان می‌دانید، بنده بدون هیچ زور و اجباری این راه را انتخاب کرده‌ام و اگر در این راه که راه سالار شهیدان است کشته شوم برای بنده هیچ‌گونه ناراحت نباشید چون که من از هیچ‌کدام از دوستانم که شهید شدند عزیزتر نیستم و آیا خون من از بقیه شهدا رنگین‌تر است؟ من به خون دوستانم قسم یاد کرده‌ام یا باید راهی را که آنها در پیش داشته‌اند بروم تا به مقصد که همان مرقد حسین (7) است برسم یا مثل آنها در خون خود غوطه‌ور شوم و بدنم تکه تکه شود. از دوستانم که قلباً با من دوست هستند می‌خواهم که برای من گریه نکنند به جای گریه اسلحه بر دوش گرفته و به یاری ابوذر<sup>1</sup> زمان ما بشتابند که همان راه انبیاست.

پد رو مادر مهربانم من می‌دانم که نتوانستم آن همه زحمت‌های شما را جبران کنم و همیشه باعث ناراحتی شماها بوده‌ام. ولی چکارکنم که زمان جنگ بین اسلام و کفر است و ننگ است بر هر کسی که توان جبهه آمدن داشته باشد که جان خود را فدای اسلام کند ولی در رختخواب ذلت بمیرد.

اگر ما واقعاً شیعه علی (7) هستیم پس باید سخنان او را معیار زندگی قرار دهیم. به جای اینکه به بدن سوخته و پاره پاره و خون‌آلود من گریه کنید صحنه کربلا را مقابل چشم خود قرار دهید و گریه کنید چونکه گریه و اشک ریختن به خاطر حسین (7) است، که هر قطره اشک خروارها آتش را خاموش می‌کند و دنیا برای آن کسی که آخرت و روز رستاخیز را شناخته باشد، هیچ ارزشی ندارد و همچون بلبلی در قفس تنگ و در اتاق تاریک می‌باشد. از خداوند تبارک و تعالی عاجزانه تقاضا دارم که آخرین لحظه عمر مرا شهادت

در راه خود قرار دهد و این چند خط شعر را از خلوص نیت می‌نویسم.

صدایم رنگ و بوی غم گرفته	تو گویی نوحه‌ای را دم گرفته
ز دست دوری تو ای شهادت	دل‌م در گوشه‌ای ماتم گرفته
از آتش پیکرم را شعله‌ور کن	به اندامم بیار رختی دگر کن
خدایا این شهادت [را] لحظه‌ای هم	بیار [و] از کوچه جانم گذر کن

از تمام اقوام و خویشاوندان طلب حلالیت می‌کنم. هر کدام که حتی بر گردن من حق داشته‌اند، به خاطر خدا به خاطر حسین بی‌علی (۷) این حقیر را ببخشند و از مادر عزیزم می‌خواهم که این فرزند کوچک خود را ببخشند و دعای خیر بکنند. که دعای مادر در حق فرزند مستجاب است و از ناراحتی و بی‌صبری خودداری کند، که اگر در مرگ من بی‌تابی کنی دشمنان اسلام شاد می‌شوند. شماها باید صابر باشید و در مقابل سختی‌ها و ناراحتی‌ها چون کوه استوار و پابرجا باشید و بدانید که آن روزی که ما تن به ذلت بدهیم در آخرت مورد خشم خدا قرار می‌گیریم، چونکه حسین (۷) تن به ذلت نداد و شجاعانه جنگید و خانواده‌اش را به اسارت بردند و در اسارت هم صابر بودند و در پایان از تمام آشنایان و اقوام طلب حلالیت می‌کنم.

محمدصادق محمدی

65/7/1



<p style="text-align: center;">وصیتنامه ۲</p> <p>که قیدیند سوری بنواله یاو خدیروا مستند باشم عادل یعنی و شکوهما در نه حکم همه طور که خودمان را نشود بند و جبر له هیچ رو و او ایجاب یعنی رهرا انتخاب کرد عام و لفرده اینده که شاه ساقه تحسین استانتند بر بند هیچ که نه که استانتند که بودند آمان بکدامیک از دوستان تحسین عمر بر تو و آمان</p>	<p style="text-align: center;">وصیتنامه</p> <p style="text-align: center;">بسم الله الرحمن الرحیم ۱۳۵۶</p> <p>پلنده و در مقام کبیر الطیر بهر ما موجود و تکبیر بختش نیز بر ما راست بخند پرو را نیز کجا معلوم است هر چه حق سعاد است و وصیتنامه داشته با کمالها تکبیر نیز را و اتم</p>
<p style="text-align: center;">وصیتنامه ۳</p> <p>که شما که را در این است پیر و بهر چه با هم من دلم که تو از منم که همه نصیبان که با هم کردیم هر چه به دست ما و امر تمام بود ام و با هم که نه با لطفی عالی جسد من را سلیم و کز است و نند است بر هر که حق است که چه جبهه آنکه دانسته و حکم نه که کند و انانیا اسم لستون در محض ارب ذلت میرد ادریه را من را من نسیمه می هستیم پیر بهر چه که او را ز نذوق قرار اهدیم</p>	<p style="text-align: center;">وصیتنامه ۳</p> <p>خونها را که کوه سفید از کجا خون تراست سخن بزرگ در ستا تو قصر یک که تمام با با تو با من که آنه پیش کشتن تا نه بهر چه به به مقدر که هله سره سخن است بسیم یا من که کاهان در فراد خود خوله و در کجیه بدیم تولید نید شود از حد ستا که هر چه شایا بنده است هستند جفا هم که بر ما من که در نه نشناختن با هر چه اسلم بر دو سر کوفت بود به با بر اولی ز ما لمانت</p>



نام: مهدی  
نام خانوادگی: محمدی  
نام پدر: کرم  
نام مادر: طلا  
تاریخ تولد: یکم فروردین 1352  
محل تولد: روستای دویسران سفلی از  
توابع شهرستان ایوان  
تحصیلات: دیپلم  
ارگان اعزام کننده: نیروی انتظامی  
تاریخ شهادت: هجدهم خرداد 1380  
محل شهادت: آبدانان  
نحوه شهادت: اصابت گلوله  
مزار: گلزار شهدای شهرستان زادگاهش



## عبارت های کلیدی

- ۱ خوشحال باشید که فرزند شما در راه اهداف اسلامی و قرآنی و در راه خدا به شهادت رسیده است.
- ۱ دنیا مکان بلا و امتحان الهی است.
- ۱ تلاش آخرت طلبان استفاده از ابزارهای دنیایی، برای خدایی شدن و نورانی گشتن است.

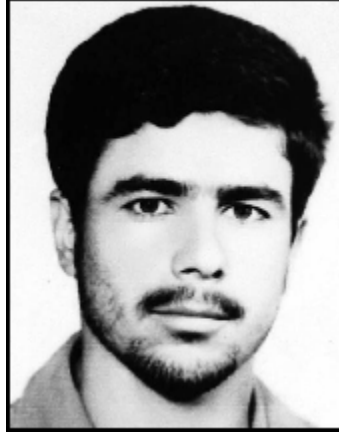
## مهدی محمدی

### بسم الله الرحمن الرحيم

پدر و مادر عزیزم سلام بر شما چنانچه لطف خدا شامل حالم شد و به درجه رفیع شهادت نائل آمدم ناراحت نباشید بلکه خوشحال باشید که فرزند شما در راه اهداف اسلامی و قرآنی و در راه خدا به شهادت رسیده است دنیا مکان بلا و امتحان الهی است و تلاش آخرت طلبان، استفاده از ابزارهای دنیایی برای خدایی شدن و نورانی گشتن است.

بسم الله الرحمن الرحیم  
چو در جگر عزیزم مسلم برآید خنجره لطف خدا  
ملاست خنجره کفر حالم شود و بر وجه رفیع شادت نعل آسم  
نیزعت نباشد بگمده خرمی گمان با شیدم فرزندم که در راه  
اهداف اسلام و فرزندی و در راه خدا به شادت  
رسیده است دنیا مکان بلا و آنگاه الهی است  
قدیر است که کفایت طبعان استغاده کند ابزارهای نیام  
بلا و مکر این شدن و نوزاد گشته است.

نام: یارحسین  
نام خانوادگی: محمدی  
نام پدر: عزیز  
نام مادر: نقره  
تاریخ تولد: پنجم شهریور 1345  
محل تولد: روستای چگینی از توابع  
شهرستان شیروان و چرداول  
تحصیلات: دیپلم  
ارگان اعزام کننده: -  
تاریخ شهادت: هفتم دی 1367  
محل شهادت: مانشت ایلام  
نحوه شهادت: سرمازدگی  
مزار: بخش صالح آباد از توابع شهرستان  
مهران



## عبارت‌های کلیدی

- ا علی اکبر (7) مظلوم من هم سن و سال توام، آمده‌ام برای دفاع از راه تو و راه حسینی.
- ا الان قوه‌ای در درون، خبر شهادت را به من می‌دهد.
- ا امروز دیگر نمی‌توانیم بنشینیم و تحمل کنیم که اسلام عزیز را از بین ببرند.
- ا فرمان فرزند رسول خدا همان فرمان خداست.
- ا ای مردم به خدا سوگند امروز جبهه‌ها را مهدی (عج) نگهداری می‌کند.
- ا دعا کنید شماها در عهد و پیمانتان کوتاهی نکنید.
- ا به دنیا نچسبید دنیا محل گذر است.
- ا آخرت محل و مکان و جایگاه ابدی خواهد بود.
- ا توشه‌ای برای آخرت ذخیره کنید.
- ا اگر می‌خواهید سربلند باشید، سنگرهای این شهدا را پر کنید.
- ا بنده خود این راه را انتخاب کردم و آمدم.

یارحسین محمدی<sup>1</sup>

## بسم الله الرحمن الرحيم

حمد و سپاس خدای را که چنین توفیقی نصیبم گردانید که هم بتوانم ستایشش کنم و هم بتوانم بر اولیاء خاص او سلام و مورد فرستم، سلام بر مهدی (عج) درود بر «پیر جماران»<sup>2</sup> قلب ملت مظلوم ایران و مستضعفان جهان و فرد مخلص و آگاه و متعهد، اعلم و سید محبوب از سلاله رسول خدا (6).

چون آخر زمان فرا رسد شهادت خوبان مرا گلچین می‌کند. (رسول اکرم (6))  
 «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (آل عمران/169)

دوست دارم شمع باشم در دل شبها بسوزم روشنی بخشم میان جمع و خود تنها بسوزم<sup>3</sup>

یا ابا عبدالله، یا ابا عبدالله، یا حسین (7) شهید تو خودت شاهد باش که برای زیارت تو آمده‌ام. علی اکبر (7) مظلوم من هم سن و سال توام، آمده‌ام برای دفاع از راه تو و راه حسینی، شماها می‌دانید که برای چه آمده‌ام به جز برای رضای خدا، برای چیز دیگر نیامده‌ام.

یا حسین (7) شهید امروز با صدای فرزند تو مهدی (عج) آل محمد (6) و نایب برحقش لیبیک گفته و «کربلا ما می‌آییم» به سر بسته<sup>4</sup> به سوی تو می‌آییم. به خدا با عشق جذاب می‌آیم که حساب ندارد. تا کنون چنین نیرویی در وجود من یافت نشده که الان مرا با تمام اخلاص به میدان کارزار می‌کشاند. الان قوه‌ای در درون، خبر شهادت را به من می‌دهد و الان خوب می‌دانم که وقت رفتن است، وقت رفتن به کجا؟ رفتن به دیدار معشوق، وقت رفتن به ملکوت اعلی، وقت پیوستن به یار، عزیزان و پدران و مادران همه

1- از جمله وصیت‌نامه‌هایی که اصل دستخط شهید در اختیار نیست.

2- ر.ک. تعلیقات.

3- در نسخه‌ی تاپی و مورد تأیید بنیاد شهید شعر چنین است: «می‌خواهم شمع باشم و تنها بسوزم // روشنی بخشم و خود نیز تنها بسوزم».

4- غرض پیشانی‌بندهایی بود که رزمندگان اسلام در جبهه‌ها و بخصوص در عملیات بر پیشانی می‌بستند.

شماها باید بدانید که امروز دیگر صبر و حوصله ما سر رفته و دیگر نمی‌توانیم بنشینیم و تحمل کنیم که اسلام عزیز را از بین ببرند. ما سال 57 چه گفتیم، مگر نگفتیم امام عزیزیا ما با شما هستیم، آیا می‌شود مثل مردم کوفه<sup>1</sup> رفتار کنیم و اسلام و قرآن را یاری نکنیم؟ نه، به خدا سوگند اشتباه است. در بستر مردن و شکستن پیمان! کدام وجدان این را قبول می‌کند که فرمان فرزند رسول خدا را که همان فرمان خداست، زیر پا بگذارد.

ای مردم به خدا سوگند امروز جبهه‌ها را مهدی (عج) نگهداری می‌کند. دعا کنید شماها در عهد و پیمانتان کوتاهی نکنید، که فردا جواب پیامبر را چه خواهید داد؟ ای مادران فرزندانان را راهی میدان کنید و مانند خاندان وهب<sup>2</sup> جسدشان را هم پس نگیرید، که اگر این کار را نکنید فردا جواب حضرت زهرا (3) و زینب (3) را چه خواهید داد؟

به دنیا نچسبید دنیا محل گذر است و آخرت محل و مکان و جایگاه ابدی خواهد بود، توشه‌ای برای آخرت ذخیره کنید که «الدنيا مزرعة الآخرة»<sup>3</sup> دنیا کشتگاه آخرت است. حال دو راه را متذکر می‌شوم هر کدام را که خودتان می‌خواهید به زمین چسبیده و به مادیات و مثل موش در لانه خزیدن و عاقبت به دوزخ رفتن و یا مثل شیر نعره کشیدن و به ملکوت اعلی پیوستن و شفاعت حسین (7) شامل حال شدن و در بهشت ماندن. در هر کدام خودتان می‌دانید اگر می‌خواهید سربلند باشید، سنگرهای این شهدا را پر کنید و اگر هم نمی‌خواهید بیایید بمانید در خانه‌های خود. فردا جواب رسول (6) را چه خواهید داد.

و اما پدر و مادر عزیز امید است که از رفتن من هیچگونه ناراحتی به خود راه ندهید و بنده خود این راه را انتخاب کردم و آمدم انشاءالله در رفتن همچون کوه محکم و ثابت و شکیبنا باشید و اگر کسی مرا از شما سراغ گرفت، بگویید که رفت و به لقاءالله پیوست. امید است که مرا ببخشید و حلالم کنید زیرا خوب می‌دانم که وقت رفتن است و باید رفت در گوش بنده زمزمه می‌کنند که باید بیایی و من هم بایستی بروم.

در پایان از کلیه آشنایان، احوالپرسیان می‌خواهم که مرا ببخشند و حلالیت می‌طلبم. یک

1- ر.ک. تعلیقات.

2- ر.ک. تعلیقات.

3- بحارالانوار، ج 67، ص 352، باب 459.

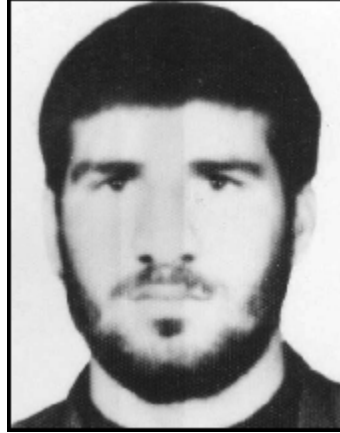


جمله با تو مادر عزیز و مهربانم، اگر کسی احوال مرا از تو پرسید بگو «شبی در تاریکی به سوی نور شتافت و به ملکوت اعلی پیوست» و شیرت را حلالم کن و البته مرا می‌بخشی که فرزند خوبی برای شماها نبودم و نتوانستم وظیفه فرزند و پدر و مادری را رعایت کنم. وفاداری به امام و اسلام را از یاد نبرید و امام را تنها نگذارید.

«وَالسَّلَامُ عَلَیْكُمْ»

گنهکار و معصیت‌کار یارحسین محمدی

نام: یدالله  
نام خانوادگی: محمدی  
نام پدر: خدامراد  
نام مادر: رقیه  
تاریخ تولد: دهم بهمن 1339  
محل تولد: روستای چم کبود از توابع  
شهرستان آبدانان  
تحصیلات: چهارم ابتدایی  
ارگان اعزام کننده: ارتش  
تاریخ شهادت: ششم اردیبهشت 1363  
محل شهادت: سومار  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: گلزار شهدای شهرستان زادگاهش



## عبارت های کلیدی

- ۱ آری این جهان فانی و زودگذر است.
- ۱ این جهان زودگذر ارزش آن را ندارد که به خاطر آن راه مستقیم اسلام فراموش شود.
- ۱ خداوند تبارک و تعالی می خواهم که با لطف بی کرانش افتخار شهادت را به من عطا فرماید.
- ۱ امیدوارم که مرگ من و خون ناچیز من، بتواند کمکی برای تداوم بخشیدن و پیشبرد انقلاب اسلامی باشد.
- ۱ دل بستگی به این دنیا نتیجه ای جز پشیمانی و نابودی نخواهد داشت.
- ۱ ای جوانان خدمتگزارانی صدیق و نیکوکار برای این کشور اسلامی باشید.
- ۱ نگذارید که خون هزاران شهید به خون خفته و گلگون کفن.
- ۱ این انقلاب و مرز و بوم پایمال شود.
- ۱ امید است که راه شهیدان را ادامه دهید.
- ۱ مشتی محکم بر دهان ابرجنایتکاران به سرکردگی آمریکا و شوروی جهانخوار بکوبید.
- ۱ بعد از مرگ من هیچ گونه خمی به ابرو نیاورید که دشمنان اسلام از غمخواری شما لذت ببرند.

## یدالله محمدی

### بسم الله الرحمن الرحيم

«الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ»<sup>1</sup>  
 «آن‌ها که ایمان آورده‌اند در راه خدا به پیکار می‌پردازند و آنانکه کافرند در راه طاغوت مبارزه می‌کنند».

با درود فراوان بر امام امت خمینی بت‌شکن و رهبر و سازش‌ناپذیر و بنیانگذار جمهوری اسلامی و حامی مستضعفان که ما را از اسارت طاغوتیان زمان رژیم منفور ستم‌شاهی، رهایی بخشید و درود بر ملت مسلمان و شهیدپرور اسلام که با خون خود نهال‌هایی کاشتند و [با] جویباری از خون خویش آن نهال‌ها را آبیاری نمودند (آری این جهان فانی و زودگذر است). این جهان زودگذر ارزش آن را ندارد که به خاطر آن راه مستقیم اسلام فراموش شود. از خداوند تبارک و تعالی طلب آمرزش می‌کنم و از درگاه او می‌خواهم که با لطف بی‌کرانش افتخار شهادت را به من عطا فرماید. امیدوارم که مرگ من و خون ناچیز من که برگی از درخت برومند می‌باشد، بتواند کمکی برای تداوم بخشیدن و پیشبرد انقلاب اسلامی و در نهایت پیروزی اسلام بر کفر جهانی در تمامی جهان باشد و همچنین برای گمراهان و منحرفین و راه گم‌کردگان توفیق پیروی از دستورات نجات بخش اسلام و اطاعت از امام خمینی را از درگاه خداوند هدایت‌کننده خواهانم. و امیدوارم که این افراد فکر کنند این دنیای زودگذر ارزش آن را ندارد که به خاطر آن خداوند و راه مستقیم اسلام فراموش شود و درک نمایند که دلبستگی به این دنیا نتیجه‌ای جز پشیمانی و نابودی نخواهد داشت. وظیفه شماس است ای جوانان که مسئولیت این جامعه اسلامی را عهده دار شوید و خدمتگزارانی صدیق و نیکوکار برای این کشور اسلامی باشید و نگذارید که خون هزاران شهید به خون خفته و گلگون کفن که خون خویش را نثار این انقلاب و مرز و بوم نموده‌اند پایمال شود. امید است که راه شهیدان را ادامه دهید تا به یاری خداوند بزرگ پیروزی نهایی برسید و مشتی محکم بر دهان ابرجناپیکاران به سرکردگی آمریکا و

1- نساء/ 76. در اصل وصیت «آمنو».

شوروی<sup>1</sup> جهانخوار بگوید.

برادران عزیزم، مادر محبوبم و خواهر گرامیم: بعد از مرگ من هیچ گونه خمی به ابرو نیاورید که دشمنان اسلام از غمخواری شما لذت ببرند، چون این جهان زودگذر است و ارزش آن را ندارد که برایش افسوس و ناراحت بشوید. زیرا در این جهان و این حیات و زندگی مقدمه‌ای است برای حیات اخروی و از شما می‌خواهم که تا هنگامی که مادرم در حیات است به نحو احسن از او مراقبت و نگهداری نمایید و نگذارید که او زجر بکشد. مادر عزیز و مهربانم تا هنگامی که من در حیات بودم نتوانستم به شما خدمتی بکنم و زحمات شما را جبران نمایم امید است مرگ من و خون ناچیز من که به خاطر اسلام و میهن فدا می‌کنم برای شما خدمتی باشد و همچنین مادر زحماتی که طی دوران طفولیت و نوجوانی برای من کشیدی حلالم کن. مادر از برادران کوچکم مواظبت کن و از مخارج تحصیلی آنان دریغ نرز. امید است آنان را [یگونه‌ای] بسازی که جوانانی برومند و فداکار برای اسلام باشند.

به امید پیروزی نهایی رزمندگان اسلام در سراسر جبهه‌های حق علیه باطل

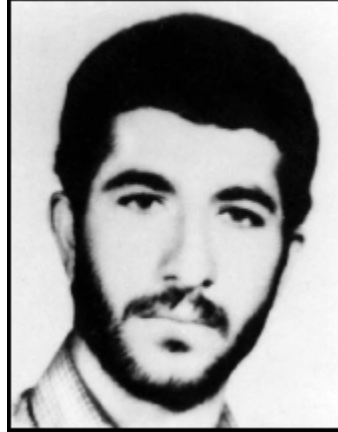
خداحافظ شما

یدالله محمدی

تاریخ: 63/1/20



نام: لطفعلی  
نام خانوادگی: مرادحاصلی  
نام پدر: خانعلی  
نام مادر: نوری  
تاریخ تولد: ششم آذر 1345  
محل تولد: روستای زنجیره از توابع  
شهرستان شیروان و چرداول  
تحصیلات: دانشجوی دوره کاردانی  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: هشتم فروردین 1365  
محل شهادت: کردستان عراق  
نحوه شهادت: -  
مزار: جاویدا لائثر



## عبارت های کلیدی

- ا این راهی که انتخاب کرده ام با کمال رضایت خود و لیبیک گفتن به ندای امام امت بوده.
- ا از بازماندگان خود تقاضا دارم که امام عزیز این ابراهیم زمان را تنها نگذارند.
- ا در مراسم عزاداریم بر طبق موازین اسلامی رفتار شود.
- ا به برادرانم توصیه می کنم که بیش از پیش به همدیگر احترام بگذارند.
- ا با خدا پیمان بسته ام که اولین حقوقم را در راه خدا در بین فقرا انفاق کنم.
- ا خدایا از بی تفاوت ها خلاصم کن.
- ا غم و اندوه مردم را بر جانم بینداز که لحظه ای از غم مردم غافل نباشم.
- ا خداوندا دردهای عمیق و هراس های مقدس بر جانم بینداز.
- ا خدایا حتی برای لحظه ای مرا به ابتدال گرفتار مکن.

## لطفعلی مرادحاصلی<sup>1</sup>

### بسم الله الرحمن الرحيم

با سلام به یگانه منجی عالم بشریت مهدی موعود و نایب برحقش امام خمینی و ارواح طیبه شهداء راه حق، از آدم تا خاتم و از خاتم تا به حال. چند جمله‌ای به کسانی که بعد از من این وصیت‌نامه به دستشان می‌رسد می‌نویسم. امید است تا آنجایی که ممکن است آنها را عمل کنند. اولاً این راهی که انتخاب کرده‌ام با کمال رضایت خود و لیبیک گفتن به ندای امام امت بوده و هیچ اجباری در کار نبوده است و از بازماندگان خود تقاضا دارم که امام عزیز این ابراهیم زمان را تنها نگذارند و پشتیبان ولایت فقیه باشند. در برابر افرادی که حرفهای نسنجیده‌ای راجع به ولایت فقیه می‌گویند و اهانت می‌کنند بی تفاوت نباشند. به‌عنوان یاد بود شبهای چهارشنبه شبهای دعای توسل و جمعه دعای کمیل تا جایی که ممکن بود در خانه‌مان اجرا کنند و از آنها بخواهند که برای آمرزش گناهان من دعا کنند، چون من در پیش خدای شرمنده و خجل، با کوله باری از گناه دنیای فانی را ترک گفتم. شاید خداوند به احترام این مجالس گناهانم را ببخشد و در مراسم عزاداریم بر طبق موازین اسلامی رفتار شود. کسی حق پوشیدن «لباس سیاه»<sup>2</sup> بر تن ندارد. به مادر و خواهرانم توصیه می‌کنم که زیاد خود را ناراحت نکنند. چون این کار باعث خوشحالی دشمنانم (کفار بعثی)<sup>3</sup> می‌شود. به برادرانم توصیه می‌کنم که بیش از پیش به همدیگر احترام بگذارند و به خصوص به برادر بزرگم که بیشتر از همه به او علاقه دارم. و از بچه‌های کوچکمان بجای اینکه اگر زمانی آنها را ناراحت کرده‌ام عذر خواهی کنید. با خدا پیمان بسته‌ام که اولین حقوقم را در راه خدا در بین فقراء انفاق کنم که اگر شهید شدم معادل اولین حقوقم یعنی هفتصد و پنجاه تومان در راه خدا بدهند، خدایا گاهی فکر می‌کنم این سفر ممکن است در من اثر زیادی نکند و با همان حال سابق و درون پر از رنج، اما بیخود

1- بالای وصیت‌نامه آمده است «وصیت‌نامه دانشجوی شهید لطفعلی مرادحاصلی».

2- ر.ک. تعلیقات.

3- ر.ک. تعلیقات.

برگردم و فقط یک اسمی را با خود یدک بکشم. اما برایم همان منِ قبلی خوف بزرگی است که در دلم وجود دارد. منظور از درون پر رنج این نیست که بی تفاوت بمانم، در برابر راه پیامبر و هر کجا که فرصت می‌یافتم، قاطعانه و مصرانه از خدا خواسته‌ام که خدایا از آن عطش‌های مقدسی که بر جان محمد (6) و علی (7) و دیگر انسان‌های پاک ریخته‌ای و آنها را اینقدر بی‌قرار نموده‌اید، ذره ای از آن عطش نیز بر این جان سرد و راکد و یک‌نواخت من بیندازد. خداوندا گفته‌ام و می‌گویم و باز هم خواهم گفت هراس‌های عائدی و عظیم بر جانم بینداز و از بی تفاوت‌ها خلاصم کن و غم و اندوه مردم را بر جانم بینداز که لحظه‌ای از غم مردم غافل نباشم و گفته‌ام خدایا من نیامده‌ام که برای آخرت ثواب جمع کنم، بلکه آمده‌ام تا آدم شوم و برگردم. خدایا تو مرا انسانی آگاه و با شعور و با خط و جهت قرار ده. مرا که قصد دارم که در مقام ابراهیم (7) به طواف خانه تو بیایم، دلم [را] از هر چه پیامبرت می‌خواهد پر کن! خدایا مرا مسئول و متعهد بازگردان. چرا که اگر در اینجا اصلاح نشوم دیگر فکر نمی‌کنم که سعادت داشته باشم که اصلاح شوم، خدایا این سفر را در من سفر تحوّل و شعور بگردان<sup>1</sup>، خداوندا دردهای عمیق و هراس‌های مقدس بر جانم بینداز و خدایا حتی برای لحظه‌ای مرا به ابتدال گرفتار مکن.

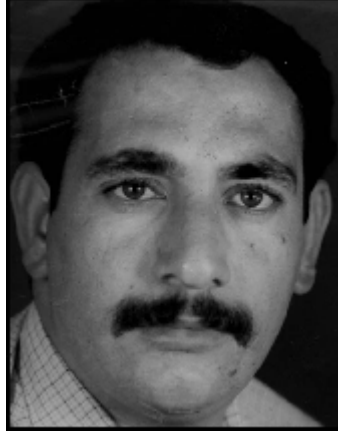


### بی‌تنامه دانشجوی شهید اطفاجی مرادحاصلی



به منجلی عالم بشریت مهدی مؤمنان و نایب برحق امام خمینی و ارواح  
 مطهره شهیدان راه حق از آدم تا خاتم و از خاتم تا به حال، چند جمله ای به کسانی که بعد از  
 من باین توصیه نامه بهره‌مندان می‌رسد می‌نویسم امید است تا آنجاییکه ممکن است  
 آنها را شکل‌کنند. اولاً این راهی را که انتخاب کرده‌ام با کمال رضایت خود و لایحک گفتن  
 به ندای امام امت بوده و هیچ اجباری در کار نبوده است و از بازماندگان خود تقاضا  
 دارم که امام عزیز این ابراهیم زمان را تنها نگذارند و پلستیان ولایت فقیه باشند در  
 برابر افرادی که حرفهای نسل‌چیده‌ای راجع به ولایت فقیه می‌گویند و اهانت می‌کنند  
 بی تفاوت نباشند. بعنوان یادبود شبیه‌های چهارشنبه شبهای دعای توسل و جمعه دعای  
 کمیل تا جایی که ممکن بود در خانه مانع اجرا کنند و از آنها بخواهند که برای آموزش  
 گناهان من دعا کنند و چون من در پیش خدای شرمنده و خجیل با کوله باری از گناه  
 دینی فانی را ترک گفتم شاید خداوند به احترام این مجالس گناهانم را ببخشاید و در  
 مراسم عزاداریم بر طبق موازین اسلامی رفتار شود کسی حق پوشیدن لباس سیاه برتن  
 ندارد به مادر و خواهرانم توصیه می‌کنم که زیاد خود را ناراحت نکنند چون این کار  
 باعث خوشحالی دشمنانم (کفار یعنی) می‌شود به برادرانم توصیه می‌کنم که بیش از  
 پیش به همدیگر احترام بگذارند و به خصوص به برادر بزرگم که بیشتر از همه به او  
 علاقه دارم. و از بچه‌های کوچکمان بجای اینکه اگر زمانی آنها را ناراحت کرده‌ام عذر  
 خواهی کنی یا خدا بی‌مان بسته‌ام که اولین حقوقم را در راه خدا در بین همراه اتفاق کنم  
 که اگر شهید شدم معادل اولین حقوقم یعنی هفتصد و پنجاه تومان در راه خدا بدهند،  
 خداها گاهی فکر می‌کنم این سفر ممکن است در من اثر زیادی نکند و یا همان حال  
 سابق و درون پر از رنج اما بی‌خود برگردم و فقط یک اسمی را یا خود پدک بکنم اما  
 برایم همان من قبلی خوف بزرگی است که در دم وجود دارد منظور از درون پر رنج  
 این نیست که بی تفاوت بمانم در برابر زاه پیامبر و هر کجا که فرصت می‌یافتم،  
 متعلقه و مصرانه از خدا خواسته‌ام که خداها از آن عطشهای مقدسی که بر جان معصوم  
 و عتیق و دیگر انسانهای پاک ریخته‌ای و آنها را ایلتقدر بی‌ارار نموده‌اید ذره‌ای از آن  
 عطش نیز بر این جان سرد و راکد و پکتوانخت من بینداز، خداوند گفته‌ام و می‌گویم و  
 باز هم خونم گفت هر اسهای عاندی و عظیم بر جانم بینداز و از بی تفاوتی خلاصم کن و  
 غم و نندوه مردم را بر جانم بینداز که لحظه‌ای از غم مردم شافل نباشم و گفته‌ام خداها  
 من نیامده‌ام که برای آخرت ثواب جمع کنم بلکه آمده‌ام تا آدم بشوم و برگردم خداها  
 مو مرا اتسالی آگاه و با شعور و با خط و جهت فرارده، مرا که قصد دارم که در مقام  
 اسراهم به طواف خانه تو پیام دلم از هر چه پیامبرت می‌خواهند بر کن آذایها مرا  
 دستگیر و معتقد بازگردان چرا که اگر در اینجا اصلاح نشوم دیگر فکر نمی‌کنم که  
 سعادت داشته باشم که اصلاح شوم، خداها این سفر را در من سبب تحول و شعور  
 بگردان، خداوند دردهای عمیق و در اسهای مقدس بر جانم بینداز و خداها خسی برای  
 لعنه ای مرا به ابتدال گرفتار کن.

نام: رمضان  
نام خانوادگی: مرادخانی  
نام پدر: کاظم خان  
نام مادر: قدمخیر  
تاریخ تولد: سوم خرداد 1343  
محل تولد: شهرستان آبدانان  
تحصیلات: دیپلم  
ارگان اعزام کننده: ارتش  
تاریخ شهادت: پانزدهم مهر 1367  
محل شهادت: آلوئان سردشت  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: زادگاهش



## عبارت های کلیدی

- ا از اسلام و قرآن و امام و روحانیت حمایت کنید.
- ا دست از مبارزه بر علیه آمریکای جنایتکار بر ندارید.
- ا عصر ما عصری است که باید همه مسلمانان متعهد باشند.
- ا ما چند صباحی در این دنیا زندگی می کنیم.
- ا هرکسی با توشه ای باید این مهمانسرای فانی را ترک کند.
- ا از همه مردم مسلمان می خواهیم که هر کاری را انجام می دهند و هر سخنی را که می گویند برای خدا باشد.
- ا توصیه می کنم که نفاق، دروغ، غیبت و حسادت و گناهان دیگر را از خود دور کنند.
- ا شهادت هنر مردان خداست.
- ا راه امام و خط مشی امام و آرمانهای اسلامی را نگهدارید.
- ا پیرو ولایت فقیه و جمهوری اسلامی ایران باشید.

## رمضان مرادخانی<sup>1</sup>

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرَزِّقُونَ»<sup>2</sup>

«مپندارید آنانی که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده‌اند بلکه آنان زنده‌اند و در نزد خدای خویش روزی می‌خورند».

وصیت من این است که از اسلام و قرآن و امام و روحانیت حمایت کنید و دست از مبارزه بر علیه آمریکای جنایتکار بر ندارید. برادران ایمانی من، اسلام دین مقدس و همه‌جانبه‌ای است که به حمد خدا نصیب جامعه ما شده است. بنابراین بر یکایک افراد جامعه لازم است که از آن حمایت کنند. عصر ما عصری است که باید همه مسلمانان متعهد باشند و ید واحده و استوار و محکم باشند، همه ما چند صباحی در این دنیا زندگی می‌کنیم و هرکسی با توشه‌ای باید این مهمانسرای فانی را ترک کند و برای جواب دادن در محضر پروردگار حاضر گردد. از برادران و خواهران و از همه مردم مسلمان می‌خواهم که هر کاری را انجام می‌دهند و هر سخنی را که می‌گویند و حتی راه رفتن آنها برای خدا باشد و توصیه می‌کنم که نفاق، دروغ، غیبت و حسادت و گناهان دیگر را از خود دور کنند و پرهیزگار و باتقوی باشند. «شهادت هنر مردان خداست»<sup>3</sup> و از همه ملت عزیز و هموطنان گرامی می‌خواهم که راه دفاع از اسلام و جامعه اسلامی را ادامه داده و از هیچ چیز خود، حتی جان خویش، دریغ نکنند و گوش به فرمان رهبر اسلامی، این گوهر تابناک علم و اجتهاد بوده تا کشتی جمهوری اسلامی را، به ساحل نجات و رستگاری با همت شما مردم غیور برساند و توصیه من به خانواده محترم و عزیزم، آری می‌دانم که دوری من و این

1- بالای وصیت‌نامه پس از ترجمه آیه با خطی درشت‌تر از خط وصیت‌نامه و البته با همان قلم نوشته شده «وصیت‌نامه برادر سرباز شهید رمضان مرادخانی».

2- آل‌عمران/ 169.

3- امام خمینی عبارتی قریب به این عبارت شهید دارد: «هنر آن است که بی‌هیاهوهای سیاسی و خودنمایی‌های شیطانی برای خدا به جهاد برخیزد و خود را فدای هدف کند نه هوی و این هنر مردان خداست» (صحیفه امام، ج 14، ص 478).

کالبد من که از گوشت و استخوان و پوست و دیگر اعضای بدن ساخته شده، در میان شما نیست و برای شما خیلی ناراحت کننده و رنج آور می باشد، اما من به شما می گویم که تمام جوانانی که در این مملکت برای رضای خدا و برای پیشبرد اهداف اسلام کار می کنند، همه و همه رمضان شما می باشند. راه امام و خط مشی امام و آرمانهای اسلامی را نگهدارید و نگذارید که دشمن در آنها نفوذ کند و راه تمام شهیدان اسلامی را ادامه دید و پیرو ولایت فقیه و جمهوری اسلامی ایران باشید.

«وَالسَّلَامُ»

رمضان مرادخانی<sup>1</sup>

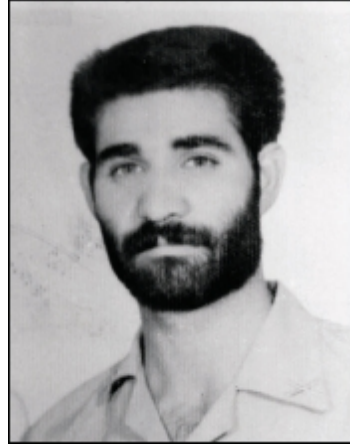
---

1- ذیل وصیت نامه با همان قلم نوشته شده «روحش شاد و راهش پر رهرو باد».





نام: علیرضا  
نام خانوادگی: مرادخانی  
نام پدر: محمد  
نام مادر: شهربانو  
تاریخ تولد: یکم آبان 1338  
محل تولد: شهرستان ایلام  
تحصیلات: پایان دوره متوسطه  
ارگان اعزام کننده: ارتش  
تاریخ شهادت: پنجم مهر 1363  
محل شهادت: اهواز  
نحوه شهادت: سانحه رانندگی  
مزار: بخش صالح آباد از توابع شهرستان  
مهران



### عبارت‌های کلیدی

- ا درود بر مردم همیشه در صحنه که به حقیقت پشتیبان واقعی رزمندگان هستند.
- ا اگر ما اهل ایمانیم باید از جان و مال و هرچه داریم در راه خدا بگذریم.
- ا بارخدا یا، الهی، معبودا، معشوقا شهادت در راهت را نصیب من بگردان.
- ا حال که برای پاسداری از اسلام تو که توسط رسالت بر مردم نازل شده به جبهه آمده‌ام، آرزوی شهادت دارم.
- ا تو به عنوان یک مادر شهید افتخار کن که فرزندت در راه دین اسلام شهید شده است.
- ا از برادران و خواهرانم عاجزانه می‌خواهم که راه مرا ادامه دهند و نگذارند امام تنها بماند.

## علیرضا مرادخانی<sup>1</sup>

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ»<sup>2</sup>

با سلام و درود به مهدی (عج) هدایت‌گر جهانی مسلمین و سلام بر امام خمینی، یگانه پرچمدار اسلام در جهان هستی، بعد از آقا امام زمان (عج) و درود بر مردم همیشه در صحنه که به حقیقت پشتیبان واقعی رزمندگان هستند. وصیت‌نامه خود را آغاز می‌کنم. اما از معنای این آیه شیوا برمی‌آید [...] آری اگر ما اهل ایمانیم باید از جان و مال و هر چه داریم در راه خدا بگذریم نه اینکه بنشینیم تا بمیریم و روزی همچون کافران شاهد عذاب دوزخ باشیم.

بارخدایا، الهی، معبودا، معشوقا شهادت در راهت را نصیب من بگردان. بارخدایا، اینک که در راهت گام برداشته‌ایم، حال که برای پاسداری از اسلام تو که توسط رسالت بر مردم نازل شده به جبهه آمده‌ام، آرزوی شهادت دارم، تو را به سر شکافته امیرالمؤمنین، تو را به بدن پاره پاره سرورم، حضرت حسین بن علی (7) سوگند، این آرزویم را برآور. مادر جان، سلام، ای مادری که به خاطر فرزندت ناراحتی‌ها و زجرها کشیدی، چه شب‌ها بی‌خوابی و ناراحتی کشیدی تا فرزندت را به این سن و سال رساندی. چه اسمی بر تو بگذارم که لایق تو باشد؟ یعنی هر اندازه از تو تعریف کنم و از زحمات تو بگویم باز هم کم است. تو عزیزترین و مهربان‌ترین مادر دنیا هستی و من فرزند حقیرت در آخرین لحظه حیاتم به شما و خانواده عزیزم وصیت می‌کنم که برای من ناراحت نباشید و بعد از شهادت من خوشحال باشید و مبادا ناراحت شوید و اشک بریزید و تو به عنوان یک مادر شهید افتخار کن که فرزندت در راه دین اسلام شهید شده است. درود بر چنین مادرانی که چنین فرزندان تحویل جامعه می‌دهند و تقدیم اسلام می‌کنند. مادر جان اگر تاکنون برای شما ناراحتی ایجاد کرده‌ام مرا حلال کن. من نتوانستم برای تو فرزند خوبی باشم و من از درگاه

1- از جمله وصیت‌نامه‌هایی که اصل دستخط شهید در اختیار نیست.

2- بقره / 165.

3- در نسخه تاپی مورد تأیید بنیاد شهید افتادگی دارد.



خدا و شما شرمنده‌ام از اینکه برای تو کار مثبتی انجام نداده‌ام. من نتوانستم حتی ذره‌ای از زحمات شما را جبران کنم. فقط از تو می‌خواهم شیر پاکی را که به من داده‌ای حلالم کنی. مادر جان آرزو داشتم که خودم را در لباس دامادی ببینم ولی سعادت آن را نداشتم. مادر و پدر عزیزم، امیدوارم که مرا بخشیده باشید و از برادران و خواهرانم می‌خواهم که مرا حلال کنند و افتخار کنند که برادر کوچک آنها در راه دین به شهادت رسیده است و از آنها عاجزانه می‌خواهم که راه مرا ادامه دهند و نگذارند که امام تنها بماند.

«والسلام و علیکم و رحمة الله و برکاته»

نام: میرزا  
نام خانوادگی: مرادی طولایی  
نام پدر: حاتم  
نام مادر: عنبرطلا  
تاریخ تولد: سی ام مهر 1345  
محل تولد: روستای علیمرادخانی از  
توابع شهرستان شیروان و چرداول  
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی  
ارگان اعزام کننده: سپاه پاسداران  
تاریخ شهادت: بیست و نهم آبان 1366  
محل شهادت: حلبچه عراق  
نحوه شهادت: اصابت گلوله  
مزار: گلزار شهدای روستای بلاوه تره  
شهرستان زادگاهش



## عبارت‌های کلیدی

- ا خدایا چگونه خود را بنده تو بدانم در صورتی که بندگی ات نکرده‌ام.
- ا خدایا چگونه رو سوی تو کنم در حالی که سراپا غرق آلودگی هستم.
- ا خدایا امیدوارم که در این جان دادن که خود فرمودی، بهترین معامله با تو است، از عذابم بکاهی.
- ا یا امام زمان چگونه ادعا کنم که سرباز تو هستم، در حالی که سراپا گناهم.
- ا مادر مرا ببخش، راهی که ما رفتیم راه اباعبدالله حسین (7) است.
- ا مادر دلسوزم خون جوانانی ریخته خواهد شد که خون من در مقایسه با آنها بی ارزش است.
- ا پدرم خوشحال باش که پسری را بزرگ کرده‌ای و در راه اسلام از دست داده‌ای.
- ا توجه تان [را] به این گذرگاه، این دنیای پوچ و بی ارزش جلب نکنید.
- ا اینجا کشتزاری است که انسان‌ها بذر جاودانگی در آن دنیا را می‌پاشند.
- ا هدف من جز خدمت به اسلام و قرآن چیزی دیگر نیست.
- ا ملت عزیز بدانید که جبهه واقعاً یک دانشگاه است، دانشگاه اباعبدالله الحسین (7).
- ا بشتابید به سوی جبهه که وظیفه همه هست، تنها باید وظیفه را انجام بدهید.
- ا خواهران عزیز و بزرگوارم، شما همچون زینب (سلام الله علیها) پیام رسان شهیدان باشید.

## میرزا مرادی طولابی

### بسم الله الرحمن الرحيم

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ فَرَحِينَ بِمَا آتَيْهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ يَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ إِلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»<sup>1</sup>

گمان مبر آنان که در راه خدا کشته شدند مرده‌اند، بلکه نزد پروردگار خویش زنده‌اند و روزی داده می‌شوند و بدانچه خدا از فضل و رحمت خویش به آنها عنایت کرده شادمانند و آرزو می‌کنند که بشارت شهادت دوستان دنیاشان به آنها برسد تا آنها را با خود در این شهادت شریک ببینند.

با سلام و درود بر محضر مبارک آقای امام زمان (عج) منجی عالم بشریت و نایب بر حقش، امام امت، خمینی بت شکن و با درود و سلام بر رزمندگان پرتوان اسلام و با سلام بر ارواح پاک طیبۀ شهدای صدر اسلام تا کنون، علی‌الخصوص<sup>2</sup> شهیدان انقلاب و جنگ تحمیلی و با سلام به امت مسلمان و غیور ایران.

«اللهم اجعل عواقب امورنا خیراً». خدایا چگونه ادعا کنم که مسلمانم [...] <sup>3</sup> کرده‌ام. چگونه خود را بنده تو بدانم در صورتی که بندگی‌ات نکرده‌ام. خدایا چگونه رو سوی تو کنم در حالی که سراپا غرق آلودگی هستم.

ای خدا، ای رحیم، ای بزرگ، «یا غَفَّارَ الذُّنُوبِ اغْفِرْ ذُنُوبِي». خدایا به بزرگی‌ات مرا ببخش. خدایا چگونه از تو درخواست عفو کنم. خدایا امیدوارم که در این جان دادن و رفتن از این دنیا که خود فرمودی، بهترین معامله با تو است، از عذابم بکاهی و کمتر عقاب شوم.

یا امام زمان چگونه ادعا کنم که سرباز تو هستم، در حالی که سراپا گناهم. مرا ببخش. بارخدایا این بنده گناهکار را مورد قبول درگاہت قرار ده.

1- آل عمران/ 170 - 169.

2- در اصل وصیت «الخصوص».

3- خوانا نیست.

پدر و مادر گرامی‌ام، اگر من شهید شدم، هیچ‌گاه برای من ناراحت نباشید.<sup>1</sup> مادر عزیز و گرامیم مرا حلال کن که من تو را خیلی اذیت کرده‌ام. از همان اول روز تولد جز اذیت و آزار چیز دیگری برای تو نداشته‌ام. باری مادرم اگر من را نبخشی، من در آن دنیا روسیاه درگاه باریتعالی خواهم شد. مادر مرا ببخش، راهی که ما رفتیم راه اباعبدالله حسین<sup>2</sup> (7) است. پس باید خوشحال باشی که من اگر شهید شدم گریه نکنی.

مادر دلسوزم خون جوانانی ریخته خواهد شد که خون من در مقایسه با آنها بی ارزش است. پس هیچوقت برای من گریه نکن و اگر هم گریه کردی برای اباعبدالله الحسین (7) و 72 تن از یارانش گریه کن.

پدر عزیزم اگر از دست من ناراحتی یا سرپیچی از جانب من دیده‌ای، مرا ببخش. پدر زحمتکشم میدانم با رنج‌های فراوان مرا بزرگ کرده‌اید و تا به اینجا رسیده‌ام اما خوشحال باش که پسری را بزرگ کرده‌ای و در راه اسلام از دست داده‌ای. پدرم فکر کن که از کجا آمده‌ایم و کجا خواهیم رفت. توجه‌تان [را] به این گذرگاه، این دنیای پوچ و بی‌ارزش جلب نکنید و فکر آخرت کن. در نظر داشته باش که این دنیا گذرگاهی بیش نیست و هیچکس در این دنیا جاوید بپا نشده بلکه اینجا کشتزاری است که انسان‌ها بذر جاودانگی در آن دنیا را می‌پاشند.

پس اگر من شهید شدم، پدرم، مادرم، برادران و خواهرانم، برای من ناراحت نباشید<sup>3</sup>؛ برای من شیون نکنید.<sup>4</sup> همچنان کوه استوار باشید<sup>5</sup> چرا، چون که دشمنان اسلام را کور کرده این، تنها چیزی که نباید فراموش کرد، دعا به جان امام عزیز می‌باشد. برای این رهبر عزیز که نظام مقدس جمهوری اسلامی را برقرار نمود دعا کنید. که خدایا امام امت تا ظهور حضرت مهدی (عج) نگه دار تا پرچم اسلام [را] به آن حضرتش تسلیم نماید.

---

1- در اصل وصیت «نباشین».

2- در اصل وصیت «باه عبدالله».

3- در اصل وصیت «نباش».

4- در اصل وصیت «نکنین».

5- در اصل وصیت «باشین».

«این امام بود که ملت ستم دیده را بیدار کرد»<sup>1</sup> و دست ظلم و ستم را از سر ما کوتاه کرد. بدانید که هدف من جز خدمت به اسلام و قرآن و خدا و استواری درخت اسلام چیزی دیگر نیست. و ملت عزیز بدانید که جبهه واقعاً یک دانشگاه است، دانشگاه ابا عبدالله الحسین (7) که هر کس باید به آن برسد و هرگز از آن دست نکشد و اسلام به خون چنان جوانانی زنده است. بشتابید به سوی جبهه که وظیفه همه هست، تنها باید وظیفه را انجام بدهید<sup>2</sup> که به قول اما عزیزمان اگر پیروز شدیم که چه خوب و اگر خدای نخواستہ پیروز نشدیم به وظیفه‌ای که اسلام گردن ما دارد عمل کرده‌ایم»<sup>3</sup> که انشاءالله پیروزیم و کربلا را زیارت خواهید<sup>4</sup> کرد به امید خدا.

سلام بر شما خواهران عزیز و بزرگوام، شما همچون زینب (سلام الله علیها) پیام‌رسان<sup>5</sup> شهیدان باشید. خواهرانم زینب‌وار باشید، حجاب شما باعث می‌شود که خون شهیدان اسلام پایمال نشود. برای من گریه نکنید. برای حسین (7) گریه کنید که جسد پاکش سه روز بی کس در بیابان افتاد و کسی را نداشته که آن عزیز خدا را دفن کند. برادران عزیزم برای شهید شدن برادرتان غمگین نباشید و گریه نکنید. خدای را شکر کنید که برادری را در راه اسلام و میهن از دست داده‌اید.

دوباره از پدر و مادر عزیزم تقاضا می‌کنم برای من ناراحت نباشید و از همه فامیلان و آشنایان و دوستان طلب حلالیت می‌کنم و اگر کسی از دست من ناراحت شده مرا ببخشد و از همسنگران عزیز طلب حلالیت می‌کنم.

«والسلام علی عبادالله صالحین»<sup>6</sup>

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی (عج) خمینی را نگهدار

میرزا مرادی طولابی

1- در اصل وصیت «این امام بود که بیدار ملت ستم دیده کرد».

2- در اصل وصیت «بدهین».

3- صحیفه امام، ج 12، ص 322.

4- در اصل وصیت «خواهین».

5- در اصل وصیت «رساندن».

6- در اصل وصیت «علی عبادالله صالحین».

بین انذین قلنا فی بیوت الایمان علی ابناء محمد و هم یزعمون زمین با  
بانیان و در فضل و استیساوی با این نام و در این نام و در این نام و در این نام

هم یزعمون

آسمان و آنگاه در راه خدا کسب شده بود نوره کند که نزد چو تبار خود بینی  
زنده کند و کفزی داده می شود و دیوانه خدا فضل و رحمت خویش به آنها عطا است  
مانند و آن روزی گفته شد بتباری نهادت در میان دنیا تار و آنها

و انصار با خود را این نهادت است بیست \* \* \*

با این نام و در هر عصر و وقت است تا ایام زین (عج) ضعیف عالم بشریت و نایب  
در پیش ایام زشت خویش است کفایت و با وجود دوام هر زنده تا ایام و ایام  
و آنرا در هر روز است طبعه نفسی خود ایام و آنکه از انصاف و تقوی و  
تقوت آید و در ایام هر زنده سلمان و مسواک

اول

الله اعیان عاقبت از ناله خدا با چو کله و اعالم که در ایام و در ایام و در ایام و در ایام  
چگونه خود را بنده نمودم در هر روزی که بشوید کله و خدا یا چو کله و در چو کله و در  
چو کله و در چو کله و در چو کله و در چو کله و در چو کله و در چو کله و در  
سرایا و چو کله و در چو کله و در چو کله و در چو کله و در چو کله و در  
این حال این روزی از این و یا هر روزی که در میان ما در دست از عدالت با ای کله  
عقاب نمود با ایام زمان چگونه در عالم که هر بار که در میان ما در دست از عدالت با ای کله  
بیشتر با چو کله و در چو کله و در چو کله و در چو کله و در چو کله و در

پدرم مادرم که ایم آن من نصیب شدم هیچگاه مرگی من ناراحت نباشین  
 مادر عزیزم که ایم مرا خدا آفرین که من فدای جلی از دست کرده ام از همان روز اول از قلعه  
 جزادیت و آزار پیروز بجوی مرگی فدای خدا شدم باری مادرم آن من را بخشن من در  
 آن دنیا رو بیا درگاه ماری تعالی خدایم شد مادر مرا بخشن و اهلیم ما را بنیم راه  
 پناه خداست این است یاباید غمناک باشی که من آن نصیب شدم گویا کنی  
 ما هر دلسوزم غم جو مانای ریخته خدایم شد که خون من در فانی ما آن فانی از زرش است  
 پس بیوقت جوی من گویا کنی و آن هم گویا کردی و ای ابا عبد الله الحسین و -  
 مهلت از باران گویا کن پدر عزیزم آن از دست من نادانم و با سر پیچی از  
 با لب من دیده لید مرا بخشنی پدر ز صحتکم می دانم با رنجهای نمر لوان در بزرگ  
 خود دیده و تاب رنجها رسیده ام لیا غمناک باشی که پسری را بزرگ کرده ای و رطه  
 رسد از دست داده ای پدرم کن که از کجا آمده ایم و کجا شویم رفتن تو چه تا  
 باین گدنگاه این دنیا بیایم و بی از تو جلب نکنید و تو آخورت کن در نظر دانسته  
 باشی که این دنیا گدنگاه بیستی نیست و هیچکی در این دنیا جلدید نیلست  
 بلکه اینها گدنگاه است که انسانها مژده و آنگاه در آن دنیا را می پانند  
 پس آن من نصیب شدم - پدرم - مادرم - خواهرها و خدایم جوی من ناراحت باشی  
 جوی من نبودن بکنی همزمان کوه دستور باشی چرا چونکه دشمنان رسد ام  
 لا کور کرده این نخواجی بی آن تا با بدو مریدین خود دعای جان امام عزیز می باشد  
 خدای این رهبر عزیز که نظام همه می دهد دری از دستهای او خضرار نمود دعای کسب  
 که خدایا امام امت تا ظهور حضرت مهدی (عج) که در نماز جسم رسد ام به آن  
 مصروفی تسلیم بیاید

سلام فرستم بیدار ملت بتم دیده کرد و دست ظلم و ستم را از خود پاکم پاره  
 کرد و توانست که هدف این جز خدمت به انصاف و توانی و حراست انصاف را در خدمت  
 اسلام بیرون بگذرانست و ملت عزیز را نسیب به جمع و لغت آیت و انگاه  
 است و انگاه ایامسوله العین است هر کسی باید به آن جوید و هرگز از آن دست  
 نکشد و اسلام به خوبی چنان خوانا می زند که است. بشتابید بسوی جمع که  
 وظیفه همه است تنها باید وظیفه و انعام بودیم که بقول امام عزیزمان آری میروند  
 نشیم که چگونه و آری خدای تعالی میسر و نشیم به وظیفه ای که اسلام کرده ما  
 دارد عمل کرده ایم که انشاء الله میسر و شود را زیارت خواهیم کرده امیدوار  
 سلام و رضا هر گاه عزیز در تکلم شما همچون زینب پیام رساندن نسیب این مائین  
 خوله کرم و زینب و در این جناب شما ایستای نود که چون شمیم آن اسلام با به این  
 و برای من محرمه نکند برای این که گویید که جد با کسی بی کسی در میان است و  
 کسی را ندانسته که آن عزیز خود را در حق کند  
 اولاً در عزیزم برای نسیب شدن برادرتان نمیکنم بنا نشید و گویید نکند  
 رحمتی بود که گویید که برادری را در راه اسلام و همین که دست داده اند  
 درباره که بدو در عزیزم تقاضای کتم برای من نداشتند بنام نسیب و در همه ما بماند به نشان  
 در نشان طلب حلاکت هر کس و اگر کسی با از دست من نداشت نسیب و با بجهت و در مستحق  
 بدین طلب حلاکت هر کس و اسلام علی ما الله صالحین  
 خدا یا خدا یا با اسباب مهدی رحیم خیمه و انگه دار  
 بسیار مری میخوانی





زیاد است بلکه هزاران گون خرمی شوم خوشای بالین و بیروت خدای خرمی  
 نکی نزلای زینب وارفت کین در مادر بلوران و نزلایان دعا چون گام  
 یادتای زور و شیا و دلی نام عزیزمان حالین که خدایا نام است تا خرمی حضرت  
 ممدی همچی کنر ممدی همچی کنر تا در تاجی نام نام به آن حضرت تسلیم لایین  
 خود لایین و بیت و عینت الا داشت نام در مکانی با من  
 خوف که دی به زلم مادر که نودی یادم جوان در طایفه تکی خنارم  
 یوم دست بر با عا در کپور خنار آزارد بیابطان آن بیروت شرم ناماد  
 به عیالی در نشانان در نرضی به بیرون نام به جای رفت عوروی لایین نومی به ناطور  
 و سلام علی من اتب الهدی ~~مرادی طولابی میرزا~~  
 خدای خرمی  
 میرزا مرادی طولابی

سلام بر شما  
 ۵۵

## تعليقات

- **آبادانان:** شهرستان آبادانان از شهرستانهای تابع استان ایلام است با جمعیتی بالغ بر 49153 نفر. دارای 3 بخش و 6 دهستان تابعه است. این شهرستان در 170 کیلومتری جنوب شرقی ایلام در میان ارتفاعات دینارکوه، کبیرکوه و سیاهکوه واقع شده است.
- **ابن ملجم:** عبدالرحمن بن ملجم مرادی حمیری از خوارج و در طریقه خود متعصب بود او و برک بن عبدالله تمیمی و عمر بن بکر سعدی در خانه کعبه سوگند یاد کردند که روزی معین علی بن ابی طالب (7)، معاویه ابن ابی سفیان و عمر بن عاص را به قتل برسانند و چنین می پنداشتند که بدین وسیله رفع اختلاف مسلمانان خواهد شد. ابن ملجم در 19 رمضان سال 40 هـ.ق هنگام نماز صبح به مقصود خود نائل شد و علی (7) را هنگامی که به نماز ایستاده بود با ضربت شمشیر به شهادت رساند. پس از همان ضربه ابن ملجم بود که حضرت علی (7) فرمود: «فزت برّ الكعبه» به خدای کعبه سوگند که رستگار شدم.
- **ابوذر غفاری:** از کبار صحابه و از مؤمنین قدیم بود ابوذر در شرایط بسیار سخت آغاز نبوت پیامبر و در آن فضای بسته بر سرجمع، با آواز بانگ شهادتین بگفت. مشرکین بارها او را زدند و او کوچکترین خللی بخود بر سر اسلام راه نمی داد. ابوذر را نفی بلد کردند به ربه. در همان جا درگذشت در اوج سختی و فقر. از رسول الله

نقل است که درباره او می‌فرماید: ابوذر در امت من بزه‌د چون عیسی بن مریم است علیه السلام. عثمان به تحریک معاویه او را تبعید کرد. (دهخدا)

- **ابوسفیان:** صخر بن حرب بن امیر بن عبد شمس از قبیله قریش بود. پدر معاویه و یزید و عتبه و برادران دیگر داشت. در ده سال پیش از عام الفیل متولد شد. از اشراف قریش در جاهلیت بود. در جریان فتح مکه مسلمانی پذیرفت. نقل است که ابوسفیان در زیر لوای پسر خود یزید جنگ می‌کرد. برخی گویند او به زمان جاهلیت مانوی و پس از قبول مسلمانی ملجأ و کھف همه منافقین بود. ابوسفیان مردی جاه طلب بود. ابوسفیان در دوران خلافت عثمان در سال 33 هجری درگذشت. گویند سبب اصلی جنگ اُحُد و غزوه احزاب ابوسفیان بوده است. (دهخدا).

- **ابوموسی اشعری:** عبدالله بن قیس بن سلیم صحابی است از مردم قریه رمع یکی از قرای یمن و از قبیله اشعر یمن است. پیش از هجرت از یمن به مکه شد و اسلام آورد. پس از فتح خیبر به یمن برگشت. سال دهم هجرت به امر رسول (6) والی قسمتی از یمن گردید. در خلافت عمر سال 17 ه.ق والی بصره و سال 22 ه.ق حکمران کوفه شد. در خلافت علی (7) حکم گردید و عمرو بن عاص او را فریب داد. پس از آن به مکه گریخت و پس به کوفه برگشت و در همانجا درگذشت. «دهخدا»

- **اسلام فقهاتی:** تعبیر اسلام فقهاتی از حضرت امام خمینی است. شأن بیان و تأکید حضرت امام در این موضوع این است که در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی برخی از روشنفکران که آبشخور فکریشان متون و آثار غربی بود و به نوعی اختلاط در مبانی و اصول انقلاب رسیدند. به خصوص در مسائل و موضوع‌هایی که در ادامه انقلاب با آن روبه‌رو بودند از جمله مسائل سیاسی - اقتصادی و... به نوعی گرایش و وابستگی غربی دچار شده بودند، خطر این کار این بود در ادامه دراز مدت از مبانی اصلی دوری شدند و به نوعی نگاه و تلقی از اسلام فقهاتی رنگ می‌باخت و اسلام التقاطی حاکم می‌شد. در مواردی هم نسبت به نگاه و حکم اسلام فقهاتی تردید می‌کردند. حضرت امام صریحاً اعلام کردند که اسلام ما اسلام فقهاتی و فقه ما فقه جواهری است با این موضع علمی و محکم و مستند امام تمام حرف‌ها

و تلقی‌های ناخالص یا التقاطی رنگ باخت. امام بعدها از همین اسلام در قالب اسلام ناب محمدی در برابر اسلام آمریکایی دفاع کرد و به آن اصالت بخشید (صحیفه امام، دوره 22 جلدی).

- **اسماعیل (ذبیح‌الله):** اسماعیل فرزند بزرگ حضرت ابراهیم از هاجر بود سال تولدش را 2085 قبل از میلاد نوشته‌اند. شاخص‌ترین نکته در زندگی حضرت اسماعیل این است که وقتی خداوند حضرت ابراهیم را مبنی بر میزان اطاعت و فرمانبری او از خود امتحان کرد از ابراهیم خواست که فرزندش را قربانی کند. حضرت ابراهیم بدون کوچکترین درنگ کارد بر گلوی فرزند نهاد. اما خداوند چون اخلاص ابراهیم را دید، به جای قربانی اسماعیل پذیرفت که گوسفندی قربان کند. سنت قربانی در اعمال حج تمتع به همان موضوع برمی‌گردد. حضرت اسماعیل در تجدید بنای کعبه به پدر کمک می‌کرد.

- **اتیوپی:** از کشورهای آفریقای شرقی بین سودان، کنیا، اریتره و سومالی است. پایتخت آن آدیس‌آبابا، دارای حکومت جمهوری فدرال با جمعیت هفتادوسه میلیون و پانصد هزار نفر است. سال‌ها مستعمره ایتالیا بود. در سال 1941م پس از شکست ایتالیا در جنگ دوم جهانی از مستعمره ایتالیا آزاد شد. فقر و عقب‌ماندگی میراث سال‌ها استعمار این کشور است.

- **اصطلاح چپ و راست:** این تعبیر بعد از انقلاب فرانسه رواج یافت. در مجمع ملی نمایندگان فرانسه به نمایندگان تندرو که در طرف چپ پارلمان مستقر بودند «چپ» و به نمایندگانی که در طرف راست پارلمان بودند و با تندروها مخالف بودند «راست» می‌گفتند. بعدها به گروهی که خواهان حرکت‌های تند و انقلابی بودند جناح یا جریان چپ گفتند و به گروه مقابل و مخالف این سیاست‌ها جناح یا جریان راست گفتند. این اصطلاح در سایر کشورها هم به نوعی جای خود را باز کرد و خود مصادیقی یافت. البته هر دو جریان سیاسی در ایران تعاریف خاص بومی داشتند چپ‌ها و چپگرایان و راست‌ها و راستگرایان ایران، مانند فرانسه و سایر کشورها نبودند. ادبیات سیاسی روی کار آمده و نوع تعامل این دو جناح، با

دولت‌ها و موضعگیری‌های آنان در ایران با سایر کشورها اگر نگوئیم مغایر است، حداقل باید بپذیریم که متفاوت است. «مصحح»

- **الیاس:** نام پیغمبری است مشهور و او پسر زادهٔ سام بن نوح و عمه خضر است. همراه او آب حیات خورده از این رو همیشه زنده است. الیاس از پیامبران بنی‌اسرائیل است پانزده سال دورهٔ نبوتش را نوشته‌اند. الیاس صاحب کتاب نبود. پیامبری شجاع، امین، غیور و متعصب بود. از اهالی بعلبک بود 9 قرن قبل از میلاد می‌زیست. بنی‌اسرائیل را به ترک بت‌پرستی دعوت می‌کرد ولی قوم دعوت او را اجابت نمی‌کردند و او را آزار می‌رساندند تمام خوارق عادت و معجزاتش را انکار می‌کردند. در قرآن از او چنین یاد شده است و «ان الیاسَ کمن المرسلین». (دهخدا).
- **امامزاده سیداکبر (7):** بقعه زیارتی امامزاده سیداکبر (7) در نزدیک دهلران و در مسیر دهلران به اندیمشک قرار گرفته است. امامزاده سیداکبر را پسر امام موسی کاظم (7) می‌دانند که همراه حضرت معصومه (3) به منظور دیدار از حضرت امام رضا (7) از عراق به ایران آمده است، در دهلران بر اثر بیماری فوت کرده و در آنجا دفن شده است.
- **امامزاده علی صالح (7):** این امامزاده به خاص علی نیز معروف است در 35 کیلومتری جنوب شهر ایلام واقع است. ساختمان آن قبل از دوران قاجاریه بنا گردیده. زیارتگاه هزاران نفر از اهالی استان و دیگر استان‌های هم‌جوار است. امامزاده علی صالح فرزند عبیدالله الاعرج فرزند حسین الاصفهری فرزند امام زین‌العابدین (7) امام چهارم شیعیان است و در عصر امامت امام رضا (7) می‌زیسته لقب او صالح و کنیه‌اش ابوالحسن بوده است. مزار شهدای جنگ تحمیلی در جوار این بقعه است و همین امر اهمیت آن را بیش از پیش کرده است.
- **امام موسی صدر:** پس از سفر به لیبی به دست عوامل اطلاعاتی این کشور ربوده شد. امام موسی صدر در قم به دنیا آمد و بعد از تکمیل تحصیلات خود در دانشگاه تهران به دعوت حجت‌الاسلام «سید عبدالحسین شرف‌الدین» رهبر مذهبی و انقلابی شیعیان در شهر صور راهی جنوب لبنان شد. شیعیان لبنان در آن زمان در وضعیت نامناسب سیاسی - اجتماعی و فرهنگی بسر می‌بردند از این رو امام موسی صدر در

مقام رهبری شیعیان لبنان اقدامات اساسی و مهمی در این زمینه‌ها انجام داد. او موفق شد که قانون تشکیلات مربوط به امور اسلامی شیعیان را در مجلس لبنان به تصویب برساند و سپس با رای مردم به ریاست تشکیلات امور مسلمانان انتخاب شد. اما سرانجام مرتجعان عرب که از وقوع انقلاب اسلامی در لبنان وحشت داشتند، نقشه ربودن امام موسی صدر را طراحی کردند تا از فعالیت شیعیان در خاورمیانه جلوگیری کنند، چرا که مبارزات و موفقیت‌های امام موسی را مانع از توسعه اهداف خود می‌دانستند.

- **ام لیلی (لیلا):** لیلی دختر ابومره ثقفی، همسر امام حسین (7) و مادر حضرت علی‌اکبر (7) از زنان فاضل عصر خویش بوده است. برخلاف آنچه مشهود است در کتاب‌های معتبر و مقتل‌ها نامی از ایشان در جریان‌ات کربلا و کوفه و شام نیست. (فرهنگ عاشورا، جواد محدثی).

- **ام وهب:** همسر عبدالله بن حباب کلبی، یکی از زنان شجاع و مجاهدی که در روز عاشورا شاهد وقایع خونین آن روز بود. ام وهب در روز عاشورا در فرستادن فرزند خود به میدان اصرار داشت و وقتی فرزندش اسیر شد، عمرسعد ملعون سرش را از تنش جدا کرد و سر را به نزد ام وهب آوردند. پس از پاک کردن خون از صورت فرزند و حمد و ستایش خداوند، سر را به سوی دشمن افکند، یعنی آنچه در راه خدا داده‌ام باز پس نخواهم گرفت (بحارالانوار، ج 17، ص 17).

- **ام‌البین:** همسر علی بن ابی طالب است. دختر عامریه از خاندان آل وعید که در روز عاشورا چهار فرزند ایشان به‌نام‌های (عبدالله، جعفر، عثمان و عباس) یکی پس از دیگری در رکاب امام حسین (7) شجاعانه جنگیدند تا شهید شدند.

- **ام کلثوم:** دختر علی بن ابیطالب (7) از حضرت فاطمه (3) است. بنا به مشهور به همسری عمر خلیفه دوم درآمد. در تنقیح‌المقال آمده است که ام کلثوم کنیه حضرت زینب کبری (3) دختر حضرت علی (7) است که در کربلا با برادرش امام حسین (7) همراه بود. سپس به شام و مدینه رفت. برخی گویند حضرت علی (7) دو دختر داشت که کنیه هر دو ام کلثوم بود.

• **امینی، عبدالحسین:** علامه عبدالحسین امینی معروف به علامه امینی صاحب الغدیر در سال 1320 هجری قمری در روستای سروها از توابع شهرستان سراب به دنیا آمد. خاندانش اهل علم و فضل بود. مقدمات علوم را در تبریز خواند و عاقبت از تبریز راهی نجف شد. از مراجع بزرگی چون سیدابوالحسن اصفهانی، شیخ عبدالکریم حائری، شیخ محمدحسین کمپانی اصفهانی بهره علمی برد. علاوه بر دهها اثر عمیق، دقیق و ارزشمند علمی، از جمله: کامل الزیارات، سیرتنا، سیره نبینا، شهدای راه فضیلت، مدت چهل سال عمرش را به تألیف کتاب بی مانند الغدیر در 20 مجلد صرف کرد. برای اثبات حقانیت علی (7) و خاندان عصمت و طهارت و دفاع علمی از جایگاه علمی و ولایی آنان به دهها کشور و شهر در شرایط سخت سفر کرد. در نهایت امساک و ورع و زهد بسر می برد و شبانه روز حدود 20 ساعت به تحقیق و تفحص و پژوهش می پرداخت. سرانجام در 12 تیرماه 1349 در آستانه 70 سالگی دارفانی را وداع گفت و در محل کتابخانه عمومی خود به خاک سپرده شد.

• **ان کان دین محمد:** تاکنون در هیچ کتاب و منبع معتبری یافت نشده که این عبارت «ان کان دین محمد لم یستقم الا بقتلی فیا سوف و خذینی» را به صراحت به حضرت امام حسین (7) بدانند. در موسوعه کلمات الامام الحسین (7) و در کتاب دایرة المعارف تشیع چنین آمده است. «شیخ محسن (1335-1305ق) فرزند حاج محمد حونری حائری آل ابی الحب، از اعظام خطبا و شعرای شیعه و صاحب دیوان شعری به نام الحائریات است. قصیده معروفی دارد که زبان حال همه سوگواران در مجالس حسینی است. دو بیت شعر از زبان حال ابی عبدالله الحسین (7) دارد که چنین است:

اعطیت ربی موثقاً لایتهی	الا بقتلی فاصعدی و ذریتی
ان کان دین محمد لم یستقم	الا بقتلی یاسیوف خذینی

• **انسان سازی:** تعبیر «انسان سازی» را حضرت امام خمینی برای قرآن و اسلام بارها و به مناسبت های گوناگون به کار برده است از آن جمله اند: «اسلام مکتب انسانی سازی است» (صحیفه امام، ج 3، ص 237). اسلام یک مکتبی است که برای انسان سازی



آمده. (صحیفه امام، ج 4، ص 8) قرآن کتاب انسان‌سازی است (صحیفه امام، ج 5، ص 326). ابرقدرت‌ها از او [مکتب اسلام] می‌ترسند. از انسان می‌ترسند و اسلام را می‌کوبند چون مکتب انسان‌سازی است. (صحیفه امام، ج 6، ص 278) رزمندگان تحت تأثیر سخنان امام این تعابیر را قلمی کرده‌اند که «جبهه‌ها کارخانه انسان‌سازی است».

- **اهل کوفه:** از آنجا که جمله مورد نظر ادامه قسمتی است که حذف شده مفهوم عبارت باید این باشد که ما نباید مثل مردم کوفه با امام عزیزمان بیعت ببندیم. مردم کوفه در تاریخ اسلام نماد و سمبل عهدشکنی و بی‌وفایی‌اند. در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی یکی از شعارهای رایج و پرمعنی که مردم در دیدار با حضرت امام خمینی سر می‌دادند این بود که «ما اهل کوفه نیستیم امام تنها بماند». امروز هم در ملاقات‌هایی که با حضرت آیت الله خامنه‌ای صورت می‌پذیرد یکی از شعارها این است که ما اهل کوفه نیستیم علی تنها بماند.

- **ایوان:** از جمله شهرستان‌های استان ایلام است. دارای 49763 متر جمعیت و در شمال شهر ایلام قرار دارد.

- **بازرگان، مهدی:** (1286 تهران - 30 دی 1373 زنو) معروف به مهندس بازرگان، سیاستمدار، استاد دانشگاه و پژوهشگر مذهبی بود. او نخستین نخست‌وزیر ایران پس از پیروزی انقلاب 1357ش (رئیس دولت موقت) و نخستین دانشیار دانشگاه تهران بود. بازرگان، در کنار آیت‌الله شهید محمود طالقانی و یدالله سبحانی، یکی از بنیادگذاران نهضت آزادی ایران و هم‌چنین از فعالان در ارتباط با انجمن اسلامی دانشجویان در دانشکده فنی دانشگاه تهران بود. وی تحصیلات ابتدایی را در مدرسه سلطانیه تهران و متوسطه را در دارالمعلمین مرکزی به پایان رساند و سپس در سال 1306 در میان نخستین گروه محصلان ممتاز اعزامی دولت پهلوی قرار گرفت و به کشور فرانسه رفت. او در مدرسه حرفه‌وفن شهر پاریس در رشته ترمودینامیک و نساجی تحصیل کرد و پس از هفت سال در سال 1313 به ایران بازگشت. بازرگان در دادگاه نظامی حکومت طاغوت به ده سال زندان محکوم شد. در پانزدهم بهمن 1357 با حکم حضرت امام خمینی به سمت وزیری منصوب شد.

• **باهنر، محمدجواد:** (1312-1360ش) در سال 1312 در کرمان متولد شد و در سال 1342 در پی تحصیل علوم حوزوی به قم عزیمت کرد و از محضر بزرگانی چون آیت الله بروجردی، امام خمینی و علامه طباطبایی تلمذ نمود و در عین حال توانست در رشته الهیات نیز حائز درجه دکترا شود. شهید باهنر در سال 1327 به علت سخنرانی علیه رژیم اسرائیل دستگیر شد و از سال 1341 فعالیت سیاسی خود را علیه رژیم شاه آغاز کرد. پس از پیروزی انقلاب سمت‌های مهمی چون عضویت در شورای انقلاب، نمایندگی مردم کرمان در مجلس خبرگان، نمایندگی مردم تهران در مجلس شورای اسلامی و نیز وزارت آموزش و پرورش را برعهده داشت و سرانجام در 8 شهریور 1360 در حادثه انفجار دفتر نخست‌وزیری به همراه شهید رجایی به شهادت رسید.

• **بختیار، شاهپور:** در سال 1293. ه. ش در شهرکرد متولد و در سال 1370 در پاریس درگذشت. از جمله بنیان‌گذاران نهضت مقاومت ملی بود. در 16 دی‌ماه 1357 با محمدرضا شاه بر سر پست نخست‌وزیری به توافق رسید. با پذیرش نخست‌وزیری از ورود هواپیمای حضرت امام به ایران ممانعت کرد. بختیار با هماهنگی آمریکا و شاه موقتاً در آن سمت قرار گرفت تا آمریکا و عوامل داخلی و سران رژیم پهلوی بتوانند از آتش خشم ملت مسلمان و انقلابی ایران بکاهند و با تسلط مجدد شاه ایشان را مجدداً به خارج از کشور بفرستند. به اصول مذهب و اعتقادات خاصی پای‌بند نبود. بختیار در دوران کوتاه مسولیت مذکور از عهده کار برنیامد و در برابر امام و طوفان خشم مردم انقلابی نتوانست دوام بیاورد. پس از 6 ماه زندگی مخفیانه در تیر 1358 به پاریس گریخت و به فعالیت علیه نظام جمهوری اسلامی پرداخت. در سال 1370 در پاریس درگذشت. بی‌تردید بختیار از مهره‌هایی بود که سال‌ها در آب نمک خوابیده بود تا در فرازی به‌عنوان یک مهره به درد آمریکا و شاه بخورد اما در بهمن‌ماه 1357 با اعلام بی‌طرفی ارتش شاه، عملاً دولت او سقوط کرد و از قدرت برکنار شد.

• **بلال حبشی:** بلال ابن ریاح حبشی مکنی به ابو عبدالله بود. مادر وی حماته نام داشت. مؤذن و خزانه‌دار بیت‌المال رسول خداوند (ﷺ) بود. از سابقان و پیشی‌گیرندگان

در اسلام بود. رنگ پوست او به شدت گندم‌گون بود. در غزوه‌های مختلف از قبیل بدر، احد و خندق از همراهان پیامبر اکرم (6) بود. آخرین بار هنگام رحلت پیامبر (6) اذان گفت. از آن پس برای احدی اذان نگفت. در سال 20 قمری در سن 60 سالگی در دمشق و مرض طاعون درگذشت. مجموعاً از وی چهل و چهار حدیث نقل شده است. «دهخدا»

- **بنی صدر، ابوالحسن:** متولد 1312 همدان. در بهمن سال 1358 به عنوان نخستین رئیس جمهوری اسلامی انتخاب شد. خیلی سریع به علت مواضع مخالف با نظام و خروج از مسیر حرکت انقلاب، هم‌صدا با منافقین و برخی مخالفان نظام به نوعی مقاومت مسلحانه علیه نظام روی آورد. عدم کفایت سیاسی او از سوی مجلس شورای اسلامی تصویب شد. با تأیید حکم مجلس، از سوی حضرت امام و اجرای حکم، خلع مسئولیت شد. از کشور گریخت و با سایر مزدوران و معاندان و مخالفان ضدانقلاب همسو شد.

- **بیت المقدس:** «قدس»، نام دیگر آن مسجدالاقصی است. مسلمانان معتقدند معراج پیغمبر اکرم (6) از آنجا آغاز شده است و به عنوان قبله اول مسلمانان و دومین حرم است. اسرائیل بارها در صدد تصرف آن برآمده است و قسمت‌هایی از آن را اشغال کرده است. در قدیم آن را اورشلیم می‌خواندند. یهودیان آن را پایتخت یهود می‌دانند. در آنجا پرستش‌گاه‌هایی ساخته‌اند. کوروش شاه ایرانی در سال 445 قبل از میلاد این شهر را آزاد ساخت. امروز یکی از مراکز مقاومت مسلمانان در برابر صهیونیسم متجاوز و غاصب است.

- **پادگان دوکوهه:** در حدود بیست کیلومتری شهر اندیمشک واقع شده است. این پادگان در اصل خانه‌های سازمانی پادگانی از ارتش به همین نام بود که در شمال این ساختمان‌ها قرار دارد و مرکز پشتیبانی نیروی زمینی ارتش است و در دوران دفاع مقدس به طور موقتی در اختیار تیپ 27 محمد رسول‌الله قرار گرفت که بعدها به لشکر ارتقا یافت و تا پایان جنگ در همین مکان و ساختمان‌ها مستقر بودند و اکنون نیز در اختیار همان لشکر است.

- **پاریس:** پایتخت و شهر معروف فرانسه واقع بر ساحل رود سن و فاصله کمی از ملتقای دو رود «سن و مارن» مرکز حکومت فرانسه و اسقف‌نشین آن. یکی از قدیمی‌ترین و زیباترین شهرهای اروپایی غربی و دارای موزه‌ها، کتابخانه‌ها و مؤسسات علمی، ادبی و هنری است. پاریس مهم‌ترین بندر داخل فرانسه است و یکی از بزرگ‌ترین مراکز جواهرسازی جهان است.
- **پایگاه:** منظور پایگاه‌های بسیج و مقاومتی بود که از دوران دفاع مقدس به‌عنوان مراکز پشتیبانی و جذب نیرو تحت مدیریت و فرماندهی بسیج تشکیل شده است. بی‌تردید مردمی‌ترین مراکز نظامی و انتظامی در روزگار ماست که با ابتکار حضرت امام خمینی به‌عنوان فرمانده کل قوا تشکیل شد.
- **تنگه چزابه:** نام منطقه‌ای است در استان خوزستان. این تنگه در شمال غربی بستان و در راه جاده‌ای است که از مرز به بستان کشیده شده است. در دو سوی این تنگه تپه‌های شنی و هورهوریزه جای گرفته‌اند. جاده‌ای در خاک ایران، چزابه را به فکه و جاده‌ای دیگر این منطقه را به العماره در عراق می‌پیوندد. دهانه این تنگه نیز نزدیک به یک‌ونیم کیلومتر می‌باشد. از نقطه‌ای دید رزمی بسیار استراتژیک می‌باشد. در روند جنگ ایران و عراق تنگه چزابه یکی از پنج محور تازش عراق به ایران بود. عراق این منطقه را در دست داشت تا اینکه در عملیات طریق‌القدس در آذر 1361 ایرانیان این نقطه را بازپس گرفتند.
- **جالوت:** جباری در فلسطین، چون طالوت به پادشاهی بنی‌اسرائیل رسید آنان با جالوت و قوم او جنگیدند. اشموئیل نبی با طالوت موافق بود. جالوت در جنگ کشته شد و قوم او هزیمت کردند.
- **جبهه ملی:** از احزاب سیاسی ایران بود که نطفه اولیه آن از دوران فعالیت‌های دکتر محمد مصدق بسته شد. این سازمان تاکنون به علت نوسانات مختلف بیش از پنج بار تجدید حیات کرده است. فعالیت‌های این جبهه به علت تعارض و مواضع مخالف با نظام جمهوری اسلامی غیرقانونی اعلام شده است. در سال‌های دفاع مقدس نهضت آزادی و سایر تشکل‌های سیاسی جزو مخالفان جدی جنگ بودند.

وابستگی شدید آنان به جریان‌های سیاسی - حقوقی غرب، مواضعشان را از نظام جمهوری اسلامی بسیار دور کرده است. (مصحح)

- **جزیرهٔ مجنون:** منطقه‌ای است در استان بصره عراق که در نزدیکی میدان نفتی مجنون و شهر قرنه قرار دارد. دو رود دجله و فرات در این منطقه به هم می‌پیوندند و سرچشمه اروندرود را پدید می‌آورند. این منطقه از آن‌رو مجنون (دیوانه) نامیده شده است که به گونه‌ای دیوانه‌وار حجم عظیمی از منابع نفتی را در یک منطقه محدود جغرافیایی جای داده است. از سال 2009 کنسرسیومی از وزارت نفت عراق، رویال داچ شل و پتروناس استخراج آن را برعهده گرفته‌اند. در جریان جنگ ایران و عراق در سال 1362 این منطقه در پی عملیات خیبر به دست نیروهای ایرانی افتاد و ایران بر اتوبان العماره مسلط شد ولی یک‌سال بعد نیروهای عراقی آن را بازپس گرفتند.

- **جهاد اصغر:** اشاره دارد به حدیث مشهوری از پیامبر نقل شده است: «قال امیرالمومنین علیه‌السلام: ان رسول الله صلی الله علیه و آله بعث سربیه فلما رجعوا قال: مرحبا بقوم قضوا الجهاد الاصغر و بقی علیهم الجهاد الاکبر قیل: یا رسول الله و ما الجهاد الاکبر؟ قال: جهاد النفس ثم قال صلی الله علیه و آله: افضل الجهاد من جاهد نفسه التی بین جنیه (الامالی ص 553)، ترجمه: گفت امیرالمومنین (7) که رسول خدا (6) گروهی را به مبارزه با کفار فرستاد و هنگامی که بازگشتند فرمود: مرحبا به گروهی که جهاد کوچک‌تر را به انجام رساندند و جهاد بزرگ‌تر برایشان باقی ماند. گفته شد: جهاد بزرگ‌تر چیست؟ فرمود: جهاد نفس، سپس فرمود: بهترین جهاد را کسی انجام می‌دهد که با نفس خویش، که در کنار دارد، جهاد می‌کند.

- **جوانرود:** نام قدیم منطقه‌ای است متشکل از شهرستان‌های جوانرود (قلعه جوانرود)، پاره، روانسر و ثلاث باباجانی در استان کرمانشاه است. مرکزیت این منطقه در طول تاریخ آن اکثراً قلعه جوانرود بوده است اما با اضافه شدن بخش‌هایی از اورامان لهون به مرکزیت شهر نوسود از اواخر دهه سی شمسی اورامانات خوانده شد. جوانرود از شمال به اورامان لهون و پل دو آب، از جنوب به سرپل ذهاب، از شرق به کرمانشاه و از غرب به خاک عراق متصل است. زبان مردم این منطقه کُردی (سورانی با

گویش جافی و اورامی) است. در آغاز انقلاب متأسفانه این منطقه جولانگاه گروهک‌های ضد انقلاب بود و بسیاری از پاسداران انقلاب اسلامی در منطقه جانورود توسط عوامل شرق و غرب به شهادت رسیدند.

• **چریک‌های فدایی خلق:** سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران، در سال 1350 برای مبارزه با رژیم پهلوی فعالیت خود را شروع کرد. از آغاز از جهت خط‌مشی وابسته به شرق بود. اندیشه مارکسیسم دانست به علت خیانت‌های متعدد و اعلام جنگ مسلحانه علیه نظام جمهوری اسلامی ایران غیرقانونی و منحل شناخته می‌شود. با سقوط ابرقدرت شرق (شوروی سابق) پایگاه اصلی خود را از دست داد. وابستگی شدید این تشکیلات به شرق آن روز و اندیشه مارکسیستی و عدم شناخت از ایران و مردم اسلام، آنها را به انزوا و نابودی کشید. «مصحح»

• **چریک‌های فدایی خلق، گروه پیکار:** این گروه کوچک از دل سازمان مجاهدین خلق (سازمان منافقین هکی) زاییده شد. ایدئولوژی اسلام را به مارکسیسم نینسیم تغییر داد. تحت تأثیر شدید کشورهای کمونیستی و بلوک شرق در سال 1351 در انشعابی ایدئولوژیک عملاً مارکسیست شدند. سازمان پیکار برخلاف برخی از احزاب و جریان‌های چپ مارکسیستی در برابر نظام جمهوری اسلامی ایران موضع مخالف گرفت. برنامه‌ای در زمان دولت موقت مشابه برنامه جمهوری دموکراتیک خلق چین ارائه دادند. نشریه‌ای به نام پیکار چاپ می‌کردند. حتی اشغال لانه جاسوسی آمریکا را که امام آن را انقلاب دوم می‌دانست تأیید نکردند. انتخابات ریاست جمهوری را تحریم کردند. در برابر انقلاب اسلامی مَشی مسلحانه را پیش گرفتند. این سازمان به گروه اقلیت و اکثریت تقسیم شد. شدیداً از سوی امت مسلمان و انقلابی مورد تنفر بودند و به‌علت مخالفت با نظام جمهوری اسلامی از صحنه سیاسی ایران حذف شدند. برخی از افراد آن نیز به کشورهای بیگانه پناهنده شدند. (مصحح)

• **چمران، مصطفی:** در سال 1311 در خیابان 15 خرداد تهران متولد شد. تحصیلات خود را در مدرسه انتصاریه پامنار آغاز کرد و در مدارس دارالفنون و البرز دوران متوسطه را گذراند. وی در دانشکده فنی دانشگاه تهران ادامه تحصیل داد و در سال 1336 در رشته الکترونیک فارغ‌التحصیل شد. در سال 1337 با استفاده از بورس تحصیلی

شاگردان ممتاز به آمریکا اعزام شد و با درجه ممتاز علمی از دانشگاه برکلی مدرک دکترای خود را در رشته الکترونیک و فیزیک پلاسما اخذ نمود. وی در زمان اقامت در آمریکا، انجمن اسلامی دانشجویان آمریکا را تأسیس کرد که این اقدامات منجر به قطع بورسیه وی توسط رژیم شاه شد. شهید چمران از ابتدای نوجوانی از محضر اساتیدی چون مرحوم آیت‌الله طالقانی و شهید آیت‌الله مرتضی مطهری استفاده کرد. با آنکه او در آمریکا یکی از دانشمندان مطرح محسوب می‌شد، اما بدون توجه به این درجه علمی از آمریکا به مصر رفت و دوره آموزش نظامی را در آنجا تعلیم دید و از آنجا رهسپار لبنان شد و با کمک امام موسی صدر، سازمان امل را براساس اصول و مبانی اسلام پی‌ریزی کرد. این شهید بزرگوار از قلب بیروت تا قله‌های بلند کوه‌های جبل عامل و در مرزهای فلسطین اشغال شده از خود قهرمانی‌های بسیاری به یادگار گذاشته است. با پیروزی انقلاب پس از 21 سال دوری از وطن به ایران بازگشت و تمام تجربیات خود را در اختیار انقلاب اسلامی قرار داد. پس از حضور وی و خاتمه دادن غائله کردستان، از سوی حضرت امام (؛) به وزارت دفاع منصوب شد. او پس از چندی به نمایندگی حضرت امام خمینی (؛) در شورای عالی دفاع منصوب شد. با شروع جنگ تحمیلی با تشکیل گروه‌های داوطلب و استفاده از رزمندگان مخلص به جنگ‌های نامنظم و چریکی با ارتش بعثی در مناطق جنوب پرداخت و موفقیت‌های بسیاری را نیز کسب کرد. این شهید بزرگوار سرانجام در 31 خرداد 1360 بر اثر اصابت ترکش خمپاره در منطقه دهلاویه به فیض شهادت نائل آمد. شهید چمران نماینده مردم تهران در دوره اول مجلس شورای اسلامی نیز بود.

- **چنگوله:** از جمله مناطق مهم از استان ایلام است که عراق در پنج روز اول جنگ، بعد از شهریور 1359، در حمله سراسری خود آنرا به اشغال خود درآورد این منطقه هم سال‌ها در اختیار نیروهای عراقی بود. در عملیات والفجر 5 سپاه پاسداران عملیاتی با رمز یا زهرا (3) را در تاریخ 1362/11/27 اجرا کرد. در این نبرد چند روزه اهداف پیش‌بینی شده تحقق یافت و مناطق مهمی نظیر بندپیرعلی، تنگه و بلندی‌های چنگوله و جفعاسگر و... آزاد شدند.

- **چوار:** از جمله بخش‌های تابع شهرستان ایلام است دارای تفرجگاه زمستانی، قنات و نیز قبور باستانی موسوم به لاشکن است.
- **حبیب بن مظاهر:** از اصحاب رسول خدا و امیرالمومنین علی (7) بود و در جنگ جمل و صفین و نهران کنار امام علی (7) جنگید. حبیب از کسانی بود که برای امام حسین (7) نامه نوشت و هنگامی که مسلم بن عقیل، نماینده امام، به کوفه رسید، در منزل مختار به حمایت از او سخن گفت. او به همراه مسلم بن عوسجه در کوفه برای امام حسین (7) بیعت می‌گرفت و در واقعه عاشورا همراه دیگر یاران آن حضرت به شهادت رسید. (دهخدا)
- **حربن یزید ریاحی:** سردار طلیعه سپاه عبیدالله بن زیاد بود. روز عاشورا به ناگهان به سپاه اباعبدالله حسین بن علی (7) پیوست، در رکاب او به یوم الطف شهادت یافت. او را اول قتیل روز عاشورا به کربلا می‌دانند. بعدها حُر به عنوان نماد آزادگی مشهور شد. یقیناً وجود فطرت پاک حُر در تغییر موضع او و خروج از صف باطل و پیوستن به صف حق بسیار مهم بوده است. (دهخدا).
- **حزب بعث عراق:** (به عربی: حزب البعث العربی الاشتراکی) نام حزبی سیاسی بود که با کودتای سال 1347 (1968م) که منجر به حکومت درازمدت حزب بعث شد بر سر قدرت آمد. مبانی نظری این حزب بر پان عربیسم، نوسازی اقتصادی و سوسیالیسم استوار بود. صدام حسین تکریتی یکی از اعضای برجسته حزب بعث محسوب می‌شد که پس از پیروزی انقلاب اسلامی به‌عنوان عامل دست آمریکا و با همکاری و حمایت سایر قدرت‌ها به قصد تجربه ایران و شکست و جلوگیری از صدور انقلاب اسلامی به ایران حمله کرد. پس از تلفات و خسارات بسیار به دو کشور جای پای آمریکا و لشکرکشی و حضورش را در منطقه باز کرد. و سرانجام از ایران و نیروهای رزمنده ایران به تعبیر حضرت امام سیلی خورد که هرگز از جایش برنخواست. این حزب در طول تاریخ در خدمت اهداف استکبار بوده است از هر دو جریان شاخص شرق و غرب. «مصحح».
- **حزب توده:** این حزب در مهرماه 1320 تأسیس شد. در ابتدا به جهتی که چندین نفر از افسران ارتش شاه به عضویت این حزب درآمدند، تحت تعقیب قرار گرفتند و



به مجازات‌های حتی اعدام رسیدند. در طول حیات دچار انشعاب‌هایی شد. از قوی‌ترین تشکیلات سیاسی ایران بود که متکی بر خط و مشی سیاسی - سوسیالیستی بود. شدیداً وابسته به مشی سیاسی حزب کمونیست شوروی بودند و به تصورشان رسیدن به جامعه‌ای مانند شوروی سوسیالیستی تنها راه نجات ایران بود. با وجودی که به ظاهر خودشان را با نظام جمهوری اسلامی همراه می‌دانستند، اما هرگز نمی‌توانستند به لحاظ مشی سیاسی - عقیدتی با حکومتی که متکی بر اسلام و توحید بود همراه باشند. برخی از سران تئوریسین این حزب به جهت مخالفت با نظام اسلامی دستگیر و پس از تبیین جایگاه نظام، نسبت به عملکرد خود احساس شرمساری و حتی ندامت کردند، تا آنجا که احسان طبری به‌عنوان مغز متفکر تئوریسین شاخص این حزب از راه‌های رفته این حزب در طول تاریخ ایران به «کج‌راهه» یاد کرد. به علت موضع‌گیری‌های مخالف اهداف نظام جمهوری اسلامی ایران فعالیت این حزب غیرقانونی اعلام شده است. (مصحح)

• **حزب جمهوری اسلامی:** مهم‌ترین تشکل مسلمانان انقلابی، با محوریت روحانیت محسوب می‌شد. در 29 اسفند 1357 اعلام موجودیت کرد. بنیان‌گذاران آن روحانیونی چون آیت‌الله دکتر بهشتی، آیت‌الله عبدالکریم موسوی اردبیلی، آیت‌الله اکبر هاشمی‌رفسنجانی، آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای و دکتر محمدجواد باهنر بودند. علاوه بر هیأت مؤسس، آقایان شهید حسن آیت، اسدالله بادامچیان، دکتر عبدالله جاسبی، مهندس میرحسین موسوی، آقای مهدی کروی، حبیب‌الله عسگرآولادی، دکتر سید محمود کاشانی، مهدی عراقی و علی درخشان از اعضای شورای مرکزی حزب بودند. با انفجار دفتر مرکزی حزب در 7 تیر 1360، تعدادی از اعضای اصلی حزب شهید شدند. پس از آن فاجعه، در 8 شهریور هم دکتر باهنر شهید شد. از آن زمان بود که عملاً حزب تعطیل شد. دبیر کل حزب پس از شهید بهشتی و شهید باهنر، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای شد. این حزب در دوران کوتاه حیات و فعالیت خود در سازمان‌دهی نیروهای انقلاب نقش شایان توجهی را ایفا می‌کرد و در اکثر استان‌ها دارای دفتر نمایندگی بود. تشکل‌های سیاسی چپ و ملی‌گرا حزب

جمهوری اسلامی را به‌عنوان اصلی‌ترین رقیب سیاسی خود تا قبل از تعطیلی محسوب می‌کردند.

• **حسینی بهشتی، سیدمحمد:** (1360-1307ش) در محله لومبان اصفهان به دنیا آمد و

تحصیلات خود را تا دوم متوسطه در آن شهر ادامه داد و پس از چندی در پی تحصیل علوم حوزوی راهی شهر قم گردید و چندی بعد برای تحصیل در رشته الهیات وارد دانشگاه شد و توانست تحصیلات خود را تا اخذ درجه دکتری ادامه دهد. دکتر بهشتی پس از فراغت از تحصیل، فعالیت گسترده خود را در آگاهی نسل جوان و نیز شرکت در فعالیت‌های سیاسی و مبارزاتی در رژیم پهلوی آغاز کرد و پس از انقلاب، پس از فعالیت‌های بسیار گسترده در تمام ابعاد اجتماعی و سیاسی و مذهبی، در هفتم تیرماه 1360 در انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی، به دست عناصر کوردل منافق به همراه یاران خود به شهادت رسید.

• **حسینیه جماران:** این حسینیه توسط سید ابراهیم جمارانی در دهکده‌ای به نام جماران

وقف شده است. در سال 1355 توسط اهالی دهکده بازسازی شد. تولید این حسینیه با حجة الاسلام امام جمارانی بود. از سال 1358 در اختیار حضرت امام خمینی قرار گرفت. این حسینیه محل دیدارها، ملاقات‌ها، سخنرانی‌ها و تمام مراسمی بود که مردم با امام داشتند. پس از استقرار امام در این حسینیه بود که وجهه و شهرت جهانی یافت. حتی برخی از شعرا به تناسب سکونت امام از امام به «پیر جماران» یاد می‌کردند.

• **حضرت علی اصغر:** فرزند شیرخوار امام حسین (7) بود که روز عاشورا از شدت

تشنگی بی تاب شده بود. امام حسین (7) وقتی تمام یاران را از دست داد، خطاب به دشمنان گفت: «ان لم ترحمونی فارحموا هذا الطفل» در همین حال که فرزند روی دست امام بود، حرمه تیری به سوی فرزند پرتاب کرد که گوش تا گوش علی اصغر (7) را شکافت و خون گلوی او را به آسمان پاشید. علی اصغر را باب الحوائج، طفل رضیع، شش ماهه، شیرخواره نیز می‌نامند. (فرهنگ عاشورا، جواد محدثی)

- **حضرت علی اکبر:** فرزند ابی‌عبدالله الحسین (7) بود و در سال 43 قمری در مدینه متولد شد. جوانی خوش‌چهره، زیبا و خوش‌زبان و دلیر بود. از جهت سیرت و خلق‌وخوی و صباحت رخسار شبیه‌ترین مردم به پیامبر اکرم (6) بود. علی اکبر (7) در روز عاشورا در کنار پدرش امام حسین (7) فعالانه به مبارزه می‌پرداخت. وی نخستین شهید بنی‌هاشم در روز عاشورا بود. نقل است که در نبرد روز عاشورا تا دویست تن از سپاه عمر بن سعد را به هلاکت رساند. پس از آنکه توسط مرتبه بن منقذ عبدی بر فرق مبارکش ضربه‌ای وارد آمد، دشمن جرأت پیدا کرد به او هجوم آورد. پس از آن توسط دشمن آماج تیغ شمشیر و نوک نیزه‌ها قرار گرفت و مظلومانه به شهادت رسید. در مورد سن شریف وی برخی 19 سال و برخی 25 سال نوشته‌اند.
- **حضرت قاسم:** قاسم (7) فرزند امام حسن (7) در واقعه عاشورا از امام حسین (7) اذن میدان گرفت. به قدری نوجوان بود که زره و لباس جنگی اندازه‌اش نبود. شجاعانه جنگید و توسط عمر بن نفیل اسدی به شهادت رسید.
- **حمزه:** عموی پیامبر مکرم اسلام (6) که به اسدالله و سیدالشهدا معروف است. او از اهالی محترم در بین قبیله قریش بود و به قدرت شکار شیر مشهور بود. (مربوط به بخش پنجم حمزه ص 576)
- **خامنه‌ای، آیت‌الله سیدعلی:** از شاگردان فقهی، اصولی و پیروان مشی سیاسی - مبارزاتی حضرت امام خمینی هستند. قبل از انقلاب، به‌عنوان یکی از مبارزان شاخص خطه خراسان فعالیت‌های چشمگیری داشت. بارها از سوی رژیم پهلوی بازداشت و چندین سال به ایرانشهر تبعید شدند. از اعضای شورای انقلاب بودند. مسئولیت‌های مهمی چون سرپرستی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، امام جمعه تهران، نماینده امام در شورای عالی دفاع، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، حضور فعالانه در جبهه‌های جنگ، ترور توسط منافقین در 1360، رئیس جمهوری اسلامی پس از شهادت شهید رجایی، رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام را بر عهده داشت. سرانجام در 14 خرداد 1368، پس از رحلت حضرت امام خمینی، توسط مجلس خبرگان رهبری به رهبری نظام جمهوری

اسلامی ایران انتخاب شدند. از آن تاریخ تاکنون با شایستگی تمام هدایت امت مسلمان ایران را عهده دار شد. (مصحح)

• **خلقی‌ها:** پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران گروه‌های متعدد متکثری که اکثراً وابسته به کشورها و قدرت‌های دیگر بودند با شعار دفاع از حقوق خلق ایران مانند قارچ قد کشیدند. به هر بهانه‌ای برای مسئولین نظام جمهوری اسلامی مانع تراشی می‌کردند. هریک با پسوند مُضائی از جمله خلق مسلمان، خلق کرد، خلق عرب، خلق ترکمن، خلق قهرمان، خلق زحمتکش، خلق مستضعف، خلق انقلابی به فریب برخی از افراد پرداخته حتی در مقابل نظام جمهوری اسلامی با بهانه‌های واهی قد علم کردند. به‌خصوص با اشغال لانه جاسوسی آمریکا مشخص شد بسیاری از آنها مزدور بیگانگان بوده و در جهت اهداف دشمنان انقلاب اسلامی فعالیت می‌کردند. یکی از این گروهک‌ها هم سازمان مجاهدین خلق بود که از همان آغاز پیروزی انقلاب اسلامی با پیگیری خط نفاق به مواضع معاندانه با نظام پرداختند و سرانجام در درون جنگ و پس از آن به‌عنوان سرسپردگان مزدور آمریکا کاملاً در خدمت اهداف آمریکا و صهیونیست‌ها به دشمنی آشکار و مسلحانه در مقابل نظام جمهوری اسلامی پرداختند. اشاره شهیدان به این گروهک‌های به اصطلاح «خلقی» است. (مصحح)

• **خمینی، آیت‌الله حاج سیدمصطفی:** در آذرماه 1309ش در قم به دنیا آمد و پس از گذراندن دوران ابتدایی، در 16 سالگی به تحصیل علوم اسلامی روی آورد. وی از سال 1330 در درس خارج پدر فرزانه خویش و آیت‌الله بروجردی حاضر شد و از محضر آیات عظام علامه طباطبایی، سیدمحمد محقق داماد، شیخ مرتضی حائری و سیدمحمدباقر سلطانی طباطبایی بهره برد. ایشان از سال 1341 همراه با امام به مبارزه با رژیم پرداخت. پس از تبعید امام به ترکیه ایشان نیز به آنجا و سپس راهی عراق شدند و به تحصیلات حوزوی ادامه دادند، ایشان از همان‌جا نیز شیوه‌های نوین مبارزه با شاه را دنبال می‌کرد و مشاوری برجسته و متعهد برای امام بود. در نجف، مدتی به دلیل کوشش‌هایی که علیه رژیم ضد اسلامی عراق انجام داد دستگیر شد و او را به شدت از فعالیت‌های سیاسی منع کردند. سرانجام آیت‌الله مصطفی

خمینی در اول آبان 1356ش برابر با 9 ذی القعدة 1397 ق در 47 سالگی به شکل مرموزانه‌ای به شهادت رسید. برخی از آثار به جای مانده شهید گرانقدر عبارتند از: مکاسب محرمة در 2 جلد، مبحث اجاره تفسیر قرآن کریم در 3 مجلد، تحریرات فی الاصول و چند اثر دیگر.

• **خوارج (مارقین):** نام فرقه‌ای است از مسلمانان که بعد از جنگ صفین و مسئله حکمیت به مخالفت خلیفه وقت برخاستند. به علی (7) اعتراض کردند که چرا به حکمیت گردن نهاده‌ای و فرقه‌ای شدند و به مخالفت علی (7) پرداختند. روزه‌روز به شمار آنان افزوده شد. یک‌بار در حزورا گرد آمدند، با علی (7) جنگ‌بند و شکست سختی از حضرت علی (7) خوردند. در دوره بنی‌امیه قدرت بسیار به دست آوردند. به دو قسمت شدند قسمتی در عراق و فارس و کرمان تسلط پیدا کردند و دسته‌ای در جزیره‌العرب. این فرقه در عهد امویان یکی از مشکلات بزرگ دولت اسلامی بودند. در نهروان هم بین آنها و حضرت علی (7) جنگ افتاد و سرانجام شکست خوردند. در آخر یکی از خوارج نهروان به‌نام عبدالرحمن ابن ملجم، علی (7) را در مسجد کوفه در حین نماز به شهادت رساند. (دهخدا، با تلخیص).

• **دانشجویان مسلمان پیرو خط امام:** پس از پیروزی انقلاب اسلامی، عوامل داخلی استکبار جهانی به‌خصوص امریکا به کارهای ایدایی، توطئه، آشوب و تفرقه، ترور و حتی طرح کودتا و تخریب شخصیت‌های انقلاب و شایعه‌پراکنی متعدد می‌پرداخت. به تحریک قومیت‌ها و ناامنی در برخی مناطق از جمله کردستان و گنبد و مناطق مرزی و غیره می‌پرداخت. دانشجویان متعهد و انقلابی با تیزهوشی متوجه شدند این جریان‌ها باید یک مرکز فرماندهی و اطاق فکر داشته باشد پس از بررسی دریافتند که سرخ همه این مخالفت‌ها و دشمنی و تحرکات ضد انقلابیون در سفارت امریکا است. عده‌ای از دانشجویان متعهد، جان برکف و انقلابی و شجاع را که برای خنثی کردن شیطنت‌های امریکا حاضر بودند شهادت را به جان بخرند به‌عنوان «دانشجویان مسلمان پیرو خط امام» هم پیمان شدند و با نوشتن وصیت‌نامه با شور انقلابی به سفارت امریکا حمله کردند. سفارت امریکا را اشغال، و اسناد و مدارک

بسیار مهم و ارزشمندی از به اصطلاح سفارت امریکا به دست آمد. با وجودی که اسناد مهمی را در داخل سفارت خُرد کردند اما بعدها با حوصله و شکیبایی خارق العاده مدارک رشته رشته شده را کنار هم گذاشتند کوس رسوایی امریکا و بسیاری از عوامل داخلی و خارجی آن زده شد. از آن تاریخ به بعد به سفارت آمریکا «لانه جاسوسی» می گویند. ضمناً امام خمینی با وجود مخالفت آقای مهدی بازرگان به عنوان نخست وزیر، حرکت انقلابی دانشجویان را انقلاب دوم نامید. دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در آن برهه خدمت بزرگی به انقلاب اسلامی کردند. (مصحح)

- **داود:** از انبیاء بنی اسرائیل بود که سلطنت را هم در خور جمع ساخت. در سال 1071 یا 1086 قبل از حضرت مسیح در بیت لحم متولد شد. ابتدا شبانی گوسفندان ایشا می کرد. در 15 سالگی دختر طالوت را نامزد کرد. بسیار خوش صدا بود. چون زبور خواندی، از خوش آوازی او مرغان هوا فرود می آمدند. در سال دوازدهم سلطنت او خداوند لقمان را حکمت داد و لقمان سی سال در خدمت داود نبی بود. داود استعداد فطری عالی داشت. با سخاوت و عدالت و تقوی و شجاعت و دلیری و ثبات حلم رفتار می کرد. زره را نیک می ساخت. (دهخدا)
- **در مسلخ عشق جز نکو را نکشند:** این شعر را پس از انقلاب به افراد متعدد نسبت دادند. از زندان سیاسی مخصوص افرادی که از سوی رژیم طاغوت اعدام می شدند تا برخی از شاعران. اما تاکنون مشخص نشده است شاعر و سراینده واقعی این شعر حماسی و مقاومت در ساحت مبارزات سیاسی کیست.
- **درّه شهر:** از شهرستانهای تابع استان ایلام است با 58961 نفر جمعیت. دارای 3 بخش و 3 روستای تابع است. این شهر در جنوب شرقی ایلام در منتهی الیه دامنه شمالی کبیرکوه در فاصله حدود 4 کیلومتری جنوب رودخانه سیمره، در فاصله 125 کیلومتری از ایلام واقع است.
- **دستغیب، عبدالحسین:** (1292-1360ش) فرزند مرحوم آقا سید محمدتقی دستغیب، در خانواده اهل علم و تقوا دیده به جهان گشود. تا سن 12 سالگی مقدمات علوم را نزد پدر فرا گرفت و سپس در شهر شیراز به تکمیل علوم حوزوی و نیز اقامه نماز

جماعت در مسجد باقرخان و تبلیغ احکام دینی و افشای ظلم و ستم دستگاه طاغوت و استبداد رضاخانی همت گماشت. بر اثر افشاگری‌های این عالم مجاهد، رژیم وی را مجبور به جلائی وطن و هجرت به نجف اشرف کرد. او بعد از سقوط رضاخان در سال 1321، دیگر بار به ایران مراجعت کرد. مصادف با مبارزات امام خمینی در سال 1342، به امام پیغام فرستادند که حاضر به همکاری در نهضت هستند و در مدت تبعید و زندانی شدن امام، شهید دستغیب نقش رهبری استان فارس را برعهده داشتند؛ تا آنجا که در سال 1356 مدتی در خانه خود حصر شدند. از سمت‌های ایشان در اواخر حیات خود امامت جمعه شیراز و ریاست حوزه علمیه فارس است. شهید دستغیب سرانجام در آذرماه 1360 به هنگام عزیمت به نماز جمعه مورد سوءقصد قرار گرفتند و همراه چند تن از یاران خود به شهادت رسیدند. این شهید سعید و عالم خبیر دارای آثار متعددی در تفسیر و احکام و اخلاق نیز هستند.

- **دمکرات:** این تشکیلات تحت عنوان «حزب دمکرات کردستان ایران» فعالیت داشته است. مأموریت اصلی این حزب از آغاز تأسیس، فعالیت خودمختاری برای کردستان بوده است. در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی یکی از جریان‌هایی بود که آرامش را از کردستان سلب می‌کرد. وابستگی‌های شدید آن به سایر قدرت‌ها موجب شد که با نظام جمهوری اسلامی ایران به تقابل پردازد. حضور قدرتمند و با تدبیر و کارایی خاص نظام در کردستان فلسفه وجودی حزب را از بین برد و نبود پایگاه مردمی آن را به انحلال کشید. بارها با نیروهای مردمی و مسلح درگیر شد. اینک در ایران فاقد پایگاه است و بیشتر در عراق مستقر است.

- **دهلران (شهرستان):** از شهرستان‌های تابع استان ایلام است. جمعیت آن بالغ بر 64600 نفر می‌باشد. این شهرستان دارای 4 شهر و 3 بخش و 6 دهستان است. دهلران در دامنه جنوبی و جنوب غربی دینارکوه در فاصله 288 کیلومتری ایلام واقع است. از جمله بخش‌های آن که از مناطق مهم جنگی هم بوده‌اند: موسیان، میمه، دشت عباس، فکه و عین‌خوش را می‌توان نام برد.

- **رُبَاب:** رباب دختر امروالقیس عدی، همسر سیدالشهدا (7) مادر سکینه و علی اصغر (7) بود. او در سفر کربلا حضور داشت و همراه اسیران به شام رفت. سپس به مدینه بازگشت و مدت یکسال برای سیدالشهدا (7) عزاداری کرد. مرثیه‌هایی هم در سوگ آن حضرت سرود. خواستگارانی از اشراف و بزرگان قریش را رد کرد و حاضر نشد با کسی ازدواج کند. در سوگ ابا عبدالله (7) پیوسته گریان بود و زیر سایه نمی‌رفت، از فرط گریه و اندوه بر شهادت امام حسین (7) یکسال بعد (در سال 62 هجری) جان باخت. امام حسین (7) نیز حضرت سکینه و مادرش رُبَاب را بسیار دوست می‌داشت. (فرهنگ عاشورا، جواد محدثی)
- **رجایی، محمدعلی:** (1312-1360ش) در شهرستان قزوین متولد شد. تحصیلات ابتدایی خود را تا اخذ گواهی‌نامه ششم ابتدایی در همین شهرستان به اتمام رسانید و پس از عزیمت به تهران در سال 1338 وارد نیروی دریایی شد و هم‌زمان، تحصیلات خود را از طریق مدارس شبانه ادامه داد و توانست در رشته ریاضی در مقطع لیسانس فارغ‌التحصیل شود و به عنوان معلم در مدارس مشغول به کار شود. شهید رجایی چندی بعد فعالیت سیاسی خود را علیه رژیم شاه آغاز کرد. پس از انقلاب، شهید رجایی سمت‌های مهمی چون وزارت آموزش و پرورش، نمایندگی مردم تهران در مجلس شورای اسلامی و در سال 1359 نخست‌وزیری جمهوری اسلامی را برعهده داشت و سرانجام در 8 شهریور 1360 بر اثر انفجار دفتر نخست‌وزیری به دست منافقین کوردل به شهادت رسید.
- **رجوی، مسعود:** در سال 1327 در طبرس به دنیا آمد. به عضویت سازمان منافقین درآمد. پس از دستگیری به جهت همکاری صمیمانه با عوامل رژیم طاغوت به‌خصوص در معرفی شبکه سازمان با تخفیف به حبس ابد محکوم شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی از ابتدا به موضعگیری علیه نظام جمهوری اسلامی پرداخت. پس از آن که رهبری سازمان منافقین را به‌عهده گرفت، سعی کرد هواداران سازمان را علیه جمهوری اسلامی به صحنه عمومی کشور بکشانند. با عزل قانونی بنی‌صدر همراه او به پاریس گریخت و به فعالیت‌های سازمانی علیه ایران ادامه داد. دولت فرانسه فعالیتشان را غیرقانونی اعلام کرد. با هماهنگی و همکاری آمریکا برای مقابله با



ایران به عراق کوچ کرد و در حواشی بغداد برایشان اردوگاهی موسوم به اشرف از سوی صدام حسین ساخته و در آنجا مستقر شدند. با دریافت کمک از سوی عراق و آمریکا عوام‌لشان را در جبهه‌های جنگ به جمع‌آوری اخبار بسیج کرد. عملیاتی را علیه جمهوری اسلامی ایران به‌خصوص رزمندگان دلاور اسلام طراحی و اجرا کردند، در این عملیات متحمل شکست بسیار سنگینی شدند. با سازمان‌دهی مجدد از آن تاریخ تاکنون در خدمت منویات آمریکا و عوامل مزدور حزب بعث عراق به مزدوری مشغولند. در جریان ترورهای کور خیابانی و سازمانی در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی و دفتر نخست‌وزیری شخصیت‌هایی چون شهید بهشتی، شهید باهنر و شهید رجائی را ترور کردند. علاوه بر این ائمه جمعه بسیاری و نیز پاسداران و نیروهای انقلابی و متعهد دیگری را از نظام جمهوری اسلامی ایران ترور کردند. اینک با رایزنی آمریکا و سایر کشورهای اروپائی درصدد انتقال از عراق به کشور دیگر هستند. (مصحح)

- **رقیه:** دختر امام حسین (7) بود. وی همان است که در خرابه شام پس از شهادت پدر، امام حسین را خواب دید. هنگامی که بیدار شد از حضرت زینب (3) پدرش را خواست. همه اسرا در خرابه شام به شیون و گریه آمدند. ناله و شیون طفلان را یزید شنید و دستور داد سر امام حسین (7) را در خرابه شام به اسرا مخصوصاً اطفال نشان دادند. وقتی حضرت رقیه (3) سر پدر را دید، به قدری منقلب و مضطرب گشت که از شدت گریه و اضطراب روح از تنش جدا شد. (فرهنگ عاشورا، جواد محدثی)

- **روز 13 آبان:** 13 آبان‌ماه از روزهای فراموش‌نشدنی در تاریخ معاصر ایران است. پیوند رویدادهای این روز به‌گونه‌ای است که به خوبی می‌توان از خلال آن تولدی دیگر را یافت. ریختن به بیت حضرت امام خمینی در قم و تبعید ایشان از ایران، حمله به تظاهرات دانشجویان و به خاک و خون کشیدن آنها و بالاخره در نهایت نیز تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در این روز روی داد تا برگ دیگری از تاریخ ایران رقم بخورد. آنچه که از خلال این رویدادها به چشم می‌خورد کهنه نشدن آن است

و زندگی ای که دوباره از کنار این نعمت همیشگی نصیب مردم ایران شد. 13 آبان نشان داد که هنوز دانشجویان و دانش‌آموزان در تمام امور پیشقدم هستند. (مصحح)

• روز 15 خرداد 1342: کفن‌پوشان ورامین در لیبک به ندای انقلاب حضرت امام به سوی تهران حرکت کردند و نیروهای امنیتی و مسلح شاه بسیاری از آنان را شهید کردند. پانزده سال بعد از آن، خون شهیدان به ثمر نشست و امام با افتخار از تبعید بازگشت و در 22 بهمن 1357 انقلاب به پیروزی رسید. (مصحح)

• روز 17 شهریور: در 17 شهریور 1357 جمعیت عظیمی از مردم مومن و انقلابی تهران حکومت نظامی ران نادیده گرفتند و با از جان گذشتگی در میدان ژاله (شهدا) تجمع کرده و مزدوران رژیم شاه آنها را به گلوله بستند و تعداد زیادی از تظاهرکنندگان را به خاک و خون کشیدند. بدین ترتیب این روز به نام جمعه خونین یا جمعه سیاه در تاریخ انقلاب اسلامی ثبت شد براساس شواهد و قراین تاریخی در آن روز رژیم سفاک پهلوی از مزدوران رژیم صهیونیستی جهت کشتار مردم مومن استفاده کردند. (مصحح)

• روز 22 بهمن: پس از اعلان حکومت نظامی، حضرت امام خمینی (ره) اعلام کرد که مردم به حکومت نظامی اعتنایی نکنند. مردم نیز همچنان به یورش خود به مراکز دولتی و نظامی و انتظامی ادامه دادند و تقریباً تمام این مراکز با اندک درگیری و مقاومت، تسخیر شد و به دست مردم افتاد. این درگیری‌ها در روز بعد نیز به شدت ادامه یافت و در این روز هزاران زن و مرد و پیر و جوان، هر یک به اندازه توان خود برای سرنگونی نهایی رژیم ظلم و جور، کوشش کردند. آنها با سنگربندی در خیابان‌ها، سینه سپر کردن در برابر تانک‌ها و با فداکاری و جانفشانی، انقلاب را به پیروزی رساندند. نه فقط در تهران، بلکه در تمامی شهرهای ایران، درگیری مردم با بقایای رژیم شاه جریان داشت. هنگامی که خبر حرکت نیروهای نظامی از شهرهای مختلف ایران به سمت تهران برای سرکوب قیام مردم پخش شد، مردم شهرهای مسیر به درگیری با نیروهای نظامی پرداختند و با بستن راه، مانع حرکت آنها به سمت تهران شدند. برخی از فرماندهان رده بالای ارتش در این درگیری‌ها به دست مردم کشته شدند تا سرانجام، ارتش، بی‌طرفی خود را اعلام کرد. سرانجام روز

سرنوشت فرا رسید و در 22 بهمن 1357، نظام پوسیده ستمشاهی فرو ریخت و ریشه‌های فاسد دودمان سپاه پهلوی از این کشور اسلامی، کنده شده. مبارزه پانزده ساله ملت مسلمان ایران به رهبری امام خمینی (ره) به ثمر رسید و با سرنگونی نظام 2500 ساله شاهنشاهی، انقلاب شکوهمند اسلامی ایران پیروز گردید.

• **ریگان، رونالد: (1911-2004)** چهلمین رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا در دهه 80

میلادی بود. ریگان با اتکا به اوج‌گیری احساسات راست‌گرایانه در آمریکا در انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا سال 1980 به پیروزی رسید. وی در سال 1989 در حالی کاخ سفید را ترک کرد که دوسوم مردم آمریکا عملکرد وی را در دوران زمامداریش مورد تأیید قرار دادند. این بالاترین نرخ رضایت افکار عمومی آمریکا از یک رئیس‌جمهور بازنشسته در دوران پس از جنگ جهانی دوم بود. ریگان تا سال 1975 فرماندار ایالت کالیفرنیا بود. وی در رقابت‌های انتخاباتی‌اش در مقابل جیمی کارتر شعارهای میانه‌رو داد و توانست از نارضایتی دموکرات‌ها علیه اقدامات کارتر بهره‌مند شود. وی در سال 1994 دچار بیماری آلزایمر شد و ده سال بعد بر اثر همین بیماری درگذشت.

• **ژیبر: زبیر بن عوام قریشی، از خویشاوندان و از صحابه رسول اکرم (6)** بود.

مادرش صفیه دختر عبدالمطلب عمه پیامبر بود. او یکی از شش تن اصحاب شوری است که عمر خلافت را بر یکی از آنان روا داشت. وی به حبشه مهاجرت کرد و در جنگ بدر، یرموک و فتح مصر شرکت داشت. سرانجام در جنگ جمل در سال 36 ه.ق به شهادت رسید.

• **زین‌الدین، مهدی:** در سال 1338 در تهران در خانواده‌ای مقید و مذهبی دیده به جهان

گشود. در دوران کودکی با قرآن آشنا و مأنوس بود. در سال 1356 موفق به ورود به دانشگاه شیراز شد اما چون پدرش کتاب فروش بسیار فعالی بود او را به خرم‌آباد و سقز و پس از آن به اقلید تبعید کردند. مهدی به تبع خانواده مجبور شد از ادامه تحصیل در دانشگاه شیراز منصرف شود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی زین‌الدین به عضویت واحد اطلاعات و عملیات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درآمد و در این رسته سازمانی تا عالی‌ترین درجه یعنی مسئولیت فرماندهی اطلاعات عملیات

در منطقه دزفول و سوسنگرد و پس از آن به فرماندهی تیپ علی ابن ابی طالب دست یافت. زین الدین فرماندهی خود ساخته، متخلق، مقاوم، خودساخته، باتقوا و صبور بود. همین ویژگی های والای اخلاقی او موجب شده بود که بسیاری از اطرافیانش نیز از او و سیره اخلاقی او تبعیت کنند. در آبان ماه سال 1363 مهدی زین الدین به همراه برادرش در منطقه سردشت کرمانشاه با گروه های مسلح مخالف جمهوری اسلامی ایران درگیر شود و هر دو به فیض شهادت نایل آیند.

- **سامری:** موسی بن زعفر، قریب مهتر حضرت موسی (7) بود. او گوساله ای زرین و مرصع از جواهر ساخته بود. خاک نعل براق جبرئیل (7) که در روز غرق فرعون به دست آورده بودند در اندرون آن دردمیده هر بانگی که ملایم گاو است از او برآمده با همین حيله، گروهی از قوم یهود گوساله پرست شدند. داستان سامری و گوساله او در قرآن ذیل داستان حضرت موسی (7) آمده است. در این داستان، سست اعتقادی قوم یهود نسبت به حضرت موسی مشهود است. «دهخدا»

- **ستون پنجم:** به نیروها، جریان ها و تشکل های رسمی یا غیررسمی می گویند که پس از انقلاب ها از سوی شکست خوردگان انقلاب سازماندهی، مدیریت، هدایت و حمایت می شوند تا به مقابله با جریان های پیروز پردازند. این ستون پنجم می تواند اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، فکری باشد. نگاه منفی و تند و انتقادآمیز به هر حرکت، تصمیم و پیشرفت، سیاست و جریان حاکم را در دستور کار خود دارند. همیشه از سوی بیگانگان خارجی و حتی داخلی حمایت خاص می شوند تلاش می کنند که اطلاعات و اخبار و آمار داخلی را در جهت اهداف مخالفان و دشمنان تنظیم و نگارش کنند. بسیاری از کودتاها در کشورهای انقلاب کرده از سوی این افراد و نیروها سازماندهی می شود. (مصحح)

- **سعیدی، سیدمحمدرضا:** در سال 1308 شمسی به دنیا آمد و تحصیلات علوم دینی را در مشهد و قم به پایان رسانید. او از محضر آیت الله بروجردی و حضرت امام خمینی بهره برد و پس از وقایع 15 خرداد 1342 بر دامنه فعالیت های خود علیه شاه افزود. از این رو از جانب ساواک ممنوع المنبر گردید. مسجد او در خیابان غیاثی تهران کانونی برای مبارزه علیه رژیم پهلوی بود. آیت الله سعیدی در سال 1345

شمسی در پی سخنرانی علیه رژیم اشغالگر قدس مدت 61 روز در زندان‌های ساواک به سر می‌برد اما پس از آزادی فعالیت‌های خود را از سرگرفت و این بار به دلیل مخالفت با سیاست‌های استعمار رژیم پهلوی و آمریکای جنایتکار، دستگیر و به سبب شکنجه‌های شدید به شهادت رسید. از آثار این شهید مبارز می‌توان به «اتحاد اسلام»، «آزادی زن»، «کار در اسلام» و «چاپ و نشر جزوات آموزشی» اشاره کرد.

- **سفینه نوح:** نام یک کشتی در داستان‌های کتب مقدس در دین‌های ابراهیمی است. بنا بر این داستان‌ها، نوح پیامبر به فرمان خدا این کشتی را ساخت تا خود، خانواده خود، کسانی که بوی ایمان آورده بودند و نمونه‌ای از هر حیوان را از پیامدهای طوفان نوح نجات دهد. براساس تورات و قرآن، نوح پیامبر دستور ساخت کشتی بزرگی را از سوی یهوه (الله در قرآن) دریافت کرد که ساخت آن سالها طول کشید، کشتی می‌بایست آنقدر بزرگ می‌بود که علاوه بر آدمیان (خویشان و پیروان نوح) از همه گونه جاندار، جفتی نیز در کشتی جای بگیرد تا بعد از پایان سیل بزرگ ادامه حیات بر روی زمین ممکن باشد. کشتی بعدها بر روی قله کوه آرات نشست. هنوز برخی از باستان‌شناسان به جستجو برای یافتن بقایایی از این کشتی ادامه می‌دهند. در بین تمدنهای میانرودان نیز داستانی مشابه وجود داشته است. این داستان در بخش‌های 6 تا 9 کتاب پیدایش، اولین کتاب از تورات یهودیان، کتاب مقدس مسیحیان و قرآن (سوره‌های 11 و 71) آمده و نسخه‌ای دیگری از آن نیز دیگر منابع دیده می‌شود. داستان مذکور منجر شده تا تحقیقات بسیاری از سوی پیروان ادیان ابراهیمی برای یافتن بقایای کشتی نوح، به‌خصوص در منطقه آرات انجام شود. و در سال 2007 کشتی در ارتفاعات قله آرات در ترکیه پیدا شد که همه باستان‌شناسان می‌پندارن که این کشتی همان کشتی حضرت نوح است. (دهخدا)

- **سکینه:** دختر بزرگوار سیدالشهدا (7) بود. نام اصلی او را آمنه، امینه، امیمه یا امامه هم نوشته‌اند. لقب سکینه یا (سُکینه) از طرف مادرش رباب به او داده شد. او که خواهر علی‌اصغر (7) بود در کربلا حضور داشت. در عاشورا سن او را حدوداً ده تا

سیزده سال نوشته‌اند. امام حسین (7) روز عاشورا به او لقب «خیرة النسوان» داده است. همراه کاروان اسرای کربلا به کوفه و شام رفت و پس از شهادت سیدالشهدا (7) تحت کفالت امام سجاد (7) قرار گرفت. وی محضر سه امام (امام حسین، امام سجاد و امام باقر) را درک کرد. سکنینه در پنجم ربیع الاول سال 117 هجری در زمان هشام بن عبدالملک در سن هفتاد سالگی در مدینه درگذشت و قبرش در مدینه است. (فرهنگ عاشورا).

- **سلطنت طلب:** به کسی اطلاق می‌شود که از پادشاهی خاص یا سلسله پادشاهی وی، به‌عنوان حاکم یک کشور مشخص، حمایت کند. سلطنت‌طلبی با واژه سلطنت‌خواهی که به معنی هواداری از نظام پادشاهی به‌عنوان دولت حاکم بر یک کشور است، تفاوت دارد. عموماً سلطنت‌طلب به حامی پادشاه حاکم کنونی یا پادشاهی که توسط یک دولت جمهوری خواه برکنار شده است، گفته می‌شود. سلطنت‌طلب‌ها در خارج از کشور به فعالیت علیه نظام جمهوری اسلامی مشغول هستند بی‌تردید از سوی ابرقدرت‌ها و سایر اقمارشان، مورد حمایت مالی - اقتصادی قرار می‌گیرند. (مصحح)

- **سمیه:** از جمله نخستین زنانی است که به اسلام ایمان آوردند. سمیه جزء مشهورترین مؤمنانی است که از سوی اشراف مکه شدیداً شکنجه شدند. سمیه همسر یاسر، نخستین شهید زن و اولین شهید در تاریخ اسلام است. (غلامحسین زرگری نژاد، تاریخ صدر اسلام عصر نبوت، چاپ اول، 1378).

- **سوسنگرد:** شهر سوسنگرد مرکز شهرستان دشت آزادگان و مهم‌ترین شهر آن است فاصله آن تا شهر اهواز 55 کیلومتر و تا شهر بستان 28 کیلومتر است. رودخانه کرخه از شمال آن می‌گذرد و شعبه‌ای از آن نیز از داخل شهر می‌گذرد. نام این شهر در ابتدا خفاجیه بوده که در دوران قبل از انقلاب اسلامی به سوسنگرد تغییر نام یافت. مردم این شهر شعبه‌نشین و اغلب عرب زبان هستند. از طوایف ساکن این شهر می‌توان به طوایف آلبوجلل، زبیدات، بنی‌طرف و سادات اشاره کرد. با آغاز جنگ تیپ 3 لشکر 93 زرهی خوزستان در حواشی شهر مستقر شد اما با حمله گسترده و سراسری دشمن مجبور به عقب‌نشینی شد. لشکر 9 مکانیزه ارتش عراق

کم‌کم به محور سویله، تنگه چزابه و ارتفاعات الله‌اکبر رسید و روی رودخانه کرخه و رمیم پل شناور نصب کرد. دشمن از شمال و غرب وارد شهر شد و با پیشروی در محور بستان - سوسنگرد شهر سوسنگرد را از غرب مورد تهدید قرار داد. با حمله شجاعانه و مقاومت وصف‌ناپذیر نیروهای سپاه اهواز به دشمن شیبخون زده شد و در تاریخ 1359/7/10 دشمن بعضی سوسنگرد را تخلیه کرد. بارها شهر و اطراف آن از سوی دشمن متجاوز مورد تهدید و تهاجم و حتی محاصره قرار داد اما با مقاومت مدافعان نیروهای دلاور عقب رانده می‌شد. مسجد جامع سوسنگرد در دوران جنگ پایگاه اصلی و مهم اعزام نیرو و مداوای مجروحین و مرکز هماهنگی و هدایت عملیات مدافعان سوسنگرد بود.

- **شرق:** وقتی دنیا از جهت سیاسی به دو قطب غرب و شرق تقسیم شده بود و هریک از این قدرت‌ها برای سلطه بر کشورها و مناطق بیشتری در جغرافیای جهان تلاش می‌کردند جنگ‌های متعددی را راه می‌انداختند تا با روشن شدن ماشین جنگی آنها سلاح‌های بیشتری را به کشورهای وابسته و اقماری خود بفروشنند. به قدرتی که زیر سلطه شوروی سابق بودند بلوک شرق می‌گفتند.
- **شریف‌امامی، جعفر:** فرزند محمدحسین موسوم به نظام‌العلماء در سال 1298 ش. در تهران به دنیا آمد. پس از شروع تحصیلات در ایران در مدرسه ایران و آلمان ادامه تحصیل داد. به همراه محصلین اعزامی به آلمان رفت و در رشته راه‌آهن تحصیل کرد. مدت‌ها رئیس بنیاد پهلوی را در رژیم طاغوت عهده‌دار بود. در بنیاد مذکور به صورت یک شبکه ماسونی و مخفی کمک‌های مالی آمریکا را به همراه وام‌های دولتهای خارجی به حساب دربار می‌ریخت. خود از چهره‌های شاخص فراماسونی در ایران بود. پس از برکناری منوچهر اقبال از سمت نخست‌وزیری، شریف‌امامی به نخست‌وزیری رسید. پس از برکناری از نخست‌وزیری سال‌ها رئیس مجلس شورای ملی را عهده‌دار بود. در روزهای شور و حماسه ملت ایران در سال 1357 شاه مجدداً او را به نخست‌وزیری منصوب کرد. با ترفندهای سیاسی درصدد انحراف جریان نهضت اسلامی بود و شریف‌امامی همیشه با تشکیلات مخفیانه از جمله تحت پوشش باشگاه سوار کاری به ثروت‌اندوزی برای خود و دربار می‌پرداخت.

در 13 آبان ماه 57 شریف امامی ناتوانی خود را از سمت نخست‌وزیری اعلام کرد، بلافاصله از ایران فرار کرد و در 26 خرداد 1377 در نیویورک درگذشت.

- **شلمچه:** روستا و منطقه‌ای مرزی در باختر خرمشهر و مرز میان عراق و ایران و نزدیک‌ترین نقطه مرزی به شهر عراق است. میان خرمشهر و شلمچه شهر تازه‌ای به نام مقاومت و روستایی به نام پل‌نو قرار گرفته است. شلمچه یکی از چند محور تاختن ارتش عراق به ایران بود.

- **شهدای محراب:** حضرت علی (7) در تاریخ اسلام به‌عنوان شهید محراب معروف است. مولای متقیان علی (7) در حالی که در محراب نماز به عبادت مشغول بود به شهادت رسید و پس از آن ضربه مهلک ابن ملجم مرادی بود که امام علی (7) فرمود: «فُتِزَتْ وَ رَبُّ الْكَعْبَةِ» به خدای کعبه رستگار شدم. در دوران انقلاب اسلامی به‌خصوص پس از پیروزی انقلاب منافقین کوردل طی سلسله عملیاتی به ترور شخصیت‌ها و یاران امام پرداختند. از آن جمله به ائمه جمعه و جماعات و روحانیت آگاه و مبارز و در صحنه نیز رحم نکردند و به ترور شهدایی چون آیت‌الله دستغیب، آیت‌الله مدنی، آیت‌الله صدوقی، آیت‌الله اشرفی اصفهانی، آیت‌الله قاضی طباطبایی که چون حضرت علی (7) در محراب و در مراسم عبادی سیاسی نماز جمعه به فیض شهادت نائل آمدند.

- **شیروان و چرداول:** از شهرستانهای تابع استان ایلام است با جمعیتی بالغ بر 76758 نفر. این شهرستان در شمال شرقی ایلام واقع است و مرکز آن شهر سرابله است.

- **صانعی، آیت‌الله شیخ یوسف:** از مراجع تقلید متولد 1316ش در خانواده‌ای روحانی در روستای نیک‌آباد اصفهان است. پدرشان آقای شیخ محمدعلی صانعی عالمی وارسته و پرهیزکار بود. آیت‌الله صانعی در سال 1325ش وارد حوزه علمیه اصفهان شد و در سال 1330 برای ادامه تحصیل رهسپار حوزه علمیه قم و با جدیت و علاقه وافر دروس حوزه را تا سطح عالی با رتبه اول خواندند. از همان سال وارد درس خارج حضرت امام خمینی شدند و با جدیت تا سال 1342 مستمراً در دروس اصول و فقه و مبانی متقن حضرت امام حاضر بودند. محضر درس آیات عظام بروجردی، محقق



- داماد و اراکی را درک کرده‌اند. پس از پیروزی انقلاب از سوی امام خمینی به سمت دادستان کل کشور و شورای نگهبان و شورایی عالی قضایی منصوب شدند. (مصحح)
- **صدام حسین:** رئیس جمهور کشور عراق بود که با اشاره آمریکا به طمع گسترش کشورش و برای اجرای اهداف آمریکا یعنی شکست یا جلوگیری از توسعه و صدور انقلاب اسلامی به‌خصوص در منطقه، قرارداد رسمی و قانونی الجزایر را غیرقانونی اعلام کرد و تصور می‌کرد ایران پس از انقلاب را می‌شود شکست داد. او جنون‌آمیز و با تمام توان نظامی به ایران لشکرکشی کرد و سرانجام با شکست سنگینی از ایران، فرصت حضور آمریکا را در منطقه فراهم آورد.
  - **صدوقی، شیخ محمد:** در سال 1327 قمری برابر با 1287 شمسی در یزد متولد شد. حدود سی سال در حوزه علمیه اصفهان و قم به فراگیری علوم اسلامی پرداخت، شهید صدوقی در مبارزات اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) حضور فعالی داشت و در مبارزات مردم یزد همواره به‌عنوان اولین نفر پیشگام بود، در 31 مرداد سال 1358 از سوی امام خمینی به‌عنوان امام جمعه یزد و نماینده ولی فقیه منصوب شد. از تألیفات ایشان می‌توان به شرحی بر «مختصر النافع» محقق اول و «حاشیه بر مدارک» اشاره کرد. در آخرین نماز جمعه‌ای که اقامه کرد در 11 تیر 1361 بعد از اقامه نماز جمعه فرد منافقی با در آغوش کشیدن ایشان و رها کردن ضامن نارنجک وی را به شهادت رساند.
  - **صهیونیسم (صهیونیزم):** این جریان سیاسی و ملی‌گرا در اواخر قرن 19 میلادی تشکیل شد. عمده‌ترین هدف آن تشکیل یک کشور یهودی است. بر منابع تاریخی و مذهبی یهود تهیه دارد. این جریان به اشغال سرزمین فلسطین و مناطقی از لبنان پرداخته و سعی دارد یهودیان افراطی دنیا را در سرزمین واقعی فلسطین البته با عنوان اسرائیل گرد آورد. این جریان حتی از سوی سازمان ملل متحد به‌عنوان تشکیلی نژادپرستانه معرفی شده است. واژه صهیونیسم برگرفته از صهیون نام تپه‌ای است در اورشلیم که در تورات بدان اشاره شده است. این جریان در واقع جریانی سکولار است و برای رسیدن به اهداف شوم خود به هر کاری دست می‌زند. از سوی ثروتمندان و قدرتمندان آمریکا و انگلیس و سایر کشورهای اروپایی و حتی روسیه مورد حمایت

قرار می‌گیرد. با بهانه واهی و بی‌اساس رسیدن به «ارض موعود» یهودیان افراطی را به مناطق اشغال شده فلسطین فرا می‌خوانند و هر روز در همان مناطق اشغالی به شهرک‌سازی پرداخته و به تخریب خانه‌ها و اشغال زمین‌های مردم در فلسطین و لبنان می‌پردازند. پیروزی انقلاب اسلامی و مواضع قاطعانه و حق‌طلبانه حضرت امام خمینی همواره صهیونیست‌ها را به خوف واداشته و جریان بیداری اسلامی که در واقع استمرار و صدور انقلاب اسلامی در منطقه است هر لحظه حیات اشغالگران را به خطر انداخته است. همکاری و وابستگی برخی از سران کشورهای عربی منطقه با دولت غیرقانونی اسرائیل موجب تقویت صهیونیست‌ها شده است.

- **طالقانی، سید محمود:** در سال 1289 ش در روستای گلیرد طالقان دیده به جهان گشود. موفق به کسب اجازه‌نامه اجتهاد از آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی گردیده و بعد از اتمام تحصیلات به تهران آمد و در مدرسه شهید مطهری (سپهسالار سابق) به تدریس علوم دینی مشغول شد. ایشان در کنگره جهانی شعوب‌المسلمین که در کراچی تشکیل می‌شد شرکت کرد و نیز در کنگره اسلامی قدس که سالی یک‌بار برگزار می‌شد، دوبار در مقام ریاست هیأت نمایندگی ایران به بیت‌المقدس سفر کرد. پس از تشکیل «دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه» که در نزدیکی تشیع و تسنن سهمی به سزا داشته، آیت‌الله طالقانی به نمایندگی مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی برای رساندن پیام ایشان به شیخ شلتوت به آن دیار سفر کرد. به پیروی از امام به مخالفت با رژیم پرداخت و به دلیل فعالیت‌های زیاد در همان سال به زندان افتاد. در زندان با نوشتن تفسیر «پرتوی از قرآن» سعی در آشنا کردن افراد به عظمت قرآن کرد. آیت‌الله طالقانی پس از آزادی از زندان نهایت تلاش خود را در جهت پیروزی انقلاب کرد. وی در انتخابات مجلس خبرگان قانونگذاری از سوی مردم تهران به‌عنوان نماینده انتخاب شد. اولین نماز جمعه در پنجم مرداد 1358 به امامت ایشان در دانشگاه تهران برگزار شد. سرانجام در نوزدهم شهریور 1358 مرحوم طالقانی پس از سال‌ها فعالیت‌های علمی و مبارزات سیاسی علیه رژیم ستم‌شاهی و عمری تلاش خستگی‌ناپذیر در راه پیاده کردن احکام اسلامی دار فانی را وداع گفت و به دیدار معبود شتافت.

- **طالوت:** (مشاعول) ابن قیس از بسط بن یامین طالوت اولین پادشاه از بنی اسرائیل که در نیمه دوم قرن 11 ق.م حکومت داشت و قلمرو خود را بسط داد و بارها با فلسطینیان جنگید و پس از او داود جانشین شد.
- **طباطبایی، سیدمحمدحسین:** در سال 1281 ه.ش در تبریز متولد شد. دروس مقدماتی را در ایران خواند و در 23 سالگی عازم نجف اشرف شد. طی یازده سال اقامت در نجف از محضر عالمان نامداری چون: میرزای نائینی، سید ابوالحسن اصفهانی، محمدحسین غروی اصفهانی و میرزا علی آقا طباطبایی استفاده برد. اصول روش رئالیسم و تفسیر المیزان از آثار علامه است. سرانجام در بیست و چهار آبان سال 1360 درگذشت.
- **طفلان مسلم:** محمد و ابراهیم، دو فرزند مسلم بن عقیل بودند که در حادثه کربلا اسیر شدند. ابن زیاد دستور داد آن دو را زندانی کردند. این دو نوجوان نابالغ مدت یک سال در زندان بودند با کمک «مشکور» زندانیان که هوادار اهل بیت بود، شبانه از زندان گریختند. به خانه زنی پناه بردند که شوهرش در سپاه ابن زیاد بود وقتی شوهرش حادث فهمید که آن دو را کنار رود فرات برد و بی رحمانه سر از تنشان جدا کرد و پیکرشان را در فرات افکند. سرهای آن دو را برای دریافت جایزه نزد ابن زیاد برد، گویند قبر محمد و ابراهیم پسران مسلم بن عقیل در چهار فرسنگی کربلا در شهر مسیب است. (فرهنگ عاشورا، جواد محدثی).
- **طلحه:** طلحه ابن عبیدالله بن عثمان بن عمرو بن کعب معروف به طلحه الجواد و طلحة الجواد. مکنی به به ابومجد. از کبار اصحاب رسول الله (6) بود. وی یکی از معدود افراد قریش بود که قبل از هجرت به نوشتن آشنایی داشت. در برخی از غزوات پیامبر (6) مانند احد و تبوک شرکت داشت. از اصحاب شش گانه شوری است در جریان تعویض و تفسیر خلفا نقش مهم داشت. پس از عزل و کشته شدن عثمان با ترفندهایی از بیعت با علی (7) خودداری کرد با وجودی که در آغاز با علی (7) بیعت کرد اما پس از آن به همراهی زبیر غالباً راه مخالفت با علی (7) را پیش گرفت حتی در راه مقابله با حضرت علی (7) به عایشه پیوست در مسجد بصره خواستند حضرت علی (7) را خلع کنند و طلحه را به

خلافت به جانشینی علی (7) اقدام کنند. طلحه به همراه زبیر و عایشه در جنگ جمل شرکت کرد و در این جنگ کشته شد. طلحه اموال فراوان اندوخته بود.

• **عباس بن علی بن ابیطالب (7):** فرزند حضرت علی (7) از ام البنین عامریه است. در صحرای کربلا پس از شهادت سه برادرش جعفر، عبدالله و عثمان نوبت به حماسه آفرینی و حضور قهرمانانه و دفاع جانانه اش از امام حسین (7) رسیده است. به طرف شط فرات حرکت کرد در حالی که با حضرت امام حسین (7) هم‌رکاب بود. با وجودی که نبردهای اشقیا آن دو را در مسیر فرات از یکدیگر جدا کردند اما حضرت عباس خود را به فرات رساند، مشک آب را پر کرد بدون آن که قطره‌ای آب بنوشد. به سوی امام و خیمه‌ها برگشت. در برگشت با نبردهای سپاه دشمن روبرو شد و در محاصره آنها قرار گرفت. در دو حمله دست راست و چپش را قطع کردند و با ضربه‌ای بر فرق مبارکش از اسب سقوط کرد. با وجود آن‌همه زخم و تیر، توان حرکت نداشت و دو نفر از اشقیا او را به شهادت رساندند. عباس به خاطر شجاعت و زیبایی فوق‌العاده به «قمر بنی هاشم» شهرت داشت. «حسین بن علی امام شهدا، مرضیه محمدزاده»

• **عبدالله بن جعفر:** همسر زینب کبری و داماد علی (7) و پسر جعفر طیار. وی، نخستین نوزاد مسلمان در حبشه بود. در ایامی که پدرش جعفر بن ابی‌طالب به حبشه هجرت کرده بود، در آن کشور به دنیا آمد. مادرش «اسماء بنت عمیس» بود. اسماء، پس از شهادت جعفر طیار در جنگ موته، به همسری ابوبکر، سپس علی بن ابی‌طالب (7) درآمد. عبدالله بن جعفر، مورد عنایت خاص پیامبر اکرم (6) بود، به‌ویژه که پدرش سردار بزرگ شهید جبهه اسلام به‌شمار می‌آمد. عبدالله جعفر، از جمله کسانی بود که به سیدالشهدا نامه نوشت و از او خواست که از سفر به عراق منصرف شود. گرچه خود در کربلا حضور نداشت، اما دو پسرش عون و محمد را همراه مادرشان حضرت زینب (8) به کربلا فرستاد و این دو فرزند، در رکاب سالار شهیدان روز عاشورا به شهادت رسیدند. او از اینکه نتوانسته بود در واقعه کربلا شرکت کند تأسف می‌خورد. پس از حادثه عاشورا و شهادت حسین بن علی (7) وی در مدینه به سوگ نشست و مردم برای تسلیت‌گویی نزد او

می‌آمدند. وی در سن 90 سالگی، در سال 80 هجری در مدینه درگذشت و در بقیع به خاک سپرده شد. برخی هم درگذشت او را در شام و قبر وی را در «باب الصغیر» دمشق، کنار قبر بلال می‌دانند.

• **عبیدالله بن زیاد:** والی کوفه در زمان حادثه عاشورا، که شهادت امام حسین (7) و یارانش به دستور او انجام گرفت. ابن زیاد را «ابن مرجانه» هم می‌گویند، زیرا نام مادرش کنیزی زناکار و مجوسی به نام «مرجانه» بود. در کوفه پس از عاشورا که اسرای اهل بیت را وارد دارالاماره کردند، حضرت زینب (8) در خطاب به ابن زیاد، او را «یابن مرجانه» خواند و این اشاره به نسبت ناپاک او بود و رسواگر حاکم مغرور کوفه. او از سرداران مشهور اموی بود که در سال 54 هجری از طرف معاویه به حکومت خراسان منصوب شد. در سال 56 از آنجا معزول و به حکمرانی بصره منصوب گشت. پس از مرگ معاویه و روی کار آمدن یزید، وقتی نهضت مسلم بن عقیل در کوفه آغاز شد، با حفظ سمت، والی کوفه نیز شد و اوضاع را تحت کنترل درآورد و مسلم بن عقیل را به شهادت رساند. پس از حرکت امام حسین (7) از مکه به سوی عراق، وی عمر سعد را با لشکری گسیل داشت تا با آن حضرت بجنگد یا او را به بیعت با یزید وا دارد. فرمان کشتن سیدالشهدا و یارانش و اسیر گرفتن اهل بیت او را به عمر سعد (که فرمانده سپاه کوفه در کربلا بود) داد. در یکی از درگیری‌ها با سپاه مختار، در سال 76 هجری خودش و جمعی از همراهانش کشته شدند. وی از کسانی است که در زیارت عاشورا، مورد لعن قرار گرفته است: «لعن الله ابن مرجانه» و «والعن عبیدالله بن زیاد و ابن مرجانه». «فرهنگ عاشورا، جواد محدثی».

• **عمار بن یاسر:** از قبیله ثعلبه بود، پدرش از نخستین کسانی بود که به اسلام گروید و در راه نشر دین خداوند رنج و عذاب فراوانی متحمل شدند. در مهاجرت پیامبر اکرم (6) از مکه به مدینه همراه رسول الله بود. در جنگ صفین و جمل همراه علی (7) بود. در سال 37 هجری در سن 93 سالگی در جنگ صفین به شهادت رسید. عمار به سبب زهد و تقوای بسیار در ادب فارسی نماد تعبد و پرهیزکاری است.

- **عمرو عاص:** عمر ابن عاص واثل سهمی قریشی، مکنی به ابو عبدالله از دُهات عرب. وی ابتدا از دشمنان سرسخت اسلام بود، سپس اسلام آورد و از جانب پیغمبر (6) به فرماندهی در چند غزوه فرستاده شد. از طرف خلیفهٔ دوم والی فلسطین و پس از فتح مصر والی مصر گشت. خلیفهٔ سوم وی را برکنار کرد. در جنگ صفین بین حضرت علی (7) و معاویه از سوی معاویه برای حکمیت معرفی شد. به علت تیزهوشی، ابوموسی اشعری نمایندهٔ حضرت علی (7) را فریب داد. در سال 38 (هـ. ق) از جانب معاویه والی مصر گشت و سال 43 (هـ. ق) درگذشت. «دهخدا»
- **عملیات بدر:** نام عملیاتی است که با رمز یا فاطمه الزهرا (3) در تاریخ 63/12/19 در شرق رودخانه دجله (حد فاصل بین قلعه صالح - الفزنه) انجام شد. این عملیات به آزادی بسیاری از مناطق مهم و نفت خیز هور الهویزه و ده روستا و تصرف جاده معروف به خندق شد.
- **عملیات بستان:** عملیات طریق القدس (بستان)، این عملیات در تاریخ هشتم آذرماه 1360 با رمز «یا حسین فرماندهی» در منطقه عمومی غرب شهرستان سوسنگرد و منطقه عمومی بستان انجام گرفت. آزادسازی شهر بستان و تأمین نوار مرزی و دسترسی به هورالهویزه از اهداف شاخص این عملیات بود. علاوه بر آزادسازی بستان و 70 روستای منطقه و 5 پاسگاه مرزی تنگه بسیار مهم چزابه نیز آزاد شد و حدود 800 کیلومتر مربع از خاک کشور از لوٹ وجود دشمن پاکسازی شد. مدت عملیات چهارده روز بود. بین نیروهای دشمن در شمال غرب و جنوب غربی خوزستان (جاده فکه، جفیر) نیز قطع ارتباط شد. در این عملیات تعدادی از نیروهای اسلام هم به شهادت رسیدند.
- **عملیات بیت المقدس:** در دوران دفاع مقدس سلسله عملیاتی که به این نام موسوم بود 6 عملیات بود. رمز این عملیات یا علی بن ابیطالب (7) بود. تاریخ عملیات از 1361/2/10 الی 61/3/3 بود. محور عملیات: غرب کارون، جنوب غربی اهواز و شمال خرمشهر. علاوه بر آزادسازی شهر بندری خرمشهر، شهر هویزه و پادگان حمیدیه، جاده مهم و تدارکاتی اهواز - خرمشهر، کرخه خور، جاده سوسنگرد -

هویزه، آزاد ساختن بخش وسیعی از مناطق جنوب میهن اسلامی در زیر آتش دشمن و تصرف و تأمین 8 پاسگاه مرزی نیز فراهم شد.

• **عملیات خبیر:** این عملیات در تاریخ 1362/12/3 ساعت 20/30 دقیقه با رمز عملیات یا رسول‌الله (ﷺ) (6) در محور عملیاتی هورالهوریه و جزایر مجنون آغاز شد. مناطق آزاد شده در اثر این عملیات عبارتند از: جزایر مجنون به وسعت 160 کیلومترمربع که دارای 50 حلقه چاه نفت بود و چندین روستای منطقه نقش بسیار مفید و کارآمد واحد مهندسی رزمی جنگ جهاد سازندگی در پیروزی این عملیات شایان توجه است به خصوص در احداث صدها کیلومتر خاکریز، احداث جاده، احداث 1322 مورد انواع سنگرهای انفرادی و جمعی. و سکوهای متعدد توپ و ضدهوایی، احداث قرارگاه کربلا و ترسیم اسکله‌های شماره 1 و 2 در جزایر مجنون را می‌توان یادآور شد.

• **عملیات رمضان:** این عملیات با رمز یا صاحب‌الزمان (عج) ادرکنی، در تاریخ 1361/4/23 در محور شرق بصره انجام گرفت. از جمله مناطق آزاد شده پس از این عملیات پاسگاه زید عراق و محورهای شمالی و شمال غرب این پاسگاه است. در این عملیات 1315 نفر از نیروهای دشمن به اسارت درآمدند، تعداد زخمی و کشته‌شدگان بیش از 7 هزار و 400 نفر بودند.

• **عملیات فتح‌المبین:** این عملیات با رمز یا زهرا (3) در تاریخ دوم فروردین 1361 با هدف تصرف ارتفاعات منطقه عملیاتی به منظور آزادسازی بخش وسیعی از جنوب غربی میهن اسلامی از دست نیروهای بعثی انجام گرفت. وسعت منطقه عملیات حدود 2 هزار و پانصد کیلومتر مربع بود. مناطقی چون جاده دهلران، دشت عباس، و مناطق دشت چنانه و زمین‌های سرخه و ارتفاعات شمال غربی خوزستان آزاد شدند. مناطقی چون شهرستان دزفول، اندیمشک، شوش، پایگاه چهارم شکاری دزفول، جاده سراسری اندیمشک - اهواز و صدها روستا از زیر آتش سنگین دشمن بعثی خارج شدند. به چاه‌های نفتی ابوغریب در ارتفاعات تینه دستیابی شد. در این عملیات بسیار مهم و سرنوشت ساز بیش از 25 هزار نفر از نیروهای دشمن کشته و زخمی شدند. تعداد اسرای این عملیات را پانزده هزار نفر ثبت کرده‌اند.

• **عملیات کربلای 1:** این عملیات در تاریخ 55/4/10 ساعت 22/30 دقیقه با رمز عملیاتی یا ابوالفضل العباس (7) ادرکنی در منطقه مهران آغاز شد. مناطق آزاد شده از اشغال دشمن بعضی عبارتند از: شهر مهران، جاده‌های دهلران مهران و مهران ایلام، چندین روستا و شهرک نیز در اثر همین عملیات آزاد شدند. پاسگاه‌های فرخ‌آباد و پاسگاه‌های تعاون و محمدقاسم و دراجی نیز در اختیار نیروهای ایران قرار گرفت. ده‌ها کیلومتر جاده و خاکریز و احداث جاده‌های متعدد و بکارگیری انواع ماشین‌آلات و سکوی تانک‌های زرهی و فعالیت گروه نیروهای امدادی و پشتیبانی را از سوی واحد رزمی جنگ جهاد سازندگی نباید در توفیق عملیات نادیده گرفت.

• **عملیات کربلای 5:** این عملیات در تاریخ 65/10/19 با رمز یا زهرا (8) در محور شلمچه و شرق بصره آغاز شد. از عملکرد پشتیبانی و مهندسی رزمی بسیار عظیم گسترده‌ای برخوردار بود. مناطق مهم آزاد شده در نتیجه این عملیات عبارتند از: جزایر بوارین، فیاض، ام‌الطویل، ده‌ها روستا و تصرف دریاچه بویان و بخشی از کانال ماهیگیری 14 کیلومتر پیشروی به طرف بصره و آزادسازی 150 کیلومترمربع از مناطق اشغالی، آزادسازی پاسگاه‌های بویان شلمچه، کوت‌سواد و خین.

• **عملیات والفجر 1:** این عملیات در تاریخ 62/1/20 ساعت 23/10 دقیقه با رمز یاالله یاالله یاالله در منطقه عملیاتی شمال غرب فکه شروع شد. هدف عملیات انهدام نیروهای دشمن و آزادسازی بخشی از اراضی نوار مرزی بود. ارتفاعات متعدد و چندین روستا در حاشیه رودخانه دویریج و پاسگاه پیچ‌انگیزه آزاد شد. در این عملیات 25 نفر از نیروهای عراقی اسیر شدند و هزاران نفر مجروح و زخمی و کشته شدند. فعالیت واحد مهندسی رزمی جنگ جهاد سازندگی و به‌کارگیری نیروها و ادوات جنگی، رزمی، پشتیبانی و امدادی در پیروزی نیروهای اسلام نقش شایان توجهی داشت.

• **عملیات والفجر 3:** این عملیات با رمز یا فاطمة الزهرا در تاریخ 1362/5/7 ساعت 23/15 دقیقه در منطقه عملیاتی مهران آغاز شد. هدف عملیات تصرف و تأمین ارتفاعات «الوآب» 343 و نمه کلان بوی کوچک و بزرگ بود. علاوه بر مناطق



مورد نظر پاسگاه‌های ایران فرح‌آباد، رضاآباد، پاسگاه‌های عراقی زال‌آب و دراجی و سد رودخانه کنجانجم و آزادسازی چندین روستای منطقه و خارج نمودن بخش وسیعی از جاده مهران، دهلران از کنترل دشمن انجام شد. واحد پشتیبانی و مهندسی رزمی جنگ جهاد سازندگی در پیروزی این عملیات نقش مهمی داشت.

• **عملیات والفجر 5:** این عملیات در تاریخ 62/11/27 در ساعت 24 با رمز یا زهرا (3) در منطقه عملیاتی چنگوله (حد فاصل مهران - دهلران) انجام شد. ارتفاعات مختلفی و پاسگاه‌های متعددی در اثر این عملیات در اختیار نیروهای ایرانی قرار گرفت. واحد پشتیبانی و مهندسی رزمی جنگ جهاد سازندگی با احداث پل، کانال و بازسازی جاده‌های منطقه در پیروزی این عملیات نقش بسیار مهمی ایفا کرد.

• **عملیات والفجر 8:** این عملیات در تاریخ 1366/11/20 در ساعت 22 در منطقه عملیاتی فاو با رمز یا زهرا (3) آغاز شد. مناطق آزاد شده در اثر این عملیات عبارتند از: شهر بندری فاو، اسکله‌ها و تأسیسات نفتی شمال و غرب شهر فاو، اسکله‌های قشله و رأس‌البیشه و کارخانه تصفیه نمک عراق و پاسگاه‌های نیروهای دریای دشمن در 3 سکوی پرتاب موشک سطح به دریا. در این عملیات حدود 2 هزار نفر از نیروهای عراقی اسیر شدند و کشته‌ها و زخمی‌ها بیش از 50 هزار نفر می‌شد. صدها کیلومتر جاده خاکی و برپایی ده‌ها اسکله و سد خاکی و پل و برپایی ده‌ها دکل دیده‌بانی از سوی واحد مهندسی رزمی جنگ جهاد سازندگی را باید یادآور شد.

• **عون بن جعفر:** از شهدای کربلاست. پسر جعفر بن ابیطالب (جعفر طیار)، مادرش اسماء بنت عُمَیس بود. در حبشه متولد شد. در جنگ خیبر به حضور رسول (6) معرفی شد. در جنگ «موتة» پیامبر فرزندان او را فراخواند، عبدالله، عون و محمد را حاضر کردند. پیامبر دربارهٔ عون فرمود: در خلقت و اخلاق شبیه من است. در دوران حکومت علی (7) به آن حضرت پیوست. علی (7) دخترش ام‌کلثوم را به همسری او درآورد. عون در زمان امام حسن مجتبی (7) و امام حسین (7) از یاران آن دو امام بود. همراه همسرش در کربلا حضور داشت.

روز عاشورا به میدان رفت و در نبردی دلاورانه به شهادت رسید. هنگام شهادت 56 ساله بود. «فرهنگ عاشورا، جواد محدثی»

• **غرب:** در ادبیات سیاسی جهان در سال‌هایی که جهان از نظر سیاسی به دو بلوک و قدرت غرب و شرق تقسیم شده بود، به آمریکا و کشورهای وابسته به آن از جهت سیاست‌های اقتصادی و نظامی بلوک غرب می‌گفتند. بسیاری از کشورهای اروپایی از جمله انگلستان، ایتالیا، فرانسه، آلمان و... به قطب غرب وابسته و گرایش داشتند. در مقابل این بلوک و جناح، کشورهایی هم بودند که به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی سابق (روسیه فعلی و کشورهای تازه استقلال یافته) وابسته بودند. مثل لهستان، مجارستان، یوگسلاوی و حتی برخی از کشورها بر سر این تقسیم به جهان دوقطبی تفکیک شدند به دو کشور. از آنجمله آلمان شرقی و آلمان غربی، کره جنوبی و کره شمالی. این کشورها در موضعگیری و روابط دیپلماتیک و نظامی و فرهنگی و اقتصادی تابع قدرت برتری بودند که بدان وابستگی و تعلق داشتند. صنایع و تجهیزات نظامی کشورهای وابسته را نیز همان قدرت برتر تأمین و پشتیبانی می‌کرد. در خاورمیانه و آسیا هم کشورها از سیاست مذکور تبعیت می‌کردند. یکی از چالش‌های اساسی و اصلی دو قدرت مذکور در واقع وابسته کردن کشورهای دیگر به خود بود، حتی برخی در همین اوان به فکر این افتادند که خود را مستقل اعلام کنند که و از آنها به کشورهای عدم تعهد یاد می‌شد. ایران و عربستان، قطر و کویت و اردن و حتی مصر هم در جناح بلوک غرب آمریکا قرار می‌گرفتند. عراق و سوریه و لیبی و یمن خود را از جهت سیاسی و نظامی به شوروی مرتبط کرده بودند. در تحولات سیاسی و کشاکش روزگار حتی برخی از این کشورها تغییر وابستگی می‌دادند مثلاً پس از فروپاشی شوروی سابق برخی از کشورها از زیر سلطه و حکم شوروی (روسیه) فعلی خارج و به آمریکا وابستگی نشان دادند. ایران از جمله استثناء کشورهایی بود که پس از پیروزی انقلاب استقلال خود را حفظ و به هیچ قدرتی از دو بلوک سابق و یا قدرت‌های فعلی جهان وابستگی ندارد.

- **غزوهٔ احد:** یکی از غزوه‌های مشهور پیامبر اسلام (6) بود که در دامنه کوه احد در 4 کیلومتری شمال مدینه در روز هفتم شوال سال سوم هجری بین مشرکان قریش و سپاه اسلام رخ داد. در این جنگ دندان رسول خدا شکست، 74 تن از مسلمانان از جمله حمزه سیدالشهدا به شهادت رسیدند و بسیاری نیز مجروح شدند. این جنگ به دلیل غفلت محافظان تنگه احد با شکست مسلمانان مواجه شد. (دهخدا)
- **غزوهٔ بدر:** به جنگ بدر از غزوات پیامبر اکرم (6) اشاره دارد که در ماه رمضان سال دوم هجری بین مسلمانان و مشرکان مکه در سرزمین بدر، روستای کوچکی میان مکه و مدینه، رخ داد. رسول خدا همراه با 313 تن از یاران خویش از مدینه بیرون رفت. پرچم سپاه مسلمین را علی (7) بر دوش داشت. از سوی دیگر، وقتی سپاه ابوسفیان از حرکت مسلمانان آگاه شد، با فرستادن پیکی به مکه تقاضای کمک کرد. سران قریش هم بی‌درنگ با سپاهی 950 نفری عازم بدر شدند. جنگ سختی بین دو طرف درگرفت. مسلمانان با وجود تعداد اندکشان با امداد الهی بر قریش پیروز شدند. هفتادتن از آنان را کشتند و هفتاد تن را به اسارت گرفتند. ابوجهل و حنظله، پسر ابوسفیان، در میان کشتگان بودند. در این جنگ حضرت علی (7) پایمردی بسیار کرد و در پیروزی مسلمانان سهم زیادی داشت، به طوری که گفته می‌شود 36 تن از مشرکان در آن نبرد به دست او کشته شدند. در این جنگ 14 تن از مسلمانان به شهادت رسیدند. (المغازی، جلد 1، سیره ابن‌هشام، معجم‌البلدان، ج 1، تاریخ طبری، ج 2).
- **غزوهٔ حنین:** حنین محلی است بین طائف و مکه مکرمه که یکی از غزوات رسول خدا (6) بدان مکان بود. در این غزوه بزرگ جمعی کثیر از صحابه به شهادت رسیدند. در همین محل بار دیگر لشکریان اسلام با تدبیر خاص و مقاومت وصف‌ناپذیر رسول خدا توانستند شکست سختی به کفار بدهند و غنائم و اسیران فراوان گرفتند. گروهی از فرماندهان لشکر کفار به طائف گریختند. حضرت رسول (6) آنها را تا طائف تعقیب کرد. (دهخدا)
- **غزوهٔ خندق:** غزوهٔ احزاب همان غزوهٔ خندق است. این غزوه در سال پنجم از هجرت اتفاق افتاد. در آن غزوه عمرو بن عبدود به‌دست امیرالمؤمنین علی (7) کشته

گشت. وقتی یهود بنی‌نصیر و ابوسفیان و مشرکین به مخالفت با حضرت رسالت (6) عهد بستند و قبایل بسیاری را با خویش همراه ساختند از مکه به سوی مدینه حرکت کردند. در حالی که ابوسفیان چهارهزار کس با هزار و پانصد نفر شتر و سیصد رأس اسب به طرف مدینه حرکت کردند حضرت رسول (6) با مشورت سلمان فارسی حکم به کندن خندق کردند و با سه هزار نفر از مهاجرین و انصار در دامن کوه سلع که به مدینه متصل بود خندقی حفر کردند. علی (7) در نهایت رشادت و شجاعت عمر بن عبدود را کشت و پیامبر اکرم (6) در تحسین علی (7) فرمود: «لمبارزة علی بین ابیطالب یوم الخندق افضل من اعمال امتی الی یوم القيامة». نکته دیگر اینکه در همین غزوه بود که مردی از غطفان نام او نعیم بن مسعود بود از مهتران عرب بود، خدای او را مسلمانی اندر دل افکند به خدمت رسول الله (6) رفت و مسلمان شد و نیروهای مخالف و مشرکین را به ترک جنگ با رسول الله (6) تشویق کرد. در جریان همین غزوه نیز آیاتی نازل شد که پیامبر (6) فرمود دیگر قریش به حرب ما نیایند. «دهخدا با تلخیص»

- **غزوه صفین:** از مهم‌ترین نبردهای زمان خلافت امام علی (7) بود که در سال 37 هجری بین ایشان و معاویه بن ابی‌سفیان در سرزمین صفین - که در ناحیه غربی عراق بین رقه و بلس قرار دارد - رخ داد و به جنگ صفین شهرت یافت. این جنگ به سبب نقشه شوم عمرو بن عاص و توسل او به قرآن بر سر نیزه کردن و ماجرای حکمیت با شکست سپاه امام علی (7) به پایان رسید.
- **فرعون:** لقبی است که در دوره متأخر برای نام بردن از فرمانروایان سلسله‌های مصر باستان به کار می‌رود. هرچند، از نظر تاریخی، فرعون فقط در طی پادشاهی نوین مصر، به‌ویژه در میانه دودمان هجدهم مصر، پس از سلطنت حتچیسوت به عنوان یک لقب برای پادشاهان مورد استفاده قرار گرفت. فرعون مدیر ارشد، رئیس ارتش، و فرمانروای کل مصر تلقی می‌شده است و از نظر بسیاری از مردم به‌عنوان نماد دیکتاتوری، ظلم، ستم و جور معروف است.
- **فکه:** منطقه‌ای است بیابانی در شمال غربی خوزستان و جنوب شرقی استان ایلام. منطقه فکه، از جنوب به چزابه و شهر بستان، از شرق به میشداخ و رقابیه، از شمال غرب

به عین‌خوش و شهر موسیان، از شمال شرق به چنانه، برغازه و سپس به شهر شوش و از غرب به استان العماره عراق منتهی می‌گردد. طول و عرض جغرافیایی منطقه عمومی فکه از 31 درجه و 54 دقیقه شمالی تا 32 درجه و 15 دقیقه شمالی و 47 درجه و 25 دقیقه شرقی تا 47 درجه و 55 دقیقه شرقی امتداد دارد. ارتفاع آن از 0 تا 140 متر از جنوب به شمال، گسترده است. فکه به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم می‌شود. بخش جنوبی آن جزء استان خوزستان و شهرستان دشت آزادگان محسوب می‌شود، بخش شمالی آن جزء استان ایلام و از توابع شهرستان دهلران می‌باشد.

- **فهمیده، محمدحسین:** نوجوان سیزده ساله‌ای که از همان روزهای آغاز حمله صدام به ایران اسلامی ندای امام خمینی را لبیک گفت و علی‌رغم سن کم با اصرار و شگردهای متعهدانه‌اش در دفاع از خرمشهر شرکت نمود و در شرایطی که دشمن سرمست پیشرویهای اولیه برای تصرف خرمشهر با تانکها هجوم آورده بود، وی با شهامت اعجاب‌انگیز خود نارنجک به کمر بست و خود را زیر چرخهای تانک دشمن انداخت. این حادثه که در مهرماه 1359 اتفاق افتاد به‌عنوان سمبل ایمان، رشادت و روحیه شهادت‌طلبی سپاهیان اسلام در برابر کافران بعثی در تاریخ جنگ تحمیلی ثبت گردید. اضافه می‌شود که خانواده این شهید که اهل قریه سراجیه قم می‌باشند در زمان جنگ تحمیلی در شهرستان کرج ساکن بودند و این شهید عزیز بسرعت خود را از کرج به خطوط مقدم جبهه در حوالی خرمشهر رساند. این خانواده متدین توفیق آن را داشتند که پس از شهادت حسین، فرزند دیگرشان داوود را نیز روانه جبهه نمایند و افتخار تقدیم دو شهید را نصیب خود فرمایند.

- **قابیل:** فرزند آدم و حوا و برادر هابیل است. قابیل و اقلیما از حوا متولد شدند. بار دیگر که حوا باردار شد هابیل و لبودا را به دنیا آورد. حکم خدا این بود که هریک با دختری که از بطن دیگر متولد شده ازدواج کنند، یعنی هابیل با اقلیما و قابیل با لبودا. چون قابیل این حکم را نپذیرفت و خواهان ازدواج با خواهر بطنی خود بود. خدا گفت قربانی کنند، قربانی هرکس مقبول افتاد حق با اوست. قربانی قابیل پذیرفته نشد و خشمگین شد و برادرش هابیل را به مرگ تهدید کرد. سرانجام با

ضربه سنگی هابیل را کشت و او را دفن کرد. خداوند به سزای عمل زشت و گناه برادرکشی او را از درگاه لطف و مرحمت خود و از وطن و خانواده‌اش راند. (دهخدا)

• **قاسطین:** لقب آن دسته از اهل صفین که در صف معاویه بودند. امیرالمؤمنین علی (7) می‌فرماید: «امرت بقتال الناکثین و القاسطین و المارقین». و این لقبی است که گویند رسول خدا به آنان داده است. در یکی از روایات است که پیغمبر (6) علی (7) را فرمود: تو پس از من با قاسطین و ناکثین و مارقین جنگ خواهی کرد. (نهج البلاغه، شرح ابی الحدید چاپ بیروت).

• **قصر شیرین:** شهرستانی است که از شمال شرقی به بخش ثلاث (کرمانشاه) و از جنوب به بخش چوار (ایلام)، از مشرق به بخش گیلان و کرند و از مغرب و شمال به کشور عراق محدود است. از جمله بخش‌های آن سومار و سرپل ذهاب و بخش مرکزی است. در اطراف این شهر خرابه‌هایی است منسوب به خسرو پرویز سامانی. قصر شیرین کنار الوند رود سر شاهراه تجاری تهران به کرمانشاه و بغداد قرار دارد. این شهر همواره در حرکات اذیایی عراق در هر مناقشه‌ای محل مهاجرت یا اخراج معاودین ایرانی قرار داشت. با شروع جنگ تحمیلی و حمله سراسری عراق به ایران متأسفانه کاملاً تخریب و با خاک یکسان شد. و اهالی و ساکنان آن به مناطق و استان‌های هم‌جوار مهاجرت کردند. سال‌ها در اختیار رژیم بعثی صدام بود تا نیروهای رزمنده آنرا با انجام عملیات شجاعانه از اشغال عراق آزاد کردند.

• **قلاویزان:** منطقه قلاویزان دشت وسیعی است در دامنه کوه و قلّه قلاویزان. بخشی از دشت و منطقه قلاویزان در ایران و بخشی در عراق است. از مناطق مهم استراتژیکی در دوران دفاع مقدس بود. «اطلس نبردهای ماندگار».

• **قیام 19 دی:** قیام 19 دی ماه 1356 سرآغاز مرحله نوینی از انقلاب اسلامی می‌باشد که طی آن نخستین تظاهرات گسترده مردم مسلمان ایران بعد از قیام 15 خرداد 1342 علیه طاغوت در شهر قم برپا شد. این قیام به علت درج مقاله‌ای توهین‌آمیز در یکی از روزنامه‌های عصر تهران آغاز شد. روحانیون و مردم با گردهمایی در مسجد اعظم قم، آشکارا سرنگونی حکومت پهلوی را خواستار شدند و همین امر سرآغاز

اوج‌گیری نهضت اسلامی ایران شد و عاقبت در بهمن‌ماه 1357 به پیروزی منتهی گشت.

- **کاخ سفید:** اقامتگاه رسمی و محل کار رئیس جمهور آمریکا در واشینگتن دی.سی
- **کاخ‌های کرم‌لین:** محل استقرار روسای جمهور کشور شوروی است. سال‌ها به‌عنوان یکی از ابرقدرت‌های جهان مرسوم به جناح «کمونیستی و چپ» در سیطره بر برخی از کشورهای دنیا در همین مرکز تصمیم‌گیری‌ها صورت می‌گرفت. در واقع نماد قدرت شوروی در برابر آمریکا می‌بود که از طریق کاخ سفید مدیریت می‌شد.
- **کارتر، جیمی:** سی‌ونهمین رئیس جمهور ایالت متحده آمریکا بود، از سال 1981-1977 در این سمت بود. از جناح حزب دمکرات از مهمترین مسائل دوره ریاست جمهوری او، پیروزی انقلاب اسلامی در سال 1357، آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در ایران و کودتای نافرجام طبس را می‌توان نام برد.

- **کاشانی، سیدابوالقاسم:** روحانی مبارز و شخصیت معروف سیاسی تاریخ معاصر ایران در گذشته پس از فرار رضاشاه از ایران مبارزات سیاسی خود را آغاز کرد که در نتیجه این مبارزات توسط نیروهای اشغالگر انگلیسی دستگیر و زندانی شد اما پس از آزادی در مقام نماینده مردم تهران به مجلس شورای ملی راه یافت. با حمایت ایشان از دکتر مصدق و تشویق مردم در کمک به دولت صنعت نفت در سراسر کشور ملی اعلام شد. بعد از روی کار آمدن دولت سرکوب قوام‌السلطنه آیت‌الله کاشانی مردم را دعوت به قیام کرد که این قیام موسوم به 30 تیر بار دیگر دولت مردمی مصدق را به قدرت رساند. اما پس از کودتای آمریکایی زاهدی و بازگشت شاه، آیت‌الله کاشانی نیز خانه‌نشین شد تا اینکه سرانجام بعد از عمری مبارزه با استعمار در 80 سالگی بدرود حیات گفت.

- **کمونیسم:** یک ایدئولوژی است که می‌کوشد براساس مالکیت مشترک روش‌ها و ابزارهای تولید و در غیاب مالکیت خصوصی یک سازمان اجتماعی ضد دولت‌گرایی فاقد طبقه‌بندی‌های اجتماعی را ترسیم کند. کمونیسم را شاخه‌ای از مکتب سوسیالیسم می‌دانند. اشکال اولیه سازمان‌های اجتماعی انسانی در مکتب

مارکسیسم به «کمون اولیه» مشهور است. با این وجود، کمونیسم یک نوع سازمان اجتماعی را ترسیم می‌کند. این مکتب سال‌های سال به‌عنوان ایدئولوژی روسیه، چین و بسیاری از کشورهای وابسته بدان‌ها در برابر قدرت دیگر یعنی آمریکا بر مناطقی از جهان سلطه داشته است. این مکتب ساختار اجتماعی - اقتصادی را تبلیغ می‌کرد که در آن دولت (هیئت حاکمه) براساس مکتب اشتراکی ابزار تولید را ترویج می‌کرد. پس از فروپاشی روسیه و تغییر موضع و جهت اقتصادی چین این مکتب تا حدی در جهان تضعیف شده است.

- **کودتای طبس:** دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در 13 آبان‌ماه 1358 سفارت آمریکا را که در واقع محل و مرکز توطئه و جاسوس بود اشغال کردند. آمریکا برای آزادی جواساس‌ها برنامه‌ریزی‌ای را در نظر گرفت. از جمله «دلتافورس» و عملیات «ایگل کل» به نیمه عقاب را می‌توان نام برد. عملیات را با 132 نفر نیرو در 1359/2/5 رد صحرای طبس شروع کردند. با همکاری بنی‌صدر و تعطیلی حوزه‌های راهداری هوایی ایران نیروهای آمریکایی ابتدا با 6 دستگاه هلی‌کوپتر را در طبس فرود آمدند. از آنجا که خداوند همواره انقلاب اسلامی را مورد لطف قرار داده است یکی از هلی‌کوپترها در حین برخاستن به هوایمای سی - 130 مستقر در محل برخورد کرد و انفجار عظیمی رخ داد. جیمی کارتر رئیس‌جمهوری وقت آمریکا عملیات را مستقیماً تحت نظر داشت. شهید محمد منتظر قائم فرمانده خبیر و شجاع سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیرو خود را به محل فرود نیروهای آمریکا می‌رساند تا از مدارک و اسناد موجود و همراه آمریکایی‌ها استفاده کند. پس از انفجار و آتش گرفتن هواپیما و هلی‌کوپترها از سوی کاخ سفید اعلامیه توقف و عملاً شکست عملیات و کودتای طبس اعلام شد. بنی‌صدر که در موضع فرماندهی کل قوا بود دستور داد تا هلی‌کوپترهای به‌جای مانده آمریکایی‌ها را بمباران کنند. بسیاری از اسناد محرمانه در این خیانت آشکار بنی‌صدر در آتش سوخت و محمد منتظر قائم که از هلی‌کوپترها پس از فرار آمریکایی‌ها حفاظت می‌کرد به شهادت رسید. متأسفانه از قبل بنی‌صدر جریانی ناسالم را در نیروی هوایی به‌خصوص نیروهای بازمانده از رژیم شاه سازماندهی کرده بود. علاوه بر ازبین رفتن اسناد مهم و



شهادت محمد منتظر قائم پنج فرزند هلی کوپتر مدرن و پیشرفته نیز می‌توانست غنیمتی ارزشمند و تاریخی برای ایران باشد. شکست کودتا سند مبرهنی بر دخالت و رسوایی آمریکا در ایران و در برابر انقلاب اسلامی محسوب می‌گردد.

- **کومله:** در سال 1357 گروه کومله از ادغام سه گروه چپ‌گرای کرد تشکیل شد به‌نام‌های گروه زحمتکشان کردستان ایران، گروه چاوه و گروه اتحادیه کشاورزان و بعدها با اسامی حزب کمونیست ایران، اتحاد سوسیالیستی کارگری و حزب اتحاد کمونیست کارگری و با تعدد انشعاب فعالیت می‌کردند. در ابتدا پیرو اندیشه و مشی سیاسی مائوسیسیم بودند. این گروه از آغاز در برابر نظام جمهوری اسلامی ایران موضع مخالف داشت. حتی زمانی که به‌نام «سازمان کردستان حزب کمونیست ایران» فعالیت می‌کرد به‌ظاهر از خلق کرد دفاع می‌کرد اما به‌علت وابستگی به قدرت‌ها و کشورهای کمونیست بیگانه از منطقه کردستان ایران سلب آرامش و آسایش می‌کرد. در برابر فعالیت‌های سازندگی نیروهای انقلاب در منطقه موضع مخالف داشتند. در تمامی آشوب‌های منطقه دست داشتند. به بهانه استقلال کردستان بسیاری از نیروهای انقلابی پاسدار را به شهادت رساندند. به جنگ مسلحانه در برابر ارگان‌های انتظامی و نظامی پرداختند از جمله گروه‌هایی بود که نظام جمهوری اسلامی آنان را غیرقانونی اعلام کرد.

- **گیلان غرب:** یکی از شهرهای استان کرمانشاه است. واقع در باختر شاه‌آباد در این منطقه معادن نفت و ذغال‌سنگ و گوگرد و آهن یافت می‌شود. گیلان غرب قصبه مرکز بخش گیلان واقع در 94 کیلومتری باختر شاه‌آباد دارای دشت وسیع و گرمسیری است. این شهرستان نیز با شروع جنگ تحمیلی مورد تهاجم و اشغال عراق واقع شد و در تمام دوران جنگ تحمیلی یکی از پایگاه‌های مهم برای هر دو کشور درگیر بود.

- **لباس سیاه:** از احادیثی که در کراهت سیاه وارد شده و شیخ حر عاملی در رسائل الشیعه نقل کرده است یکی این حدیث است: «قال امیرالمومنین (7) فیما علم اصحابه: لا تلبس السواد فانه لباس فرعون» (ج 4، ص 382) ترجمه: «امیرالمومنین در

تعلیم یارانش گفت: سیاه نپوشید که رنگ لباس فرعون است. اما بعضی دیگر از احادیث پوشیدن رنگ سیاه در کفش و عمامه و کساء را روا دانسته‌اند.

- **لیبرالیسم:** به جریان و تفکری مرتبط با دولت، اطلاق می‌شود که آزادی شخصی را مهم‌ترین هدف سیاسی می‌دانند. لیبرالیسم مدرن در عصر روشنفکری ریشه دارد. به صورت کلی، لیبرالیسم به ظاهر بر حقوق افراد و برابری فرصت تأکید دارد. شاخه‌های مختلف لیبرالیسم ممکن است سیاست‌های متفاوتی را پیشنهاد کنند. لیبرال‌ها در نظام جمهوری اسلامی با وجودی که به قدرت رسیدند در ادامه نسبت به برخی مواضع و فتاوی‌ای امام موضع‌گیری کردند. از جهت مشی سیاسی چندان پایبندی به اصول و مبانی نظام جمهوری اسلامی ندارند.
- **مارگارت هیلدا تاچر:** (زاده 13 اکتبر 1925) رهبر سابق حزب محافظه‌کار بریتانیا بود. وی در سال 1975 به رهبری این حزب برگزیده و چند سال بعد در 1979 با شعار بهبود اوضاع اقتصادی از سوی محافظه‌کاران نامزد شد و به نخست‌وزیری انگلیس رسید و تا سال 1990 در هر سمت باقی ماند. تاچر تنها زنی در بریتانیا است که تاکنون دارای این دو پست به صورت همزمان بوده است. الگوی رفتار سیاسی وی به «تاچریسم» معروف است. در دوران مسئولیت خویش از کمک‌های شایان توجه به دولت صهیونیستی اسرائیل حمایت‌های همه‌جانبه می‌کرد.
- **ماژن (ماژین):** بخش ماژن از بخش‌های مرکزی شهرستان دره‌شهر است، در این بخش امامزاده معین صالح و امامزاده سیدممر کوه‌نشین و امامزاده شاه احمد واقع است.
- **مدرس، سیدحسن:** روحانی مبارز و عالمی آزادی‌خواه بود که در پی مبارزات خود علیه ظلم حکومت داخلی و دخالت‌های بیگانگان در زمان کودتای 1299 رضاخان دستگیر و زندانی شد. وی پس از سقوط کابینه سیدضیاء از زندان آزاد و به‌عنوان نماینده مردم تهران به مجلس راه یافت. سرانجام در پی تشدید مخالفت‌های خود علیه حکومت رضا شاه به خواف تبعید و سپس به کاشمر منتقل شد و همان جا به دست عوامل دولتی به شهادت رسید. مدرس از جمله حرفه‌ای‌ترین پارلمانتاریست‌های ایرانی بود که با وجود اقلیت همیشگی، با سخنان خود اکثریت

را به سمت خود می‌کشید. شعار معروف «سیاست ما عین دیانت ماست» از شهید مدرس است.

- **مدنی، سیداسدالله:** در سال 1293 هجری شمسی در آذرشهر آذربایجان شرقی دیده به جهان گشود. در آغاز جوانی برای کسب علم و کمال به شهر مقدس قم عزیمت کرد. دیری نپایید که از استادان معروف حوزه علمیه نجف شد و توانست از مراجع بزرگی چون آیت‌الله حکیم، آیت‌الله حجت‌کوه کمری و آیت‌الله خوانساری اجازه اجتهاد بگیرد. ایشان تمام عمر خویش را در راه ترویج اسلام و مبارزه با رژیم فاسد طاغوت گذراند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی از سوی مردم همدان به‌عنوان نماینده مجلس خبرگان قانون اساسی انتخاب شد. پس از شهادت آیت‌الله قاضی به فرمان امام خمینی امامت جمعه تبریز را به عهده گرفت. آیت‌الله مدنی در بیستم شهریور 1360 پس از اتمام خطبه‌های نماز جمعه همدان با انفجار نارنجک منافقی کوردل به شهادت رسید.

- **مسجد الاقصی:** در شهر قدس و نخستین قبله مسلمانان بوده است. این مسجد را حضرت داود (7) بنا کرد. سپس فرزندش سلیمان تکمیلش کرد. در زلزله‌ای شدید ویران شد در سال 585 میلادی توسط صلاح‌الدین ایوبی مرمت شد. نام مسجد الاقصی در قرآن مجید آیه اول از سوره اسراء در آیات مربوط به معراج پیامبر اسلام (6) آمده است: «سبحان الذی اسرى بعبده لیلاً من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی» این مسجد بارها از سوی یهودیان افراطی و صهیونیست مورد تهاجم قرار گرفته و در سال 1969 میلادی قسمت جنوب شرقی مسجد به آتش کشیده شد. امروز به‌عنوان یکی از مراکز و پایگاه‌های مهم مقاومت مسلمانان فلسطین نامیده می‌شود.

- **مسلم بن عوسجه اسدی:** اولین شهید عاشورا که در حمله نخست به شهادت رسید از طایفه بنی‌اسد و از چهره‌های درخشان کوفه و هواداران اهل‌بیت بود. از اصحاب پیامبر (6) و مسلمانان با سابقه به‌شمار می‌رفت. فردی پارسا، شجاع و سوارکاری نامی بود. در همه جنگ‌های امیرالمؤمنین (7) بیعت می‌گرفت. در کربلا پس از آنکه امام حسین (7) از یاران خواست تا با استفاده از تاریکی شب

از صحنه خارج شوند مسلم برخاست و سوگند خورد اگر هفتاد بار کشته شوم سوزانده شوم و خاکسترم بر باد رود هرگز تو را رها نخواهم کرد. سپاه دشمن چون یارای تن به تن جنگیدن با او را نداشت او را در سنگ باران کردند. در لحظه‌های آخر که حبیب بن مظاهر بالای سر او رفت او را توصیه کرد که مبادا حسین (7) را تنها گذارد. (فرهنگ عاشورا، جواد محدثی).

- **مشکینی (فیض)**، **علی اکبر**: آیت الله علی اکبر فیض معروف به مشکینی در سال 1300 در روستایی از توابع بلوک مشکین و در خانواده‌ای متدین و اهل علم دیده به جهان گشود. پدر وی نیز روحانی و اهل علم و تقوی بود. ایشان پس از کسب مقدمات علوم دینی در نجف به ایران بازگشت و پس از رحلت پدر به اردبیل مهاجرت کرد و در آنجا ادامه تحصیل داد. ایشان از نخستین افرادی بود که در نهضت سخنرانی از قیام روشنگرانه امام دفاع کرده و به همراه 27 نفر از اساتید حوزه به نقاط مختلفی مثل کاشمر، ماهان کرمان و گلپایگان تبعید شد. ایفای نقش ایشان در جریان‌ات مختلف بعد از انقلاب در مسئولیت‌هایی چون عضویت در خبرگان، تدوین قانون اساسی، عضویت در جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و ریاست شورای بازنگری قانون اساسی مشهود است. در کارنامه علمی و فرهنگی ایشان تأسیس مؤسسه الهادی و تألیف، تصحیح و ترجمه ده‌ها جلد کتاب و مقاله را می‌توان مشاهده کرد.
- **مصدق**، **محمد**: دکتر محمد مصدق در اردیبهشت 1258 به دنیا آمد. در مدرسه سیاسی تازه تأسیس به تحصیل پرداخت. در دوره اول به نمایندگی اصفهان وارد مجلس شورای ملی شد. از مدرسه علوم سیاسی پاریس و از دانشگاه نوشاتل درجه دکترا در حقوق و جواز وکالت گرفت. در کابینه مشیرالدوله به‌عنوان وزیر دادگستری معرفی شد. مدتی از سوی مردم فارس، والی (استاندارد) ایالت فارس شد. در کابینه قوام‌السلطنه به وزارت دارایی منصوب شد. مدتی والی آذربایجان شد. با وجودی که در کابینه سردار سپه به وی پست نخست‌وزیری پیشنهاد شد نپذیرفت و رحل اقامت در احمدآباد مستوفی افکند. مدتی به بیرجند تبعید شد اما به‌علت بیماری مجدداً او را به احمدآباد برگرداندند. در جریان سی تیر دولت قوام برکنار شد و دکتر مصدق با تصدی وزارت جنگ نخست‌وزیر شد و در 25 آذر تلفن را ملی

اعلام کرد و پس از کودتای 25 مرداد 1332 که منجر به فرار شاه از ایران شد. در کارنامه دکتر محمد مصدق ملی اعلام کردن صنعت نفت قابل توجه است. پس از 28 ماه زمامداری و کودتای دیگر شاه به ایران برگشت و مصدق برکنار و محاکمه شد، سرانجام در 14 اسفند سال 1345 چشم از جهان فرو بست. «دهخدا»

- **مطهری، مرتضی:** (1298-1357ش) در مشهد در خانواده‌ای روحانی متولد شد و در اوان کودکی به تحصیل علم پرداخت. وارد حوزه علمیه شد و چندی بعد، از محضر استادانی چون امام خمینی، آیت‌الله بروجردی و علامه طباطبایی بهره جست. استاد مطهری از سال 1331 بعد از عزیمت به تهران، تدریس و تبلیغ و سخنرانی‌های خود را در مدارس و محافل مذهبی آغاز کرد و در سال 1342 بعد از سخنرانی‌ای مهیج علیه رژیم شاه روانه زندان شد اما پس از آزادی فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی و مبارزاتی خود را از سر گرفت و تا پیروزی انقلاب و پس از آن لحظه‌ای از آگاهی بخشی به جوانان و جامعه از پاننشست تا آنجا که به‌عنوان مهم‌ترین نظریه‌پرداز جمهوری اسلامی نامبردار شد. اما سرانجام در 11 اردیبهشت 1358 به دست گروهک منحرف فرقان به شهادت رسید.

- **معاویه:** معاویه بن ابی‌سفیان زمامداری خودکامه و طاغوتی جبار بود پدرش ابوسفیان و مادرش هند جگرخوار از سرسخت‌ترین دشمنان اسلام بود از زمان عثمان والی شام گشت و با علی (7) جنگید. و همواره علیه او توطئه می‌کرد. معاویه به هیچ یک از تعهدات صلح‌نامه‌ای که به امام حسن (7) تحمیل کرد وفا نکرد. از جمله بدعت‌های معاویه بیعت اجباری از مردم گرفتن برای ولایت عهدی فرزند شراخوار و نالایقش یزید بود. قوی‌ترین گروه مخالفان بیعت با یزید حسین بن علی (7) که هرگز در برابر آن پدر و پسر سکوت نکرد. امام حسین (7) درباره بنی‌امیه فرمود: «انا وهم الحضان الذان اختصمانی ربهم» «ما و آنان در خصمی هستیم که نزاعمان برسر مسئله خداست». معاویه در تحکیم سلطه بنی‌امیه بر مسلمانان و روی کار آمدن یزید و جنایتهای بعدی سهم عمده داشت.

- **مفتح، محمد:** در سال 1307 (ه. ش) در همدان دیده به جهان گشود. در آنجا به تحصیل دوره دبستان و مقدمات علوم اسلامی روی آورد. سپس به حوزه علمیه قم

مهاجرت کرد. درحالی‌که در این حوزه به درجه اجتهاد رسید، در دانشگاه تهران نیز موفق به اخذ درجه دکتری گردید. نقش شهید مفتاح در صحنه‌های مهم مبارزات انقلابی از جمله اقامه نماز دشمن‌شکن عید فطر 1357 بسیار حساس بود. در خطبه‌های نماز جمعه برای اولین بار نام امام خمینی را آشکارا بر زبان جاری کرد و رهبری امام را مورد تأکید قرار داد و مردم را به راهپیمایی برای روزهای بعد دعوت کرد. شهید مفتاح با تشکیل شورای انقلاب، از طرف امام به عضویت این شورا درآمد و در این سنگر منشأ خدمات شایانی شد. آیت‌الله مفتاح، به‌عنوان عضو هیأت علمی دانشگاه تهران، به تدریس و تحقیق می‌پرداخت. سرانجام در 27 آذرماه 1358 به همراه دو تن از پاسداران جان بر کف خود در مقابل دانشکده الهیات از سوی گروهک منافق فرقان به شهادت رسید و در صحن حرم حضرت معصومه (3) به خاک سپرده شد.

• **مقداد:** مقداد ابن عمرو بن اسود. صحابی است بدری از جمله اصحاب رسول‌الله (6) است که در نخستین سال‌های اعلام شریعت اسلام، به اسلام گروید. پدرش عمرو حلیف کنده بود لهذا اورا کندی هم نامند. از جمله هفت نفری است که در نخستین بار اظهار اسلام کردند. مقداد در غزوه بدر شرکت داشت. مقداد بن اسود و سلمان فارسی و ابوذر غفاری و عمار بن یاسر از اولین کسانی هستند که به شیعه علی (7) معروف شده‌اند اینان کسانی بودند که با وجود خلافت ابوبکر در مودت و ولایت علی (7) ثابت ماندند. مقداد در سال 33 ه.ق، در نزدیکی مدینه وفات یافت و جسدش به مدینه حمل شد و در مدینه مدفون گردید. در صحیحین از مقداد 48 حدیث نقل شده است.

• **من طلبنی وجدنی و...:** در هیچ‌کدام از کتب روایی حدیث یا عبارتی دقیقاً مثل این عبارت که به‌خصوص در سال‌های دفاع مقدس به «حدیث قدسی» مشهور بود یافت نشد. در وسائل الشیعه حدیثی شبیه به این نقل شده است: «ان الله تعالی قال: من دعانی احبته و من سألنی اعطيته و من اعطانی شکرته و من عصانی سترته و من قصدنی ابقیه و من عرفنی خیرته و من احببنی ابتلیته و من احبته قتلته و من قتلته فعلی دیته و من علی دیته فأنا دیته» (ج 18، ص 419).

- **ملک‌حسین:** پادشاه مراکش بود سال‌ها به‌عنوان دیکتاتور در جهت خدمت به اسکتبار جهانی به‌خصوص آمریکا بر جان و مال مردم مراکش حکومت جبارانه داشت. به‌عنوان فردی مزدور و وابسته به قدرت‌های جهانی به‌خصوص آمریکا و انگلیس ثروت ملی و منابع نفت این کشور را برای غارت آمریکا محافظت می‌کرد.
- **ملک‌حسین:** حسین بن طلال (زاده 14 نوامبر 1935، درگذشته 7 فوریه 1999). پادشاه اردن از 11 اوت 1952 تا پایان عمر خود به مدت 47 سال بود ملک‌حسین از پادشاهان جزء حلقه اقماری وابستگان آمریکا بود. همیشه جزء پادشاهان مرتجع عرب منطقه بود که منافع ابرقدرت‌ها را بر منافع مردم اردن ترجیح می‌داد.
- **ملک‌فهد بن عبدالعزیز:** پنجمین پادشاه عربستان سعودی و هشتمین فرزند «عبدالعزیز آل سعود» بنیانگذار عربستان جدید بود. زمان به سلطنت رسیدن ملک‌فهد مصادف با اوج رونق نفتی و افزایش دلارهای نفتی بود که عربستان سعودی را به یکی از قدرت‌های بزرگ اقتصادی جهان تبدیل کرد او در سال جنگ ایران و عراق با دلارهای نفتی از صدام‌حسین و سایر گروه‌های مرتجع منطقه حمایت کرد.
- **ملکشاهی:** از جمله شهرستانهای استان ایلام با جمعیتی بالغ بر 32991 متر.
- **منافقین:** در سال 1344 با عنوان سازمان مجاهدین خلق با هدف مبارزه با رژیم پهلوی تشکیل شد. اعضای آن در زندان دچار انحراف شدید فکری شدند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، هر روز با جمهوری اسلامی زاویه مواضعشان بیشتر می‌شد تا در خرداد 1360 علیه جمهوری اسلامی به مشی مسلحانه روی آوردند. فعالیت‌های آنان از سوی حکومت ایران غیرقانونی اعلام شد. پس از آن تغییرات سازمانی وابسته به آمریکا و اقمارش در عراق مستقر شدند و شانه به شانه صدام علیه جمهوری اسلامی ایران فعالیت می‌کردند. سرسپرده صدام شده در تخلیه اطلاعاتی و شکنجه آزادگان و اسرای ایرانی فعالیت می‌کردند. اینک در اردوگاهی در عراق مستقرند به‌عنوان مزدوران آمریکا، انگلیس و اسرائیل همسو با استکبار جهانی و سلطنت‌طلب‌ها و سایر ضدانقلاب‌ها فعالیت دارند.
- **منتظری، حسین‌علی:** در 1364 از طریق خبرگان رهبری به سمت قائم مقام رهبری انتخاب شد و در 1368 به دستور امام خمینی از این مقام عزل شد؛ در مدتی که

ایشان سمت قائم مقام رهبری را برعهده داشتند مورد احترام و علاقه رزمندگان و مردم بودند.

- **موسوی، میرحسین:** در سال 1360 با رأی مجلس شورای اسلامی به نخست‌وزیری جمهوری اسلامی انتخاب شد و تا سال 1368 در این سمت بود. در مدتی که وی نخست‌وزیری را برعهده داشت مورد احترام و علاقه رزمندگان اسلام و مردم بود.

- **مهران:** از جمله شهرستانهای استان ایلام است با جمعیتی بالغ بر 27077 متر در جنوب شهرستان ایلام و صالح‌آباد واقع است.

- **میثم ابن یحیی از موالی:** بنی اسد از اجله اصحاب حضرت علی (7) بود. وی برده زنی از بنی اسد بود و حضرت علی (7) او را خرید و آزاد کرد و میثم نزد علی (7) باقی ماند سپس در کوفه سکونت گزید و به سبب علاقه و ارتباطی که با حضرت علی (7) داشت عبیدالله بن زیاد امیر کوفه او را زندانی ساخت و سپس بر چوبی به صلیب کشید و او در آن حال شروع به بیان فضایل بنی هاشم کرد و چون خبر آنرا به ابن زیاد دادند بدو گفتند که این برده شما را مفتضح ساخت، امر کرد که او لجام نهادند و این نخستین بار بود که در تاریخ اسلام کسی را لجام می‌زدند و سپس با نیزه او را بقتل رساندند و آن در سال 60 ه.ق. و ده روز پیش از ورود امام حسین (7) به عراق بوده است. (از الاعلام زرکلی، ج 8، ص 294). ابوسالم میثم از ایرانی‌های کوفه و از اجله اصحاب حضرت امیرالمومنین علی (7) بوده و او را عبیدالله زیاد ده روز قبل از آنکه حضرت امام حسین به عراق وارد شود در کوفه به قتل رساند. «دهخدا»

- **میثم تمار:** از صحابه خاص حضرت امام علی (7) بود. میثم تمار فرزند یحیی و اهل سرزمین «نهروان» - منطقه‌ای میان عراق و ایران - بود. بعضی او را ایرانی و از مردمان فارس دانسته‌اند. به او «ابوسالم» هم می‌گفتند. لقب «تمار» (خرمافروش) را هم از آن جهت به او می‌گفتند، که در کوفه خرمافروش بود. ابتدا غلام زنی از طایفه «بنی اسد» بود. حضرت علی (7) او را از آن زن خرید و آزاد کرد که بعد از آن از یاران و صحابه آن حضرت شد. هم‌چنین وی از اصحاب پیامبر اکرم (6) به‌شمار آمده است، هرچند از جزئیات زندگی او در سال‌های نخستین حیاتش و در



روزگار صدر اسلام، اطلاع مبسوطی در دست نیست. آشنایی میثم با علی (7) برای او توفیقی بزرگ بود. از این رو به شاگردی در مکتب علی (7) مشغول شد. علی (7) هم با مشاهده استعداد روحی و زمینه مناسب وی دانش و آگاهی‌های بسیاری را به او آموخت. میثم، علم تفسیر قرآن را نزد مولای خود علی (7) فرا گرفت. و از معارفی که از او آموخته بود کتابی تدوین کرد که کتابش را پسرش از او روایت کرد. به همین جهت، میثم یکی از مؤلفان شیعه به حساب می‌آید. نقل است که علی (7) چگونگی کشته شدن میثم را پیشگویی و به وی گفت: «تو را بعد از من دستگیر می‌کنند و به دار خواهند زد. در روز سوم از بینی و دهان تو خون روان خواهد شد و محاسنت را رنگین خواهد ساخت». میثم در آخر سال 60 هجری، ده روز قبل از ورود امام حسین (7) به عراق، توسط عبیدالله بن زیاد دستگیر شد و به همان نحوی که امام علی (7) خبر داده بود به دار آویخته شد و کشته شد.

- **میخائیل سرگنه ویچ گورباچف:** (متولد 2 مارس) 1931 از 1985 تا 1991 آخرین رهبر اتحاد جماهیر شوروی بود. تلاش‌ها و اصلاحات او باعث پایان جنگ سرد شد. اما همزمان یگانگی سیاسی حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی را نیز پایان داد و نهایتاً باعث فروپاشی شوروی شد. گورباچف در سال 1990 جایزه صلح نوبل را دریافت کرده است.
- **میرزا کوچک جنگلی:** از مجاهدان مشروطیت و رهبر قیام جنگل. نامش یونس معروف به میرزا کوچک‌خان فرزند میرزا بزرگ از مردم رشت در سال 1298 هجری دیده به جهان گشود. مقدمات علوم دینی را در مدرسه صالح‌آباد رشت و مدرسه محمودیه شمیران فرا گرفت. پس از فراز و نشیب‌های بسیار تصمیم به تأسیس نهضت جنگل گرفت. با دکتر شمس‌الاطباء و میرزا کریم‌خان و سردار محیی‌الدین و سایر مجاهدین گیلان برای اخراج بیگانگان از ایران به مبارزه پرداخت. فردی معتقد به احکام شریعت بود. مدتی طلبه علوم دینی بود، اما از مقدمات فراتر نرفت. سرانجام در سال (1300 ش) با مرگ مشکوک او نهضت جنگل هم خاتمه یافت. «دهخدا با تلخیص»

• **میرلوحی، سیدمجتبی (نواب صفوی):** مشهور به نواب صفوی از رهبران اصلی سازمان فدائیان اسلام همراه سه تن از همزمانش شهید شد. بدین ترتیب رژیم طاغوت مبارزی متعهد و انقلابی را که فقط بر مبنای اسلام خواهی سخن گفته بود به شهادت رساند. شهید نواب صفوی در سال 1305 هجری شمسی در خانواده‌ای روحانی متولد شد و تحصیلات متداول را در کنار تحصیلات حوزوی ادامه داد. وی بنیانگذار اولین سازمان انقلابی - مکتبی است که راه‌گشای مبارزات مسلحانه اسلامی بود. فداییان اسلام مبارزه با شاه و عوامل او را در داخل و نیز مبارزه با استعمارگران و قدرت‌های خارجی و روشنفکرانهای وابسته به غرب را سرلوحه اهداف خود قرار داده بودند!

• **میمک:** از جمله مناطق استراتژیک و مهم در منطقه ایلام است. از آغاز تحرکات ارتش عراق این منطقه مورد توجه دشمن بود و برای اشغال ارتفاعات میمک عراق تلاش بسیار کرد. چندین بار به اشغال عراق درآمد و مناطقی از آن را نیروهای مبارز ارتش ایلام آزاد می‌کرد. در این منطقه عملیات نظامی بنام ذوالفقار - خوارزم انجام شد. رشادت‌های ایل خزل را در مبارزه برای باز پس‌گیری منطقه و ارتفاعات میمک نباید فراموش کرد. پس از گذشت 7 سال از آغاز جنگ هنوز بخش‌هایی از میمک در دست عراق بود. در عملیاتی بنام نصر 2 با رمز یا حسین مظلوم توسط ارتش جمهوری اسلامی ارتفاعات مشرف و خطوط مواصلاتی دشمن در منطقه میمک آزاد شد.

• **ناکثین:** لقبی است که امیرالمؤمنین علی (7) به اهل واقعه جمل می‌دهد. کسانی که در مدینه با علی ابن ابیطالب (7) بیعت کردند و در بصره عهد خود را شکستند و به جنگ با وی برخاستند.

• **نوری، فضل‌الله:** (حاجی شیخ) بن ملا عباس نوری مازندرانی معروف به شیخ نوری از فقهای امامیه و از مراجع تقلید اوایل قرن چهاردهم است. پس از تحصیل علوم دینی مقیم تهران گشت و در وقایع مشروطیت به حمایت و همراهی از محمدعلی شاه قاجار به مخالفت با طباطبایی و بهبهانی دو روحانی صاحب نفوذ و مشروطه‌خواه پرداخت. پس از فتح تهران گرفتار و در 13 رجب 1327 به دار آویخته شد و در قم

مدفون است. از تصانیف او تذکرة الغافل و ارشاد الجاهل، صحیفه مهدویت را می‌توان نام برد. «دهخدا».

- **نهیست آزادی:** حزبی سیاسی بود که در سال 1340 با جدایی از جبهه ملی ایران و تأکید بر هویت ایرانی - اسلامی تأسیس شد. اولین دبیرکل آن آقای مهدی بازرگان بود. که تا هنگام مرگ در این سمت قرار داشت. بعدها به علت خروج از مسیر کلی و جهت حرکتی جمهوری اسلامی و اخذ مواضع مخالف از سوی نظام فعالیتشان غیرقانونی اعلام شد.

- **واشنگتن:** چهل و دومین ایالت از ایالات متحده آمریکاست واقع در شمال غربی آن کشور. در شمال اقیانوس آرام. همچنین پایتخت ایالت متحده آمریکا نیز به همین نام است. مرکز اداره‌ها و کنگره و مقر رئیس جمهور می‌باشد. این شهر در کنار رود پوتوماک در کنار اقیانوس اطلس در شرق کشور آمریکا واقع شده است. کاخ معروف سفید در این شهر واقع است بسیاری از سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های مهم به‌خصوص در جهت استثمار، اشغال و غارت منافع ملی کشورها در همین کاخ طراحی و مدیریت می‌گردد به همین جهت است که بسیاری از اندیشمندان از این کاخ به‌عنوان مرکز فرماندهی دولتمردان آمریکا یاد می‌کنند.

- **واجب کفایی:** آن است که با فعل بعضی از مکلفان منظور حاصل شود، هرکه باشد فرق نمی‌کند (عده مکلفان معین نیست) مانند جهاد. در هر صورت اگر افرادی در زمینه‌ای که حکم واجب کفایی بدان تعلق می‌گیرد انجام وظیفه نمایند، تکلیف از عهده بقیه ساقط می‌گردد. (لغت‌نامه دهخدا).

- **وراثت زمین:** تعبیر وراثت ارض در آیه‌های متعددی در قرآن به‌کار رفته است با دو نگاه ویژه: الف) وراثت زمین به آنان که هدایت شده‌اند. ب) بازپس گرفتن زمین از آنان که از پیشینیان آن را به ارث برده‌اند. در آیه 74 سوره زمر چنین آمده است: «وقالوا الحمد لله الذی صدقنا وعدة و اورثنا الارض...» ترجمه: «و گویند سپاس و ستایش خدای راست که وعده خویش را به ما راست داشت و زمین (بهشت) را به ما میراث داد.»

• **هابیل:** فرزند آدم و حوا، برادر قابیل است. هابیل و لُبودا از یک بطن از حوا زاییده شدند و قابیل و اقلیما از بطن دیگر به دنیا آمدند. حکم خدا این بود که برادر و خواهر تنی نمی‌توانند ازدواج کنند، باید هابیل با اقلیما و قابیل با لُبودا ازدواج کنند. قابیل نپذیرفت و در حسادت با برادر، قابیل هابیل را کشت. هابیل نخستین کسی بود که توسط برادر کشته شد. گویند جایی که قابیل هابیل را به خاک سپرد در کوهی حدود سرانندیب بود. وقتی قرار شد هر دو برادر (قابیل و هابیل) به درگاه خدا قربانی آورند، از هابیل که گوسفندی را آورده بود، قربانی پذیرفته شد و از قابیل پذیرفته نشد و همین امر قابیل را به قتل برادر تحریک کرد. هابیل شبان بود. هابیل فرزند دوم آدم و حواست. (دهخدا)

• **هاشمی‌رفسنجانی، علی‌اکبر:** از روحانیون مبارز قبل از انقلاب است که در جوانی پیرو مشی فکر سیاسی مبارزاتی حضرت امام شد. قبل از انقلاب مکرر از سوی رژیم پهلوی دستگیر شد. پس از انقلاب اسلامی عهده‌دار مسئولیت‌هایی چون: سرپرستی وزارت کشور، ریاست مجلس شورای اسلامی، ریاست جمهوری، ریاست شورای عالی انقلاب فرهنگی، امام جمعه موقت تهران، رئیس مجلس خبرگان رهبری و... شد. هم‌اکنون ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام را بر عهده دارند.

• **هاشمی‌نژاد، سیدعبدالکریم:** در سال 1313 در بهشهر متولد گردید. از سن 14 سالگی در محضر آیت‌الله کوهستانی، سپس در قم نزد آیات عظام بروجردی و امام خمینی (ره) به تحصیل علوم دینی پرداخت. وی از همان اوایل انقلاب در سال 1341 مبارزات خویش را علیه رژیم ستمشاهی آغاز نمود و با خطبه‌ها و سخنرانی‌های پرشور و انقلابی در نشر افکار انقلابی اسلام و افشای ماهیت رژیم پهلوی تمامی توان خود را به کار برد. کتاب مشهور وی «مناظره دکتر و پیر» یکی از کتب ممنوعه در زمان طاغوت به شمار می‌رفت. او پس از پیروزی انقلاب انقلاب اسلامی به عنوان نماینده خبرگان مشهد مقدس در مجلس قانونگذاری انتخاب و مسئولیت دبیری حزب جمهوری اسلامی مشهد را عهده‌دار شد. از دیگر آثار این عالم مجاهد می‌توان به کتاب‌های ذیل اشاره نمود: هستی‌بخش، مشکلات مذهبی روز، مسائل عصر ما، درسی که حسین به انسان‌ها آموخت.

- **هشت شهریور:** در 8 شهریور 1360 دفتر نخست‌وزیری بر اثر انفجار بمب که توسط منافقان کار گذاشته شده بود، دو هم‌رزم دیرینه، شهید محمدعلی رجایی به‌عنوان رئیس جمهوری اسلامی و دکتر محمدجواد باهنر به‌عنوان نخست‌وزیر در این حادثه دلخراش به درجه رفیع شهادت نائل آمدند.
- **هفت تیر (سرچشمه):** دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی واقع در سرچشمه تهران محل گردهمایی بسیاری از شخصیت‌های سرشناس کشوری بود که در شب هفتم تیر 1360 به‌وسیله بمب منفجر گردید و بیش از 72 تن از چهره‌های انقلابی و نمایندگان مجلس، اعضای هیأت دولت و اعضای حزب جمهوری اسلامی به‌دست منافقان به طرزی فجیع به شهادت رسیدند. در این حادثه غیر انسانی تعدادی از شخصیت‌های انقلاب اسلامی - که در رأس آنان شهید آیت‌الله دکتر سیدمحمد حسینی بهشتی قرار داشت - به درجه رفیع شهادت نائل آمدند.
- **هل من ناصر ینصرنی:** عبارتی که در کتاب «موسوعة کلمات الامام الحسین (7)» آمده این است: «هل من راحم یرحم آل الرسول المختار، هل من ناصر ینصر الذریة الاطهار، هل من مجیر لابناء البتول، هل من ذاب یذب عن حرم الرسول» (ص 506) ترجمه: آیا دلرحمی هست که بر آل رسول مختار رحم کند؟ آیا یاری کننده‌ای هست که ذریت پاک رسول (6) را یاری کند؟ آیا فریادرسی هست برای فرزندان بتول (3)؟ آیا مدافعی هست تا از حرم رسول (6) دفاع کند؟
- **هیئات من الذله:** از روایت‌ها مشهور و شعار حضرت امام حسین (7) است که در مقابل دشمنان خویش بیان شده است. (نفس‌المهموم، ص 131، متقل خوارزمی، ج 2، ص 7، بحارالانوار، ج 45، ص 83). مفهوم این عبارت برای شاعران مایه سرایش اشعار حماسی بلندی شده است. ترجمه «از من دور است که به ذلت تن بدهم». البته این تعبیر جزئی از سخنان گهربار آن حضرت است که در روز عاشورا فرمود: «لا و ان الدعی من الدعی قد رکزنی بین السله و الذله و هیئات له ذلک من، هیئات منا الذله...» (فرهنگ عاشورا، جواد محدثی، ص 505).
- **هویزه:** شهر هویزه جنوبی‌ترین شهر دشت آزادگان و مرکز بخش هویزه یا هوزگان است. این شهر 10 کیلومتری جنوب غربی سوسنگرد قرار دارد. این شهر در دوره

خلفای اسلامی آباد و سرسبز بود و کوشک هویزه و کوشک بصره دو قلعه محکم و دژ دفاعی این سرزمین به شمار می آمد. آب و هوای آن گرم و خشک است. اغلب ساکنان آن شیعه دوازده امامی هستند با آغاز جنگ هویزه آخرین شهر در دست آزادگان بود که به اشغال ارتش عراق درآمد. نیروهای عراقی پس از پیشروی در منطقه سوسنگرد و کرخه نور عملاً هویزه را در محاصره داشتند برای آزادسازی هویزه در عملیات 1357/10/15 با عنوان نصر ضربه ای اساسی به نیروهای عراقی وارد آمد اما در 1359/10/27 بار دیگر نیروهای متجاوز عراق با محاصره هویزه وارد شهر شدند و به غارت منازل پرداختند. طی دوران محاصره و اشغال تقریباً شهر تخریب شد. در تاریخ 1361/12/19 با اجرای مرحله دوم عملیات بزرگ بیت المقدس دشمن عقب نشینی کرد و شهر آزاد شد. در شهر هویزه به یادبود حماسه و مقاومت شهید حسین علم الهدی و یارانش پس از آزادسازی این منطقه پیکرهای مطهرشان شناسایی و در محل یادمان شهدای هویزه به خاک سپرده شد. یادگان معروف حمید در این منطقه است. پس از آزادسازی بلافاصله به فرمان حضرت امام خمینی بازسازی و کار ساخت شهر جدید هویزه به استان قدس رضوی واگذار شد.

• **یاسر:** پسر عامر از نخستین شهیدان تاریخ اسلام، پدرِ عمارِ یاسر و همسر سمیه بود. یاسر از اعراب عنسی مذحجی قحطانی یمن بود که همراه دو برادرش «حارث» و «مالک» از یمن به مکه راه افتاد تا برادر چهارمش را که بر اثر قحطی و خشکسالی و فساد اوضاع حکومت یمن، آواره شده بود، پیدا کند. پس از آنکه سه برادر از پیدا کردن برادر گمشده خود ناامید شدند، مالک و حارث بازگشتند، ولی یاسر در مکه ماند و با رئیس قبیله بنی مخزوم - ابی حذیفه بن مغیره - هم پیمان شد. ابو حذیفه، سمیه دختر خباط را، که بزرگوارترین و پاکدامن ترین کنیز وی بود، به ازدواج یاسر درآورد و پس از آن سمیه را نیز آزاد کرد و بنا گذاشت که فرزندان این زن و شوهر نیز جزء آزادگان (احرار) شناخته شوند. از این ازدواج، پسری به نام «عمار» زاده شد، که بعدها به یکی از یاران نزدیک پیامبر (ﷺ) تبدیل شد و در راه اسلام کشته شد. هنگامی که حضرت محمد (ﷺ) به پیامبری برگزیده شد و آیین اسلام را

به‌طور ناآشکارا وارد مکه نمود، یاسر و سمیه و فرزندشان عمار که در آن هنگام، جوانی رشید و قوی بود، جزء نخستین نفراتی بودند که به دین اسلام گرویدند و تمام خطرات احتمالی را با جان و دل پذیرا شدند. با اسلام آوردن این خانواده و پذیرش آیین توحید و یکتاپرستی و نفی و طرد کفر و شرک، آزار و اذیت‌ها و شکنجه‌های کفار قریش نسبت به آنها آغاز شد و روزبه‌روز فزونی می‌یافت و شدت می‌گرفت. هنگامی که یاسر و همسرش سمیه به پیشنهاد پسرشان عمار اسلام آوردند، مغیره، ابوحنظله، حکم پسر هشام، و ابوجهل او و همسرش را به شکنجه گرفتند. مشرکان این سه نفر را در گرمترین مواقع مجبور می‌کردند که خانه خود را ترک بگویند، و در زیر آفتاب گرم و باد سوزان بیابان به سر ببرند. ابوجهل می‌گفت: یکی از این سه امر موجب رهایی و آسایش شما خواهد بود: 1. ناسزاگویی (سب و شتم) به حضرت محمد (6)؛ 2. بیزاری (تبری) جستن از او؛ 3. بازگشت به لات و عزی. ولی از زبان آنها سخنی جز «الله اکبر» و «لا اله الا الله» و بد گفتن به لات و عزی و یاد کردن نام حضرت محمد (6) با کمال احترام چیزی شنیده نمی‌شد. حضرت رسول (6) برای همدردی و جويا شدن از حال آنها به نزدشان می‌آمد و با رأفت و مهربانی می‌گفت: «ای افراد خاندان یاسر شکيبا باشید! موعده شما بهشت است».

- **یزید بن معاویه:** فرزند معاویه بن ابی سفیان است پس از پدر به خلافت رسید جوانی بود عاری از علم و فضیلت و شهره به فسق و فجور مدتی حاکم بغداد بود. مردم عراق که از او ناراضی بودند به حسین به علی (7) نامه نوشتند و آن حضرت را برای بیعت به عراق فرا خواندند. امام حسین (7) پسر عمش مسلم بن عقیل را برای گرفتن بیعت به کوفه فرستاد نخست با مسلم بیعت کردند اما چون حاکم یزید عبیدالله بن زیاد به کوفه آمد از یاری و بیعت مسلم سرباز زدند و در دهم محرم به امر یزید عمر بن سعد عامل عبیدالله بن زیاد امام حسین (7) و یارانش را در کربلا به امر یزید شهید کردند. زنان و اطفال بجای مانده در واقع کربلا را نزد یزید به شام فرستادند و این کار نفرت عموم مسلمانان را برانگیخت. یزید حتی مردم مدینه را قتل عام کرد. سلطنت یزید سه سال و نیم طول کشید. در سال اول امام حسین (7)

را به شهادت رسانید. در سال دوم شهر مدینه را تاراج کرد و به قتل و غارت مردم پرداخت و در سال سوم هم به مکه حمله کرد.

• **یعقوب:** یعقوب بن اسحاق بن ابراهیم نام پسر اسحاق پیغمبر و او را اسرائیل نیز گویند با عیصو از یک شکم زاییده شدند. نام پیغمبری که پدر یوسف بود. یعقوب دارای دوازده فرزند بود، یعقوب یوسف را که از سایر فرزندان نیکوکارتر بود به جانشینی خود برگزید و همین امر موجب حسادت سایر فرزندان شد. داستان تعامل برادران یوسف با او در قرآن آمده است. یعقوب در 2206 پیش از میلاد مسیح بدنیا آمده است. در فراق فرزندش یوسف سالها گریست تا نابینا شد. وقتی یوسف به عزیزی مصر برگزیده شد پدر را از کنعان به نزد خویش فرا خواند و در آنجا چشمان یعقوب روشن گشت. نوشته‌اند که یعقوب 147 سالگی روح پاک را تسلیم کرد و جسد مبارکش را در حنوط نمودند و در مصر به خاک سپردند. (دهخدا).